

نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی

نویسنده:

مرتضی منطقی

ناشر چاپی:

جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی

مشخصات کتاب

سرشناسه : منطقی، مرتضی

عنوان و نام پدیدآور : نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی/ مولف گروه علوم انسانی - اجتماعی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، مرتضی منطقی.

مشخصات نشر : تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، ۱۳۷۲.

مشخصات ظاهری : ۴۴۷ ص.

شابک : ۴۰۰۰ ریال

یادداشت : به مناسبت گرامیداشت سالگرد حماسه هشت سال دفاع مقدس.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- تبلیغات

شناسه افزوده : جهاد دانشگاهی. دفتر مرکزی. گروه علوم انسانی- اجتماعی

شناسه افزوده : جهاد دانشگاهی . دانشگاه تهران

رده بندی کنگره : DSR۱۶۱۳/م۸ن۸ ۱۳۷۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : م۷۲-۱۵۹۶

مقدمه

قال الـذین اسـتکبروا للـذین استضـعفوا انحن صـددناکم عن الهـدی بعـد اذ جاءکم بل کنتم مجرمین - و قال الذین استضـعفوا للذین استکبروا بل مکر اللیل و النهار.

(سبا / ۳۲و۳۳)

اینکه پیروزی و شـکست در جنگها، به عوامل متعـدد نظامی، اقتصادی، سیاسـی و اجتماعی بسـتگی دارد، تاکنون بسیار سـخن رفته است؛ در حـالی که از عوامل روانی مؤثر در جنگ کمتر بحث شـد است، با اینکه اهمیت این عامل اگر از سایر عوامل بیشتر نباشـد، کمتر نیست.

قرآن کریم در برخورد با یهودیانی که برای تمسـخر مسألهی قرض‌الحسـنه، از فقر خدای مسـلمانان سخن بر زبان آوردند، مسأله قتل انبیای الهی توسط قوم یهود را مطرح می‌کنـد؛ یعنی عملیات روانی آنها را با قتل انبیای الهی برابر نهاد. رسول خـدا صـلوات الله علیه برای ارعاب قبایل مختلف غزواتی را بدون انجام هر نوع درگیری صورت داد، و حضرت علی علیه‌السلام در جنگ جمل از یکی از یاران خود خواست که به میان سپاه طلحه و زبیر برود و آنها را به قرآن بخواند و اگر آنها دست راست وی را قطع کردند، با دسـت چپ قرآن را بگیرد و آنان را به حق بخواند و اگر دست چپ او را هم قطع کردند، وی کتاب خدا را با دندان خود بگیرد و سپاهیان طلحه و زبیر را به حق بخواند. و آن صـحابی نیز چنین کرد و به شـهادت رسـید. اینگونه برخورد با دشمنان نشان می‌دهد که مکتب، رسول خدا و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام به عوامل روانی مؤثر در جنگها توجهی تام

[صفحه ۱۰]

داشته‌اند. در جنگ تحمیلی، ما با تبلیغات شدید و منظم و حساب شده‌ی عراق مواجه بودیم. به عنوان مثال عراق تبلیغ می‌کرد: ایران آغازگر جنگ بوده است؛ ایران در پی گرفتن انتقام قادسیه اول است؛ ایران دین مجوسی و ضداسلامی دارد و از دین به عنوان پوشش استفاده می‌کند؛ ایران همواره آغازگر جنگ شهرها بوده است؛ ایران در زدن هواپیماهای مسافربری، قطارهای مسافربری و.. همواره پیشقدم بوده است؛ (امام) خمینی فتوا داده است که ایرانی‌ها اسرا را بکشند؛ ایرانیها اسرا را دو تکه کرده و آنها را چنان شکنجه می‌دهند که به معلول شدن آنها می‌انجامد و...؛ همینطور متأسفانه ما با وجود مواجهه با مقاومت سرسختانه‌ی نیروهای عراقی، با ساده‌اندیشی در انتظار درهم شکسته شدن آنها بودیم تا آنکه اثرات تبلیغات عراق در مواردی مانند تهاجم شیمیایی به شهرا، جنگ‌طلبی ایران و... و اثرات تبلیغات مغشوش خودمان که حاوی مواردی نظیر «سال سرنوشت»، دادن وعده‌های «مقابله به مثل شدید»، تغییر مکرر تز «زمان به نفع ماست» و «زمان به نفع ما نیست» و....بود؛ در ماههای نخست سال ۶۷ بوضوح نمایان شد و نقشی اساسی را در شکستهای بزرگ ایران در سال ۶۷ ایفا کردند.

گروه علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی در راستای برنامه‌های پژوهشی خود در دوران جنگ، در حد امکانات، پژوهش و تحقیق در مسائل جنگ روانی و عملیات روانی را در دستور کار قرار داد، در ادامه‌ی تحقیقات میدانی خود درباره اسرا و ترجمه‌ی متون تئوریک جنگ روانی، لازم دید که برای دادن دیدی وسیعتر به مسئولان و دست اندرکاران جنگ و تبلیغات کشور در باب روشهای جنگ روانی [۱] و عملیات روانی [۲] دشمن، به تحلیل تبلیغات عراق و استکبار جهانی بپردازد. از همین رو، تحقیقاتی با عناوین: بررسی موضع گیریهای صدام پس از فتح فاو، انگیزه‌های روانی مقاومت بدنه‌ی

[صفحه ۱۱]

ارتش عراق، بررسی بهترین ریسک ممکن در بازپس گیری فاو، بررسی مواضع صدام در مقطع فتح فاو تا سقوط فاو و.... انجام داد و در نهایت درصدد برآمد تا تحلیلی کلی از جنگ روانی و عملیات روانی عراق و استکبار جهانی در طول جنگ را ارائه کند. بنابراین با توجه به پیشینه‌های تحقیق در این زمینه (تحقیقات جهاد دانشگاهی و معدودی از تحقیقات ستاد تبلیغات جنگ و واحد جنگ روانی قرارگاه خاتم‌الانبیا) این تحقیق، با استفاده از بهترین منابع موجود و با به‌کارگیری قریب ۲۵۰۰ فیش در متن کتاب، به ارائه توصیفی از روشهای جنگ روانی و عملیات عراق و استکبار جهانی پرداخته است و می‌توان گفت در این زمینه در نوع خود جامعترین کار ممکن تا حال حاضر به شمار می‌آید.

در خصوص نحوه‌ی گردآوری داده‌های تحقیق، لازم به ذکر است که مأخذ این تحقیق به ترتیب اولویت، بولتنهای ویژه‌ی روزانه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ روزنامه‌ی الثوره (ارگان رسمی حزب بعث عراق) و تحلیلهای منتشر شده‌ی سپاه درباره‌ی جنگ بوده‌اند.

بولتن ویژه‌ی روزانه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی، حاوی ترجمه‌ی مهمترین اظهارات رادیو عراق، رادیوهای بیگانه، و تحلیل روزنامه‌های عراق و روزنامه‌های عمده‌ی استکبار جهانی در خصوص ایران (و جنگ ایران و عراق) و گاه برخی از گزارشهای داخلی است که به علت تنوع منابع و اعتبار رسانه‌های مورد نظر، از ارزش توصیفی بالایی برخوردارند.

چون تنها متن خلاصه شده‌ی سخنان صدام، در بولتنهای ویژه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی ارائه شده بود و نهادهای محل رجوع ما هم فاقد ترجمه‌ی اظهارات کامل وی بودند، تیم تحقیق، به ترجمه‌ی سخنان صدام از روزنامه‌ی الثوره (ارگان رسمی حزب بعث

عراق) پرداخت و به این ترتیب، بیشتر استنادهای موجود به صدام، از ترجمه‌ی سخنرانیهای منعکس شده‌ی وی در الثوره برداشت شده است [۳].

سومین مأخذ عمده‌ی تحقیق، کتابهای (بیشتر توصیفی) سپاه درباره‌ی جنگ تحمیلی و برخی از گزارشهای عینی از جبهه‌های جنگ بوده‌اند که در موارد لازم، زیرنویس فیشهای

[صفحه ۱۲]

برداشت شده راهنمای مراجعان به اصل منابع است. نکته‌ی قابل تذکر تقسیم‌بندی است که برای تحلیل دقیقتر جنگ روانی و عملیات روانی دشمن در طول جنگ تحمیلی، صورت گرفته است. از آنجا که جنگ حالتی یکنواخت نداشت و فراز و نشیبهای بسیاری در مراحل مختلف آن به چشم می‌خورد، برای شناخت نقاط عطفی که مراحل مختلف جنگ را از یکدیگر جدا می‌ساخت، به ادبیات موجود در این زمینه مراجعه کردیم و در نهایت با توجه به تحلیلهای بعضی از مسئولان و دست اندرکاران دفاع مقدس در خصوص مرحله بندیهای جنگ و تقسیم‌بندی فراز و نشیبهای آن توصیفی از مراحل مختلف جنگ به دست دادیم که همین مرحله بندیها، مبنای تحلیل روانی ما قرار گرفت. [۴] با توجه به این تحلیل، تحقیق ما از سه مرحله برخوردار شد که این سه مرحله، طی سه فصل ارائه شده‌اند.

فصل اول به بررسی مسائل روانی جنگ از آغاز تهاجم عراق به مرزهای ایران تا تاریخ ۵ / ۷ / ۶۰ می‌پردازد. این مرحله دوران پیشروی اولیه عراق، انسجام نیروهای ایران و مقابله با نیروهای ارتش عراق و در نهایت، رسیدن جنگ به حالت توازن قوا و تعادل و توقف را شامل می‌شود.

فصل دوم از تاریخ ۵ / ۷ / ۶۰ شروع می‌شود و تا تاریخ ۲۳ / ۴ / ۶۱ به طول می‌انجامد. در این مرحله از جنگ که شاهد انسجام سیاسی - روانی جامعه‌ی ایران، انسجام نیروهای ایران، وحدت سپاه و ارتش و در خدمت جنگ بودن دیپلماسی هستیم، پیروزیهای بزرگ و پی‌درپی نصیب ایران می‌شود، و صدام و ارتش عراق در معرض سقوط و شکست جدی قرار می گیرند.

فصل سوم از تاریخ ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ شروع می‌شود و تا پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ به طول می‌انجامد. در این مرحله از جنگ، ایران شاهد فراز و نشیبهای بسیاری در مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش است و حاصل این فراز و نشیبها، مجموعه‌ای از پیروزیها و شکستهاست.

نکته‌ی دیگری که تذکر آن به عنوان پیشنهاد تحقیق لازم می‌نماید، ضرورت توجه به این نوع از تحقیقات، به‌کارگیری عملی از نتایج تحقیقات و ضرورت حمایت انسانی و

[صفحه ۱۳]

مالی از آنها است، زیرا وجود سازمانی که به تحلیل علمی و سریع تحولات سیاسی تبلیغاتی دشمنان ما و استکبار جهانی بپردازد، ما را از بسیاری فریب خوردنها برحذر می‌دارد. بعلاوه، چون مسائل مطرح شده در جنگ روانی و عملیات روانی به تخصصهای مختلف روان‌شناسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و اطلاعات دقیق فعل و انفعالات نظامی نیاز دارد، در صورت بهادادن به این تحقیقات و حمایت از آنها می‌توان به بینشی هر چه واقعگراتر دست یافت (و متأسفانه همانطور که از متن تحقیق ما بر می‌آید، به علت کمبود امکانات لازم، و محرومیت تیم تحقیق از سایر تخصصهای لازم و عدم دسترسی به اطلاعات دقیق تحولات نظامی ایران

و عراق، وجه بارز تحقیق ما را پرداختن به مسائل روانی تشکیل می‌دهد.)

در ضمن در انتهای تحلیل و توصیف هر مرحله از جنگ، خلاصه‌ای مشتمل بر مهمترین عناوین مطرح شده در آن مرحله آورده شده است.

در خاتمه از خواهران محترم فخرالسادات رهبرنیا، طاهره‌ی رستمیان، مهری فراهانی و زینب امانی که حجم عظیم فیش برداریهای هشت سال جنگ تحمیلی بر عهده آنها بود و بدون کمک آنان انجام چنین کاری میسر نبود، صمیمانه تشکر می شود. همینطور از مسئولان ستاد تبلیغات جنگ که با در اختیار قرار دادن آرشیو غنی آن ستاد، بار سنگینی از کار تحقق ما را کاستند، تشکر می‌شود.

و در آخر، ان شاءالله که حضرت حق پذیرنده این سیاهه باشد.

خرداد ۶۸.

[صفحه ۱۷]

نگاهی به مرحله‌ی اول جنگ ۳۱ / ۶ / ۵۹ تا ۵ / ۷ / ۶۰

ترسیم چهره‌ی منفی برای ایران

با متزلزل شدن پایه‌های حکومت شاه، امریکا به دلایل متعددی تصمیم گرفت عراق را جایگزین ژاندارم قبلی خویش سازد. در راستای این هدف، با کنار گذاشته شدن حسن البکر، صدام در عراق به قدرت می‌رسد و درصدد بر می‌آید بتدریج مردم مسلمان عراق، و ارتش ضد صهیونیست این کشور را برای برخورد با ایران آماده کند، تا در صورت عدم موفقیت سناریوهای امریکا در سرنگون‌سازی جمهوری اسلامی (کودتا، تجزیه‌طلبی اقوام مختلف، ترور مسئولان کشور) با تهاجم نظامی به ایران، به عنوان حربه‌ی دیگر امریکا وارد عمل شود.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در آغاز، درصدد بر می‌آید تا در تلاشی همه‌جانبه، چهره‌ی مطهر جمهوری اسلامی را در افکار عمومی عراق به شکلی منفی ترسیم کند تا در صورت وقوع جنگ این القائات ذهنی را در سطح مردم و نظامیان عراقی، توسعه ببخشد. و به این ترتیب، مردم و ارتش عراق را برای ایستادن در برابر سپاه توحید آماده کند و در مراحل بعدی، محرومیتهای ناشی از جنگ را برای مردم عراق قابل تحمل سازد و مهمتر از اینها، در مردم و نظامیان عراقی انگیزه‌ی کشتن سپاهیان توحید و کشته شدن در راه مطامع استکبار جهانی را ایجاد کند. به این ترتیب در فضای دیکتاتوری بسته‌ی جامعه‌ی عراق، که از سویی با سانسورهای مختلف مواجه است و از سوی دیگر، به علت ستایش و تبلیغ صرف اندیشه‌ی بعثی‌ها (که در صورت لزوم حتی دست به تحریف تاریخ هم می‌زدند) به یکنواختی گراییده بود، تبلیغات عراق با پیروزی انقلاب اسلامی، بتدریج افکار عمومی را به سوی دشمنی کینه‌جو و ضداسلامی در شرق کشورشان متوجه می‌کند.

[صفحه ۱۸]

با فرار شاه از ایران، رسانه‌های خبری عراق برای مخدوش ساختن اصالت حرکت مردم، از انقلاب ایران با عنوان «حرکتی امریکایی» [۳۳] یاد می‌کند و با پیروزی انقلاب اسلامی، صدام ضمن ارائه‌ی تحلیلی به رده‌های پایین‌تر حزب بعث در خصوص علل ظهور

انقلاب اسلامی چنین می گوید:

«استعمار امریکا هنگامی که احساس کرد شاه وجهه‌ی خود را در بین ملت ایران از دست داده و سیاستی مستقل از غرب در پیش گرفته است، تغییر او را امری ضروری دانسته، (امام) خمینی را برای اجرای سیاستهای خود، به عنوان جایگزینی برای وی برگزید و قطعا نظام حکومتی او، موضعی مخالف در قبال عراق، انقلاب این کشور و امت عربی اتخاذ خواهد کرد». [۳۰] .

علاوه بر این، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با طرح برخی از رخدادهای تاریخی واقعی یا مجعول، سعی می کند برای ریشه‌های اختلافات ایران و عراق تبیینی تاریخی فراهم آورد. به عنوان مثال، به مردم هشدار می‌دهد:

«طوفان تهاجم از جانب شرق به سمت عراق و امت عربی در حال وزیدن است و نژادپرستان ایرانی که هزاران سال است چشم طمع به سرزمینهای امت عربی دوخته‌اند، در صددند همانطور که متجاوز از دو هزار سال پیش، هخامنشیان قسمتهایی از عراق را دوباره به اشغال خود درآوردند، اکنون به رهبری (امام) خمینی عراق را دوباره به اشغال خود درآورند» [۳۱] .

در همان زمان، دستگاه تبلیغاتی عراق فیلمی به نام «قادسیه» تهیه کرد و با تحریف نبرد قادسیه، که بین اسلام و کفر انجام گرفته بود، «از نبرد قادسیه به عنوان نبردی که بین اعراب و فارسها رخ داده و به پیروزی اعراب منجر شده بود، یاد کرد». [۳۲] در زمان جنگ هم همین سخنان را می‌شنویم. «اکنون ایرانیان درصدد گرفتن انتقام قادسیه‌ی اول

[صفحه ۱۹]

برآمده‌اند» [۳۳] علاوه بر این، در این تبلیغات، عراق با استناد به عطوفت کورش در حق یهودیان عصر خودش، از «روابط تاریخی ایران با صهیونیست‌ها از عصر بابلی قدیم» [۳۰] سخن گفته و ضمن ترسیم تداوم این روابط تا عصر حاضر، می گوید:

«اکنون نیز ایران در خدمت تحقق اهداف صهیونیسم در منطقه است و در هدفی مشترک با وی، درصدد تهاجم به عراق است» [۳۱] .

در فراز دیگری از این تبلیغات عراق درصدد بر می‌آید تا مسلمان بودن مردم ایران را انکار کند و آنها را به عنوان «آتش‌پرست» [۳۲] و «مجوس» [۳۳] معرفی کند. یکی از استدلالهای دستگاه تبلیغاتی عراق در مجوس نامیدن ایرانیان به شرح زیر بود:

«ایرانیان مجوس در صدر اسلام سعی می کردند از گسترش و ترویج اسلام جلوگیری کنند، اما کاری از پیش نبردند، تا اینکه هزار سال قبل مجلسی در قم برپا ساختند و تصمیم گرفتند دین اسلام را از داخل تضعیف کنند» [۳۰] .

(البته بعدها واژه‌ی مجوس در تبلیغات عراق کمتر استفاده شد، و بیشتر روی پوشش اسلامی ایرانیها و سوء استفاده‌ی ایران از دین تأکید می‌شود).

مخدوش ساختن شخصیت نورانی حضرت امام خمینی در قبل و بعد از شروع جنگ، محور مهم دیگری است که دستگاههای تبلیغاتی عراق برای نفی اسلامی بودن جمهوری اسلامی انجام می‌دهد. به همین منظور، در هر جلسه و مجمع هنری، ادبی، شعرخوانی و... که در عراق برپا می‌شود «(امام) خمینی به تمسخر گرفته شده» [۳۱] و به ایشان «اهانت می‌شود» [۳۲] .

رادیو صوت الجماهیر عراق در یکی از تحلیلهای خود ضمن زیر سؤال بردن

[صفحه ۲۰]

شخصیت اسلامی حضرت امام چنین می گوید:

«اقشار مختلف مردم مسلمان عراق، همچنان انزجار خود را از گفته‌های (امام) خمینی مبنی بر منتقل کردن جسد حضرت علی (ع) از نجف به قم اعلام می‌دارند.

شیخ محمد صالح سعیدی، رئیس تبلیغات مذهبی استان دیالی (عراق) گفته‌های باطل (امام) خمینی را پیرامون اسلام و پیغمبر اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار، محکوم کرد و از همه‌ی مردم عراق خواست تا با فارسهای کینه‌جو به نبرد و ستیز بپردازند. وی همچنین افزود، روحانیون عراق آمادگی خود را جهت حمل سلاح برای دفاع از حریم اسلام و دین در برابر تجاوزات فارسهای دشمن، اعلام می‌دارند» [۳۳] .

صدام و توجیه سیاسی (نهاد عقیدتی - سیاسی ارتش عراق) نیز به آماده ساختن اذهان ارتش می‌پردازند. صدام ضمن ایجاد «کینه و بغض نسبت به ایرانی در نظامیان عراقی» [۳۰] دستور می‌دهد «که مطالعات دانشگاه نظامی البکر، روی طرحهای تهاجمی به مرزهای ایران تمرکز یابد» [۳۱] و توجیه سیاسی ارتش عراق با در اختیار گذاشتن منابع مجعول و دروغین، از افسران و سربازان حزبی می‌خواهد تا رساله‌هایی تحت عنوان «تاریخ دشمنی فارسها نسبت به اعراب را به رشته‌ی تحریر درآورند» [۳۲] در راستای وظیفه‌ای که عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، به عهده‌ی توجیه سیاسی گذاشته بود، این نهاد می‌کوشد تا «ذهن افسران جزء و سربازان ساده‌لوح را از مسائل خرافی نظیر امام حسین، حضرت عباس و... پاک سازد» [۳۳] .

با حادثه‌ی سوء قصد به طارق عزیز در فروردین ۵۹ در دانشگاه مستنصریه‌ی بغداد، رژیم عراق بدون آنکه تحقیق رسمی درباره‌ی عاملان سوء قصد داشته باشد، ایران را

[صفحه ۲۱]

مسئول سوء قصد به طارق عزیز معرفی می‌کند و صدام سه بار قسم یاد می‌کند، انتقام خون کسانی را که در جریان سوء قصد به طارق عزیز کشته شده‌اند، بگیرد.

از سوی دیگر، مجروحان حادثه‌ی سوء قصد، که گاه تنها دچار کوفتگی بدن یا ساییدگی پوست شده بودند، به بزرگترین بیمارستان بغداد منتقل شدند و «صدام ضمن عیادت از آنها، سخنرانی آتشینی را در استهزای ایران و انقلاب اسلامی ایراد کرد و تلویزیون دولتی به پخش آن مبادرت ورزید» [۳۰] بعد از حادثه‌ی مستنصریه، رژیم عراق تصمیم گرفت کسانی را که «در رگهایشان خون ایرانی» [۳۱] جریان دارد، اخراج کند و در این میان، افرادی که گاه ایران را ندیده بودند و با زبان فارسی آشنایی نداشتند، پس از مصادره‌ی اموال، مجبور می‌شوند خانه و کاشانه خود را ترک کنند.

در ماههای قبل از جنگ، برخی از تبلیغات برون مرزی مانند «پیامهای عربی که بعد از حمله‌ی ناراضیان مسلمان به مسجد اعظم مکه در نوامبر ۷۹، مسلمان را به سرنگون کردن حکومتهای ارتجاعی، سرکوبگر و ضد اسلامی خلیج تشویق می‌کرد» [۳۲] و اظهارات برخی از مسئولان ایرانی در پاسخ به جنگ سرد موجود میان ایران و عراق مانند «اعلام آمادگی ایران برای جنگ علیه یک کشور معلوم الحال عرب» [۳۳] مورد سوء استفاده‌ی دستگاه تبلیغاتی عراق قرار گرفت و این دستگاه، با توسل به این اظهارات و بیانات، جمهوری اسلامی را در اذهان عامه‌ی مردم به عنوان کشوری با روحیه‌ی سلطه‌طلبی و جنگ‌افروزی معرفی کرد.

مسائل ساختگی «هدف قرار گرفتن شهرهای عراق توسط توپخانه‌ی ایران» [۳۰] و «تهاجم ایران به شط العرب» [۳۱] و رخدادهایی نظیر «بازپس گیری مناطق زین‌القوس و سیف سعد» [۳۲] ، «لغو قرارداد ۱۹۷۵» [۳۳] «و... همگی از موضوعات مهمی بودند که صدام و

[صفحه ۲۲]

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق ضمن پرداختن به آنها، به تبیین چهره‌ای منفی برای جمهوری اسلامی می‌پردازند.

با شروع جنگ، عراق با خرید و به‌کارگیری شعرا، نویسندگان و روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی، به‌کارگیری فیلمهای سینمایی (شیرین و وحشی، نبرد قادسیه و...)، فانتزی و کاریکاتوری، فیلمهای تلویزیونی، بهره‌برداری از ایرانیان فراری و برخی از اسرا، نشریات و... به طرح مسائلی پرداخت تا افکار عمومی مردم عراق را تحریک کند. برخی از این مسائل عبارتند از:

«ایران در پی ایجاد یک امپراتوری فارسی است؛ ایران قصد تجاوز به سایر کشورهای عربی را دارد؛ ایران می‌خواهد بر کل خلیج عربی و کشتیرانی آن مسلط شود؛ ایران قصد غصب منابع طبیعی عراق را دارد؛ ایرانیها در صورت پیروزی، ثروت مردم عراق را چپاول خواهند کرد؛ ایرانیها پس از ورود به عراق همه جا را تخریب خواهند کرد؛ نظامیان ایرانی با تصرف عراق، زنها، بچه‌ها و پیرمردها را خواهند کشت؛ ایرانیها در صورت تصرف عراق به نوامیس مردم عراق تجاوز خواهند کرد؛ ارتش ایران قصد اسارت مردم عراق را دارد؛ ایرانیها وحشی هستند؛ ایرانیها احمق هستند؛ جمهوری اسلامی انقلاب کفر است؛ جمهوری اسلامی تنها پوششی از دین را دارد؛ ایران با اسرائیل رابطه دارد؛ ایران با امریکا رابطه دارد؛ ایرانیها اسلام را نمی‌شناسند؛ ایرانیها...» [۳۰] .

به همین ترتیب، توجیه سیاسی ارتش عراق نیز با به نمایش گذاشتن فیلمها و عکسها، شایعه پردازیها، صدور ابلاغیه‌های رسمی (مبنی بر اینکه مثلا در حال حاضر، شیوه‌ی اسیرکشی ایرانیها قطع سر اسرا با اره‌های برقی است و...)، برگزاری جلسات توجیهی در خصوص رفتار ایرانیان با اسرا و پناهندگان عراقی و... اذهان نظامیان عراقی را نسبت به جمهوری اسلامی مشوب می‌سازد. برخی از این موضوعات عبارتند از:

«ایرانیها خون اسرا را برای مجروحان خودشان می‌گیرند، ایرانیها اسرا را مثله

[صفحه ۲۳]

می‌کنند، ایرانیها دست و پای اسرا را قطع و سپس آنها را رها می‌کنند؛ ایرانیها با رفتارهای ظالمانه‌ای که با اسرا دارند، موجب مرگ یا معلول شدن آنها می‌شوند؛ ایرانیها اسرا را با باطوم برقی می‌زنند و آنها را شبها روی برف و یخ نگه می‌دارند؛ ایرانیها اسرا را از سقف وارونه آویزان می‌کنند؛ ایرانیها با اسرا عمل لواط انجام می‌دهند؛ ایرانیها شلنگ آب را با شدت در دهان و... اسرا باز می‌کنند؛ ایرانیها به اسرا غذای کافی نمی‌دهند، ایرانیها اسرا را مجبور به ترک مذهبشان می‌کنند؛ ایرانیها از فعالیت صلیب سرخ برای اسرا جلوگیری می‌کنند؛ ایرانیها...» [۳۱] .

حتی گاهی توجیه سیاسی با «مثله کردن جنازه‌ی سربازان عراقی و به معرض دید گذاشتن آنها» [۳۲] سعی می‌کند تا به تبلیغات خود عینیت ببخشد.

لازم به تذکر است که دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی، با قدری تفاوت، مجدانه چهره جمهوری اسلامی را مخدوش می‌ساختند. عصاره‌ی تبلیغات غرب در این زمینه را می‌توان در اظهارنظر زیر ملاحظه کرد:

«روزنامه‌ی آلمانی زود دویچه زایتونگ، در شماره‌ی امروز خود می‌نویسد: ایران دیگر آن کشور مشهور و با قدرت و حافظ امنیت منطقه نیست. حکومت نامسئول (امام) خمینی که مشکلات هراس‌انگیزی در ارتش دارد و در سراسر ایران با مردم دست به گریبان است و همه جا دست به خنجر می‌زند و مانند جنون زده‌ها، می‌خواهد همه چیزهای سالم را فاسد کند، بدش نمی‌آید که مراکز نفتی ایران و عراق، دو صادر کننده‌ی بزرگ نفت، هر دو از بین برود. حتی بلاتکلیفی و آوارگی مردم منطقه و از بین رفتن مراکز

صنعتی بخشهای عمومی و خصوصی، برای این حکومت مطرح نیست. رژیم مالیخولیایی (امام) خمینی مانند یک غده‌ی سرطانی منطقه را بیمار کرده است و موقعیت و سرنوشت خلیج فارس را بغرنج ساخته است.

روزنامه آلمانی می‌افزاید به هر حال درگیری و کشمکشی که این روزها در

[صفحه ۲۴]

منطقه خلیج فارس به وجود آمده، نشان می‌دهد که ایران دیگر از نظر سیاسی و اقتصادی آن کشور مطمئن و پابرجای پیشین نیست و تصمیماتی که دستگاه حاکم رژیم (امام) خمینی در زمینه‌ی سیاست خارجی می‌گیرد جز به هم ریختن ثبات و امنیت منطقه و بروز اغتشاش و هرج و مرج و قطع صدور نفت، نتیجه دیگری ندارد» [۳۳] .

تلاش برای فریب ایران

در زمان دولت موقت «در جلسات کمیسیون امنیت خوزستان مسأله‌ی تحولات در مرزهای ایران و عراق، نقل و انتقالات عراق و قراینی که حاکی از آماده شدن عراق برای یک تهاجم وسیع علیه ایران است، مطرح شد» [۳۴] .

در ۲۸ شهریور ۵۹، بی.بی.سی ضمن تحلیلی درباره‌ی لغو یکجانبه‌ی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام، گفت:

«پرزیدنت بنی‌صدر رئیس جمهور ایران گفت وی گمان می‌کند که عراق در نظر دارد به ایالت خوزستان در ایران، که از نظر نفت غنی می‌باشد، حمله کند.»

به همین ترتیب، حتی اگر خرابکاریهای عوامل عراق در کردستان و خوزستان، تحریک اعراب خوزستان و... را در نظر نگیریم، با توجه به اینکه «عراق درگیریهای خود را در ۱۴ / ۶ / ۵۹ در غرب آغاز کرد و در ۲۲ / ۶ / ۵۹ در نوار مرزی جنوب دست به اولین درگیریهای ایذایی زد و در این درگیریها از سلاح انفرادی و بعد خمپاره سود جست» [۳۵] احتمال تهاجم عراق به جمهوری نوپای اسلامی بوضوح احساس می‌شد، اما صدام برای پوشاندن قصد تهاجم گسترده‌ی خویش به ایران، درصدد برآمد تا با فریب و تبلیغات خویش، مردم و برخی از مسئولان متعهد نظام را در غفلت نگه دارد، تا بتواند ضربات اولیه‌ی خویش را هر چه کاری‌تر و کوبنده‌تر فرود آورد.

[صفحه ۲۵]

رادیو صوت الجماهیر عراق در ۲۳ / ۶ / ۵۹، ضمن گزارش درگیریهای مناطق زین‌القوس و سیف سعد (که طبق قرارداد ۱۹۷۵ باید این مناطق از سوی ایران به عراق واگذار می‌شد، اما عراق برای داشتن بهانه، در پی گرفتن این مناطق برنیامده بود) و تصرف این نواحی، با استناد به قول صدام چنین می‌گوید:

«ما نمی‌خواهیم بجنگیم و هیچگونه طمعی به سرزمینهای دیگران نداریم، در امور داخلی دیگران دخالت نمی‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم هیچکس به ما حمله کند و همانطور که پرزیدنت صدام حسین گفت ما نمی‌خواهیم با ایران بجنگیم، ولی هر گونه سرزمینی را که فارسها غصب کرده‌اند، بازپس می‌گیریم».

خبرگزاری فرانسه در ۲۵ / ۶ / ۵۹ ضمن گزارش مصاحبه مطبوعاتی عزت ابراهیم الدوری معاون ریاست شورای انقلاب عراق در رم، از قول وی چنین نقل می‌کند:

«عملیات جنگی عراق در مرزهای ایران برای بازپس گرفتن ۱۳۰۰ کیلومتر مربع خاک متعلق به عراق، تا پایان هفته جاری خاتمه خواهد یافت... تصمیم به انجام این عملیات ۱۰ روز پیش توسط بغداد اتخاذ شد تا سرزمینهای این کشور را که طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر باید به عراق عودت داده شود، بازپس گرفته شود. عزت ابراهیم خاطرنشان ساخت نیروهای عراقی تاکنون بخشهای زین‌القوس و سیف سعد را تصرف کرده‌اند و افزود ما در حالت جنگ با ایران بسر نمی‌بریم.»

در تاریخ ۲۷ / ۶ / ۵۹، بی.بی.سی در قسمتی از گزارش خود در خصوص لغو یکطرفه‌ی قرارداد ۱۹۷۵ توسط عراق گفت:

«پرزیدنت صدام حسین گذشته از ادعای نقض قرارداد مرزی توسط ایران، این کشور را متهم به مداخله در امور داخلی و پشتیبانی از شورشهایی در داخل عراق نمود. اما وی افزود که عراق هیچگونه نظری نسبت به سرزمینهای ایران ندارد و به هیچ وجه در نظر ندارد به ایرانیان اعلام جنگ دهد.»

بخش فارسی رادیو بغداد در همین روز در تفسیر خود ضمن حمله به حضرت امام، ایران را تهدید می کند:

«گویا (امام) خمینی تا اینجا که ایران را ویران کرده راضی نشده و می‌خواهد به نام جنگ تمام ایران را خراب کند. بنابراین، عراق در برابر این تجاوزات کت

[صفحه ۲۶]

بسته نخواهد ایستاد، و خود را ناچار خواهد دید که به همان درجه به تجاوز و یا تحریک پاسخ دهد».

تلاش تبلیغاتی عراق برای موجه جلوه دادن تهاجم گسترده این کشور به خاک ایران از حمایت ضمنی رسانه‌های خبری استکبار جهانی نیز برخوردار می‌شود و به این ترتیب بر غفلت مسئولان جمهوری اسلامی می‌افزاید. به عنوان مثال، بی.بی.سی طی تفسیری در خصوص پیامدهای لغو یک جانبه‌ی قرارداد ۱۹۷۵ و تحرکات نظامی عراق در مرزهای ایران در تاریخ ۲۷ / ۶ / ۵۹، ضمن بررسی توانمندیهای نسبتا برابر نظامی ایران و عراق با تأکید بر مشکلات داخلی هر دو کشور (خطر تجزیه‌ی ایران توسط اقلیتها، خطر استقلال‌طلبی اکراد عراق و...) در نهایت چنین نتیجه می گیرد:

«دلایل بین‌المللی قویتری وجود دارد که باعث خواهد شد صدام حسین درگیری نظامی خود با ایران را تنها به تصرف مناطق مرزی وسیعتری محدود کند... خوشبختانه، هیچیک از ابرقدرتها، یعنی ایالات متحده‌ی امریکا و اتحاد جماهیر شوروی مایل نیستند در جنگ عمده‌ای بین عراق و ایران شرکت کنند.»

به این ترتیب صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با برخورداری از حمایت ضمنی رسانه‌های تبلیغاتی غرب، موفق شدند مردم و برخی از مسئولان متعهد نظام را غافل نگه دارند. به این شکل، در زمانی که ایران فاقد آمادگی نظامی بود یعنی در ۳۱ / ۶ / ۵۹ عراق تهاجم گسترده‌ی هوایی و زمینی خود را به ایران آغاز کرد و سعی کرد با انهدام نیروی هوایی ایران در ساعات اولیه‌ی تهاجم خویش این نیرو را از کارآیی لازم بیندازد، که به دلایلی موفق نمی‌شود.

تلاش برای بی انگیزه کردن ارتش

یکی از مهمترین محورهای مورد نظر عراق در اوایل جنگ، تلاش برای بی‌انگیزه کردن ارتش در جنگ بود. به عنوان مثال بخش فارسی رادیو بغداد در قسمتی از تبلیغات خود از «تلاش رژیم برای سرگرم ساختن ارتش در درگیریهای مرزی و غافل شدن از اوضاع

[صفحه ۲۷]

وخیم سیاسی و اقتصادی ایران» [۳۶] و «نزاعهای شدید و زیر پا گذاشته شدن حیثیت ارتش توسط سپاه» [۳۷] سخن می گوید و در قسمت دیگری بیان می کند که «رژیم ایران پاسداران را برای قتل عام زنان و کودکان محروم کردستان به این دیار فرستاده و چون ارتشی‌ها حاضر به انجام چنین کارهایی نمی‌شوند، رژیم جنگ مرزی با عراق را بهانه قرار داده و می‌خواهد افسران و درجه‌داران را، که هر روزه شاهد اعدام برخی از دوستانشان هم هستند، نابود کند» [۳۸] این رادیو در جای دیگری با دلسوزی خطاب به ارتشیان می گوید «سربازان، درجه‌داران و افسران میهن پرست انقلابی ایران، (امام) خمینی با جنگی که می‌خواهد راه بیندازد، درصدد است خانواده‌های شما را بی‌سرپرست کند، مطمئن باشید که احدی در ایران وجود ندارد که شما را ملامت کند که چرا موضع و اسلحه خود را ترک کرده و فرار می‌کنید،این یگانه رفتار عاقلانه است» [۳۹] .

بـا شروع رسمی جنگ، بخش فارسی رادیو بغداد بـا ادعاهایی مبنی بر اینکه «ما با ایرانیها همسایه و برادر دینی هستیم و اساسا با ارتش و ملت ایران جنگی نداریم و تنها در پی احقاق حقمان طبق مفاد عهدنامه‌های بین‌المللی هستیم» [۴۰] و رژیم ایران حقوق ما را نادیده گرفته است و...، سعی می کند انگیزه‌ی جنگیدن را از ارتش بگیرد و ضمن تبلیغات دیگری آشکارا نیروهای ارتشی را «تشویق به انجام عملیات رزمی در تهران کرده» [۴۱] و از آنها می‌خواهد تا «با عملیات خود، بساط آخوندهای... را درهم بکوبند» [۴۲] به همین ترتیب تشویق «به اعتصاب در ارتش» [۴۳] و «ترک پادگانها» [۴۴] از اقدامات دیگر بخش فارسی رادیو عراق است.

[صفحه ۲۸]

در موارد دیگری این رادیو نیروهای ارتشی را ترغیب می کند که «با بالا گرفتن اسلحه خود به نیروهای نجات بخش ارتش عراق، که از کربلا برای آزادسازی مردم ایران می‌آیند، ملحق شده» [۴۵] و از خلبانهای ایرانی خواسته می‌شود تا «با هواپیمای خویش به عراق پناهنده شوند.» [۴۶] .

همچنین از نیروهای ارتشی خواسته می‌شود که به «اکراد مخالف نظام» [۴۷] بپیوندند و از «جبهه‌ها و پادگانها» [۴۸] فرار کنند.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق به طور گسترده سعی دارد بین نیروهای سپاه و ارتش تفرقه بیندازد. به عنوان مثال، بخش فارسی رادیو بغداد پس از آنکه از نیروهای سپاه به عنوان افراد «لات»، «قداره‌بند» «چاقوکش»، «اوباش» و... یاد می کند، ضمن تحریک احساسات نیروهای ارتشی می گوید.

«اکنون طراح نقشه‌های نظامی سپاهی‌ها شده‌اند و این توهین به ارتش به حساب می‌آید» [۴۹] .

و یا در جای دیگری به ارتشیان هشدار می‌دهد:

«رژیم درصدد تصفیه‌ی ارتش و جایگزین کردن سپاه به جای آن می‌باشد» [۵۰] و بالاخره ضمن تبلیغات مسموم دیگری بیان می کند:

«از آنجا که ارتش به بنی‌صدر نزدیک شده است، (امام) خمینی درصدد انحلال ارتش افتاده است» [۵۱] .

سخنان دیگری مانند «سرگرم کردن ارتش در جبهه‌ها برای آنکه رژیم تهران سرجایش بماند» [۵۲] «افزایش موج نارضایتی، خشم و تمرد نظامیان» [۵۳] و... از طرف این

[صفحه ۲۹]

رادیو به طور دایمی تکرار می‌شود. تحلیلهای مشابه توسط رسانه‌های خبری استکبار جهانی و رادیوی ضدانقلاب مطرح می‌شود. به عنوان مثال، آسوشیتدپرس ضمن گزارش سرمقاله‌ی روزنامه دیلی اکسپرس لندن در خصوص جنگ تحمیلی، از احتمال کودتا توسط ارتش سخن می گوید:

«توانایی ارتش ایران، بویژه نیروی هوایی در مقاومت در برابر تجاوز عراق که دور از انتظارات غربیها بود، نشان داد که نیروهای ارتش هنوز از افسران آموزش دیده برای سرنگون کردن حکومت مسجد برخوردارند» [۵۴] .

همین احتمال توسط رادیو اسرائیل هم مطرح شده [۵۵] و مطبوعات امریکا اعلام می کنند:

«رهبران مذهبی واهمه دارند که با پایان گرفتن جنگ، ارتش آنها را از اریکه‌ی قدرت به زیر بکشاند» [۵۶] .

رادیو امریکا هم با تأکید بر سوءظن (امام) خمینی به ارتش، که زمانی طرفدار شاه بوده است، خاطرنشان می‌سازد:

«(امام) خمینی برای سرگرم نگه داشتن ارتش، آنها را در جبهه‌ها مشغول نگه می‌دارد» [۵۷] .

گاهی تبلیغات استکبار جهانی همسو با دستگاه تبلیغاتی عراق از اختلافات سپاه و ارتش سخن می گویند. به عنوان مثال، رادیو بی.بی.سی ضمن گزارشی آورده است:

«در روزنامه‌ی گاردین مقاله‌ای از خبرنگار خبرگزاری رویتر از تهران چاپ شده که حاکی از آن است که مذهبیون تندرو در ایران، سعی دارند نقش نیروهای مسلح را، که با عملیات خود صاحب‌نظران نظامی غرب را حیرت‌زده کرده‌اند، کم‌اهمیت جلوه داده و در عوض بر اهمیت نقش پاسداران انقلاب تأکید نهند» [۵۸] .

[صفحه ۳۰]

بخش فارسی رادیوی ضدانقلاب صدای آزاد ایران نیز، گاه از «همکاری فرماندهان ارتش با بنی‌صدر در مورد اقدام علیه ملاهای رژیم» [۵۹] سخن می گوید و خاطرنشان می کند که «جنگ، موضع ارتش را در اختلافات داخلی ایران تقویت کرده است» [۶۰] ، و گاه به رواج اخبار کذبی مبنی بر «آموزش دادن طلبه‌ها و بچه آخوندها برای جلوگیری از کودتای ارتش» و «عدم توان مقابله آنها با کودتای احتمالی ارتش» [۶۱] می‌پردازد. موضوعات دیگری مانند «فزونی گرفتن نارضایتی ارتش از دخالت بی‌جای آخوندها در جنگ» [۶۲] ، «عدم اعتماد به ارتش» و «نوشتن افتخارات ارتش به نام سپاه» [۶۳] ، «اعتماد به نفس یافتن ارتش در جنگ و احتمال برخورد ارتش با مسئولان رژیم» [۶۴] و... نیز توسط همین رادیو مطرح می‌شود.

به این ترتیب، تبلیغات عراق با حمایت دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی و ضدانقلاب و با تلاش برای دامن زدن به جو سوءظن و بدبینی بین ارتش و مسئولان نظام و تفرقه‌افکنی بین ارتش و سپاه و... درصدد بی‌انگیزه کردن ارتش در جنگ بر می‌آیند. که متأسفانه، این تبلیغات با وجود افرادی نظیر بنی‌صدر، که از جنگ اهرمی برای قبضه قدرت سیاسی ساخته بود، تقریبا به ثمر می‌نشیند و در مدت کوتاهی، به جدایی و کدورت بین ارتش و سپاه می‌انجامد، ولی پس از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و توصیه‌ی موکد حضرت امام مبنی بر اینکه «نه ارتش به تنهایی می‌تواند کاری از پیش ببرد و نه سپاه»، در مرحله‌ی دوم جنگ، جو تیره‌ی قبلی جای خود را به فضایی سرشار از تفاهم می‌دهد (اما متأسفانه این تفاهم و همدلی به عللی، دوباره در مرحله‌ی سوم جنگ کاهش می‌یابد).

[صفحه ۳۱]

بی انگیزه کردن مردم در جنگ

در روزهای اولیه‌ی جنگ، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با دست زدن به یک تهاجم تبلیغاتی گسترده علیه مردم ایران، درصدد القای روحیه‌ای انفعالی به مردم ایران بر می‌آید و در پی آن بلافاصله سعی دارد از روحیه‌ی سرخورده و ناامید مردم به نفع خود استفاده کند.

عراق در راستای همین نوع از تبلیغات، در تهاجم تبلیغاتی اولیه خود در روزهای نخست جنگ، از طریق رادیو فارسی بغداد از مردم ایران می‌خواهد تا «به قیام ارتش پیوسته» [۶۵] و از خلقهای ایران هم تقاضا می‌کند «برای نجات بخشیدن ایران، به ارتش کمک کنند» [۶۶] و با «تصرف شهرها» [۶۷] ، «رژیم را سرنگون سازند» [۶۸] .

همین رادیو در فراز دیگری از تهاجم تبلیغاتی خود از مردم ایران می‌خواهد «دست به شناسایی پاسداران و کمیته‌ای‌ها زده و مانع فرار آنها شوند تا در آینده‌ای نزدیک آنها را دستگیر کرده و در دادگاههای خلقی محاکمه کنند» [۶۹] و مردم را تشویق می‌کند تا «با گردآوری آدرس آخوندهای غارتگر، تیرهای چراغ برق را برای به دار کشیدن آنها آماده سازند» [۷۰] رادیو بغداد چهار روز پس از شروع جنگ سعی می‌کند با پخش شایعه‌ی رحلت حضرت امام، مردم را به حالت انفعال بکشاند. این رادیو در گزارش خود چنین می‌گوید:

«شنوندگان عزیز! (امام) خمینی مرد. ولی مسئولان رژیم این مسأله را از مردم پنهان می‌دارند و با جعل بیانیه‌ها و اعلامیه‌های به امضای او، سعی می‌کنند

[صفحه ۳۲]

حقیقت مرگ این... را پنهان کنند. ملاهای وحشت‌زده بدانند که سرنوشت فاشیستهای خونخوار جز مرگ توأم با خواری چیزی نیست. (امام) خمینی هنگامی به... واصل شده که ایران را به هرج و مرج کامل فرو برده است. تنها تأسف ما این است که چرا (امام) خمینی قبل از اینکه سقوط رژیم خود را ببیند مرده است. اگر رادیو تلویزیون راست می‌گوید که (امام) خمینی نمرده است، چرا از نشان دادن چهره... او خودداری می‌کند. حال بگذار بهشتی برای گول زدن مردم، صدای (امام) خمینی را تقلید کند» [۷۱] .

علی‌رغم این تلاشها، روز نخست جنگ، وقتی که حضرت امام با بیاناتی آرامش‌بخش از تهاجم هواپیماهای عراقی به فرودگاههای ایران با تعبیر دزدی که دزدانه آمده و چند سنگ انداخته و رفته است، یاد می‌کنند، رعب و هراس ناشی از آغاز جنگ را در مردم از بین می‌برند و در عمل، تهاجم تبلیغاتی حساب شده، وسیع و رعب‌آور عراق را - که ممکن بود با شکست روانی مردم، آنها را آماده پذیرش شکست قطعی در جبهه‌های نبرد کند - به شکست می‌کشانند. بنابراین، علی‌رغم عدم آمادگی نظامی جمهوری اسلامی، با شکل‌گیری مقاومتهای اولیه‌ی مردمی در برابر تهاجمات عراق و ضربات سنگینی که نیروی هوایی طی هفته‌ی نخست جنگ به عراق وارد آورد، صدام که رؤیای فتح هفت روزه‌ی تهران را از دست رفته می‌بیند، از شدت تبلیغات خود می‌کاهد. از هفته دوم جنگ به بعد، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق، از سویی با طرح مسائلی نظیر «پیشنهاد آتش‌بس عراق» [۷۲] ، «پیشنهاد آتش‌بس شورای امنیت سازمان ملل» [۷۳] و «پیشنهاد صلح کنفرانس اسلامی به طرفین درگیر» [۷۴] درصدد فریب دادن جمهوری اسلامی در جنگ بر می‌آید و از سوی دیگر با طرح اتهاماتی نظیر «پرتاب عروسکها و اسباب بازیهای انفجاری در شهرهای عراق» [۷۵] و ریختن بمبهای ساعتی در شهرها» [۷۶] توسط نیروی هوایی

[صفحه ۳۳]

و برقراری رابطه بین ایران و «امریکا» [۷۷] و «اسرائیل» [۷۸] و «قلابی بودن ماجرای گروگانگیری» [۷۹] و در نهایت با طرح برخی از مشکلات داخلی ایران نظیر «اختلاف بنی‌صدر و رجایی» [۸۰] ، «مهاجرت کادرهای فنی از ایران» [۸۱] ، «ترسیم ضایعات جنگ (با بزرگ نمایی‌های تبلیغات عراق، نظیر انهدام ۹۹ هواپیما از ۱۰۱ هواپیمایی که برای بمباران عراق به سمت این کشور پرواز کرده بودند)» [۸۲] ، درصدد بر می آید حالت تهاجمی تبلیغات عراق را به حالتی قابل قبول‌تر تغییر دهد.

این رژیم در بخش دیگری از تبلیغاتش، درصدد بر می‌آید ضمن توجیه توقف پیشروی عراق، دستاوردهای مثبت مردم و نیروهای نظامی ایران را زیر سؤال ببرد. به عنوان مثال، در توجیه ناکامی عراق در تصرف آبادان می گوید:

«عدم ورود عراق به شهرهایی نظیر آبادان به خاطر داشتن احساس رأفت عراق نسبت به مردم این شهرها بوده است» [۸۳] .

و در توجیه مقاومت سپاه و نیروهای مردم در خرمشهر می گوید:

«مقاومت نیروها در خرمشهر در اثر ترس از جوخه‌های اعدامی است که به منظور اعدام افراد فراری از جبهه، در پشت سر نیروهای ایرانی تشکیل شده است.» [۸۴] .

با گذشت چند ماه از آغاز جنگ، لحن آمرانه‌ی اولیه‌ی دستگاه تبلیغاتی عراق - که مردم و خلقهای ایران را به واژگون‌سازی نظام فرا می‌خواند - کاملا تغییر می کند و دستگاه تبلیغاتی عراق برای کاهش انگیزه‌ی مردم در جنگ، به تبلیغاتی در زمینه‌های تهدید، بزرگ‌نمایی ضایعات جنگ و تبلیغ تشتتهای داخلی ایران می‌پردازد. به عنوان مثال،

[صفحه ۳۴]

عراق تهدید می کند:

«اگر ایران حقوق عراق را اعاده نکند، عراق بخشهای دیگری از ایران را تصرف کرده، و تأسیسات اقتصادی ایران را ویران می‌سازد» [۸۵] .

این رژیم خطاب به اقوام مختلف ایران می گوید:

«عراق حاضر به حمایت تسلیحاتی و تدارکاتی از اقوام مختلف ایران برای تجزیه‌ی ایران می‌باشد» [۸۶] .

دستاویز تبلیغاتی دیگر عراق اختلافات بین لیبرالها و خط امام و... است که با طرح آنها سعی می کند روحیه‌ی مردم را تضعیف کند. برای مثال، بخش فارسی رادیو بغداد طی تفسیری از گروگانها به عنوان ابزاری برای تقرب‌جویی به امریکا یاد کرده و می گوید:

«هر دو جناح درگیر رژیم ملایان، یعنی جناح بنی‌صدر و جناح بهشتی، تلاش می کنند تا در نزدیک شدن به امریکا و حل مسأله‌ی گروگانهای امریکایی و به دست گرفتن قدرت، گوی سبقت را از یکدیگر بریابند و به وسیله‌ی آن قدرت متزلزل خویش را استحکام بخشند» [۸۷] .

وزیر اطلاعات عراق در همین زمینه، خطاب به رسانه‌های خبری عراق چنین رهنمود می‌دهد:

«شما باید منتظر باشید تا با کشف تناقضها و اختلافهایی که بین سردمداران حکومت ایران ایجاد می‌شود، و طرح این اختلافات و تناقضها، رهبران ایران را علیه یکدیگر تحریک کنید. همینطور رفتارها و موضع گیریهای مسئولان ایرانی در امور داخلی و خارجی بویژه (امام) خمینی، بنی‌صدر، رجایی، بهشتی، خلخالی، منتظری، رفسنجانی، خامنه‌ای و فرزندان (امام) خمینی باید مورد توجه شما

باشد» [۸۸] .

او در فراز دیگری از رهنمودهایش می گوید:

[صفحه ۳۵]

«شما باید تبلیغ کنید که نیت مزدوران امریکا از طولانی کردن جنگ ویران کردن تأسیسات اقتصادی و شهری است که بیشتر آنها از امریکا وارد شده است و به این ترتیب آنها می‌خواهند تا زمینه نفوذ سیاسی اقتصادی امریکا را تحت پوشش تجدید سازندگی این تأسیسات فراهم آورند و متعاقب آن ایران را دوباره از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی وابسته و اسیر دست امریکا کنند. لذا، نیت عراق در دعوت به صلح، که از موضع قدرت می‌باشد، تنها به خاطر محافظت و حراست از مؤسسات ایرانی است که با تلاش و سرمایه‌ی مردم بنا گردیده نیست، بلکه حکومت عراق با صلح‌طلبی خود قصد ممانعت از نفوذ بیگانگان و بویژه امریکایی‌ها در ایران را دارد».

دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی، برخلاف عراق که در ابتدای جنگ با تهاجم تبلیغاتی، تفرقه‌افکنی، و شایعه‌پردازی درصدد منفعل ساختن کامل مردم ایران بود - هر چند، به سبب افراطهای بیش از حد تبلیغاتی، از آنها کمتر نتیجه‌ی مثبت گرفت - در اوایل جنگ با شیوه‌هایی ظاهرا غیرمغرضانه و واقع‌گرایانه، از طریق پرداختن به مسائلی مانند ضایعات جنگ، بی کفایتی مسئولان ایران، ترسیم آینده تیره‌ای که در انتظار مردم ایران است و... نقش خود را در بی‌انگیزه کردن مردم نسبت به جنگ ایفا می کنند. رادیو صدای آزاد ایران ضمن گزارش کردن مقاله‌ی خبرنگار لوموند در تهران چنین می گوید:

«از روز دوشنبه‌ی گذشته، یعنی روز آغاز جنگ ایران و عراق، چهره‌ی شهر تهران نسبت به گذشته بی‌اندازه تغییر کرده است. در ساعات روز خیابانهای تهران خالی است و در طول ساعات شب پایتخت ایران به شهر مردگان و اشباح تبدیل می‌شود. همزمان با غروب خورشید، تهران چون سایر شهرهای ایران در خاموشی کامل فرو می‌رود؛ زیرا مقامهای مسئول کلیه‌ی نیروگاههای برق را از کار می‌اندازند و در نتیجه چهل میلیون ایرانی مجبور به استفاه از شمع می‌شوند... از سوی دیگر، به علت کمبود بنزین و مقررات منع رفت و آمد اتومبیلها در طول روز، مردم تهران با مشکل عدم وفور وسایل نقلیه روبرو هستند و اکثرا برای رسیدن به محل کارشان بیش از دو ساعت در خیابانها سرگردان می‌مانند. در این میان، مشاهده شده است که عده‌ی زیادی مسیر چند کیلومتری را پیاده طی می کنند و پاره‌ای از کارگران و کارمندان به علت کمبود

[صفحه ۳۶]

وسایل نقلیه، شبها به منازلشان باز نمی گردند. لوموند همچنین ادامه می‌دهد قطع پیاپی برق در سراسر ایران می‌رود تا اقتصاد بیمار کشور را کاملا فلج سازد و فعالیت بسیاری از صنایع و کارخانه‌ها را کاملا متوقف کند. اکثر نانواییها تعطیل کرده‌اند، غذا پختن در منازل به مشکل بزرگی تبدیل شده است و رستورانها صرفا غذای سرد دارند. اکثر اوقات آب تهران و بسیاری از شهرهای دیگر قطع است، خطوط ارتباط تلفنی از کار افتاده است و دو روزنامه‌ی عصر تهران یک شنبه گذشته به علت نبودن برق منتشر نشدند» [۸۹] .

بخش فارسی رادیو امریکا هم طی گزارشهایی از «تعطیل نانواییها، کارخانجات و... به خاطر کمبود سوخت و کمبود دارو و...» [۹۰] در ایران سخن می گوید و به نقل از روزنامه‌ی نیویورک تایمز از «پالایشگاه خاکستر شده و بنادر با خاک یکسان شده‌ی ایران» [۹۱] یاد می کند و از «دفاع ناهماهنگ لشکرهای ایران در برابر موج حملات عراقیها» [۹۲] سخن می گوید.

همچنین رادیو بی.بی.سی. به طرح مسائلی نظیر «فرار سیصدهزار نفر از جمعیت اهواز»،«ویران شدن قسمت اعظم حومه‌ی اهواز»، «هدف قرار گرفتن نقاط متعدد»، «انهدام قطار حامل گاز» [۹۳] و... می‌پردازد.

علاوه بر تبلیغ روی ضایعات ناشی از جنگ و بزرگ‌نمایی آنها، رسانه‌های خبری استکبار جهانی به شکل غیرمستقیم از بی‌کفایتی مسئولان نظام جمهوری اسلامی سخن می‌گویند. به عنوان مقال رادیو صدای آزاد به نقل از لوموند می‌گوید:

«دوشنبه شب مردم شهر ری دوبار میگهای عراقی را که دقیقا در ساعت ۵۰ / ۱۸ دقیقه و ۰۴ / ۱۹ دقیقه، یعنی به فاصله‌ی ۱۴ دقیقه در حال پرواز بر فراز پالایشگاه تهران بودند، دیدند. اما از سوی رژیم نه اعلامیه‌ای صادر شد و نه

[صفحه ۳۷]

آژیر خطر هوایی به صدا درآمد. یک‌شنبه شب نیز هواپیماهای عراقی بمبهایی را بر روی پالایشگاه رها کردند و بنا به گفته‌ی شاهدان عینی، پادگان لویزان نیز در همان شب هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت و با اینکه آژیرهای خطر از رادیو به صدا درآمد و شهر در حالت دفاع در مقابل حمله هوایی قرار گرفت، روز بعد فرمانده ستاد مشترک به خود این اجازه را داد که حمله‌ی هوایی شب گذشته را تکذیب کند و بگوید هیچ حمله‌ای صورت نگرفته است و شلیک توپهای ضدهوایی به خاطر پرواز اجسام ناشناخته در آسمان بوده است» [۹۴] .

همین رادیو ضمن بیان خبر روزنامه‌ی ساندی تلگراف چنین می‌گوید:

«خبرنگار ساندی تلگراف در گزارش خود می‌نویسد: ما از پارک عظیم زعورا در بغداد بازدید کردیم. در این پارک تانکها، سلاحهای سبک و سنگین که عراقیها از ارتش ایران به غنیمت گرفته‌اند به معرض نمایش گذاشته شده است. مقدار و میزان سلاحهای به غنیمت گرفته شده توسط عراق، چشم را خیره می‌کند. این خبرنگار می‌افزاید غنایمی که از ایرانیها به دست عراق افتاده، آنچنان فراوان است که صدام حسین ۱۲۰ تانک چیفتن متعلق به ایران را اخیرا به کشور دوست و متحد خود اردن هدیه کرده است. ساندی تلگراف گزارش خبرنگار خود را اینگونه پایان می‌دهد: در چنین شرایطی حقیقتا ادعای بنی‌صدر کاملا توخالی و ابلهانه به نظر می‌رسد. ظاهرا برای حکام رژیم اسلامی ایران هیچکدام از این همه تلفات مالی و جانی مهم نیست.مهم فقط این است که تظاهر کنند آخر پیروز هستند و با ادامه‌ی چنین تظاهراتی مدتی دیگر بر سر کار خود باقی بمانند» [۹۵] .

اریک رولو، خبرنگار روزنامه‌ی لوموند در تهران طی مقاله‌ای در این روزنامه درباره‌ی برخورد مسئولان جمهوری اسلامی با مسأله‌ی جنگ می‌نویسد:

«خرمشهر آخرین ساعات دفاعی خود را می‌گذراند. خرمشهر مثل آبادان در محاصره‌ی کامل نیروهای عراقی قرار دارد. نیروهای چند صد نفری دفاعی، با

[صفحه ۳۸]

ناامیدی می‌کوشند نیروهای مقابل را به عقب برانند. جنگ تن به تن با اسلحه‌ی سبک کوچه به کوچه و خانه به خانه ادامه دارد. مدافعین خرمشهر و آبادان ملتمسانه از مرکز درخواست کمک می‌کنند، اما درخواستهای آنها برای آب، غذا و مهمات بدون جواب مانده است. مرکز که خود وضعی متزلزل دارد قادر به کمک نیست و مسئولان حماسه‌ی کربلا را به یاد مدافعین آورده‌اند و از آنها خواسته‌اند حال که اسلحه و مهمات برای جنگ ندارند و مرکز مسئولیت دفاع از آنها را نمی‌پذیرد، شربت شهادت را بنوشند. مردم

ایران اکنون در می‌یابند که جانشان برای رژیم (امام) خمینی چقدر بی‌ارزش است. لوموند می‌نویسد در خرمشهر و آبادان چپی‌ها هم که به خدا و پیغمبر اعتقادی ندارند، باید شربت شهادت بنوشند، گویا آنها برای نوشیدن شربت به آنجا نرفته بودند» [۹۶].

روزنامه‌ی نیویورک تایمز در مقاله‌ی دیگری درباره‌ی وضعیت ایران و عراق می‌نویسد: «از زمان افتادن مملکت به دست آخوندها، ایران دیگر اهمیت و قدرت خود را در منطقه از دست داده است و عراق، که در زمان شاه جرأت تکان خوردن نداشت، حالا می‌خواهد آقای خلیج فارس شود» [۹۷].

محور تبلیغاتی دیگری که رسانه‌های خبری استکبار جهانی، با هدف بی‌انگیزه کردن مردم در جنگ بدان می‌پرداختند، سخن از تشتتهای درونی جامعه‌ی ایران و تیره بودن آینده‌ی آن است.

روزنامه‌ی نول آبزرواتور، طی مقاله‌ای با طرح اظهار بنی‌صدر مبنی بر اینکه «صدام کمتر از خیلی از وزرای ایران برای کشور خطر دارد» [۹۸] به تشتتهای سیاسی موجود در ایران اشاره می‌کند و رادیو امریکا ضمن تفسیری در خصوص جنگ می‌گوید:

«وضع مردم ایران در طول جنگ ممکن است چنان فلاکت بار شود که ایرانیها همانند مردم فقیر و گرسنه برخی از سرزمینهای عقب افتاده‌ی جهان، که همواره

[صفحه ۳۹]

نیازمند کمک دیگران هستند، به امداد بین‌المللی نیاز پیدا کند» [۹۹].

رادیو آزاد ایران نیز ضمن مقایسه‌ی ذخایر عراق و حامیان آن با ذخایر ایران «از ضعف ذخایر ارزی ایران» [۱۰۰] سخن می‌گوید و بالاخره روزنامه‌ی هرالدتریبیون طی مقاله‌ای می‌نویسد:

«قدرت (امام) خمینی متزلزل بوده و برای مدت زیادی دوام نخواهد آورد و در این شرایط حتی لغو تحریمهای اقتصادی، بحران اقتصادی ایران را حل نکرده و تخفیف نخواهد داد» [۱۰۱].

رادیو اسرائیل هم از قول حسن نزیه، رئیس فراری هیات مدیره‌ی شرکت نفت، می‌گوید:

«دولت کنونی ایران رو به اضمحلال رفته و بزودی ارتش و یا یک رهبر ملی حکومت را در دست خواهد گرفت» [۱۰۲].

با توجه به مطالب بالا می‌بینیم که تبلیغات استکبار جهانی درست در راستای تبلیغات عراق حرکت می‌کند، اما برخلاف عراق که به صورت هیجان‌زده، شتاب‌آلوده و غالبا غیرواقعی عمل می‌کند، شیوه‌ی ملایمتری در پیش می‌گیرند که از نظر روانی بیشترین تأثیر را در ذهن عامه مردم می‌گذارد و در بی‌انگیزه کردن اقشاری از مردم جامعه هم مؤثر واقع می‌شود.

تلاش در جهت وارد کردن مردم و ارتش عراق در جنگ

در آغاز، وارد کردن مردم و ارتش عراق در جنگ با جمهوری اسلامی برای عراق کاری بس دشوار و نشدنی به نظر می‌رسید، زیرا مسلمان بودن مردم عراق حکم می‌کرد که در برابر برادران مسلمان ایرانی خود دست به موضع‌گیری خصمانه نزنند. از

[صفحه ۴۰]

طرف دیگر برای نظامیان عراقی که از سال ۱۹۴۸ دشمن اصلی عراق و امت عرب را رژیم اسرائیل می‌دانستند، پذیرفتن جنگ با ایران به جای جنگ با اسرائیل دشوار بود، ایرانی که نه تنها با اسرائیل، بلکه با امریکا قطع رابطه کرده بود و جاسوسان امریکایی را

در گروگان خود داشت. گذشته از این مسائل اعتقادی، برای تحمل مشکلات جنگ در پشت جبهه‌ها و مهمتر از آن برای جنگیدن و کشتن و کشته شدن در میدانهای نبرد، انسانها احتیاج به انگیزه‌های بسیار بالایی دارند تا با این انگیزه‌ها ضمن رفع تعارضات ذهنی، انسجام روانی خود را در برخورد با حوادث موحش و هولناک حفظ کنند.

صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق برای توجیه و انگیزه دادن به مردم برای وارد شدن به جنگ، نخست با ایجاد فضایی مملو از هیجان، جامعه عراق را درگیر شور و هیجانی جمعی کرد و ضمن انتساب آغاز جنگ به ایران، با ترسیم اهدافی بالنسبه مبهم و با داعیه‌ی اعاده‌ی حقوق اعراب منطقه، مردم و ارتش عراق را وارد جنگ کردند.

پس از شروع جنگ و پیشروی عراق در خاک ایران، دستگاه تبلیغاتی عراق از فتوحات نظامی به دست آمده‌ی رژیم، ترسیم حمایت جهانی از این حرکت عراق و حمایت اعراب ایران از تهاجم عراق به ایران سخن می گوید و با استناد به پیروزی عراقیها در جنگ با فارسها در طول تاریخ، شور و هیجان دوباره‌ای در بین مردم ایجاد می کند؛ اما با گذشت زمان، بتدریج از اهداف تجاوزکارانه‌اش پرده بر می‌دارد.

در کنار این تبلیغات و تحریک و تشجیع مردم و ارتش عراق، موضوعاتی مانند ضعف روحیه‌ی نظامیان ایران، ویژگیهای غیراسلامی ایرانیها، بحرانهای سیاسی و اقتصادی شدیدی که ایران را فراگرفته است و... از برنامه‌های تبلیغی این رژیم است و به دنبال آن با کوچک‌نمایی دستاوردهای نظامی ایرانیها، سعی می کند روحیه‌ی شهروندان و نظامیان عراقی را حفظ کند. این تبلیغات را می‌توان تبلیغات مبتنی بر تحمیق نامید که علاوه بر این نوع، تبلیغات مبتنی بر تطمیع و تهدید نیز در دستگاه تبلیغی عراق از جایگاه خاصی برخوردار بوده است که در بحثهای بعد به اجمال از آنها هم سخن خواهیم گفت.

اینک پس از بیان محورهای تبلیغاتی که در وارد کردن مردم و ارتش عراق در جنگ با جمهوری اسلامی نقش بسزایی داشت با تفصیل بیشتری به این محورها می‌پردازیم.

پس از متزلزل شدن موقعیت شاه در ایران، امریکا به دنبال یافتن جانشینی برای

[صفحه ۴۱]

وی، به دلایل متعددی صدام را بر می گزینند. صدام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ضمن قبضه‌ی قدرت در عراق، از روزهای نخست حیات انقلاب اسلامی به آماده ساختن جامعه‌ی عراق برای برخورد با ایران می‌پردازد. رژیم جدید عراق از همان آغاز تبلیغات وسیعی را در خصوص ماهیت امریکایی انقلاب مردم، ضداسلامی بودن ایران و مقام معظم رهبری آن، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق و چشمداشت تاریخی ایران به عراق، تمایلات توسعه طلبانه ایران و.... پی می گیرند که از آنها به اجمال در قسمت ترسیم چهره‌ی منفی ایران سخن گفتیم.

در پاسخ به جنگ سردی که عراق از روز نخست پیروزی انقلاب اسلامی بدان دامن می‌زد، برخی از مسئولان ایران پاسخهایی دادند که اشتباهات آنها به عنوان بهترین ابزار تبلیغاتی، مورد استفاده‌ی دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق و غرب قرار گرفت و افکار عمومی مردم عراق را نسبت به پذیرش وقوع جنگ مستعد ساخت.

لطیف نظیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در یک سخنرانی که ۸ ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی ایراد کرد، به برخی از موضوعاتی که مورد توجه دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق قرار گرفته بود و این دستگاه با بزرگنمایی آنها به هدایت افکار عمومی به سمت پذیرش وقوع جنگ پرداخت، چنین اشاره می کند:

«بحث پیرامون مسأله‌ی دخالت ایران در امور داخلی عراق، چندین بار تکرار شده است و تمامی مردم عراق با آن آشنا شده‌اند.

انفجار دانشگاه مستنصریه‌ی بغداد و کشته و مجروح شدن صدها دانشجو، تجاوز به مناطق مختلف کشور، زدن شهرها با توپخانه دوربرد و اشغال قسمتهایی از خاک عراق که مطابق با قرارداد ۱۹۷۵ باید به عراق بازگردانده شود، همگی از تجاوزطلبی ایران حکایت داشت؛ تا جایی که بی‌شرمی و وقاحت را از حد گذراندند؛ از جمله آیت الله حسین شیرازی در تاریخ ۱۳ / ۶ / ۷۹ چنین گفته است: از مردم عراق و دیگر ملتهای مسلمان می‌خواهم که برای ساقط کردن حکومت بعثی مبارزه کنند؛ در روز ۱۹ / ۶ / ۷۹ آیت الله صادق روحانی گفت: اگر امیرنشینهای خلیج بخواهند در مورد سه جزیره‌ی تنب و ابوموسی ادعایی داشته باشند، تهران در عوض می‌تواند بحرین را مطالبه کند؛ در روز ۱۹ / ۶ / ۷۹ رئیس ستاد مشترک ایران اظهار داشت که جنگنده‌های نیروی هوایی نواحی مرزی عراق را بمباران

[صفحه ۴۲]

کردند و در ۱۷ / ۸ / ۷۹ (امام) خمینی حکمی مبنی بر بستن مرزهای ایران با عراق صادر کرد؛ در ۱۲ / ۹ / ۷۹ صادق خلخالی رئیس دادگاههای انقلاب در کردستان حکم اعدام شش تن را که ادعا می‌کرد عراقی‌اند، صادر کرد؛ مصطفی چمران در ۳ / ۹ / ۷۹ اعلام کرد که ایران آماده جنگ با عراق است؛ در ۲ / ۱۰ / ۷۹ ابوشریف مسئول شاخه‌ی نظامی سپاه گفت: سپاه پاسداران انقلاب آرام نخواهد گرفت مگر با آزادسازی کامل افغانستان، فلسطین، اریتره، فیلیپین و عراق؛ در ۱۱ / ۱۰ / ۷۹ خلخالی گفت: (امام) خمینی رهبر تمامی مستضعفین جهان است و از طریق همین زعامت و پیشوایی است که ملت عراق از قید بعثیان نجات خواهند یافت؛ در ۸ / ۴ / ۸۰ (امام) خمینی اعلام کرد از مردم عراق و نیروهای مسلح آن می‌خواهم که قیام کرده، صدام حسین را ساقط کنند. به این بیانات گفته‌های بنی‌صدر نیز اضافه می‌شود که در سخنرانی مشهورش چنین اعلام کرد:
زمانی که ارتش ایران به سمت عراق حرکت کند، تا بغداد به پیش خواهد رفت و هیچکس جلودار آن نخواهد بود» [۱۰۳].
علاوه بر این، رسانه‌های خبری غربی از برخی ناپختگی‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی و موضع گیریهای شتابزده و اشتباه مسئولان ایرانی سود جستند. برای مثال با طرح «ادعای ارضی ایران نسبت به بحرین» [۱۰۴]، که توسط یکی از مقامات رسمی رده پایین ایران صورت گرفته بود، یا اشاره به «تبلیغات ایران مبنی بر ضرورت برداشتن یوغ سرکوبگران از گردن مسلمانان در کشورهای عرب» [۱۰۵] و یا با طرح جنگ لفظی مسئولان جمهوری اسلامی با عراق - که پس از حادثه سوءقصد به طارق عزیز در دانشگاه مستنصریه ایجاد شد و طی آن مسئولان ایرانی از «ضرورت فرستاده شدن حکومت رو به زوال بعث عراق به زباله‌دان تاریخ» [۱۰۶] یاد کردند - در راستای تبلیغات عراق عمل کردند.

[صفحه ۴۳]

اما باید به یاد داشت که علی‌رغم ناپختگی تبلیغات ایران در اوایل انقلاب، رژیم عراق بعضا اوضاعی را پدید می‌آورد تا مسئولان ایران در موضع گیریهای خود به حالت انفعال بیفتند و اظهارات و واکنشهای بعدی آنها در تبلیغات عراق مورد استفاده قرار بگیرد. به عنوان مثال «تشکیل دو کمیته‌ی عربستان (خوزستان) و کردستان با اهداف انجام عملیات تخریبی در ایران زیر نظر مدیریت کل اطلاعات عراق از ابتدای انقلاب اسلامی» [۱۰۷] و انجام فعالیتهای خرابکارانه در شهرهای خرمشهر، اهواز و... و ارائه‌ی کمکهای مالی و تسلیحاتی به عزالدین حسینی و... توسط این کمیته‌ها، «چاپ اسکناسهای جعلی توسط عراق در ایران» [۱۰۸] به منظور ضربه زدن بر بنیه‌ی اقتصادی ایران و «فیلمبرداری‌های هوایی هر روزه از نوار مرزی» [۱۰۹] و... از مواردی بودند که با قصد تحریک

متقابل ایران و سوء استفاده‌ی تبلیغاتی از عکس‌العمل مسئولان ایران در برابر این تحریکات، در دستور کار دستگاه تبلیغاتی عراق قرار داشتند.

به هر صورت، به دنبال ترسیم چهره‌ای منفی برای جمهوری اسلامی و تشنج‌آمیز ساختن روابط ایران و عراق در اذهان مردم این کشور، تبلیغات عراق در ۴ سپتامبر ۸۰، ۱۳ / ۶ / ۵۹ به مرحله‌ی جدیدی وارد می‌شود. در این روز، که به نظر دستگاه تبلیغاتی عراق آغاز جنگ توسط ایران است، شهر خانقین توسط توپخانه گلوله‌باران می‌شود. درباره‌ی گلوله‌باران شدن خانقین دو اظهارنظر وجود دارد. نخست - آنچه که توسط یکی از افسران اسیر توپخانه تأیید می‌شود - این است که «گلوله‌باران خانقین توسط توپخانه‌ی ارتش عراق، که به داخل ایران نفوذ کرده و پس از انجام گلوله‌باران عقب‌نشینی کردند، انجام گرفته است» [۱۱۰] دوم این است که «پس از آنکه توپخانه‌ی عراق به گلوله‌باران مواضع دوربرد توپخانه در خاک ایران دست زد، روز بعد توپخانه‌ی ایران دست به اقدام مقابله به مثل زد و همین مسأله از سوی عراق آغاز جنگ شمرده شد» [۱۱۱].

[صفحه ۴۴]

بعد از حادثه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) که از سوی عراق به منزله‌ی آغاز حمله‌ی ایران به عراق تبلیغ شد، برخلاف مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که بر اساس آن در صورت بروز اختلاف بین طرفین، برای رفع اختلاف، باید به الجزایر یا دادگاه بین‌المللی مراجعه شود، صدام در ۲۶ شهریور به شکل یک جانبه‌ای دست به لغو قرارداد الجزایر می‌زند و در برابر انظار میلیونها بیننده‌ی عراقی، قرارداد را پاره می‌کند. به این ترتیب، برنامه‌های طراحی شده‌ی دستگاه تبلیغاتی عراق، برای آماده‌سازی ذهنی مردم عراق در جهت پذیرش جنگ به نقطه‌ی اوج خود می‌رسد.

صدام در سخنرانی مستقیم ۲۶ شهریور خود، که از طریق فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی عراق برای مردم این کشور پخش شد، در توجیه علت لغو قرارداد الجزایر گفت: عراق همواره به عنوان ملتی برتر، که در طول تاریخ از حیثیت و حاکمیت امت عرب دفاع کرده است، مطرح بوده است و امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از قبل وجود عراقی مستقل، مترقی و پیشرو بعد از انقلاب ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ خطر زیادی را متوجه خود می‌دیدند. از این رو، از آنجا که وجود عراقی قدرتمند در منطقه بر گرده‌ی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها سنگینی می‌کرد، آنها شاه را واداشتند تا با کمک به کردهای عراق، موجبات شکست انقلاب ژوئیه و تجزیه‌ی عراق را فراهم آورند. بنابراین، عراق در جنگی نابرابر از نظر تسلیحاتی با اکراد و رژیم شاه مواجه شد و زمانی که تجهیزات و مهمات این کشور رو به اتمام رفت، عراق ضمن مخفی نگاه داشتن این مسأله، و برای تجهیز ارتش برای شرکت در جنگ با اسرائیل به پیشنهاد الجزایر مبنی بر میانجیگری بین ایران و عراق پاسخ مثبت داد و در مذاکرات انجام شده در ۱۹۷۵، عراق خط القعر شط العرب را به عنوان مرز آبی دو کشور پذیرفت و قرار شد که ایران هم در مقابل مناطق زین‌القوس و سیف سعد را که سابقا متعلق به عراق بود، به این کشور بازگرداند. اما علی‌رغم پذیرش خط تالوگ به عنوان مرز آبی دو کشور، شاه از برگرداندن مناطق زین‌القوس و سیف سعد به عراق خودداری ورزید و پس از انقلاب نیز تهران ضمن تداوم بخشیدن به تصمیم شاه، به تحریک صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها با دعوت بارزانی به ایران قصد مداخله در امور داخلی عراق را کرده و به این ترتیب بند دیگری از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را زیر پا نهاده است. پس از ذکر این مقدمات صدام چنین گفت:

[صفحه ۴۵]

«در برابر شما اعلام می‌کنم که ما قرارداد مارس ۱۹۷۵ را کاملاـ ملغی می‌دانیم و شورای فرماندهی انقلاب تصمیم خود را در این زمینه اتخاذ خواهد کرد. بنابراین باید روابط قانونی در شط العرب به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ بازگردد و تمام حقوق تصرف شدی تحت حاکمیت کامل ما قرار گیرد. عراق در روابط خود با تمام جهان ثابت کرد که شرافتمندانه پایبند تمام تعهدات خود است و همچنین ثابت کرده که هیچ نوع از انواع تهدید و تجاوز به حاکمیت و حیثیت خود را نمی‌پذیرد و ملت و ارتش عراق کاملا آماده‌اند تا وارد نبرد دلیرانه‌ای برای حفظ شرافت و حاکمیت شوند.

ما تصمیم تاریخی خود را برای اعاده‌ی حاکمیت کامل خود بر سرزمین و آب خودمان گرفته‌ایم و با قدرت هر چه تمامتر در برابر هر کس که این تصمیم قانونی را نادیده بگیرد، می‌ایستیم. ما به شما و تمام جهان اعلام می‌کنیم که خواستار روابط حسن همجواری با کشورهای همجوار و بویژه ایران هستیم و عراق هیچ طمعی به سرزمینهای ایران ندارد و به هیچ وجه قصد نداریم علیه ایران وارد جنگ شویم یا دامنه‌ی درگیری با آن را خارج از چارچوب دفاع از حقوق و حاکمیت خود گسترش دهیم.

ما به آنهایی که در ایران غرور کورشان کرده و به نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی که آنها را مخفیانه یا آشکارا تحریک می‌کنند، می‌گوییم باید از اوضاع روزهای گذشته که ارتش عراق زین‌القوس را پس گرفت، عبرت بگیرند. ما آنها را به پذیرش صدای حق و عدالت و حفظ حسن همجواری با عراق و امت عرب دعوت می کنیم و می‌گوییم که از هر وجب از سرزمین عراق و امت عرب که غصب کرده‌اید، صرف‌نظر کنید و فقط از این راه می‌توانید به ملت خود خدمت کنید و ثابت کنید انقلابی واقعی هستید، نه مزدور امپریالیسم و صهیونیسم و نژادپرست عقب افتاده‌ی غاصب.

ما به شما و امت عرب و تمام جهان می‌گوییم که پوشش دروغینی را که دار و دسته‌ی حاکم در ایران از آن استفاده کرده‌اند، کنار زده‌ایم، این دار و دسته، پوشش دین را مزدورانه برای توسعه‌جویی به زیان امت عرب و منافع عربی مورد استفاده قرار داده‌اند. دین جز پوششی برای نژادپرستی فارسی و کینه‌ی

[صفحه ۴۶]

نسبت به اعراب نیست و این دار و دسته از این پوشش برای ایجاد روح تعصب، کینه و تفرقه میان ملل منطقه و به نفع نقشه‌های صهیونیسم جهانی استفاده می‌کنند.

ما با صداقت گفتیم که امیدواریم (امام) خمینی با شاه تفاوت داشته باشد و به او فرصت کافی دادیم تا ثابت کند که آیا با شاه تفاوت دارد یا خیر؛ ولی او و آنهایی که در کنار وی مسئولیت حکومت را در ایران به عهده دارند، ثابت کردند که با شاه تفاوت ندارند.آنها در روشهای خود در قبال همسایه‌های عرب خود برخلاف حق، تمام سرزمینهایی که شاه در عراق تصرف کرد و همچنین سه جزیره عربی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را در اختیار گرفتند و حتی ادعاهای توسعه جویانه‌ای که شاه تحت فشار اراده‌ی عربی از آنها منصرف شد، تجدید کردند. آنها نسبت به عراق حتی از اعاده‌ی سرزمینهایی که شاه در سال ۱۹۷۵ تعهد اعاده‌ی آنها را کرده بود، خودداری ورزیدند.

ای برادران!

ما هنگامی که از روشهای تجاوزکارانه‌ی ایران سخن می‌گوییم فراموش نمی‌کنیم که روشهای فرزندان خیر ملل ایران از جمله فارسها را مورد تقدیر قرار دهیم و برای آنها آرزوی خروج از گرفتاری می‌کنیم. ما به برادران خود، اعراب الاحواز که از ظلم و ستم رژیم (امام) خمینی بیش از زمان رژیم شاه رنج می‌برند، درودهای گرم می‌فرستیم. ما به مبارزان شرافتمند کرد در ایران و تمام ملل دوست در ایران درود می‌فرستیم و به آنها تأکید می‌کنیم که به یک وجب از خاک آنها طمع نداریم و تنها احساسات دوستانه

نسبت به آنها داریم. ما امیدواریم ایران همسایه‌ای آزاد و مستقل باشد و نقش مثبت خود را در منطقه و جنبش غیرمتعهد و مبارزه‌ی ملل برای آزادی، استقلال و پیشرفت ایفا کند...» [۱۱۲] .

پس از لغو قرارداد الجزایر توسط صدام، رادیو بغداد «از انبوه تلگرامهای تبریکی که از داخل و خارج به صدام مخابره می‌شود، خبر می‌دهد» [۱۱۳] و به این ترتیب فضای

[صفحه ۴۷]

پرتنش روابط عراق و ایران توسط دستگاه تبلیغاتی عراق آنچنان پرهیجان می‌گردد که دیگر حتی تناقض گوییهای این دستگاه توسط افکار عمومی احساس نمی‌شود. به عنوان مثال، عزت ابراهیم نایب رئیس شورای فرماندهی عراق، پس از لغو قرارداد الجزایر توسط صدام، در یک کنفرانس خبری می‌گوید:

«عراق قرارداد الجزایر را در صورت عدم تسلیم سرزمینهای مورد بحث به عراق با زور اجرا خواهد کرد» [۱۱۴] .

در حالی که رادیو صوت الجماهیر «با استناد به قرارداد ۱۹۷۵ - که از سوی صدام لغو آن اعلام شده بود - ضرورت اجرای مفاد آن را خواستار می‌شود» [۱۱۵] .

پس از این زمینه‌سازیها، عراق در ۳۱ / ۶ / ۵۹ به شکلی گسترده ایران را مورد تهاجم خود قرار می‌دهد، اما دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق آغاز جنگ را به ایران نسبت می‌دهد و می‌گوید:

«جنگ در ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) شروع نشده است، بلکه جنگ با شلیک توپخانه‌های ایران به شهرهای عراق در ۴ سپتامبر شروع شده است» [۱۱۶] .

اعلامیه‌ی شورای فرماندهی عراق به نیروهای این کشور در ۳۱ / ۶ / ۵۹ نیز حاکی از این است که عراق در جنگی ناخواسته و تدافعی وارد شده است. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است:

«به نیروهای عراقی دستور داده شد تا با قدرت به حملات ایران در نواحی شط العرب و مرز دو کشور پاسخ دهند» [۱۱۷] .

صدام در پیامی که در ۳۱ / ۶ / ۵۹ خطاب به مردم عراق و ایران می‌فرستد، نسبت به آغاز جنگ برخوردی ابهام‌آمیز دارد و ضمن متجاوز دانستن ایران به طور کلی بیان می‌کند که عراق زمانی از مناطق اشغال شده خارج خواهد شد که ایران حق حاکمیت عراق را بر سرزمینهایش به رسمیت بشناسد. وی می‌گوید:

[صفحه ۴۸]

«ما از سرزمینهای اشغالی ایران بیرون خواهیم رفت، ولی اگر تاکتیک نظامی و امنیت ارتش خودمان اقتضا کند که در این سرزمینها باشیم، آنها را تحت اشغال خود قرار خواهیم داد، اما به محض آنکه ایران به حق حاکمیت عراق بر سرزمینهایش و رعایت منافع عراق اعتراف کند، از این سرزمینها خارج خواهیم شد» [۱۱۸] .

اما بعد از کشاندن پای مردم و ارتش عراق به جنگ، صدام برخلاف شعارهای اولیه‌اش از «حقوق اضافی که عراق باید به خاطر پیروزیهایش از آنها برخوردار شود» [۱۱۹] سخن به میان می‌آورد و «عراق در نواحی کرخه، هویزه و... اقدام به ایجاد تأسیساتی می‌کند که از ماندن دایمی عراق در آن مناطق حکایت می‌کند» [۱۲۰] .

در این قسمت، لازم است تذکر دهیم که ترفند فوق در کارهای قبلی صدام هم مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، پس از دستگیری

شهید صدر، رادیوهای خارجی خبر اعدام ایشان را پخش می کنند. مردم عراق با اطلاع یافتن از این مسأله بسرعت درصدد انجام واکنشی شدید بر می آیند، اما رژیم ضمن تکذیب خبر اعدام شهید صدر، ایشان را آزاد می‌سازد. بعد از گذشت مدتی دوباره شهید صدر و خواهر ایشان بنت‌الهدی از سوی رژیم دستگیر شده، به شهادت می‌رسند. این بار مردم با شنیدن مجدد خبر اعدام شهید صدر و خواهر محترمه‌ی ایشان، به علت ذهنیت القا شده‌ی قبلی، دست به واکنش شدیدی نمی‌زنند، اما بعد از آنکه رفته رفته به صحت خبر مزبور پی می‌برند، بدون آنکه دست به اقدام اعتراض آمیز شدیدی بزنند، با روحیه‌ای منفعل تسلیم واقعیت می‌شوند.

بنابراین، با توجه به مظلوم نماییهای اولیه‌ی رژیم عراق، و اعلام خبر ورود به جنگی ناخواسته و اعلام اینکه عراق با به رسمیت شناخته شدن حقوقش بلافاصله از خاک ایران عقب‌نشینی خواهد کرد، مردم عراق با ساده‌نگری و خوشبینی تمام وارد جنگی می‌شوند که یکی دو ماه بعد، پس از پی بردن به نقشه‌های استکبار جهانی و مواجهه با داعیه‌های فزون‌طلبی صدام، چون راه بازگشتن نمی‌یابند، با روحیه‌ای منفعل خود را مجبور به ادامه‌ی

[صفحه ۴۹]

راه پر مخاطره‌ی جنگ می‌بینند.

پس از انتساب آغاز جنگ به ایران، رژیم عراق با طرح اینکه عراق برای آرمان جهان عرب می‌جنگد و نه دعاوی ارضی تنها، سعی می کند انگیزه مردم عراق را برای جنگیدن قویتر کند. رادیو صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های خود چنین می گوید:

«کسانی که معتقدند جنگ عراق با ایران بر سر مسائل مرزی است، سخت در اشتباهند؛ زیرا این جنگ، جنگ میان عراق و ایران نیست، بلکه ایران سیاست خصمانه‌ای را اتخاذ کرده است و این سیاست نشانگر طمع تاریخی ایران به میهن عرب و منطقه‌ی خلیج عربی است». [۱۲۱] .

همین رادیو در بخش دیگری از تبلیغات خود چنین اظهار می کند:

«وقتی عراق در ۲۲ سپتامبر گذشته، با قاطعیت به تجاوزات و حملات مسلحانه رژیم فارسی پاسخ داد به این معنی نبود که عراق برای دفع طمعهای توسعه‌طلبی و تجاوز کارانه‌ی ایران در عراق، دست به حمله زده است، بلکه عراق به نمایندگی از امت عربی و در جهت خدمت به هدفهای این امت، به ایران پاسخ داد. هواپیماهایی که موشکهای خود را به سوی منطقه‌ی العبدلی در کویت پرتاب کردند، همان هواپیماهایی بودند که موشکهای خود را به سوی سرزمینها و شهرهای عراق پرتاب کردند. نیروهای نظامی که قبل از ۲۲ سپتامبر حملات خود را به مرزها و زمینهای عراق شروع کردند، همان نیروهایی بودند که ده سال قبل سه جزیره‌ی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، در خلیج (فارس) را اشغال کردند و همان نیروهایی هستند که تا به حال و در سایه‌ی رژیم (امام) خمینی همین جزایر را اشغال می کنند. تجاوزات مکرر نیروهای ایرانی به مرزهای عراق قبل از سپتامبر گذشته به امنیت و منافع کشورهای عربی لطمه وارد می‌سازد. اشغال سه جزیره‌ی عربی از ده سال قبل که هنوز ادامه دارد، تهدیدی است که امنیت و منافع امت ما را به خطر می‌اندازد و اگر عراق در حال حاضر این مأموریت تاریخی را به عهده می گیرد، به دلیل این است که مسئولیت قومی را احساس می کند و به امنیت و منافع حیاتی امت عرب علاقه‌مند است؛

[صفحه ۵۰]

زیرا فارسها تنها عراق را تهدید نمی کنند و به بمباران منطقه‌ی «العبدلی» در کویت و اشغال جزایر ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ

اکتفا نمی‌کنند» [۱۲۲] .

رژیم عراق برای عینیت بخشیدن به ادعای خود مبنی بر دفاع از حقوق اعراب در جنگ با ایران، امارات متحده را تحریک می‌کند که از ایران تقاضا کند تا سه جزیره‌ی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را، که متعلق به شارجه و رأس الخیمه بوده و در سال ۷۱ توسط ارتش به تصرف درآمده بودند، به این کشور بازگرداند. اما «پس از نادیده گرفته شدن درخواست امارات متحده از سوی ایران» [۱۲۳] این مسأله دوباره دستاویزی برای تبلیغات عراق می‌شود که با دامن زدن به آن، از تهدید ایران نسبت به تمامی اعراب سخن می‌گوید.

عراق «با احداث مدرسه، شعب بانك رافدین و برخی از مؤسسات دیگر در چند شهر اشغال شده، چنین تظاهر می‌کند که به عمران و آبادانی محل سکونت اعراب ایران می‌پردازد، و هیأتهای متعددی را از داخل و خارج برای بازدید از این تأسیسات دعوت می‌کند» [۱۲۴] تا بر انگیزه افکار عمومی در ورود به جنگ بیفزاید.

دستگاه تبلیغاتی عراق، در فراز دیگری از مسأله پیوستگی استراتژیك ایران و اسرائیل یاد می‌کند و «از آنجا که هر دو را غاصب سرزمینهای عربی می‌داند، جنگ عراق و ایران را جنگی در جهت آرمانهای قوم عرب بر می‌شمرد» [۱۲۵] همچنین، ضمن ادعای هم‌پیمانی ایران با امریکا و اسرائیل، از جنگ عراق با ایران به عنوان «جنگی که یکی از پایه‌های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم در جهان عرب را از بین می‌برد» [۱۲۶] یاد می‌کند. در بخش دیگری عراق با توسل به اسلام، جنگ عراق و ایران را جنگی ما بین اسلام (عراق) و کفر و نژادپرستی (ایران) می‌نامد. صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های مخصوص ماه رمضان خود چنین می‌گوید:

[صفحه ۵۱]

«ماههای ذیقعده، ذیحجه، محرم و رجب در زمان جاهلیت ماههای حرمت بوده و در آنها اسلحه برداشته نمی‌شد، ولی آنهایی که به دروغ ادعای اسلام دارند و در رأس آنها (امام) خمینی، با روح نژادپرستانه و کینه‌های فارسی خود، به حرمت این ماههای حرام تجاوز کرده‌اند. آنها نسبت به عربیت که تخت و تاج کسری را درهم کوبید و جسد رستم را در زباله‌دان تاریخ افکند، کینه دارند و آتش قادسیه‌ی اول همچنان دل فارسها را سرشار از کینه نسبت به امت عرب ساخته است و حتی اسلام با تعالیم عالی خود نتوانست به قلب آنها وارد شود و آنها فقط آن را به زبان می‌آوردند و از زمانی که نور اسلام وارد سرزمین فارس شد و تاریکیهای آن را روشن ساخت تاکنون، گروههای بزرگی از فارسها اسلام را نه از سر اعتقاد و هدایت پذیرفته‌اند، بلکه آن را برای ضربه زدن به وحدت اسلامی از درون قبول کرده‌اند و شواهد تاریخی در این زمینه بیش از حد شمارش است... جنگی که هم‌اکنون در مرزهای شرقی امت عرب جریان دارد، جز امتداد آن کینه‌های قدیمی علیه عربیت و اسلام نیست. بسیار اشتباه است اگر فکر کنیم که این جنگ، جنگ دو دلت است، بلکه جنگ نژاد پرستانه‌ی فارسها علیه عربیت و اسلام و جنگ فارسها علیه امت عرب است و اظهارات حکام ایران علیه بحرین، امارات متحده‌ی عربی، عربستان سعودی و اردن و سایر کشورهای عربی جز دلایلی بر این نژادپرستی نیست» [۱۲۷] .

تبلیغ «فتوحات نظامی اولیه‌ی عراق» [۱۲۸] که «گاه با بزرگنمایی‌های دروغین آمیخته می‌شد» [۱۲۹] ، مردم عراق را امیدوار می‌ساخت که با فتوحات و پیشرویهای سریع ارتش عراق، جنگ چندان به درازا نخواهد کشید. علاوه بر این، تبلیغ اعلام حمایت برخی از کشورهای جهان مانند «ملك خالد رئیس رژیم حاکم بر عربستان، حسین اردنی، رئیس

[صفحه ۵۲]

جمهور موریتانی «و برخی حمایتهای محدودتر توسط» یونان، اسپانیا، سنگال، الجزایر» [۱۳۰] از عراق و «حمایتهایی که اقوام مختلف ایران از تهاجم عراق اعلام می‌داشتند» [۱۳۱] دلگرمی بیشتری به مردم عراق می‌بخشید و انگیزه‌ای هرچند موقت برای مردم عراق فراهم می‌کرد. به عنوان مثال، دستگاه تبلیغاتی عراق در یکی از گزارشهای خود درباره‌ی حمایت مسلحانه اعراب ایران به نفع عراق می‌گوید:

«جوانان دلیر عربستان (خوزستان) در چارچوب قدرت‌نمایی شجاعانه‌ی خود در برابر دشمن نژادپرست فارس و برای تأکید بر هویت قومی و اصیل خود، دست به چند فعالیت جدید علیه سربازان، خودروها و تأسیسات دشمن زده‌اند. یک سخنگوی رسمی جنبش توده‌ای عرب در عربستان طی اظهاراتی به خبرگزاری عراق اعلام داشت که یک گروه رزمنده از جوانان عربستان در روز ۱۹ ماه جاری در منطقه‌ی کرخه با نیروی دشمن درگیر شدند که نتیجه‌ی آن کشته شدن هفت تن از سربازان دشمن و انهدام دو خودرو و انفجار یک چادر مهمات و تصرف ۲۶ موشک و ۲۴ نوار مهمات به اضافه ۴۰۰۰ گلوله تفنگ بوده و گروه فوق سالم به پایگاههای خود بازگشته‌اند. این سخنگو اضافه کرد که یک گروه دیگر روز ۲۰ ماه جاری، در همین منطقه با نیروهای دشمن درگیر شدند و پنج سرباز دشمن را کشته و سه تن دیگر را مجروح کرده‌اند و یک خودرو منهدم و دوازده صندوق محتوی موشکهای آر.پی.جی ۷ و هشت صندوق خمپاره و سه صندوق مهمات کلاشینکوف به غنیمت گرفته شده است» [۱۳۲] .

علاوه بر این، دستگاه تبلیغاتی عراق، با تحریف برخی از رخدادهای تاریخی درصدد بر می‌آید ایرانیها را تجاوزگر نشان داده، بر پیروزی عراق بر تهاجم فارسها تأکید کند.

لطیف نظیف جاسم در یکی از سخنرانیهای خود «ضمن رساندن کینه و دشمنی

[صفحه ۵۳]

فارسها به اعراب تا دوران کورش، از شکست ایرانیان در قادسیه یاد کرده و با رسیدن به دوران شاه که سه جزیره‌ی رأس‌الخیمه و شارجه را تصرف کرده بود، نتیجه می‌گیرد که کینه‌جویی، روح حاکم در فارسها بود و هر عنصری که در ایران روی کار بیاید، به خاطر کینه‌جویی ذاتی که نسبت به اعراب احساس می‌کند، اعراب را مورد تهاجم خود قرار خواهد داد» [۱۳۳] .

در جای دیگری صوت الجماهیر می‌گوید:

«اگر به تاریخ مبارزات ملت عرب مروری بکنیم، خواهیم دید که پیروزیهای ما در قصر شیرین، محمره (خرمشهر)، اهواز، مهران و زین‌القوس یک مسأله‌ی تازه نیست، زیرا در تاریخ مبارزات پیروزمندانه عرب نمونه‌های بسیاری از اینگونه پیروزیها وجود دارد. شواهد تاریخی تأکید دارند که هرگاه ضرورت ایجاب کرده باشد و اعراب دست به شمشیر زده‌اند و برای حل اختلافات خویش با فارسها، تنها راه را برداشتن شمشیر دانسته باشند، پیروزی همیشه از آن سربازان قهرمان عرب بوده است و همواره شمشیر خود را به عنوان بهترین حلال مشکلات و راه حل اختلافات به دست گرفته‌اند و پیروز هم شده‌اند. آری اعراب همیشه به خاطر جلوگیری از ادامه‌ی ظلم و ستم حکام فارسها و قرار دادن آنها در چارچوب قراردادها و قوانین مورد احترام در روابط بین‌المللی متوسل به شمشیر شده‌اند. پس نبردهای دیروز، همان نبردهای امروز است و قادسیه و ذیقار امروز تکرار می‌شوند تا کسری‌ها و خسروها و یزدگردهای تازه را تأدیب کرده و سرجایشان بنشانند و به (امام) خمینی و بنی‌صدر و رجایی و امثال آنان که بر خلقهای ایران حکمفرمایی می‌کنند اندرزی فراموش نشدنی بدهد و در صفحات تاریخ درخشان مبارزات امروز ملت عرب ثبت گردد و بر صفحات دیروز این مبارزات اضافه شود» [۱۳۴] .

تحریک، تشجیع و روحیه بخشیدن به نظامیان عراقی برای ادامه جنگ، هدف دیگر تبلیغات عراق است که با آن انگیزه‌ی مردم برای ادامه‌ی جنگ بیشتر می‌شود و از

[صفحه ۵۴]

سرکشی و نافرمانی نظامیان ارتش جلوگیری به عمل می‌آید. رادیو صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های خود خطاب به نظامیان عراقی می گوید:

«شما شمشیر خدا در زمین هستید، و گردنهایی را که شما می‌زنید، گردن مجوسهای متجاوز از یاران (امام) خمینی... است.ای برادران، شما فرزندان علی و حسین و فاروق و نواده‌های صلاح‌الدین ایوبی هستید و رسالت و ارزشهای شمشیرهای آنها نزد شما است و دعاهای آنها برای شما مؤمنان مجاهد است. آیا می‌شود آنها نواده‌های خود را فراموش کنند، بویژه که این نواده‌ها جهاد می کنند و در راه حق مبارزه می کنند.

فارسهای شرور می‌خواستند به شما ضربه بزنند؛ می‌خواستند بغداد را منهدم کنند؛ همانطور که اجداد آنها بغداد و بابل و تدمر و الحضر را منهدم کردند، شما برای دفاع از سرزمینها و شرف خودتان و آینده‌ی فرزندانتان قیام کردید و خدا با شماست، همانطور که خدا با اجداد شما در بدر و قادسیه و حطین بود.

شما مانند قهرمانان صدر اسلام و مبارزان صلاح‌الدین در حطین می‌جنگید. یقین داشته باشید که هیچیک از اعراب از آن زمان تا به حال، مانند شما نجنگیده است. یقین داشته باشید که افراد بسیار کمی در جهان هستند که مانند شما می‌جنگند.

شما ای شیرهای مشرف بر شهر اهواز و اطراف آن، میان شما افرادی بودند که به روش خالد بن الولید جنگیدند. آیا در میان شما افرادی نبودند که از باتلاقها و شنزارهای ۱۵ کیلومتری عبور کردند؟ شما توانستید از آشیانه‌ی موشکهای تاو و دفاع زرهی دشمن و همه نوع اسلحه‌ی امریکایی مدرن آنها بگذرید، آیا از شما کسانی نبودند که واحدهای آنها در محمره (خرمشهر) می‌جنگیدند تا پرچم عراق را بر فراز آن شهر به اهتزاز درآورند...» [۱۳۵] .

این رادیو در موارد دیگر از «دو تانک عراقی که یک لشکر ایران را متوقف

[صفحه ۵۵]

کردند» [۱۳۶] و یا «یک واحد پیاده‌نظام که یک لشکر زرهی ایران را تارومار کرد» [۱۳۷] و... سخن می گوید.

در موارد دیگری دستگاه تبلیغاتی عراق مثلا اهالی روستاهای تصرف شده را در روستای نوسازی در جنوب خرمشهر گرد آورده، در تبلیغات خود اعلام می‌کند که «این مکان بخشی از خرمشهر است که توسط عراق بازسازی شده و گزندی متوجه اهالی عرب آن نشده است.» [۱۳۸] و یا «خوانین و فئودالهای سرزمینهای اشغالی را وا می‌دارد که جلوی نظامیان عراقی گاو و گوسفند ذبح کنند» [۱۳۹] و... و به این ترتیب رژیم بعثی با نمایش خدمت صدام به اعراب ایران به توجیه تهاجم خود به ایران می‌پردازد.

در این میان دسته‌ای از نظامیان عراقی نیز به طمع «شهرهایی از ایران که حلال اعلام می‌شدند» [۱۴۰] یا امکان «دزدی» [۱۴۱] که در شهرهای اشغال شده برایشان فراهم می‌آمد و برخوردار شدن از «مدالهای شجاعت» [۱۴۲] «امکانات مادی و رفاهی» [۱۴۳] «به دست آوردن القاب» [۱۴۴] و... به جنگیدن تن می‌دادند، گروه دیگری از نظامیان با پرداختن به اعمالی که رژیم هم بر آنها صحه می گذاشت مانند «خوردن مشروب» [۱۴۵] «ارتکاب جرایم جنسی در جبهه و پشت جبهه - حتی به صورت حمله به زنان عفیف

شهرهای عراق» – [۱۴۶] خود را دلخوش و سرگرم می‌ساختند.

علی‌رغم شیوه‌های مبتنی بر تحمیق و تطمیعی که دستگاه تبلیغاتی عراق برای

[صفحه ۵۶]

فریب مردم و نظامیان به کار می‌گرفت، گاهی ارتش عراق خود را با نظامیان مخالف جنگ نیز مواجه می‌دید. به عنوان مثال، در شروع جنگ «بسیاری از تانکها و زره‌پوشهای عراق به خاطر آنکه توسط افراد مؤمن در موتورهایشان شن و میخ ریخته شده بود، آسیب دیدند» [۱۴۷] ، یا «سربازانی بودند که مهمات خود را به رودخانه انداخته یا دفن می‌کردند و خمپاره‌هایشان را بدون کشیدن ضامن آنها به سوی سپاهیان اسلام رها می‌کردند.» [۱۴۸] ، یا «در تهاجم هوایی گسترده‌ی عراق به فرودگاههای ایران، که با قصد از بین بردن نیروی هوایی ایران انجام گرفته بود، بسیاری از بمبها و راکتها به علت دست‌کاری ضامنشان عمل نکردند – و به همین دلیل نیروی هوایی ایران متحمل آسیبهای جدی نشد –» [۱۴۹] که در این خصوص رژیم بعثی با «اعدام افراد مظنون» [۱۵۰] ، «شکنجه و زندانی کردن اعضای خانواده‌ی این افراد» [۱۵۱] و «اخراج اعضای خانواده‌ی آنها از مشاغل دولتی و محروم کردن آنها از مزایای اجتماعی – نظیر تحصیل –» [۱۵۲] و... دست به مقابله با اینگونه اعمال و کنترل موارد احتمالی می‌زد.

دستگاه تبلیغاتی بعث عراق علاوه بر تحریک و تشجیع نیروهای خودی و تلاش برای حفظ روحیه‌ی آنها، می‌کوشید تا با ترسیم روحیه‌ی ضعیف ایرانیها و ترسیم تشتتهای فراوان داخلی جمهوری اسلامی، کار جنگ را ساده و کوتاه‌مدت جلوه دهد و بر انگیزه‌ی نیروهای خود برای به دست آوردن امتیازات نظامی قابل توجه‌تر (نظیر تصرف خوزستان، فتح دزفول، آبادان و..) بیفزاید. به همین دلیل، تبلیغات عراق گاه از «فقدان هماهنگی بین نیروهای ایرانی» [۱۵۳] و گاه «از جنگیدن از سر اجبار نظامیان در جبهه‌ها» [۱۵۴] و تهدید افسران مبنی بر آنکه «اگر آنها نجنگند، رژیم خانواده‌هایشان را حبس خواهد

[صفحه ۵۷]

کرد» [۱۵۵] یاد می‌کند و یا از «هجوم افسران و سربازان ایرانی به خانه‌های مسکونی آبادان برای یافتن لباسهای غیرنظامی و فرار از مهلکه‌ی جنگ» [۱۵۶] یا «فرار نیروهای ایرانی از برابر نظامیان عراقی» [۱۵۷] و «گریستن سربازان ایرانی» [۱۵۸] در برخورد با خبرنگاران و نظامیان عراقی و.... سخن می‌گوید. در فراز دیگری از تبلیغات عراق عنوان می‌شود که در مقرهای سقوط کرده‌ی پاسداران در خرمشهر «آبجو، ویسکی، بسته‌های حشیش و تریاک» [۱۵۹] کشف شده است.

عراق در ترفندی دیگر چنین تبلیغ می‌کند که ایران با شیوه‌ی «امواج انسانی» [۱۶۰] دست به تهاجم می‌زند، تا به این ترتیب، اگر نیروهای عراقی در عملیاتی پیروز شدند، عراق پیروزی خود را چند برابر بزرگتر نشان دهد و اگر در عملیاتی شکست خوردند، آن شکست را توجیه کند» [۱۶۱] .

موضوعاتی مانند «عملکردهای ضداسلامی ایران (نظیر بمباران مساجد و...)» [۱۶۲] ، «به‌کارگیری بمبهای ناپالم در جنگ (که به‌کارگیری آنها از نظر بین‌المللی ممنوع است)» [۱۶۳] ، «انهدام تدریجی توان اقتصادی ایران» [۱۶۴] و... نیز بارها توسط این رژیم تکرار شده است.

نکته‌ی مهم دیگری که دستگاه تبلیغاتی عراق، برای حفظ انگیزه‌ی نظامیان عراقی بدان توجه می‌کرد، مسأله‌ی تحریف وقایع جنگ و دستاوردهای سپاهیان اسلام در جنگ

[صفحه ۵۸]

بود. به عنوان مثال، در حالی که مـدتها از قطع صادرات نفت عراق می گـذشت، صدام «با اعلام خبر راه‌اندازی سـریع صادرات نفت عراق» [۱۶۵] به این مسأله اعتراف می کنـد یـا در حـالی که نیروی دریـایی عراق پس از ضـربات مهلکی که از نیروی دریایی ایران می‌خـورد - به طوری که دیگر در عرصه‌ی خلیـج فـارس ظـاهر نمی‌شود - تبلیغـات عراق، بـا کوچک‌نمـایی این اقـدامات «از چند حمله‌ی ایران در خلیج فارس» [۱۶۶] گزارش می‌دهد یا در حالی که خرمشـهر هنوز سقوط نکرده است، عراق «از حاکمیت خود بر این شـهر و بازگشت زنـدگی عادی بدان خبر می‌دهد». [۱۶۷] همچنین، دروغین خوانـدن «ارائه آمـار و ارقام تلفات عراق» [۱۶۸] از سوی ایران، بعد دیگری از تلاش عراق در تحریف و کوچک‌نمایی دستاوردهای دفاع مقدس سپاهیان اسلام از خاک میهن اسلامی است که برای حفظ انگیزه‌ی مردم و نظامیان عراقی توسط دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق مطرح می‌شود.

قلب ماهیت جنگ

کشانـدن مردم و ارتش عراق به جنـگ بـا ایران کاری صـعب و دشوار بود. با وجود این، دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق، همانطور که معمول دسـتگاههای تبلیغـاتی ضـدمردمی است، در قسـمتی از تلاش خود کوشـید تـا بـا قلب مـاهیت واقعی جنـگ، به فریب افکار عمومی مردم عراق و به دنبال آن برانگیختن آنها جهت پذیرش جنگ دست یابد.

دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق برای قلب ماهیت جنگ، نخست از جنگ به عنوان توطئه‌ای بین‌المللی که با مشارکت ایران، اسـرائیل و امریکـا علیه عراق طرح‌ریزی شـده است، یاد می کنـد و سـپس با طرح مواردی نظیر توسـعه‌طلبی و جنگ‌طلبی ایران، درصـدد است جنگ را امری ناخواسـته و تحمیلی معرفی کند و در نهایت با طرح مضامینی نظیر صـلح‌طلبی عراق، ضمن عینیت بخشیدن به تدافعی بودن جنگ، به تطهیر هر چه بیشتر این

[صفحه ۵۹]

رژیم می‌پردازد.

صدام در نطقی که به مناسبت لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رادیو و تلویزیون عراق ایراد کرد، در تلاـش برای قلب ماهیت جنگ، از توطئه بین‌المللی اسرائیل، امریکا و ایران علیه عراق سخن گفت:

«اسـتعمار در دورانهای گذشـته تمام وسایلی را که در اختیار داشت برای تضـعیف امت عرب و زیر سلطه درآوردن آن به کار برد و پس از به وجود آوردن موجودیت صـهیونیستی در سـرزمین اشـغال شـده‌ی فلسـطین، صـهیونیست‌ها که پاسـگاه مقدم امپریالیست‌ها بودند، مطامع و منافع توسعه‌جویانه خود را در این منطقه حیاتی از جهان آغاز کردند.

بنیاد صـهیونیستی در خلال سـی سال گذشـته در جهت تجزیه‌ی میهن عرب و تضـعیف قدرتهای امت عرب فعالیت می کرد و در هر فرصتی که به دست می‌آورد، دست به تجاوز و توسـعه‌جویی در سرزمین عربی می‌زد. اما عراق به دلیل وضعیت جغرافیایی، سیاسی، تـاریخی و اقتصادی و از همه مهمتر به دلیل روحیه‌ی رزمنـده‌ی مردمانش و نقشـی که در تاریـخ در دفاع از حیثیت و حاکمیت امت عرب ایفا کرده و قدرت پیشـرفت بسیار زیادی که داشته است، مورد بغض استعمار و صهیونیسم قرار گرفت و آنها درصدد برآمدند تـا بـا ایجـاد تضـاد میان خصوصـیتهای ملی و محلی و قومی عراق این کشور را تجزیه کننـد... در آن زمان ایران با تشویق و حمایت

امپریـالیسم امریکـا و صـهیونیسم جهـانی تمام امکانات نظامی، مادی، سیاسـی، تبلیغاتی و سازمانهای اطلاعاتی پیشـرفته‌ی خود را در اختیـار کردهـایی که درصـدد سـرنگون‌سازی حکومت عراق بودنـد، قرار داد... امـا نه تنهـا توطئه‌ی امپریالیستی و صـهیونیستی برای تجزیه و تضـعیف عراق و همچنین پایان دادن به نقش ملی و قومی عراق در آن زمان، تحقق نیافت، بلکه اکنون شاهـد هستیم حکام تهران، که غرور کورشان کرده است، به تحریک نیروهای امپریالیستی - صـهیونیستی قصد غصب سـرزمین ما را دارند...ما به شـما و امت عرب و تمام جهان می‌گوییم این دار و دسـته، پوشش دین را مزدورانه برای توسعه‌جویی به زیان امت عرب و منافع عربی مورد استفاده قرار داده‌اند و از پوشش دین برای ایجاد روح تعصب، کینه و تفرقه‌ی میان ملل منطقه و به نفع

[صفحه ۶۰]

نقشه‌های صهیونیستی جهان استفاده می‌کنند.» [۱۶۹] .

دستگاه تبلیغاتی عراق برای متهم ساختن ایران به شروع جنگی تجاوزکارانه علیه عراق، با توسعه‌طلب و جنگ‌طلب خواندن ایران، از این اوصاف به عنوان مهمترین عوامل وقوع جنگ یاد می‌کند. رادیو صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهای خود می‌گوید:

«روشـنفکران ایران بخوبی درک می‌کننـد امپراتوری که (امام) خمینی در مغز... خود پرورانده و می‌خواهد آن را از چین تا اقیانوس آتلانتیک برقرار سازد، هدف محالی است...» [۱۷۰] .

در برنامه‌ی دیگری صوت الجماهیر، با سودجویی از ناپختگی‌های تبلیغاتی مسئولین جمهوری اسـلامی از اهداف توسعه‌طلبانه ایران چنین یاد می‌کند:

«رژیم (امام) خمینی طمع خود را هیچگاه پنهان نگاه نداشته است و چند مثال زیر دلیل بارزی بر طمع‌ورزی ایران است:

در تاریخ ۱۶ / ۶ / ۷۹ صادق روحانی گفت بحرین جزئی از ایران باقی خواهـد مانـد. در تاریـخ ۱۸ / ۶ / ۷۹ داریوش فروهر گفت همه‌ی جزایر در خلیـج عربی (فارس) به ایران وابسـته‌اند نه فقط سه جزیره. در تاریخ ۲۰ / ۴ / ۸۰ قطب‌زاده تهدید کرد اگر عراق از درخواست بازگرداندن سه جزیره خودداری نکند، ایران درخواست بازگرداندن بغداد را مطرح خواهد کرد...». [۱۷۱] .

این رادیو از «تجـاوز مجـدد جنگنـده‌های ایران به حریم هوایی کویت» [۱۷۲] یاد می‌کنـد و با «اسـتناد به تجاوز مسـلحانه ایرانیها در یکی از کشورهای خلیج» [۱۷۳] و تبلیغ «تصـرف انبارهای عظیم تسلیحاتی ایران که در طول جبهه‌ها به دست عراق افتاده‌اند» [۱۷۴] توسعه‌طلب بودن ایران را نتیجه می‌گیرد.

[صفحه ۶۱]

رسانه‌هـای خبری اسـتکبار جهانی هم با طرح مضامینی مشابه، درصـدد تبلیغ انـدیشه‌ی توسـعه‌طلبی ایران بر می‌آینـد. به عنوان مثال، بی.بی.سـی. از ایران به عنوان «رژیم عقب مانـده‌ای» یـاد می‌کنـد که «با عوامل مرتجع خود تمام منطقه را وارد درگیری کرده است» [۱۷۵] و رادیو امریکا ضمن یادآوری «ادعاهای ارضی ایران نسبت به بحرین و تصرف جزایر عربی تنب و جزیره‌ی ابوموسی از غرایز گسترش‌طلبی ایرانیهـا که اکنـون تحت لـوای انقلاب اسـلامی پنهـان شـده است» [۱۷۶] سـخن بـه میـان می‌آورد. بی.بی.سـی. طی تحلیلهـای دیگری از «احتمال حمله‌ی ایران به تأسیسات نفتی خلیـج» [۱۷۷] و اینکه «عربسـتان - در صورت سـقوط عراق - هـدف بعدی ایران خواهد بود» [۱۷۸] و... سخن می‌گوید.

متأسـفانه، برخی از پیامهـای رادیـویی ایران نظیر اینکـه «مسـلمانان کشورهـای حاشـیه‌ی خلیـج فـارس بایـد حکومتهـای ضداسـلامی

خودشان را سرنگون سازند» [۱۷۹] که نشأت گرفته از اندیشه صدور انقلاب به شکل غیرمنطقی و خشن خود توسط برخی از مسئولان ایرانی بود، بهانه‌های تبلیغاتی مناسبی در اختیار رسانه‌های خبری خارجی قرار می‌دادند.

تبلیغات عراق و جهان گاه از جنگ به عنوان «عامل بقای جمهوری اسلامی در شرایط آشفته‌ی داخلی کشور» [۱۸۰] و «مفری برای سرپوش نهادن بر کمبودها و مشکلات داخلی ایران» [۱۸۱] یاد می‌کنند و گاه علت ایجاد و ادامه‌ی جنگ را خصومت شخصی «(امام) خمینی با صدام و بعثیها» [۱۸۲] می‌دانند.

جنگ‌طلب خواندن ایران توسط دستگاه تبلیغاتی عراق تا بدانجا تبلیغ می‌شود که «طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، ضمن ارسال یادداشتی رسمی به هیأت حسن نیت

[صفحه ۶۲]

اسلامی، خواستار غرامت جنگی از ایران می‌شود» [۱۸۳] .

تبلیغات عراق پس از ترسیم ایران در قطب جنگ‌افروزی و آشوب‌طلبی با تبلیغ کشیده شدن ناخواسته عراق به جنگ و تدافعی بودن جنگ این کشور و با طرح اندیشه صلح‌طلبانه عراق، سعی می‌کنند این رژیم را در قطب مخالف ایران ترسیم کنند.

پیش از شروع گسترده جنگ، تبلیغات عراق با مظلوم نماییهایی نظیر اینکه «ایران با تحریک عناصر مزدور در امور داخلی عراق مداخله کرده و عملیات خرابکارانه و کشتار شهروندان بی‌گناه عراق را درپیش گرفته است» [۱۸۴] افکار عمومی عراق را آماده می‌کند. سپس در اولین روز تهاجم گسترده‌ی عراق به ایران، صدام به عنوان رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق، ضمن صدور اطلاعیه‌ای با مهارت هر چه تمامتر از جنگ به عنوان حادثه‌ای که عراق ناخواسته به آن کشیده شده است، یاد می‌کند:

«ای ملت ایران، ما به سرزمینهای شما طمعی نداریم، اما گروه (امام) خمینی... با کارهای تخریبی خودشان بر ضد امنیت عراق اقدام کردند و حق حاکمیت عراق را در مرزهای زمینی و آبهای خود را در شطالعرب نادیده گرفتند. آنها در صدد توطئه علیه عراق برآمدند و ظرف ۷ روز گذشته و امروز حملاتی به عراق داشتند. به همین منظور ما ناچار شدیم که به نیروهای مسلح خودمان دستور بدهیم تا به عنوان جوابی دندان‌شکن، دست به عملیات نظامی گسترده‌ای بزنند» [۱۸۵] .

در قسمت دیگری از این اطلاعیه چنین آمده است:

«نیروهای ایرانی در دو روز گذشته و امروز عملیات نظامی وسیعی را انجام دادند تا حرکت کشتیها را در شطالعرب و انتهای آن متوقف سازند، به این ترتیب که به بمباران کشتیهای تجارتی عراقی و خارجی که در حال حرکت به سوی شطالعرب و خارج آن بودند، پرداختند... و امروز شورای فرماندهی انقلاب عراق به نیروهای این کشور دستور داده است که با قدرت به حملات

[صفحه ۶۳]

ارتش ایران در نواحی شطالعرب و مرز دو کشور پاسخ دهند» [۱۸۶] .

صدام در پیام دیگری خطاب به ملت عراق چنین می‌گوید:

«ما جنگ را شروع نکردیم، واین جنگ در روز ۲۲ سپتامبر که نیروی هوایی عراق به ایران حمله کرد، شروع نشد. این جنگ بامداد ۴ سپتامبر گذشته آغاز گردید. زمانی که ایرانیها شهرهای عراق را با توپخانه امریکایی دوربرد خود گلوله‌باران کردند و نیروی هوایی خود را در زین‌القوس و سیف سعد به کار بردند و پاسگاههای مرزی ما را با هواپیما بمباران کردن و شطالعرب را به آتش

بستند. آنها جنگ را شروع کردند و می‌خواستند بیشتر از این به ما ضربه وارد سازند» [۱۸۷] .

ترفند دیگر صدام، پیشنهاد آتش‌بس و صلح است، که با این کار سعی می‌کند تجاوز پیشگی رژیمش را مخفی نگه دارد. صدام ۶ روز پس از آغاز جنگ (۶ / ۷ / ۵۹) با شرایطی پیشنهاد آتش‌بس و صلح را مطرح می‌کند، اما این پیشنهاد از سوی ایران رد می‌شود. در همین روز شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز از طرفین تقاضا می‌کند ترک مخاصمه را بپذیرند که این مسأله با استقبال صدام روبرو می‌شود، اما ایران به این تقاضای غیرعادلانه نیز پاسخ مثبت نمی‌دهد. در تاریخ ۱۳ / ۷ / ۵۹ دوباره عراق با پیشنهاد ضیاءالحق رئیس جمهور وقت پاکستان که به نمایندگی از سوی سازمان کنفرانس اسلامی از عراق خواسته بود ۵ تا ۸اکتبر ۸۰ (۱۳ تا ۱۶ مهر ۵۹) آتش‌بس یکجانبه‌ای را رعایت کند، موافقت می‌کند، اما نیروی هوایی ایران با استفاده از فرصت پیش آمده «مناطق نفت‌خیز موصل و کرکوک» [۱۸۸] را بمباران می‌کند. در ۲۴ / ۷ / ۵۹ دوباره صدام در دیدار با حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی اعلام می‌دارد که آماده‌ی مذاکره با ایران است، ولی این تقاضا هم به سبب شرایط غیرعادلانه کنفرانس اسلامی مورد پذیرش ایران واقع نمی‌شود. در ۸ / ۱۱ / ۵۹ عراق در مانور تبلیغاتی دیگری به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان پیشنهاد آتش‌بس می‌دهد که این پیشنهاد هم از سوی ایران رد

[صفحه ۶۴]

می‌شود.

بنابراین، علی‌رغم آنکه صدام، شورای امنیت سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی و کشورهای غیرمتعهد در ظاهر پیشنهادهایی را برای دستیابی به صلح مطرح می‌کنند: اما از آنجا که تمامی پیشنهادات ارائه شده، حقوق مسلم ایران را زیر پا می‌گذاشتند، مورد پذیرش ایران واقع نمی‌شوند. ولی ظواهر پیشنهادهای مزبور، در تبلیغات عراق و جهان، به عنوان موضوع تبلیغاتی مطلوبی در جهت مشوب کردن حقانیت ایران، جنگ‌طلب معرفی کردن آن و در نهایت قلب ماهیت جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، بخش فارسی رادیو عراق در یکی از مانورهای تبلیغی خود با استناد به پیشنهاد صلح صدام می‌گوید:

«عراق مایل به ادامه‌ی جنگ نیست. آنجا که رهبر عراق می‌گوید اگر علی‌رغم پیروزیهای به دست آمده از من پرسیده بودند جنگ بهتر بود پیش بیاید یا خیر، به بغداد سوگند می‌گفتم اگر چاره‌ای داشتیم که درگیر جنگ نشویم بهتر بود، و اگر کسی از ما بپرسد که جنگ ۶ ماه طول بکشد یا یک هفته کدام بهتر است؟ می‌گفتم اگر یک هفته به طول انجامد و ظرف این یک هفته تمام حقوق ما بدون هیچ کمی و کاستی به ما داده شود، بهتر است. زیرا ما برای خون فرزندانمان ارزش قائل هستیم و مانند (امام) خمینی نیستیم که ریختن خون فرزندان ایرانی برایش هیچگونه ارزش و اهمیتی نداشته باشد. سخن رهبر ما حکایت از دوراندیشی ایشان می‌کند. رهبر عراق از قطع خونریزی جوانان سخن می‌گوید، در حالی که نیروهای عراق خرمشهر را در دست دارند، آبادان، اهواز و دزفول را محاصره کرده‌اند، این حرفهای رهبر ما برای روشن شدن اذهان مردم عراق و خلقهای ایران است تا جنگ‌افروز را بشناسند و بدانند چه کسی مایل به ادامه‌ی جنگ و کشت و کشتار است و چه کسی علاقه به حل مشکلات از راههای دیپلماسی و سیاسی دارد. (امام) خمینی و بنی‌صدر و رجایی باید بدانند که عراق از موضع قدرت سخن از صلح و پایان جنگ می‌دهد، زیرا مایل نیست آسیب بیشتری به خلقهای ایران برسد» [۱۸۹] .

[صفحه ۶۵]

فریب پیشنهاد صلح

صدام یک هفته پس از شروع جنگ با عنوان ساختن چند شرط پیشنهاد صلح داد. این شرطها عبارت بودند از:

«- به رسمیت شناخته شدن حقوق ارضی عراق از سوی ایران؛

- قطع مداخله ایران در امور داخلی عراق؛

- قول متقابل برای رعایت مناسبات حسن همجواری؛

- بازگرداندن جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که در سال ۱۹۷۱ توسط ایران به تصرف درآمده بودند، به صاحبان برحق عرب آنها (رأس‌الخیمه و شارجه)» [۱۹۰].

شورای امنیت سازمان ملل متحد هم چند روز پس از تجاوز عراق به خاک ایران، بدون توجه به حضور ارتش عراق در خاک ایران و به اشغال درآمدن قسمتهای وسیعی از این کشور «از ایران و عراق می‌خواهد تا هر چه زودتر آتش‌بس را اعلام کنند و از استفاده از نیروهای مسلح خویش خودداری ورزند.» [۱۹۱].

اهداف رژیم عراق پیشنهاد آتش‌بس و شروع مذاکره برای دستیابی به صلح چه بود؟

یکی از دلایل این پیشنهاد، همانگونه که خبرگزاری فرانسه از قول ناظران سیاسی بیروت خبر می‌دهد «تلاش صدام برای عدم پذیرش مسئولت ادامه‌ی جنگ و پاسخ به جامعه‌ی بین‌المللی، که خواستار قطع فوری جنگ شده بودند، بود». [۱۹۲].

دلیل دیگر عراق از ارائه‌ی پیشنهاد آتش‌بس و صلح به ایران، مواجهه عراق و هم‌پیمانان غربی این کشور با مقاومت غیر منتظره‌ی مردم و برخی از نیروهای مسلح ایران بود که امکان فتح هفت روزه‌ی تهران را از عراق گرفته بودند.

[صفحه ۶۶]

عراق برای از کار انداختن نیروی هوایی ایران، که در آن شرایط از نظر کمی و تکنولوژیک برتر از نیروی هوایی عراق بود، در ساعات نخست حمله‌ی گسترده‌ی خود به ایران، درصدد برآمد تا با بمباران فرودگاهها و آشیانه‌ی هواپیماهای ایران، نقشه‌ای مشابه حمله‌ی هوایی اسرائیل به فرودگاههای مصر، سوریه و اردن در سال ۱۹۶۷ را که به انهدام نیروی هوایی این کشورها انجامید، عملی سازد. اما به دلیل بی‌دقتی خلبانان عراقی، محکم بودن آشیانه‌ی هواپیماهای ایران و «عمل نکردن بسیاری از بمبهایی که به دلیل خرابکاری چاشنی‌هایشان منفجر نشده بودند» [۱۹۳] موفق به اجرای کامل طرح خود نشد. همچنین وقتی که فرماندهان ارتش عراق با این واقعیات مواجه می‌شوند که مثلا «از ۶۰ - ۵۰ تانکی که در چهارم مهرماه به شهر خرمشهر وارد می‌شوند، بیش از ۳۰ تانک با کوکتل مولوتف تبدیل به آهن پاره‌ای می‌شوند. [۱۹۴] و ارتش عراق «۱۵ تیپ از نیروهایش را در مقابله با مقاومتهای مردمی خرمشهر، که در محاسبات آنها نیروهای بالقوه حامی عراق به شمار می‌آمدند، از دست می‌دهد» [۱۹۵] و همینطور وقتی ملاحظه می‌کنند که «شبیخونها و عملیاتهای شهادت‌طلبانه نیروهای مردمی ضمن ایجاد رعب و هراس در نیروهای عراقی، تلفات سنگین و قابل توجهی به ارتش عراق وارد می‌سازند» [۱۹۶] در تحقق سریع اهدافشان دچار تردید می‌شوند. از سوی دیگر، وقتی که فرماندهان عراقی می‌بینند «نیروی هوایی ایران صادرات ۳ میلیونی نفت عراق را قطع می‌کند» [۱۹۷] و «هلی کوپترهای ایران با به دام انداختن کاروانهای زرهی عراق، گورستانی از آنها فراهم می‌آورند» [۱۹۸] به خود می‌آیند. بتدریج، با قوت گرفتن احتمال قیچی شدن نیروهای عراق در عمق خاک ایران، این نیروها در مواضع تصرف شده‌ی اولیه، متوقف می‌شوند و احساس می‌کنند که این وضع تجدیدنظری اساسی در روند جنگ را طلب می‌کند.

دلیل مهمتر پیشنهاد آتش‌بس و صلح، تلاش این رژیم برای فریب ایران و

[صفحه ۶۷]

فرسایش تدریجی ایران تا سقوط نظام اسلامی آن بود. صدام اگرچه در ادعاهای اولیه‌ی خویش از باز پس گیری شطالعرب و مناطقی نظیر زین‌القوس و سیف سعد سخن می‌گفت، اما در بیانات بعدی خود بوضوح نشان می‌دهد که ادعاهایش بیشتر از چیزی است که قبل و بلافاصله بعد از آغاز جنگ مطرح می‌کرد. او در ۲۶ / ۶ / ۵۹ در نطقی که خطاب به مردم عراق ایراد کرد «برای مردم عرب الاحواز درود فرستاد و آنها را تأیید کرد»، همچنین ضمن سخنرانی در مجلس ملی عراق در تاریخ ۱۴ / ۸ / ۵۹، ایران را تهدید می‌کند که «این کشور دیگر نمی‌تواند اعراب عربستان (خوزستان) را نظیر کردها، بلوچها و آذربایجانیهای ایران به نوکر فارسها تبدیل کند».

صدام در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۲۲ / ۸ / ۵۹ با خبرنگاران داشت، در پاسخ به این سؤال که «آیا می‌شود عربستان (خوزستان) را به عراق ملحق، یا یک کشور مستقل در آن ایجاد کنید، و یا موافقت می‌کنید که به آن در چارچوب دولت ایران یا عراق خودمختاری داده شود؟» با قدری ابهام چنین پاسخ می‌دهد:

«هر وقت مسؤلان ایران حقوق ما را به رسمیت بشناسند، ما از سرزمین آنها عقب‌نشینی خواهیم کرد، اما اینکه مردم عربستان (خوزستان)، کردها، بلوچها،و آذربایجانیها موضع دیگری داشته باشند، آن به خود آنها مربوط می‌شود» [۱۹۹] .

اما بعدها اندیشه‌ی صدام درباره‌ی خوزستان با وضوح بیشتری مطرح شده و نشان می‌دهد که وی درصدد است با تحریک عوامل خودفروخته در خوزستان و ایجاد فضای روانی مناسب، سلطه عراق را بر این استان نفت‌خیز حفظ کند. صوت الجماهیر ضمن یک خبر می‌گوید:

«جامعه‌ی دانشجویان عربستانی (خوزستانی) تأکید کرد خلق عرب در عربستان که بهترین مبارزان خود را برای به دست آوردن آزادی قومی و حقوقی تاریخی خود تقدیم کرد، اکنون در کنار قهرمانان قادسیه‌ی صدام، شجاعانه در برابر تجاوز فارسهای نژادپرست ایستادگی می‌کند. نماینده‌ی این جامعه در عراق در مصاحبه‌ای با خبرگزاری عراق تأکید کرد، عربستانی‌ها به حمل اسلحه جهت دفاع از قضیه‌ی ملی خود ادامه داده، مبارزه خود را افزایش خواهند داد و در

[صفحه ۶۸]

برابر نیروهای دشمن فارسی ایستادگی خواهند کرد؛ زیرا دشمن فارسی می‌خواست حقوق آنان را در سرزمینهای خود پایمال و وابستگی آنها را به قومیت عرب قطع کند و این کاری است که با دیگر خلقهای ایران انجام می‌دهد. این جامعه توضیح داد، خلق عربستان شهدای خود را که به دست دار و دسته رژیمهای (امام) خمینی و شاه معدوم شهید شدند، فراموش نخواهد کرد و کشتارهای دسته‌جمعی که رژیم (امام) خمینی... نسبت به فرزندان و زنان و کودکان عربستان در محمره (خرمشهر) و حومه‌های آبادان و راههای ورودی به اهواز مرتکب گردید، فراموش نخواهند کرد، و اکنون زمان قصاص عادلانه از این دار و دسته‌ی فاشیستی جنایتکار و سفاکان آن از پاسداران (امام) خمینی... رسیده است. جامعه توضیح داد سازمان آزادیبخش عربستان و سازمانهای وابسته به آن و فرزندان عربستان تأیید کامل و حمایت خود را از پرزیدنت صدام حسین اعلام کرده، همه‌ی امکانات معنوی و مادی و نیروهای خود را در کنار ارتش قادسیه قرار می‌دهد» [۲۰۰] .

به همین ترتیب صوت الجماهیر در برنامه دیگری خبر از «عملیات جوانان عربستانی (خوزستانی) علیه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی می‌دهد» [۲۰۱] .

مدتی بعد صدام در یکی از سخنرانیهای خود می گوید:

«ما به ایرانیها و جهانیان و بویژه خلق عرب الاحواز یادآوری می کنیم که این خلق باید در سرزمین خود از حقوق ملی و ناسیونالیستی برخوردار باشد و خود را برای انقلاب ملی و ناسیونالیستی آماده سازد... ما آماده‌ایم که در چارچوب همین مناسبات با خلق عرب و سایر خلقهای ایران، از تفنگ گرفته تا همه‌ی مایحتاجشان و هر گونه کمک دیگری را برای آنها تأمین کنیم. این تنها یک حرف نیست، این یک تصمیم است و پس از آن بگذار که حکمرانان ایران جنگ را تا هر جا که مایلند ادامه دهند. آنها دارند متلاشی می‌شوند، و ما متحد می‌شویم. آنها مناسبات، موقعیتها و مقام بین‌المللی خود را از دست داده‌اند،

[صفحه ۶۹]

در حالی که ما آن را تحکیم می‌بخشیم. ملت و سرزمین عراق تجزیه‌پذیر نیست، اما خاک ایران قابل تجزیه است» [۲۰۲] .

در جای دیگری صدام از ریشه‌های تاریخی چشمداشت خود به خرمشهر و آبادان چنین سخن می گوید:

«در آن زمان به سبب بروز رقابت بین روسیه و بریتانیا به منظور نفوذ در منطقه‌ی دولتهای عثمانی و ایران، سرحدات مرزی جدیدی برای این دو کشور با واسطه‌ی روسیه و بریتانیا در نظر گرفته شد که در سال ۱۸۳۷ معاهده ارز روم دوم بین ایران و عثمانی بسته شد که طبق این معاهده جدید ایران به قسمت شرقی جزیره عبادان و محمره دست یافت» [۲۰۳] .

البته شواهد دیگری «نظیر ساختن خانه‌هایی به سبک سنتی با تجهیزات و سرویس کامل که برای سکونت مادام‌العمر مناسب بود، و خیابانها، میدانها، سالنهای مختلف، پمپ بنزین و... و تأسیساتی که با فرار عراقیها نیمه‌کاره مانده بود» [۲۰۴] بیانگر این مسأله هستند که عراق هیچگاه قصد رفتن از خاک خوزستان را نداشت. به تعبیر دیگر، اگر ایران پیشنهاد آتش‌بس و صلح صدام را که شش روز پس از تهاجم گسترده‌ی عراق به ایران ارائه شد، می‌پذیرفت، مجبور بود به دوری طولانی و خسته کننده از مذاکرات دیپلماسی با عراق تن دهد و به علت موضع برتر عراق در مذاکرات، که با اتکا به دستاوردهای نظامی از آن برخوردار شده بود، تن به تحقیر و پذیرش خواسته‌های صدام بدهد، و تازه پس از این مذاکرات طولانی، از طرفی صدام با تحریک عوامل مزدور داخلی‌اش خوزستان را به آشوب می کشید و احتمالاً ـ با ایجاد حادثه‌ی مستنصریه دیگری ایران را متهم به دخالت در امور داخلی عراق کرده و دوباره ایران را، که در جریان مذاکرات دیپلماسی بشدت تحقیر شده بود، مورد تهاجم قرار می‌داد.

با توجه به آنچه گفته شد، بوضوح می‌توان دریافت که پیشنهاد آتش‌بس و صلح عراق پس از چند روز از آغاز جنگ، قبل از رخ دادن جنگ طراحی و تصویب شده

[صفحه ۷۰]

بود، اما عدم پذیرش این پیشنهاد از سوی ایران، محاسبات عراق و استکبار جهانی را در این زمینه به هم زد. به عنوان مثال، طارق عزیز وزیر امور خارجه‌ی عراق در مصاحبه با صدای امریکا گفت: «وی معتقد است ایران پیشنهاد آتش‌بس را خواهد پذیرفت» [۲۰۵] و بی.بی.سی. ضمن بیان مقاله‌ی گاردین اظهار می‌دارد «امتناع ایران از پذیرفتن آتش‌بس سازمان ملل متحد و صدام پیش‌بینی نشده بود» [۲۰۶] بی.بی.سی. در قسمت دیگری از همین برنامه‌ی خبری، درباره‌ی برنامه‌ی زمان‌بندی شه‌ی قبلی پیشنهاد

آتش‌بس عراق می گوید:

«خبرنگـار روزنـامه‌ی گـاردین از بیروت گزارش می‌دهـد کـه از پیشـنهاد آتش‌بس عراق کـه روز چهارشـنبه در نیویـورک اعلاـم و بلافاصـله توسط ایران رد شـد، می‌توان چنین برداشت کرد که به تصور فرمانده‌ی نیروهای عراقی این زمان مناسبی برای ارتش عراق به منظـور حمله و از هم پاشـیدن خطوط دفـاعی ایران در خوزسـتان هست. قرار بود که این آتش‌بس، از روز یکشـنبه به مرحله اجرا درآیـد و بنـا به اظهـار خبرنگـار گاردین، عراقیها انتظار دارنـد که تا آن زمان آبادان و خرمشـهر را تصـرف کرده و خطوط ارتباطی دزفول و اهواز را قطع کننـد. به تصور نامبرده، در واقع عراق به هـدفهای خود بسـیار نزدیک است. هر چنـد بنا به گفته‌ی وی قدرت نیروهای دفاعی ایران تا حدودی از انتظار عراقیها بیشتر بوده و برنامه‌ی زمان‌بندی جنگ را به هم زده است» [۲۰۷] .

پس از رد قـاطع پیشـنهاد آتش‌بس عراق از سوی ایران، رسانه‌هـای خبری غرب طی تحلیلهایی از اهـداف پیشـنهاد آتش‌بس توسـط عراق چنین یاد می کند:

«ترانـا کوبـا، در مقـاله‌ای کـه از جنـوب عراق فرسـتاده است نوشـته که هـدف نهـایی عراق سـرنگونی رژیم آیت‌الله خمینی است. به عقیده‌ی این نویسـنده، حتی پیشنهاد آتش‌بس از طرف عراق نقشه‌ای است که ایرانیهای سرخورده و ناامید را به مرحله‌ای برساند که عاقبت از آیت‌الله خمینی رو برگردانند» [۲۰۸] .

[صفحه ۷۱]

روزنامه‌ی وال استریت ژورنال، چاپ نیویورک در گزارشی که از خبرنگار خود چاپ کرده می‌نویسد:

«حملـه‌ی نظـامی عراق به رژیم (امـام) خمینی، تـازه گـام نخست صـدام حسـین برای سـرنگون کردن رژیم (امـام) خمینی است. این حرفی است که حـداقل مقامـات عراقی در هیأت نماینـدگی عراق در مقر سازمـان ملـل متحـد اظهـار می‌دارنـد. صـدام حسـین علنا می گویـد که عراق به هـدفهای نظـامی خود رسـیده و اکنون آمـاده مـذاکره است. امـا هنگـامی که جنگهای جاری به پایان برسـد و گفتگوها به جریان بیفتـد، عراق مرحله‌ی دوم عملیات خود را اجرا خواهد کرد. مرحله‌ی دوم دامن زدن به انقلاب در داخل ایران به وسـیله‌ی مسلح کردن گروههـای قـومی ایران ماننـد کردهـا و قومهـای عرب است. مقامـات عراق می گوینـد لاـزم نخواهـد شـد که نیروهـای عراق به انقلابیون کرد و سایر انقلابیون در ایران علیه رژیم (امام) خمینی کمک کننـد، بلکه نیروهای عراقی مناطقی را که تاکنون تصـرف کرده‌اند، نگاه خواهند داشت تا به عنوان پناهگاه و منبع تأمین آذوقه و مهمات مورد اسـتفاده‌ی انقلابیون ایرانی قرار گیرد» [۲۰۹] .

زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران

پیش از تهـاجم عراق بـه ایران، روابـط نسـبتا تیره‌ی ایـن کشـور بـا عربسـتان شـکل دوسـتی و صـمیمیت بـه خـود گرفـت و عبـارت «کشورهـای ارتجاعی عرب» [۲۱۰] از تبلیغات عراق که به عربسـتان و کشورهای مشابه وی اطلاق می‌شـد، حـذف شـد و «صدام در رأس هیـأت مهمی در اوت ۱۹۸۰ در کنفرانس طـائف عربسـتان شـرکت کرده، در کنار رهبران محافظه کارترین رژیمهای سـلطنتی عرب، که همیشه آنها را تحقیر می کرد قرار می گیرد و با آنها دیدار می کند» [۲۱۱] .

[صفحه ۷۲]

مجله‌ی ژون افریک در تاریخ ۱۹ / ۳ / ۶۱ می‌نویسد:

«زمامداران عربستان هنگام استقبال از صدام، درست یک ماه و نیم مانده به شروع جنگ هدیه‌ی شاهانه‌ای به وی دادند و آن گزارشی تهیه شده از سوی دستگاههای سری امریکا بود که در آن اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران تشریح شده بود و حتی بیشتر از این، در این سند واقعیات دقیقی درباره‌ی وضع ارتش ایران، تعداد نفرات آن، مواضع و تجهیزات قابل بهره‌برداری آن و اطلاعات مختلف دیگر که بسیار محرمانه بودند به وی دادند. خلاصه یک نقشه‌ی کامل تهاجم تهیه شده بود» [۲۱۲] .

با آغاز جنگ و بسته شدن فرودگاههای عراق، حسین اردنی «فرودگاههای اردن را در اختیار بغداد قرار داده و اسکله‌هایی را در بندر عقبه به واردات تسلیحاتی عراق اختصاص می‌دهد و ضمن اعزام نیرو به جبهه‌های عراق» [۲۱۳] با حضور در جبهه‌های جنگ «شخصا توپی را به سمت ایران شلیک می‌کند». [۲۱۴] رسانه‌های خبری عربستان و کویت هم با شروع جنگ به تأیید قاطع تهاجم عراق به ایران اسلامی پرداخته و عربستان «کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را برای حمایت از صدام تحت فشار قرار می‌دهد» [۲۱۵] و کویت ضمن اعطای کمکهای چند میلیارد دلاری به رژیم عراق، فرودگاهها و جاده‌های خود را در اختیار این رژیم قرار می‌دهد و به این ترتیب ارتجاع عرب می‌کوشد در حد لازم، همپای عراق به ستیز با جمهوری اسلامی بپردازد. اما «محکومیت تجاوز عراق به خاک ایران در چهارمین نشست جبهه پایداری عرب در طرابلس» [۲۱۶] و موضع گیریهای بعدی کشورهای عضو جبهه‌ی پایداری عرب بویژه سوریه و لیبی، و در سطحی محدودتر الجزایر و یمن دموکراتیک، سبب می‌شود تبلیغات اولیه‌ی عراق، که کوشیده بود به جنگ وجهه‌ای قومی ببخشد و تمامی کشورهای عرب را در جبهه خود

[صفحه ۷۳]

وارد کند و به مقابله با ایران بکشاند، مخدوش شود». [۲۱۷] صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق برای دفاع از ضرورت قومی شدن جنگ با ایران، خود را ملزم می‌بینند که به انحای مختلف با زیر سؤال بردن دلایل حمایت سوریه و لیبی از ایران، خدشه‌ی وارده به تبلیغات عراق مبنی بر تهدید تمامی اعراب توسط ایران، و ضرورت ستیز تمامی اعراب با این کشور را تا حد ممکن کاهش دهد. بنابراین، دستگاه تبلیغاتی عراق گاه حافظاسد را به عنوان «کسی که از پشت برادران عرب خود خنجر زده است» [۲۱۸] معرفی می‌کند و گاه قذافی را «دیوانه» [۲۱۹] می‌خواند و گاهی این دو را «قهرمانان شکست خورده‌ای» می‌نامد که در صورت پیروزی عراق بر ایران «در میان اعراب احساس کمبود، حقارت و کم‌قدرتی گریبان‌گیر آنها خواهد شد» [۲۲۰] .

در موارد دیگری حمایت قذافی از ایران به صورت «معامله‌ی وی با (امام) خمینی بر سر مسکوت نهادن مسأله‌ی ناپدید شدن امام موسی صدر در طرابلس» [۲۲۱] تعبیر می‌شود و حافظاسد دیکتاتوری که «در سوریه حمام خون به پا کرده و نیروهای سوری را در لبنان به اعمال تروریستی و خرید و فروش مواد مخدر و... مجبور کرده است» [۲۲۲] ، خوانده می‌شود. و گاه از این دو با عنوان افرادی که «درصدد تحکیم بخشیدن به پیمان مشترک واشنگتن، تل‌آویو و تهران» [۲۲۳] برآمده‌اند و در ماجرای درگیری با اسرائیل «هیچگاه آنگونه که از رژیم نژادپرست فارس حمایت می‌کنند، به دفاع از سرزمینهای اشغال شده‌ی

[صفحه ۷۴]

جولان و سینا نپرداخته‌اند» [۲۲۴] ، یاد می‌شود.

علاوه بر این تبلیغات (که در خصوص سوریه، پیش از جنگ هم به سبب اختلافات شدید حزبی بین عراق و سوریه وجود داشت)،

عراق از کمک تسلیحاتی «سوریه» [۲۲۵] و «لیبی» [۲۲۶] به ایران سخن می گوید و فرود اجباری جنگنده‌ی ایرانی در خاک سوریه را چنین تفسیر می کند که «جنگنده‌های ایران که به فرودگاههای ایالت غربی عراق حمله کرده‌اند، از سوریه پرواز کرده بودند و پس از مواجهه با آتش ضدهوایی عراق به سمت سوریه عقب‌نشینی کردند». [۲۲۷] صوت الجماهیر در اوایل شروع جنگ ضمن تفسیری درباره‌ی همکاری نظامی سوریه با ایران می گوید:

«منابع نزدیک به رژیم سوریه فاش ساختند که در حدود دو هزار تن از سربازان سوریه در کنار نیروهای (امام) خمینی در جنگ علیه نیروهای عراقی شرکت دارند. این منابع گفتند، حافظاسد نیروهای خود را به طور واحدهای منظم اعزام نکرده، ولی آنها را به عنوان کارشناس داوطلب برای نظارت بر پایگاههای موشکی ضد هواپیما و تانک و همچنین به عنوان پزشک و عناصر تبلیغاتی برای هدایت تبلیغات رادیو تلویزیون ایران به این کشور اعزام کرده است» [۲۲۸] .

رسانه‌های خبری استکبار جهانی نیز با طرح موضوعاتی مانند حمایت نظامی سوریه از ایران، سعی دارد هر چه بیشتر به تبلیغات عراق مدد برساند. به عنوان مثال، بخش عربی رادیو اسرائیل ضمن نقل گزارشی از روزنامه‌ی نیویورک پست می گوید:

«روزنامه‌ی نیویورک پست امریکا، به نقل از منابعی که از چاپ نام آنها خودداری کرده است، نوشته است که سوریه حدود دو هزار سرباز برای کمک به ایران به جبهه جنگ علیه عراق اعزام داشته است. این روزنامه اضافه می کند

[صفحه ۷۵]

اکثر این سربازان داوطلب هستند و بقیه نیز از سوی دولت سوریه اعزام شده‌اند تا در این جنگ به مجازات مخالفتهایشان با فرماندهانشان برسند. نیویورک پست در پایان نوشته است: مقامات سوری به سفیر این کشور در تهران دستور داده‌اند که جنازه‌های سربازان سوری را در ایران به خاک بسپارند تا این راز آشکار نشود» [۲۲۹] .

تبلیغ رابطه‌ی ایران با اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)

صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق جهت تهییج و تحریک مردم و ارتش عراق برای ورود به جنگ با جمهوری اسلامی، در یکی از مهمترین محورهای تبلیغاتی خودشان، از توطئه‌ی بین‌المللی با مشارکت امریکا، اسرائیل و ایران سخن گفتند و کوشیدند تا نه تنها ایران را آغازگر جنگ معرفی کنند، بلکه انگیزه‌ی تهاجم ایران به عراق را به تحریک شدن این کشور توسط اسرائیل و امریکا نسبت دهند.

دستگاه تبلیغاتی عراق در این راستا می کوشد تا ایران را کشوری مرتبط با اسرائیل معرفی کند و از همکاری این دو کشور در ابعاد «تسلیحاتی» [۲۳۰] ، «اطلاعاتی» [۲۳۱] ، «بازسازی دستگاههای اطلاعاتی ارتش» [۲۳۲] و «ایجاد روابط مجدد» [۲۳۳] سخن بگوید و درصدد اثبات وحدت استراتژیک این دو کشور برآید.

از سوی دیگر، اسرائیل که در اندیشه‌ی گسترش این کشور از نیل تا فرات است، چون تعمیق و طولانی شدن جنگ عراق و ایران را در راستای اهداف خویش می‌دید، از نظر تبلیغاتی تلاش می کرد با تبلیغات عراق همسویی نشان دهد. به همین دلیل اسرائیل بارها از روابط تسلیحاتی خود با ایران سخن می گوید و درصدد القای وحدت

[صفحه ۷۶]

استراتژیک ایران و اسرائیل بر می‌آید. به عنوان مثال، یکی از کارشناسان در گفتگو با مفسر سیاسی رادیو اسرائیل می گوید:
«اگر ما به نقشه‌ی جغرافیایی نگاه کنیم و موقعیت ویژه‌ی ایران و اسرائیل را در خاورمیانه و خاور نزدیک بسنجیم، می‌بینیم که دو کشور از نظر موقعیت سوق‌الجیشی و موقعیت جغرافیایی در وضعی قرار دارند که تشابهات زیادی داشته، یک نوع همدردی بین این دو کشور وجود دارد» [۲۳۴] .
رادیو اسرائیل در ترفند دیگری با ارائه‌ی برخی از گزارشات به شکلی بسیار پنهان و غیرمستقیم، رابطه‌ی ایران و اسرائیل را به اذهان مردم القا می کند. این رادیو ضمن بیان خبر عزیمت مسلمان اسرائیل به مکه، می گوید:
«زایران مسلمان تبعه‌ی اسرائیل امروز برای انجام مناسک حج از طریق پل النبی رهسپار اردن شدند تا از آنجا به وسیله‌ی اتوبوسهای ایرانی به مکه‌ی معظمه مسافرت کنند. خبرگزار رادیو اسرائیل که از محل دیدن کرده است، گزارش داد، دهها اتوبوس ایرانی با تصاویر بزرگی از آیت‌الله خمینی و حجت الاسلام خلخالی مزین شده بودند و زایران مسلمان تبعه‌ی اسرائیل را با خود به اردن بردند. این اتوبوسها که هر سال زایران اسرائیلی را به مکه حمل می کنند، امسال به علت جنگ ایران و عراق با چندین روز تأخیر خود را به ایستگاه مرزی اسرائیل و اردن رساندند. رانندگان این اتوبوسهای ایرانی به خبرگزار ما گفتند که آنها از طریق ترکیه و سوریه خود را به اردن رساندند. این رانندگان گفتند برای مسافرت به اردن و حمل حجاج مسلمان اسرائیلی، توسط اتوبوسهای ایرانی به مکه مسافرت می کردند» [۲۳۵] .
گذشته از این تبلیغات، نه تنها مسئولان ارتش اسرائیل گاه با اظهار نظرهایی نظیر اینکه «ایران باید به تأسیسات اتمی عراق حمله کند» [۲۳۶] و یا «اظهار تأسف از به نتیجه

[صفحه ۷۷]

نرسیدن حمله‌ی ایران به تأسیسات اتمی عراق» [۲۳۷] وانمود می کند که با ایران رابطه‌ی اطلاعاتی دارد، اسرائیل برای عینیت بخشیدن به این روابط، با حمله و انهدام تأسیسات اتمی تموز عراق، بهترین دستاویز تبلیغاتی ممکن را در اختیار رژیم عراق قرار می‌دهد. برای مثال، صدام در یکی از سخنرانیهای خود با اشاره به انهدام تأسیسات اتمی تموز عراق، می گوید:
«حمله‌ی هوایی اسرائیل در هفتم ژوئن به نیروگاه اتمی ما، در نتیجه‌ی اطلاعات و تصاویر مبادله شده و همچنین هماهنگی مداوم میان حکام تل‌آویو و تهران بوده است» [۲۳۸] .
در جای دیگری شورای فرماندهی عراق در اطلاعیه‌ی خویش آورده است:
«همدستی ایران با صهیونیست‌ها با حمله‌ی اسرائیل به تأسیسات اتمی عراق بیشتر از همیشه جلوه‌گر شده است» [۲۳۹] .
در کنار تبلیغات فوق، مقامات اسرائیل «با تذکر وجود همکاریهای محرمانه بین ایران و اسرائیل» [۲۴۰] ضمن برانگیختن کنجکاوی هر چه بیشتر مردم در خصوص جزئیات این روابط، روی هم رفته آنان را قانع می‌سازد که به هر حال بین این دو کشور روابطی وجود دارد. سایر رسانه‌های خبری استکبار جهانی هم به طور طبیعی، برای تقویت شبهه‌ی روابط ایران و اسرائیل، فعالیتی مجدانه را بر عهده می گیرد. برای مثال، بخش فارسی رادیو امریکا به نقل از شبکه‌ی سی.بی.اس امریکا «از خرید تجهیزات نظامی توسط ایران از اسرائیل» [۲۴۱] سخن می گوید و در گزارش دیگری ضمن نقل قول از یکی از مقامات اسرائیل می گوید: «این مقام اسرائیلی، بدون توضیح زیادی گفته است که اسرائیل ایران را تشویق می کند به جنگ با عراق ادامه دهد» [۲۴۲] در ترفند تبلیغاتی دیگری، همین رادیو ضمن اعلام خبر سقوط یک هواپیمای آرژانتینی بر فراز خاک شوروی «از اسناد و مدارک به دست

[صفحه ۷۸]

آمده از این هواپیما، که دال بر وجود رابطه‌ی تسلیحاتی بین ایران و اسرائیل است» [۲۴۳] خبر می‌دهد. شبکه‌ی تلویزیونی سی.بی.اس امریکا نیز در برنامه‌ی نایت لاین خود، که بیش از ۴۰ میلیون بیننده دارد، ضمن ترتیب میزگردی با جودی پاول، سخنگو و مشاور نزدیک کارتر، پیر سالینجر، خبرنگار معروف و... ضمن بیان نظر سالینجر در اینکه «ایران از اسرائیل خریدهای تسلیحاتی داشته یا نه»، این سخن پاول را مطرح می‌کند که: «اسرائیل برخلاف قولی که مبنی بر احترام به تحریم اقتصادی ایران به امریکا داده است، دست به فروش اسلحه به ایران زده است.» در این میزگرد توجیهاتی نظیر اینکه «اگر امریکا نگران ۵۰ گروگان خود است، اسرائیل نگران ۴۰ هزار یهودی مستقر در ایران است» [۲۴۴] و... برای منطقی جلوه دادن ادعاهای سالینجر، پاول و... مطرح می‌شود. رسانه‌های خبری کشورهای مرتجع عربی هم از قافله‌ی تبلیغ در خصوص این مسأله عقب نماندند و گاه و بیگاه ضمن استناد به رسانه‌های خبری غرب یا عراق «از رابطه‌ی ایران با اسرائیل سخن می‌گویند» [۲۴۵] .

تبلیغ رابطه ایران با امریکا

در آغاز تهاجم گسترده‌ی عراق به ایران، ایران و عراق به طور رسمی با امریکا قطع رابطه کرده بودند. البته برخلاف روابط بظاهر سرد عراق و امریکا، باید گفت که در همان زمان «سفارت امریکا در بغداد و عراق در واشنگتن به شکلی غیررسمی دایر بود و هیأتهای امریکایی متعددی که در بین آنها برخی از اعضای کنگره نیز دیده می‌شدند، به عنوان «شهروندان غرب مأنوس با فرهنگ عرب» وارد عراق می‌شدند و مورد استقبال گرم مقامات عراق قرار می‌گرفتند». [۲۴۶] بعلاوه «یک هیأت ۱۴ نفری امریکا در بغداد، سفارتخانه‌ای مشتمل بر ادارات کنسولی، فرهنگی، آموزشی و مخصوصا اقتصادی را

[صفحه ۷۹]

ایجاد و اداره می‌کردند». [۲۴۷] بالاخره، برژینسکی، مشاور امنیت ملی امریکا و متخصص عملیات محرمانه، در اوایل ماه مه ۱۹۸۰، بعد از سفر محرمانه‌اش به بغداد، از روابط نزدیک واشنگتن و بغداد، تمایل عراق به بریدن از شوروی و تمایل این کشور در سرکوب امواج فزاینده‌ی انقلاب اسلامی در خلیج فارس، چنین پرده برداشت:

«ما تضاد قابل ملاحظه‌ای بین ایالات متحده و عراق نمی‌بینیم. ما معتقدیم عراق تصمیم به استقلال دارد و در آرزوی امنیت خلیج عربی است و تصور نمی‌کنیم که روابط امریکا و عراق سست گردد». [۲۴۸] .

اما از آنجا که دستگاه تبلیغاتی عراق احساس می‌کرد مواردی نظیر قطع رابطه‌ی ایران با اسرائیل و امریکا و در گروگان داشتن جاسوسان امریکایی و... از مسائلی است که حقانیت جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد، ضرورت داشت با القای رابطه‌ی بین ایران و امریکا، از سویی ضد امریکایی بودن نظام اسلامی را نفی کند و از سوی دیگر، عراق از اتهام مرتجع بودن و آلت دست قرار گرفتن، رهایی یافته و وجهه‌ای مترقی کسب کند.

چنانکه در بخش ترسیم چهره‌ی منفی ایران گفته شد، به طور کلی دستگاههای تبلیغاتی رژیم عراق از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، سعی داشتند این انقلاب را انقلابی امریکایی و رهبر آن را رهبری در خط امریکا معرفی کنند. به عنوان مثال، صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهای خود چنین می‌گوید:

«امریکا می‌خواست به جای شاه رژیمی را سر کار بیاورد که بتواند نهضت سراسری مردم ایران را منحرف کند و بر سر قدرت

بنشیند و در عین حال این رژیم جدید مسئولیت تکمیلی نقش ایران را در جهت خدمت به منافع امپریالیسم بین‌المللی بر عهده بگیرد. برای همین امریکا دار و دسته (امام) خمینی... را برای انجام این مأموریت انتخاب کرد» [۲۴۹] .

با شروع جنگ، عراق تلاش می‌کند واقعیت گروگانگیری جاسوسان امریکایی در ایران را به هر شکل ممکن توجیه کند، به طوری که با تبلیغات دیگرش متناقض نباشد. از

[صفحه ۸۰]

این رو، گاه صدام در مصاحبه خود بیان می‌کند که «امریکا عامل اصلی جنگ ایران و عراق است» [۲۵۰] و گاه صوت الجماهیر می‌گوید «(امام) خمینی به یاران خود گفته است که وی حاضر است علیه عراق با هر کسی هم‌پیمان شود و آشکارا از آنها خواسته است تا از امریکا درخواست کمک کنند» [۲۵۱] و یا از همین رادیو می‌شنویم که «(امام) خمینی برای تشدید جنگ، مذاکره با امریکا را بر گفتگوی صلح با عراق ترجیح می‌دهد». [۲۵۲] به همین ترتیب صوت الجماهیر با طرح مضامینی نظیر اینکه «ماسکی، وزیر خارجه امریکا، اظهار داشته است که نباید در حالی که رژیم (امام) خمینی در تمام جبهه‌ها شکست می‌خورد، امریکا از یک روش تماشاگرانه پیروی کند» [۲۵۳] یا اینکه «ملاقات بازرگان با برژینسکی با اجازه‌ی (امام) خمینی انجام گرفته است» [۲۵۴] و یا اینکه «در حال حاضر رئیس ستاد مشترک ایران رهسپار امریکا شده تا ترتیبی بدهد که کمکهای نظامی امریکا به ایران، به شکل مستقیم انجام بگیرد» [۲۵۵] ، سعی دارد رابطه بین ایران و امریکا را اثبات کند.

صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهایش درباره‌ی مسأله‌ی گروگانهای امریکایی می‌گوید:

«اختلاف میان ایران و امریکا نقشه‌ای برای رد گم کردن روابط محرمانه‌ی تهران و واشنگتن است و به این وسیله امریکا خواسته است تا رنگی از ملی‌گرایی را به رژیم (امام) خمینی بدهد... و حتی بحران گروگانگیری هم، تنها نقشه‌ای در راستای هدف فوق بوده است» [۲۵۶] .

در بخشهای دیگر، صوت الجماهیر، از موافقتنامه‌ی ایران و امریکا دایر بر لغو ممنوعیت ارسال سلاحهایی که شاه از امریکا خریده بود و آزادسازی گروگانها توسط

[صفحه ۸۱]

ایران [۲۵۷] ، «مذاکره‌ی مقامات ایرانی با مسئولان سیا در مورد آزادی گروگانها و خرید لوازم یدکی تجهیزات نظامی» [۲۵۸] و «آزادی قریب‌الوقوع و بی‌قید و شرط گروگانهای امریکایی» [۲۵۹] خبر می‌دهد.

در این زمینه رسانه‌های خبری غربی، همراهی خاصی با تبلیغات عراق ندارند، اما روسها و ضدانقلاب به طرح مضامینی در راستای تبلیغات عراق می‌پردازند. شوروی که با عراق پیمان مودت و دوستی داشت و بعد از سقوط شاه این کشور را جانشین ایران می‌بیند، برای دلجویی بیشتر از عراق - که روز به روز از شوروی دورتر و به غرب نزدیکتر می‌شد - در جریان جنگ تحمیلی، امریکا را متهم به تحریک ایران علیه عراق می‌کند. بی.بی.سی در همین زمینه طی تحلیلی می‌گوید:

«اتحاد جماهیر شوروی از طریق روزنامه‌ی پراودا، ارگان رسمی حزب کمونیست، ایالات متحده امریکا را متهم می‌کند که ایران را علیه عراق برانگیخته و این به خاطر مبارزه‌ی جهانی این کشور برای گرفتن ماهی از آب گل‌آلود است. این بیانیه‌ی شوروی ظاهرا به دو نکته اشاره می‌کند. اول آنکه امریکا در ایران دارای نفوذ است که بروشنی چنین نیست و نکته‌ی دوم اینکه رهبران شوروی

مقدمات پشتیبانی از عراق را فراهم می‌کنند...» [۲۶۰] .
جناح ضدانقلاب نیز با استناد به منابعی مجعول از روابط و همکاریهای نظامی ایران و امریکا سخن می‌گوید. به عنوان مثال، رادیو صدای آزاد ایران طی خبری می‌آورد:
«ناظران در پاریس خاطرنشان می‌سازند که با وجود تلاشهای واشنگتن برای مخفی نگاه داشتن همکاریهای نظامی خود با جمهوری اسلامی، هر روز اسرار تازه‌ای از این روابط فاش می‌شود. مثلا دو روی پیش جمهوری اسلامی باز نگاه داشتن تنگه هرمز را اعلام کرد و در عوض بر اساس گزارشهای رسیده از

[صفحه ۸۲]

تهران تعداد زیادی لوازم یدکی مورد نیاز جنگنده‌های فانتوم دریافت داشت» [۲۶۱] .

تغییر جو تبلیغاتی عراق

با آغاز تهاجم گسترده‌ی عراق به ایران، صدام در ساعت ۳ / ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ۳۱ / ۶ / ۵۹ طی پیامی که از رادیو تلویزیون عراق پخش شد، علت حمله‌ی هوایی عراق به خاک ایران را متذکر شد و بیان داشت «اگر ایرانیها حاکمیت عراق را بر مناطق اشغال شده توسط عراق بپذیرند، عراق به جنگ خاتمه خواهد داد» [۲۶۲] .
مدتی بعد، یعنی در تاریخ ۱۴ / ۸ / ۵۹ صدام در نطقی که در مجلس ملی عراق ایراد کرد، گفت: «ملل هر چه بیشتر در زمین (طرف مخاصم خود) بمانند، حقوق اضافی پیدا می‌کنند». به این ترتیب صدام اعلام می‌کند پس از الحاق مناطق زین‌القوس و سیف سعد و تمامی شطالعرب به عراق، باز هم نسبت به خاک ایران چشم دارد و در اندیشه‌ی آن است که با اتکا به مناطق اشغال شده‌ی ایران، این کشور را مجبور کند تا علاوه بر آنچه وی به هنگام لغو قرارداد ۱۹۷۵ مطرح کرد، امتیازات دیگری به صدام بدهد. صدام در یک کنفرانس خبری که یک هفته بعد از سخنرانی وی در مجلس ملی عراق با حضور بیش از ۳۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی در بغداد برگزار شد، در پاسخ به این سؤال خبرنگار که از وی خواست درباره‌ی «حقوق اضافی» که وی در مجلس ملی مطرح کرده است، توضیح بیشتری بدهد، چنین گفت:
«مردمی که درگیر جنگ می‌شوند باید نتایج آن را نیز بپذیرند، و چگونه می‌شود به مردمی که شکست خورده‌اند بیایید و بگویید پس از اینکه شما را شکست دادیم این سرزمینهای شما، بفرمایید تحویل بگیرید. مادامی که ما می‌جنگیم این سرزمینها جزو مناطق دفاعی و ضروری برای حفظ امنیت ما محسوب می‌شود. شاید همه این سرزمین برای ما ضروری نباشد و شاید با ادامه‌ی

[صفحه ۸۳]

جنگ برای ما این مسأله به وجود آید که شرایط اضافی را مطرح کنیم و شاید اوضاع ایجاب کند از این شرایط کم کنیم، ولی به هر حال، دشمن ایرانی باید بداند که ادامه‌ی جنگ حقوق اضافی خواهد داشت، این را ما نمی‌گوییم، بلکه جهان می‌گوید، حقوق اضافی طبق نبردهای آینده تعیین می‌شود. شاید این حقوق پس از یکسال یا شش ماه یا دو سال یا سه سال تا زمانی که جنگ ادامه پیدا کند، روشن شود. به هر صورت، برای مردانی که جان خود را فدا می‌کنند، باید حقوق اضافی قائل شویم» [۲۶۳] .
یونایتدپرس در برداشتی که از مصاحبه‌ی صدام دارد چنین گزارش می‌دهد:

«با گذشت ۷ هفته از آغاز جنگ، عراق از خواسته‌های اولیه‌ی خود فراتر رفته، اکنون صحبت از الحاق بخشی از خاك ایران به خود را مطرح می کند» [۲۶۴] .

روزنامه‌ی لوموند نیز با اشاره به سخنان اخیر صدام چنین می‌نویسد:

«صدام در مصاحبه‌ی خود گفت، ما قصد اشغال سرزمین ایران را نداشتیم، ولی اگر مردم عربستان (خوزستان) از ما بخواهند آنجا مستقر شویم، این کار را خواهیم کرد، همچنانکه مردم بلوچ و کرد و یا آذربایجانی نیز بخواهند تصمیماتی را که به آنها مربوط شود بگیرند، می‌توانند این کار را انجام دهند» [۲۶۵] .

بتدریج با شکل گیری مقاومت مردمی و نیروهای نظامی ایران در برابر تجاوز نظامی عراق، و با رد طرحهای سازشکارانه و پر فریب شورای امنیت سازمان ملل، پیشنهاد آتش‌بس صدام، پیشنهادات سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای غیرمتعهد توسط ایران، و مشخص شدن تصمیم قطعی ایران در احقاق حق خودش، عراق خود را در مخمصه‌ی تازه‌ای می‌یابد که قبل از جنگ تصور آن را نمی کرد. بی.بی.سی طی تفسیری از این بن‌بست صدام، چنین یاد می کند:

«مشکل پرزیدنت صدام حسین در جنگ این است که چگونه می‌تواند ایران را وادار به اعطای آنچنان امتیازاتی کند که حمله به این کشور را در مقابل مردم

[صفحه ۸۴]

عراق و به طور کل، جهان عرب، موجه جلوه دهد. اگر در چند روز اول حمله، رژیم آیت‌الله خمینی سقوط می کرد، یا آنکه جنگ به تصرف خرمشهر و آبادان منتهی می گردید، و سرانجام منجر به پذیرفتن آتش‌بس و قبول شرایط عراق درباره‌ی اختلافات مرزی با ایران می‌شد، هیچ مشکلی در برابر رئیس جمهور عراق وجود نداشت، اما هر چه این جنگ طولانی‌تر شود، خطرات بیشتری برای رئیس جمهور عراق دربر خواهد داشت، زیرا که چند مورد اختلاف مرزی، ارزش تقبل این همه خسارت نظامی و اقتصادی را ندارد». [۲۶۶] .

چند ماه پس از شروع جنگ با انسجام یافتن مقاومت مردمی و تهاجمات متقابل نیروهای نظامی ایران به ارتش عراق، این ارتش زمین گیر می‌شود و پیشروی آن متوقف می گردد و به این ترتیب، رؤیای فتح هفت روزه‌ی تهران صدام بر باد می‌رود و تردیدهایی در سرانجام جنگ برای رژیم عراق پدید می‌آید. رژیم عراق در مقابله با شکست روانی - سیاسی عظیمی که فرارسیدنش را احساس می کند، نخست «امکان دو سال به طول انجامیدن جنگ را مطرح کرده» [۲۶۷] و بتدریج با عدول از مواضع قبلی خود نظیر «حقوق اضافی»، «منظم کردن عربستان (خوزستان) به عراق» و... به طرح احقاق حقوق اولیه اراضی عراق، به عنوان هدف تهاجم نظامی عراق به ایران، می‌پردازد. به عنوان مثال رژیم عراق پس از گذشت ۵ ماه از شروع جنگ تحمیلی در رابطه با اهداف جنگ چنین موضع گیری می کند:

«عراق هرگز به فکر اشغال خاک ایران و پست شمردن مردم آن نبوده، بلکه فقط خواستار حقوق مشروع و قانونی خود در آبها و زمینها و جزایر متعلق به امت عرب و همچنین عربی بودن خلیج و استقلال فکری اعراب بوده است. همچنین عراق خواستار تضمین عدم تکرار هر گونه حمله دشمنانه از سوی ایران در آینده می‌باشد» [۲۶۸] .

رسانه‌های خبری استکبار جهانی هم در یک هماهنگی کامل با تغییر مواضع قبلی

[صفحه ۸۵]

رژیم عراق دست به نشر اخباری در راستای تبلیغات عراق می‌زنند. مثلا رادیو امریکا در یکی از برنامه‌های خود می گوید:

«عراق حاضـر است حتی نیروهای خود را از ایران بیرون ببرد، به شـرط اینکه حکومت اسـلامی تهران آزادی کشتیرانی در شطالعرب را تضـمین کنـد. یکی از تحلیلگران عرب می گویـد اصولاـ عراق ادعـای ارضـی نسـبت به ایران نـداشت و فقـط می‌خـواست جلـوی تنـدرویهای حکومت انقلابی تهران را که می کوشـید انقلاب و هرج و مرج را به عراق و سایر کشورهای خلیـج فارس صادر کنـد، بگیرد و آنها را سرجای بنشاند» [۲۶۹] .

اما این تغییر موضع شدید چگونه بدون آنکه واکنش افکار عمومی عراق و جهان را برانگیزد به آنها ارائه شد؟

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با توسل به بیانات مبهم، دلیل‌تراشی و توجیه، دروغگویی و... حدودا قادر می‌شود بدون آنکه حساسیت و واکنش افکار عمومی عراق و جهان را برانگیزد، آنها را در جریان تغییر مواضع فوق قرار دهد.

صـدام در یکی از مصاحبه‌های خود، در پاسـخ به این سوال خبرنگاران که عراق تا کجا پیشـروی کرده و سـرانجام در کجای خاک ایران متوقف خواهد شد، با توسل به بیاناتی مبهم چنین پاسخ می‌دهد:

«ارتش عراق آمـادگی دنبـال کردن عملیـات تهـاجمی را در داخـل خـاک ایران دارد و در صـورت لزوم تـا زمـانی کـه ایران به خواسته‌های عراق اعتراف نکند، امکان پیشروی بیشتر نیروهای عراقی در داخل خاک ایران از بین نرفته است» [۲۷۰] .

صدام در بیانی مشابه، در قسمت دیگری از همین مصاحبه چنین می گوید:

«ما نمی‌خواهیم ایران را خوار و ذلیل کنیم، چون ذلت و خواری را حتی برای دشـمنان خود نمی‌خواهیم ولی ما با دشمن می‌جنگیم، از این رو دست حکام ایران را می‌پیچیم و اگر این پیچیدن را کافی ندیدیم، آن را بیشتر می کنیم.»

به همین ترتیب رادیو عراق در قسمتی از تبلیغات خود چنین بیان می‌دارد:

[صفحه ۸۶]

«با اینکه ارتش عراق قادر بود به هر نقطه‌ای از ایران که بخواهد دست یابد، اما در مواضع خود باقی ماند تا شاید زمامداران خودسـر تهران بر سـر عقـل بیاینـد و بـا شـناسایی حقوق ارضـی و آبی عراق به این جنـگ پایـان دهنـد، ولی صبر و شـکیبایی عراق تا حـدی می‌تواند ادامه یابد و چنانچه حکام تهران سـرعقل نیایند، دولت عراق ناگزیر است بر اقدامات خود افزوده و شکستهای سخت‌تری را بر رژیم تهران وارد آورد» [۲۷۱] .

البته بیانـات مبهم صـدام و دسـتگاه تبلیغـاتی بعث عراق بعضا با یکـدیگر در تناقض قرار می گیرنـد، اما از آنجا که هـدف رسانه‌های خبری اسـتکبار جهـانی حمـایت از مواضع آنهـاست، از این ابهامـات بسـادگی می گذرنـد. مثلاـ صـدام در مصـاحبه بـا مجله آلمانی اشپیگل در پاسخ به این سوال دایمی «که نقطه توقف عراق در ایران کجاست؟» برخلاف بیانات قبلیش، چنین می گوید:

«ما از نظر نظامی پیروز شده‌ایم، چرا که نیروهای ما دقیقا تا مواضعی پیشروی کرده‌اند که ما برای آنها تعیین کرده‌ایم» [۲۷۲] .

در قسـمت دیگری از تبلیغـات عراق انبـوهی از توجیهـات برای پوشـش دادن بـه شـکست روانی - سیاسـی ایـن رژیم به کـار گرفته می‌شود.

صـدام در پیامی که در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۵۹ به ملت عراق می‌دهـد به برتری تسـلیحاتی ارتش ایران اشاره کرده و ضـمن توجیه عـدم موفقیت عراق در دستیـابی به یـک پیروزی سـریع، که در ابتـدای جنگ تبلیغ شـده بود، به شـکلی غیرمسـتقیم سـعی در جا انـداختن بلندمدت بودن جنگ می کند. وی در قسمتی از این پیام می گوید:

«هواپیماهای آنان از نظر فنی می‌توانند با همه‌ی محموله‌های خود به هر نقطه از عراق برسند، چون برد این هواپیماها بیشتر از برد هواپیماهای ماست و مساحت ارضی عراق کمتر از مساحت سرزمین ایران است. همینطور تعداد هواپیماهای آنان بیشتر از هواپیماهای شما است. هواپیماهای آنان اگر بخواهند بغداد را بمباران کنند، بایستی ۱۲۰ کیلومتر را طی کنند ولی هواپیماهای شما چنانچه

[صفحه ۸۷]

بخواهند هدفهای خود را در تهران بمباران کنند، بایستی ۸۰۰ کیلومتر را طی کنند. برد توپخانه‌های آنان بیش از برد توپخانه‌های شما است و تعداد توپخانه‌های آنان بیشتر از توپخانه‌های شما است. تانکهای آنان مدرن‌تر از تانکهای شما است و تعداد نیروی دریایی آنها بیش از نیروی دریایی شما است. برد سلاح دریایی آنها بیش از برد سلاح دریایی شما است. افسران و بسیاری از سربازان آنها به وسیله بهترین کارشناسان امریکایی آموزش دیده‌اند» [۲۷۳] .

در موارد دیگری هم صدام از برتری تسلیحاتی ایران می‌گوید. [۲۷۴] .

صدام در توجیه متوقف شدن پیشروی ارتش عراق بهانه‌های متعددی را عنوان می‌کند. برای مثال او در پاسخ یکی از خبرنگاران در خصوص علت توقف پیشروی ارتش عراق می‌گوید:

«شما سعی کنید به منطقه آبادان، محمره (خرمشهر) و اهواز و دزفول بروید. در این صورت شما متوجه خواهید شد که راههایی به طول دهها کیلومتر احداث شده است. احداث این راهها یک هفته پس از ورود ارتش عراق به سرزمینهای ایران شروع شد تا ما در برخورد با اوضاع جوی زمستان، بارانهای زمستانی و طغیان رودخانه‌ی کرخه آماده باشیم. اگر ما این راهها را احداث نمی‌کردیم، شما می‌گفتید تمام کشورهای جهان سوم مانند ابرقدرتها محاسبه نمی‌کنند و این مسائل را در نظر نمی‌گیرند...» [۲۷۵] .

صدام در جای دیگری در پاسخ به همین سؤال چنین جواب می‌دهد:

«متوقف شدن پیشروی ما ناشی از ضعف نبوده است، بلکه ناشی از این است که ما نمی‌خواهیم عقده‌های زیادی در مردم و ارتش ایران باقی بگذاریم تا بعدها هر دو کشور در سرزمین خود آزادانه زندگی کنند» [۲۷۶] .

[صفحه ۸۸]

دستگاه تبلیغاتی عراق در جای دیگری اعلام می‌کند «علت تسخیر نکردن شهرهای آبادان، دزفول و اهواز این است که اشغال این شهرها چنان سرافکندگی برای ایران ایجاد خواهد کرد که جلوی هرگونه مذاکره‌ای را سد خواهد کرد» [۲۷۷] .

صدام در پاسخ به سؤال علت ادامه‌ی جنگ از سوی ایران به توجیهاتی نظیر اینکه «در حال حاضر در ایران مراکز قدرت متعددی پدید آمده و دیگر (امام) خمینی آخرین تصمیم گیرنده نیست» [۲۷۸] یا «رهبری مصمم، عاقل و شجاعی که به صلح پاسخ مثبت بدهد در ایران وجود ندارد» [۲۷۹] یا «از آنجا که حکام تهران هیچ برگ برنده‌ای در مذاکرات صلح ندارند، خود را مجبور به مخالفت با مذاکرات صلح و ادامه‌ی جنگ می‌بینند» [۲۸۰] و... متوسل می‌شود.

توسل به بیانات خلاف واقع و دروغین، روش دیگر تبلیغات رژیم عراق برای فریب افکار عمومی مردم عراق و جهان است که بارها از سوی رئیس این رژیم و دستگاههای تبلیغاتی آن ایراد شده است. صدام در مصاحبه با خبرنگار مجله‌ی اشپیگل که ۱۰ ماه بعد از تهاجم عراق به ایران و در شرایط زمین گیر شدن کامل عراق در خاک ایران انجام گرفت، در پاسخ به سؤالات وی به اکاذیبی نظیر

اینکه «هدف ما از جنگ، دور کردن توپخانه‌ی ایران از مواضعی است که شهرهای ما را در ۴ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۳ / ۶ / ۵۹) می‌کوبید» و یا «اگر ما آبادان را تسخیر نکرده‌ایم، تنها به سبب آن است که چنین تصمیمی را رهبری سیاسی عراق اتخاذ نکرده است، اما در لحظه‌ای که این تصمیم گرفته شود آبادان را تسخیر خواهیم کرد» [۲۸۱] و... روی می‌آورد. دستگاه تبلیغاتی عراق هم، در تحلیل آغاز جنگ، گاه و بیگاه اظهار می‌کند:

«از آنجا که حکام تهران قرارداد الجزایر را به طور یکجانبه لغو کردند و (امام) خمینی بصراحت بیان داشت که قصد تصرف بغداد را دارد، و توپخانه‌ی ایران

[صفحه ۸۹]

شهرهای عراق را زیر گلوله‌باران گرفت و تلاشهای سیاسی عراق برای بازداشتن ایران از دخالت در امور داخلی عراق به نتیجه نرسید، عراق جنبه‌ی تدافعی به خود گرفت» [۲۸۲] .

در فریب بزرگ دیگری دستگاه تبلیغاتی عراق، جهت تسلی دادن به مردم و ارتش عراق، از آماده شدن عراق در جنگ برای آزادسازی قدس یاد می‌کند. طه یاسین رمضان در یک کنفرانس مطبوعاتی می‌گوید:

«مسأله‌ی فلسطین، هسته‌ی اصلی مبارزه‌ی ما را تشکیل می‌دهد و جنگ ما با رژیم ایران پیش درآمد آزادی فلسطین و سایر سرزمینهای غصب شده مردم عرب است» [۲۸۳] .

و در همین رابطه صوت الجماهیر هم بیان می‌دارد:

«ارتش دلاور عراق که قهرمان این جنگ پیروزمند است، آماده شده است که فلسطین و همه‌ی سرزمینهای عربی اشغال شده را آزاد سازد» [۲۸۴] .

صدام در ترفند دیگری با استفاده از بیانات حضرت امام، جنگ عراق علیه ایران را «دفاع از اسلام» [۲۸۵] می خواند و از ایران می‌خواهد که «سرزمینهای غصب شده‌ی اعراب را به صاحبان شرعی آنها برگرداند» [۲۸۶] و به این ترتیب، سعی می‌کند به تجاوز خود به ایران وجهه‌ای اسلامی ببخشد و جو تبلیغاتی عراق را تغییر دهد و در نهایت، به مواضع سیاسی - تبلیغاتی رژیم عراق - که اعتبارش مخدوش شده بود - استحکام بخشد.

سرنوشت جنگ

پس از به ثمر نشستن تدبیرهای حضرت امام امت، خون شهدا و تلاش امت به پاخاسته‌ی

[صفحه ۹۰]

اسلام و پیروز شدن انقلاب اسلامی، در مرحله‌ی نخست مسأله‌ی صدور نفت از خلیج فارس، منافع امریکا و سود جوییهای شوروی از وضعیت پیش آمده، مورد توجه استراتژیستهای غرب قرار گرفت. به عنوان مثال، اسحاق رابین وزیر کابینه‌ی رژیم صهیونیستی در تحلیلی که از شکست غرب در ایران ارائه کرد، اظهار داشت:

«کشمکش بلوک شرق و غرب در خاورمیانه، که انبار نفت غرب به شمار می‌رود، بر روی ایران و عربستان سعودی متمرکز شده است. سقوط ایران بدان معناست که مقدار زیادی از انبار نفت غرب از دست رفته و نفوذ غرب جای خود را به نفوذ شوروی خواهد

داد» [۲۸۷] .

در میان استراتژیستهای غرب افراد معدودی بودند که مسائلی همچون نفت و افزایش نفوذ شوروی در منطقه را در رده‌های بعدی اهمیت قرار می‌دادند و در مرحله‌ی نخست بر مسأله‌ی مکتبی بودن انقلاب و رستاخیز مذهبی که احتمالا این انقلاب در پی خواهد داشت، تأکید ورزیدند؛ زیرا یک انقلاب سیاسی (که رژیم پیشین خود را حذف می‌کند) و یا یک انقلاب اجتماعی (که روابط اقتصادی - اجتماعی نوینی را به همراه می‌آورد)، در سطح منطقه و جهان انعکاس شدیدی ندارد و بسادگی می‌توان آن را محدود ساخت و یا آن را برانداخت؛ اما انعکاس یک انقلاب مکتبی، منطقه و جهان را فرا خواهد گرفت. به عنوان مثال، انقلاب فرانسه (در ۱۷۸۹ میلادی) با فروپاشی اقتصاد فئودالی، تفکر نسبتا مذهبی و ساختهای حکومتی استبدادی عصر خود، اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی مبتنی بر لیبرالیسم را ارائه کرد که خود موجد انسان فردگرا، بورژوا و خودمحور غربی کنونی بود. به همین ترتیب، انقلاب روسیه (در ۱۹۱۷ میلادی) با تحقق بخشیدن عینی به نظریه‌های مارکسیستی، در جامعه‌ی شوروی به طراحی فرهنگ، تفکر، اقتصاد و روابط اجتماعی متفاوتی با سرمایه‌داری غرب دست زد و در سال ۱۳۵۷، در حالی که جهان سوم، راهی جز انتخاب جهان سرمایه‌داری یا جهان کمونیستی فراروی خود نمی‌دید، مردم جهان خود را با انقلابی مواجه یافتند که نظریه‌ی نه شرقی، نه غربی را ارائه کرد و به دنبال آن به پی‌ریزی فرهنگ، اقتصاد و روابط اجتماعی مبتنی بر اسلام پرداخت. به همین دلیل است که میتران رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه،

[صفحه ۹۱]

که حلقه‌ی رابط امپریالیسم غرب و کمونیسم شرق به حساب می‌آمد، دو روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مهمترین خصیصه‌ی این انقلاب چنین یاد کرد:

«انقلابهایی از نوع انقلاب ایران، در کشورهای همسایه نیز روی خواهد داد. شیعیان زیادی در عراق، آسیای مرکزی و جمهوریهای شوروی زندگی می‌کنند. انقلاب ایران رژیمهای مرتجع منطقه را زیرورو خواهد کرد» [۲۸۸] .

روزنامه‌ی اونیتا، ارگان حزب کمونیست ایتالیا، طی تفسیری در تحلیل انقلاب اسلامی چنین نوشت:

«این انقلاب با هیچیک از ضابطه‌های عادی نمی‌خواند و ما را به بررسی و مطالعه‌ی بسیار دقیقی دعوت می‌کند. پیشروی مثبت روابط بین‌المللی و حتی صلح آینده‌ی جهان تا حدود زیادی در گرو درک این واقعیت است» [۲۸۹] .

بنابراین تقریبا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهان غرب و با مدتی تأخیر جهان شرق [۲۹۰] متوجه خطر تهدید کننده‌تر انقلاب اسلامی، که همان مکتبی بودن آن بود، شد و اعلام داشت «انقلاب اسلامی از لحاظ سمبولیک در سطح و مقام انقلابهای روسیه و فرانسه قرار دارد» [۲۹۱] .

نشریه‌ی سیاست خارجی وزارت خارجه امریکا نوشت: «بنیادگرایی اسلامی به یک نیروی جاری بین‌المللی در مقایسه با دو بلوک بدل شده است» [۲۹۲] .

به دنبال این توجهات روزنامه‌ی هرالدتریبیون از نگرانی شدید امریکا مبنی بر اینکه «یک ایران پیروزمند می‌تواند تبدیل به یک قدرت بزرگ خاورمیانه‌ای مستقل از دو بلوک شرق و غرب شود» [۲۹۳] یاد کرد و ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه امریکا، خط مشی

[صفحه ۹۲]

این کشور در قبال انقلاب اسلامی را در کنگره این کشور چنین بیان کرد:

«اولویت برای ما حفظ جریان آزادانه‌ی نفت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ شوروی و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است» [۲۹۴].

امریکا برای برخورد با انقلاب اسلامی در سطح منطقه دست به تشکیل نیروهای واکنش سریع زد که هدف عمده‌ی آنها «حفظ مصالح امریکا در خلیج فارس بود». [۲۹۵] بعلاوه، امریکا با یکپارچه کردن عربستان، قطر،امارات متحده عربی و عمان در اتحادیه‌ی عرب، کوشید تا تفرقه این کشورها را به وحدت مورد نظر خویش نزدیک‌تر گرداند. امریکا در سطح ایران هم توطئه‌های خود را در اشکال کودتا، تجزیه، ترور و تجاوز نظامی به ایران، طرح‌ریزی کرد و مرحله به مرحله آنها را به اجرا درآورد.

علی‌رغم آنکه کودتا به سه عامل تمرکز و تراکم قدرت سیاسی - نظامی (جهت تصرف آن و مسلط شدن بر اوضاع)، فقدان نیروی سیاسی - اجتماعی نیرومند (که بتواند کودتا را خنثی کند) و وجود اهرمهای سیاسی - نظامی (برای وارد آوردن ضربه‌ای غافلگیر کننده و قاطع برای تصرف قدرت سیاسی) نیاز دارد، و شرایط هر سه عامل فوق در ایران انقلابی فراهم نبود، «سازمان جاسوسی امریکا سیا، در بحث بر سر تقدم کودتای نوژه یا تهاجم صدام به ایران، در نهایت اولویت اول را برگزید»، [۲۹۶] کودتایی که قصد داشت در صورت لزوم «تا ۵ میلیون نفر را هم بکشد». [۲۹۷] این کودتا علی‌رغم برخورداری از حمایت شریعتمداری، حمایت مالی عربستان، و همکاری گروهکهای کوموله، دموکرات و مجاهدین خلق در تیرماه ۵۹ شکست خورد. به همین ترتیب، کودتای قطب‌زاده، شریعتمداری نیز به همین سرنوشت گرفتار آمد و در فروردین ۶۱ با شکست مواجه شد. بعد از ناامید شدن سیا از امکان موفقیت کودتا، این سازمان افرادی نظیر خسرو قشقایی، قاسملو و... را که با پیروزی انقلاب اسلامی از لاس‌وگاس امریکا، عراق و... به ایران برگشته بودند، وارد عمل کرد؛ اما این برنامه‌ها هم به نتیجه‌ی دلخواه سازمان جاسوسی

[صفحه ۹۳]

امریکا نرسید.

ترور یاران حضرت امام حربه‌ی دیگر سیا بود که در اولین سال پیروزی انقلاب - در حالی که در کردستان و گنبد درگیری ایجاد شده بود - به کار گرفته شد و طی آن آیت‌الله مطهری رئیس شورای انقلاب، سرلشکر قرنی رئیس ستاد مشترک، حاج مهدی عراقی، آیت‌الله قاضی طباطبایی، حجت الاسلام دکتر مفتح و... ترور شدند.

بعدها در سال ۶۰، پس از اعلام قیام مسلحانه‌ی منافقین، شهید بهشتی و ۷۲ تن از مسئولان بلندپایه‌ی مملکتی، شهید رجایی و شهید باهنر، شهدای محراب و... ترور می‌شوند و جهان غرب با این تعداد ترور - که به تعبیر بسیاری از رسانه‌های خبری در جهان بی‌سابقه بود - انتظار سقوط نظام را می‌کشید که باز هم امید آن به یأس مبدل شد.

بنابراین، تجاوز به جمهوری اسلامی به عنوان اساسی‌ترین ترفند استکبار جهانی برای مهار خطر ایران مطرح شد. اما بهترین عامل برای این تهاجم چه کشوری می‌توانست باشد؟

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین امریکا، در قسمتی از کتاب جنگ حقیقی می‌نویسد:

«تنها سؤالی که برای همگان مطرح می‌باشد این است که کدام کشور می‌تواند (در خلیج فارس) جانشین ایران بشود؟.... دولت تندروی عراق در حال حاضر قویترین نیروی نظامی خلیج فارس به شمار می‌رود و برای ایالات متحده‌ی امریکا دلایل کافی و منطقی زیادی در مورد بهبود روابط با کشور عراق موجود است».

دلایل کافی متعددی که نیکسون در جایگزین کردن عراق به جای ایران بر می‌شمارد عبارت از: تضمین سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی با توانمندی نظامی عراق؛ حساسیت صدام به قیام اسلامی شیعیان این کشور؛ جذب کامل عراق از بلوک شرق به بلوک غرب؛ تحقق بخشیدن به سناریوی کمان بحران و... بود.

به هر حال، چنانکه پیش از تهاجم صدام به ایران ضد انقلابیونی نظیر بختیار،

[صفحه ۹۴]

بصراحت از این مسأله یاد می‌کردند که «صدام درصدد تهاجم به ایران است» [۲۹۸] ، با شکست کودتای نوژه، صدام «با هدف اشغال خوزستان و فراهم آوردن زمینه‌ی تشکیل یک دولت ایران آزاد به رهبری بختیار، به ایران حمله کرد، تا سرپل مورد نظر استکبار جهانی را برای سقوط تهران فراهم آورد». [۲۹۹] در این سناریو قرار بود پس از آنکه بختیار در خوزستان مستقر شد، با دو بازوی گشاده در آذربایجان و کردستان (با همکاری قاسملو و حزب دموکرات) و باختران و ایلام (با همکاری پالیزبان تئوریسین جنگهای چریکی) برای تصرف تهران حرکت کند. اما رژیم عراق پس از آنکه با مقاومت مردم ایران مواجه شد و بعد از آنکه نه تنها موفق نشد نیروی هوایی ایران را منهدم کند بلکه از این نیرو ضربات مهلکی خورد و وقتی که کارشکنیهای نظامیان عراقی را در جنگ با جمهوری اسلامی مشاهده کرد، تصمیم گرفت در سناریوی تعیین شده تغییراتی ایجاد کند. بنابراین، صدام با پیشنهاد آتش‌بس و صلح در ۶ / ۷ / ۵۹ درصدد برآمد تا با فریب ایران، این کشور را درگیر مذاکراتی خسته کننده و طولانی کند تا بتواند با استفاده از مناطق اشغال شده و تغذیه‌ی گروهکهای ضدانقلاب ایران، زمینه‌ی سقوط نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورد. اما، با رد قاطع پیشنهاد صدام و انسجام یافتن نسبی نیروهای مردمی و نظامی در برابر تهاجم عراق، بتدریج ایران موفق شد ارتش عراق را متوقف سازد و آنها را از برخی از مواضع تصرف شده به عقب براند.

اما در این مرحله، سرنوشت جنگ توسط عراق و استکبار جهانی چگونه تبلیغ شد؟

با شروع جنگ، ارتش عراق با استفاده از عنصر غافلگیر کردن نیروهای نظامی و مردمی جمهوری اسلامی و با بهره‌جویی از عدم آمادگی ایران و تشتتهای سیاسی جامعه و به هم‌ریختگی ارتش و انسجام نداشتن سپاه در چند هفته‌ی اول جنگ، «۲۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را به اشغال خود درآورد» [۳۰۰] و فرماندهان عراقی سرمست از پیروزیهای به دست آمده، ضمن ارسال تلگرامهایی به صدام، می‌گفتند «اکنون که محمره

[صفحه ۹۵]

را آزاد کردیم، از رهبر عزیز می‌خواهیم تا به ما اجازه بدهند به تهران رفته، این شهر را به اشغال خود درآوریم» و دستگاه تبلیغاتی عراق با پخش و نشر «تلگرامهای حمایت از عراق از سوی برخی از رهبران کشورهای مختلف» و اعلام «اعزام نیروهای مراکشی و اردنی به جبهه‌های جنگ» [۳۰۱] افکار عمومی مردم عراق را تقریبا قانع می‌سازد که عراق تا دستیابی به پیروزی راه چندانی ندارد.

در چند هفته نخست جنگ، دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی در راستای تبلیغات عراق، اما با شدتی کمتر، به تبلیغ پیروزی عراق می‌پردازند. رادیو صدای امریکا در روز دوم جنگ، طی تحلیلی ضمن نکوهش تصفیه‌های انجام شده در سطح ارتش، پیروزی عراق و شکست ایران را نتیجه می‌گیرد. این رادیو در تحلیل خود می‌گوید:

«با توجه به نوع و کیفیت نیروهای مسلح در کشور و ماهیت رقابتشان، جنگ میان ایران و عراق پرتشنج خواهد بود، ولی چندان

درازمدت نخواهد بود» [۳۰۲] .

لوموند به «احتمال زیاد سرنگونی رژیم (امام) خمینی» [۳۰۳] اشاره می کند و در گزارش دیگری ضمن بیان «ضعف نیروهای ایرانی و شجاعت رزمندگان عراقی» نتیجه می گیرد که «خفگی تدریجی شهر محمره و آبادان، از نظر منطق منجر به تسلیم شدن آنها خواهد شد». [۳۰۴] روزنامه‌ی هرالدتریبیون هم ضمن مقاله‌ای می‌نویسد: «قدرت (امام) خمینی متزلزل بوده، برای مدت زیادی دوام نخواهد آورد و در این موقعیت، حتی لغو تحریمهای اقتصادی، بحران اقتصادی ایران را حل نمی کند و تخفیف نمی‌دهد» [۳۰۵] .

در کنار تبلیغ پیروزی عراق و شکست ایران، رسانه‌های خبری غرب با طرح برخی از مشکلات پیشرفت نظامی عراق به رژیم عراق گوشزد می کنند تا به رفع موانع پیشرفت نظامی خود بپردازد. به عنوان مثال، بی.بی.سی ضمن نقل تفسیر روزنامه‌ی تایمز مالی لندن چنین می گوید:

[صفحه ۹۶]

«عراق تا دیشب موفقیتی در تصرف هیچیک از شهرهای خوزستان به دست نیاورده و مخصوصا موفق به گرفتن دو مرکز مخابرات و خط لوله نفت در شهرهای اهواز و دزفول نشده است. این دو مرکز، در کنترل استان خوزستان نقش مهمی دارد. بدون تصرف این دو شهر و یا حداقل قطع خطوط ارتباطی آنها از سایر شهرها، موقعیت عراق برای انجام هر نوع مذاکره بسیار محدود خواهد شد. روزنامه‌ی تایمز مالی اضافه می کند: مقامات سیاسی و دیپلماتها قبلا فکر کرده بودند که عراق موقتا از شدت فعالیتهای خود در جنگ کاسته است تا در این فاصله به تقویت نیروهای نظامیش جهت حمله بعدی بپردازد. بنا به گفته‌ی تایمز مالی تصمیم آقای صدام حسین در زمینه‌ی توقف جنگ و سعی در حفظ مناطق کوچکی که به تصرف درآورده است، یک عقب‌نشینی مهم سیاسی محسوب می گردد» [۳۰۶] .

رادیو امریکا در تحلیلی می گوید:

«تحلیلگران نظامی می گویند: هوا در چند هفته‌ی آینده برای مقصود عراقی‌ها مناسب خواهد بود، ولی پس از چند هفته بسیار گرم خواهد شد، اما گرما عراقیها را از افزودن بر شدت حملاتشان باز نخواهد داشت، بلکه تنها چیزی که برای عراق خطرناک است، بالا رفتن میزان تلفات نیروهای عراقی است. اگر نیروهای عراق در یک نبرد که در سرنوشت جنگ چندان تأثیر نگذارد، تلفات سنگینی متحمل شوند، برای رژیم آن کشور خطراتی ایجاد خواهد شد. مفسر نظامی روزنامه‌ی نیویورک تایمز ادامه می‌دهد که موانع طبیعی موجود در اطراف جزیره‌ی آبادان حمله‌ی مستقیم به این شهر را دشوار می‌سازد، اما از سوی دیگر، ارتباط آبادان با جهان خارج نیز بسیار دشوار است، عراقیها هنوز جاده‌ی آبادان، خسروآباد را تصرف نکرده‌اند و هر گونه حمله به این جاده می‌تواند سرآغاز حمله بزرگ برای تصرف نهایی آبادان باشد» [۳۰۷] .

بدین ترتیب، رسانه‌های خبری غرب راهنماییهای بسیار سودمندی در اختیار رژیم عراق

[صفحه ۹۷]

قرار می‌دهند [۳۰۸] .

فراز مهم دیگری از تبلیغات دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی، تقویت روحیه و افزایش انگیزه‌ی نظامیان عراقی بود. به عنوان مثال، بی.بی.سی که طی تحلیلی چند روز قبل از آغاز جنگ از عدم امکان درگیری گسترده عراق با ایران «به علت توازن تسلیحاتی

دو کشور» [۳۰۹] سخن گفته بود، «از سلاحهای مدرن ارتش عراق و تجهیزات و سلاحهای فرسوده غیر قابل جایگزین ایران» [۳۱۰] سخن می گوید و در برنامه‌های دیگری به تکرار و تبلیغ همین مسأله می‌پردازد [۳۱۱].

بدین ترتیب در حالی که آبادان در برابر تهاجم ارتش عراق مقاومت می کند، بخش عربی بی.بی.سی از «پیشروی نیروهای عراقی به سمت بزرگترین پالایشگاه نفت جهان» [۳۱۲] گزارش می‌دهد و با اینکه عراق در تلاش برای ورود به آبادان در نبردهای کوی ذوالفقاری ۵۰۰ کشته و ۱۰۰ اسیر داده بود، رادیوهای بیگانه همزمان از «در آستانه سقوط بودن پالایشگاه آبادان» [۳۱۳] سخن می گویند.

سه روز بعد از شکست عراق در کوی ذوالفقاری بی.بی.سی می گوید:

«نیروهای عراق طی ۲۴ ساعت گذشته تا حومه‌ی آبادان پیشروی کرده‌اند. چند روز پیش کماندوهای عراق به این نتیجه رسیدند که تصرف آبادان ممکن است از تصرف خرمشهر آسانتر باشد» [۳۱۴].

در جای دیگری صوت الجماهیر به نقل از مجله‌ی اکونومیست می گوید:

«اکونومیست ارتش عراق را در ردیف قوی‌ترین ارتشهای دنیا خوانده است» [۳۱۵].

با همه‌ی اینها، اگرچه در آغاز جنگ نیروهای مردمی و سپاه توانسته بودند با

[صفحه ۹۸]

عملیات چریکی، ایذایی، شبیخون و نظایر آن، دشمن را زمین گیر کنند و زمان لازم برای انسجام یافتن نیروهای مردمی و نظامی را فراهم سازند، اما در نهایت دستاورد آنها در قیاس با دستاوردهای ارتش آماده و تا بن دندان مسلح عراق زیاد نبود. پس از انسجام یافتن نسبی نیروهای مردمی و نظامی، ایران به عملیات کلاسیک محور دزفول (۲۳ / ۷ / ۵۹)، هویزه (۱۵ / ۱۰ / ۵۹) و محور ماهشهر - آبادان (۲۰ / ۱۰ / ۵۹) دست می‌زند که این عملیات با موفقیت نسبی توأم بود.

از طرفی چون نیروهای خط امام با سنگ‌اندازی بنی‌صدر در کار جنگ مواجه شده و می‌دیدند که وی درصدد است از جنگ اهرمی برای قبضه قدرت سیاسی بسازد، برای شکستن بن‌بست نسبی ایجاد شده در سر راه جنگ، عملیات غیر کلاسیک محدود را طراحی کردند. در این عملیات، که شیوه‌ای ابداعی و مبتنی بر ایمان و فرهنگ انقلاب اسلامی بود، نیروهای مردمی با سلاحهای سبک و ضدزره، به دشمن و گردانهای زرهی وی حمله می‌بردند و به انهدام آنها می‌پرداختند. عملیاتهای غیر کلاسیک انجام شده توسط سپاهیان اسلام در مرحله‌ی اول جنگ [۳۱۶] اگرچه از ویژگیهای محدود و غیر کلاسیک برخوردار بودند، اما با این همه توانستند ضربات مهلک و کارآیی به ارتش عراق وارد سازند و حتی این ارتش را در برخی از مناطق مجبور به عقب‌نشینی کنند. بنابراین، رسانه‌های خبری جهان که در اوایل جنگ تنها از «عرض اندام غیر منتظره‌ی نیروی هوایی ایران» [۳۱۷] یاد می کردند، در برخورد با عملیاتهای غیر کلاسیک فوق مجبور می‌شوند که به اتخاذ مواضع واقعگرایانه‌تری تن بدهند. بنابراین، در اواخر مرحله اول جنگ رسانه‌های خبری غربی از ایجاد موازنه‌ی قوا بین عراق و ایران سخن می گویند. بی.بی.سی در یکی از تحلیلهای خود می گوید:

«در اوایل ماه مه، ایران به قصر شیرین در جبهه‌های شمالی حمله کرد. این

[صفحه ۹۹]

حملات تلفات سنگینی از طرفین به جا گذاشت. شاید علت این بود که ایران و عراق هر دو در این نبرد علاوه بر نیروهای نظامی از شبه نظامیان نیز استفاده می کردند. ایران می گوید در این حمله چندین تپه را به تصرف درآورده است. احتمالا ایران در بخشی از نقاطی که حفاظت چندانی نمی‌شدند، موفق به عبور از مرز و نفوذ به داخل خاک عراق شده است، اما قادر به عقب راندن عراق از هیچ موضع عمده نگردیدند. هشت روز قبل، فرماندهی نظامی ایران اعلام کرد: در جبهه‌ای به طول ۱۰۰ کیلومتر در شمال سوسنگرد دست به حمله‌ای زده است. بنی‌صدر گفت که این حمله بزرگترین توفیق جنگی ایران را به همراه داشت. بلندیهای الله اکبر به تصرف درآمد و ۵۵۰ نفر از افراد عراق به اسارت درآمدند. روز دوشنبه رادیوی تهران گفت ظرف سه روز گذشته در این جبهه ۷۰۰ عراقی دیگر نیز اسیر گردیدند. سومین حمله‌ی ایران در جبهه‌ی آبادان بود. ایران گفت که راه آبادان به بندر ماهشهر را آزاد کرده است؛ اما یک خبرنگار غربی که از مناطق جنگ‌زده دیدار کرده است تأکید کرد که هنوز این راه امنیت کافی را برای تردد کافی وسایل نقلیه ایرانی ندارد. چنین پیداست که این سه حمله‌ی ایران چندان تغییری در موقعیت سوق‌الجیشی منطقه نداده است.شاید بخشی از اراضی بین سوسنگرد و شوشتر به تصرف ایران درآمده باشد، اما عراق در خلال زمستان مواضع خود را آنقدر تقویت کرده است تا توان مقابله با این حملات را داشته باشد. احتمال دارد ایران این قبیل حملات را در سراسر این جبهه گسترده بر مواضع عراق به عمل آورد تا هم ادعای پیروزیهای منطقه‌ای را داشته باشد و هم عراق را از تقویت نیرو به منظور حملات متقابل بازدارد. کارشناسان امور نظامی معتقدند که عراق نیروهای نظامی خود را در حوالی آبادان متمرکز ساخته است تا چنانکه کوششهای هیأتهای صلح گوناگون که فعلا سرگرم فعالیت هستند به ثمر نرسد، مجددا به آبادان حمله کند» [۳۱۸] .

در موارد دیگری رسانه‌های خبری غرب از «عدم وجود درگیری جدی بین ایران

[صفحه ۱۰۰]

و عراق» [۳۱۹] ، «نتیجه نداشتن عملیاتهای ایران» [۳۲۰] ، «ناتوانی حمله‌های ایران در ایجاد تغییر در جبهه‌های جنگ» [۳۲۱] و... سخن می گویند.

به این ترتیب، پیداست که هر چند دستگاه تبلیغاتی عراق در طول مرحله‌ی اول جنگ، از پیروزی قریب‌الوقوع و حتمی خود سخن به میان می‌آورد، اما علی‌رغم همراهی دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی با این کشور، در اواخر مرحله‌ی اول جنگ، رسانه‌های خبری غرب خود را مجبور می‌بینند که ضمن نفی تأثیر پیروزی عملیاتهای محدود و غیر کلاسیک ایران، از رکود جنگ و زمینگیر شدن و توقف ارتش عراق در جنگ هم سخن بگویند.

اما امریکا در مهار انقلاب اسلامی در مرحله‌ی نخست جنگ چگونه اهداف خود را تعقیب کرد؟

پس از شکست طرح ساقط کردن جمهوری اسلامی با جنگ و روی کار آوردن حکومت لیبرالها، امریکا در این مرحله از جنگ به طور مشخص به تعقیب اهداف زیر می‌پرداخت:

- ادامه صدور نفت از خلیج فارس؛
- مهار بنیادگرایی اسلامی در منطقه؛
- عدم دسترسی یافتن شوروی به خلیج فارس و تحقق سناریوی کمان بحران؛
- جذب کامل عراق به بلوک غرب.

در خصوص تلاش امریکا برای تداوم صدور نفت از خلیج فارس باید گفت که امریکا مایل بود ضمن ادامه‌ی جنگ - که به فرسایش جمهوری اسلامی می‌انجامید - مانعی در سر راه صدور نفت مورد نیاز غرب پیش نیاید. به طور طبیعی امریکا خود را

آماده کرده بود که در صورت ایجاد کمترین اختلالی در این جهت (نظیر بسته شدن تنگه هرمز یا هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی کشورهای مرتجع منطقه) به دخالت مستقیم در جنگ و خلیج فارس بپردازد. البته، شق اخیر به هیچ وجه برای امریکا - که به تازگی از گرداب

[صفحه ۱۰۱]

ویتنام به‌در آمده بود - مطلوب نبود و درگیری مستقیم با ایران موجب ثبات و استحکام هر چه بیشتر انقلاب اسلامی در ایران، منطقه و جهان می‌شد. از همین رو، مهمترین مسأله‌ی امریکا و غرب در روزهای نخست جنگ، ترس از حملات تلافی جویانه‌ی ایران به تأسیسات نفتی کشورهای مرتجع عرب منطقه، به تلافی آسیب خوردن ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، زیرا علی‌رغم برنامه ریزیهای دقیق عراق، نیروی هوایی ایران منهدم نشده بود و می‌توانست حداقل قسمتی از تأسیسات نفتی کشورهای مرتجع منطقه را به آتش بکشد و غرب را حداقل برای مدتی از انبار نفت خود محروم سازد و به این ترتیب تا حدودی انتقام آسیبی را که ایران از استکبار جهانی خورده بود، بگیرد.

روزنامه‌ی نیویورک تایمز به نقل از مقامات نظامی انگلیس از این هراس غرب چنین یاد می‌کند:

«مقامات نظامی در مورد غیر قابل پیش‌بینی بودن جنگ ایران و عراق توافق کرده‌اند. به نظر آنها این جنگ می‌تواند ادامه و گسترش یابد، به طوری که تمام منطقه خلیج فارس را دربر بگیرد و جریان نفت را متوقف سازد، و یا اینکه جنگ فردا متوقف شود» [۳۲۲] .

کیسینجر وزیر اسبق خارجه‌ی امریکا، درباره‌ی واکنش امریکا در صورت تهاجم ایران به مناطق نفتی کشورهای منطقه گفت:

«خطر حقیقی در جنگ ایران و عراق در تحول شرایطی نهفته است که احتمالاً اقدامات فوری به منظور حراست از منافع اساسی ایالات متحده را ایجاب می‌کند» [۳۲۳] .

بی.بی.سی هم در یکی از برنامه‌های خود در تحلیلی که راجع به جنگ دارد، به نقل از روزنامه‌ی دیلی میل چنین می‌گوید:

«نشانه‌هایی بر گسترش این جنگ وجود دارد و امکان دارد که ایران بردباری در مقابل همبستگی کشورهای خلیج (فارس) با یکدیگر را از دست بدهد و آغاز به حمله‌های هوایی به تأسیسات نفتی خلیج (فارس) کند و چنین اقدامی خطری

[صفحه ۱۰۲]

است برای همه‌ی منابع نفت. در آن هنگام امریکا مجبور به دخالت خواهد شد» [۳۲۴] .

رادیو باکو هم در بخش فارسی خود می‌گوید:

«ایالات متحده تدارک مداخله‌ی جنگی در خلیج فارس را تسریع می‌کند و مناقشات ایران و عراق را بهانه قرار می‌دهد. ژنرال کلی فرمانده‌ی نیروهای واکنش سریع اظهار داشت که می‌تواند ۲۰۰ هزار سرباز را برای حرکت به مرزهای این منطقه گسیل دارد. تمرینات سنگین برای تفنگداران، هم‌اکنون در پایگاه دیه گوگاریسا انجام شده است. همچنین امریکا برای مداخله‌ی خود قصد دارد از پایگاههای عمان، سومالی و کنیا استفاده کند» [۳۲۵] .

روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق هم ضمن مقاله‌ای پیشاپیش «مسئولیت دخالت امریکا در منطقه را به گردن ماجراجویی‌های ایران انداخت» [۳۲۶] .

به طور طبیعی، احتمال دخالت امریکا در خلیج فارس، واکنش شوروی را در پی داشت. به همین دلیل قسمتی از تحلیلهای رسانه‌های خبری غرب متوجه این مسأله شد و به تهدید شوروی در مداخله‌ی احتمالی در خلیج فارس پرداختند.

بی.بی.سی سه روز پس از آغاز جنگ در برنامه خبری خود گفت:

«به دنبال ثباتی که با پشتیبانی بریتانیا در خلیج فارس وجود داشت، و حمایتی که غرب از شاه سابق به عنوان ژاندارم آن منطقه می‌کرد، اکنون کرملین مانند همیشه داعیه پرکردن این خلأ قدرت را در سر می‌پروراند؛ ولی کرملین باید بداند که بدون برپا کردن یک جنگ سوم جهانی، به این کار توفیق نخواهد یافت» [۳۲۷] .

بی.بی.سی در برنامه دیگری گفت:

«با توجه خاصی که شوروی به جذب ایران دارد، ممکن است رقابت شدیدی پیش بیاید، و این برخورد عظیم بین نیروهای دو طرف، در این منطقه باعث

[صفحه ۱۰۳]

ایجاد تشنج بزرگی خواهد شد که دامنگیر دنیا خواهد شد» [۳۲۸] .

علی‌رغم این سخن پراکنی‌ها، ایران در روزهای نخست آغاز جنگ به تأسیسات نفتی منطقه حمله نکرد و هراس استکبار جهانی از ایران، و دخالت مستقیم شوروی در منطقه، به طور موقتی برطرف شد. با وجود این، امریکا و غرب همواره این خطر را فراروی خویش احساس می‌کردند و به همین سبب برای به دست آوردن زمان لازم برای فرسایش اقتصادی، نظامی، سیاسی و روانی ایران، سعی داشتند با تمهیداتی مانع از به خشم آمدن ایران و در نتیجه مواجهه با حرکات غیر قابل کنترل ایران شوند. از همین رو، علی‌رغم آنکه مثلا شاهد بودیم «ارتش عراق برای عبور از رود کارون، درست از همان محلی که لشکر ۹۲ اهواز در مانور سال ۵۶ پل زده بوذد، پل زد و به جزئی‌ترین اطلاعات نظامی ایران نیز دسترسی داشت» [۳۲۹] ، باز «امریکا در جنگ اعلام بی‌طرفی کرد» [۳۳۰] و «اتهام ایران مبنی بر دخالت در جنگ عراق و ایران را موکدا رد کرد» [۳۳۱] و در روز دوم جنگ، امریکا از شوروی می‌خواهد تا «برای میانجیگری وارد میدان شود» [۳۳۲] .

علاوه بر تبلیغات اولیه امریکا در آغاز جنگ مبنی بر برکناری امریکا در رخ‌دادن جنگ، این کشور می‌کوشید از سویی با نرمش نشان دادن نسبت به ایران و تبلیغ بی‌اهمیت بودن نتایج جنگ برای امریکا، و از سوی دیگر با تهدید جمهوری اسلامی اوضاعی را پدید آورد که ایران به اقدامی نظیر بستن تنگه هرمز و تهاجم به منابع نفتی کشورهای عرب منطقه دست نزند.

رادیو امریکا از تلاش غرب برای آرامش بخشیدن به ایران (که مانع تهاجم این کشور به تأسیسات نفتی منطقه می‌شد)، چنین یاد می‌کند:

«کشورهای اروپای غربی از آن بیم دارند که تدارکات نفتی آنها که هم اینک در اثر جنگ ایران و عراق به مخاطره افتاده است به طور کلی قطع شود. از

[صفحه ۱۰۴]

این رو، در اندیشه‌اند که آیت‌الله خمینی را آزرده نسازند و به این ترتیب از حمله‌ی احتمالی نیروهای ایران به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات متحده عربی جلوگیری کنند» [۳۳۳] .

در همین راستا طرح مضامینی مانند «طرح ارسال اسلحه توسط امریکا به ایران، مورد بررسی قرار گرفته» [۳۳۴] و اینکه امریکا طی پیامی به نخست‌وزیر ایران اطلاع داده که «امریکا پس از آزادی گروگانهای امریکایی، داراییهای ایران در امریکا را آزاد خواهد کرد و روابط عادی بازرگانی خویش با ایران را از سر خواهد گرفت» [۳۳۵] ، فراوان به چشم می‌خورد.
در موارد دیگری هم رسانه‌های خبری امریکا «خیرخواهانه» اظهار می‌کنند که «امریکا مدتهاست به ایران اندرز می‌دهد که در اسارت نگاه داشتن گروگانهای امریکایی، دولت ایران را از مسائل مهم مملکتی مانند حفظ تمامیت و امنیت کشور باز می‌دارد...» [۳۳۶] بدین ترتیب، زمانی که سادات رئیس جمهور مصر، ضمن درخواست سرنگونی رهبران جمهوری اسلامی اعلام می‌کند «اگر امریکا بخواهد از امکانات مصر جهت مداخله در جنگ استفاده کند، امکانات مصر در اختیار امریکا قرار گرفته و در صورت لزوم نیروهای مصری هم وارد صحنه کارزار خواهند شد» [۳۳۷] ، نه تنها این پیشنهاد مورد پذیرش امریکا قرار نمی‌گیرد، بلکه امریکا بصراحت از عربستان و عمان می‌خواهد تا «به هواپیماهای عراقی اجازه ندهند حملات خود را از پایگاههای هوایی آنها انجام دهد، زیرا این امر احتمالا ایران را برای گسترش فوری دامنه‌ی جنگ تشویق می‌کند» [۳۳۸] .
از سوی دیگر،ایران شاهد «لغو مجازاتهای اقتصادی از سوی ژاپن و خرید مجدد نفت توسط این کشور از ایران» [۳۳۹] می‌شود و جزیره‌ی خارک که مورد تهاجم عراق قرار می‌گرفت،

[صفحه ۱۰۵]

برای مدتهای طولانی از تهاجم عراق مصون می‌ماند.
نتیجه‌ی اقدامات فوق، که حاوی تأثیر آرامش‌بخشی برای ایران بود، سبب می‌شود مقامات رسمی دولت کارتر اعلام کنند که «اقدامات سیاسی امریکا، انگلستان و پاره‌ای از کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس سبب شده است که از کشیده شدن دامنه‌ی جنگ ایران و عراق به سایر کشورها جلوگیری به عمل آید» [۳۴۰] و زمانی که خبر «حمله‌ی هوایی ایران به مرزهای کویت منتشر می‌شود،» سخنگوی وزارت خارجه‌ی امریکا، ضمن تلاش در آرامش بخشیدن به اعراب منطقه می‌گوید:
«امریکا در این مورد نگران است، اما وحشت‌زده نشده است. در چنین جنگهایی معمولا ـ اتفاقاتی رخ می‌دهد که امکان گسترش جنگ را به وجود می‌آورد، اما این مسأله لزوما این چنین نیست» [۳۴۱] .
و یک سخنگوی پنتاگون اعلام می‌کند:
«از ۱۴ آبان تا به حال، این سومین باری است که ادعای حمله به مرز کویت شده است، اما به نظر می‌رسد این حملات به قصد ارعاب این شیخ‌نشین باشد تا کویت فعالیتش را به عنوان راه گسیل تسلیحات نظامی به عراق خاتمه دهد» [۳۴۲] .
علاوه بر انعطافهایی که امریکا و غرب در برخورد با ایران از خود نشان می‌دهند، مطبوعات امریکا از جنگ ایران و عراق، با عنوان «جنگ میکی ماوس» [۳۴۳] یاد می‌کنند و به این ترتیب می‌کوشند تا اینطور القا کنند که نتیجه جنگ برای امریکا بی‌اهمیت است.
امریکا در فراز دیگری از تبلیغات خود سعی می‌کند به ایران تفهیم کند که «ایالات متحده نسبت به نتیجه‌ی جنگ بی‌تفاوت نیست و علیه گسترش دامنه‌ی آن به ایران هشدار می‌دهد»، از این رو، «پس از آنکه ایران با آغاز جنگ، کل منطقه را به عنوان یک منطقه‌ی بالقوه جنگی معرفی کرد، کارتر اعلام می‌کند که از آزادی کشتیرانی بین‌المللی در خلیج

[صفحه ۱۰۶]

(فارس) دفاع خواهد کرد» [۳۴۴] در دی ماه ۱۳۵۹، کارتر آشکارا به ایران هشدار می‌دهد:

«اگر آبراه هرمز بسته شود، ایالات متحده به مداخله در خلیج فارس خواهد پرداخت» [۳۴۵] .

اما علی‌رغم تبلیغات فوق امریکا، امید داشت که جنگ، «ایران را بر سر عقل بیاورد». کارتر در نخستین اظهاراتش پس از وقوع جنگ گفت:

«زد و خورد بین ایران و عراق می‌تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین‌المللی متقاعد سازد» [۳۴۶] .

و رادیوی امریکا ضمن تحلیلی در این باره گفت:

«از آنجایی که بازار نفت جهان، به دلیل افزایش تولید نفت توسط کشورهای تولید کننده مانند عربستان و کاهش مصرف نفت توسط کشورهای وارد کننده و صنعتی غرب به دلیل صرفه‌جویی در مصرف، از نفت مازاد بر فروش اشباع شده است، لذا امریکا و کشورهای اروپای غربی از این لحاظ در مضیقه و تنگنا قرار ندارند و عدم تولید نفت توسط ایران و عراق ضرری به منافع امریکا نمی‌زند. صلاح منافع ما در آن است که کوچکترین کمک و یا تشویقی در امر متوقف کردن جنگ نکنیم و سعی بر این باشد که ادامه‌ی جنگ آیت‌الله و رژیم فناتیک وی را بر سر عقل بیاورد» [۳۴۷] .

رادیو اسرائیل طی تحلیلی که در هفته‌ی سوم جنگ ارائه داد، به شکل غیرمستقیمی از ایران خواست تا این کشور اندیشه صدور انقلاب و دامن زدن به بنیادگرایی اسلامی در منطقه را از سر به‌در کند و برای برخورداری از نعمات دنیایی، راه سازش با امریکا و اذنابش را پیش بگیرد. این رادیو در برنامه‌ی تفسیر سیاسی خود گفت:

«ایران از شمال با اتحاد جماهیر شوروی همسایه است و عراق نیز از شوروی در جنگ اسلحه دریافت می‌دارد و حافظ اسد نیز با سفر خود به شوروی،

[صفحه ۱۰۷]

ممکن است پیمان دوستی با آن کشور امضا کند. این موارد باعث می‌شود که ایران به جز جنوب، یعنی خلیج فارس، به وسیله‌ی نیروهای شوروی و یا اقمار شوروی احاطه شود. علاوه بر اینها نباید فعالیت نیروهای چپگرا را در داخل خاک ایران که منتظر رسیدن میوه هستند تا آن را بچینند و حکومت را در دست بگیرند، فراموش کرد. با در نظر گرفتن این موضوع که در این جنگ عراق چه از کشورهای عربی و چه از شوروی مستقیما و علنا اسلحه و نیرو دریافت می کند، می‌توان ایران را به طور کلی یک کشور منزوی به حساب آورد؛ زیرا با ابرقدرت دیگر، یعنی امریکا هیچ نوع ارتباطی ندارد. فرانسه طرف عراق را می گیرد و کشورهای دیگر اعلام بی‌طرفی کرده‌اند و هیچ کمکی حتی کمک لفظی از طرف کشورهای اسلامی، جهان سوم و کشورهای عربی نسبت به ایران ابراز نمی‌شود. بنابراین، ایران باید در این مورد واقعا مواظب باشد، سیاست خارجی این کشور به بن‌بست نرسد؛ زیرا از یک طرف ایرانیها می‌خواهند انقلاب اسلامی ایران را به خارج صادر کنند و این یکی از علل مستقیم بروز جنگ بین ایران و عراق بوده و همین مسأله باعث شده است که کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس بخصوص شیخ‌نشینها، نسبت به ایران با سوءظن شدید نگاه کنند و همین موضوع نیز باعث شده است که عربستان سعودی رابطه‌اش با ایران بسیار تیره باشد و جریان گروگانها هم رابطه ایران را نه تنها با امریکا بلکه با دنیای غرب تیره کرده و بالاخره روزی فرا خواهد رسید که دولت ایران باید این تناقض را حل کند که از یک طرف می‌خواهد با دنیا سرجنگ داشته باشد و از طرف دیگر در انتظار است که از حمایت دنیا برخوردار شود و این تناقض مطلبی است که باید ایران به آن توجه داشته باشد» [۳۴۸] .

به این ترتیب، امریکا ضمن تمهیداتی برای ادامه‌ی صدور نفت از خلیج فارس، کوشید تا با انداختن ایران در روند جنگی بلندمدت،

به فرسایش نیروهای ایران در ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی و روانی، موفق شود و پس از این مرحله، ایران فرسوده شده را بسوی خود فراخواند و اندیشه صدور انقلاب اسلامی و دامن‌زدن به بنیادگرایی اسلامی و نظریه‌ی نه

[صفحه ۱۰۸]

شرقی نه غربی را از سر این کشور بیندازد.

اما اهداف امریکا در این مرحله از جنگ برای دور نگاه داشتن شوروی از خلیج فارس و تحقق بخشیدن به سناریوی کمان بحران چگونه تعقیب شد؟

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، برژنف انقلاب اسلامی را «انقلابی ضد امپریالیستی توصیف کرد» [۳۴۹] با سقوط شاه در ایران که با سقوط پایگاه امریکا در ایران و برچیده شدن دستگاههای جاسوسی این کشور در مرزهای ایران توأم بود، شوروی در عین اینکه از سقوط احتمالی نظام ایران، یا بازگشت آن به دامان غرب بیم داشت، امید نفوذ در حکومت اسلامی را هم در سر می‌پروراند. از سوی دیگر، «عراق از نیمه‌ی دهه ۱۹۷۰، به طور فزاینده‌ای به غرب ابراز تمایل کرده بود و با تجاوز شوروی به افغانستان، این کشور را محکوم کرده، موضعی سخت در قبال حزب کمونیست عراق در پیش گرفته بود» [۳۵۰] در مقابل، «رهبر تبعیدی حزب کمونیست عراق، در بیست و ششمین کنگره‌ی حزب کمونیست شوروی، با عناوین حکومت ارتجاعی و دیکتاتوری، بغداد را محکوم کرده بود» [۳۵۱] با این حال، دو کشور شوروی و عراق با پیمان دوستی ۱۹۷۲ به یکدیگر پیوند خورده بودند و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در آن زمان بیشتر سلاحهای مورد نیاز عراق را تأمین می‌کرد. البته، اوضاع نابسامان آن زمان، تردیدهایی برای شوروی ایجاد می‌کرد که آیا در جنگ، به سرمایه‌ی بالقوه‌ی ایران توجه داشته باشد یا به سرمایه‌ی بالفعل عراق که بعد از سقوط شاه قدرتمندترین دولت منطقه شده بود؟ در کنار این مسأله، چون از اشغال نظامی افغانستان مدت زیادی نمی‌گذشت و هر روز در گوشه‌ای از جهان و در کنفرانس و نشستی این حرکت شوروی محکوم می‌شد، شوروی می‌توانست از جنگ عراق و ایران، پوششی برای حرکت تجاوزکارانه‌ی خود فراهم کند و به انحراف افکار عمومی جهان بپردازد. بعلاوه، شوروی امید داشت با درگیر شدن ایران در جنگ، نقش این کشور در مقاومت ملت افغانستان از بین برود. بنابراین، با توجه به روابط شوروی با ایران و عراق، و با توجه به احتیاج شوروی برای منحرف کردن افکار عمومی مردم جهان، منافع کوتاه‌مدت

[صفحه ۱۰۹]

شوروی، این کشور را به این نتیجه رساند که در جنگ اعلام بی‌طرفی کند تا ضمن اینکه فرصت بیشتری برای مطالعه در علل و عواقب جنگ به دست می‌آورد، هر دو طرف را نیز به طور نسبی نگاه داشته باشد. به همین دلیل است که در مرحله‌ی اول جنگ، موضع گیریهایی بظاهر مغایر از سوی شوروی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، از سویی پراودا، ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی «امریکا را متهم می‌کند که این کشور، ایران را علیه عراق برانگیخته است تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرد» [۳۵۲] و یا شوروی ضمن تأمین تسلیحات مورد نیاز عراق از طریق کشورهای ثالث بلغارستان، لهستان و چکسلواکی، هیأتی متشکل از کنفرانس غیرمتعهدها را میانجی بین ایران و عراق قرار می‌دهد؛ هر چند نه شوروی و نه این هیأت هیچکدام حاضر نمی‌شوند که «تجاوز و اشغال خاك ایران توسط عراق را رسما محکوم کنند» [۳۵۳] از سوی دیگر، شوروی از عراق «به عنوان کشور متجاوز نام می‌برد» [۳۵۴] و «این کشور را مسبب اصلی زد و خورد دو کشور ایران و عراق معرفی می‌کند» [۳۵۵] و «با دادن اطمینانهایی به

ایران سبب می‌شود که ایران مقداری از نیروهای خود را از مرز ایران و شوروی فراخوانده و در منطقه جنگ با عراق مستقر سازد» [۳۵۶] همچنین شوروی با واسطه‌ی «سوریه» [۳۵۷] و «کره شمالی» [۳۵۸] اسلحه‌های سبک و مهمات به ایران ارسال می کند.
به این ترتیب ملاحظه می‌شود که شوروی در مرحله‌ی اول جنگ، به سبب توجه به منافع کوتاه مدتش، در عمل به مسیری هدایت می‌شود که مطلوب امریکا بود، چرا که امریکا در برنامه میان‌مدت خود برای فرسایش و جذب مجدد ایران، شاهد بود که شوروی در پی منافع کوتاه‌مدت خویش از تأثیرگذاری در جریان کلی جنگ غافل مانده است و درصدد اتخاذ مواضعی نیست که به سقوط سریع کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس -

[صفحه ۱۱۰]

که پایگاههای منافع غرب در این ناحیه از جهان بودند - بینجامد.
در این میان امریکا که در تلاش بود ایران دوباره به غرب وابسته شود «و به صورت حایلی بین شوروی و خلیج فارس باقی بماند» [۳۵۹] ، بارها به شوروی و عراق «نسبت به تجزیه‌ی ایران هشدار می‌دهد» [۳۶۰] که مبادا با شکست ایران در جنگ، این کشور تجزیه شود و شوروی به نحوی به آبهای گرم خلیج فارس دسترسی پیدا کند.
به هر حال، امریکا می کوشد تا نه تنها به پیشنهاد برژنف در دسامبر ۱۹۸۰ مبنی بر «اعلام یک منطقه‌ی صلح در خلیج (فارس)، که طی آن قدرتهای خارجی نه در سیاست خلیج (فارس) مداخله کنند و نه کشورهای خلیج (فارس) را به اتحاد نظامی با کشورهای هسته‌ای بکشانند» [۳۶۱] ، پشت پا بزند، بلکه با فرسایش تدریجی ایران، به سوی تحقق سناریوی کمان بحران - که توسط برژینسکی ارائه شده بود - پیش برود و امیدوار باشد که طی سالهای آینده، شوروی را توسط طرفداران امریکا محاصره کند.
علاوه بر این، هدف دیگر امریکا در جریان جنگ تحمیلی، جذب کامل عراق به غرب بود که این هدف نیز با طولانی و فرسایشی کردن جنگ، مقروض کردن هر چه بیشتر عراق به غرب و وابسته کردن عراق به حمایتهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی غرب، میسر می‌شد. از این رو، امریکا که توسط کیسینجر در هفته‌ی اول جنگ اعلام داشته بود «پیروزی هر یک از دو طرف، موجب بروز مشکلات مختلفی برای منافع امریکا می‌شود» [۳۶۲] ، پس از درگیر کردن عراق در جنگ با ایران، به شیوه‌های مختلف به تشویق این نظام نسبت به ادامه‌ی جنگ می‌پردازد. یونایتدپرس طی گزارشی از بغداد می‌نویسد:
«ناظران معتقدند چنانچه از قراین پیداست پایان سریع مناقشه‌ی ایران سود چندانی برای این کشور دربر ندارد. هر چه جنگ به درازا بینجامد فرصت فکر کردن فراهم می‌شود، ذخایر رو به کاهش ایران کمتر و شانس پیروزی عراق بیشتر می شود» [۳۶۳] .

[صفحه ۱۱۱]

خلاصه فصل

در این فصل به عناوینی مانند: ترسیم چهره‌ای منفی از ایران، تلاش برای فریب ایران، تلاش برای بی‌انگیزه کردن ارتش، بی‌انگیزه کردن مردم در جنگ، تلاش در جهت وارد کردن مردم و ارتش عراق در جنگ، قلب ماهیت جنگ، فریب پیشنهاد صلح‌طلبی، زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، تبلیغ رابطه‌ی ایران با اسرائیل، تبلیغ رابطه‌ی ایران با آمریکا، تغییر جو تبلیغاتی عراق و سرنوشت جنگ پرداختیم.

در بحث ترسیم چهره‌ای منفی از ایران، زمینه‌سازی رژیم بعث عراق جهت برخورد با انقلاب اسلامی و تبلیغ امریکایی بودن انقلاب و نصب رهبری معظم انقلاب توسط امریکا یاد شد. بعلاوه، گفته شد که رژیم عراق برای ریشه‌دار ساختن تضاد اعراب با فارسها، دست به ترسیم خصومت همیشگی فارسها با اعراب در طول تاریخ، مجوس بودن و آتش‌پرست بودن ایرانیها، و روابط دوستانه و دیرینه‌ی فارسها با صهیونیستها - که از عصر بابلی قدیم برقرار است - زد و ضمن متهم ساختن جمهوری اسلامی به سوء استفاده از دین و پوشش دینی، به زیر سؤال بردن شخصیت نورانی حضرت امام دست می‌زند. تبلیغات این رژیم با متهم کردن ایران به مداخله در امور داخلی عراق و انتساب حادثه مستنصریه به ایران و اعلام هدف قرار گرفتن شهرهای عراق توسط توپخانه دوربرد ایران، افکار عمومی مردم عراق را برای ورود به جنگ با ایران آماده می‌کند و پس از آغاز رسمی جنگ هم با تبلیغاتی نظیر اینکه ایرانیها در پی غصب منابع و امکانات عراق هستند و در صورت پیروزی به نوامیس مردم عراق تجاوز می‌کنند و دین مردم سنی‌مذهب را به اجبار تغییر خواهند داد و... و تبلیغ شیوه‌های وحشیانه رفتار ایرانیها با اسرا و قتل عام آنها به ترسیم چهره‌ای منفی از ایران می‌پردازد.

در بحث تلاش برای فریب ایران، گفته شد علی‌رغم آنکه نقل و انتقالات وسیع نظامی عراق در مرزها از دید کسی پنهان نمانده بود و شواهد متعدد دیگری دال بر قصد تجاوز عراق به جمهوری اسلامی وجود داشت، پس از تصرف مناطق زین‌القوس و سیف سعد توسط عراق، دستگاه تبلیغاتی این رژیم برای در غفلت نگه داشتن مردم و مسئولان نظام،

[صفحه ۱۱۲]

چنین بیان می‌کند که عراق تنها درصدد پس گرفتن زمینهای غصب شده‌ی خود است و عملیات جنگی این رژیم تا آخر هفته به پایان خواهد رسید. بعلاوه، دستگاههای خبری خارجی نیز با استدلال در اینکه به علت توازن قوای ایران و عراق و وجود مشکلات متعدد داخلی هر دو طرف، درگیر شدن در جنگ برای هیچ یک از طرفین امکان‌پذیر نیست، در عمل ایران را در غفلتی نسبی نگه می‌دارند تا اینکه عراق با تهاجم غافلگیر کننده‌ی خود می‌کوشد به انهدام نیروی هوایی ایران توفیق یابد، ولی به دلایلی در این امر موفقیت کامل نمی‌یابد.

در محور تلاش برای بی‌انگیزه کردن ارتش گفتیم که تبلیغات عراق پیش از شروع رسمی جنگ با طرح موضوعاتی نظیر اعدام افسران و درجه‌داران ارتش توسط جمهوری اسلامی، تلاش رژیم ایران برای سرگرم ساختن ارتش در درگیریهای مرزی و غافل نگه داشتن نظامیان از وخامت اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران، زیر پا گذاشته شدن حیثیت ارتش توسط سپاه، ضرورت ترک مواضع برای جلوگیری از بی‌سرپرست شدن خانواده‌ی نظامیان و... می‌کوشید تا انگیزه‌ی مقاومت نیروهای ارتشی را از بین ببرد. پس از شروع رسمی جنگ نیز دستگاه تبلیغاتی عراق با تشویق نظامیان به کودتا، انجام عملیات رزمی در شهرها، ترک پادگانها، پیوستن به اکراد یا نیروهای عراقی، اعتصاب در ارتش و... می‌کوشید از آنها عناصری مخالف نظام بسازد و یا با تبلیغات دیگری نظیر اینکه عراق تنها در پی احقاق حق خود است و بهتر است ارتش به جای درگیر شدن در مرزها متوجه اضمحلال تدریجی خود و جایگزین شدن سپاه به جای خودش باشد، درصدد منفعل کردن نیروهای ارتشی بر می‌آمد. همین تبلیغات که توسط رسانه‌های خبری هم بشدت تعقیب می‌شد و وجود افرادی نظیر بنی‌صدر در رأس امور، سبب شد که ارتش و سپاه از یکدیگر دور شوند و به همین دلیل قدرت نظامی ایران در مرحله‌ی نخست جنگ به نحو چشمگیری کاهش یابد.

در محور بی‌انگیزه کردن مردم در جنگ، گفته شد که رژیم عراق در روزهای نخست جنگ در تبلیغاتی تهاجمی از مردم می‌خواست تا به قیام ارتش بپیوندند و با تصرف شهرها به واژگون ساختن رژیم بپردازند. در این تبلیغات همچنین از مردم خواسته

می‌شد تا با شناسایی پاسداران، کمیته‌ای‌ها و آخوندها، خود را برای محاکمه و به دار آویختن آنها آماده کنند. بعلاوه، عراق با پخش شایعه‌ی رحلت حضرت امام، درصدد تضعیف روحیه‌ی

[صفحه ۱۱۳]

مردم برآمد، اما برخورد آرامش‌بخش حضرت امام با مسأله جنگ، مانع شکست روانی مردم (که مقدمه‌ی شکست نظامی آنها بود) شد. پس از گذشت چند روز از آغاز جنگ، شورای امنیت سازمان ملل، رژیم عراق، کنفرانس اسلامی و کشورهای غیر متعهد به ایران پیشنهاد آتش‌بس و مذاکره می‌دهند و عراق از داعیه‌ی صلح‌طلبی خود، به عنوان موضوع دیگری جهت بی‌انگیزه کردن مردم سود می‌جوید. موارد دیگری نظیر تبلیغ رابطه‌ی ایران با امریکا و رژیم اشغالگر قدس، تشتتها و اختلافات سیاسی داخلی ایران، بی‌کفایتی مسئولان جمهوری اسلامی، ضایعات وسیع جنگ، ویران شدن تأسیسات اقتصادی ایران، بحران اقتصادی و اجتماعی ایران، آینده‌ی تیره‌ی ایران، رفتار وحشیانه‌ی نظامیان ایران و پرتاب اسباب بازیهای انفجاری و بمبهای ساعتی در شهرهای عراق و... از دیگر موضوعاتی هستند که توسط دستگاه تبلیغاتی عراق برای بی‌انگیزه کردن مردم به کار گرفته می‌شوند.
در محور تلاش عراق در جهت وارد کردن مردم و ارتش عراق در جنگ، گفته شد که رژیم عراق در عمل با ارتشی مواجه بود که سالها در اندیشه‌ی رویارو شدن با صهیونیست‌ها به سر می‌برد و کشاندن این ارتش به جنگ با ملت مسلمان ایران بس دشوار می‌نمود، اما دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با پیش گرفتن روشهای تبلیغاتی مبتنی بر تحمیق، تطمیع و تهدید، مردم و نظامیان عراقی را به جنگ با ایران کشاند. رژیم عراق با تبلیغ خصومت تاریخ ایران و اعراب، توسعه‌طلبی و جنگ‌افروزی ایران و آغاز جنگ در ۴ سپتامبر ۸۰ (۱۳ / ۶ / ۵۹) توسط ایران، دفاعی خواندن جنگ عراق و با سودجویی از تبلیغات غلط ایران - که گاه از مردم کشورهای منطقه می‌خواستند رژیمهای مرتجعشان را سرنگون سازند - به تحمیق مردم و نظامیان خود می‌پرداخت. این رژیم با اعطای القاب و مدالهای مختلف، دادن امتیازات مادی مختلف، تبلیغ فتوحات سریع و وسیع نظامی عراق، تحریف و کوچک‌نمایی دستاوردهای نظامی ایران، تبلیغ به دست آوردن حقوق اضافی در جنگ و انضمام بخشی از خاک ایران به عراق، به تطمیع ارتش عراق می‌پردازد تا به این وسیله ارتش این کشور به ادامه‌ی جنگ با ایران تن دردهد.
در محور قلب ماهیت جنگ، گفته شد که عراق در اعلام رسمی درگیری عراق با ایران بر تدافعی بودن جنگ، و ورود اجباری عراق به جنگ تأکید داشت و جنگ را توطئه‌ای بین‌المللی با مشارکت ایران، اسرائیل و امریکا معرفی کرد و اعلام داشت تمایلات

[صفحه ۱۱۴]

توسعه طلبانه‌ی ایران با نیات صهیونیست‌ها تلاقی یافته است و ایران به عنوان مجری نیات صهیونیست‌ها به جنگ با عراق پرداخته است.
عراق با سودجویی از تبلیغات حساب نشده‌ی ایران، نظیر تقاضای بازگرداندن بحرین و بغداد (!) به ایران و سرنگون‌سازی دولتهای منطقه توسط شیعیان آن کشورها، به تبلیغات خویش در جهت قلب ماهیت جنگ و اثبات توسعه‌طلبی و جنگ‌افروزی ایران بیشتر صحه می‌گذارد.
در محور فریب پیشنهاد صلح‌طلبی، از پیشنهاد آتش‌بس عراق - که یک هفته پس از تجاوز این رژیم به خاک ایران ارائه شد - سخن رفته است. صدام به سبب رهایی از پذیرش مسئولیت جنگ، شکست طرح انهدام نیروی هوایی ایران، مواجهه با کارشکنی

برخی از عناصر مسلمان ارتش عراق و از همه مهمتر برای تبدیل مناطق تصرف شده‌ی ایران به مکانی برای تغذیه گروهکهای ضدانقلاب به ایران پیشنهاد آتش‌بس و مذاکره جهت دستیابی به صلح کرد (اما وی در واقع در صدد بود با درگیر ساختن ایران در مذاکراتی طولانی و خسته کننده، با کمک گروههای ضدانقلاب، نقشه‌ی نیمه‌تمام خود در ساقط کردن جمهوری اسلامی را تعقیب کند)، اما با رد پیشنهاد آتش‌بس و صلح عراق، این نقشه نقش بر آب شد.

در مبحث زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، از تلاش عراق در قومی کردن جنگ یاد شده است. با شروع جنگ، اردن و کویت بنادر، فرودگاهها و جاده‌های خود را در اختیار عراق قرار دادند و عربستان ضمن زیر فشار دادن کشورهای عضو شورای همکاری برای حمایت از صدام، در حرکتی همسو با اردن و کویت به ستایش عراق در تهاجمش به ایران می‌پردازد؛ اما با محکومیت تجاوز عراق به ایران در نشست جبهه پایداری عرب، تبلیغات عراق در جهت قومی نشان دادن جنگ مخدوش شد. از همین رو، عراق با زیر سؤال بردن رهبران سوریه و لیبی (که در قبال عراق مواضع صریحتری نسبت به الجزایر و یمن دموکراتیک اتخاذ کرده بودند)، آنها را پادوهای پیمان مشترک واشنگتن، تل آویو و ایران معرفی کرد و به این ترتیب کوشید تا با خیانتکار معرفی کردن حافظ اسد و معمر قذافی، موضع گیریهای مخالف آنها را خنثی سازد.

در بحث رابطه ایران با اسرائیل، از تبلیغات عراق در خصوص ارتباطات تسلیحاتی، اطلاعاتی و مشورتی ایران و رژیم اشغالگر قدس یاد کرده‌ایم. این تبلیغات با اظهارات

[صفحه ۱۱۵]

مقامات رسمی اسرائیل دال بر وجود رابطه بین ایران و اسرائیل، و حرکتهایی نظیر بمباران نیروگاه اتمی تموز عراق توسط این کشور، و با تأیید رابطه‌ی ایران و اسرائیل توسط دیگر رسانه‌های خبری جهان، شکلی هر چه عینی‌تر به خود گرفته و تحلیل کلی عراق مبنی بر تحریک ایران توسط اسرائیل برای تجاوز به عراق را در اذهان ارتش و مردم عراق موجه‌تر جلوه داد.

در بحث رابطه ایران با امریکا، از تلاش عراق جهت اثبات رابطه‌ی بین ایران و امریکا سخن رفت. عراق ضمن امریکایی معرفی کردن رهبری و انقلاب اسلامی ایران، تبلیغ می‌کرد که شعله‌ور ساختن جنگ بین ایران و عراق، به تحریک امریکا (و اسرائیل) بوده و با استدلال در اینکه حوادثی همچون قطع رابطه‌ی سیاسی ایران و امریکا و گروگانگیری جاسوسان امریکایی، تلاشهایی در جهت ملی نشان دادن انقلاب ایران است، می‌کوشید تا روابط متقابل و عمیق ایران و امریکا را اثبات کند. البته، عراق در این زمینه از حمایت تبلیغاتی ضدانقلاب و گروههای چپ نیز برخوردار می‌شد.

در مبحث تغییر جو تبلیغاتی عراق، گفته شد که پس از اشغال اراضی ایران، صدام از حقوق اضافی عراق سخن به میان آورد و خاتمه‌ی جنگ را در گرو انضمام بخشی از خاک ایران به عراق دانست، اما پس از انسجام یافتن نیروهای مردمی و نظامی ایران و توقف ارتش عراق در مناطق تصرف شده و ناکامی این ارتش در اشغال آبادان، اهواز و دزفول که به جداسازی استان خوزستان از ایران می انجامید، رفته رفته صدام از طرح حقوق اضافی که از آن سخن می گفت، دست برداشت و از برتری نیروی هوایی و دریایی ایران نسبت به عراق، و احتمال اینکه جنگ دو سال به طول بینجامد، سخن گفت. تبلیغات عراق در توجیه توقف پیشروی عراق، از دلیل تراشی‌ها و دروغگویی‌ها بهره می گرفت.

در بحث سرنوشت جنگ نیز گفته شد هدف امریکا از برافروختن شعله‌ی جنگ ساقط کردن جمهوری اسلامی بود. اما پس از آنکه عراق در تحقق این هدف بازماند کوشید تا با فرسایشی کردن جنگ (فرسایش امکانات انسانی، نظامی و مادی ایران) این نظام «فناتیک» را بر سر عقل آورد، و به این ترتیب بتواند گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان را مهار کند. بعلاوه، ادامه صدور

نفت از خلیج فارس، تلاش در جهت دسترسی نیافتن شوروی به خلیج فارس و جذب تدریجی عراق به بلوک غرب، از دیگر اهداف امریکا در جنگ بود که امریکا به تحقق آنها در مرحله‌ی نخست جنگ نایل شد.

[صفحه ۱۱۶]

چون در اوایل جنگ، احتمال اقدامات تلافی جویانه از سوی ایران و تهاجم به مناطق نفت‌خیز کشورهای منطقه می‌رفت، امریکا می‌کوشید تا با جلوگیری از تهاجم عراق به خارک و با ممانعت از دادن پایگاههای هوایی عربستان و عمان به عراق، و رد مداخله‌ی مستقیم مصر در جنگ، شرایط تحریک‌آمیز جدیدی در منطقه ایجاد نکند؛ اما علی رغم این تمهیدات، امریکا آمادگی نظامی خود را برای مداخله‌ی در خلیج فارس حفظ کرده بود.

از سوی دیگر، آمریکا در صدد بود از دسترسی شوروی به خلیج فارس جلوگیری کند و به نظریه‌ی کمان بحران جامعه‌ی عمل بپوشاند. از این رو، دست به تهدید شوروی زد و با بیان اینکه سودجویی شوروی از اوضاع موجود، ممکن است به جنگ جهانی سوم منجر شود، کوشید تا مانع دخالت شوروی در جنگ شود. خود شوروی هم که اولا مایل نبود هیچ یک از دو کشور عراق و ایران را از دست بدهد؛ در ثانی، مایل بود جنگ خلیج فارس، پوشش تبلیغاتی لازم را برای انحراف افکار عمومی جهان از مسأله‌ی اشغال افغانستان فراهم آورد، تلاش می‌کرد تا با حفظ رابطه با ایران و عراق و ارسال مهمات به هر دو کشور، منافع کوتاه‌مدت خود را برآورده سازد، حال آنکه همین مواضع مقطعی و کوتاه‌مدت، مانع از تأثیرگذاری عمیق شوروی در روند جنگ (که ممکن بود به سقوط کشورهای زیر سلطه‌ی آمریکا در منطقه خلیج فارس بینجامد) می‌شود.

بعلاوه، با فرسایشی شدن جنگ، هدف آخر امریکا که جذب عراق به بلوک غرب بود، بتدریج متحقق می‌شد، زیرا با تمام شدن ذخایر ارزی عراق، این رژیم هر چه بیشتر به وامها و اعتبارهای کشورهای غربی وابسته شد. همچنین، این رژیم برای دستیابی به تکنولوژی پیشرفته‌ی جنگی - که برای افزودن مقاومت نظامیانش در مقابله با سپاهیان توحید به آن احتیاج داشت - از نظر تسلیحاتی و نظامی هم به غرب روآورد و بتدریج به آن وابسته شد.

[صفحه ۱۱۹]

نگاهی به مرحله‌ی دوم جنگ ۵ / ۷ / ۶۰ تا ۲۳ / ۴ / ۶۱

ترسیم چهره‌ی منفی برای ایران

عراق در مرحله دوم جنگ نیز همچون مرحله‌ی نخست تلاش می‌کند چهره‌ای منفی برای ایران ترسیم نماید، تا زمینه ذهنی لازم برای مقاومت و نبرد را برای مردم و نظامیان عراقی فراهم آورد. از همین رو مضامینی نظیر نفی عقیدتی بودن جنگ، رابطه جمهوری اسلامی با رژیم اشغالگر قدس و امریکا، چهره غیر انسانی ایران، اهداف انحرافی که ایران با ایجاد جنگ به تعقیب آنها می‌پردازد، جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران و... به عنوان مهمترین محورهای تبلیغاتی رژیم عراق در این راستا مطرح می‌گردند. اما از آنجا که در مورد مضامین رابطه ایران با رژیم اشغالگر قدس و امریکا در محورهای دیگر به اجمال بحث شده است؛ در این قسمت تنها به بررسی مضامین «نفی عقیدتی بودن جنگ»، «ترسیم چهره غیرانسانی جمهوری اسلامی»، «اهداف غیر عقیدتی و پست

ایرانیها در شعله‌ور ساختن جنگ» و «جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران» که توسط دستگاه تبلیغاتی عراق تبلیغ می‌شدند، خواهیم پرداخت.

دستگاه تبلیغاتی عراق در ادامه‌ی تبلیغات مرحله‌ی اول جنگ مبنی بر «ضداسلامی بودن جمهوری اسلامی»، «آتش‌پرست و مجوس بودن ایرانیها» و «سوء استفاده‌ی ایران از پوشش دین برای مقاصد سیاسی» در این مرحله نیز به «سوء استفاده‌ی ایران از دین در جهت مقاصد سیاسیش» [۳۶۴] تأکید می‌ورزد. صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهای خود ضمن اثبات تمایل حزب بعث به دین، به نفی اسلامیت جمهوری اسلامی می‌پردازد. این رادیو می گوید:

[صفحه ۱۲۰]

«ایران از دین به عنوان وسیله‌ای جهت تحقق مقاصد سیاسی خود استفاده می کند، ولی همانطور که رفیق صدام حسین گفته است، ما میان ایمان و الحاد بی‌طرف نیستیم، بلکه ما مؤمن هستیم و حزب، اسلام را یک انقلاب عظیم در تاریخ انسان می‌داند و در طول سی‌سال از گذشت تأسیس حزب، بین حزب بعث سوسیالیستی و دین هیچ مشکلی وجود نداشته است و در حقیقت حزب به سبب همین روش خود در قبال اسلام بود که به ارتجاع یا راستگرایی متهم می‌شد» [۳۶۵] .

در موارد متعدد دیگری نیز صوت الجماهیر عمل رهبران جمهوری اسلامی را «مغایر با اسلام» [۳۶۶] می‌داند. صدام در یکی از سخنرانیهایش می گوید:

«(امام) خمینی یک سیاستمدار است، او به اصول پایبند نیست و با گذشت زمان وی بی‌مایگی خویش را نشان خواهد داد و با سخنانش اسباب مزاح مردم را فراهم خواهد آورد. من علاقمندم تا تمام جهان سخنان وی را مطالعه کنند و تصویری از این... به دست آورند. از اعمال این فرد پیداست که وی یک فرد منطقی نیست» [۳۶۷] .

ترسیم چهره غیر انسانی جمهوری اسلامی محور تبلیغاتی مهم دیگری است که عراق با طرح آن می کوشد تا ایران را به گونه‌ای جلوه دهد که نظامیان عراقی اندیشه تسلیم شدن احتمالی به آنان را از سر به‌در کنند. برای مثال از شکنجه و کشتار اسرا توسط ایرانیها سخن می گوید یا در جریان فتح بستان، ایران را متهم به کشتن بیش از ۲۰۰۰ اسیر عراقی می کند و «از مجامع بشری خواستار محکوم ساختن ایران به سبب قتل اسرا می‌شود» [۳۶۸] پس از این ماجرا، شورای فرماندهی انقلاب عراق برای بزرگداشت «اسرای کشته شده» روز به اصطلاح قتل عام این اسرا را «روز شهید» [۳۶۹] می‌نامد.

[صفحه ۱۲۱]

پس از این زمینه سازیهای تبلیغاتی، تبلیغات عراق تلگرام سران عرب خطاب به صدام را که «طی آن کشتار اسرای عراقی توسط ایرانیها محکوم و مورد نکوهش قرار گرفته» [۳۷۰] منتشر می‌سازد و اعلام می کند که «سازمانهای جهانی قتل‌عام اسرای عراقی در ایران را محکوم کردند» [۳۷۱] موضوع شکنجه اسرای عراقی در ایران (که در مرحله‌ی اول جنگ نمونه‌هایی از این تبلیغات ذکر شد)، در این مرحله از جنگ هم ادامه می‌یابد و علاوه بر آن موضوع «شستشوی مغزی اسرای عراقی» [۳۷۲] بر این مضامین افزوده می گردد.

عراق با توسل به تبلیغات دیگری نظیر «اعزام کودکان ۹ ساله به خطوط مقدم جبهه‌ها» [۳۷۳] ،«که بدون آموزش لازم» [۳۷۴] و «بیشتر بدون اسلحه» [۳۷۵] توسط ایرانیها برای «پاکسازی میدانهای مین استفاده شده» [۳۷۶] و یا «به صورت امواج انسانی در مقابل

توپ و تانکهای عراقیها» [۳۷۷] قرار می گیرنـد، سعی دارد چهره جمهوری اسـلامی را غیر انسانی جلوه دهد. از این رو، پس از نفی عقیدتی بودن جنگ و ترسیم چهره منفی برای ایران، با طرح برخی افکار انحرافی سعی دارد اهداف ایران از جنگ را مواردی نظیر سعی ایران برای دور نگـاه داشـتن ارتش از پـایتخت، خلاصـی یـافتن جنـاح حـاکم از رقبـای داخلی، یـافتن تـوجیه برای شکسـت برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی نظام و... معرفی کند. طارق عزیز در مصاحبه با یکی از نشریات فرانسوی می گوید:

«ایران واقعـا خواهـان ادامه‌ی جنگ است، زیرا معتقـد است که این جنگ به حاکمان آن کشور امکان خواهـد داد تا از دست رقبای داخلی خـود خلاصـی یابنـد. بعلاوه، ایران بـا تـداوم جنـگ موفـق می‌شـود ارتش را از تهران دور نگه دارد، زیرا در صورت توقف جنگ، تمام محافل دیپلماتیک و سیاسی

[صفحه ۱۲۲]

بین‌المللی معتقدنـد ارتش ایران نقش مهمی را در آینـده کشور بـازی خواهـد کرد. مسألهی دیگری نیز وجود دارد که جهانیـان نیز واقعیت آن را تصدیق می کنند و آن شکست تمامی برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک این نظام است...» [۳۷۸] .

بخش فارسی رادیو بغداد هم ضمن پیامی خطاب به نیروهای ارتش می گوید:

«ای افسـر و ای سـرباز ایرانی! جنگ شـما به هیچ وجه جنگ ملی و میهنی نیست. جنگ برای اراضی اشغال شده و یا باز پس گرفتن شهرهای به تصـرف درآمـده نیروهای عراقی نیست، چرا که ملاهای حاکم بر تهران با ایران و خلقهای ایران دشـمن هسـتند و اصولاً ملیت و ایران و ایرانی بودن را نفی می کنند و ادامه‌ی جنگ هیچ مفهومی جز دفاع از دار و دسته... حاکم بر تهران و باند... که ایران را به ویرانی کشانده‌اند و از ایران یک جهنم و قبرستان درست کرده‌اند و در ایران دوزخی آفریده‌اند، ندارد» [۳۷۹] .

دسـتگاههای تبلیغـاتی غرب نیز در این زمینه گـاهی هـدف ایران از ادامه‌ی جنـگ را «کنـترل دسـتگاههای دولـتی» [۳۸۰] و «کنترل ارتش» [۳۸۱] و «از بیـن بردن احتمـال کودتـای ارتش» [۳۸۲] می‌خواننـد و گـاهی از جنـگ به عنوان «پوششـی بر روی مشـکلات اقتصادی، اجتماعی نظام» [۳۸۳] ، «ابزاری برای حذف رقبای حاکمیت» [۳۸۴] و... یاد می کنند.

رادیو امریکا در یکی از گزارشـهای خبری خود ضـمن نقل مقاله‌ای از روزنامه‌ی کریسچین ساینس مانیتور از تلاش ایران برای تغییر کانون بحران منطقه از اسرائیل به خلیج فارس، یاد می کند. این رادیو می گوید:

«فعالیتها رژیم (امام) خمینی علیه کشورهای عرب محافظه کار و حوزه‌ی خلیج

[صفحه ۱۲۳]

فارس، با جنگ با عراق که در داخل خاک ایران در جریان است، باعث شـده است که بتدریـج مرکز بحران تازه‌ای در خاورمیانه به وجود آید. از زمان تشـکیل دولت اسـرائیل تا کنون منازعه‌ی اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین باعث بحران خاورمیانه بوده است. حال در تحولی که مورد تأییـد و خرسـندی اسـرائیل است، بتدریـج به جای مسأله‌ی فلسـطینی‌ها، توجه به جنگ ایران و عراق و فعالیتهای رژیم (امام) خمینی علیه دولتهای عرب منطقه معطوف شده است.

کشف توطئه‌ی رژیـم اسـلامی برای براندازی حکومت بحرین در دسامبر گذشـته، همراه با تبلیغاتی که علیه دولتهای عرب منطقه از جانب ایران صورت می گیرد، موجب نگرانی اعراب منطقه شده است. توفیقی که اخیرا نیروی نظامی ایران در عقب راندن عراقیها از بخشـی از خاک ایران داشته و حرفهایی که گاه از دهان بعضی از آخوندهای حاکم بر ایران درمی‌آید، این نگرانیها را تشدید کرده

است. به طور مثال، اخیرا پرزیدنت خامنه‌ای اظهار داشت که اعراب باید بدانند ما قویترین کشور منطقه هستیم و به خاطر داشته باشند که نیروی دریایی ایران کاملا ـ دست نخورده باقی مانده است. از طرفی رادیو تهران، در برنامه‌های مختلف درباره‌ی هر حادثه‌ی اتفاقی که در عربستان سعودی می‌افتد به تفصیل صحبت می کند. هیچیک از کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس از این تحولات راضی به نظر نمی‌رسند، به همین جهت در جنگ ایران و عراق، به کمک دولت عراق آمدند که خود باعث شده مقامات حاکم بر ایران مدعی شوند اعراب پول بیشتری علیه رژیم ایران صرف می کنند و بیش از آنچه تا کنون در مبارزه علیه اسرائیل خرج کرده‌اند، علیه انقلاب اسلامی به کار می‌برند و در واقع بیانیه‌هایی که به دنبال ملاقاتهای اخیر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس منتشر شده، به جای مبارزه علیه صهیونیسم بیشتر به مسائلی که به حفاظت و امنیت خلیج مربوط می‌شود تأکید داشته‌اند. به این ترتیب، می‌توان تصور کرد که مرکز بحران در خاورمیانه به آهستگی به شرق منتقل می‌شود و در سالهای آینده مسأله‌ی خلیج فارس به جای مسأله‌ی اسرائیل مطرح خواهد شد و موضوع فلسطین در حاشیه قرار خواهد گرفت؛ آن وقت تحویل هواپیماهای آواکس به عربستان سعودی که قرار است بزودی انجام گیرد از نظرگاه جدیدی

[صفحه ۱۲۴]

بررسی خواهد شد. قدرت تجسس این هواپیماها به جای نظارت بر فعالیتهای هوایی اسرائیل برای نظارت بر فعالیتهای ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اسرائیلیها از این تغییر و تحول ژئوپلیتیکی در خاورمیانه آگاهند و با جدیت تا آنجا که بتوانند، رقابت بین ایران و همسایگان غربش را تشدید می کنند. مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل بخوبی می‌داند که حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان، توجه اعراب را به این منطقه معطوف داشته و باعث می‌شود که جهان اسلام ولو برای مدت کوتاهی هم که بشود به صورت متحد علیه اسرائیل درآیند، اما جنگ ایران و عراق دوباره این توجهات را معطوف به خود خواهد کرد» [۳۸۵] .

این رادیو در تحلیل مشابهی اظهار می کند:

«لوس آنجلس تایمز می‌نویسد: در این میان احتمالا اسرائیل تنها کشور منطقه است که این روزها احساس امنیت بیشتری می کند. اسرائیلی‌ها قرارداد صلح با مصر را امضا کرده‌اند یک راکتور هسته‌ای عراق و حومه بیروت را بمباران کرد و بلندیها جولان را ضمیمه خاک خود ساخته‌اند، بی‌آنکه شاهد اقدام تلافی‌جویانه اعراب باشند...» [۳۸۶] .

تبلیغ جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران مضمون تبلیغاتی دیگری است که جهت ترسیم چهره منفی برای جمهوری اسلامی بدان پرداخته می‌شود. بخش فارسی رادیو بغداد طی تحلیلی ایران را اساسا رژیمی جنگ‌افروز می‌داند و می گوید:

«این رژیم با مردم ایران هم در جنگ است. مگر همین رژیم (امام) خمینی در پاسخ به درخواستهای بر حق کردها با آنها نجنگید و کسانی را که با خلق کرد به مذاکره پرداخته بودند، سرزنش نکرد. مگر همین رژیم (امام) خمینی جنگ داخلی به راه نینداخت و هم در میدان نبرد و هم در میدانها و خیابانهای تهران

[صفحه ۱۲۵]

و شهرها هر روز صدنفر به کشتن نمی‌دهد...» [۳۸۷] .

رادیو صوت الجماهیر هم از «مقاصد تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه ایران» سخن می گوید:

«آنچه می‌خواهیم آن است که دولت ایران به طور صریح و قانونی و بالفعل به حقوق تاریخی عراق در سرزمین و آبراهها اعتراف کند و پایبند سیاست حسن همجواری باشد و از گرایشهای نژادپرستانه و تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه و تلاشهای شرورانه در دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه منصرف شود و هر وجب سرزمین میهن ما را که غصب کرده بازگرداند و به حقوق خود و حقوق اعراب و عراقیها بر این اساس بنگرد و قوانین و عرفها و مقررات بین‌المللی را رعایت کند. ما به ملل ایران تأکید کردیم که قصد تجاوز به حقوق آنها را نداریم و چشم طمع به سرزمینهای ایران ندوخته‌ایم و قصد اهانت به آنها و ارتش ایران را نداریم. به سبب رفتارهای دار و دسته یاغی مسلط بر ایران مجبور به نبرد شدیم. ما در تماسهای بین‌المللی و ملاقاتها با هیأتهای صلح بر این موضع تأکید کرده‌ایم و امروز که این حرفها را می‌زنیم می‌دانیم که چیز تازه‌ای نگفته‌ایم، بلکه روش اصولی و رسمی خود را که از آغاز پایبند به آن بودیم، مورد تأکید قرار می‌دهیم. ای برادران! تمام جهان می‌داند که تمامی تلاشهای جنبش غیر متعهدها، سازمان کنفرانس اسلامی و فرستاده‌ی دبیر کل ملل متحد از چند ماه قبل متوقف شده، چون دار و دسته حاکم در ایران به ادامه‌ی جنگ اصرار دارند و اصل مذاکرات را برای دستیابی به راه‌حل مبتنی بر پایه‌های اصولی سالم که حقوق مشروع طرفین و امنیت، ثبات و رفاه کشورهای منطقه را تضمین کند، نپذیرفته‌اند» [۳۸۸] .

دستگاههای تبلیغاتی غرب در تلاشی هماهنگ با تبلیغات عراق سعی می‌کنند ایران را کشوری جنگ‌افروز و توسعه‌طلب نشان دهند. بی.بی.سی طی گزارشی درباره‌ی تمایلات توسعه طلبانه‌ی ایران می‌گوید:

«برخی از رهبران مذهبی ایران، از آزاد ساختن مکانهای مقدس عراق نظیر

[صفحه ۱۲۶]

نجف و کربلا سخن گفته‌اند» [۳۸۹] .

همین خبر توسط واشنگتن پست، رادیو امریکا [۳۹۰] و... تکرار می‌شود.

رادیو بی.بی.سی باز در این زمینه می‌گوید:

«رئیس جمهور ایران گفت میان ایران و عراق فرقی وجود ندارد و ایران و عراق تحت رهبری امام خواهند بود. وی اضافه کرد ایران هیچ طمعی نسبت به عراق نداشته و نیروهای ایرانی هیچ طرحی برای نفوذ به مرزهای عراق ندارند» [۳۹۱] .

همین رادیو در تحلیل دیگری می‌گوید:

«به عقیده‌ی کشورهای خلیج فارس، تفاوت عمده‌ی بین سیاست شاه متوفی و رهبران فعلی ایران درباره‌ی خلیج فارس، در این است که شاه ایران می‌خواست تا ژاندارم خلیج فارس باشد، در حالی که رهبران فعلی، دارای اهداف بلند پروازانه‌تری هستند و مایلند افکار انقلابی‌شان در سراسر دنیای اسلام گسترش یابد» [۳۹۲] .

لوس آنجلس تایمز در همین زمینه می‌نویسد:

«اهداف ایران فراتر از پیروزی در جنگ در جبهه‌هاست. (امام) خمینی در صدد اعمال قدرت فراتر از جبهه‌هاست. مقامات امریکایی معتقدند حمله‌ی بزرگ ایران علیه نیروهای متجاوز عراق، نه تنها برای سرکوبی متجاوزین است، بلکه چنان طراحی شده است که علاوه بر سرنگونی صدام حسین، زمینه را برای نفوذ آیت‌الله خمینی در سرتاسر منطقه خلیج فارس آماده می‌سازد» [۳۹۳] .

مسأله «توسعه‌طلبی عقیدتی ایران در موارد متعدد دیگری توسط رسانه‌های خبری غرب مطرح می‌گردد» [۳۹۴] .

پس از طرح توسعه‌طلبی ایران، رسانه‌های خبری غرب با توجه به ابهامی که در خصوص

[صفحه ۱۲۷]

اهـداف ورود احتمـالی ایران به خاک عراق وجود داشت و این اهـداف از «ایجاد یک جمهوری اسـلامی» [۳۹۵] تـا «خاتمه دادن به بمباران خاک ایران و خارج ساختن باقی مانده‌ی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی» [۳۹۶] نوسان می‌کرد، ضمن تبلیغ تلاش ایران در «گرفتن انتقام از عراق» [۳۹۷] و «گرفتن انتقام از کشورهایی که بیش از ۲۲ میلیارد دلار در اختیار عراق گذاشته بودند» [۳۹۸] سعی می‌کننـد به جو رعب و هراس موجود در خلیج فـارس بشـدت دامن بزننـد. از این رو، گاهی اعلام می‌کننـد «آواکسـهای امریکایی عربسـتان، حرکت جتهـای ایران هنگـام پرواز جهت بمبـاران منـاطق نفـتی شـمال کویت را ثبت کرده‌انـد» [۳۹۹] و گـاهی از «ایجـاد اسرائیل دومی در شرق کشورهای عربی» [۴۰۰] یاد کرده و تأکید می‌ورزند «هم اکنون عربستان سعودی و بحرین در معرض تهاجم نیروهای ایرانی قرار گرفته‌اند» [۴۰۱].

به این ترتیب بـا نفی عقیـدتی بودن جنـگ، ترسـیم چهره‌ی غیرانسانی ایران و تأکیـد ورزیـدن در اهـداف انحرافی که ایران از ایجاد جنگ دنبال می‌کند و تبلیغ جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی این کشور، تبلیغات عراق موفق می‌شود تا چهره ایران را به شـکلی منفی در سطح افکار عمومی مردم عراق مطرح ساخته، به این ترتیب زمینه مساعدی برای سایر تبلیغات سوء خویش فراهم آورد.

تلاش برای بی انگیزه کردن مردم و ارتش در جنگ

عراق در مرحله‌ی اول جنـگ نخست کوشـید تـا بـا تبلیغـاتی تهـاجمی، مردم و نظامیان ایران را غافلگیر سازد و آنها را از نظر روانی کاملا خلع سلاح کند. به همین دلیل دستگاه تبلیغاتی

[صفحه ۱۲۸]

این رژیم با پخش شایعاتی مانند «رحلت حضرت امام»، و پخش پیامهایی مبنی بر «شناسایی و دستگیر کردن پاسداران، کمیته‌ای‌ها و آخونـدها برای به مجازات رسانـدشان»، «پیوسـتن مردم به قیـام ارتش»، «انجام عملیات رزمی ارتش در شـهرها»، «تصـرف شـهرها»، «پیوستن به اکراد مخالف نظام»، و «سرنگون‌سازی رژیم»، سعی کرد مردم را در جهت مخالفت با نظام سوق دهد و یا حداقل آنها را به حـالت انفعـال بکشانـد. امـا بـا برخورد الهی حضـرت امـام با مسأله‌ی تجاوز عراق و پیام آرامش بخش ایشان، تبلیغات عراق مؤثر نیفتـاد و این کشـور مجبـور به تغییر خـط مشـی تبلیغـاتی خـود شـد. از این به بعـد، عراق سـعی کرد چهره ایران را از لحـاظ سیاسـی مخدوش کند و ضـمن متهم کردن ایران به داشـتن رابطه با امریکا و اسرائیل، با نسبت دادن بمباران وحشیانه‌ی مردم و اماکن مقدسه عراق به ایران، چهره‌ی انسـانی ایران از زیر سؤال ببرد. علاوه بر این، عراق بـا طرح مسائلی نظیر «مهاجرت برخی از ایرانیان تحصـیل کرده از ایران»، «ضایعـات مـادی و انسـانی جنگ»، «اختلافات مسؤلان» و... می‌کوشـد در مردم نسبت به جنگ و ادامه‌ی آن تردید ایجاد کند. به همین ترتیب عراق سـعی در «تفرقه‌افکنی بین ارتش و سپاه» (که افراد سپاه را با عناوینی نظیر لات، چاقوکش، اوباش، قداره‌بند و... مشخص می‌کند) کرده، هر روز ارتش را تهدید می‌کند که جمهوری اسلامی در اندیشه «جایگزین کردن سپاه به جای ارتش» است و «نقشه انحلال ارتش را می‌کشد».

در مرحله‌ی دوم جنگ که با پیروزیهای چشمگیر ایران توأم است، تحریف پیروزیهای ایران یکی از موضوعات اصلی تبلیغات عراق است.

محور مهم دیگری که عراق در این مرحله از جنـگ برای بی‌انگیزه کردن مردم و نظامیـان ایران مـدنظر دارد، ادامه‌ی تلاش تبلیغاتی

این رژیم جهت تفرقه‌افکنی بین ارتش و سپاه است. تبلیغ ضایعات جنگ، ضعف تسلیحاتی ایران، اختلاف بین مسئولان، عملکردهای غیر اسلامی مسئولان و... نیز در ادامه‌ی تبلیغات مرحله‌ی اول جنگ همچنان تکرار می‌شود. عراق پس از عملیات ثامن الائمه - که به شکست حصر آبادان انجامید - بلافاصله شکست خود را در این عملیات تکذیب کرد و مدعی پیروزی شد. بی.بی.سی در این زمینه می گوید:

«ایران مدعی پیروزی در عملیات دیروز شده است، اما عراق این دعوی را رد کرده و بیان می‌دارد در واقع به علت بروز جنگ دیروز، محاصره‌ی آبادان را

[صفحه ۱۲۹]

تنگ‌تر کرده است» [۴۰۲] .

و در حالی که عراق در این عملیات «متحمل بیش از ۲۰۰۰ کشته و مجروح شده بود» [۴۰۳] اعلام می‌دارد «در این عملیات تنها ۸۰ کشته داده است» [۴۰۴] .

پس از گذشت مدتی عراق ضمن پذیرش شکست حصر آبادان، این شکست را چنین توجیه می کند: «ایران در این عملیات از مستشاران سوری، لیبیایی و کره شمالی استفاده کرده است» [۴۰۵] و صدام بصراحت ایران را «به سودجویی از کارشناسان اسرائیلی و کره شمالی در جنگ متهم می کند» [۴۰۶] از این پس، مسأله‌ی «به کارگیری عناصر خارجی به صورت سازمان‌یافته در خطوط ایرانیها به شکل یک مضمون تبلیغاتی دایمی، همواره از سوی دستگاه تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی تکرار می‌شود» [۴۰۷] .

عراق پس از شکست بزرگ دیگرش در عملیات طریق‌القدس - در منطقه‌ی غرب شوش و دزفول - دوباره پیروزی ایران را تکذیب می کند و در حالی که شهر بستان با توپهای بلندبرد عراق از ۶۵ کیلومتری قابل هدف‌گیری بود، ستاد فرماندهی ارتش عراق اعلام می کند «با زیر آتش توپخانه قرارگرفتن شهر بستان، این عملیات به نفع ارتش عراق خاتمه یافت» [۴۰۸] همینطور عراق که در این عملیات «متحمل بیش از ۳۵۰۰ کشته و مجروح شده بود» [۴۰۹] ، اعلام می کند «در این عملیات ۳۴ کشته داده است» [۴۱۰] مدتی بعد صدام اعلام می کند که «ایرانیها هزاران سرباز کشور خود را برای دست یافتن به نتیجه کم‌اهمیتی همچون بستان قربانی کرده‌اند» [۴۱۱] رئیس ستاد ارتش عراق نیز می گوید:

[صفحه ۱۳۰]

«نیروهای ایرانی تنها موفق شده‌اند قسمت محدودی از بخش مرکزی جبهه، که به شهر مرزی بستان منتهی می‌شد، را به تصرف خود درآورند» [۴۱۲] .

هنگام شروع عملیات مطلع‌الفجر که در منطقه‌ی گیلان غرب و سرپل‌ذهاب انجام گرفت، تبلیغات عراق با سودجویی از ترفند پیچیده‌ای اعلام کردند «ضد حمله‌ی ایران برای بازپس گیری شهر اشغالی خرمشهر شکست خورده است» [۴۱۳] به این ترتیب، عراق از شکست خود در منطقه‌ی گیلان غرب و سرپل‌ذهاب، پیروزی بزرگی در منطقه خرمشهر ساخت.

تحریف پیروزیهای ایران در عملیاتهای محمد رسول‌الله، تنگه‌ی چزابه و ام‌الحسنین همچنان ادامه پیدا می کند و در عملیات بزرگ فتح‌المبین - که با هدف آزادسازی غرب شوش و دزفول انجام گرفت - شدت تحریف پیروزیهای ایران به اوج خود می‌رسد. در جریان این عملیات، عراق نخست «به تکذیب انجام عملیات بزرگی که ایرانیها از آن سخن می گویند» [۴۱۴] ، می‌پردازد. و در

شرایطی که عراق در این عملیات ۲۵ هزار کشته و مجروح و ۱۵ هزار اسیر می‌دهد، در انتهای عملیات اعلام می کند «عراق در این درگیریها ۲۹ تلفات داشته است» [۴۱۵] رژیم عراق در تبلیغات مشابهی از «حملات موفق این کشور» [۴۱۶] ، «تارومار شدن ۱۲ لشکر ایران» [۴۱۷] و «به کنترل گرفتن اوضاع جبهه‌های شوش و دزفول توسط عراق» [۴۱۸] سخن می گوید. رسانه‌های خبری غربی نیز در این بحران به کمک رژیم عراق می‌شتابند و سعی می کنند هر دو طرف «جنگ را در حالت تعادل نشان دهند» [۴۱۹] رویتر طی گزارشی از بیروت چنین می‌نویسد:

«عراق اعلام کرده است که در حمله به مواضع ایران در طول شب گذشته

[صفحه ۱۳۱]

و امروز، در جبهه‌ی شوش و دزفول ۱۰۱۸ سرباز ایرانی را کشته و دو هواپیما و چهار هلی کوپتر ایران را سرنگون ساخته است و ۳۵ تانک ارتش ایران را منهدم کرده است. خبرگزاری رسمی عراق، به نقل از یک بیانیه‌ی نظامی خاطرنشان ساخت که عراقیها در قسمتهای دیگری از جبهه، ۱۳۹ ایرانی را کشته و دو وسیله نقلیه را منهدم کرده‌اند. بنابراین اعلامیه، در عملیات مزبور ۲۹ سرباز عراقی کشته شد. و دو تانک و ۱۳ وسیله نقلیه عراق در طول ۲۴ ساعت گذشته از میان رفته‌اند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیروهای ایرانی در جبهه‌های غرب در طول دیروز و امروز دست‌کم صد سرباز عراقی را کشته و زخمی کرده‌اند. در این جبهه همچنین دو تانک عراقی، یک ضدهوایی و یک انبار مهمات عراق منهدم شد» [۴۲۰] .

بی.بی.سی هم در یکی از برنامه‌های خود، دو هفته پس از خاتمه‌ی عملیات موفق و درخشان فتح‌المبین سعی می کند با استناد به گزارشات عینی خبرنگار خود، که از جبهه بازدید کرده بود، نتایج عملیات سپاهیان اسلام را ناچیز جلوه دهد و آن را تحریف کند. این رادیو می گوید:

«عراق برای اولین بار به خبرنگاران خارجی اجازه داده است که بخشی از جبهه جنگ را بازدید کنند. خبرنگاران از مناطقی در غرب دزفول که مرکز پیشرویهای اخیر ایران است، دیدن کردند. یک خبرنگاران بی.بی.سی اظهار می‌دارد میزان پیشرفت نیروهای ایرانی مسأله‌ای قابل بحث است. اما در طول بازدید از مواضع نیروهای عراق نشانی از به هم‌ریختگی که حکایت از وارد شدن خسارات سنگین به نیروها باشد، دیده نشد. خبرنگار بی.بی.سی اضافه کرد کمبود مواضع به چشم نمی‌خورد و دهها تانک و آتشبار دیده می‌شد» [۴۲۱] .

نیویورک پست هم در تلاش برای تحریف و کوچک نشان دادن پیروزی سپاهیان اسلام می گوید:

«پیروزی اخیر ایران در جبهه‌ی دزفول به علت آن بوده است که سوریه یک

[صفحه ۱۳۲]

هواپیمای رادار از نوع تو ۱۲۶ ساخت شوروی را در اختیار ایران قرار داده بود که به هواپیمای آواکس شباهت دارد. این هواپیما می‌تواند رفت و آمد نیروهای جنگی و حتی حرکت تانک را روی زمین کشف کند» [۴۲۲] .

پس از شکست عراق در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، دستگاه تبلیغاتی عراق باز هم با پناه‌بردن به تحریف و دروغ از «سرکوب نیروهای ایرانی و به اسارت گرفتن آنها» [۴۲۳] و «وارد آوردن خسارات سنگین در نفرات و تجهیزات ایرانیها» [۴۲۴] سخن می گوید.

تبلیغات عراق در بخش دیگری از تلاش خود سعی در تفرقه‌افکنی بین سپاه و ارتش دارد تا از میزان هماهنگی، همدلی و همقدمی آنها بکاهد. برای مثال بخش فارسی رادیو بغداد گاهی از «درگیری مسلحانه افسران و سربازان ارتش – که می‌خواستند به نیروهای عراقی بپیوندند – با نیروهای سپاهی» [۴۲۵] گزارش می‌دهد و گاهی «از افسران و خلبانان ایرانی می‌خواهد تا خود را در جبهه‌های جنگ به کشتن نداده و به این ترتیب نقشه‌های رژیم در مورد نابودی ارتشیان را خنثی سازند» [۴۲۶] .

گاهی نیز چنین تعلیل می‌کند که «سپاه و کمیته برای تضعیف ارتش ایجاد شده‌اند» [۴۲۷] ، «ارتش از وضع موجود ناراضی است و نارضایتی آن هر روز بیشتر از گذشته می‌شود» [۴۲۸] و «بین فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده سپاه رقابت شدیدی ایجاد شده است» [۴۲۹] .

علاوه بر این عراق و استکبار جهانی با تأکید بر «سهم بیشتر ارتش در جنگ» [۴۳۰] سعی دارند به نیروهای ارتشی القا کنند که «سپاه درصدد است جانشین آنها شود» [۴۳۱] یکی از نشریات

[صفحه ۱۳۳]

انگلیس طی تفسیری از احتمال کودتای ارتش و تلاش مسئولان جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از این کودتا می‌نویسد:

«اگر برتری جنگ با ایران است و این نظریات در مورد ایرانیها صحیح است، پس چرا جنگ بی‌تحرک مانده است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت رهبران ایران نگرانند که با یک پیروزی سریع، ارتش محبوبیت یافته و بعد با سودجویی از همین محبوبیت کودتایی علیه رهبران انجام دهد. از این رو رهبران ایران می‌کوشند تا جنگ ادامه یابد و در این میان پاسداران بسرعت آموزش لازم را ببینند، که این مسأله دست کم شش ماه دیگر به طول خواهد انجامید. هم‌اکنون پاسداران توسط کوبا، سوریه، یمن جنوبی، آلمان شرقی و فلسطین آموزش می‌بینند. بسیاری از صاحبنظران معتقدند که رژیم هنوز به ارتشی که توسط شاه و امریکا آموزش دیده است، نمی‌تواند اطمینان داشته باشد» [۴۳۲] .

پس از مطرح شدن احتمال ورود ایران به خاک عراق، رسانه‌های خبری غرب از «بحثهای رهبران ایران در خصوص ورود یا عدم ورود به خاک عراق» [۴۳۳] سخن می‌گویند و تأکید می‌ورزند که «حرف ارتش در حکومت ملاهای تهران خریداری ندارد» [۴۳۴] و «در صورت خودداری ارتش از ورود به خاک عراق، ایران برای ورود به خاک عراق از نیروهای سپاه و بسیج استفاده خواهد کرد» [۴۳۵] .

عراق گاهی از «ضایعات انسانی جنگ» [۴۳۶] ، «ضایعات معنوی جنگ و سودجویی اسرائیل از شرایط ایجاد شده» [۴۳۷] «ضعف تسلیحاتی ایران» [۴۳۸] و... سخن می‌گوید و به این وسیله می‌کوشد تا انگیزه‌ی مردم و نیروهای نظامی ایران را در جنگ کاهش دهد.

نکته قابل ذکر دیگر، پخش شایعه است که روش شناخته شده‌ای در جنگهای روانی

[صفحه ۱۳۴]

معاصر به شمار می‌آید. در این روش، طرفین متخاصم می‌کوشند با پخش شایعات مختلف در پایتخت و شهرهای بزرگ طرف مقابل، روحیه‌ی دشمن را تضعیف کنند. در آبان ماه ۱۳۶۰، در تهران شایع شد که عراق شوش را به تصرف خود درآورده است – در حالی که در همان زمان عراق، کیلومترها با شوش فاصله داشت – و به این ترتیب، عراق با به‌کارگیری عوامل خود و پخش

شایعات در پایتخت ایران، کارآیی نسبی جنگ روانی خویش را به نمایش می‌گذارد (البته بعدها هم عراق با پخش انواع آدامسها، شکلاتها، سیگارها، پارچه‌ها و... که همگی مارک «ساخت عراق» را دربر دارند، برتری و سلطه‌ی روانی خویش را به رخ مردم ایران می‌کشد).

الزامی کردن حضور مردم در جنگ

در آغاز تهاجم عراق به مرزهای ایران، علی‌رغم آنکه ارتش این کشور در آمادگی کامل به سر می‌برد و نیروهای نظامی ایران فاقد انسجام و آمادگی لازم بودند، عراق با توسل به انواع تبلیغات و اعمال فشار، درصدد بسیج، آموزش و اعزام افراد غیرنظامی عراق به جبهه‌ها بر می‌آید. صدام طی مصاحبه‌ای درباره‌ی دانش‌آموزان و دانشجویانی که با آغاز جنگ به جای مدرسه و دانشگاه به آموزش نظامی اعزامی می‌شدند، می‌گوید:

«هر گاه ما از فعالیت دانش‌آموزان دبیرستانها و دانشجویان دانشگاهها بی‌نیاز شویم، درس را در دبیرستانها و دانشگاهها از سر می‌گیریم. اکنون این جوانها با اسلحه آشنا می‌شوند تا به جبهه اعزام شوند» [۴۳۹] .

در اقدامی دیگر، صدام با استناد به تقاضای زیاد پیرمردان عراقی برای شرکت در جبهه‌ها اعلام می‌کند «ارتش عراق تصمیم به پذیرفتن داوطلبان بالای ۶۵ سال گرفته است» [۴۴۰] و در پی اظهار این بیانات، خبرگزاری عراق گزارش می‌دهد «انبوهی از مردان بالای ۶۵ سال، که در آنها افرادی با سنین ۱۱۱ و ۱۱۸ سال نیز وجود دارند، برای اعزام

[صفحه ۱۳۵]

به جبهه‌های جنگ ثبت‌نام کرده‌اند» [۴۴۱] همچنین، صدام در پیامی که به مناسبت فرارسیدن عید قربان به مردم عراق می‌فرستد «از زنان عراقی می‌خواهد تا با شوهرانی که حاضر به رفتن به جبهه نیستند، همخوابه نشوند، چرا که طرد مردانی که از مبارزه و فداکاری در هراسند، یک سنت قدیمی اعراب است» [۴۴۲] .

عراق سعی می‌کند با تحریک غیرت مردان موجبات رفتن آنها به جبهه را فراهم آورد. برای مثال «یک بار مسئولان عراقی مردم را در استادیم بصره جمع می‌کنند. و پس از قرار دادن یک مرد در یک طرف استادیوم و یک زن در طرف دیگر استادیوم، خطاب به مردم می‌گویند هر کس مرد جنگ است، طرف آن مرد برود و هر کس اهل جنگ نیست، طرف آن زن برود» [۴۴۳] گاهی نیز عراق تبلیغ می‌کند که ایرانیها در صورت پیروزی «هیچ زن عفیفی در عراق باقی نخواهند گذارد»، «زنان عراقی را به تهران خواهند برد»، «پستان زنان و مادران عراقی را خواهند برید»،«خاک عراق را غصب خواهند کرد»، «مردان عراق را به بردگی خواهند کشید»، «مذهب مردم عراق را به زور تغییر خواهند داد» [۴۴۴] و... و از این راه موفق می‌شود ضمن تشویق تحریک غیرت مردان عراقی، نیروی لازم برای تهاجمات ارتش عراق را فراهم آورد.

در مرحله‌ی دوم جنگ که با شکستهای مهلک ارتش عراق از نیروهای انسجام یافته ایران توأم است، شیوه‌های تشویقی جای خود را به شیوه‌های مبتنی بر تهدید و ارعاب می‌دهد. در این زمان، بفرض اگر سربازی از جبهه فرار می‌کرد «تمامی اعضای خانواده وی بازداشت و به زندان فرستاده می‌شدند» و «در صورت تکرار فرار سرباز برای چندمین بار، وی را در ملأعام به جوخه اعدام می‌سپردند» [۴۴۵] .

اعمال شیوه‌های تهدیدآمیز و تروریستی برای ایجاد مقاومت در برابر تهاجمات سپاه اسلام، در مرحله‌ی دوم جنگ به جایی می‌رسد که حتی صدام برخی از اعضای

[صفحه ۱۳۶]

رده‌بالای حزب بعث را که تمایلی به رفتن به جبهه نشان نمی‌دهند، تصـفیه می‌کند. قسـمتی از گفت و شنود صدام، که در سمیناری با شرکت اعضای رده‌بالای حزب بعث انجام شد و به اخراج گروهی از این حزب انجامید، در زیر آمده است:

«صـدام: رفقـایی که داوطلب جنـگ نشده‌انـد در سـمت راست تالار بنشـینند. فقـط خـواهران از این امر مسـتثنی هسـتند. مـا اکنـون می‌خواهیم ببینیم مردهایی که داوطلب نشده‌اند، چه کسانی هستند؟

صدام خطاب به یکی از حاضرین: نام تو چیست؟

- عبدالله محمد العبود.

صدام: در کجا کار می‌کنی؟

- در شعبه‌ی محمودیه.

صدام: قبل از انقلاب دارایی تو چه اندازه بود؟

- پدرم ۸۰۰ هکتار زمین داشت.

صدام: چه چیزهای دیگری داری؟

- منزل، اتومبیل و...

صدام: یک سؤال دارم، تو عضو حزب هستی، عضویت تو در چه سطح است؟

- عضو فرماندهی منطقه‌ای هستم.

صدام: وقتی برای عضویت فرماندهی منطقه‌ای کاندیداتوری اعلام شد، تو برای کاندیداتوری انتخاب شدی یا تعیین شدی؟

- نه، ارتقا یافتم.

صدام: آیا به ارتقای خودت اعتراض نکردی؟

- این تصمیم فرماندهی بود.

صدام: می‌دانم، ولی آیا برای اینکه تو را فرمانده مردان دلاور و مبارز تعیین کرده‌اند، اعتراض نکردی؟

- نه.

صدام: چرا اعتراض نکردی؟

- این چیز عادی بود.

صدام: آیا این عادی است که فرماندهی دلاوران را یک مرد غیر شجاع به عهده

[صفحه ۱۳۷]

بگیرد؟

-...

صدام: چرا داوطلب جنگ نشدی؟

- موقعیت من چنین اقتضا می‌کرد.

صدام: این شرایط چیست؟ در برابر رفقایت این شرایط را تشریح کن.

- من مسئول یک خانواده هستم..

صدام: آیا شخصی که در کنارت نشسته، مدیر کل یا بخشدار است که با من در زندان بود؟ اسمت چیست؟

- سعدون عنتر.

صدام: قبل از انقلاب چه کاره بودی؟

- کارمند.

صدام: الآن چه کار می‌کنی؟

- مدیر کل هستم.

صدام: دو هفته پیش که حکم تو را امضا کردم، به خدا قسم نمی‌خواستم آن را امضا کنم، من ترا از زمانی که در زندان بودی می‌شناسم، مسألهٔ حزب برای تو یک مسألهٔ جنبی است...

- چه کنم...

صدام: بنشین... بنشین، همه از اینجا در می‌آیید و به خانه‌های خود می‌روید...

یا الله بروید...

- (حاضرین دست می‌زنند).

صدام: فقط خواهران برگردند، چون از آنها خواسته نشده که به جبهه‌ها بروند.

(افراد اخراج شده می‌خواهند صحبت کنند ولی صدام می‌گوید): یا الله بروید کسانی که قبل از این سمینار داوطلب جنگ نشده‌اند، از اینجا بیرون بروند.

صدام: هر که بیرون نمی‌رود، کتکش بزنید.

- حاضرین... دست می‌زنند و شعار می‌دهند.

صدام خطاب به اخراج شدگان: قبل از اینکه از اینجا خارج شوید، حرف آخر را از من بشنوید، شما از اینجا می‌روید و از حزب اخراج شده‌اید، به خدا قسم

[صفحه ۱۳۸]

اگر شنیدم یکی از شما در گوش یکی از هموطنان عراقی یا بعثی پچ‌پچ کند، او را با دست خودم چهار تکه می‌کنم، یا الله بیرون بروید... خوب حرف مرا شنیدید، لعنت بر این سبیلها» [۴۴۶] .

صدام در سخنرانی دیگری - که بعد از اخراج بعثیهایی که مایل به رفتن به جبهه نبودند ایراد شده - ضمن تحریک غیرت بعثیها می‌گوید:

«شما بروید و به تعداد افرادی که از حرب اخراج شده‌اند، از خواهران انتخاب کنید تا جای آنها را پر کنید...، یکی از مادران به من می‌گفت دو فرزندم را در جبهه از دست داده‌ام، و فرزند دیگری دارم که وقت سربازیش رسیده است، اما خواهرش طاقت دوری او را ندارد و می‌خواهد به جای او به جبهه برود، من به این مادر گفتم دخترت نزد تو و من عزیز است، اگر برادر او جبهه نرود ایرانیها می‌آیند و خواهرش را اسیر می‌کنند و به تهران می‌برند، آیا قبول می‌کنی که ایرانیها او را اسیر و ذلیل کنند، بگذار پسرت شهید شود و بقیه در عزت و سربلندی زندگی کنند».

ناگفته نماند که صدام در راستای این اقدامات، با حضور مداوم در جبهه‌های جنگ و تهیه سنگرهایی برای خودش در جبهه، و شرکت در جلسات ۱۰ ساعته بررسی اوضاع و احوال جنگ و... در عمل، جنگ را به عنوان مسأله‌ی شماره یک جامعه عراق مطرح می‌کند.

با پیش گرفتن روشهای مبتنی بر تهدید و ارعاب برای گسترش سازمان رزم عراق صدام ضمن چند مصاحبه اعلام می‌کند:

«در حالی که عراق در بسیج نیرو موفق است، جمهوری اسلامی بتدریج توان بسیج نیروهای مورد نیازش را از دست می‌دهد».

وی در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید:

«ما توانسته‌ایم به اندازه‌ی کافی رزمنده بسیج کنیم تا موازنه را به نفع خود در برابر افرادی که رژیم... تهران بسیج می‌کند، حفظ کنیم» [۴۴۷] .

[صفحه ۱۳۹]

او در مصاحبه‌ی دیگری چنین بیان می‌کند:

«رژیم دشمن ایرانی، با علاقه و وفاداری ملت ایران آغاز به کار کرد، چرا که رژیم شاه فاسد و استبدادی بود، لکن پس از گذشت مدتی این وفاداری رو به نقصان گذاشت، چرا که عمل رهبران با اسلام مغایر بود و احساس مسئولیت نسبت به مردم نداشتند. از اینجا به این نکته می‌رسیم که دشمن شما نابود خواهد شد، چرا که شما ترقی دارید، اما تعداد ایرانیهایی که اوایل جنگ با ما می‌جنگیدند کمتر و کمتر می‌شوند» [۴۴۸] .

به این ترتیب، پیشی گرفتن سازمان رزم عراق که از مرحله‌ی نخست جنگ پایه‌های آن گذاشته شده بود، در مرحله‌ی دوم مانع سقوط حتمی رژیم عراق می‌شود و همانطور که در مرحله‌ی سوم جنگ خواهیم دید، با پیشی گرفتن از سازمان رزم ایران، عامل اساسی موفقیت عراق در جنگ فراهم می‌آید.

قلب ماهیت جنگ

عراق از آغاز شروع جنگ نه تنها جنگ را جنگی تحمیل شده به عراق می‌نمود و تبلیغ می‌کرد که عراق به شکل تدافعی وارد جنگ شده است، بلکه فراتر از این جنگ را یک توطئه‌ی بین‌المللی از سوی ایران، اسرائیل و امریکا قلمداد می‌کرد که در اثر تلاقی تمایلات توسعه طلبانه و جنگ‌طلب ایران با نیات صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها شکل گرفته و به عراق تحمیل شده است.

«ادعای لزوم بازگرداندن بحرین و بغداد (!) به ایران»، «ضرورت سرنگون‌سازی حکام مرتجع منطقه» و...که از سوی برخی مسئولان مطرح شده بود دستاویزی برای عراق شد تا ایران را جنگ‌افروز و توسعه‌طلب (و حداقل توسعه‌طلب از لحاظ عقیدتی) ترسیم کند.

از سوی دیگر، رد تقاضاهای صلح پیشنهاد شده از سوی عراق، کنفرانس اسلامی، کشورهای غیر متعهد و سازمان ملل متحد توسط ایران، نه تنها به اثبات مظلومیت عراق در

[صفحه ۱۴۰]

جنگ می‌انجامید، بلکه دلیل دیگری برای جنگ‌طلبی ایران به شمار می‌آمد. در مرحله‌ی دوم جنگ هم عراق با تکرار مضامین مرحله اول، تلاش می‌کند جنگ را «تلاش مشترک ایران، صهیونیسم و امریکا در مقابله با عراق» [۴۴۹] معرفی کند و «لیبی و بویژه

سوریه را به عنوان کارگزاران اتحاد نامقدس فوق معرفی می‌کند» [۴۵۰] در همین راستا عراق گاهی جنگ را چنین توجیه می‌کند: «نقشه‌ی امپریالیستی و صهیونیستی که برای منطقه برنامه‌ریزی شده و همزمان توسط چند دولت، که یکی از آنها ایران است، در حال عملی شدن است، از سویی با سرگرم کردن عراق و از سوی دیگر با محاصره‌ی مقاومت فلسطین در لبنان، در پی این است که مانع ایفای نقش ملی عراق برای دفاع از فلسطینی‌ها شود» [۴۵۱] و «با منصرف کردن عراق از پیش گرفتن روشهای سرسختانه، استقلال منطقه را در برابر نفوذ بین‌المللی از بین ببرد» [۴۵۲] .

در زمان دیگری، عراق جنگ را به شکل یک برنامه‌ی کاملا صهیونیستی معرفی می‌کند:

«از آنجا که عراق در جاده سازندگی و شکوفایی افتاده بود، صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها توسط حکام ایران، که عروسکهایی در دست صهیونیست‌ها هستند، به عراق حمله‌ور شده‌اند تا عراق در راه سازندگی خود موفق نشود» [۴۵۳] .

با این شیوه‌ی تبلیغاتی هماهنگ، حساب شده و مداوم، عراق به طور نسبی موفق می‌شود ماهیت جنگ را به شکل تحریف شده، به مردم و ارتش عراق القا کند.

[صفحه ۱۴۱]

صلح طلبی عراق

در مرحله‌ی اول جنگ، در حالی که هنوز ۶ روز بیشتر از آغاز رسمی جنگ نگذشته بود، عراق به ایران پیشنهاد آتش‌بس و صلح داد، اما چنانکه در بحث فریب پیشنهاد صلح عراق اشاره شد، هدف این پیشنهاد - که حتی قبل از آغاز جنگ به عنوان یکی از سناریوها طرح‌ریزی شده بود - سرگرم کردن ایران به مذاکراتی طولانی و خسته کننده بود تا همزمان با بلاتکلیف نگاه داشتن مسأله‌ی جنگ در این مذاکرات، عراق با تأمین و تجهیز گروههای مسلح مخالف جمهوری اسلامی، فرسایش تدریجی نظام جمهوری اسلامی و سقوط آن را میسر سازد. البته با رد پیشنهاد آتش‌بس عراق، این ترفند خطرناک نقش بر آب شد، ولی عراق که مسئولیت آغاز جنگ را بر دوش خود احساس می‌کرد و در نزد افکار عمومی مردم جهان به عنوان متجاوز مطرح بود، به دلایل زیر در طول جنگ بارها به ایران پیشنهاد صلح را می‌دهد:

الف) شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت جنگ (حداقل ادامه جنگ).

ب) تغییر جو تبلیغات جهانی علیه عراق.

ج) حفظ روحیه‌ی نظامیان و مردم عراق که بی‌اختیار به عرصه جنگی خشونت‌بار کشیده شدند و هر بار شاهد شکست جدیدی بودند.

د) جلوگیری از اضمحلال تدریجی ارتش عراق در مواجهه با نیروهای مردمی و نظامی جمهوری اسلامی که انسجام مطلوبی هم یافته بودند.

نگاهی به دفعات پیشنهاد صلح عراق به ایران در مراحل اول و دوم جنگ، اهمیت روانی صلح‌طلب جلوه‌گر شدن عراق را نشان می‌دهد. فهرست زیر تنها حاوی پیشنهادات عراق برای دستیابی به صلح است:

۲۸ / ۹ / ۱۹۸۰ (۶ / ۷ / ۱۳۵۹) پیشنهاد آتش‌بس

۵ / ۱۰ / ۱۹۸۰ (۱۳ / ۷ / ۱۳۵۹) عراق با پیشنهاد ضیاء الحق به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی مبنی بر یک آتش‌بس یک جانبه تا ۱۶ / ۷ / ۵۹ موافقت می‌کند.

۱۶ / ۱۰ / ۱۹۸۰ (۲۴ / ۷ / ۱۳۵۹) صدام در دیدار با حبیب شطی دبیرکل سازمان

[صفحه ۱۴۲]

کنفرانس اسلامی اظهار می‌کند که آماده مذاکره با ایران است.

۲۸ / ۶ / ۱۹۸۱ (۸ / ۳ / ۱۳۶۰) عراق به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان پیشنهاد آتش‌بس می‌دهد که از سوی ایران رد می‌شود.

۵ / ۱۱ / ۱۹۸۱ (۱۴ / ۸ / ۱۳۶۰) عراق به مناسبت فرارسیدن ماه محرم پیشنهاد آتش‌بس می‌دهد که از سوی ایران رد می‌شود.

۱۲ / ۴ / ۱۹۸۲ (۲۵ / ۱ / ۱۳۶۱) صدام اعلام می‌کند که عراق حاضر است از ایران عقب‌نشینی کند، مشروط بر آنکه ایران تضمین دهد این عقب‌نشینی پایان جنگ را دربر خواهد داشت.

۱۰ /۶ / ۱۹۸۲ (۲۰ / ۳ / ۱۳۶۰) عراق یک آتش‌بس اعلام می‌کند که ایران آن را رد می‌کند.

۲۰ /۶ / ۱۹۸۲ (۳۰ / ۳ / ۱۳۶۰) صدام یک آتش‌بس یک طرفه را اعلام می‌کند و عقب‌نشینی نیروهای عراقی از ایران را ظرف ده روز اعلام می‌دارد.

البته پیشنهادات فوق مواردی را که از جانب سازمان ملل متحد، در سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای غیر متعهد به ایران داده شدند را دربر نمی‌گیرد.

در همه‌ی مراحل فوق، عراق ضمن سودجویی از وجهه‌ی صلح‌طلبی که با پیشنهادات خود به دست می‌آورد، ضمن پنهان نگاه داشتن ضعف مفرط خویش، از موضعی بسیار بالا با ظاهری انسان دوستانه برخورد می‌کند. به عنوان مثال، عراق ضمن ارائه‌ی یکی از پیشنهادات صلح، اظهار می‌دارد:

«بزودی عراق پیروزیهای چشمگیری به دست خواهد آورد و بهتر است ایران از فرصت موجود استفاده کرده، اختلافات خود با عراق را حل و فصل کند» [۴۵۴] .

روزنامه‌ی الثوره در حاشیه طرح یکی دیگر از پیشنهادات صلح عراق می‌نویسد:

«برخورد عراق با مسأله‌ی پایان جنگ از موضع ضعف نیست، بلکه عراق فقط خواستار جلوگیری از خونریزیهای حاضر و حفظ نیروهای قابل استفاده در رشد و سازندگی دو کشور است» [۴۵۵] .

[صفحه ۱۴۳]

پس از فتح خرمشهر و تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان باز عراق اعلام می‌کند:

«ما از ایران می‌خواهیم آتش‌بس ما را بپذیرد تا نیروهای ما بتوانند برای رویارویی با اسرائیل آماده شوند» [۴۵۶] .

اما، در پشت تمامی این ظواهر اطمینان‌بخش، عراق با توسل به شخصیتهای مختلف، از ایران می‌خواهد تا با گذشتن از برخی از حقوق خود، به صلح با وی رضایت دهد. به عنوان مثال، صدام هنگام بازدید هیأت میانجیگری سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست احمد سکوتوره اعلام می‌کند:

«عراق حاضر است ضمن عقب‌نشینی از خاک ایران غرامت مالی ایران را بپردازد. منتها بغداد حاضر نیست که تقاضای ایران مبنی بر بررسی متجاوز در این جنگ به یک دادگاه بین‌المللی واگذار شود» [۴۵۷] .

در مورد دیگری صدام «پیشنهاد رفتن به تهران را، در صورتی که حاصلش صلح باشد، مطرح می‌کند» [۴۵۸] و در نهایت پس از

فتح خرمشهر از موضعی بسیار ضعیف اعلام می کند:

«عراق حاضر است نیروهای خود را ظرف دو هفته از خاک ایران خارج کند و عراق تصمیم میانجیگران را در خصوص اختلاف خود با ایران خواهد پذیرفت و در صورتی که ایران این تصمیمات را نپذیرد عراق حاضر است تصمیمات کنفرانس اسلامی را بپذیرد و در صورتی که باز هم ایران تصمیمات این کنفرانس را نپذیرد، عراق آماده پذیرش هر گونه تصمیم جنبش غیر متعهدها یا شورای امنیت سازمان ملل متحد است» [۴۵۹] .

نماینده‌ی عراق در کنفرانس غیر متعهدها نیز «داوری یک دادگاه بین‌المللی در خصوص اختلافات مرزی با ایران» [۴۶۰] را می‌پذیرد.

[صفحه ۱۴۴]

عقب‌نشینی شدید عراق در برابر ایران از پیشنهادات فوق بوضوح پیداست. اگر به سوابق تاریخی درگیریهای ایران و عراق بنگریم، می‌بینیم که پس از ظهور رژیم جدید عراق، مسأله‌ی شط به صورت «یک وسیله‌ی سنجش روابط ایران و عراق درآمده بود» [۴۶۱] و رهبری عراق ضمن زیرپاگذاشتن خواسته‌هایش در خصوص شط، و پذیرش مجدد سلطه‌ی روانی ایران بر عراق، حاضر می‌شود هر نوع عقب‌نشینی و دادن امتیاز به ایران را بپذیرد. اما چون فرصت استثنایی برای تغییر نظام حکومتی عراق، نظر بسیاری از انقلابیون را به خود معطوف داشته بود، این انقلابیون بدون توجه به محافظه کاری برخی از مسئولان، با نپذیرفتن پیشنهادات فوق، ورود به خاک عراق را در دستور کار خود قرار دادند.

به هر حال، اصرار ایران بر ادامه‌ی جنگ، سبب شد که عراق با سوء استفاده‌ی تبلیغاتی وسیعی به «محکوم کردن ایران» [۴۶۲] بپردازد. ارتجاع عرب و استکبار جهانی نیز در حرکتی هماهنگ ایران را «کشوری جنگ‌طلب» [۴۶۳] و کشوری که «در برابر درخواستهای صلح‌طلبی عراق هر بار شروط تازه‌ای را مطرح می کند» [۴۶۴] معرفی کنند. پس از این تمهیدات، عراق از افکار عمومی جهان می‌خواهد که به سبب عدم پذیرش صلح توسط ایران، این کشور را از نظر سیاسی و نظامی تحت فشار قرار دهند و آن را تحریم کنند. صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های خود می گوید:

«ضروری است که ملل دوستدار آزادی و استقلال جهان، از حقیقت کار ابرقدرتها و قدرتهایی که منافعی از این جنگ در منطقه دارند، آگاه شوند. اگر این قدرتها به همانگونه که اعلام می کنند، در واقع می‌خواهند که جنگ متوقف شود، روش منطقی آن است که اولا طرف اصرار کننده‌ی بر ادامه‌ی جنگ را محکوم کنند و ثانیا از مجهز کردن ایران به اسلحه و قطعات یدکی و تمام چیزهایی که آن کشور را به طولانی‌تر ساختن مدت جنگ قادر می‌سازد،

[صفحه ۱۴۵]

امتناع ورزند. ادعای این و آن دولت، دایر بر علاقه به متوقف کردن جنگ، در حالی که ایران را به تجهیزات نظامی مجهز می کنند، هیچ معنایی ندارد. همچنین ادعای حفظ موازنه‌ی میان عراق و ایران یک ادعای باطل و غیراخلاقی است؛ چون عراق در برابر جهان اعلام داشته و می‌دارد که هیچ مطامعی در ایران ندارد و آماده است با حل همه جانبه‌ی مسائل برانگیزنده‌ی جنگ، از سرزمینهای ایران خارج شود» [۴۶۵] .

به این ترتیب، عراق ضمن شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت آغاز جنگ (و یا حداقل مسئولیت ادامه جنگ) موضع خود را از

کشور متجاوز به موضع کشوری که ملعبه‌ی جنگ‌افروزی ایران شده است؛ تغییر داد و موفق شد افکار عمومی جهان و مردم عراق را از موضع مخالفت به موضع موافقت و حمایت از این کشور تغییر دهد.

زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران

با آغاز تهاجم عراق به ایران و شکست عراق در فتح هفت روزه‌ی تهران، و مقاومت ایران در برابر پیشنهاد فریب‌آمیز صلح‌طلبی این رژیم، عراق درصدد قومی کردن جنگ برآمد و تلاش کرد برای جلوگیری از شکست حتمی ارتش عراق، جنگ را جنگی عربی جلوه دهد. اما یکی از موانع مهمی که در جهت عربی نشان دادن کامل جنگ فراروی دستگاه تبلیغاتی عراق بود. موضع‌گیری کشورهای عضو جبهه پایداری عرب بود که در چهارمین نشست خود در طرابلس، تجاوز عراق به ایران را محکوم کردند و با حاضر نشدن در کنفرانسهای فاس و امان، مانع تصمیم‌گیریهای جدی ارتجاع عرب شدند. از این رو، عراق درصدد توجیه مواضع مخالف کشورهای جبهه پایداری عرب و بویژه سوریه و لیبی برآمد و در تبلیغاتی هماهنگ کوشید تا جنگ ایران و عراق را توطئه‌ای بین‌المللی قلمداد کند که با مشارکت ایران اسرائیل و امریکا، علیه عراق شکل گرفته است و از سوریه و لیبی نیز به عنوان کشورهایی که نقش پادوی پیمان مشترک واشنگتن، تل آویو و تهران را دارند یاد کرد. در همین راستاست که عراق از حافظ اسد با عنوان «دیکتاتور» و «قهرمان

[صفحه ۱۴۶]

شکست خورده‌ای» که «از پشت به برادران عرب خود خنجر زده است» و در جنگ علیه عراق به ایران «تسلیحات و نیرو اعزام کرده است» یاد می‌کند و قذافی را نیز «دیوانه‌ای» «شکست خورده» که در صورت پیروزی عراق «احساس کمبود و حقارت وجودش را پر خواهد کرد» معرفی می‌کند.

مواضع قاطع سوریه علیه عراق، تا حدود زیادی به اختلاف دیرینه‌ی دو جناح بعثی رقیب برمی‌گشت که در قلب آن «ادعاهای رقابت‌آمیز بر سر آقایی پیشین میان اعراب نهفته بود» [۴۶۶] و در این میان «عراق سوریه را متهم به دخالت در کودتایی طرح‌ریزی شده در عراق کرده بود» و سوریه نیز «در عمل به صورت پایگاهی برای فعالیتهای مخالف عراق درآمده بود و دست‌داشتن وی در انهدام سفارت عراق در دسامبر ۸۱ در بیروت مشخص شده بود» [۴۶۷] اما لیبی که «مواضعش صراحت مواضع سوریه را نداشت، بیشتر سعی می‌کرد روابط خود را با ایران گسترش دهد» [۴۶۸] دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری هم که از موضع خصمانه‌ی صدام پس از پایان جنگ هراس داشتند، می‌کوشیدند بیشتر روابط اقتصادی خود را با ایران حفظ کنند.

همگام با تحکیم موقعیت ایران در بیرون راندن دشمن از خاک خود، جبهه پایداری اقدام به تحکیم روابط اقتصادی خود با ایران کرد و برای اولین بار قرارداد اقتصادی گسترده‌ای میان ایران و سوریه به امضا رسید. به موجب این قرارداد ایران نفت مورد نیاز سوریه را تأمین می‌کرد و قرار شد سوریه مقادیری از نفت ارسالی را در پالایشگاههای این کشور تصفیه کرده، جهت مصرف به ایران بازگرداند. با اتکا به این قرارداد سوریه، که سابقا نفت مصرفی خود را از طریق خط لوله نفتی عراق که از این کشور عبور می‌کرد، دریافت می‌داشت، تصمیم به قطع صادرات نفت عراق از خاک سوریه گرفته و «خط لوله‌ی نفتی عراق به بندر بانیاس سوریه را مسدود ساخت» [۴۶۹] به همین

[صفحه ۱۴۷]

ترتیب، روابط اقتصادی ایران با لیبی، یمن جنوبی و الجزایر نیز با عقد قراردادهای مختلف گسترش می‌یابد. حمله‌ی عراق به هواپیمای حامل وزیر خارجه‌ی الجزایر در آسمان ایران، بیانگر تلاش این کشور جهت تضعیف رابطه‌ی کشورهای عضو جبهه پایداری با ایران بود. با توجه به آنچه گفته شد، تهاجم تبلیغاتی عراق به سوریه و در مرحله بعد به لیبی، طبیعی به نظر می‌رسد؛ زیرا صرف‌نظر از نیات این کشورها در مخالفت با عراق، آنها بیشتر از سایرین موجبات مخدوش شدن تبلیغات عراق در سطح افکار عمومی مردم عراق و منطقه را فراهم می‌آوردند. بنابراین، عراق در ادامه‌ی تلاشهای تبلیغاتی مرحله‌ی اول جنگ، در مرحله‌ی دوم هم می‌کوشد با زیر سؤال بردن سیاستهای سوریه و لیبی، زیربنای تصمیمات آنها را زیر سؤال برده و به این ترتیب از پاسخگویی صریح به اتهامات این کشورها مبنی بر متجاوز بودن عراق در جنگ، سرباز بزند. در موارد متعددی، دستگاه تبلیغاتی عراق سوریه را «حکومتی که با پناه دادن به جنگنده‌های ایران مقاصد توطئه‌آمیز خود را نمایانده است» [۴۷۰] و «حکومت دست نشانده‌ی دشمنان تاریخی ملل عرب» [۴۷۱] و «کشوری که به شکل محرمانه به دشمن فارسی اسلحه می‌دهد» [۴۷۲] ، معرفی می‌کند و در برخورد با لیبی هم مواضعی مشابه اتخاذ می‌کند.

رابطه ایران با اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)

دستگاه تبلیغاتی عراق در مرحله‌ی اول جنگ تبلیغ می‌کرد ایران به تحریک اسرائیل به عراق حمله کرده است. در مرحله دوم جنگ نیز همین مضمون تبلیغاتی اساسی‌ترین دست‌آویز تبلیغات عراق در تبیین شکل‌گیری و آغاز جنگ بود. علاوه بر این، دستگاه تبلیغاتی عراق می‌کوشد تا به روشهای مختلف، وحدت استراتژیک ایران و اسرائیل را اثبات کند و به افکار عمومی مردم عراق و منطقه بقبولاند. به همین دلیل می‌بینیم که مثلا عراق اعلام می‌کند «دو هواپیمای جنگنده‌ی اسرائیلی تا عمق ۵۰ کیلومتری خاک عراق

[صفحه ۱۴۸]

نفوذ کرده‌اند» [۴۷۳] و عراق بعد از این حادثه (احتمالا کذب) اعلام کند «تجاوز هواپیماهای اسرائیلی به حریم هوایی عراق، جزئی از توطئه‌ی مشترک اسرائیل و ایران است که هدف آن سرگرم کردن عراق در بیش از یک جبهه است» [۴۷۴] .

عراق گاهی «ایران را اسب تروای صهیونیستها قلمداد می‌کند که ملت عرب را در جناح شرقی مشغول کرده است» [۴۷۵] و یا تهاجم همزمان ایران به عراق و اسرائیل به لبنان را «در اثر هماهنگی کامل حاکمان دو کشور» [۴۷۶] می‌داند و به این ترتیب می‌کوشد تا وحدت استراتژیک ایران و اسرائیل را اثبات کند.

دستگاه تبلیغاتی عراق در بخش دیگری از ترفندهای خود، می‌کوشد تا با نقل قول از منابع در ظاهر بی‌طرف، همکاریهای وسیع اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی ایران و اسرائیل را اثبات کند. صوت الجماهیر طی گزارشی با استناد به منابع پرتغالی اظهار می‌کند «سیل سلاحهای اسرائیلی به طرف ایران سرازیر است» [۴۷۷] و در خبر دیگری با استناد به روزنامه‌های ترکیه از «فروش هواپیماهای اف - ۴ و قطعات یدک سلاحهای دیگر به ایران» [۴۷۸] را پخش می‌کند. این رادیو با استناد به هفته‌نامه‌ی قبرسی امریکا از «تقاضای ایران مبنی بر استخدام خلبانان ایرانی‌الاصل یهود ساکن در اسرائیل» [۴۷۹] سخن گفته و ضمن درج مصاحبه روزنامه‌ی بیروتی اللواء با بنی‌صدر آورده است:

«بنی‌صدر بصراحت اعتراف کرده است که اسرائیل در اختیار رژیم (امام) خمینی کمکهای نظامی و تسلیحاتی قرار می‌دهد» [۴۸۰] .

در موارد عینی‌تر دیگری، مانند واقعه‌ی بمباران نیروگاه اتمی تموز عراق، تبلیغات این

[صفحه ۱۴۹]

کشور «اتحاد ایران و اسرائیل در ستیز با عراق» [۴۸۱] را نتیجه گرفته و بر آن تأکید می‌ورزد. مجموعه‌ی تبلیغات فوق، عراق را به جایی می‌رساند که بصراحت اعلام می‌کند:

«راه رسیدن به قدس از تهران می‌گذرد» [۴۸۲] .

برخلاف مرحله اول جنگ که اسرائیل خود در تبلیغ وجود ارتباط بین این کشور و ایران پیش قدم می‌شد، در مرحله‌ی دوم جنگ که پیروزیهای فزاینده‌ی ایران، اسرائیل را به وحشت انداخته بود، مقامات اسرائیل پس از شنیدن اظهارنظر حضرت امام مبنی بر اینکه «یکی از مسائل مهم ما این بوده و هست که اسرائیل باید از بین برود»، دچار تنش و اضطراب می‌شوند و برخلاف منطق تبلیغات، که حکم بر ادامه‌ی تبلیغات پیشین می‌کرد، مواضع بشدت خصمانه‌ای در برابر ایران اختیار می‌کنند. بگین در یکی از سخنرانیهای خود با اشاره به جنگ تحمیلی می‌گوید:

«آنهایی که جنگ را علیه عراق راه انداخته‌اند و می‌خواهند از طریق عراق به شکست اسرائیل بیایند، در یک اندیشه واهی هستند. من به نیروهای ایران اخطار می‌کنم اگر چنین قصدی داشته باشند، قبل از اینکه به بیت‌المقدس برسند، نیروهای زرهی و هوایی ما چنان درسی به آنها خواهند داد که آنهایی که از تهاجم سالم باقی مانده‌اند، بروند و ماجرا را برای دیگران بگویند» [۴۸۳] .

رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل هم طی مقاله‌ای که در روزنامه‌ی لکوتیدین پاریس به چاپ می‌رساند، ایران را تهدید می‌کند که «اگر ایران تصمیم بگیرد به اسرائیل حمله کند، بعد از گذشتن از عراق و اردن متوجه خواهد شد که ما نه عراقی هستیم و نه اردنی» [۴۸۴] .

با وجود تغییر جو تبلیغاتی اسرائیل، دستگاه تبلیغاتی اسرائیل باز هم می‌کوشد با سرپوش نهادن بر هیجانات درونیش، خط مشی تبلیغاتی گذشته خود مبنی بر وجود رابطه بین ایران و اسرائیل را ادامه دهد تا به این ترتیب چهره‌ی ایران انقلابی را مخدوش سازد. در

[صفحه ۱۵۰]

ادامه‌ی همین تصمیم، آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل پس از عملیات فتح‌المبین اعلام می‌کند «اسرائیل ۲۷ میلیون دلار اسلحه به ایران فروخته است» [۴۸۵] .

علی‌رغم مواضع نسبتا متفاوت اسرائیل در این مرحله از جنگ، دستگاههای تبلیغاتی ارتجاع عرب و استکبار جهانی، مجدانه به اثبات رابطه‌ی ایران و اسرائیل می‌پردازند. برای مثال روزنامه‌های کویت می‌نویسند: «امریکا از اسرائیل خواسته است تا به ایران دیگر سلاح ندهد» [۴۸۶] رادیو ریاض نیز می‌گوید: «جنگ‌افروزی ایران برای دورساختن انظار از حوادث لبنان است که جاشنی آن را اسرائیل روشن کرده است» [۴۸۷] .

دستگاههای تبلیغاتی جهان نیز با طرح اینکه «ایران، در جنگ عراق را که دشمن اسرائیل بوده، تضعیف کرده است» [۴۸۸] یا «جنگ ایران با عراق در صفوف اعراب تفرقه و نفاق ایجاد کرده است» [۴۸۹] ، اهداف ایران را در راستای اهداف اسرائیل ترسیم می‌کنند. و تأکید بر مواردی نظیر اینکه «اسرائیل لازم می‌داند ایران را اگر نه به عنوان جانشین، اما به عنوان وزنه‌ای در مقابل اعراب تقویت

کند» [۴۹۰] یا «از آنجا که شکست عراق در این جنگ مطلوب اسرائیل است، اسرائیل نتایج پروازهای متعدد شناسایی خود در خاک عراق را در اختیار ایران قرار می‌دهد» [۴۹۱] و... سعی دارند رابطه‌ی نزدیک و استراتژیک ایران و اسرائیل را اثبات کنند.

رابطه ایران با امریکا

همانگونه که در مرحله‌ی اول جنگ، عراق، علی‌رغم داشتن ارتباطات غیررسمی اما بسیار

[صفحه ۱۵۱]

دوستانه با امریکا سعی می‌کرد ایران را به داشتن رابطه با امریکا متهم کند. در مرحله دوم جنگ نیز سعی دارد امریکایی بودن جمهوری اسلامی را اثبات کند. به عنوان مثال، صدام در یکی از سخنرانیهای خود می‌گوید:«حکام تهران عروسکهایی در دست صهیونیست‌ها و در رأس آنها امریکاییها هستند» [۴۹۲] رادیو صوت الجماهیر نیز ضمن اعلام اینکه «اکنون رابطه‌ی دار و دسته (امام) خمینی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا به طور قطع، ثابت و برملا گردیده است»، به عنوان شاهد مدعایش می‌گوید: «سخنگوی وزارت خارجه امریکا شب گذشته اعلام کرد، تهدید ثبات ایران به مثابه تهدید منافع امریکاست. بیانیه وزارت خارجه امریکا بر تأکید ایالات متحده به ادامه‌ی حمایتش از ثبات و تمامیت ارضی ایران اشاره دارد» [۴۹۳] .
رسانه‌های خبری ارتجاع عرب و غرب نیز با تبلیغ ارتباط ایران با امریکا می‌کوشند تا چهره‌ی انقلاب اسلامی را مخدوش کنند. برای مثال خبرگزاری کویت طی گزارشی «از نقش امریکا در تأمین اسلحه (به طور مستقیم و غیر مستقیم) برای ایران» [۴۹۴] یاد می‌کند و تایمز مالی به نقل از سازمان همکاری و توسعه خاطرنشان می‌سازد «با افزایشی که در مبادلات تجاری ایران و امریکا پدید آمده است، بار دیگر ایالات متحده امریکا بزرگترین طرف معامله‌ی جمهوری اسلامی شده است» [۴۹۵] از سوی دیگر، در همین زمان، رسانه‌های خبری امریکا به افشای «تقاضای ایران جهت خرید اسلحه و وسایل یدکی تجهیزات نظامی از امریکا» [۴۹۶] می‌پردازند و به شکل غیرمستقیمی سعی دارند وجود رابطه بین ایران و امریکا را القا کنند.

[صفحه ۱۵۲]

تلاش در جهت قومی کردن جنگ

صدام و دستگاه تبلیغاتی عراق بعد از شروع تهاجم به مرزهای ایران همواره درصدد بودند تا جنگ عراق علیه ایران را جنگی در راه دفاع از حقوق غصب شده‌ی اعراب و در جهت حفظ دروازه‌ی شرقی امت عرب در برابر توسعه‌طلبی ایران و مواجهه با توطئه بین‌المللی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها قلمداد کنند. همین مضامین تبلیغاتی در مرحله‌ی دوم جنگ هم به چشم می‌خورد. صدام در یکی از سخنرانیهایش می‌گوید:
«هنگامی که عراق تصمیم گرفت با تجاوز ایران مقابله و از حاکمیت قومی دفاع کند و مانع رفتارهای تحریک‌آمیز و مطامع پلید حکام ایران شود، به هیچ وجه در این فکر نبود که نبرد عادلانه‌ی خود را برای حمایت از سرزمینها و آبراههای عراق و یا استرداد سرزمینها و آبراههای غصب شده‌ی عراق آغاز می‌کند. چون این موضوع برای عراق آسان است و می‌تواند هر زمان که اراده کند، آن را تحقق بخشد. ولی عراق کاملا اطلاع داشت که تجاوز ایران علیه عراق جزئی از حملات گسترده‌ی فارسی علیه سراسر منطقه

خلیج عربی است و حکام ایران این حقیقت را مخفی نساخته، بلکه از خلال اظهارات و گفتارهای خود که نشان‌دهنده‌ی مقاصد و هدفهای توسعه‌جویانه آنها است، آن را مورد تأکید قرار داده‌اند» [۴۹۷] .
دستگاه تبلیغاتی عراق، برای عینیت بخشیدن به تبلیغات خود مبنی بر چشمداشت ایران به کشورهای خلیج فارس، شواهدی می‌آورد. رادیو صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهای خود می‌گوید:
«از زمان سقوط شاه و غصب قدرت به وسیله‌ی (امام) خمینی و دار و دسته او در سال ۱۹۷۹، نظر فارسها با الهام از محافل امپریالیستی، متوجه خلیج عربی (خلیج فارس) شده تا در این منطقه هرج و مرج و اغتشاش ایجاد کنند و رژیمهای سیاسی موجود در کشورهای خلیج عربی (خلیج فارس) را سرنگون سازند. وسایل اجرای این طرحهای تروریستی و خرابکاری، توسط

[صفحه ۱۵۳]

اتباع فارسهای پراکنده شده در منطقه، به عنوان ستون پنجم، فراهم شد و از طرف امپریالیسم و صهیونیسم برای تکه‌تکه کردن امت عرب و تجزیه آن به کار خواهد رفت. هدف اصلی فارسهای نژادپرست، ایجاد فتنه و هرج و مرج در منطقه‌ی خلیج عربی بوده است. سربه‌سر گذاشتن با کویت و تجاوز به حریم هوایی آن از سوی هواپیماهای دشمن فارسی در سال ۱۹۸۱، برای انهدام تأسیسات حیاتی آنها، همزمان با تهدید نسبت به حمله به تأسیسات حیاتی کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) و سرنگون ساختن رژیمهای سیاسی آنها و ملحق ساختن کشورهای منطقه به ایران، قسمتی از رفتارهای فارسها را نشان می‌دهد. پلیدترین انواع توطئه‌های فارسی صادر کردن شبکه‌های خرابکاری به بحرین تجلی کرد و بحرین با قاطعیت توانست بیش از ۶۰ خرابکار را بازداشت کند که همگی اعتراف کرده‌اند آموزشهای نظامی ویژه‌ای را در شهرهای ایران دیده‌اند» [۴۹۸] .
در موارد متعدد دیگری، عراق چنین تحلیلهایی را آورده است [۴۹۹] .
دستگاههای تبلیغاتی ارتجاع عرب هم ضمن هماهنگی کاملی که در این جهت با دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق دارند سعی می‌کنند «تهدید ایران نسبت به ارتجاع عرب» [۵۰۰] را واقعی جلوه دهند و «ضرورت قومی شدن جنگ را پس از اثبات تهدید ایران نسبت به کشورهای خلیج فارس» [۵۰۱] نتیجه بگیرند.
دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی هم در تبلیغاتی همسو با تبلیغات عراق «ضمن ترسیم تهدید ایران نسبت به سایر کشورهای عرب» [۵۰۲] ، «ضرورت قومی شدن جنگ» [۵۰۳] را

[صفحه ۱۵۴]

نتیجه می‌گیرند. البته غرب انتظار دارد در مقابل «کمکهای تسلیحاتی که در اختیار ارتجاع عرب قرار می‌دهد» [۵۰۴] این کشورها نیز در صورت به خطر افتادن وضعیت عراق «علاوه بر کمکهای اقتصادی و نظامی و سیاسی، با اعزام نیرو به کمک عراق بشتابند».
رادیو امریکا طی تحلیلی در این زمینه می‌گوید:
«این هفته با پیروزی سریع ایران در خرمشهر خاتمه یافت، اما اگر ایران به داخل خاک عراق پیش برود، اردن، مراکش، عربستان سعودی و مصر احتمالا با اعزام نیروی نظامی به کمک عراق می‌آیند» [۵۰۵] .
اما برخلاف انتظار غرب، محافظه‌کاری سنتی اعراب مانع از آن شد که این کشورها به شکل گسترده به عراق نیروی نظامی بفرستند، ولی تبلیغات عراق و استکبار جهانی از سویی و هراس کشورهای مرتجع عرب از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، این

کشورها را واداشت تا ضمن تلاش در تحریک نشدن جمهوری اسلامی، حداکثر کمکهای اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را به بغداد ارسال کنند. به این ترتیب، تا پایان مرحله دوم جنگ، ارتجاع عرب «۲۰ تا ۳۳ میلیارد دلار به عراق کمک نظامی کردند» [۵۰۶] بعلاوه، با بسته شدن لوله‌های انتقال نفت عراق که از سوریه می گذشت، نه تنها «کویت و چند عضو شورای همکاری خلیج فارس ضمن تأمین قسمتی از مخارج جنگ به عنوان یک کمک فوری، بیش از ۵۰ میلیون مارک در اختیار عراق قرار دادند» [۵۰۷] ، بلکه «عربستان سعودی امکان کشیدن خط لوله‌ای را که نفت عراق را به دریای سرخ منتقل سازد، فراهم کرد» [۵۰۸] «و عربستان سعودی و کویت تصمیم گرفتند که روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت از منطقه‌ی بی‌طرف به حساب عراق فروخته شود» [۵۰۹] .

حمایتهای نظامی اعراب از عراق، اعزام نیروی نظامی به عراق، خرید و ارسال تجهیزات نظامی به این کشور و اجازه عبور تجهیزات نظامی از این کشورها را شامل

[صفحه ۱۵۵]

می‌شد. بجز اردن، مصر، سودان، مراکش و سومالی، سایر کشورهای عرب از اعزام نیروی نظامی به عراق خودداری کردند، اما خرید تجهیزات نظامی برای عراق و ارسال آنها به این کشور هرگز از سوی ارتجاع عرب متوقف نشد. جاده‌ها و بنادر کشورهای اردن، عربستان، کویت و... در تمامی مراحل جنگ، در اختیار عراق قرار داشت تا هر چه بیشتر این رژیم در پیکار با سپاه توحید یاری شود.

حمایت تبلیغاتی - سیاسی رژیم عراق، نوع دیگری از حمایتهای ارتجاع عرب از عراق در ستیز با انقلاب اسلامی ایران بود. پخش و نشر شایعات بی‌اساس و ترسیم چهره‌ی منفی جمهوری اسلامی، کار اصلی تبلیغات ارتجاع عرب بود. نقش سیاسی ارتجاع عرب در هیأت کنفرانس اسلامی نیز قابل چشم‌پوشی نیست. کشورهای مرتجع عرب زیر لوای کنفرانس اسلامی، سعی داشتند ایران را به پذیرش صلح تحمیلی وادار کنند. پس از آنکه احتمال تهاجم ایران به داخل عراق مطرح شد، ارتجاع عرب به تکاپو افتاد و اردن به نمایندگی از ارتجاع عرب تقاضای آتش‌بس را به شورای امنیت داد و این شورا با صدور قطعنامه‌ای به آتش‌بس و خروج نیروهای دو کشور از خاک یکدیگر رأی داد.

در هر صورت، اگر چه ارتجاع عرب آنگونه که مورد نظر صدام بود، در این مرحله از جنگ (و تقریبا در تمامی مراحل جنگ) به طور تمام عیار، در جنگ حضور نیافت، اما با توجه به روان‌شناسی و محافظه‌کاری سنتی اعراب می‌توان گفت که ارتجاع عرب در عمل، تا حد توان از هیچ اقدامی علیه ایران مضایقه نکردند.

حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق

عراق برای حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش خود در مرحله‌ی دوم جنگ - که با شکستهای سنگین ارتش عراق توأم بود - بشدت به تکاپو افتاد و سعی کرد تا با توسل به انواع ترفندهای تبلیغاتی، مانع سقوط روحیه‌ی مردم و ارتش عراق شود. از این رو، دستگاه تبلیغاتی عراق نه تنها روشهای تحمیق، تطمیع و تهدید مردم و نظامیان عراقی را به کار گرفت، بلکه با ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران، تبلیغ شکست خوردن اهداف این نظام در جریان جنگ، ترسیم چهره‌ی مثبت برای عراق، برتر دانستن تکنولوژی جنگی این رژیم

[صفحه ۱۵۶]

و تبلیغ پیروزی فکری عراق بر ایران، در نهایت پیروزی نظامی عراق بر ایران را حتمی می‌دانست.
این رژیم در مرحله‌ی نخست جنگ برای تحمیق مردم و ارتش عراق در این مرحله از جنگ، دست به نوعی از حساسیت‌زدایی فکری مردم می‌زند. به این ترتیب که اگر عراق در آغاز جنگ با پرکردن بازار از کالاهایی که حتی قبل از جنگ یافت نمی‌شد، سعی می‌کرد مسأله جنگ را در اذهان مردم عراق کم‌رنگتر جلوه دهد، اما در مرحله‌ی دوم تصمیم می‌گیرد با به وجود آوردن کمبودهای مصنوعی، مردم را دایما در صفهای مختلف نگه دارد (و حتی مردم را مجبور کند که از شهری به شهری رفته تا کالای مورد نیاز خود را تأمین کنند) و این اوضاع تا زمانی که عملیات بزرگی صورت می‌گرفت، ادامه داشت. اما پس از انجام یک عملیات بزرگ، که سبب می‌شد سیلی از اجساد نظامیان عراقی راهی شهرها شود، به ناگهان با دستور مسئولان عراقی، بازاریهای عراق، که کاملاـ تحت نظر دولت عمل می‌کردند، «با عرضه‌ی فراوان انواع کالاها در بازار، چنان جوی ایجاد می‌کردند که مردم محرومیت کشیده‌ی عراق، برای نجات یافتن از ایستادن در صف، در روزهای بعد، آنچنان مشغول تهیه مایحتاج خویش می‌شدند که از ورود جنازه خویشاوندان خود نیز غافل می‌شدند» [۵۱۰] .
رژیم عراق «با ایجاد کاباره‌های متعدد، اماکن فساد، استخرهای مختلط و...» [۵۱۱] و «تشکیل جشنواره‌های مختلف شعر، برنامه‌های نمایش لباس و دعوت گروههای رقص از خارج» [۵۱۲] مردم را سرگرم می‌کرد. مشابه همین شیوه در جبهه‌ها با فراهم آوردن مشروبات الکلی، عرضه‌ی ویدیوهای زننده و آزاد گذاشتن نظامیان در همجنس بازی و... اعمال می‌شد. «خریدن نویسندگان داخلی و خارجی» [۵۱۳] و «روزنامه‌ها و رادیوهای خارجی» [۵۱۴] از تلاشهای دیگر دستگاه تبلیغاتی این رژیم بود.

[صفحه ۱۵۷]

توجیه مسائل، یکی از مهمترین دستاویزهای رژیم بعثی برای حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق بود. به عنوان مثال، پس از شکست عراق در عملیات ثامن‌الائمه – که به آزادسازی آبادان انجامید – «عراق از عقب‌نشینی تاکتیکی از جبهه‌ی آبادان» [۵۱۵] سخن می‌گفت و تأکید می‌کرد که ایران «به شکل سازمان یافته از کارشناسان سوری، لیبیایی، کره‌ی شمالی و اسرائیلی» [۵۱۶] در جبهه‌های خویش استفاده می‌کند. در عملیات فتح‌المبین نیز این رژیم با توسل به توجیه، کوشید تا نه تنها «شکست عراق را به عنوان عقب‌نشینی تبلیغ کند» [۵۱۷] ، بلکه مسأله‌ی از دست دادن زمینهای تصرف شده‌ی ایران را نیز توجیه کند:
«ما از همان آغاز گفته بودیم، چنانچه مسأله‌ی زمین است، بدون خونریزی پیشکش شما باشد و اعلام کرده بودیم این زمین مال شما ایرانیها است» [۵۱۸] .
و علی رغم آنکه صدام پس از شکست فتح‌المبین خطاب به نظامیان عراق گفته بود:
«شما باید سرزمین ایرانیها را ترک نکنید، مگر با اخذ ضمانتی مبنی بر اینکه ایران شهرهای عراق را بمباران و ویران نکند» [۵۱۹] .
پس از شکست عراق در خرمشهر، صدام از سر درماندگی به توجیه متوسل می‌شود و می‌گوید:
«برای نیروهای عراق خاک ایران هیچ ارزشی نداشت، نظامیان ما پس از انهدام ماشین نظامی ایران، که توسط خارجیها و برخی از اعراب تجهیز می‌شد، خاک ایران را ترک کردند و دست به عقب‌نشینی زدند» [۵۲۰] .
ترفند دیگر تبلیغات عراق جهت تحمیق مردم و ارتش عراق، بزرگ‌نمایی پیروزیها و کوچک نشان دادن شکستهایش بود. به عنوان مثال، عراق که در شکست حصر آبادان ۲۰۰۰ کشته و مجروح و در عملیات طریق‌القدس ۳۵۰۰ کشته و مجروح

[صفحه ۱۵۸]

داده بود، اعلام می‌کند: «در عملیات شکست حصر آبادان ۸۰ نفر و در عملیات طریق‌القدس ۳۴ نفر کشته داده است» [۵۲۱] اما تعداد شهدای ایران را ده برابر تعداد واقعی اعلام می‌کند. در کتاب عبور از آخرین خاکریز در این زمینه آمده است:

«بعد از عملیات، بر اساس تبادل نظرهای انجام شده، قرار شد تعداد کشته‌ها (شهدا)ی ایرانی را ۲۰۰ نفر اعلام کنیم. گردان دوم این گزارش را به تیپ تسلیم کرد و تیپ پس از آنکه این آمار را ده برابر کرد، آن را به لشکر تحویل داد» [۵۲۲] .

ترفند دیگر عراق برای حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش این رژیم، انعکاس خلاف واقع اخبار جنگ بود. به عنوان مثال، در حالی که عراق در عملیات طریق‌القدس، بستان را از دست داده بود، اعلام می‌کرد «اهداف عملیاتی عراق در این عملیات تحقق یافته است» [۵۲۳] و یا در وضعیتی که نیروهای عراقی در جریان عملیات بیت‌المقدس در خرمشهر به دام افتاده بودند، «اطلاعیه‌های نظامی عراق از محاصره و به دام افتادن نیروهای ایرانی خبر می‌داد» [۵۲۴] علاوه بر اینها، عراق ضمن «کذب خواندن اخبار ایران» [۵۲۵] با توسل به ترفندهایی نظیر «تشکیل کمیته‌های ویژه جهت برآورد خسارات ایرانیها» [۵۲۶] سعی داشت دروغهای خود را بهتر بقبولاند.

از سوی دیگر، رسانه‌های غربی سعی می‌کردند با پخش و نشر گزارشهای واهی، به رژیم عراق در حفظ روحیه‌ی نظامیانش کمک کنند. به عنوان مثال، رادیو مونت کارلو، همزمان با آغاز اولین مرحله از عملیات بیت‌المقدس - که به آزادسازی خرمشهر انجامید - طی تحلیلی گفت: «بازپس‌گیری خرمشهر به سبب موانع بسیاری که عراقیها در آن به

[صفحه ۱۵۹]

وجود آورده‌اند، برای ایران امری غیر ممکن است» [۵۲۷] ، اما پس از فتح خرمشهر، دستگاههای تبلیغاتی غرب - که همه بازپس‌گیری خرمشهر را امری محال می‌دانستند - برای تطهیر خود به تلاش افتادند و سعی کردند تبلیغات قبلی خود را توجیه کنند. برای مثال، بی.بی.سی، ضمن تحلیلی در این زمینه، گفت: «از زمانی که خبرنگاران غربی از نیروهای عراقی در خرمشهر دیدن کرده و از روحیه‌ی خوب آنها گزارش داده‌اند، بیش از سه یا چهار روز نمی‌گذرد که ناگهان همه‌ی شهر از دست عراقیها بیرون کشیده شد» [۵۲۸] .

«سکوت رسانه‌های خارجی هنگام شکست عراقیها» [۵۲۹] از جمله حمایتهای دیگر این رسانه‌ها از عراق، در این مرحله از جنگ به شمار می‌رود.

تطمیع نظامیان عراقی ترفند دیگری بود که رژیم عراق برای حفظ روحیه‌ی نظامیانش بدان متوسل می‌شد. پاداشهایی مانند پول، خانه، اتومبیل و... از یک سو و مدالهای مختلف و القاب افسانه‌ای به نظامیان عراقی - که «حاوی امتیازات اجتماعی بی‌شماری برای نیروهای نظامی بود» [۵۳۰] - از سوی دیگر، جاذبه‌های خوبی برای نظامیان عراقی محسوب می‌شد تا آنها مجدانه در راه اهداف غیرانسانی و پلید رژیم بعثی عراق گام بردارند. در کتابهای حزب بعث و جنگ و عبور از آخرین خاکریز در خصوص تأثیر تشویقهای رژیم عراق در نظامیان آمده است:

«در یکی از عملیاتها، در اوایل اوت ۱۹۸۱ توجیه سیاسی به ما ابلاغ کرد: اولین سربازی که خود را به خاکریز نیروهای اسلام برساند به دریافت درجه‌ی افسری نایل خواهد گردید. پس از این مسأله بود که نفرات ما در رسیدن به این خاکریز از یکدیگر سبقت می‌گرفتند» [۵۳۱] .

«با شروع ماه مه، منطقه آرامش نسبی خود را بازیافت. در این ایام، برخی از افسران به منظور گرفتن مرخصیهای استعلاجی بتدریج

به درمانگاه مراجعه

[صفحه ۱۶۰]

می کردند. عجیب این است که همین افسران، چند روز قبل، وقتی در نبردها جراحاتی برمی‌داشتند، با پیشنهاد مرخصی استعلاجی که از طرف ما پزشکان به آنها می‌شد، به بهانه‌ی ادای وظیفه ملی و میهنی! مخالفت می کردند و از ما می‌خواستند این مسأله را در برگ فوریتهای پزشکی درج کنیم تا در آینده از هر گونه مسئولیت قانونی مبرا باشند. ما در چنین حالتی می‌نوشتیم که مجروح حاضر به بستری شدن و یا گرفتن مرخصی نیست. علت این حوادث واضح و روشن است. مجروحی که حاضر به بستری شدن و یا اخذ مرخصی نباشد، نام او در کارنامه نظامی روزانه به ثبت خواهد رسید و احتمال دارد به أخذ نشان، مدال و یا ترفیع درجه نایل گردد. بنابراین، مسأله ربطی به وظیفه‌ی ملی و یا میهنی نداشت. در طول این جنگ، اکثر نظامیان نقش مزدور را ایفا می کردند و همواره به دنبال دریافت تشویق نامه، أخذ مدال، هدیه، ماشین و ویدیو بودند و برای پیروزیهایشان چنین چیزهایی را مطالبه می کردند» [۵۳۲] .

بنابراین، صدام در مواقع بحرانی با وعده‌ی اعطای مدال به افراد محاصره شده یا پاتک کننده، بسادگی روحیه‌ی نظامیان و انگیزه‌ی مقاومت در آنها را بالا می‌برد و با توسل به همین روش، خود را از تنگناهای نظامی نجات می‌داد.

گاهی این رژیم برای ادامه جنگ و شرکت مردم در آن، به ارعاب و تهدید متوسل شده و می کوشید به این ترتیب مردم را به جبهه‌ها اعزام کند و نظامیان را به مقاومت در برابر تهاجمات سپاهیان اسلام تا آخرین لحظه وادارد. کتاب حزب بعث و جنگ درباره‌ی چگونگی شکل گیری «لجنهٔ العدامات» و تصمیم به عدم تخلیه مجروحان تا خاتمه عملیات می‌نویسد:

«تدریجا پدیده‌ی فرار دزدکی به صورت امری رایج در ارتش عراق درآمد. یکی از امرای واحدها در این زمینه اظهار کرده بود: یگانی به استعداد ۵۰۰ سرباز می‌بایستی حمله‌ای را آغاز می کرد. ولی هر بار که درصدد انجام مانور و پیشروی برمی‌آمد سربازان فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند. هنگامی که یگان به منطقه‌ی مورد نظر رسید، بیش از ۱۰۰ افسر، درجه‌دار و سرباز و داوطلب باقی

[صفحه ۱۶۱]

نمی‌ماندند».

رفته رفته رژیم مجبور شد برای جلوگیری از چنین فرارهایی «کمیته‌های اعدام» تشکیل دهد و برای این منظور، عده‌ای از عناصر توجیه سیاسی و استخبارات را برگزید و آنها را موظف کرد تا به سمت افرادی که قصد عقب‌نشینی داشتند تیراندازی کنند. با این حال، سربازان نیز واکنش تازه‌ای از خود بروز دادند. آنها جراحاتی بر اعضای نه چندان حساس بدن خود مثل دست و پا وارد می کردند. همچنین وقتی سربازی مجروح می‌شد، عده‌ای به بهانه‌ی انتقال او به پشت جبهه از صحنه نبرد می گریختند. هنگامی که رژیم از این امر مطلع شد از تخلیه مجروحان تا پایان نبرد جلوگیری به عمل آورد. این امر موجب گردید که بسیاری از سربازان مجروح بر اثر خونریزی شدید از بین بروند» [۵۳۳] .

پس از فرار نظامیان از جبهه «بلافاصله خانواده‌ی آنها دستگیر و به زندان فرستاده می‌شدند» و «زن فرد فراری پس از ۶ ماه می‌توانست تقاضای طلاق کند» [۵۳۴] به این ترتیب، فرد فراری مجبور بود خود را معرفی کند. اگر این فرارها برای چند بار ادامه می‌یافت «این نظامیان در ملاء عام و یا در پادگانهای آموزشی اعدام می‌شدند و بعد از اعدام، تعدادی زن فاسد که مأموریت داشتند

با شادی و هلهله و رقصیدن مراسم را به پایان ببرند، به انجام این کار مشغول می‌شدند» [۵۳۵] .
اعضای خانواده افرادی که به جمهوری اسلامی پناهنده می‌شدند، «از مشاغل دولتی محروم می‌شدند و امتیازات اجتماعی نظیر درس خواندن در مدارس، از فرزندان آنها سلب می‌شد» و «همسران افراد پناهنده، زیر فشار قرار می‌گرفتند تا از شوهر پناهنده شده‌ی خود طلاق بگیرند»، «این زنان با هر مردی ازدواج می‌کردند، اموال همسر سابق به

[صفحه ۱۶۲]

مرد جدید منتقل می‌شد» [۵۳۶] .
چنانچه نظامیان عراقی در برابر تهاجمات سپاهیان اسلام تا آخرین لحظه مقاومت نمی‌کردند، و کشته می‌شدند، پس از کشته شدن آنها و یا بعد از اعدام این افراد توسط گروههای اعدام، توجیه سیاسی ارتش عراق، پس از نوشتن عبارت ترسو روی بدن و تابوت این افراد، جسد آنها را برای خانواده‌هایشان می‌فرستاد، در این موارد «ضمن آنکه به خانواده نظامیان مزبور هیچگونه مقرری ماهیانه‌ای پرداخت نمی‌شد»،«و این خانواده‌ها حق برگزاری مراسم سوگواری را هم نداشتند» و «در صورت برگزاری مراسم سوگواری دستگیر و به زندان فرستاده می‌شدند» [۵۳۷] «اعدام برخی از افراد مظنون به کم‌کاری در عملیاتهایی که به شکست عراق انجامیده بود» [۵۳۸] و «اعدام معترضین به سیاستهای نظامی غلط ارتش عراق» و «تحت کنترل قرار دادن خویشاوندان معدومین تا خویشاوندان درجه چندم توسط عناصر سازمان اطلاعات عراق» [۵۳۹] از دیگر سیاستهای مبتنی بر ارعاب مردم و نظامیان عراقی به شمار می‌رفت.
صدام از افرادی که در جبهه‌ها چندان فعال نبودند یا مایل به عقب‌نشینی بودند، با عنوان «مریض» [۵۴۰] یاد می‌کرد. او همچنین ضمن اخراج حزبی‌هایی که مایل به رفتن به جبهه نبودند «با تشکیل گروهان ترسوها از این افراد و تهیه‌ی فیلمهای استهزاآمیزی از آنان» [۵۴۱] سعی می‌کرد درس عبرتی به دیگران بدهد که هیچگاه در اندیشه‌ی کمترین مخالفت با اهداف وی و اربابانش نباشند.
تبلیغات عراق در بخش دیگری از تلاشی که جهت حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق داشت، با مطرح ساختن برخی نقاط ضعف جمهوری اسلامی، شکست این نظام را نتیجه می‌گرفت.
در ترسیم چهره منفی برای ایران، تبلیغات عراق از مواردی نظیر «مقاصد

[صفحه ۱۶۳]

تجاوزگرانه ایران» [۵۴۲] ، «توسعه‌طلبی ایران» [۵۴۳] ، «جنگ‌طلبی ایران» [۵۴۴] ، رابطه ایران با «آمریکا» [۵۴۵] و «اسرائیل» [۵۴۶] سخن می‌گفتند، و با تاکید بر اینکه «ایران اسب تروای صهیونیست‌هاست» [۵۴۷] اعلام می‌داشتند «راه رسیدن به قدس از تهران می‌گذرد» [۵۴۸] .
در موارد دیگری موضوعاتی نظیر «تلاش مشترک ایران، صهیونیسم و امریکا در مقابله با عراق» [۵۴۹] ، «سوء استفاده ایران از دین در جهت مقاصد سیاسیش» [۵۵۰] ، «رفتارهای مغایر با اسلام رهبران ایران» [۵۵۱] ،«کشتار اسرا توسط ایرانیها» [۵۵۲] و... در ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران توسط تبلیغات عراق پخش و نشر می‌یافت.
رژیم عراق و حامیان استکباریش با طرح موضوعات دیگری نظیر «مناقشات و درگیریهای سیاسی داخلی ایران» [۵۵۳] ، «تشتتهای داخلی ایران» [۵۵۴] ، «فرستادن کودکان ایرانی به جبهه‌ها» [۵۵۵] ، «سیاست امواج انسانی ایران» [۵۵۶] و تبلیغ «عقب‌ماندگی

تکنولوژی جنگ ایران

[صفحه ۱۶۴]

از عراق» [۵۵۷] ، «ناتوانی ایران از دادن پوشش هوایی به نیروهایش» [۵۵۸] ، «تلفات سنگین ۷۹۳ / ۴۵ نفری ایران در طول ۲۱ ماه جنگ» [۵۵۹] و... زمینه مساعدی را فراهم می‌آورد تا حقانیت و پیروزی عراق را در جنگ نتیجه بگیرند. از همین رو تبلیغات عراق پس از ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران و ترسیم زمینه‌ی نامساعد پیروزی این نظام در جنگ علیه عراق، با طرح مواردی نظیر برتری سازمان رزم، تکنولوژی جنگ عراق و قدرت اقتصادی این رژیم، زمینه ذهنی مردم و نظامیان عراقی را مساعد می‌ساخت تا فریب تبلیغات دروغین وی مبنی بر پیروزی فکری عراق بر ایران و پیروزی این کشور در جبهه‌های جنگ را بخورند. صدام با تاکید بر «تغییر موازنه قوا با بسیج رزمندگان کافی به نفع عراق» [۵۶۰] و «بالا رفتن کیفیت آموزشی نیروهای عراقی» [۵۶۱] تاکید می‌ورزید «ایرانیها در بسیج نیرو از عراقیها عقب مانده‌اند» [۵۶۲] و به این ترتیب برتری سازمان رزم عراق بر ایران را یادآور می‌شد.

بعلاوه تبلیغات رژیم عراق و حامیان استکباریش، با طرح ارسال مداوم سلاحهای پیشرفته به عراق بر پیشی گرفتن تکنولوژی عراق در جنگ تأکید می‌کردند و خاطرنشان می‌ساختند که برتری تسلیحاتی عراق بر ایران، زمینه‌ساز پیروزی این رژیم بر ایران خواهد شد. دریافت «هواپیماهای پیشرفته» [۵۶۳] ، «تانکها و موشکهای پیشرفته» [۵۶۴] ، «تهیه و ذخیره‌ی عوامل شیمیایی» [۵۶۵] ، «تلاش عراق در دستیابی به تهیه‌ی بمب اتمی» [۵۶۶] ، «برتری یافتن نیروی

[صفحه ۱۶۵]

هوایی عراق بر ایران» [۵۶۷] و... قسمتی از تبلیغات دستگاههای تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی در زمینه‌ی پیشی‌گرفتن تکنولوژی جنگ عراق بر ایران بود. علاوه بر اینها، صدام با طرح اینکه «زمان به نفع عراق است»، به مردم و ارتش عراق وعده می‌داد «ادامه‌ی جنگ و طولانی کردن آن، ایران را به سوی خرابی و ویرانی بیشتر و پیچیده‌تر ساختن رابطه‌ی رژیم با ملت، و هرج و مرج بیشتر در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تیرگی بیشتر روابط منطقه‌ای و بین‌المللی سوق می‌دهد؛ در حالی که عراق از خلال جنگ، قدرت نظامی برتر و امکانات اقتصادی نیرومند خود را ظاهر می‌کند» [۵۶۸] .

عراق پس از این زمینه‌سازیها، از پیروزی فکری و نظامی در جنگ سخن می‌گوید. صدام با یادآوری اینکه «ابعاد تجاوز علیه عراق به قدری وسیع است که قربانیهای این کشور در برابر آن ناچیز است»، تأکید می‌ورزد «ما در جنگ برنده‌ایم، چرا که مانع از این شدیم که ایران تجربه‌ی لبنان را در عراق پیاده کند» [۵۶۹] او در سخنرانی دیگری از پیروزی فکری مردم عراق بر ایران یاد می‌کند و می‌گوید: «ما روز به روز شاهدیم که ملت عراق علاقه‌ی بیشتری نسبت به انقلاب خود نشان می‌دهند، من اطمینان دارم اگر اعلام کنیم و مردم را به شرکت در جنگ دعوت کنیم ۹۰ درصد زنان و هر عراقی که بیشتر از ده سال سن داشته باشد، آمادگی خود را اعلام می‌کند. دشمن کجاست تا این وضع را ببیند» [۵۷۰] .

تبلیغات دیگری مانند «هجوم افرادی از سومالی، جیبوتی، سودان، پاکستان و هند برای شرکت در جبهه‌های جنگ علیه ایران» [۵۷۱] در همین راستا قرار می‌گیرند.

دروغهای بسیار بزرگ در خصوص پیروزیهای نظامی عراق، در برابر حملات کوبنده سپاهیان توحید از فعالیتهای تبلیغاتی دیگر عراق است. پس از شکست محاصره‌ی آبادان عراق گفت: «به علت بروز جنگ دیروز محاصره آبادان تنگ‌تر شده است» [۵۷۲]

پس

[صفحه ۱۶۶]

از شکست عراق در عملیات طریق‌القدس، عراق اعلام کرد: «با زیر آتش قرار گرفتن شهر بستان، این عملیات به نفع ارتش عراق خاتمه یافت» [۵۷۳] پس از گذشت قریب به دو ماه از شکست بستان، عراق «از حمله‌ی ناگهانی عراق به مواضع نیروهای ایرانی و شکست سخت و عقب‌نشینی دشمن» خبر داد و اعلام کرد: «ضد حمله‌ی نیروهای عراقی موجب شد تا نقاط مهم منطقه بستان دوباره بازپس گرفته شود» [۵۷۴] .

در عملیات بزرگ فتح‌المبین تبلیغات عراق از «تار و مار شدن ۱۲ لشکر ایران» [۵۷۵] ، «حملات موفق عراق» [۵۷۶] و «به کنترل گرفتن اوضاع جبهه‌های شوش و دزفول» [۵۷۷] سخن گفت و در عملیات بیت‌المقدس، که به آزادسازی خرمشهر انجامید، عراق از «وارد آوردن خسارات سنگین به نفرات و تجهیزات ایرانیها» [۵۷۸] و «سرکوب نیروهای ایرانی و به اسارت گرفتن آنها» [۵۷۹] سخن به میان آورد. به همین ترتیب، با آغاز تهاجم ایران به خاک عراق، تبلیغات این رژیم از پیروزی ارتش عراق در این عملیات سخن می‌گوید:

«نیروهای دلیر عراق، ضد حمله‌ی بامداد امروز خود علیه نیروهای متجاوز (امام) خمینی - که جرأت عبور از مرزهایمان را پیدا کردند - را ادامه دادند و به حملات رعدآسا و کوبنده‌ای بر نیروهای دشمن دست زدند که طی درگیریهای پیروزمندانه‌ی خود، موفق شدند بخش اعظم نیروهای متجاوز ایرانی را منهدم کنند، به نحوی که بعضی از نفرات دشمن از صحنه‌ی نبرد پا به فرار گذاشتند. در این نبردها، دشمن متحمل کشته‌ها و مجروحان قابل توجهی شد، به طوری که صحنه‌ی نبرد مملو از کشته شدگان دشمن است» [۵۸۰] .

کتاب «عبور از آخرین خاکریز» در زمینه‌ی چگونگی حفظ روحیه‌ی عراقیها در این

[صفحه ۱۶۷]

مرحله از جنگ می‌نویسد:

«به طور معمول اطلاعیه‌های عراق حکایت از دفع حملات ایرانیها، تار و مار شدن نیروهای دشمن و پیشروی به سوی اهداف از پیش تعیین شده داشتند» [۵۸۱] .

اما رسانه‌های خارجی، در این مرحله از جنگ ضمن اعتراف ضمنی به برتری ایران، در تلاش بودند «تساوی دو طرف درگیر را نشان دهند» [۵۸۲] و هنگام اعتراف به پیشی گرفتن نیروهای ایرانی در عملیاتهای مختلف، نیز سعی داشتند این پیشرویها را «با از دست‌دادن امواج نیروهای ایرانی» [۵۸۳] تبیین کنند تا تسکینی برای روحیه‌ی خسته‌ی مردم و نظامیان عراقی فراهم آورند.

مطرح شدن صدام به عنوان رهبر برتر

پس از تهاجم صدام به مرزهای ایران، تبلیغات استکبار جهانی، اقدام وی را تأیید کردند و لب به ستایش وی گشودند و از صدام به عنوان «رهبر جهان اعراب در عصر حاضر» [۵۸۴] یاد کردند. اما در مرحله‌ی دوم جنگ، پس از شکستهای عمده‌ای که صدام و ارتش عراق با آن مواجه شدند، و پس از «بی کفایتیهای مهم نظامی که صدام از خود نشان داد» [۵۸۵] ، رسانه‌های خبری استکبار

جهانی با نا امید شدن نسبی از صدام و با فراموش کردن ستایشهای گذشته، زبان به انتقاد از صدام گشوده و از اشتباهات وی در «خصومت ورزیدن با حضرت امام، به شهادت رساندن آیت الله صدر و خواهر ایشان و دست زدن به جنگ با همسایه قدرتمندش» [۵۸۶] یاد کردند و به تأیید تحلیل حضرت امام پرداختند «که هیچیک از دولتهای امروزی خاورمیانه نماینده‌ی اکثریت مردم خود محسوب نمی‌شود، و

[صفحه ۱۶۸]

در عراق هم سنی‌ها با ۲۵ درصد جمعیت حاکمیت را از آن خود کرده‌اند» [۵۸۷] این انتقادات در کنار انتقاداتی که از مرحله‌ی اول جنگ، توسط برخی از رهبران حزب بعث و فرماندهان ارتش که معتقد بودند «صدام از روی جاه‌طلبی سیاسی ارتش عراق را درگیر ماجرای مهلکی کرده است» [۵۸۸] صورت می‌گرفت، موقعیت سیاسی - روانی صدام را به شکلی جدی مورد تهدید قرار می‌داد. بنابراین، پیش‌گرفتن تبلیغاتی که از صدام رهبری برتر و افسانه‌ای می‌ساخت، یکی از عاجلترین اقداماتی بود که می‌توانست تا حدود زیادی از تزلزل سیاسی - روانی صدام در سطح عمومی مردم عراق، ارتش این کشور و منطقه بکاهد. از همین رو، صدام که از طریق تبلیغات عراق همواره خود را به عنوان رهبری برتر و محبوب ترسیم می‌کرد، لازم می‌بیند که بر شدت تلاشهایش در این جهت بیفزاید. به منظور تحقق این هدف، تبلیغات عراق، نخست تلاش می‌کند چهره‌ای مردمی و محبوب از صدام بسازد. کتاب حزب بعث و جنگ در مورد تبلیغات تلویزیون بغداد، چند روز پس از شکست بستان می‌نویسد:

«چند روز بعد مجددا فیلمی از گردش تفریحی صدام و دختر کوچکش «حلا» و افراد گارد محافظ او در یک روستا از تلویزیون پخش گردید. او در برابر دیدگان هزاران پدر و مادری که جگر گوشه‌هایشان را ناخواسته روانه جبهه‌ها کرده و حتی موفق به تحویل اجساد آنان نیز نشده بودند، در تنور گوشت کباب می‌کرد و لقمه‌ای به دهان خود و لقمه‌ای هم به دهان دخترش می‌گذاشت و او را پشت گردن خود سوار می‌کرد.

چنین تبلیغاتی را رژیم صدام مدتی قبل از شروع جنگ شروع کرد. به این صورت که صدام هر روز از یکی از مناطق، خواه در شهر یا روستا بازدید می‌کرد و ضمن ملاقات با اهالی آن محل، از وضع زندگی و مشکلاتشان سؤال می‌پرسید، وارد منازل عشایر می‌شد، به آشپزخانه‌های آنان قدم می‌گذاشت و در قابلمه‌ها را بر می‌داشت تا ببیند چه چیزی پخته‌اند. وی همچنین ماشین بزرگی پر از هدایا و اسباب‌بازی با خود به همراه می‌برد و در بین کودکان تقسیم

[صفحه ۱۶۹]

می‌کرد، از شهرهای کوچک دیدن می‌کرد، با مسئولان ملاقات می‌کرد و بعد از رسیدگی به کم و کیف فعالیتهای آنان سخنرانی کوتاهی ایراد می‌کرد. تلویزیون بغداد ساعتها این صحنه‌ها را پخش می‌کرد و حتی به پخش مجدد آنها مبادرت می‌ورزید» [۵۸۹] .

تبلیغات عراق برای ترسیم چهره صدام به عنوان انسانی مافوق بشر و معطوف داشتن توجه نسل جدید به شخصیت، اندیشه و عملکردهای صدام گاهی صدام را با «لباس کابوی امریکایی، در حال صید ماهی در کنار رودخانه و سرخ کردن آن» [۵۹۰] ترسیم می‌کرد؛ او گاهی در «لباس کردی» و گاهی در گفتگو با «کشاورزان» گاهی نیز در «سینماها و محافل ادبی و هنری»، بود.

از سوی دیگر، رسانه‌های تبلیغاتی عراق بارها دید و بازدیدهای صدام و سخنرانیهای روزمره‌ی وی را پخش می‌کردند و در این راه، کار را به جایی می‌رسانند که برخی از مردم عراق «عکس صدام را روی صفحه‌ی تلویزیون چسبانده و از کودکان خود می‌خواهند

که بدون روشن کردن تلویزیون به تماشای آن بپردازند» [۵۹۱] اقشار دیگری از مردم عراق در واکنش به یکنواخت شدن تلویزیون بغداد «تلویزیون را کنار گذاشته و به فیلمهای ویدیویی روی می‌آورند» [۵۹۲] البته، در این زمینه رژیم عراق نخست اقدام به مصادره‌ی دستگاههای ویدیویی مردم کرد، اما پس از ملاحظه واکنش منفی که حتی از سوی هواداران رژیم بعثی صورت گرفت، این رژیم با پیش‌گرفتن عرضه‌ی نوارهای مجانی ویدیویی - که در خدمت اهداف تبلیغاتی رژیم بودند - مشکل فوق را حل کرد.
«خریدن قلمها» [۵۹۳] ، اقدام دیگری است که در جهت تراشیدن بتی از صدام در پیش گرفته می‌شود. انتشار انبوهی از کتابهایی که به ستایش صدام پرداخته‌اند، برگزاری جشنواره‌ی «مربد» به عنوان محفل شعر و ادب اصیل عراق - که همه ساله در بصره تشکیل می‌شود -

[صفحه ۱۷۰]

و بتدریج به تریبونی جهت تمجید و تجلیل از صدام درآمده است؛ خرید شاعرانی که در خدمت اهداف نژادپرستی، ضداسلامی و هتاکی به حضرت امام بر می‌آیند، ایراد سخنرانیهایی در جهت ستایش صدام از سوی متفکران جامعه و...، از جمله دیگر اقدامات دستگاه تبلیغاتی عراق در جهت نشان دادن صدام به عنوان رهبری محبوب است. در این جهت، تنها کافی است بدانیم که «شفیق کمالی، شاعری که هزار بیت در وصف صدام سرود و او را به منزلتی فوق‌بشری ارتقا داد، به عنوان پاداش وزارت تبلیغات عراق را دریافت داشت» [۵۹۴] .
با توجه به گرایشات مذهبی مردم عراق گاهی رسانه‌های عراق از صدام چهره‌ای مذهبی ترسیم می‌کنند و وی را در حال زیارت عتبات مقدسه نجف اشرف و کربلا نشان می‌دهند و یا دایی صدام خیرالله طلفاح، با تهیه‌ی شجره‌نامه‌ای جعلی می‌کوشد تا «اصلیت صدام را به امام حسین (علیه‌السلام) و حضرت علی (علیه‌السلام) برساند» [۵۹۵] بخش فارسی رادیو بغداد در یکی از برنامه‌هایش درباره‌ی اصلیت روحانی صدام چنین می‌گوید:
«مردم عراق همچنان از رهبر خود آقای صدام حسین که از نوادگان حضرت علی (ع) است، حمایت می‌کنند و ما برای آنکه خلقهای ایران از شجره‌ی آقای صدام حسین آگاه شوند، فهرست شجره‌نامه‌ی آقای صدام حسین را می‌خوانیم و از زمامداران حاکم در تهران می‌خواهیم تا شجره‌ی (امام) خمینی را که اصل او هندی است و مسلمان نیست به آگاهی مردم ایران برسانند تا خلقهای ایران بدانند که کافر کیست، آیا نواده‌ی علی ابن ابیطالب (ع) و حسین بن علی (ع) کافر است یا روح الله... خمینی.
متن شجره‌نامه: صدام فرزند سید حسین، فرزند سید عبدالمجید، فرزند سید عبدالقادر، فرزند سید عمر بک ثانی، فرزند سید بکربک، فرزند سیدالامیر عمر، فرزند سیدالامیر شدید، فرزند سیدالامیر حسن، فرزند سیدالامیر علی، فرزند سیدالامیر حسین، فرزند سیدالامیر ناصر امیر عباده، فرزند سیدالمهدی، فرزند سید ابوالقائم محمد، فرزند سید حسن، فرزند سید احمدالاکبر، فرزند

[صفحه ۱۷۱]

سید موسی ثانی، فرزند سیدالامیر ابراهیم مرتضی، فرزند امام موسی کاظم (ع)، فرزند امام جعفر صادق (ع)، فرزند امام محمد باقر (ع)، فرزند امام زین‌العابدین (ع)، فرزند امام حسین ابن علی (ع) فرزند امام علی ابن ابیطالب (ع)» [۵۹۶] .
در هر حال دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق، در راه بت ساختن صدام چنان پیش می‌رود که «نام روستای محل تولد صدام را از «العوجه» به «ام‌القری» تغییر می‌دهد» [۵۹۷] تا نام محل تولد صدام، با نام مکه‌ی مکرمه، شباهتی پیدا کند و چنین القا کند که در این

نقطه از جهان نیز فردی همچون پیامبر چشم به جهان گشوده است. صدام در جشن تولدش در سال ۱۹۸۳ به اطرافیانش دستور می‌دهد پلاکارد بزرگی با عنوان «هدایت زاده شد» [۵۹۸] را تهیه کنند و به معرض دید عامه مردم بگذارند.

بنابر آنچه آوردیم، طبیعی است که دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق به گونه‌ای با سایر مسئولان رژیم برخورد کند که تفاوت آنها با صدام را تفاوتی ماهوی نشان دهد. از همین رو، این دستگاه تبلیغ می‌کند که «اعضای کادر رهبری حزب هنگام ظاهر شدن در برابر صدام دچار رعشه می‌شوند» [۵۹۹] و «وزرای کابینه و مسئولان عراقی برای روشن کردن سیگار صدام با یکدیگر مسابقه می‌گذارند».

در موارد دیگری تبلیغات عراق با تأکید بر اینکه «پیروزیهای ارتش عراق از لحاظ روانی اولین پیروزی اعراب پس از شکستهای فضاحت بار اعراب در جنگ حزیران و موافقتنامه‌ی کمپ دیوید است» [۶۰۰] و یا تبلیغ اینکه «تاکنون عراق در تاریخ گذشته‌اش هیچگاه نظیر امروز نیرومند، متحد و بیدار نبوده است» [۶۰۱] و... و با تأکید بر شخصیت جدید انسان عربی که در روند جنگ در حال شکل‌گیری است، سعی می‌کند به افکار عمومی مردم عراق بقبولاند که براستی صدام رهبر مورد نیاز جامعه‌ی عراق و مردم عرب، در جهان

[صفحه ۱۷۲]

متلاطم امروزی است.

به این ترتیب صدام در وضعیتی که بحران عظیمی عراق را فراگرفته است، موفق می‌شود با طرح شخصیت برتر و افسانه‌ای خویش به کنترل افکار عمومی مردم و نظامیان ارتش عراق نایل شود و از حمایت هر چه بیشتر آنها برخوردار شود.

حفظ موقعیت سیاسی - روانی صدام

پس از فتح خرمشهر، شکست ارتش عراق در خاک ایران به بارزترین وجه ممکن متجلی گشت و این سؤال برای همگان مطرح شد که آیا ارتش شکست خورده‌ی عراق در خاک خود نیز شاهد شکست نهایی خود (و یا شکست نهایی با سقوط روانی مردم و ارتش عراق) خواهد بود یا خیر؟

پس از شکست خرمشهر، رسانه‌های خبری جهان از «احتمال تغییر رژیم بغداد» [۶۰۲] سخن گفتند و اعلام کردند «به نظر می‌رسد صدام احتمالا از قدرت کناره‌گیری کند، صدام پس از شکستهای پیاپی عراق، دیگر مانند گذشته از جبهه‌ها دیدن نمی‌کند و در تلویزیون ظاهر نمی‌شود، و حتی تصمیم گرفته است شخصا موضع جدید عراق را اعلام کند و مسئولیت شکست در جنگ را برعهده بگیرد» [۶۰۳] ، اما به دلیل اینکه شکست عراق، شکست اهداف غرب و شرق در متوقف کردن امواج انقلاب اسلامی به شمار می‌آمد، غرب و شرق به شکلی یکپارچه به حمایت از عراق برخاستند و امریکا و اسرائیل در ترفندی دقیق و حساب شده تلاش کردند با تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان، به تجزیه‌ی نیروهای ایرانی بپردازند تا در فرصتی که به دست می‌آمد، با حمایتهای سیاسی، نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی عراق و فرسایش اقتصادی، نظامی و روانی هر چه بیشتر ایران، رژیم عراق را در برابر جمهوری اسلامی حفظ کنند.

پیش از ورود ایران به خاک عراق، آسوشیتدپرس از نیکوزیا درباره‌ی تفسیر سیاسی خبرگزاری جمهوری اسلامی در خصوص زمینه‌های حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان

می گوید:

«پیشنهاد صلح عراق درست یک هفته بعد از ملاقات کمال حسن علی، وزیر امور خارجه مصر با مناخیم بگین، نخست وزیر اسرائیل، داه شده است. مصر و اسرائیل، توافق کردند تا سیاستی را تنظیم کنند که بر اساس آن به حمایت از رژیم عراق برخاسته و از توسعه‌ی روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کنند» [۶۰۴] .

پس از آنکه اسرائیل با هماهنگی کامل امریکا و با هدف فریب یا تجزیه‌ی نیروهای ایران به جنوب لبنان حمله کرد و مناطقی از لبنان را به اشغال خویش درآورد، رژیم عراق در یک حرکت تبلیغاتی حساب شده اعلام داشت:

«عراق در پاسخ به درخواست کمیته‌ی صلح اسلامی برای پایان دادن به مخاصمات، به منظور رویارویی با تجاوزات دشمن صهیونیستی (اسرائیل)، به دنبال تصمیم اجلاس مشترک شورای انقلاب و شورای فرماندهی ملی حزب حاکم بعث، آمادگی خود را برای ایجاد یک آتش‌بس فوری در جبهه‌ی جنگ اعلام می‌دارد» [۶۰۵] .

عراق در این ترفند، ضمن اعلام پیشنهاد صلح به ایران گفت:

«آماده است نیروهایش را طی دو هفته از ایران فراخواند و آنها را به جبهه‌ی جنگ با اسرائیل بفرستد» [۶۰۶] .

در تاریخ ۸ / ۴ / ۶۱، عراق در حالی که «تنها از نقاطی که آسیب‌پذیری بیشتری داشت عقب‌نشینی کرده بود» [۶۰۷] ، در بیانیه‌ای که از سوی فرماندهی این کشور منتشر کرد به دروغ اعلام داشت که «نیروهای مسلح عراق خاک ایران را به طور کامل ترک کرده و در مرز بین دو کشور مستقر شده‌اند» [۶۰۸] .

بعلاوه عراق اعلام کرد «در صورتی که با خروج عراق از خاک ایران، تهدیدی از جانب

این کشور متوجه عراق باشد، با واکنش شدید عراق مواجه خواهد شد» [۶۰۹] .

عقب‌نشینی عراق از خاک ایران که از سوی رسانه‌های خبری جهان «عقب‌نشینی بدون آبروریزی» [۶۱۰] «یک ارتش شکست خورده» [۶۱۱] و «تلاش برای دستیابی به یک صلح آبرومندانه» [۶۱۲] تلقی شده بود، از سوی رژیم عراق اینگونه تبیین می‌شد:

«عراق تلاشهای خود را با هیأتهای وساطت تا خاتمه‌ی شرافتمندانه جنگ که از آغاز طالب آن بود، دنبال خواهد کرد، این تصمیم مسئولانه در درجه‌ی نخست مبتنی بر تضمینهای ذیل است، ۱. خنثی کردن بخش اعظم بهانه‌هایی که رژیم مرموز تهران برای ادامه‌ی جنگ طرح می‌کند؛ ۲. این پیشنهاد رژیم تهران را در برابر آزمایش حساسی قرار داده، مقاصد حقیقی او را در برابر افکار عمومی جهان برملا خواهد ساخت. در این موقعیت حساس که دشمن صهیونیستی لبنان را اشغال کرده و مقاومت فلسطین را در معرض نابودی قرار داده است، بر ماست که هوشیارانه آماده‌ی مقابله با هر گونه احتمالاتی باشیم و از آنجا که ما در تجربه‌ی عملی خود رابطه‌ای مستحکم میان پافشاری ایران بر ادامه‌ی جنگ و تجاوز صهیونیسم غاصب علیه لبنان و مقاومت فلسطینی‌ها کشف کرده‌ایم، بر ماست که این توطئه را فاش کنیم و تمام بهانه‌ها را از دست ایرانیها بگیریم. همانطور که آشکار است، در طول جنگ، برخی از حکام عرب جانب ایران را گرفته و برخی دیگر از برادران عرب به کمک عراق شتافته‌اند و قسمتی دیگر در عرضه‌ی کمک مردد بودند. این تصمیم مسئولانه‌ی ما بهانه را از آن دسته‌ای که به بهانه‌ی اشغال زمینهای ایران توسط عراق، جانب ایران را گرفته‌اند، خواهد گرفت و کشورهای عربی را در برابر مسئولیتهایشان قرار خواهد داد. احساس مسئولیت ما در برابر جنبش عدم

تعهـد و میزبـانی هفتمین اجلاس جنبش عـدم تعهـد در سپتامبر آینـده، ایجاب می‌کنـد که هر گونه بهانه‌ای را به منظور توطئه علیه نهضت

[صفحه ۱۷۵]

عـدم تعهـد و تضـعیف نقش عراق در ایـن جنبش خنـثی سـازیم. مـا معتقـدیم که این تصـمیم سـهم بسـزایی در گسـترش همکـاری سازنـده‌ی با نیروهای خیرخواه ملت ایران که با جنگ تجاوزکارانه‌ی (امام) خمینی علیه عراق مخالفت کرده‌اند، خواهد داشت. کما اینکـه راه را برای نیروهـای خیرخـواه طـالب صـلح و کشورهـای دوسـت، جهت جانبـداری از عراق علیه منبع تجـاوز و توسـعه‌طلبی هموارتر خواهد ساخت» [۶۱۳] .

تبلیغـات عراق پس از رد پیشـنهاد آتش‌بس ایـن رژیـم از سـوی ایران، اعلاـم کرد: «از مخـالفت ایران بـا اقـدامات مثبـت عراق، تنها قدرتهای بزرگ سود می‌برند» [۶۱۴] .

همچنین رادیو بغداد گفت:

«حکـام تهران از روی جهـل و کوته‌بینی تصور کرده‌انـد تصـمیم و اقـدام عراق در پایان دادن به جنگ نقطه ضـعف عراق است، در حالی که این حکام بعد انسانی و فرهنگی این اقدامات را به فراموشی سپرده‌اند» [۶۱۵] .

همزمان با مطرح شدن نقشه امریکا و اسـرائیل در تهاجم رژیم صـهیونیستی به جنوب لبنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد که یک سال و نیم جنایات و تجاوزات عراق را نادیده گرفته بود، وقتی احتمال ورود ایران به خاك عراق را بالا دید، برای حمایت سیاسی - روانی از صـدام به تلاش افتاد و در تاریـخ ۲۲ / ۴ / ۶۱، قطعنـامه‌ای را به تصویب رسانـد و طی آن خواسـتار برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق، همراه با پایان یافتن تمام فعالیتهای نظامی طرفین شد. در این قطعنامه همچنین از طرفین خواسته شده بود نیروهای خود را تا مرزهای شـناخته شده‌ی بین‌المللی عقب بکشند تا بلافاصله نیروهای ناظر سازمان ملل متحد جهت کنترل آتش‌بس به این منطقه اعزام شونـد. شـورای امنیت دوبـاره در طول عملیـات رمضـان هم چنـد بـار دیگر تشـکیل جلسه داد و از ایران و عراق خواست تـا به جنگ خاتمه دهند.

از سوی دیگر، امریکا، که با حذف نام عراق از مجموعه‌ی کشورهای حامی

[صفحه ۱۷۶]

تروریسم، آمادگی خود جهت از سرگیری روابط سیاسی با عراق را اعلام کرده بود، برای نمایش قدرت، از رژیمهای مرتجع منطقه خلیـج فـارس می‌خواهـد «تـا اجازه‌ی مانور نظامی امریکا در خلیـج فارس را بدهنـد که این تقاضا مورد قبول کشورهای عرب منطقه قرار نمی‌گیرد» [۶۱۶] هم عرض بـا تلاشـهای شورای امنیت سازمـان ملـل متحـد جهت حفظ موقعیت سیاسـی - روانی صـدام و پیام امریکا به کشورهای منطقه مبنی بر عـدم تمایل امریکا در شـکست خوردن عراق در جنگ و تلاش این کشور در نمایش قـدرت در خلیـج فـارس، سایر کشورهای غربی نیز ضـمن موضع گیریهای خود، آشـکارا به حمایت صـدام برمی‌خیزنـد. رادیو فرانسه با شـروع عملیات رمضان اعلام کرد: «سـقوط صدام سـبب سـقوط شـیخ نشینهای خلیج فارس خواهد شد» [۶۱۷] و وزیر خـارجه‌ی فرانسه در ملاقاتی که با وزیر خارجه عراق داشت «ضمن تاکید بر اهمیت عراق برای ثبات منطقه، حمایت دولت فرانسه را از عراق اعلام کرد» [۶۱۸] کلودشـسون در مصـاحبه بـا روزنـامه‌ی کویتی الانبـاء، با اظهار مجـدد حمایت فرانسه از عراق، اعلام کرد «برقراری موازنه در

منطقه نیازمند یک عراق مستقل است» [۶۱۹] .

پس از حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان و پس از موضع‌گیریهای شورای امنیت سازمان ملل متحد، امریکا، فرانسه و... در جهت حمایت سیاسی - روانی از صدام «رهبران کشورهای عرب خلیج فارس که برای پایان دادن به جنگ خواستار کناره‌گیری صدام شده بودند، متقاعد شدند که از دست دادن یک رهبر پرانرژی عرب، به صلاح آنها نیست.» [۶۲۰] ؛ از این رو، کشورهایی مانند عربستان، اردن و... به تکاپو افتادند و در تبلیغات خود از ایران به عنوان «رژیمی متجاوز که قصد دارد توجه جهانیان را از حمله به اسرائیل به لبنان منحرف سازد» [۶۲۱] یاد کردند.

رسانه‌های خبری عراق و غرب در تلاش دیگری سعی می‌کنند با تبلیغ «انگیزه‌دار

[صفحه ۱۷۷]

شدن نظامیان عراقی برای دفاع از خاکشان» [۶۲۲] ، ایران را در تصمیم درباره‌ی تهاجم به عراق، دچار تردید سازند. حمله‌ی اسرائیل به لبنان و تبلیغاتی که در این زمینه انجام می‌گیرد، نیروهای مردمی و نظامی ایران را دچار تردید می‌کند. دفتر سیاسی سپاه در این زمینه می‌نویسد:

«(در قضیه تهاجم اسرائیل به لبنان) ما هم تا مدتی در دام طرح هماهنگ امریکا، اسرائیل و رژیم بعثی عراق افتادیم و از ادامه‌ی جنگ غفلت ورزیدیم و به مسأله‌ی لبنان مشغول شدیم، ولی هشدار امام (مبنی بر اینکه راه قدس از کربلا می‌گذرد) جو کاذبی را که ما برای خود ساخته بودیم شکست» [۶۲۳] .

پس از فتح خرمشهر، امام امت در ملاقاتی که با مسئولان بلند پایه‌ی مملکتی و نظامی کشور داشتند، از آنها خواستند تا در موقعیت ایجاد شده یا با عراق صلح کنند و یا در صورت تمایل ورود به خاک عراق، متعهد شوند که تا آخر پیش بروند، و پس از آنکه اکثر مسئولان روی ورود به خاک عراق تأکید ورزیدند، حضرت امام امت این نظر را پذیرفتند و دستور ورود ایران به خاک عراق را دادند و به این ترتیب ایران کوشید تا با ساقط کردن رژیم بعثی عراق، زمینه‌ی تحقق انقلاب اسلامی در منطقه فراهم آورد.

سرنوشت جنگ

بعد از وقوع انقلاب اسلامی، استراتژیست‌های غرب نخست متوجه آسیب احتمالی غرب از اختلالات صدور نفت خلیج فارس، شدند؛ اما بلافاصله ویژگی مکتبی بودن انقلاب اسلامی توجه آنان را به خود جلب کرده و امپریالیسم امریکا با توسل به ترفندها، تهدیدها و ضربات مختلف به محصور کردن و از بین بردن انقلاب اسلامی اقدام کرد. پس از آنکه، توطئه‌های کودتا، تجزیه و ترور به موفقیت نینجامید، تجاوز نظامی عراق به عنوان آخرین راه چاره برای شکست انقلاب اسلامی مطرح شد. امریکا در مرحله‌ی اول جنگ انتظار داشت تا ضمن ادامه‌ی صدور نفت از خلیج فارس، با فرسایش ایران، مانع از

[صفحه ۱۷۸]

اوج‌گیری بنیادگرایی اسلامی در منطقه و دسترسی یافتن شوروی به آبهای گرم خلیج شود و با تحقق سناریوی کمان بحران و وابسته‌تر کردن هر چه بیشتر عراق به غرب، ضربه‌ای از دو سو به شوروی وارد آورد.

در مرحله‌ی اول جنگ ایران با تعرض نکردن به تأسیسات نفتی کشورهای مرتجع منطقه، مانع از صدور نفت به غرب نشد. همچنین

منافع کوتاه‌مدت شوروی این کشور را از تأثیرگذاری در جریان کلی جنگ بازداشت؛ حال آنکه شوروی می‌توانست با اتخاذ مواضعی مناسبتر، ایران را کمک کند تا احتمالا ـ کشورهای منطقه خلیج فارس را، که پایگاههای غرب در این منطقه‌ی از جهان بودند، از دست غرب خارج سازد. جذب تدریجی عراق به غرب نیز در مرحله‌ی اول جنگ با دادن تسلیحات مختلف به عراق و کشاندن این کشور به زیر بار وامهای متعدد بانگهای غربی ادامه یافت. اما در مرحله دوم جنگ، برخلاف مرحله نخست، که در آن ابتدا انتظار پیروزی عراق می‌رفت، اما بعد جنگ به موازنه قوا و توقف نسبی انجامید، در این حال جمهوری اسلامی با طرد عناصر کارشکنی چون بنی‌صدر و منافقین و با ایجاد وحدت بین ارتش و سپاه و پیش گرفتن برنامه‌های نظامی حساب شده، موفق می‌شود بن‌بست جنگ را بشکند و عراق را در چند عملیات بزرگ و پی‌درپی شکست دهد. به همین دلیل، در اواخر این مرحله از جنگ، امریکا و غرب از سویی و شورای امنیت سازمان ملل از سوی دیگر، برای حفظ موقعیت سیاسی - روانی صدام به تکاپو می‌افتند. در این مرحله امریکا دغدغه بسته شدن تنگه هرمز را نداشت، زیرا ایران در موضع قدرت بود و احتیاجی به این کار نداشت.

از سوی دیگر، شوروی نیز به دنبال مواضع قبلی خود، سرگرم منافع کوتاه مدتش بود و مانعی جدی برای اهداف امریکا ایجاد نمی‌کرد. بعلاوه عراق هم از نظر نظامی به غرب وابسته شده بود و هم با از دست دادن سریع ذخایر ارزی خود بسرعت زیر بار وامهای غرب می‌رفت و در ازای دریافت وامهای مختلف، وعده‌ی روابط بهتر با بلوک غرب را می‌داد.

نمایش قدرت دور از انتظار جمهوری اسلامی پس از مدتی موجبات نگرانی امریکا را فراهم آورده بود. زیرا پیروزی ایران بر عراق، نفت و سایر پایگاههای غرب در خلیج فارس را مورد تهدید قرار می‌داد و سبب می‌شد امریکا علی‌رغم میل باطنیش در خلیج فارس، مداخله‌ی نظامی کند. چرا که علی‌رغم شکست احتمالی ایران در این

[صفحه ۱۷۹]

رویارویی، اهداف انقلاب ایران هر چه بیشتر مردم کشورهای جهان سوم را تشویق می‌کرد و به آنها راه مبارزه را نشان می‌داد و ابهت امریکا را در سطح جهان درهم می‌شکست. از این رو، امریکا برای پرهیز از درگیری مستقیم با ایران، درصدد برمی‌آید مانع شکست عراق شود، و ضمن آنکه می‌کوشد دست جنایتکار خود را در جریان جنگ پنهان نگه دارد، از سویی با اعزام هیأتهای مختلف به ایران می‌کوشد این کشور را به سازش بکشاند، و از سوی دیگر می‌کوشد با منسجم کردن کشورهای عرب منطقه و ارسال تجهیزات نظامی بسیار زیاد از سوی همپیمانانش به عراق، به تقویت تکنولوژی جنگ عراق بپردازد.

به این ترتیب امریکا، همزمان با سودجویی از اختلافات داخلی مسئولان ایران، تحریم تسلیحاتی و اقتصادی ایران، عقب‌افتادگی تکنولوژی جنگ ایران از عراق و.. می‌تواند ایران را دچار چنان فرسایشی کند که از سر ناچاری به امریکا روی آورد و به این ترتیب تمامی اهداف امریکا محقق شود. از این رو، در اواخر مرحله‌ی دوم جنگ و اوایل مرحله سوم، امریکا با پیش گرفتن استراتژی شولتز می‌کوشد تا با تهاجم همه‌جانبه‌ی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود به ایران، این کشور را به فرسایشی بکشد و به تمامی اهداف خود دست یابد.

در این مرحله از جنگ که با پیروزیهای بزرگ شکست حصر آبادان در عملیات ثامن‌الائمه، آزادسازی بستان و رسیدن به هورالهویزه در عملیات طریق‌القدس، آزادسازی غرب شوش و دزفول در عملیات فتح‌المبین و آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس همراه بود، رسانه‌های خبری استکبار جهانی از پیروزیهای ایران خبر می‌دهند و از روحیه‌ی بالای مردم و رزمندگان اسلام سخن می‌گویند. البته، در ابتدای این مرحله، رسانه‌های خبری غربی از «تلاش ایران برای شکستن بن‌بست موجود در جنگ» [۶۲۴] ، سخن گفته بودند، اما با پیروزی ایران در عملیات طریق‌القدس - که دو ماه بعد از شکست حصر آبادان رخ می‌دهد، و

ارتباط سپاههای عراق را قطع می‌کند - رسانه‌های خبری غربی از «اطمینان یافتن ایران نسبت به شکست نهایی عراق» [۶۲۵] سخن به میان

[صفحه ۱۸۰]

می‌آورند و پس از پیروزی عملیات فتح‌المبین - که حدود سه ماه بعد از پیروزی ایران در منطقه‌ی عمومی بستان روی می‌دهد - دستگاههای تبلیغاتی غرب ناچار می‌شوند به «پیشی گرفتن ایران در جنگ» [۶۲۶] اعتراف کنند. اما دستگاههای تبلیغاتی غرب می‌کوشند ضمن اعتراف به پیروزی ایران، این پیروزیها را به نوعی بی‌اهمیت جلوه دهد. به عنوان مثال، بی.بی.سی می‌گوید: «به عقیده کارشناسان امور اطلاعاتی غرب، موفقیت ایران در عملیات اخیر قاطع نبوده است.» [۶۲۷] و بخش عربی همین رادیو ضمن اعتراف به پیروزیهای ایران، از «تلفات زیاد مالی و جانی وارده به نیروهای جمهوری اسلامی» [۶۲۸] سخن می‌گوید. در تحلیل دیگری، بی.بی.سی می‌گوید:

«پیروزی اخیر ایران به معنی قریب‌الوقوع بودن پایان جنگ نیست، چرا که هنوز بخشهایی از خاک ایران در تصرف نیروهای عراقی است که مناطقی از جبهه‌های مرکزی، و خوزستان را از آغاز جنگ در اشغال خود نگاه داشته‌اند» [۶۲۹] .

با فتح خرمشهر، دیگر رسانه‌های غربی از اینکه خبر پیروزیهای ایران را در هاله‌ای از ابهام و تردید مطرح کنند، ابا دارند و از پیروزی قریب‌الوقوع ایران در جنگ سخن می‌گویند. آبزرور در این باره می‌نویسد:

«لشکریان ظفرمند ایران، آیت الله خمینی را در چنان موقعیتی قرار داده‌اند که از دیرباز آن را در سر می‌پروراند، به طوری که وی قادر است هر لحظه رژیم بعثی غیرمذهبی بغداد را نابود ساخته و یک جمهوری اسلامی از نوع جمهوری خود را در آنجا جایگزین کند» [۶۳۰] .

و رادیو آمریکا «از احتمال اینکه صدام حکومتش را به (امام) خمینی ببازد» [۶۳۱] یاد می‌کند. علاوه بر این، موضوع عقب نشینی‌های متعدد سیاسی بغداد و اصرار ایران به حصول تمامی شرایط اولیه‌ی این کشور، مورد توجه و بحث رسانه‌های خبری جهان قرار می‌گیرد.

[صفحه ۱۸۱]

به عنوان مثال: رویتر از لندن طی گزارشی می‌نویسد:

«منابع سیاسی در تهران می‌گویند: رهبران روحانی در ایران معتقدند هر چقدر فشار بیشتری بر عراق وارد شود، عراق وادار خواهد شد که امتیازات بیشتری به ایران واگذار کند. در حالی که عراق در مرز مستقر شده است، ایران خواستار مبلغ گزاف ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت جنگی، محاکمه‌ی صدام به عنوان یک جنایتکار جنگی و بازگشت چند هزار رانده شده عراقی شده است. عراق، دیروز در یک واکنش که از نظر تهران بیانگر تأثیر فشار بر بغداد است، گفت: آماده است که به مسلمانان شیعه‌ی رانده شده از عراق اجازه دهد برای زیارت اماکن مقدسه به عراق بازگردند. کشورهای خلیج که در جنگ از عراق حمایت کرده‌اند، پذیرفته‌اند که ۲۵ میلیارد دلار به ایران بپردازند، دولت عراق هیچ نوع تعهدی را نسبت به پرداخت غرامت به عهده نگرفته است. سرهنگ صیاد شیرازی در مصاحبه‌ای، امروز گفت: ایران بیش از این نمی‌تواند بمباران شهرهای خود را توسط عراق تحمل کند و تا زمان قبول شرایط خود از جانب عراق منتظر نخواهد ماند. کیهان از قول وی نوشت: ما نمی‌توانیم تا زمان قبول حقوقمان منتظر شویم. ما باید

دشمن تجاوزگر را تا نابودی کامل آن تعقیب کنیم» [۶۳۲] .

روحیه‌ی بالای مردم و رزمندگان اسلام نکته‌ی مهم دیگری است که در این مرحله از جنگ، توجه رسانه‌های خبری استکبار جهانی را در به خود جلب می‌کند. بی.بی.سی در تحلیلی که پس از عملیات بزرگ فتح‌المبین دارد «ضمن تأکید بر کمبود کالاهای اساسی، افزایش سریع تورم و بیکاری و ادامه‌ی روند اعدامها» از «روحیه خوب مردم و نیروهای ایرانی» [۶۳۳] خبر می‌دهد. بخش عربی بی.بی.سی نیز ضمن اظهار شگفتی «از اعلام آمادگی ایران برای حمله در جبهه‌های غرب و جنوب، که توسط رادیو تهران پخش شد»، نتیجه می‌گیرد «این بیانیه‌ی غیرعادی نشان می‌دهد ایرانیها به خود اعتماد داشته، احساس می‌کنند

[صفحه ۱۸۲]

به پیروزی نزدیک هستند» [۶۳۴] .

علی رغم اینکه رسانه‌های خبری غرب از پیروزیهای ایران و روحیه بالای مردم و رزمندگان ایران سخن می‌گویند، گاه با تأکید بر برخی نقاط ضعف ایران، نسبت به شکست ایران امیدوار می‌شوند.

پس از عملیات فتح‌المبین، رویتر طی گزارشی از لندن، از قول تحلیلگران نظامی می‌گوید:

«ایرانیها با دادن تلفات سنگین، قیمت گزافی برای پیروزی خود پرداختند. عنصر اصلی در این حمله، نیروهای انسانی پاسدار بود. یک تحلیلگر گفت: می‌توان انتظار داشت که ایرانیها در عملیات آتی خود در غرب اهواز از تاکتیک مشابه این حمله استفاده کنند. آنها به روال جنگ جهانی اول هنوز از نیروهای انسانی استفاده می‌کنند، ولی معلوم نیست تا چه مدتی این عمل می‌توانند ادامه داشته باشد» [۶۳۵] .

دیدگاه غیر واقع بینانه‌ی ایران مسأله دیگری است که استکبار جهانی و عراق را امیدوار می‌سازد؛ زیرا در حالی که جنگ فقر و غنا در ایران مسکوت مانده بود، ایران اصرار داشت تا صدام که به تحریک امریکا به ایران حمله کرده بود، به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه شود، حال آنکه محاکمه‌ی صدام، که محاکمه غرب به شمار می‌آمد، به دست خود غرب، امری محال بود. شعارهای برخی از مسئولان دیگر ایران مبنی بر اینکه «باید در عراق نظام جمهوری اسلامی سرکار بیاید» یا اینکه «ایران پس از ساقط کردن عراق برای مقابله با نیروهای مهاجم اسرائیلی به خاک لبنان، تا خاک این کشور پیشروی خواهد کرد» [۶۳۶] و... در وضعیتی که معضلات اساسی اقتصادی نظام حل نشده باقی مانده بود، موجبات امیدواری هر چه بیشتر عراق و استکبار جهانی را نسبت به آینده‌ی جنگ فراهم می‌کرد.

آمریکا با توجه به نقاط ضعف ایران و دید غیر واقع بین این کشور، که بهترین

[صفحه ۱۸۳]

زمینه را برای فرسایش ایران فراهم می‌آوردند، در برخورد با تزلزل عمیق صدام و ارتش عراق در مقابله با ایران، ضمن کناره‌جویی ظاهری و حفظ بی‌طرفی در امر جنگ، می‌کوشید تا ضمن حمایت سیاسی - روانی صدام، تکنولوژی جنگ افزارهای عراق را به سطحی بسیار بالاتر از ایران ارتقا دهد تا این عامل اساسی، مجددا موازنه به هم خورده بین ایران و عراق را به تعادل نزدیک سازد. از این رو امریکا در مرحله‌ی دوم جنگ هم برای پنهان نگاه داشتن دست خویش در شکل‌گیری و ادامه‌ی جنگ اعلام می‌کند: «بر سر مواضع بی‌طرفانه خویش در قبال جنگ اصرار می‌ورزد» [۶۳۷] ، اما رسانه‌های خبری غرب، آشکارا از احتمال بسیار زیاد

پیروزی ایران سخن می گفتند پیروزی که سبب می‌شد «ضمن به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، ایران میلیاردها دلار پول به عنوان غرامت دریافت دارد و از همه مهمتر بنیادگرایی اسلامی را در خلیج فارس دامن بزند» [۶۳۸] و «کنترل ۶۰ تا ۷۰ درصد از واردات نفت کشورهای اروپای غربی و ژاپن در اختیار ایران قرار بگیرد» [۶۳۹] همچنین، ایران با پیروزی در جنگ، ضمن «به خطر انداختن امنیت امریکا در خلیج فارس» [۶۴۰] ، «منافع امریکا را در معرض تهدید قرار می‌داد» [۶۴۱] .

بنابراین، امریکا که با دادن ۴ آواکس به عربستان در عمل امکانات لازم برای شناسایی هواپیماهای جنگنده‌ی ایران را در اختیار عراق قرار داده بود، به «فروش اسلحه به کشورهای خلیج فارس و تشویق این کشورها به ارسال سلاحهای خریداری شده به عراق» [۶۴۲] می‌پردازد و با توجه به اینکه کشورهایی نظیر ایتالیا بدون اجازه‌ی امریکا حق صدور تجهیزات نظامی به کشورهای دیگر را نداشتند، امریکا صدور تجهیزات نظامی توسط این کشورها به عراق را کاملا نادیده می گیرد.

در جریان عملیات رمضان، امریکا چنان وحشت‌زده می‌شود که سناتور گلدواتر، از کنگره می‌خواهد تا «امریکا به استثنای اعزام پرسنل، از هر جهت به کشورهای عرب

[صفحه ۱۸۴]

دوست خود کمک کند» [۶۴۳] ارسال سیلی از تجهیزات نظامی پیشرفته به عراق سبب می‌شود این کشور - که در مرحله اول جنگ از نظر تجهیزات نظامی در سطح ایران و چه بسا در سطحی پایینتر از ایران قرار داشت - از نظر تجهیزات نظامی پیچیده و مدرن بر ایران پیشی بگیرد. به عنوان مثال، اگر در اوایل جنگ رسانه‌های خبری جهان از «سه برابر بودن نیروی هوایی ایران در مقایسه با نیروی هوایی عراق» [۶۴۴] سخن می گفتند و صدام «از مقابله میگ ۲۱ عراق در برابر اف ۱۴ ایران به خود می‌بالید» [۶۴۵] و رسانه‌های خبری جهان «تعداد تانکهای دو کشور را مساوی همدیگر» [۶۴۶] اعلام می کردند، از اواسط مرحله‌ی اول جنگ از پیشی گرفتن تجهیزات نظامی عراق در جنگ یاد می کنند. صدام در یکی از مصاحبه‌هایش می گوید:

«در آینده‌ی نزدیک، هواپیما و تانک و توپ بیشتری در اختیار ما قرار می گیرد که حتی از آغاز جنگ هم مجهزتر خواهیم شد... من ایرانیها را مجبور خواهم کرد تا برای صلح زانو بزنند و تضرع کنند» [۶۴۷] .

اما در مرحله‌ی دوم جنگ انعکاس پیشی گرفتن تکنولوژی جنگ عراق نسبت به ایران در رسانه‌های خبری جهان به شکل بسیار بارزی نمود دارد؛ زیرا عراق برای جبران ضعف روحیه و مزیت برتری نیروی انسانی ایران، ناگزیر است به تکنولوژی پیچیده‌تر و قدرت آتش بیشتر متکی باشد. از همین رو، نه تنها عراق در این مرحله از جنگ «از شوروی جنگنده‌های پیشرفته میگ ۲۷ دریافت می کند» [۶۴۸] و «نسبت به ایران برتری هوایی پیدا می کند» [۶۴۹] ، «بلکه به تهیه و ذخیره‌ی عوامل شیمیایی می‌پردازد» [۶۵۰] و با برخورداری از حمایتهای بی‌دریغ کشورهای غربی، به سوی دستیابی به بمب اتمی پیش

[صفحه ۱۸۵]

می‌رود تا جایی که خبرگزاریهای جهان اعلام می کنند: «عراق طی دو سال آینده صاحب بمب اتمی خواهد شد» [۶۵۱] صدام در موارد متعددی از «ایجاد یک راکتور هسته‌ای بهتر از راکتور قبلی عراق - که در اوایل جنگ توسط جنگنده‌های اسرائیل تخریب شد -» [۶۵۲] ، «تحویل راکتور جدید فرانسه به عراق» [۶۵۳] و کوشش عراق «برای دستیابی به بمب اتمی» [۶۵۴] یاد می کنند، اما در همین مرحله از جنگ به علت تحریم غیرعلنی ایران، مسئولان نظامی ایران خود را مجبور می‌بینند، برای تهیه حداقل سلاحهای

ممکن به واسطه‌ها و کشورهای متعددی روی آورند و پس از سرگردانیهای بسیار زیاد و پرداخت قیمتهای چند برابر، برخی از احتیاجات خویش را تأمین کند.

امریکا برای در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی، سعی می‌کند بین ایران و عراق آتش‌بس برقرار شود تا عراق - که نسبت به پایداری او در برابر تهاجمات جمهوری اسلامی تردید ایجاد شده بود - برای تقویت خویش فرصتی پیدا کند و بتواند دوباره ایران را مورد تعرض قرار دهد و یا حداقل امریکا به رژیم سازشکاری که مطابق با سناریوی امریکا قرار بود در آینده جانشین حکومت تهران شود، نزدیک گردد. کسینجر طی مقاله‌ای در واشنگتن پست با اشاره به همین مسأله می‌نویسد:

«اگر عراق جنگ را برده بود، امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه آنقدر که اینک در خطر قرار دارد دچار مخاطره نمی‌بود. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ماست که هر چه زودتر در این منطقه آتش‌بس برقرار کنیم و بتدریج با رژیم سازشکاری که در آینده احیانا جایگزین رژیم ایران می‌شود، نزدیک شویم» [۶۵۵] .

برای تحقق این سناریو «امریکا ضمن تماس با رهبران کشورهای اسلامی و غیر متعهد، از آنها می خواهد تا بین ایران و عراق میانجیگری کنند» [۶۵۶] بعلاوه سایر همپیمانان امریکا نظیر

[صفحه ۱۸۶]

انگلستان در این زمینه دست به تلاش می‌زنند. برای مثال انگلستان «از نخست‌وزیر هند می‌خواهد تا واسطه مذاکرات صلح ایران و عراق شود» [۶۵۷] .

همزمان با این تلاشها، امریکا می‌کوشد تا از وابستگی جهان به نفت خلیج فارس بکاهد. به همین دلیل، افتتاح خطوط لوله نفتی عراق و برخی از کشورهای منطقه، که نفت را از راهی جز خلیج فارس صادر می‌کردند، برای کاهش وابستگی جهان به نفت خلیج فارس، مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف بعدی امریکا پس از فرسایش جمهوری اسلامی مانند قبل، دور نگاه داشتن شوروی از خلیج فارس بود. با بررسی مواضع شوروی مشخص می‌شود در این مرحله هم شوروی راهی را طی می‌کند که ایده‌آل امریکا بود.

شوروی، در مرحله‌ی اول جنگ، انقلاب ایران را انقلابی ضد امپریالیستی خوانده بود اما می‌دانست که برخورد با ایران، که از سویی پایگاههای جاسوسی امریکا را در مرزهای شمالی خود برچیده بود و از سوی دیگر، تجاوز شوروی به افغانستان را محکوم کرده بود و به مقاومت افغانستان کمک می‌کرد، دشوار است، اما در هر صورت، نفوذ در ایران جاذبه‌های بسیاری برای شوروی دربر داشت.

در کنار این مسأله، روابط متشتت و آشفته‌ی عراق با شوروی و میل کردن این کشور به سمت غرب و سختگیریهای بسیاری که بر سر راه حزب کمونیست عراق ایجاد شده بود، اسباب تردید شوروی در آینده سیاسی عراق را فراهم می‌آورد. در نهایت، شوروی به سبب پوشش مناسبی که جنگ ایران و عراق برای تجاوز وی در افغانستان ایجاد کرده بود و به دلیل جلب رضایت هر دو کشور ایران و عراق، اعلام بی‌طرفی می‌کند، و به این ترتیب، در مرحله نخست جنگ، شوروی برای دستیابی به منافع کوتاه‌مدتی که فراروی خود می‌دید، از تأثیرگذاری در روند کلی جنگ غافل ماند.

در مرحله دوم جنگ هم نظیر مرحله نخست جنگ، عملا منافع کوتاه‌مدت شوروی از حمایت نسبی ایران، که می‌توانست احتمالا تزلزل و سقوط کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس - که پایگاههای امریکا در منطقه محسوب می‌شدند - را فراهم آورد، سرباز زد و همانطور که بعدها خواهیم دید، شوروی با این مواضع، نه تنها در سطح منطقه بدون تأثیر باقی می‌ماند بلکه عراق را هم از دست می‌دهد.

[صفحه ۱۸۷]

شوروی در مرحله‌ی دوم جنگ علی‌رغم آنکه روابط تسلیحاتی «مستقیم» [۶۵۸] و «از طریق کشورهای ثالث» [۶۵۹] با ایران دارد و گاه توسط امریکا محکوم می‌شود که «در نظر دارد از تهاجم ایران به خاک عراق حمایت کند» [۶۶۰] و تهدید می‌شود «تهاجم ایران به خاک عراق به حساب شوروی گذاشته خواهد شد و باید این کشور منتظر واکنش شدید امریکا و سایر کشورهای عرب باشد» [۶۶۱] ، این کشور به طور جدی، به حمایت عراق می‌پردازد و با صدرو انواع سلاحهای پیشرفته نظیر «هواپیمای جنگنده میگ ۲۷» [۶۶۲] و «تانکهای تی ۷۲، تی ۷۴ و تی ۷۶، موشکهای زمین به زمین، موشکهای سام و...» [۶۶۳] این کشور را قادر می‌سازد تا در برابر تهاجم سپاه اسلام مقاومت کند. بعلاوه، شوروی در حالی که در تبلیغات خود «عراق را ضد امپریالیست و ضد صهیونیست معرفی می‌کرد» [۶۶۴] ایران را هم ضد امپریالیسم می‌خواند و می‌گفت «جنگ توسط امریکا ایجاد شده است» [۶۶۵] و در این جنگ «کشورهای (مرتجع) مصر، اردن، عربستان سعودی طرفدار عراق و (کشورهای مترقی) سوریه، لیبی، الجزایر و یمن دموکراتیک طرفدار ایرانند.» [۶۶۶] ، اما هیچگاه حملات خود را به طور جدی متوجه عراق نکرد. شوروی گاهی با مطرح ساختن پیمان دوستی و همکاری ۱۹۷۲ عراق با شوروی، به طور ضمنی به تهدید ایران می‌پرداخت که در صورت پایمال شدن منافع شوروی در عراق، این کشور ساکت نخواهد نشست.

به هر حال، شوروی که به بهانه‌ی بی‌طرفی در جنگ «هیچگاه حاضر نشد حمله به مناطق مسکونی ایران توسط عراق را محکوم کند» [۶۶۷] ، پس از فتح خرمشهر و احتمال

[صفحه ۱۸۸]

شکست خوردن نهایی عراق، همچون دیگر کشورهای حامی عراق (نظیر اردن که از شورای امنیت سازمان ملل خواستار محکومیت تهاجم احتمالی ایران به عراق شده بود) ضمن «مثبت خواندن مواضع عراق در عقب کشیدن نیروهایش از ایران» [۶۶۸] ، «آرزو می‌کند تا کوششهای شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه به موفقیت بینجامد» [۶۶۹] به این ترتیب، موضع‌گیریهای شوروی در مرحله‌ی دوم جنگ نیز به مواضع کشورهایی نظیر اردن نزدیک می‌شود. و موجبات خشنودی هر چه بیشتر امریکا، که در پی دور نگاه داشتن شوروی از برخورد فعال در زمینه‌ی جنگ عراق و ایران بود، را فراهم می‌آورد و امریکا با آرامش خیال، نقشه فرسایش ایران و تحقق سناریوی کمان بحرا و جلوگیری از دسترسی شوروی به آبهای خلیج فارس را دنبال می‌کند.

امریکا، در مرحله‌ی دوم جنگ هم موفق می‌شود با یاری کشورهای غربی، عراق را هر چه بیشتر سوی بلوک غرب بکشاند. فرانسه که پیش از جنگ تحمیلی با خرید ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز از عراق، نخستین خریدار نفت این کشور به حساب می‌آمد، با شروع جنگ و کاهش نفت عراق متحمل فشار زیادی می‌شود، اما چون فرانسه در پی منافع بلندمدت خود بود، هیچگاه به عراق فشار وارد نیاورد که به جنگ خود با ایران خاتمه دهد. علاوه بر این، کاهش صادرات نفت عراق موجب کاهش صادرات فرانسه به عراق نمی‌شود و «میزان صادرات فرانسه به عراق در سال ۱۹۸۱، ۷۳ درصد رشد داشت و در سال ۱۹۸۲ هم به همین میزان افزایش می‌یابد» [۶۷۰] به این ترتیب، فرانسه جای خود را در اقتصاد عراق پس از ژاپن و آلمان همچنان حفظ می‌کند. کشورهای دیگری مانند انگلیس نیز همچون فرانسه و آلمان، در مرحله‌ی دوم جنگ صادراتشان را به عراق تا چند برابر افزایش می‌دهند و قراردادهای وسیعی جهت تداوم این روابط با عراق منعقد می‌سازند. این کشورها همچنین عراق را در دام وامها و اعتبارات خویش گرفتار

می‌سازند و عراق را مجبور می‌کنند «قول دهد که در برابر این کمکها، رفتار مطلوبی در برابر

[صفحه ۱۸۹]

متحدان کشورهای غربی وام‌دهنده، داشته باشد» [۶۷۱] به این ترتیب، در این مرحله از جنگ، طرح وابسته‌تر کردن هر چه بیشتر عراق به غرب به شکل مطلوب خود پیش می‌رود و اهداف چهارگانه‌ی امریکا در مرحله‌ی نخست جنگ که عبارت از حفظ صدور نفت از خلیج فارس، جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی و فرسایش ایران؛ دورنگاه داشتن شوروی از خلیج فارس و تحقق سناریوی کمان بحران و جذب عراق به بلوک غرب بود، در این مرحله از جنگ هم کمابیش با موفقیت دنبال می‌شود.
نکته قابل ذکر دیگر در این زمینه این است که هر چند «امریکا در پی فرسایش ایران در جنگ بود» [۶۷۲] و امید داشت «جنگ باعث نزدیکی ایران به امریکا شود» [۶۷۳] با وجود این، در صورتی که نمی‌توانست ایران را در خلیج فارس کنترل کند و منافعش به خطر می‌افتاد، قصد داشت دست به مداخله‌ی نظامی در منطقه بزند. بنابراین، امریکا در مرحله‌ی دوم جنگ «امکانات لازم برای دخالت نظامی در خلیج فارس را تدارک می‌بیند» [۶۷۴] و «خود را آماده مداخله در خلیج فارس نگاه می‌دارد» [۶۷۵] .

[صفحه ۱۹۰]

خلاصه فصل

در این فصل به بررسی ترسیم چهره‌ای منفی از ایران، تلاش برای بی‌انگیزه کردن ارتش و مردم، الزامی کردن حضور مردم و ارتش در جنگ، قلب ماهیت جنگ، صلح‌طلبی عراق، زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، رابطه‌ی ایران با اسرائیل، رابطه‌ی ایران با امریکا، تلاش در جهت قومی کردن جنگ، حفظ روحیه‌ی ارتش عراق، مطرح شدن صدام به عنوان رهبر برتر، حفظ موقعیت سیاسی - روانی صدام و سرنوشت جنگ پرداخته شده است.
در بحث از ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران بیان شد که عراق همچون مرحله‌ی نخست جنگ تلاش می‌کند با این کار زمینه‌ی ذهنی لازم برای مقاومت و نبرد برای مردم و نظامیان عراقی را فراهم آورد. از این رو مضامینی نظیر نفی عقیدتی بودن جنگ، رابطه‌ی جمهوری اسلامی با امریکا و رژیم اشغالگر قدس، تلاش ایران جهت تغییر کانون بحران خاورمیانه از اسرائیل به خلیج فارس، قتل عام اسرا، اعزام کودکان به جبهه‌ها، تلاش ایران برای سرپوش نهادن بر بحرانهای سیاسی و داخلیش با تعقیب جنگ، تمایلات توسعه طلبانه‌ی ایران و تلاش برای تسخیر کربلا و نجف و توسعه‌طلبی عقیدتی ایران، به عنوان مهمترین محورهای تبلیغاتی عراق مطرح شده‌اند.
در محور تلاش برای بی‌انگیزه کردن ارتش و مردم ایران، عراق ضمن تبلیغ موضوعاتی همچون انحلال تدریجی ارتش ایران، سرگرم کردن ارتش در مرزها، از بین بردن ارتش، مخالفت ارتش با ورود به خاک عراق، اختلافات سپاه و ارتش و... تبلیغ ضعف تسلیحاتی ایران، ضایعات انسانی و مادی بسیار زیاد جنگ، اختلافات داخلی مسئولان ایران، عملکردهای غیراسلامی مسئولان جمهوری اسلامی پرداخته و می‌کوشد تا با تحریف پیروزیهای سپاهیان توحید و زدن تهمتهایی نظیر بمباران وحشیانه مردم و اماکن مقدسه‌ی عراق، دفاع مقدس آنان را زیر سؤال ببرد. در همین راستا، تبلیغات دیگری مانند وجود روابط پنهان با امریکا و رژیم اشغالگر قدس بر آن مضامین افزوده شود.

[صفحه ۱۹۱]

در مبحث الزامی کردن حضور مردم و ارتش عراق در جنگ، گفته شد که رژیم عراق در تلاش برای اعزام نظامیان و افراد غیرنظامی عراقی به جبهه‌ها، با توسل به ترفندهایی همچون تطمیع نظامیان و غیرنظامیان عراقی برای برخوردار شدن از مزایای اعزام به جبهه، تحریک غیرت مردان عرب (با دامن زدن به تبلیغاتی همچون به اسارت بردن زنان عراقی به تهران، غصب خاک و منابع عراق، و تغییر مذهب مردم این کشور در صورت شکست عراق در جنگ) و تهدید و ارعاب نظامیان و غیرنظامیان عراقی (با تصفیه رده‌های بالای مخالف جنگ حزب بعث، بازداشت خانواده افراد فراری از جبهه، اعدام افراد فراری از جبهه و...) سعی می کند تا نیروی لازم را جهت مقابله با سپاهیان اسلام فراهم آورد. همچنین گفته شد که عراق نه تنها در این امر موفق شد، بلکه با گسترش سازمان رزم عراق بتدریج از ایران نیز پیشی می گیرد.
در مبحث قلب ماهیت جنگ توسط عراق، بیان شد که عراق همچون مرحله‌ی نخست، ضمن تبلیغ در خصوص داعیه صلح‌طلبی خود، و جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران، وقوع جنگ را ناشی از تلاش مشترک ایران، صهیونیسم و امریکا برای مقابله با عراق می‌داند. عراق همچنین به دلیل حمایتهای ضمنی سوریه و لیبی از ایران، به رهبران این دو کشور عنوان «خیانتکاران به قوم عرب و کارگزاران اتحادی نامقدس» را می‌دهد.
در مبحث صلح‌طلبی عراق، ادامه تبلیغات صلح‌طلبی این کشور برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت جنگ، تغییر جو تبلیغات جهانی از مخالفت با عراق به جو موافق، حفظ روحیه‌ی مردم و نظامیان عراقی - که بی‌اختیار به عرصه‌ی جنگی خشونت‌بار کشیده شده بودند - جلوگیری از اضمحلال تدریجی ارتش عراق در برابر نیروهای انسجام یافته ایران، مورد بحث واقع شده است. عراق در این مرحله، مستقیم و غیرمستقیم (از طریق شورای امنیت سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای غیرمتعهد) می کوشد تا ایران را به پذیرش صلح ترغیب و وادار کند، و در این راستا، نه تنها صدام اعلام می کند که برای دست‌یابی به صلح، حاضر است به تهران بیابد، بلکه عراق حاضر می‌شود امتیازات بسیاری به ایران بدهد. اما ایران با نپذیرفتن درخواستهای عراق و جامعه‌ی جهانی، از سوی عراق و حامیان شرقی و غربی وی به جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی متهم می‌شود و دستگاههای تبلیغاتی نیز از این موقعیت بهره‌برداری لازم را می کنند.
در اواخر مرحله‌ی دوم جنگ، که عراق خود را در معرض شکست قطعی می‌دید،

[صفحه ۱۹۲]

با دادن پیشنهاد صلح به ایران و اعلام اینکه برای رویارویی با اسرائیل - که به جنوب لبنان حمله کرده بود - از مناطق اشغال شده‌ی ایران عقب‌نشینی کرده است، دوباره با استفاده از ترفند صلح‌طلبی خویش، برای عقب‌نشینی مفتضحانه‌ی ارتش بعثی از خاک ایران، پوشش خوبی فراهم می‌سازد.
در مبحث زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، از تلاش عراق در قومی کردن جنگ، و مخدوش شدن این تلاش با موضع گیری کشورهای عضو جبهه‌ی پایداری عرب، یاد شد. عراق در برخورد با کشورهای سوریه و لیبی، که مواضع آنها مخالف عراق بود، سعی دارد رهبران و مواضع این کشورها را محکوم کند و در برخورد با کشورهای الجزایر و یمن جنوبی، که بیشتر به دنبال روابط اقتصادی با ایران بودند، می کوشید مانع گسترش این روابط شود. حمله به هواپیمای وزیر خارجه‌ی الجزایر در آسمان ایران هم

کوششی در این جهت بود.

در بحثهای رابطه با اسرائیل و امریکا، دستگاه تبلیغاتی عراق که مدعی ارتباطهای نزدیک تسلیحاتی، اطلاعاتی، مشورتی و نظامی هر دو رژیم مزبور با ایران بود، و از وحدت استراتژیک ایران و رژیم اشغالگر قدس سخن می گفت، اعلام می کند «ایران اسب تروای صهیونیست‌ها است» و «راه رسیدن به قدس از تهران می گذرد» و... به این ترتیب، عراق می کوشد تا نظامیان و افکار عمومی را متقاعد سازد که جنگ ایران و عراق، جنگی آرمانی است. این کوشش عراق، با القای رابطه‌ی ایران با اسرائیل و امریکا توسط مقامات و رسانه‌های خبری ارتجاع عرب، استکبار جهانی و خود رژیم اشغالگر قدس تقویت می‌شد و بر تأثیر تبلیغات عراق در این جهت می‌افزود.

در مبحث تلاش عراق در قومی کردن جنگ، بیان شد که عراق در مرحله دوم جنگ نیز با استناد به تدارک کودتا توسط عوامل ایرانی در بحرین، تجاوز هوایی ایران به حریم کویت و تبلیغ حمله‌ی ایران به تأسیسات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تلاش کرد تا چشمداشت ایران به کل کشورهای عربی را اثبات کند و در نتیجه، آنان را به حضور در جنگ ترغیب کند. سران کشورهای منطقه که دارای روحیه‌ی محافظه کارانه‌ی سنتی بودند، هیچگاه جرأت رویارویی مستقیم با ایران را نیافتند، اما تا جایی که می توانستند از کمکهای اقتصادی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی به عراق کوتاهی نمی کردند و با در اختیار قرار دادن جاده‌ها، بنادر و فرودگاههای خود به این رژیم، به تقویت هر چه

[صفحه ۱۹۳]

بیشتر عراق در برابر تهاجمات سپاه اسلام پرداختند. روی هم رفته، حضور سربازان کشورهای عربی (که به حضور نیروهای نظامی ۱۴ کشور در جنگ هم رسید)، نمایانگر توفیق عراق در قومی کردن جنگ بود.

در بحث حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق در مرحله دوم جنگ، که با شکستهای سنگین ارتش عراق توأم بود، خاطرنشان شد که تبلیغات عراق برای حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش این کشور، با توسل به انواع ترفندهای تبلیغاتی خود، بشدت در تلاش بود تا مانع سقوط روحیه مردم و ارتش عراق شود. از این رو، دستگاه تبلیغاتی عراق در قسمتی از تبلیغات خود روشهای تحمیق، تطمیع و تهدید را درباره‌ی مردم و نظامیان خویش به کار می گیرد.

رژیم عراق با دامن زدن به فساد در جامعه، سرگرم کردن مردم با جشنواره‌های مختلف رقص و آواز و خریدن قلمها، روزنامه‌ها و رادیوها و تحریف واقعیات جنگ، به تحمیق مردم خویش پرداخت و با اعطای انواع مدالها و نشانهای شجاعت و پاداشهایی نظیر پول خانه، اتومبیل و... به نظامیان عراقی در این جهت گامهای مؤثری برداشت.

علاوه بر این موارد، این رژیم با پیش گرفتن روشهای تهدیدآمیز، ضمن مصادره‌ی اموال نظامیان پناهنده و ملزم ساختن همسران آنها به گرفتن طلاق غیابی از آنان، خانواده‌ی نظامیان فراری از جبهه را تحت فشارهای مختلف قرار می‌داد و حتی با قطع حقوق افرادی که تا آخرین لحظه مقاومت نکرده و به اسارت سپاهیان توحید درآمده بودند، نظامیان عراقی را مجبور می‌ساخت برای نجات خانواده‌هایشان هم که شده، دست از مقاومت نکشند.

رژیم عراق در قسمتهای دیگری از تبلیغات خود، با تبلیغات شکست سیاست امواج انسانی ایران، اعزام کودکان به جبهه‌ها، تشتتهای داخلی ایران، تلفات سنگین جمهوری اسلامی، عقب‌ماندگی تکنولوژی جنگ ایران و تبلیغ پیشی گرفتن تکنولوژی جنگ عراق بر ایران، و برتری یافتن سازمان رزم عراق بر جمهوری اسلامی، ایران را در جنگ شکست خورده می‌دانست و چنین نتیجه می گرفت که توطئه بین‌المللی امریکا، اسرائیل و ایران علیه عراق در بن‌بست قرار گرفته و شکست خورده است. به این ترتیب، در نهایت

وعده‌ی پیروزی نظامی عراق بر ایران را می‌داد و آن را امری بدیهی می‌شمرد.

در بحث مطرح شدن صدام به عنوان رهبر برتر، از مورد ستایش قرار گرفتن صدام

[صفحه ۱۹۴]

توسط رسانه‌های داخلی و خارجی در اوایل جنگ یاد شد، و تأکید شد که پس از شکستهای پی‌درپی ارتش عراق، انتقاد رسانه‌های خبری خارجی بر انتقاد برخی از رهبران حزب بعث و فرماندهان ارتش اضافه شده و موقعیت سیاسی - روانی صدام، که بشدت سقوط کرده بود، هر چه بیشتر مورد تهدید قرار گرفت. از این رو تبلیغات رژیم عراق برای کاهش تزلزل سیاسی - روانی صدام، با شدتی بیشتر از قبل به مطرح کردن صدام می‌پرداخت و وی را به عنوان رهبری مردمی و محبوب، و انسانی مافوق بشر و خلاصه به عنوان پیامبر عصر جدید معرفی می کرد. در همین راستا، قلمها، روزنامه‌ها و رادیوهای بسیاری خریده می‌شوند و در جشنواره‌های مختلفی که در عراق برپا می‌شود، ستایش از صدام در رأس همه‌ی مسائل قرار می گیرد و برای جا دادن محبت صدام در دل مردم مسلمان کوچه و بازار عراق، شجره نامه‌ی صدام تهیه و نسل او به امام علی علیه‌السلام رسانده می‌شود. همچنین در تبلیغاتی گسترده در سطح کشورهای مرتجع عرب تبلیغ می‌شود که صدام در پی بازگرداندن عظمت عباسیان به اعراب و پی‌ریزی شخصیت جدید انسان عرب است. از این رو، همه‌ی اعراب باید با تمام توان در خدمت اهداف و مقاصد وی باشند.

در مبحث موقعیت سیاسی - روانی صدام، گفته شد با فتح خرمشهر و بیرون رانده شدن نظامیان عراقی از خاک ایران، احتمال سقوط عراق، تغییر این رژیم و کناره‌گیری صدام از قدرت مطرح شد؛ اما چون شکست صدام، به منزله‌ی شکست اهداف غرب و شرق در جنگ بود، امریکا برای به دست آوردن زمان لازم به منظور فرسوده شدن ایران در جنگ، طرح تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان را می‌ریزد، که عراق هم با تمسک به بهانه‌ی تهاجم رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان، دست به یک عقب‌نشینی بدون آبروریزی از سایر نقاط خاک ایران می‌زند. علاوه بر این اقدام، شورای امنیت در آغاز ورود ایران به خاک عراق بشدت تلاش می کند تا مانع تهاجم ایران به خاک عراق شود. کشور فرانسه نیز در حرکتی همگام با امریکا، با ورود ایران به خاک عراق، ایران را محکوم می کند و بر ضرورت وجود عراقی مستقل برای حفظ امنیت منطقه، تأکید می‌ورزد.

ترفند تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان، که به منظور تجزیه‌ی نیروهای ایران و مردد کردن آنها در تهاجم به عراق در سطح مسئولان ایرانی توفیقی نسبی به دست آورده بود، برای مدتی مانع از تصمیم‌گیری آنها شد. پس از مباحثات مسئولان در خصوص

[صفحه ۱۹۵]

ضرورت داشتن و یا نداشتن تهاجم به عراق، پس از آنکه مسئولان بر ضرورت ورود به خاک عراق تأکید می‌ورزند، حضرت امام امت دستور ورود ایران به خاک عراق را می‌دهند.

در مبحث سرنوشت جنگ در مرحله‌ی دوم، گفته شد که با طرد عناصر خیانت پیشه‌ای همچون بنی‌صدر، منافقین و ملی گراها، و قرار گرفتن دیپلماسی در خدمت جنگ، و پیش گرفتن برنامه‌های نظامی حساب شده، بن‌بست جنگ شکسته شد و پیروزیهای بزرگ و پی‌درپی ایران (شکسته شدن حصر آبادان، آزادسازی بستان، آزادسازی غرب شوش و دزفول و آزادسازی خرمشهر) متحقق شد.

در این مرحله از جنگ چون ایران در موضع قدرت بود و احتیاجی به بستن تنگه‌ی هرمز نداشت، صدور جریان نفت مانند قبل ادامه

یافت و امریکا از این لحاظ نگرانی عمده‌ای نداشت. اما مهار بنیادگرایی اسلامی، تلاش برای دسترسی نیافتن شوروی به خلیج فارس، و جذب عراق، از دیگر اهداف امریکا در این مرحله از جنگ به شمار می‌روند. برای مهار بنیادگرایی اسلامی، امریکا می‌کوشید با استفاده از دید غیر واقع‌بینی که در ایران حاکم بود، و مسئولان ایرانی بدون حل مسأله‌ی جنگ فقر و غنا در داخل کشور، داعیه‌ی مقابله با استکبار جهانی را داشتند، و با توجه به جنگ قدرت میان مسئولان ایران، تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران، عقب‌افتادگی تکنولوژی جنگ ایران و... ایران را در بلندمدت دچار فرسایش کند. البته، امریکا در این مرحله از جنگ هم آمادگی خود را برای مداخله‌ی مستقیم در صورت لزوم در مواقع بحرانی، حفظ کرد.

اما شوروی در این مرحله از جنگ مانند مرحله‌ی قبل در عمل چنان متوجه منافع کوتاه‌مدت خویش بود که از تأثیر گذاشتن در روند کلی جنگ برکنار ماند. شوروی ضمن داشتن ارتباط تسلیحاتی با ایران، و ارسال سلاحهای پیشرفته به عراق، هیچگاه آغازگر جنگ (عراق) و حملات این کشور به شهرهای ایران را محکوم نکرد. و زمانی که ارتش عراق می‌رود که در برابر ایران شکست را بپذیرد، شوروی ایران را تهدید می‌کند که در صورت پایمال شدن منافع این کشور در عراق، شوروی ساکت نخواهد ماند. به هر حال، این موضع‌گیریهای شوروی همچنان ادامه می‌یابد، تا اینکه در اواخر مرحله‌ی دوم جنگ، موضع شوروی به سطح مواضع کشورهایی نظیر اردن سقوط می‌کند و شوروی هم همپای اردن خواستار دخالت شورای امنیت سازمان ملل متحد برای متوقف ساختن

[صفحه ۱۹۶]

تهاجم ایران به خاک عراق می‌شود.

جذب عراق به بلوک غرب، در این مرحله از جنگ نیز ادامه یافت و عراق که با از دست دادن سریع ذخایر ارزی و عدم توازن صدور نفت به میزان لازم، خود را مجبور به عقد قراردادهای مختلفی با بانکها و کشورهای غربی می‌دید، در ازای دادن وعده‌ی ایجاد روابط بهتر با کشورهای بلوک غرب، موفق شد وامها و اعتبارهای متعددی از غرب دریافت کند و ضمن تمدید قراردادهای اقتصادیش با این کشورها، میزان ورود تسلیحات نظامی و کالاهای غیرنظامی غربی را به کشورش بشدت افزایش دهد.

[صفحه ۱۹۹]

نگاهی به مرحله‌ی سوم جنگ ۲۳ / ۴ / ۶۱ تا ۲۵ / ۴ / ۶۷

ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران

دستگاه تبلیغاتی عراق برای آنکه مردم عراق را به مذبح جنگ کشانده و آنها را در برابر سپاه توحید به نبرد وادارد، و همچنین برای آنکه از حمایت هرچه بیشتر ارتجاع عرب در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی برخوردار شود و افکار عمومی جهان را به همدردی با خود وادارد، می‌کوشد تا با ترسیم چهره‌ای منفی برای جمهوری اسلامی این نظام را در اوج بدیها و ناپاکی‌ها به نمایش بگذارد.

بنابراین ایران اسلامی نه تنها در فرازی از تبلیغات عراق «هم‌پیمان امریکا و صهیونیست‌ها» و «مجری نیات صهیونیسم بین‌المللی در

منطقه» قلمداد می‌شود، بلکه اسلامیتش نفی شده و به روشهای مختلف عملکردهایی غیرانسانی به وی نسبت داده می‌شود و جنگ‌افروز و توسعه‌طلب بودن آن تبلیغ می گردد.

از آنجا که تبلیغات عراق حول ارتباط ایران با «امریکا» و «رژیم اشغالگر قدس» در قسمت دیگری طرح شده است، در این قسمت عمدتا نگاهی به تبلیغات عراق در نفی اسلامیت جمهوری اسلامی و ترسیم چهره غیرانسانی و جنگ‌افروز و توسعه‌طلب ایران خواهیم داشت.

دستگاه تبلیغاتی عراق برای نفی اسلامیت جمهوری اسلامی و انکار عقیدتی بودن جنگ نخست تلاش می کند تا در تبلیغاتش شخصیت نورانی حضرت امام را زیر سؤال ببرد و سپس با زیر سؤال بردن عملکردهای نظامی جمهوری اسلامی و تبلیغ اهداف غیرعقیدتی و عمدتا پست ایرانیها از ایجاد جنگ، به اهداف خویش دست یابد. از این رو صدام و دستگاه تبلیغاتی عراق در تبلیغات خود، حضرت امام را که امام در عرفان، امام

[صفحه ۲۰۰]

در فقاهت، امام در سیاست، و... هستند، به باد زننده‌ترین استهزاها و ناسزاگویی‌ها می گیرند و می گویند: «دینی که (امام) خمینی از آن دم می‌زند، یک دین اسلامی نیست» [۶۷۶] و «پیروان (امام) خمینی که ماههای حرام را به ماههایی تبدیل می کنند که در جریان حجش، هر فردی زیر لباسش خنجر یا ششلولی پنهان کند، دینشان دینی مجوسی است که بر اساس تمایلات شرورانه (امام) خمینی عمل می کنند» [۶۷۷] .

صدام در سخنرانی ۱۷ ژوئیه خود از رهبران جمهوری اسلامی، به عنوان «باند ساختگی که به نام دین در ایران سخن می گویند» [۶۷۸] یاد می کند و در یکی از پیامهای خویش، با استناد به اظهارات منافقین می گوید: «آن دینی که (امام) خمینی افکارش را در سر دارد، دین اسلام نیست، و اکنون این را فرزندان مسلم، مؤمن و روشنفکر ایران می گویند» [۶۷۹] او در سخنرانی دیگری با عنوان حرکتهای سیاسی - مذهبی و حرکتهای تحت پوشش دین می گوید:«ایرانیها به نام دین در پی استعمار مردم عراق و امت عرب هستند» [۶۸۰] و در راستای تبیین این نظریه، می کوشد ایرانیان را به عنوان بدعت گذارانی جدید در دین اسلام معرفی کند. وی در مصاحبه با روزنامه‌نگاران عربستان، می گوید:

«تمام عادات و رسوم مذهبی ما همانگونه که در قرآن ذکر شده، از سوی حضرت محمد (ص) سنت شده است. وی اولین بار مسلمانان را به نمازگزاردن و روزه‌گرفتن و کارهای دیگر راهنمایی کرد. ما، عربهای سرزمین جزیرهٔالعرب را الگوی مذهب خویش قرار می‌دهیم، مثلا- در عراق با تأخیر پنج دقیقه و یا کمی بیشتر از عربهای جزیرهٔالعرب، افطار می کنند، در حالی که در ایران و خارج ایران به طور عمد، تلاش می کنند تا روز عیدهای قربان و فطر را به مدت یک یا دو روز از مکه به تأخیر اندازند. نتیجه‌ی این کار باعث می‌شود تا مذهب اسلام در ایران رنگ ایرانی بگیرد و احکام خداوند به صورت

[صفحه ۲۰۱]

دیگری دربیاید. اگر به آنها بگوییم: بیایید تا روز عید فطر را به طور هماهنگ در یک روز تعیین کنیم، فورا به مخالفت خواهند پرداخت و بر اختلاف در زمان بشدت اصرار خواهند کرد. پارسیها اولین کسانی بودند که دست به اختلاف انداختن در اوقات شبانه‌روز و زمان زدند و خود پارسیها اولین کسانی بودند که اختلاف در اجتهاد را به وجود آوردند. هیچ اجنبی و بیگانه‌ی متدین

غیرعرب نمی‌تواند مذهب اسلام را همانند یک عرب متدین درک کند. هنگامی که عربهای مسلمان بر سپاهیان پارسی در نبرد جلولا و نهاوند پیروز شدند، موبدان پارسی در این فکر افتادند تا وارد این مذهب جدید شوند تا از درون این مذهب را تضعیف کنند و در آن اختلاف و تفرقه ایجاد کنند» [۶۸۱] .

صدام مشابه همین مضامین را در مصاحبه با خبرنگاران روزنامه‌ی السیاسه و المصور نیز مطرح می‌سازد [۶۸۲] .

دستگاه تبلیغاتی عراق جهت عینیت بخشیدن هر چه بیشتر به تبلیغات خویش مبنی بر غیراسلامی بودن جمهوری اسلامی «به آخوندهای درباری بسیاری متوسل شده» [۶۸۳] و کنفرانسهای اسلامی متعددی برگزار می‌کند تا به این طریق ایران را در «سوء استفاده از اسلام، علیه‌اسلام، محکوم کند» [۶۸۴] و از جهان بخواهد تا «با صدور فتاوی و احکام شرعی (امام) خمینی را به عنوان یاغی و بهایی طرد کنند و ریشه‌های خمینی‌ایسم را در میان امت اسلامی بخشکانند» [۶۸۵] .

در سطحی محدودتر، مضامینی مشابه «توسط رسانه‌های خبری غربی نیز مطرح می‌شود» [۶۸۶] .

برای نفی عقیدتی بودن جنگ، دستگاه تبلیغاتی عراق می‌کوشد تا انگیزه‌ی جمهوری اسلامی از جنگیدن را انگیزه‌ای غیردینی معرفی کند. به همین سبب، گاه انگیزه‌ی

[صفحه ۲۰۲]

شروع و ادامه‌ی جنگ توسط ایران به «نیاز این کشور به سرپوش گذاردن بر روی مشکلات داخلیش» [۶۸۷] ، گاه «ترس از بازگشت ارتش و سرنگون ساختن نظام حاکم» [۶۸۸] ، زمانی به «ضدیت تاریخی ایران با اعراب» [۶۸۹] و گاهی به «اسرائیل دوم منطقه بودن ایران» [۶۹۰] استناد داده می‌شود. در این زمینه، رسانه‌های خبری غربی با تبلیغاتی همسو با عراق، مجدانه سعی دارند با این توجیهات و دلایل، عقیدتی بودن جنگ را نفی کنند. برخی از انگیزه‌هایی که از سوی این رسانه‌ها برشمرده می‌شود، عبارتند از: «خصومت تاریخی ایرانیان با اعراب» [۶۹۱] ؛ «خصومت شخصی دو رهبر» [۶۹۲] ؛ «تلاش ایران در اشاعه مذهب تشیع» [۶۹۳] ؛ «تلاش ایران در به دست آوردن رهبری منطقه» [۶۹۴] ، «سعی در تشکیل مجدد امپراتوری عظیم ایران در دوره‌ی باستان» [۶۹۵] ؛ «حفظ قدرت و جلوگیری از سرکشی برخی از جناحهای نزدیک به قدرت» [۶۹۶] ؛ «ممانعت از وقوع یک کودتای نظامی» [۶۹۷] ؛ «سرکوب مخالفان داخلی» [۶۹۸] ؛ «پوشش نهادن بر مشکلات داخلی ایران» [۶۹۹] ؛ «صدور انقلاب اسلامی ایران» [۷۰۰] و....

عراق با وارد آوردن اتهاماتی به ایران می‌کوشد چهره‌ی این نظام را غیرانسانی

[صفحه ۲۰۳]

بنمایاند. مطرح ساختن مضامینی نظیر «به‌کارگیری کودکان در جبهه‌های جنگ توسط ایران»، «به‌کارگیری شیوه‌ی امواج انسانی»، «پیشقدم بودن در جنگ شهرها»،«بدرفتاری و کشتار اسرای عراقی»، «به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی»، «دست داشتن در تروریسم بین‌المللی»،«وحشیگری ایرانیها» و... که مکرر در سطح رسانه‌های خبری عراق (و به شکلی هماهنگ در سطح رسانه‌های خبری غرب) مطرح می‌شود، در همین راستاست.

پس از آنکه سوژه‌ی «به‌کارگیری کودکان ۸ ساله و بالاتر در جبهه‌های جنگ» [۷۰۱] توسط عراق مطرح می‌شود، رسانه‌های خبری غرب به نحوی پیگیر، گاهی در گزارشهای خود خاطرنشان می‌سازند «عراق سرباز ۱۲ ساله ایرانی را تحویل صلیب سرخ بین‌المللی داد» [۷۰۲] یا «تعدادی از کشته شدگان ایرانی در نبرد اخیر ۹-۸ ساله بودند» [۷۰۳] و یا گزارش می‌دهند که «بیشتر هزاران جسدی

که در آفتاب می‌سوزند، کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله هستند» [۷۰۴] و «سربازان خردسال ایرانی در هر نبردی ۹۹ درصد تلفات می‌دهند» [۷۰۵] .

از سوی دیگر، برای عینیت بخشیدن به این سخنان، سخنگوی وزارت جنگ امریکا ضمن گزارشی دروغین اعلام می‌کند: «اغلب نیروهای پاسدار ایرانی ۱۵-۱۴ ساله هستند» [۷۰۶] و به دنبال این رسانه‌های غربی اعلام می‌کنند: «کودکانی که ایران به جبهه‌ها اعزم می‌دارد، جز سنگ و چوب، سلاحی در اختیار ندارند» [۷۰۷] و «تنها کار پراهمیت کودکانی که به جبهه‌ها اعزام می‌شوند، دویدن روی مینهاست». [۷۰۸] رسانه‌های خبری غرب درباره نحوه‌ی اعزام کودکان به جبهه‌ها می‌گویند: «آخوندهایی که از طرف حکومت برای جمع‌آوری نیرو به روستاهای ایران می‌روند، فرزندان خانواده‌های فقیر را از آنها با مبالغ

[صفحه ۲۰۴]

ناچیزی خریده و به جبهه‌ها اعزام می‌دارند». [۷۰۹] رسانه‌ها گاهی «از شستشوی مغزی دانش‌آموزان که به رفتن آنها به جبهه‌ها می‌انجامد» [۷۱۰] سخن گفته، بیان می‌دارند «(امام) خمینی به هر یک از کودکان، کلیدی با عنوان کلید بهشت داده است تا آنکه پس از شهادت، با آن کلید، درهای بهشت را باز کرده و وارد بهشت شوند». [۷۱۱] در موارد دیگری چنین تبلیغ می‌شود که «ایران با دادن وعده‌ی اعطای نمره به دانش‌آموزان، آنها را به جبهه‌های نبرد اعزام می‌دارد» [۷۱۲] و یا گفته می‌شود «جمهوری اسلامی مدارس را تعطیل کرده و به اجبار دانش‌آموزان مدارس را به جبهه‌ها اعزام می‌کند» [۷۱۳] و یا می‌گویند: «مقامات جمهوری اسلامی پسران و مردان را در سینماها، میدانهای ورزشی و اتوبوسها غافلگیر کرده، به جبهه‌ها می‌فرستند» [۷۱۴] رسانه‌های خبری غربی، در پی طرح کردن این مضامین برخی از اوقات تبلیغ می‌کنند: «خانواده‌ها، برای ممانعت از بردن فرزندانشان به جبهه‌ها با ماموران دولتی درگیر شده‌اند» [۷۱۵] و یا می‌گویند: «اگر افراد خانواده‌ای بخواهند مانع اعزام فرزندشان به جبهه‌ها شوند، به قتل خواهند رسید» [۷۱۶] .

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق هم ضمن آنکه «دائما خبرنگاران را به اردوگاه خاص اسرای جنگی خردسال دعوت می‌کند» [۷۱۷] ، در حرکتهایی تبلیغاتی به ایران پیشنهاد می‌کند که «کودکان اسیر خود را از این کشور تحویل بگیرد» [۷۱۸] .

به هر حال، این تبلیغات به حدی می‌رسد که «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

[صفحه ۲۰۵]

متحد از ایران می‌خواهد تا از اعزام کودکان به جبهه‌های جنگ خودداری کند» [۷۱۹] و «دبیر کل سازمان ملل متحد به دولت ایران تذکر می‌دهد که حق زندگی کودکان ایرانی را رعایت کند». [۷۲۰] رسانه‌های خبری غرب پس از آنکه تبلیغات خود را بدون تاثیر می‌بینند: «از بی‌اثر ماندن اعتراض مجامع بین‌المللی به ایران در استفاده از کودکان در جنگ» [۷۲۱] اظهار تأسف می‌کنند.

رسانه‌های خبری غرب با حالتی دلسوزانه از شیوه‌ی «حملات امواج انسانی» سخن گفته، اظهار می‌دارند: «ایران برای کاهش خسارات مالی سنگین جنگ از تاکتیک امواج نیروهای انسانی، که با تلفات وحشتناکی همراه است، سود می‌جوید». [۷۲۲] و از بسیجیان با عناوین «گوشت دم توپ» [۷۲۳] و «کسانی که حملات دسته‌جمعی آنها خودکشی گونه است» [۷۲۴] ، یاد می‌کنند. گاهی نیز به دروغهایی توسل می‌جویند تا احساسات مردم را برانگیزند. برای مثال در یکی از خبرها می‌شنویم: «نخست‌وزیر ایران از مفلوجینی که به علت ناتوانی نمی‌توانند در جنگ شرکت کنند، بشدت انتقاد کرده و گفته است اگر آنها به اندازه‌ی کافی

میهن‌پرست بودند، می‌توانستند در جبهه‌ها به عنوان کیسه‌های شن خدمت کنند.» [۷۲۵] این رسانه‌ها در نهایت چنین نتیجه می‌گیرند:

«همانطور که به‌کارگیری سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی غیرانسانی است، شیوه‌ی ایران هم که بدون توجه به کشته شدن انبوهی از جوانهای داوطلب به تصرف قسمتهایی از خاک عراق نایل می‌آید، غیرانسانی است» [۷۲۶] .

در خصوص جنگ شهرها، تبلیغات عراق و استکبار جهانی همواره «ایران را

[صفحه ۲۰۶]

پیشقدم در جنگ شهرها معرفی می‌کنند» [۷۲۷] و گاهی به ستایش صدام می‌پردازند، به این دلیل که او «حداکثر کوشش را به عمل می‌آورد تا از گسترش جنگ به شهرها خودداری کند» [۷۲۸] و یا با «موضعگیریهایی انسانی اعلام کرده عراق به جنگ شهرها با ایران کشیده نخواهد شد» [۷۲۹] .

عراق در بخش دیگری از تبلیغاتش به طرح مسأله‌ی «بدرفتاری ایران با اسرا و کشتن آنها» [۷۳۰] می‌پردازد. صدام در نامه‌ای، خطاب به کنفرانس جوانان دانشگاهی عرب می‌نویسد: «ایرانیها در کشتار اسرا تا آنجا پیش می‌روند که حتی در مقابل نمایندگان صلیب سرخ جهانی اسرا را به قتل می‌رسانند». [۷۳۱] دستگاههای تبلیغاتی عراق «با استناد به تصاویر منتشر شده از سوی منافقین در خصوص اعدام دسته‌جمعی اسرای عراقی» [۷۳۲] در پوششی موجه‌تر، ایران را محکوم به قتل اسرا می‌کنند. رسانه‌های خبری جهانی هم با سودجویی از همین مضمون تبلیغاتی رژیم عراق، ایران را به «سربه نیست کردن اسرای عراقی» [۷۳۳] محکوم می‌کنند و «رفتار زننده‌ی ایران با اسرای عراقی مانند درآوردن چشم اسرا از حدقه، انجام آزمایشهای دهشتناک پزشکی توسط دانشجویان بر بدن اسرا و...» [۷۳۴] را مورد نکوهش قرار می‌دهند.

وحشیانه جلوه دادن رفتار ایرانیان، محور تبلیغاتی مهمی است که رسانه‌های خبری عراق و غرب برای ترسیم چهره‌ی منفی از جمهوری اسلامی، بدان متوسل می‌شوند. عراق ایران را به کشتن بیش از ۲۰۰۰ اسیر در عملیات بستان و در جزیره‌ی مجنون جنوبی

[صفحه ۲۰۷]

متهم کرده بود و به همین دلیل سالروز به اصطلاح اعدام اسرای عملیات بستان را «روز شهید» نامگذاری می‌کند. صدام در سخنرانی خود به مناسبت همین روز، ضمن آوردن شواهدی از تاریخ ایران نظیر «سوراخ کردن شانه‌ی اسرای عراقی به دستور شاهپور ذوالاکتاف» [۷۳۵] به وحشی‌گری ایرانیها اشاره می‌کند. صدام در سخنرانی دیگری پس از آنکه می‌گوید: «ایرانیها تصور می‌کردند مردم بصره طرفدار آنها هستند، به همین سبب از آنها خواسته بودند به استقبال آنها بیایند»، خطاب به ایرانیها ادامه می‌دهد: «شما با گلوله‌باران روزانه‌ی بصره ماهیت جنایتکار خود را که مدتها در خفا نگه داشته بودید، نشان دادید» [۷۳۶] در موارد متعدد دیگری صدام از «قتل عام کودکان، زنان و پیرمردان عراقی در موشک باران بغداد و گلوله‌باران بصره یاد می‌کند» [۷۳۷] .

دستگاههای تبلیغاتی غرب نیز ضمن تفسیر اظهارنظر ریگان مبنی بر «وحشی بودن ایرانیها» [۷۳۸] ، از «فجایعی» که در ایران رخ می‌دهد، سخن می‌گویند:

«زنانی که تسلیم مقررات پوشش نشوند، تازیانه خورده و احتمالا به جرم فساد به اردوگاههای کار و بازآموزی فرستاده می‌شوند و اتهامات جدی‌تر، در ایران مجازاتهایی مانند سنگسار شدن را در پی دارد که در منتهای سنگدلی اجرا می‌شود... و در زندانها،

تجاوز جنسی از رفتارهای معمولی است که ایرانیان با زندانیان خود دارند» [۷۳۹] .

همین رادیو می گوید:

«یکی از شکنجه‌ها در زندانهای ایران، گرفتن خود از زندانیانی است که می‌خواهند اعدام شوند. از این زندانیان ۵ روز متوالی خون می گیرند تا خون مورد نیاز پاسداران را تأمین کنند. همینطور چشم افرادی که باید اعدام شوند از حدقه درآورده می‌شود تا از آن برای پیوند چشم پاسداران مجروح استفاده

[صفحه ۲۰۸]

شود» [۷۴۰] .

این رسانه‌ها از قول منابع داخل و خارج ایران نقل می کنند: «سربازان معلول به جبهه‌ها فرستاده می‌شوند و از افراد ناشنوا برای پاکسازی میدانهای مین استفاده می‌شود تا صدای همکاران خود را که روی مین می‌روند، نشنوند». [۷۴۱] روزنامه‌ی واشنگتن پست طی مقاله‌ای، ایران را متهم می کند که «مجدانه در پی دستیابی به بمب اتمی است» و خاطرنشان می کند که «اگر ایران به بمب اتمی دست یابد، در استفاده از آن تردیدی به خود راه نخواهد داد» [۷۴۲] .

تأکید بر «دست داشتن ایران در تروریسم بین‌المللی» [۷۴۳] و «به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی توسط ایران» [۷۴۴] ، از دیگر موضوعات مطرح شده از سوی دستگاههای تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی است. آنها با توسل به این موارد می‌خواهند ایران را به عنوان کشوری بی‌توجه به ارزشهای انسانی معرفی کنند.

علاوه بر این، رسانه‌های خبری عراق دائما از «جنگ‌طلبی ایران» [۷۴۵] ، «تشدید جنگ توسط ایران» [۷۴۶] و «قصد جمهوری اسلامی مبنی بر تصرف تمامی منطقه خلیج (فارس)» [۷۴۷] سخن می گفتند و در این مسیر چنان پیش می‌رفتند که به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی را حق عراق می‌دانستند. صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های خود می گوید:

علاوه بر این، رسانه‌های خبری عراق دائما از «جنگ‌طلبی ایران» [۷۴۸] ، «تشدید جنگ توسط ایران» [۷۴۹] و «قصد جمهوری اسلامی مبنی بر تصرف تمامی منطقه خلیج (فارس)» [۷۵۰] سخن می گفتند و در این مسیر چنان پیش می‌رفتند که به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی را حق عراق می‌دانستند. صوت الجماهیر در یکی از برنامه‌های خود می گوید:

«ما کسانی را که به خود اجازه می‌دهند به مرزهای ما نزدیک شوند، نابود خواهیم ساخت. ما داروی نابودی آنان را در اختیار داریم و از آن علیه هرگونه

[صفحه ۲۰۹]

حشراتی که قصد تجاوز به خاک مقدس ما را دارند، استفاده خواهیم کرد» [۷۵۱] .

رسانه‌های خبری ارتجاع عرب نیز همگام با تبلیغات عراق، ایران را کشوری «جنگ‌طلب» [۷۵۲] و «کشوری که می‌خواهد از طریق زور و جنگ رهبری منطقه را به دست بگیرد» [۷۵۳] معرفی می کنند. دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی هم در همین راستا ضمن آنکه ایران را به عنوان کشور «جنگ‌طلب» [۷۵۴] و کشوری که «حداقل، مسئولیت ادامه جنگ» [۷۵۵] بر عهده اوست و «به تهدید امنیت منطقه و جهان می‌پردازد» [۷۵۶] ، معرفی می کنند، و نسبتهای ناروایی را به جمهوری اسلامی می‌دهند. به عنوان مثال رادیو امریکا در یکی از برنامه‌های خود می گوید:

«دیپلماتها تخمین می‌زنند ۱۷ هزار نفر از سربازان ایرانی، ظرف نخستین هفته جنگی که روز نهم ژانویه با عنوان کربلای ۵ آغاز شد، کشته شدند. حال آنکه شمار کشته‌شدگان عراق ۷ هزار نفر بوده است. آنان می گویند انتظار می‌رود شمار تلفات رو به افزایش بگذارد، زیرا ایرانیان بوی خون به مشامشان رسیده است» [۷۵۷] .

برخی از مهمترین دستاویزهای رسانه‌های خبری استکبار جهانی در اثبات جنگ‌طلب بودن ایران، تغییر نسبی شرایط ایران جهت دستیابی به صلح و شعارهای تبلیغاتی آن بود. به عنوان مثال، رسانه‌های خبری آلمان در سال ۶۲ چنین می‌نویسند:

«ایران گفته است که هدفش ضمیمه کردن عراق به ایران نیست، بلکه می‌خواهد مانند ایران یک جمهوری اسلامی در عراق ایجاد کند» [۷۵۸] .

نشریه‌ی ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن گزارش تحلیل دیگری از

[صفحه ۲۱۰]

رسانه‌های خبری غرب، چنین می‌نویسد:

«ایرانیها با افزودن شرط تنبیه یا برکناری حاکمان عراق در کنار شرطهای تعیین متجاوز و پرداخت غرامت، عملا دستاویزی برای ادامه جنگ ساخته‌اند» [۷۵۹] .

روزنامه‌ی واشنگتن تایمز نیز ضمن نقد مواضع متغیر ایران می‌نویسد:

«چند کشور نامشخص به ایران پیشنهاد کرده‌اند که غرامت جنگی را که به گفته‌ی ایران ۱۵۰ میلیارد دلار است بپردازند، ولی ایران حاضر نیست که آن را قبول کند. رئیس جمهور ایران به نخست‌وزیر ترکیه گفته است: عراق باید شخصا این خسارات را بپردازد» [۷۶۰] .

علاوه بر این، «شعار جنگ جنگ تا رفع کل فتنه در جهان» [۷۶۱] ، از سوی رسانه‌های خبری غرب، برای اثبات جنگ‌طلب بودن جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. رسانه‌های خبری غرب و شرق به طرح توسعه‌طلبی عقیدتی ایران می‌پردازند، و از اظهارنظر «مسئولان ایران مبنی بر تشکیل یک جمهوری اسلامی در عراق» [۷۶۲] توسعه‌طلبی عقیدتی ایران را نتیجه می گیرند. رادیو مسکو، در نقد اعلامیه وزارت امور خارجه ایران در خصوص افغانستان، از مسأله‌ی توسعه‌طلبی عقیدتی ایران چنین یاد می کند:

«ما نمی‌دانیم تهیه‌کنندگان اظهاریه‌ی وزارت امور خارجه ایران از چه منطقی پیروی می کردند، آنها همزمان با ارائه خواست قطع مداخله همه کشورها در امور داخلی افغانستان، این حق غیرقانونی را برای ایران محفوظ داشته‌اند. در این اظهاریه گفته می‌شود که ایران در آینده هم به نیروهایی که علیه دولت افغانستان مبارزه می کنند، کمک خواهد کرد» [۷۶۳] .

[صفحه ۲۱۱]

ترسیم چهره‌ای مثبت برای عراق

دستگاه تبلیغاتی عراق پس از ترسیم ویژگیها و صفات منفی برای ایرانیها، همچون شریر خواندن مردم ایران، وحشی نامیدن آنها، غیراصولی و واپس‌گرا دانستن نظام آنان و... متقابلا ویژگیها و صفات مثبت عراق را مطرح می کند و به تبلیغ اهداف و برخوردهای انسانی رژیم عراق می‌پردازد و می کوشد برخلاف ایران که آن را «مجری نیات صهیونیست‌ها» و «امپریالیست‌ها» می‌دانست، عراق را

در خط مقدم مواجهه با صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها معرفی کند و در این مسیر تا جایی پیش می‌رود که تنها جرم خود را ضدیت با صهیونیسم و امپریالیسم جهانی می‌داند.

عراق در بخشهای دیگری از تبلیغاتش پس از اینکه «سیاست تجاوزپیشه‌ی ایران» و «جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران» را محکوم می‌کند، عراق را «سد پولادین امت عرب در شرق مرز سرزمین عربی» می‌خواند و ضمن نسبت دادن آغاز و ادامه‌ی جنگ به ایران، به صلح‌طلبی خود اشاره می‌کند. چون از دو مورد اخیر در قسمتهای دیگری از همین کتاب سخن رفته است؛ در این قسمت به سه محور تبلیغاتی اسلام‌نمایی رژیم عراق، ترسیم ویژگیها و صفات مثبت برای عراق و ضدیت عراق با استکبار و صهیونیسم جهانی خواهیم پرداخت.

دستگاه تبلیغاتی عراق ضمن آنکه می‌کوشید اسلام را پوششی بر روی تمایلات توسعه‌طلبانه‌ی ایران معرفی کند، مجدانه درصدد اثبات دینی و اسلامی بودن رژیم بعثی عراق است به این ترتیب، نه تنها دینی بودن جنگ را لوث می‌کند، بلکه به فریفتن افکار عمومی مردم عراق و منطقه موفق می‌شود و آنها را با علقه‌های عمیق دینی به صحنه‌های جنگ در مقابل سپاه توحید می‌کشاند. از این رو گاهی صدام«برای همدردی با شیعیان عراق در مراسم عاشورای حسینی به زیارت بارگاه امام حسین علیه‌السلام» [۷۶۴] می‌آید و گاهی «به زیارت بارگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام و زیارت امامزاده‌ها» [۷۶۵] می‌رود و با «ادای مراسم عمره و زیارت قبر حضرت رسول (ص)» [۷۶۶] و اعلام تابعیت نسبت به «تصمیمات

[صفحه ۲۱۲]

متخذه کنفرانس اسلامی در مورد جنگ» [۷۶۷] به اسلام‌نمایی می‌پردازد. صدام دستور «تأسیس صندوق زکات جهت جمع‌آوری وجوهات شرعی برای ایتام و از کارافتادگان و محتاجان» [۷۶۸] را می‌دهد و با دادن «افطارهای متعدد» [۷۶۹] و... به شکلی غیرمستقیم پای‌بندی خود به اصول اسلامی و انسانی را نشان می‌دهد.

صدام که در موارد متعددی «متکای خود را خداوند متعال می‌خواند» [۷۷۰] و در برخورد با رسانه‌های خبری جهان، عراق را «دارای نظامی مؤمن و حکومتی مؤمن» [۷۷۱] معرفی می‌کند و مدعی می‌شود که «روح اسلام و قوانین آن در عراق به طور واقعی پیاده می‌شود» [۷۷۲] ، در قسمتی از سخنانش، جنگ تحمیلی را جنگی در دفاع از اسلام و مسلمانان می‌داند و می‌گوید:

«در عراق فردی وجود ندارد که به دفاع از اسلام، عربیت و انسانیت با تمام ارزشهای والایی که دارد افتخار نکند، ما در ذات خود احساس می‌کنیم، بلکه از همان ابتدا می‌دانستیم که ما در دفاع از مسلمانان و اعراب می‌جنگیم» [۷۷۳] .

او در پیامی به مناسبت نوزدهمین سالگرد کودتای ۱۷ ژوئیه، از رسالت عراق، در به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام در جهان، سخن می‌گوید:

«اسلام دین بزرگ ماست، و رسالت ما نسبت به جهان است که پرچم اسلام را به اهتزاز درآورده، به آن عزت و شرف ببخشیم.»

در موارد دیگری صدام با اتکای به ارزشهای اسلامی به نگرش مسئولان جمهوری اسلامی انتقاد کرده، آنان را به پیش گرفتن برخوردهای اسلامی نصیحت می‌کنند:

«بهترین دلیل برای غیرانسانی و اسلامی بودن اصول و ارزشهای دشمن ما،

[صفحه ۲۱۳]

شعار روزانه‌ی آنهاست که می‌گویند دنیا از آنها می‌ترسد و حساب می‌برد. این فهم غلط نسبت به مناسبات با جهان، به تنهایی کافی است تا صفت صاحبان رسالت را از آنها سلب کند، ولی ما در هر محیطی بجز محیط دشمنانمان که آن هم یک حالت اضطراری و احتمالا موقت است، محزون می‌شویم که بدانیم دیگران از ما می‌ترسند و حساب می‌برند، چون باید تنها از خداوند بترسیم و از او حساب ببریم» [۷۷۴] .

او در میان ارتجاع عرب نیز چهره‌ی کاذب اسلامی خود را حفظ می‌کند و درصدد اثبات غیراسلامی بودن جمهوری اسلامی و هدایت آنها به اسلام برمی‌آید. وی در مصاحبه با روزنامه‌نگاران عربستان، حضرت امام را به اخذ اسلام از افرادی نظیر خودش دعوت می‌کند:

«ملتهای مسلمان دیگر و غیر عرب باید در تفسیر مذهب اسلام به عربها متکی باشند و اگر درباره‌ی موضوعی با همدیگر اختلاف کردند، باید عقیده‌ی یک عرب را مد نظر بگیرند و آن را بپذیرند، چون یک پارسی زبان نمی‌تواند اسلام را مانند یک عرب زبان درک کند، و باید با عربها زیاد معاشرت کند و در جمع آنها به سر برد تا بتواند معنی قرآن و مفهوم احکام اسلام را که به زبان عربی است، خوب درک کند. حتی اگر یک غیر عرب، بتواند زبان عربی را خوب یاد بگیرد و بخواهد آن را برای فهم جوهر مذهب اسلام به کار گیرد، به هیچ وجه نمی‌تواند همانند یک عرب زبان، در این کار موفق شود. حقیقت امر همین است، پس چگونه مردی مانند (امام) خمینی که در طول زندگی خود به زبان عربی سخنرانی نکرده و با هیچکس به زبان عربی صحبت نکرده، نماینده‌ی مسلمانان جهان شود؟ اگر زبان عربی خوب بداند و با آن صحبت نکند، معنی آن این است که بر زبان عربی که زبان قرآن است تکبر می‌کند. اما اگر زبان عربی نداند، پس نمی‌تواند سید و پیشوای مسلمانان و عربها باشد، چون ما دلایل و نشانه‌هایی در دست داریم، هر اجنبی که بخواهد خود را پیشوای مذهبی عربها بداند، به طور حتم، مذهب را از راه اصلی خود منحرف خواهد

[صفحه ۲۱۴]

کرد» [۷۷۵] .

دستگاه تبلیغاتی عراق در بخش دیگری از تبلیغات خویش می‌کوشد تا چهره‌ای انسانی و مترقی به رژیم عراق ببخشد و بر این اساس، «صلح‌طلبی عراق» [۷۷۶] و «احترامی که عراق برای روابط خلقها بر اساس احترام به حق حاکمیت آنها قایل است» [۷۷۷] دم می‌زند و می‌گوید:

«قضیه ما، قضیه‌ی انسانهای محروم و زیر ستم در جهان بوده است و هنوز آن را به عنوان قضیه‌ی اصلی خود می‌شناسیم. من نمی‌خواهم از مناسبات موجود میان عراق و جنبشهای آزادیبخش در آسیا، افریقا و امریکای لا-تین سخن بگویم، ولی می‌توانم بگویم ممکن نیست در تمامی جهان یک صاحب حق از عراق یاری طلبیده باشد و عراق به آن پاسخی نداده باشد» [۷۷۸] .

برای انسان دوستانه و خیرخواهانه نشان دادن سیاستهای عراق، منطق تبلیغاتی حکم می‌کند که در ماجرای موشک باران بگوید: «علی‌رغم حمله‌ی موشکی ایران به بغداد، که منجر به کشته و مجروح شدن دهها تن از غیرنظامیان شد، عراق شهرهای ایران را مورد حمله قرار نخواهد داد» [۷۷۹] و زمانی هم که این رژیم به سوی ایران موشک پرتاب می‌کند، تبلیغات عراق با طرح نیات خیرخواهانه عراق در این حرکت، آن را راهی برای متوقف کردن تجاوز ایران به مردم عراق تبلیغ می‌کند. در یکی از همین تحلیلها صدام ضمن دادن دستور انهدام شهرهای ایران، می‌گوید:

«عراق با صبر و حوصله، برای مدتی بیش از ۶ ماه، گلوله‌باران بصره را تحمل کرده است، حالا اگر آنها به خود جرأت دهند که بار

دیگر بصره را هدف یک گلوله خمپاره قرار دهند، شما افسران دستور دارید که شهرهای آنان را از فراز سرشان با موشک نیروی هوایی خودتان و سلاحهای دیگر نابود سازید» [۷۸۰] .

[صفحه ۲۱۵]

و روزنامه‌ی الجمهوریه می‌نویسد:

«نابودسازی نفتکشها و تأسیسات جزیره‌ی خارک و دیگر ترمینالهای ایران در خلیج (فارس)، جهت وادار ساختن ایران به قبول صلح است» [۷۸۱] .

پس از پذیرفته شدن منافقینی به عنوان ستون پنجم عراق، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با طرح «پذیرفتن پناهندگان سیاسی ایرانی» [۷۸۲] و یا تبلیغ «مختار بودن اسرای ایرانی به ماندن در عراق یا سفر به هر کشوری که مایل باشند» [۷۸۳] ، برخوردهای انسانی این رژیم را به نمایش می‌گذارند. ترقی‌خواهی و انقلابی بودن عراق از موضوعات تبلیغاتی دیگر این رژیم است. صدام در یکی از سخنرانیهای خود با اشاره به مواضع همبستگی عراق با جنبشهای آزادیبخش در تمامی جهان اعلام می‌کند:«ما با همه‌ی ملتهایی که برای کسب آزادی و استقلال مبارزه می‌کنند، اعلام همبستگی می‌کنیم» [۷۸۴] ؛ طارق عزیز «تجاوز افریقای جنوبی به خاک سه همسایه‌اش» [۷۸۵] را محکوم می‌کند؛ طه یاسین رمضان اعلام می‌کند: «حملات اخیر ایران مانع از آغاز یک موضع مثبت از سوی عراق در مقابله با اشغال لبنان توسط اسرائیل شده است» [۷۸۶] ؛ و واشنگتن تایمز ادعای سران رژیم عراق مبنی بر آنکه «عراق پس از پیروزی بر ایران به سراغ اسرائیل خواهد رفت» [۷۸۷] را منتشر می‌سازد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق پس از اینکه اعلام می‌کند «عراق با مبارزه‌ی عادلانه و مشروع فلسطین به عنوان یک وظیفه اساسی برخورد کرده و تمامی نیازهای لازم جهت ادامه‌ی این مبارزه را تهیه می‌کند» [۷۸۸] ، با «پذیرفتن گروهی از چریکهای فلسطینی در عراق برای دادن آموزشهای نظامی به آنها» [۷۸۹] به تبلیغات خویش رنگی از واقعیت می‌زند. در

[صفحه ۲۱۶]

موارد دیگری با استفاده از اقدامات مثبت اقتصادی - اجتماعی عراق (که از آن در قسمت حفظ روحیه مردم و ارتش عراق به شکلی مشروحتر یاد خواهیم کرد)، تبلیغات عراق از دموکرات منشی‌های «صدام» [۷۹۰] و «حزب بعث» [۷۹۱] برای ترسیم چهره‌ی مترقی و پویای نظام بعثی عراق یاد می‌کند.

تبلیغات دیگری که در همین راستا توسط دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق دنبال می‌شود، اثبات «ضد امپریالیست» [۷۹۲] و «ضد صهیونیست» [۷۹۳] بودن عراق است. بعلاوه، صدام در یکی از سخنرانیهایش به «انگلستان که تجارب و شیوه‌های جنگ روانی را در اختیار ایران گذاشته است» [۷۹۴] بشدت حمله می‌کند. (البته در تبلیغات خارجی این رژیم، به جای اثبات ضد امپریالیست و ضد صهیونیست بودن عراق، بیشتر سعی بر این است که ضد امپریالیست و ضد صهیونیست بودن ایران نفی شود. این مسأله در مصاحبه‌های صدام با نشریات کشورهای ارتجاع عرب [۷۹۵] بسیار مطرح شده است).

تلاش برای بی انگیزه کردن و ارعاب مردم و نظامیان ایران

دستگاه تبلیغاتی عراق در تهاجم روانی خویش به مردم و نظامیان ایرانی، می‌کوشد تا با بی‌انگیزه کردن و ارعاب آنان، به شکست

درونی مردم و نظامیان ایران دامن بزنـد و با این شـکست، زمینه‌ی شـکست آنها در عرصه‌ی کارزار و نبرد با عراق و حامیان غربی و شرقیش را فراهم آورد. برای رسیدن به این هـدف، عراق سـرمایه‌گذاری وسیعی می‌کنـد و به تبلیغات تهاجمی‌اش تنوع می‌بخشـد. دستگاه تبلیغاتی این رژیم گاه در «قالب

[صفحه ۲۱۷]

داستان» [۷۹۶] و گـاهی در قـالب «اسـتدلال منطقی» [۷۹۷] و «پیامهـای مختلـف خطـاب بـه مردم ایران» [۷۹۸] و گـاهی در قـالب «شایعات» [۷۹۹] و «نیرنگ و فریب» [۸۰۰] و... می‌کوشد تا به اهداف خویش دست یابد.

علاوه بر این بغـداد می‌کوشـد تا پیامش به بهترین وجه به گوش مردم ایران برسـد و در این راه، چنان پیش می‌رود که گاه «صـدای رادیو بغـداد و رادیو منـافقین در سـطح شـهر تهران به خوبی دریافت می‌شود.» [۸۰۱] ثمره‌ی تلاشـهای دستگاه تبلیغاتی عراق زمانی مشهودتر می‌گردد که ملاحظه می‌کنیم «سکنه‌ی شهرکهای تحت پوشش بنیاد مهاجرین جنگی اطراف اهواز، فرزندان خود را عدی، فهـد، طـارق، فـاروق و... می‌نامنـد و فرزنـدان آنهـا ترانه‌هـای عراقی را، که غالبـا در سـتایش صـدام است و آنها را از طریق رادیو و تلویزیون خود دریافت داشـته‌اند، زمزمه می‌کننـد و زنان مهاجرین، که اکثرا به پارچه‌فروشـی می‌پردازند، پارچه‌هایی با نامهای درب الفاو (راه فاو)، ورد البصـره (گلهای بصـره)، ورد بغـداد (گلهای بغـداد)، لحیه‌ی فهـد (ریش فهـد)، سـیرالزعیم (کمربند رهبر)، منظر صـدام، نهر جاسم، الـدجله و... را به فروش می‌رسانند.» [۸۰۲] و وقتی ملاـحظه می‌کنیم که حتی حامیـان غربی عراق پس از اشـغال شهرهای ایران - و حتی پس از آزادسازی این شـهر - «از اسامی مجعولی که عراقیها روی این شـهرها می‌گذارند، اسـتفاده می‌کنند» [۸۰۳] و مثلا «در ترجمه‌ی سخنان وزیر خارجه ایران، واژه‌ی خلیج فارس را در بیانات وی، تنها خلیج ترجمه می‌کنند» [۸۰۴] و وقتی می‌بینیم عراق با پوشش انسانی «رسیدن به صلحی همه‌جانبه و عادلانه» [۸۰۵] دست به موشک باران و

[صفحه ۲۱۸]

تهاجم شـیمیایی به شـهرهای ایران می‌زنـد، و یا صـدام اعلام می‌کنـد «سـرانجام روزی می‌آید که ایرانیها قطعنامه‌ی ۵۹۸ را یکی از اهداف دیپلماسـی خود خواهند یافت و برای اجرای آن با حسن نیت مبارزه خواهند کرد. [۸۰۶] «به خوبی می‌توان احساس کرد که تبلیغات عراق از چه پشتوانه‌ی وسیع فکری، تحقیقاتی، امکاناتی و... برخوردار بوده است.

در این قسـمت به بررسـی محورهای تبلیغاتی عراق در تبلیغ اختلاف بین مسـئولان ایران، اختلاف سپاه و ارتش، برتری تسـلیحاتی و سازمان رزم عراق، کیفیت بالای آموزش نیروهای نظامی عراق، ضـعف تسـلیحاتی و سازمان رزم ایران، آموزش کم نیروهای ایران، خسـارات جنـگ، تناقضـات تبلیغاتی ایران، غیرقابل اعتماد بودن اخبار ایران، زیرسؤال بردن حضـرت امام، تحقیر مسـئولان نظام، زیر سـؤال بردن اسـلامی بودن جمهوری اسـلامی، غیردینی نشـان دادن جنـگ، رابطه ایران بـا اسـرائیل، رابطه ایران بـا آمریکـا، تحریف پیروزیهـای ایران، ضـعف روحیـه‌ی ایرانیهـا، بن‌بست جنـگ، شایعـات مختلـف، انگیزه خـاک نظامیـان عراقی و تحریـک مردم علیه جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

دسـتگاه تبلیغـاتی عراق بـا سودجویی از اختلاف مسـئولان سـعی دارد هر چه بیشتر به این اختلافها دامن بزنـد. البته برخی از تبلیغات عراق در ایـن زمینه واهی بودنـد. امـا واقعیت اختلافـات داخلی مسـئولان که بر بسـیاری از مردم آشـکار بـود، پوشـش منـاسبی برای تبلیغات کذب عراق فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، صوت الجماهیر «از درگیری مسلحانه میان گروههای طرفدار (آیت‌الله) خامنه‌ای

رئیس جمهور و هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران یاد می‌کند و از اعدام گروهی از وابستگان رئیس مجلس، گزارش می‌دهد.» [۸۰۷] .

همین محور تبلیغاتی، به شکلی ملایمتر توسط رسانه‌های ارتجاع عرب [۸۰۸] مطرح می‌شود و چنین تحلیل می‌کنند که «(امام) خمینی با سخنان خود به وجود اختلاف در تمامی ارگانها اعتراف کرده‌است.» [۸۰۹] و تاکید می‌ورزند که: «ایران در حال حاضر به

[صفحه ۲۱۹]

دلیل کشمکشهای پنهان و جدی بر سر قدرت، میان جناحهای مختلف در حساسترین دوره‌ی عمر خود به سر می‌برد [۸۱۰] .

رسانه‌های خبری غرب نیز در راستای تبلیغات عراق گاه با پیشی گرفتن بر این کشور، از وجود جنگ قدرت و اختلافات شدید بین مسئولان نظام جمهوری اسلامی سخن می گویند. رادیو امریکا، ضمن ارائه یکی از تحلیلهای روزنامه‌ی کریسچین ساینس مانیتور در خصوص انحلال حزب جمهوری اسلامی و اعدام سید مهدی هاشمی، می گوید:

«رابین رایت می‌نویسد: دو رویداد اخیر بـه تشریح عملکرد غیرمعمول حلقه‌ی رهبری ایران و پایداری قدرت رفسنجانی - که محتمل‌ترین رهبر فاز بعدی ایران تلقی می‌شود - کمک می کند. نخست انحلال حزب مسلط جمهوری اسلامی در ماه ژوئن گذشته بود که رفسنجانی و (آیت‌الله) خامنه‌ای بنیانگذار آن بودند. در سالهای اخیر، آقای خامنه‌ای تشکیلات حزب را به پایگاهی برای حمایت خویش بدل کرده بود، در حالی که جناح‌بندیها حزب جمهوری اسلامی را دچار تفرقه می‌کرد. آقای رفسنجانی و دیگران با اظهار اینکه باید از اختلافات بیشتر پرهیز کرد و اینک حزب به هدف خود که بسیج مردم در پی انقلاب سال ۱۹۷۹ بود، دست یافته، حرکتی را برای انحلال آن آغاز کردند. نتیجه در نهایت کشیده شدن فرش از زیر پای رئیس جمهور بود. رویداد دوم، محاکمه‌ی مهدی هاشمی دستیار آیت‌الله منتظری جانشین برگزیده (امام) خمینی و دیگر رقیب رفسنجانی بود. دستگیری مهدی هاشمی در پاییز گذشته به اتهام خیانت و خرابکاری برای هاشمی رفسنجانی و رویارویی با آیت‌الله منتظری یک پیروزی تلقی شد. دستگیری مهدی هاشمی در میانه‌ی ماجرای معاملات پنهانی اسلحه با امریکا همچنین به منزله‌ی فرستادن علایمی حساس به ایالات متحده دایر بر این بود که ایران به حمایت از تروریسم پایان می‌دهد؛ زیرا به گفته‌ی منابع اطلاعاتی، مهدی هاشمی سرکرده‌ی گروهی از افراطیهای مرتبط با

[صفحه ۲۲۰]

بمب گذاریها و اقدامات تروریستی در خاورمیانه به شمار می‌رفت» [۸۱۱] .

در موارد دیگری رسانه‌های غربی از «اختلاف امرای ارتش با روحانیون عضو شورای عالی دفاع» [۸۱۲] ، «احتمال اخراج وزرای مخالف جنگ در کابینه» [۸۱۳] ، «اختلاف نظر رئیس ستاد مشترک ارتش ایران با (امام) خمینی در ادامه‌ی جنگ» [۸۱۴] ، «جنگ قدرت بین دستیاران آیت‌الله خمینی» [۸۱۵] ، «اعتراض آیات عظام گلپایگانی و مرعشی و فقهای حوزه‌ی علمیه قم نسبت به ادامه‌ی جنگ» [۸۱۶] و... سعی دارند وجود اختلافات عمیق در سطح مسئولان ایران را تبیین کنند.

وجود اختلاف بین ارتش و سپاه موضوع مهم دیگری است که دستگاه تبلیغاتی عراق مکررا به آن می‌پردازد و با طرح مسائلی نظیر «تلاش مسئولان ایرانی برای جایگزین کردن سپاه به جای ارتش» [۸۱۷] ، «مخالفت ارتش با طرحهای عملیاتی سپاه» [۸۱۸] ، «نفوذ اپوزیسیون در ارتش و مخالفت سپاه با ارتش» [۸۱۹] ، «انتقال حوزه‌ی نظام وظیفه از ارتش و ژاندارمری به سپاه به منظور تحلیل

بردن ارتش» [۸۲۰] ، «وضع قانونی که ارتش را ملزم به حفاظت منافع ایران در خارج از مرزهای کشور می‌کند، با نیت فرستادن ارتش به کشتارگاههای خارج از مرکز» [۸۲۱] ، «ادغام ارتش در سپاه به همان نحوی که وزارت کشاورزی در وزارت جهاد سازندگی ادغام شده است» [۸۲۲] سعی دارد نیروهای ارتشی را

[صفحه ۲۲۱]

علیه نیروهای سپاهی تحریک کند.

رسانه‌های خبری غرب نیز با طرح مضامینی از این دست «ضمن حمایت نسبی از ارتش، به تحریک نظامیان ارتش علیه نیروهای سپاه می‌پردازند» [۸۲۳] .

تبلیغ خطوط دفاعی مستحکم و برتری تسلیحاتی عراق و سازمان رزم پیشرفته‌ی این کشور، محور تبلیغاتی دیگر عراق است که جهت تضعیف روحیه‌ی مردم و رزمندگان اسلام، توسط رسانه‌های خبری عراق و جهان تکرار می‌شود. به عنوان مثال شبکه‌ی تلویزیونی ای.بی.سی امریکا در برنامه‌ی خبری خود به نقل از تحلیلگران اطلاعاتی گزارش می‌دهد: «ناحیه‌ی صاف بین بصره و جنوب عراق با یک شاهکار فوق‌العاده‌ی مهندسی تغییر یافته است و عراق سپر دفاعی عظیمی ایجاد کرده است» [۸۲۴] رسانه‌های دیگر از خطوط دفاعی «متشکل از توپخانه، تانک، موشکهای زمین به زمین، هلی‌کوپترهای توپدار و هواپیماهای جنگنده عراق» [۸۲۵] سخن می‌گویند و احتمال عبور ایرانیان از این خطوط دفاعی را «بعید توصیف می‌کنند» [۸۲۶] .

در کنار خطوط مستحکم دفاعی عراق، که با یاری کشورهای غربی، برای محافظت هر چه بهتر نیروهای عراقی ساخته می‌شد، ارائه اطلاعات ماهواره‌ای به عراق که اطلاعات مربوط به «حمل و نقل نیروهای ایرانی» [۸۲۷] «میزان نیروهای مستقر در منطقه» [۸۲۸] و «تجهیزات و تعداد نفرات عمل کننده در عملیات» [۸۲۹] ، را در اختیار این رژیم قرار می‌دادند، به فرماندهان عراقی کمک می‌کند تا با شناسایی «نقاط آسیب‌پذیر ایران» [۸۳۰] ، عملیاتهای ایذایی از عملیاتهای اصلی و...، به بهترین نحو ممکن نقشه‌های نظامی خود را

[صفحه ۲۲۲]

طراحی کنند. علاوه بر اطلاعات ماهواره‌ای، اطلاعات سرویسهای جاسوسی عراق و غرب، این امکان را برای عراق فراهم می‌کرد تا از زمان دقیق عملیات ایران اطلاع داشته باشد. فرماندهان عراقی در عملیات «والفجر۴» [۸۳۱] ، «میمک» [۸۳۲] و... بصراحت به خبرنگاران می‌گفتند که از عملیات ایران آگاهی داشته‌اند. صدام در مصاحبه با یک خبرنگار امریکایی در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۶۳ اعلام می‌کند: «ما در انتظار یک تهاجم از سوی ایران هستیم که با هدف قطع بزرگراه بصره، بغداد طراحی شده است» [۸۳۳] و پس از آن در تاریخ ۱۹ / ۱۲ / ۶۳ عملیات بدر، با همین هدف، از سوی ایران صورت می‌گیرد که ناموفق می‌ماند.

علاوه بر اقدامات فوق، استکبار غرب و شرق برای حفظ عراق در برابر فشار شکننده‌ی سپاهیان توحید، انبوهی از تسلیحات پیشرفته‌ی نظامی را به عراق سرازیر می‌کند. به عنوان مثال «نیروی هوایی عراق که در ابتدای جنگ از نظر کمیت با ایران برابر بود و از نظر کیفیت، در سطحی پایین‌تر از نیروی هوایی ایران قرار داشت» [۸۳۴] بتدریج چنان تقویت می‌شود که رسانه‌های خبری غربی از «سه تا چهار برابر شدن هواپیماهای جنگنده عراق نسبت به هواپیماهای ایران» [۸۳۵] ، «چهار تا شش برابر شدن هواپیماهای عراق در مقایسه با هواپیماهای ایران» [۸۳۶] ، یاد می‌کنند و از «۳۳۰ هواپیمای عراق» [۸۳۷] «۵۸۰ هواپیمای قابل استفاده‌ی عراق» [۸۳۸]

۱۶ / ۱۲ / ۶۳ هواپیمای ارتش عراق» [۸۳۹] و «۸۰۰ هواپیمای ارتش عراق» [۸۴۰] سخن می گویند، حال آنکه همین رادیوها از سیر نزولی جنگنده‌های ایران که تا

[صفحه ۲۲۳]

عملیات کربلای ۵«به ۶۰ فروند هواپیما می‌رسد، سخن می گویند [۸۴۱] .
در قسمت دیگری از همین تبلیغات، رسانه‌های خبری عرب از پیشرفت کیفی نیروی هوایی عراق که به «میگ ۲۵ و ۲۷» [۸۴۲] و [۸۴۳] ، «میگ ۲۹» [۸۴۴] مجهز می‌شود، یاد می کنند و سخن صدام مبنی بر «استفاده از آواکس در عراق» [۸۴۵] را نقل می کنند و منابع امریکایی، «انتقال یک فروند آواکس عربستان به عراق را مورد تایید قرار می‌دهند» [۸۴۶] این رسانه‌ها همچنین از «پنج برابر بودن توپخانه‌ی عراق و چهار برابر بودن تانکهای این کشور» [۸۴۷] و «پنج برابر بودن سلاحهای ذخیره‌ی عراق نسبت به ایران» [۸۴۸] سخن می گویند. دریافت «تانکهای پیشرفته‌ی تی ۷۲ از سوی شوروی» [۸۴۹] ، دریافت موشکهای «استراتژیک اس.اس ۱۲ از سوی شوروی» [۸۵۰] و [۸۵۱] و تلاش عراق جهت «خرید کلاهک هسته‌ای برای

[صفحه ۲۲۴]

موشکهای خود» [۸۵۲] ، «بازسازی راکتور اتمی تخریب شده‌ی عراق» [۸۵۳] و استفاده‌ی «عراق از تأسیسات اتمی غیرنظامی جهت توسعه سلاحهای اتمی» [۸۵۴] از موارد دیگری است که توسط رسانه‌های خبری جهان منتشر شده است و خود عراق به صراحت اعلام می‌کند که «این کشور سلاحی در دست دارد که صد برابر، از موشکهایی که در اختیار ایران قرار گرفته است قوی‌تر و کشنده‌تر می‌باشد» [۸۵۵] .
عراق همچنین، «بزرگترین تولید کننده‌ی سلاحهای شیمیایی در خاورمیانه می‌شود» [۸۵۶] و در پی دستیابی به سلاحهای میکروبی با کمک «تکنولوژی کشورهای غربی به ساختن بمبهای طاعون‌زا و...» [۸۵۷] می‌پردازد و تهدید می کند که «در صورت تهاجم ایران، در کنار استفاده از سلاحهای معمول، از سلاحهای بیولوژیک نیز بهره می‌جوید» [۸۵۸] و مسئولان عراقی با صراحت اعلام می کنند که «چه فرقی می کند ایرانیها با ترکش موشک، و یا سلاحهای میکروبی یا اتمی جان خود را از دست بدهند» [۸۵۹] .
«مجموعه‌ی تجهیزات فوق، چنان توانی به ارتش عراق می‌دهد که غرب نسبت به ایستادگی و مقاومت عراقیها در برابر جمهوری اسلامی اطمینان پیدا می کند» [۸۶۰] عراق گاهی با «۳۲۶ حمله هوایی در روز» [۸۶۱] ۵۷۷ حمله هوایی در روز» [۸۶۲] ۴۸۸ و ۴۵۰ حمله هوایی در روز» [۸۶۳] ، و بطور متوسط با «۵۰۰ حمله هوایی در روز» [۸۶۴] رکورد

[صفحه ۲۲۵]

بی‌سابقه‌ای در تهاجم هوایی از خود برجای می گذارد، و صدام اعلام می کند که «اگر ایرانیها یک موشک به طرف ما پرتاب کنند، ما آنها را هدف ضربتی قرار می‌دهیم که صد برابر موشک، نیرو و زیان داشته باشد» [۸۶۵] .
کشورهای غربی که می‌بینند به علت روحیه نداشتن نیروهای عراقی، «توانایی عملیاتی عراق، در سطح تجهیزات این کشور نیست» [۸۶۶] و «حیثیت تکنولوژیک کشورشان به دلیل عدم کارآیی سلاحهای پیشرفته‌ی آنها که در دست عراق است، زیر سؤال می‌رود»

[۸۶۷] سعی می‌کنند تا حد امکان با سودجویی از تکنولوژی برتر خود نقیصه‌ی فوق را رفع کنند. از این رو، فرانسه «نیروی هوایی ارتش عراق را به بمبهای لیزری هدایت شونده» [۸۶۸] مجهز می‌کند به همین دلیل مثلا زدن نیروگاه نکا، پس از دریافت «نقشه‌ی نیروگاه مزبور از امریکا» [۸۶۹] و «بمبهای لیزری هدایت شونده فرانسه» [۸۷۰] برای عراق میسر می‌شود.

پس از پیشرفت تکنولوژی جنگ عراق، این کشور می‌کوشد حجم ارتش و جیش الشعبی را از نظر انسانی گسترش دهد. در این راستا، صدام در مراسم اعطای نشان به «حمید شعبان» فرمانده نیروی هوایی عراق، ضمن سخنانی از ضعف تجهیزاتی و انسانی ارتش عراق هنگام ورود ایران به خاک عراق می‌گوید:

«سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) برای ما سال خیلی دشواری بود، در آن سال از محمره (خرمشهر) عقب‌نشینی کردیم و از بوق و کرناهای ایران، آهنگ اشغال بصره و اشغال سرزمینهای عراق شنیده می‌شد و رسانه‌های گروهی جهان همگی از تسلیم عراق در قبال تهاجم ایران، سخن می‌گفتند. ولی اراده‌ی ما زیاد بود، شب و روز فعالیت و کار می‌کردیم، نیروهایمان را آموزش و افزایش می‌دادیم، چون به مردم عراق اعتماد داشتیم، یاری خدا را می‌دیدیم و اطمینان داشتیم که خدا پشتیبان ماست. علی‌رغم همه‌ی اینها، تصمیم گرفتیم فقط از بغداد دفاع کنیم،

[صفحه ۲۲۶]

چون با خود گفتیم باید به فکر آن لحظه بود که سربازان ایرانی به پیش می‌تازند و به سوی بغداد می‌آیند. از این رو، گارد ریاست جمهوری را فقط برای دفاع از بغداد بسیج و آماده کردیم. بنا داشتیم گارد ریاست جمهوری را در اطراف شهر بغداد مستقر کنیم تا بتواند در خارج از پایتخت همراه با پرسنل دیگر ارتش با دشمن پیکار کند. در آن موقع گارد ریاست جمهوری از یک هنگ پیاده و یک هنگ مکانیزه و یک دو گردان تانک تشکیل شده بود و بیش از این نبود...» [۸۷۱].

شکست فاو ضربه دیگری است که عراق را وا می‌دارد برای جلوگیری از سقوط خویش، به افزایش کمی و کیفی ارتش عراق بپردازد. صدام در یکی از سخنرانیهایش خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی، به افشای این مسأله می‌پردازد. وی می‌گوید:

«قبل از نبرد فاو، ما قدرت این را که با چند سپاه با نیروی یکسان و همسطح را بجنگیم، نداشتیم؛ ولی ما الآن قدرت آن را داریم که در جبهه با دو یا سه و یا چهار سپاه، و با همان نیروی سپاه اول بجنگیم، زیرا حجم ارتش ما بعد از نبرد فاو پیشرفت کرده است، یکی از درسهایی که در فاو داشتیم این بود که در هفتمین روز نبرد اعلام شد که باید حجم ارتش افزایش یابد، چرا که هر چشمی ممکن است غفلت بورزد و یا آنطوری که باید ببیند، نبیند، یا عقل در یک لحظه نتواند آنطوری که شایسته است، تحلیل کند. بنابراین، ما نمی‌توانیم به دشمن بگوییم بیا و از بخش سوم یا هفتم حمله کن تا ما با تو مقابله کنیم و جلوی هجومت را بگیریم؛ زیرا ممکن است از همه‌ی این بخشها حمله کند، بلکه همزمان با حمله به مواضع سپاههای مذکور بر مواضع سپاه دوم و چهارم نیز هجوم برد. بنابراین، ما باید در امکانات نیرومند باشیم و در نیروهای احتیاطی و ذخیره نیرومند باشیم و خلاصه در تمام واحدها و میادین قوی باشیم و الحمدلله این شعار تحقق یافته است. در اینجا سری را برای دشمن آشکار می‌کنیم: شعار ما این بود که برای مقابله با دشمن در حد او آمادگی پیدا کنیم، ولی اکنون ما در آمادگی و استعداد بر او پیشی گرفتیم و اگر در هر زمان و با هر حجمی که بیاید، نه تنها باید او را بکوبیم، بلکه نباید کوچکترین پوششی

[صفحه ۲۲۷]

در اختیارش بگذاریم تا با آن زخمش را بپوشاند، حتی اگر تپه کوچکی را تصرف کرده باشد، نباید بگذاریم که آن تپه در دستش باقی بماند تا به واسطه‌ی آن زخمش را بپوشاند، چرا که دشمن پرمدعا و متکبر است» [۸۷۲] .

کوشش وسیع عراق در بسیج نیروهای نظامی از بسیاری تعابیر صدام هویدا است. وی در یکی از سخنرانیهای خود اظهار می‌کند «ما قادریم در صورت لزوم، حتی سنگهای بی‌روح را واداریم تا با ایران (و صهیونیسم) بجنگند» [۸۷۳] .

به این ترتیب، ضمن پیشی گرفتن تکنولوژی جنگ عراق از تکنولوژی جنگ ایران، صدام در سال ۱۳۶۵ قادر می‌شود که «۱۰ درصد از کل جمعیت عراق را (که عملا معادل ۲۰ درصد مردان عراق می‌شود) در جبهه‌ها بسیج کند» [۸۷۴] و با جایگزین کردن نیروهای عرب سایر کشورها در ادارات و شهربانی عراق، «از نیروی ادارات، شهربانی عراق و... در جبهه‌ها استفاده کند» [۸۷۵] در نهایت عراق در انتهای جنگ به جایی می‌رسد که از «بیش از ۵۰ لشکر رزمی برخوردار می‌شود.» [۸۷۶] .

صدام در سخنرانی به مناسبت شصت و ششمین سال تأسیس ارتش عراق اعلام می‌کند:

«همان‌گونه که در ژوئیه گذشته تأکید کردیم، ما در امکانات و قدرت بسیج بر دشمن برتری یافتیم و در طول جبهه نیروهای مجرب و آموزش دیده فراهم کرده‌ایم. نیروهای مجهز، آماده و مصمم ما می‌توانند در یک زمان در چند بخش وارد عمل شوند و مشکل را حل کنند. ما با شناخت شیوه‌ی عملکرد دشمن، مجرب شده‌ایم و از این پس جواب ما به حمله‌ی آنان سریع و صاعقه‌وار خواهد بود» [۸۷۷] .

در همین سال، صدام برای مقابله با عملیات سرنوشت‌ساز ایران دستور به تأخیر

[صفحه ۲۲۸]

انداختن شروع سال تحصیلی را می‌دهد و صدهزار نفر از دانشجویان عراقی برای دیدن آموزش به پادگانها اعزام می‌شوند تا «در حالتهای اضطراری برای مقابله با نیروهای ایرانی آماده باشند» [۸۷۸] او پس از پشت سرگذاشتن عملیات بزرگ کربلای ۵، در سخنرانیهای متعددی از «افزایش کمی ارتش عراق سخن می‌گوید» [۸۷۹] .

پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ و قطعیت یافتن توافق غرب و شرق در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، صدام با اتکا به مواضع جهانی و حمایتهای غرب و شرق به جایی می‌رسد که اعلام می‌کند:

«تمام افرادی را که دشمن وارد نبرد (کربلای ۵) کرد، نیست و نابود و یا اسیر شدند، اما در مقابل، ارتش عراق توسعه کمی و کیفی پیدا کرد و در حال حاضر که دشمن نتوانسته است نیروهای مورد نیازش را بسیج کند، باید عراقیان عزم خود را جزم کنند و آن را به حد اعلای خود برسانند، زیرا نبرد آینده به یاری خدا نبردی است که باید در آن نتایجی را که هشت سال برای آن نبرد کردیم، بچینیم» [۸۸۰] .

صدام در سخنرانی دیگری با تکرار مضمون «رسیدن فصل جمع‌آوری و دروی محصول» تأکید می‌کند:

«پیروزی عراق قطعی است و بر عراقیان است که اکنون با حرص و ولع به محصولشان بنگرند و موقع را دریابند.» [۸۸۱] .

صدام پس از تصرف مجدد فاو، با تکرار مضامین قبلی که درباره‌ی افزایش قدرت ارتش عراق بیان می‌کرد بر تز «زمان به نفع عراق است» تأکید می‌ورزد:

«قدرت عراق پس از گذشت هشت سال جنگ به مراتب از روزهای نخست جنگ بیشتر شده و نظم و هماهنگی نیروها در جبهه‌های جنگ، از سالهای اول، دوم و سوم جنگ بهتر شده است... در حالی که ایرانیها در مقایسه با سالهای

[صفحه ۲۲۹]

نخست جنگ، ضعیف‌تر شده‌اند. بنابراین، ما مطمئن هستیم که در آینده زمان به نفع عراق خواهد بود، چون وضعیت چند ساله‌ی اخیر این را ثابت می‌کند» [۸۸۲] .

علاوه بر اینها، صدام در مصاحبه‌ای که با خبرنگاران یوگسلاوی دارد با تأکید بر اینکه در اندیشه‌ی پی‌ریزی جامعه‌ای است که در آن جنگ و زندگی با یکدیگر آمیخته باشند، اعلام می‌کند جامعه فردای عراق به گونه‌ای خواهد بود که گویی جنگ در آن همواره ادامه خواهد داشت. وی می‌گوید:

«ما خود را برای جنگ چنان آماده کرده‌ایم که گویی جنگ همیشه خواهد بود، و چنان در راه ترقی و پیشرفت در حرکتیم، گویی که جنگ فردا تمام خواهد شد. اصل هم همین است و در این صورت، جامعه از هم نخواهد پاشید و دشمن به پیروزی نخواهد رسید. به همین جهت، در ایران حیات اجتماعی متوقف شده است، ولی در عراق اگر چنین چیزی صورت گیرد، ایران پیروز خواهد شد و بالعکس اگر ما به زندگی عادی خود ادامه دهیم، هر زمانی که جنگ به پایان رسد، ایران بازنده خواهد بود و در آن صورت خسارتها و تلفات او منحصر به خسارتهای میدان جنگ نخواهد بود، بلکه فرصتهای پیشرفت و ترقی را نیز از دست داده است» [۸۸۳] .

علاوه بر این، تبلیغات این رژیم از تعمیق کیفیت آموزشی نظامیان عراقی سخن می‌گوید. صدام در یکی از نطقهای خود درباره‌ی آموزش عالی نیروهای عراقی اظهار می‌کند:

«برادران، ما همه امکانات پایداری و پیروزی را در اختیار داریم، اگر دشمن همچون گذشته به بسیج گله‌های بی‌خردش فخر می‌فروشد، ما با پانزده میلیون عراقی از زن و مرد در برابرشان خواهیم ایستاد. بی‌شک، توان ما در بسیج جدی و قوی از امکانات عقب‌افتادگانی که اساس زندگیشان بر مبالغه و دروغ است، بسیار بیشتر بوده و هست.

اکنون دهها هزار رزمنده تازه نفس عراقی که بخوبی آموزش دیده و به

[صفحه ۲۳۰]

بهترین صورت مجهز شده‌اند، به صورت نیروهای احتیاط آماده‌اند تا برای یاری رساندن به نیروهای قدرتمند ما در طول جبهه وارد کارزار شوند» [۸۸۴] .

در موارد متعدد دیگری تبلیغات عراق به تکرار همین مضمون می‌پردازد [۸۸۵] و در ترسیم نتایج عینی تعمیق کیفیت آموزش نظامیان عراقی «از تلفات ۱ به ۳۵ و یا ۱ به ۴۰ عراقیها در برابر ایرانیها» [۸۸۶] و در جای دیگری «از تلفات ۱ به ۱۰۰ عراقیها در برابر ایرانیها» [۸۸۷] سخن می‌گوید. صدام در جهت زمینه‌سازی برای آموزش بهتر نیروهای عراقی «برای یافتن ثبات قلبی رزمندگان» [۸۸۸] و «یافتن مهارت مورد اصابت قرار دادن اهداف از ۱۵۰ متری» [۸۸۹] دستور لغو محدودیت در ارائه مهمات برای تمرین نظامیان و ارائه آموزشهای پیشرفته و مداوم را صادر می‌کند. دستگاه تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی در مقابل درصدد بر می‌آیند تا با تبلیغ ضعف تسلیحاتی و سازمان رزم ایران به بی‌انگیزه کردن و منفعل ساختن مردم و نظامیان ایران نایل آیند.

استکبار جهانی در راستای حمایت بی‌حد و حصر تجهیزاتی از عراق سعی می‌کند تا با تحریم غیر علنی تسلیحاتی ایران، این کشور را در سطحی بشدت نابرابر با عراق نگه دارد. رسانه‌های خبری عراق و غرب نیز از «عدم موفقیت ایران در خرید موشک‌های بلندبرد» [۸۹۰] ، «به نتیجه نرسیدن کوشش ایران برای خرید جنگنده‌های میگ ۱۹ چینی، به سبب اعمال فشار امریکا به چین» [۸۹۱]

، «عدم فروش مهمات و لوازم یدکی توسط کره‌ی جنوبی به ایران که با دستور امریکا انجام می‌گیرد» [۸۹۲] و «کنترل شدید امریکا جهت ممانعت از

[صفحه ۲۳۱]

صدور غیرقانونی اسلحه و لوازم یدکی از این کشور به ایران» [۸۹۳] سخن می‌گویند. از این رو، ایران با بنیه‌ی اقتصادی ضعیفش ناچار می‌شود برای دستیابی به سلاحهای مورد نیازش، نه تنها به کشورهای متعددی متوسل شود - که خود این مسأله از کیفیت کارآیی سلاحهای وی می‌کاهند - بلکه با «قیمتی بسیار گرانتر» [۸۹۴] که «گاه به سه برابر و بیشتر می‌رسد» [۸۹۵] تنها قسمتی از نیازهای خود را از طریق دلالان اسلحه تأمین کند.

مجموعه مسائل فوق و فرسایش و از بین رفتن سلاحهای موجود ایران، باعث می‌شود که در مرحله‌ی سوم جنگ، رسانه‌های خبری عراق و غرب اعلام کنند که «نیروهای ایرانی از نظر تسلیحاتی بسیار ضعیف هستند» [۸۹۶] ضعف لشکر هوابرد و لشکرهای زرهی ایران سبب می‌شود که رسانه‌های غربی «نیروهای ایران را صرفا محدود در نیروهای پیاده نظام قلمداد کنند» [۸۹۷] این رسانه‌ها در تحلیل عدم موفقیت عملیات ایران در خاک عراق می‌گویند «عدم پوشش هوایی نیروهای ایرانی و مقابله‌ی عراق با هواپیما، هلی‌کوپترهای توپدار، توپخانه، تانک و موشک با نیروهای ایرانی» [۸۹۸] ، «ایرانیها را که عمدتا سلاح آنها تفنگ است» [۸۹۹] وادار به عقب‌نشینی می‌کند. در موارد دیگری رسانه‌های خبری غرب از «اوراق کردن برخی از هواپیماهای ایران جهت تعمیر سایر هواپیماها» [۹۰۰] خبر می‌دهند و می‌گویند: «اگر هواپیماهای ایران قادر به پرواز می‌باشند، دلیل بر این نیست که در وضعیتی قرار دارند که می‌توانند وارد مبارزه شوند» [۹۰۱] .

ضعف تدارکاتی ایران، مشکل عمده‌ی دیگری بود که دستگاههای تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی به آن توجه نشان داده، به طور دائم آن را مطرح می‌کنند. برای مثال یکی

[صفحه ۲۳۲]

از این رسانه‌ها می‌گوید: «شکست ایران در عملیات رمضان به خاطر ضعف لجستیکی ایران بوده است» [۹۰۲] و دیگری چنین تعلیل می‌کند که «علی‌رغم عملیات وسیعی که برای سربازگیری در ایران در جریان است، از تدارکات لجستیکی که برای پشتیبانی از عملیات ایران لازم است، اثری نیست» [۹۰۳] رسانه‌ی دیگر می‌گوید: «اگرچه ایران می‌تواند به طور محدود در خاک عراق نفوذ کند، ولی وسایل لازم را برای حفظ حضور خود در آنجا ندارد» [۹۰۴] برخی دیگر از این رسانه‌ها چنین به بحث می‌پردازند که «تجربه نشان داده است، در تهاجمات گسترده، ایران بیش از ۵ روز قادر به تدارک نیروهایش نیست» [۹۰۵] یا می‌گویند ایرانیها در صورت تصرف یک نقطه «قادر به حفظ آن نیستند» [۹۰۶] و به سبب مواجهه با آتش توپخانه، تانکها و نیروی هوایی عراق «که موقعیت غیرقابل دفاعی را برای ایرانیها پدید می‌آورد، در عمل نیروهای خود را در معرض انهدام قرار می‌دهند» [۹۰۷] .

دستگاههای خبری غرب «تغییر استراتژی ایران و پیش گرفتن انجام عملیاتهای کوچک» [۹۰۸] و «به عقب افتادن انجام برخی از عملیاتهایی که از ایران انتظارش می‌رفت» [۹۰۹] ، را در نتیجه‌ی ضعف تدارکاتی و لجستیکی ایران می‌دانند و در این زمینه، به استدلال مسئولان ارتش ایران نیز استناد می‌کنند که برای مثال گفته‌اند: «بدون تدارکات لازم، پیروزی نظامی ایران امکان‌پذیر نیست» [۹۱۰] هم عرض با تبلیغ ضعف تسلیحاتی ایران، ضعف سازمان رزم ایران، که توسط بسیاری از فرماندهان ایرانی نیز مورد

تاکید قرار گرفته بود، از سوی دستگاه تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی مطرح و تبلیغ می‌شود.
عراق از سال ۶۲ اعلام می کرد که «ضعف ایران آشکار گردیده است، زیرا قبلا

[صفحه ۲۳۳]

ایران در خلال مدت ۱۰-۷ روز می‌توانست هزارها داوطلب را بسیج کند و برای جمع‌آوری داوطلبان به یک ماه فرصت نیاز داشت، ولی اکنون در فاصله‌ی دو نبرد، احتیاج به دو یا سه ماه وقت دارد» [۹۱۱] اما رسانه‌های خبری غربی از حدود سال ۶۵ به طور متمرکز، از «عدم اشتیاق مردم به حضور یافتن در جبهه‌های جنگ» [۹۱۲] ، «فرار جوانان از خدمت وظیفه» [۹۱۳] و «فرار فرزندان اقشار متوسط و مرفه برای اعزام به جبهه» [۹۱۴] سخن می گویند و تاکید می کنند «علی‌رغم آنکه عراق موفق شده است معادل ۱۰ درصد از کل جمعیتش را در جبهه‌های جنگ بسیج کند، ایران کمتر از ۴ درصد جمعیتش را در جبهه‌ها بسیج کرده است» [۹۱۵] در سال ۶۶، مطبوعات غرب اعلام می کنند «ایران برخلاف سال ۶۵ که به بسیج یک میلیون نفر داوطلب موفق شد، در این سال تنها موفق به بسیج ۴۰۰ هزار نفر شده است» [۹۱۶] و به همین سبب «قادر به انجام تهاجم معمول زمستانی خود نیست» [۹۱۷] .
در سال ۶۷، پس از سقوط فاو و تهدید تهاجم شیمیایی عراق به شهرها و جبهه‌های ایران، رسانه‌های خبری غرب از «مشکل سربازگیری در ایران» [۹۱۸] و «کمبود شدید نیرو در جبهه‌های ایران» [۹۱۹] خبر می‌دهند و تعداد نیروهای «اعزام سه ماهه‌ی داوطلبان را کمتر از ۲۲۰ هزار نفر - کمتر از یک سوم سال قبل -» [۹۲۰] اعلام می کنند.
محور تبلیغاتی دیگری که رسانه‌های خبری عراق و جهان در جهت تضعیف هر چه بیشتر روحیه‌ی مردم و رزمندگان بدان می‌پرداختند، آموزش اندک نیروهای نظامی

[صفحه ۲۳۴]

ایران بود. صدام در یکی از سخنرانیهایش می گوید:
«اگر نیروی ایرانیها به صدهزار نفر هم برسند، آیا صدهزار فرد ناحق که از لحاظ تعلیم و تجهیزات ناقص هستند، می توانند اهدافی را برای ایرانیها محقق سازند که دیگران از عهده آن برنیامده و ناتوان مانده‌اند» [۹۲۱] .
رسانه‌های خبری جهان نیز «از نیروهای آموزش ندیده‌ی ایرانی که زیر رگبار عراقیها همچون برگ خزان بر زمین می‌ریزند.» [۹۲۲] سخن می گویند و اعلام می کنند که «نیروهای ایرانی بدون آمادگی قبلی به سوی جبهه‌ها اعزام می‌شوند» [۹۲۳] و یا تبلیغ می کنند «نیروهای بسیجی بدون آنکه حداقل آموزش جنگی را دیده باشند، اولین و آخرین آموزش خود را در جبهه‌های نبرد می‌بینند» [۹۲۴] در موارد متعدد دیگری، همین رسانه‌ها از «ضعف آموزش نیروهای ایرانی» [۹۲۵] خبر می‌دهند.
زیانهای جنگ، مضمون تبلیغاتی مهم دیگر رسانه‌های گروهی عراق و جهان است. مضامینی مانند «۶۰ میلیارد دلار بدهی خارجی ایران» [۹۲۶] ۱۸ میلیارد دلار کسری بودجه در بودجه سال ۶۶» [۹۲۷] ۳۰۶ میلیارد دلار زیان مالی ناشی از جنگ» [۹۲۸] «مخارج ماهانه‌ی یک میلیارد دلاری جنگ» [۹۲۹] ، «صرف ۶۰ درصد پول فروش نفت برای جنگ» [۹۳۰] ، «چاپ بدون پشتوانه اسکناس در ایران» [۹۳۱] ، «نظام دو نرخی کالاها در ایران» [۹۳۲] ، «رسیدن

[صفحه ۲۳۵]

میزان تـورم به ۴۲ درصد» [۹۳۳] ، «تعطیل شـدن ۳۰ درصـد کارخانه‌های ایران، و تولیـد زیرظرفیت ۵۰ درصـد کارخانه‌های فعال» [۹۳۴] ، «انهـدام تأسـیسات نفـتی جنوب ایران» [۹۳۵] ، «غرق شـدن ۴۵ کشتی توسـط عراق» [۹۳۶] ، در رسانه‌هـای خـبری عراق و استکبار جهـانی مکرر مطرح می‌شود. «بحران اقتصادی ناشـی از جنگ در ایران» [۹۳۷] ، «فقیرتر شـدن فقرا و غنی‌تر شـدن اغنیا در طول جنگ» [۹۳۸] ، «فقدان امکانات تحصیلی و شغلی برای اقشار فقیر جامعه به سبب وقوع جنگ» [۹۳۹] موضوعات تبلیغاتی دیگر این رسانه‌هاست. تلفات سـنگین انسانی جنگ، که گاه آن را تا «یک میلیون کشته (شهید)- تا ابتدای سال ۶۶ - » [۹۴۰] می‌رسانند، از دیگر مضامین تبلیغاتی است.

گذشـته از تبلیغ ضایعات انسانی و اقتصادی، که در شرایط جنگی امری طبیعی است؛ تبلیغات عراق و جهان، برخی از ضایعات وارده بر امکانات اقتصادی و انسانی ایران را ناشـی از بی‌کفایتی مسـئولان جمهوری اسلامی می‌دانند و به طرح همین مسأله می‌پردازند. به عنوان مثال، صدام بارها تز «گذشت زمان به نفع ماست» را که توسط سـخنگوی شورای عالی دفاع مطرح می‌شد، به تمسـخر گرفته، پس از آوردن دلایـل متعـددی نتیجه می‌گیرد. «گـذشت زمـان به نفع ایران نبوده و به نفع عراق است.» [۹۴۱] برخی از مسائل دیگر مانند «حملات امواج انسانی ایرانیها»، «به‌کارگیری کودکان در جنگ»، «عدم آموزش لازم سربازان ایرانی» و... از مواردی بودند که تبلیغات عراق و جهان آنها

[صفحه ۲۳۶]

را بی‌کفایتی مسـئولان جمهوری اسلامی نسبت می‌دادند و پس از تأکید بر اینکه «ایران کودکان ۹-۸ ساله» [۹۴۲] ، را «با شستشوی مغزی» [۹۴۳] ، و «در صورت لزوم با زور» [۹۴۴] ، به جبهه‌ها اعزام می‌کنـد و «در صورت فرار از جبهه آنها را اعدام می‌کند» [۹۴۵] ، از شکست سیاست «امواج انسانی ایران» سخن می‌گویند.

بخش فارسی رادیو بغداد در یکی از برنامه‌های خود در نقد سیاست «امواج انسانی ایران» می‌گوید:

«حضـرت امـام، آنچـه را کـه شـما امروز در جبهـه عمـل می‌کنیـد، سرخ‌پوسـتان امریکـایی در ۲۰۰ سـال قبـل انجـام می‌دادنـد که کارگردانان سینما عملیات آنها را به صورت فیلم درآورده‌اند؛ به این ترتیب که سرخ‌پوستها بعد از تبلیغات و آماده‌کردن افراد خود، آنها را به صورت امواج انسانی، فریادزنان به طرف قلعه‌های نظامی سفیدپوسـتان می‌فرسـتادند، که گاهی پس از تلفات سـنگین قلعه تسخیر می‌شد، ولی نتیجه‌ی نهایی این عملیات نابودی جوانان سرخ‌پوست و اشغال کشور امریکا توسط سفیدپوستان بود» [۹۴۶] .

رسانه‌های خبری غربی چنین اظهارنظر می‌کنند که:

«ایرانیهـا پس از آنکه ۲۰۰ هزار کشـته (شـهید) در عرض سه سال دادنـد، باید شـکست تاکتیک امواج انسانی خود را نتیجه بگیرند» [۹۴۷] .

«نظـام اسـلامی بایـد درس گرفته باشـد که دیگر نمی‌توان بـا بسیج مردم تعلیم ندیـده پیش برد، بلکه بایـد با شـیوه‌های علمی و فنی جنگید» [۹۴۸] .

علاوه بر این، این رسانه‌ها حملات ایران را «فناتیکی و بدون امکانات لازم» [۹۴۹] .

[صفحه ۲۳۷]

می‌دانند و «تعلیمات ناچیز نظامیان ایرانی» [۹۵۰] را مورد استهزا قرار می‌دهند.

مطرح ساختن تناقضات تبلیغاتی ایران محور تبلیغاتی مهم دیگر این رسانه‌هاست. متاسفانه، فقدان سیاست تبلیغاتی مشخص میان‌مدت و کوتاه‌مدت، باعث می‌شود بین شعارها و عملکردهای مسئولان جمهوری اسلامی اختلاف شدیدی وجود داشته باشد. به عنوان مثال، تهدید به عملیات مقابله به مثل و انجام ندادن آن، تهدید به عملیات مقابله به مثل شدیدتر و کوبنده‌تر و عدم تحقق آن، مانور روی رد درخواست امریکا از سوی سایر کشورهای عضو ناتو مبنی بر اعزام ناوگان به خلیج فارس، عدم تحقق وعده‌های مسئولان ایران در وارد آوردن ضربه‌ی نهایی به عراق، تعیین سرنوشت جنگ در سال ۶۵ و... فضای مناسبی برای تهاجم تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی، به افکار عمومی مردم ایران، فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، در مرحله‌ی سوم جنگ گاهی ملاحظه می‌شد که جریانات سیاسی و تبلیغاتی ایران، در آن واحد دو مسیر مخالف با یکدیگر را طی می‌کنند. برای مثال، با سفر دکوئیار به ایران، موجی از خوشبینی نسبت به خاتمه جنگ در تحلیل مفسران سیاسی رسانه‌های خبری ایران ظاهر شد، حال آنکه در همان زمان، مردم نیروهایی با عنوان حماسه‌سازان عاشورا را به جبهه‌ها گسیل می‌داشتند.

پس از ورود نیروهای ایران به خاک عراق، تایمز لندن طی تحلیلی نوشت:

«مقاصد واقعی رهبران ایران پس از ورود به خاک عراق، در پس پرده‌ای از مه و حجابی از اعلامیه‌های متناقض مخفی است و کسی به درستی از آنچه می‌گذرد، باخبر نیست» [۹۵۱] .

و بخش عربی رادیو امان با مضامینی مشابه بیان کرد:

«کسانی که منطق حکام ایرانی را پیگیری می‌کنند، متوجه می‌شوند که شعارهای آنها قبل از هر حمله‌ای متفاوت از یکدیگر است. برخی از آنها ادعا می‌کنند که هدف استرداد سرزمینهای ایران است و عده‌ای دیگر مدعی می‌شوند که می‌خواهند زیانهای مالی را از عراق دریافت دارند و گروه دیگری به خود

[صفحه ۲۳۸]

امیدواری می‌دهند که رژیم حاکم بر عراق را تغییر دهند» [۹۵۲] .

و متأسفانه تداوم همین ابهامهای سیاسی و تبلیغاتی، همواره بهترین دستاویز تبلیغاتی برای تبلیغات عراق و استکبار جهانی بود. صدام در مصاحبه با روزنامه‌نگاران عربستان که از وی پرسیده بودند: «چگونه می‌توان اهمیت این جنگ را نزد مردم روشنفکر و تحصیل کرده‌ی کشورهای عربی تبلیغ کرد؟» با تکیه به همین مسأله پاسخ می‌دهد:

«باید انگیزه‌های ایرانیان در حمله علیه عراق و عربها را برای آنها تشریح کرد و با استفاده از اظهارات مسئولان ایرانی، برای آنها دلیل آورد تا عمق این مسأله را درک کنند و آنها به ظواهر قضیه اکتفا نکنند» [۹۵۳] .

نگاهی به شعارهای تبلیغاتی مسئولان جمهوری اسلامی بوضوح می‌نمایاند که آنها مثلا به مردم وعده می‌دادند: «ایران به جهان فرصت می‌دهد تا حق را بپذیرد، و در غیر این صورت، ایران در عملیات آتی خویش ضربه‌ی نهایی را به رژیم عراق وارد خواهد آورد.» رویتر طی گزارشی از بحرین در همین زمینه می‌نویسد:

«هزاران ایرانی برای چیزی که رئیس جمهور ایران آن را ضربه‌ی نهایی قلمداد کرده است، عازم جبهه شده‌اند» [۹۵۴] .

تکرار چنین وعده‌هایی و اثبات خلاف آنها، شدیدترین ضربات را به انگیزه‌ی مردم در گرم نگاه داشتن صحنه‌های نبرد وارد آورد. الجمهوریه در یکی از تحلیلهای خود با اشاره به همین مسأله می‌نویسد:

«مسئولان ایرانی همیشه به مردم ایران قول می‌دهند که حمله جدید آخرین حمله خواهد بود» [۹۵۵] .
دوباره با طرح «سال سرنوشت» و دادن وعده‌های صریحی به مردم مبنی بر اینکه این سال، سال خاتمه‌ی جنگ خواهد بود، دستگاههای تبلیغاتی عراق و جهان به فعالیت

[صفحه ۲۳۹]

افتادند و با استفاده از همین مسأله، دست به زمینه‌سازیهای لازم برای تبلیغات بعدی خویش زدند. صدام در نامه‌ی سرگشاده‌ای که خطاب به مسئولان ایران فرستاد تأکید کرد «شما دفعات قبل دروغ گفتید، و امسال هم که از سال نهایی جنگ سخن می‌گویید، همچون گذشته خواهد بود.» [۹۵۶] و رسانه‌های خارجی اعلام داشتند «آیت‌الله خمینی قول داده است که جنگ را تا پایان امسال خاتمه دهد» [۹۵۷] ، اما پس از خاتمه‌ی سال ۶۵، صدام در اولین روز سال ۶۶، با ارسال پیامی خطاب به ملت عراق - که همزمان به زبانهای فارسی، عربی و کردی پخش شد - با تاکید بر پیش‌بینی قبلیش، شکست محتوم ایرانیها را وعده داد و از عراقیها خواست که این روز برجسته را جشن بگیرند. صدام در قسمتی از پیام خویش می‌نویسد:
«ما قبلا یادآور شدیم که شما کمر دشمن رادر میادین کارزار شکستید و توطئه تجاوزگرانه‌ی او را در محکمترین حرکات پنهانی و آشکار آن درهم شکستید. آنچه باقی مانده و باید به شما دلاوران نیروهای مسلح یادآور شویم، این است که شما ای عراقیهای عزیز و افتخارآفرین، باید به خاطر داشته باشید که هنوز مقادیری از سم‌پاشیها، باقی مانده و هنوز دندانهای اژدهای در حال احتضار، زهر دادن خود را تداوم می‌بخشد و هنوز قدرت گاز گرفتن را علی‌رغم شکستن کمرش دارد. آنچه از شما می‌خواهیم بیداری و آمادگی بیشتر برای نابودی باقی مانده‌ی پیکر این عفریت، و به خاک سپردن آن است تا بر فراز لاشه‌ی آن پرچم پیروزی رسمی را به خواست خدا برافراشته سازید و ما مطمئن هستیم که شما قادر به چنین کاری هستید؛ بویژه پس از اینکه از عهده‌ی مرحله دشوار این کار برآمده‌اید» [۹۵۸] .
تبلیغات عراق پس از خاتمه‌ی سال ۶۵ مکرر از شکست ایرانیها در «سال سرنوشت» [۹۵۹] یاد می‌کنند و از همین مسأله، بطلان سایر اهداف جمهوری اسلامی را نتیجه می‌گیرند. صدام

[صفحه ۲۴۰]

در مصاحبه با السیاسه، از تناقض شعارهای جمهوری اسلامی با عمل چنین استفاده می‌کند:
«بعد از تصمیم شورای امنیت، ما به عنوان مردم عراق از جانب خودمان مناسب با اوضاع و احوال رفتار می‌کنیم. درست است که بعضی از محافل بین‌المللی، ممکن است انتظار بعضی کارها را داشته و برخی دیگر انجام اموری را از ما درخواست کنند، ولی ما پس از تصمیم شورای امنیت قادر بودیم مطابق با جو و اوضاع رفتار کنیم. از آن زمان، به خود گفتیم که اجازه دهید فرصتی به دبیر کل سازمان ملل متحد و شورای امنیت بدهیم، مادامی که شورای امنیت به تصمیم‌گیری مشغول است، برای مدتی معین از تهاجم در منطقه‌ی خلیج (فارس) دست برداریم. ما بدون اعلام قبلی از جانب خودمان تهاجم را برای مدت چهل روز متوقف کردیم، ولی آنان خیال کردند که ما بنابر آنچه آنان گمان می‌کنند؛ یعنی به دستور امریکا یا دولتهای بزرگ یا با فشار تحمیل شده از جانب این یا آن، حمله را متوقف کرده‌ایم. در این موقع بود که این خیال، چشم آنان را کور کرد و تمایلاتشان آنها را خام کرد و از طریق وسایل تبلیغاتیشان شروع کردند به دیکته‌ی شروطی بر عراق و گفتند اگر عراق اهداف اقتصادی و نفتی در خشکی را بزنند، آنها نیز

برای مقـابله همه‌جـا را مورد حمله قرار داده و نـابود می‌کننـد و ناوگانهای دریایی بیگانه در خلیـج (فارس) هم از آتش غضب آنان رهـایی ندارنـد، اما وقتی مهلتی که داده بودیم به پایان رسـید، و تمام بخشـهایی را که در خشـکی و دریا به آنها برای ادامه‌ی تجاوز یاری می‌داد، مورد حمله قرار دادیم، آنها چه کردند؟ شـروع کردند به حمله به یک کشتی که برای حمل نفت خودشان آمده بود و یا کشتی مسافربری در خلیج (فارس) که باید از حملات مصون باشـند. و هیچ رابطه‌ای با ناوگان امریکا، انگلیس یا فرانسه نداشـتند. ایرانیها این اهداف را مورد اصابت قرار دادند. با این شرایط آیا ممکن است ما در مقابل تهدیدات آنها گول بخوریم» [۹۶۰] .
تبلیغات عراق با توسل به برخی از مغالطات سعی می‌کند اذهان افراد ساده‌لوح را با

[صفحه ۲۴۱]

شبهـات و مغالطـات خود مشوب سـازد. به عنوان مثـال، عراق اعلام می‌کنـد که «جنگ ایران با عراق مانع از به کار گرفتن نیروهایی می‌شود که بایـد به مقابله با اسـرائیل بپردازنـد» [۹۶۱] و یـا از نیروهـای ایرانی می‌خواهـد تـا «به سوی سـرزمین مقـدس امام علی بن ابیطالب آتش نگشوده» [۹۶۲] و «در ماه مبارک رمضان دست به کشتار برادران مسلمان خود نزنند» [۹۶۳] یا می‌گوید:
«ایرانیها که در مسائل حجاب، آوازخواندن و اینگونه مسائل پیش پا افتاده، بر تطبیق قوانینشان با اسـلام اصرار می‌ورزند، چرا افراد را به اجبار به سربازی می‌برند؛ زیرا در اسلام دوره‌ی سربازی اصلا و ابدا وجود نداشته است» [۹۶۴] .
از طرف دیگر، تبلیغات عراق می‌کوشـند تا اخبار ایران را کـذب، و غیرقابل اعتماد معرفی کننـد. خبرگزاری یوگسـلاوی نمونه‌ای از این تلاشـهای رژیم عراق را اینگونه منعکس می‌کنـد: «منابع نظامی عراق گزارش پیشـرفت نیروهای ایران به سوی بصـره را به عنوان «دروغهـای عادی» و «تبلیغات دروغین» قویا تکـذیب کردنـد» [۹۶۵] نشـریه‌ی ویژه‌ی خـبرگزاری جمهوری اسـلامی نیز طی یکی از گزارشهای خود می‌نویسد:
«خبرگزاری عراق در سـاعت ۱۵ / ۲۰ دقیقـه امشب، به دنبـال بیش از ۴۰ سـاعت سـکوت رسانه‌های رژیم عراق در زمینه‌ی عملیات نصر ۸ به نقل از یک سـخنگوی نظامی عراق ادعای رادیو تهران مبنی بر وقوع درگیری در قصـر شـیرین را انکار کرد. این سـخنگو امشب در گفتگویی بـا خبرگزاری عراق گفت: این نبرد، نبرد دیگری در رؤیاهـای رژیم ایران است. ولی در عمل، هیچگونه نبردی، حتی نبردی کوچک میان نیروهای عراقی و ایرانی رخ نداده

[صفحه ۲۴۲]

است. این سـخنگو همچنین گفت: این ادعای رژیم ایران نشان می‌دهد که رژیم مذکور عقلش را از دست داده است و فاقد هرگونه ارتباطی با واقعیت است و با خلقهای ایران به طور بسـیار زننـده‌ای رفتار می‌کنـد. این سـخنگو همچنین گفت: اینگونه دروغها، افکار عمومی جهـان را نمی‌فریبـد، بلکه بی‌مقـداری حکام ایران را به اثبات می‌رسانـد. وی از ایران خواست تا اگر کوچکترین دلیلی برای اثبات مـدعای خود دارد ارائه دهـد و از خبرنگاران خواست تا از منطقه‌ی مـذکور بازدید کنند تا شـخصا از واقعیت مطلع شوند. وی همچنین افزود: بافتن این دروغ اثبات می‌کند که رژیم ایران یک رژیم دروغگو عقب‌افتاده و نادان است» [۹۶۶] .
در جریان عملیات بیت‌المقدس ۲ نیز سخنگوی نظامی عراق اخبار ایران را «دروغهای بی‌اساس و مبالغه‌آمیز» [۹۶۷] می‌خواند.
مسأله اخبار کذب و غیرقابل اعتماد ایران توسط رسانه‌های غربی نیز بشدت تبلیغ می‌شود و این رسانه‌ها در حالی که بیشتر «اظهارات هر دو کشور ایران و عراق را متناقض می‌نامند» [۹۶۸] ، با این وجود «به اخبار منتشره از سوی عراق بیشتر اعتماد می‌کنند» [۹۶۹] ، و

گزارشهای ایران را «بسیار اغراق‌آمیز» [۹۷۰] می‌خوانند و برای اثبات این مطلب، با توسل به دروغهای اعجاب‌آور، سعی دارند اخبار ایران را کذب محض نشان دهند. به عنوان مثال، پس از فتح فاو، وزارت امریکا برای کذب نشان دادن ادعاهای ایران می گوید:

«ایران مدعی است که شهر فاو و جزیره‌ی ام‌الرصاص را تصرف کرده است، اما ادعای تصرف فاو مورد تردید مقامات وزارت دفاع امریکاست» [۹۷۱] .

و در جریان عملیات کربلای ۵، شبکه ای.بی.سی امریکا، از قول مقامات پنتاگون اعلام می کند:

[صفحه ۲۴۳]

«برخلاف ادعاهای ایران مبنی بر منهدم ساختن ۵۰۰ تانک در طول این عملیات، مقامات پنتاگون تعداد تانکهای ساقط شده عراق را تنها چند دوجین برآورد کرده‌اند» [۹۷۲] .

(اما رادیو امریکا چند ماه پس از عملیات کربلای ۵ اعلام می کند «عراق در جنگ بصره ۱۵ تا ۲۰ درصد نیروهای زرهی خود را از دست داده است») [۹۷۳] .

در جای دیگری، خبرنگار لوماتن می‌نویسد:

«در حالی که رژیم تهران اعلام کرده بود نیروهایش عکس آیت‌الله خمینی را بر در و دیوار شهر عراق مندلی نصب کرده‌اند، خبرنگار لوماتن می گوید: من در مندلی از اهالی شهر پرسیدم آیا نبردی در شهر رخ داده است و از آنها پاسخ نه، شنیدم. پرسیدم آیا نیروهای آیت‌الله خمینی به داخل شهر آمدند، جواب شنیدم نه. پرسیدم آیا خساراتی به شهر وارد آمده است، مردم باز هم گفتند نه...» [۹۷۴] .

در فرازهای دیگری از تبلیغات عراق حضرت امام امت زیر سؤال برده می‌شوند که از این مسأله در محور ترسیم چهره منفی برای ایران یاد شد.

تحقیر مسؤلان جمهوری اسلامی فراز دیگری از تبلیغات عراق برای بی‌انگیزه کردن مردم و نظامیان ایران است. نمونه‌هایی از بیانات بخش فارسی رادیو بغداد در این زمینه به شرح زیر بود:

«هشت سال تمام است که مردم ناچارند از دستور کسانی تبعیت کنند که تا دیروز چشم به دست مردم بودند که صدقه یا خمس و زکاتی به آنها بدهند. چرا که تخصصی جز روضه‌خوانی و مرده‌شویی و به گریه واداشتن مردم نداشتند» [۹۷۵] .

«مردان کفن‌دزد و روضه‌خوان دیروز و حاکم بر ایران امروز، از دیدگاه خود

[صفحه ۲۴۴]

انقلاب را هدایت می کنند. آخر مردم کی انقلاب کرده‌اند که چنین شود» [۹۷۶] .

نفی عقیدتی بودن جنگ و زیر سؤال بردن اسلامیت جمهوری اسلامی و تبلیغ رابطه با امریکا و اسرائیل، فرازهای مهم دیگری از تبلیغات عراق بودند. اما از آنجا که این مباحث در قسمتهای دیگر بحث شده‌اند، در اینجا بدانها نمی‌پردازیم.

یکی از مهمترین ترفندهای دیگر دستگاههای تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی در بی‌انگیزه کردن و تضعیف روحیه مردم و نظامیان ایران تحریف پیروزیهای ایران بود. استناد پیروزیهای ایران به «شانس خوب ایرانیها» [۹۷۷] ، «بارندگی و گل بودن زمین منطقه عملیاتی» [۹۷۸] ، «شرکت نیروهای سوری در جنگ» [۹۷۹] ، «شرکت نیروهای اسرائیلی و کره‌ای در جنگ» [۹۸۰] ، و... قسمتی از

تبلیغات عراق در این زمینه بود. در موارد دیگری مثلاـ در فتح فاو تبلیغ می‌شد «در فاو جز نیروی کوچکی جهت نگهبانی چیز دیگری وجود نداشت» [۹۸۱] و یا ادعا می‌شد «پیروزی فاو از نظر نظامی چشمگیر نیست» [۹۸۲] ، «فاو فاقد اهمیت استراتژیکی است» [۹۸۳] ، «پیروزی فاو یک پیروزی محدود است» [۹۸۴] ، فاو «بندری متروکه» [۹۸۵] و «خطه‌ای لم یزرع» [۹۸۶] و «دنباله یک منطقه‌ی باتلاقی عمدتا غیرمسکونی است» [۹۸۷] در نهایت گفته می‌شود که «ایرانیها خود را در فاو زندانی کرده‌اند» [۹۸۸] و «عراق با تصرف نکردن فاو،

[صفحه ۲۴۵]

گور دهان بازی برای بلعیدن ایرانیها ایجاد کرده است» [۹۸۹] .

در خصوص عملیات بزرگ کربلای ۵ هم، انبوه اخبار تحریف شده عراق، افکار عمومی ایران را هدف قرار می‌دهند. به عنوان مثال، بخش فارسی رادیو بغداد طی تفسیری در این زمینه می گوید:

«سال سرنوشت سازی که مسئولان کشور وعده داده بودند که با پیروزی رزمندگان ایران خاتمه خواهد یافت، به پایان رسید. اوایل این سال، علاوه بر صدها هزار رزمنده که در جبهه بودند، ابتدا هزار گردان و بعدا سپاه ۱۰۰ هزار نفری محمد و سپاه ۱۰۰ هزار نفری مهدی روانه‌ی میدان جنگ شدند. نتیجه‌ی اعزام این ارتش عظیم تبلیغات وسیع در خصوص فتوحات چشمگیر اشغال دو تپه در شمال حاج عمران، و پیشروی ادعایی شش کیلومتر در منطقه بصره و تصرف چند سنگر است که این به اصطلاح فتوحات، حتی ارزش گفتار را هم ندارد. آنهایی که از علم جنگ اطلاعی دارند، می‌دانند که سنگر و تپه، اهداف دسته و گروهان است نه ارتش. همانطوری که شکار موش از طرف شیر مسخره است، اشغال سنگر و تپه، از طرف ارتش به شوخی بیشتر شباهت دارد و عجیب است که مسئولان ایران از خبرنگاران خارجی برای بازدید این فتوحات فوق‌العاده و چشمگیر دعوت به عمل آورده‌اند» [۹۹۰] .

رسانه‌های خبری عراق و استکبار جهانی نیز در جریان عملیات کربلای ۵ از «تشکیل کوههایی از اجساد ایرانیان» [۹۹۱] «محاصره و به دام افتادن ایرانیها» [۹۹۲] و «شکست نهایی ایران» [۹۹۳] سخن می گویند.

ضعف روحیه‌ی مردم و نظامیان ایران، محور تبلیغاتی دیگری است که در طول مرحله سوم جنگ، و بویژه اواخر این مرحله، در تبلیغات عراق و جهان ملاحظه می‌شود.

[صفحه ۲۴۶]

پس از ورود ایران به خاک عراق و آغاز مرحله سوم جنگ، مقامات پنتاگون با استناد به عملیات ناموفق رمضان و والفجر مقدماتی، از «شکسته شدن روحیه ایرانیها» سخن می گویند و از دست دادن مناطق اشغالی را «به روحیه بد ایرانیها» [۹۹۴] نسبت می‌دهند. عراق نیز در این مرحله از جنگ، با استناد به تحقیقاتی که روی اسرای ایرانی انجام داده بود از «روحیه‌های خسته و ضعیف سربازان ایرانی» [۹۹۵] سخن می‌گوید. رسانه‌های خبری جهان هم گاه و بیگاه از بی‌روح شدن زندگی در ایران یاد کرده، و خستگی ناشی از جنگ را عامل اساسی از دست رفتن نشاط زندگی در ایران، می‌دانند. آسوشیتدپرس از پاریس طی گزارشی درباره‌ی بی‌روح شدن زندگی ایرانیها می‌نویسد:

«یک ایرانی که از لندن دیدار می کند گفت: تهران اکنون شهر کودکان خردسال و افراد کهنسال است و غیر از این دو گروه، دیگر همه به جبهه اعزام شده‌اند. یک ایرانی در پاریس گفت: بیشتر کسانی که از جبهه‌ها بازگشته‌اند ناقص یا فلج شده‌اند و در خیابانها

گدایی می کنند، چیزی که در دوران شاه حتی شاهد یک مورد آن نبودیم. یک خانم خانه‌دار در نامه‌ای که به دوستش در تل آویو فرستاده است می‌نویسد: من آخرین باری را که از ته دل خندیدم به یاد نمی‌آورم و یک خانم خانه‌دار ایرانی که اکنون ساکن پاریس شده است، در گفتگو با ما بیان داشت در حدود نیمی از خانواده‌هایی که در خیابان زادگاه وی در تهران زندگی می کنند، فردی را در جنگ از دست داده‌اند» [۹۹۶] .

رسانه‌های خبری جهان در موارد متعدد دیگری در این مرحله از جنگ به مسأله خستگی و بیزار شدن مردم از جنگ اشاره می کنند [۹۹۷] و خاطرنشان می‌سازند:

«عراق درصدد وارد آوردن فشار هر چه بیشتر بر مردم ایران است تا موجبات نارضایتی هر چه بیشتر آنها را از جنگ فراهم آورد» [۹۹۸] .

[صفحه ۲۴۷]

اما در ماههای نخست سال ۶۷ تبلیغات رسانه‌های خبری استکبار جهانی در خصوص ضعف روحیه‌ی رزمندگان و مردم ایران بشدت افزایش می‌یابد. پس از سقوط فاو، رسانه‌های خبری جهان از «ضعف روحیه رزمندگان، و یأس و نومیدی مردم در پشت جبهه‌ها» [۹۹۹] خبر می‌دهند و تأکید می‌ورزند که «سقوط فاو بیشتر از این جهت مایه‌ی نگرانی مسئولان ایرانی را فراهم آورده است که به تضعیف روحیه‌ی مردم و رزمندگان ایران انجامیده است» [۱۰۰۰] .

پس از آنکه آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی نجفی با نظر موافق فقهای حوزه‌ی علمیه قم، نامه‌ای در مخالفت با جنگ به محضر حضرت امام ارسال داشتند، لوموند از «اعتراض و مخالفت فزاینده ولی بی‌سرو صدا، با سیاست رسمی ادامه‌ی جنگ که در سطح ملی در ایران متجلی شده است.» [۱۰۰۱] سخن گفت. با سقوط شلمچه، خبرگزاریها از «جبهه‌ی داخلی در حال از هم گسیختن و تحلیل رفتن ایران» [۱۰۰۲] خبر دادند. پس از سقوط جزایر مجنون، همین رسانه‌ها با تأکید بر اهمیت جزایر مجنون (که یکی از مهمترین حوزه‌های نفتی در خاورمیانه است) و هشدارهایی که فرماندهان عراقی نسبت به بازپس گیری مناطق تحت اشغال ایران داده بودند و تأکیدی که امریکا در تمرکز قوای عراقیها در جزایر مجنون کرده بود، از «ضعف مفرط روحیه‌ی نظامیان ایرانی» [۱۰۰۳] سخن می گفتند و در این میان حتی اعلام می کنند «ایران برای بالا بردن روحیه‌ی سربازان خود نیروهایی از حزب‌الله لبنان را در جبهه‌های خود به کار گرفته است» [۱۰۰۴] .

موضوع دیگری که تبلیغات عراق و استکبار جهانی در این مرحله از جنگ برای بی‌انگیزه کردن مردم و رزمندگان اسلام به طرح آن می‌پرداختند، به بن‌بست رسیدن جنگ بود. صدام پیش از ورود ایران به خاک عراق، استدلال می کرد «تمام روان‌شناسی جنگ به مجرد تهاجم ایران به خاک عراق، تغییر خواهد کرد، زیرا نیروهای ایرانی از

[صفحه ۲۴۸]

(امام) خمینی سؤال خواهند کرد، حالا که دیگر نیروهای عراقی در خاک ما نیستند، چرا ما را در مرز نگه داشته‌ای؟ و پرداختن به مجادله در خصوص معقول بودن یا نبودن تهاجم به خاک عراق، وحدت اطرافیان (امام) خمینی را فرو خواهد ریخت» [۱۰۰۵] .

صدام در پیامی که در سال ۶۱ خطاب به مردم ایران می‌دهد، سعی می کند با استدلالهایی منطقی، تز مسئولان جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه زمان به نفع ماست را ابطال شده بداند و پیروزی ایران در جنگ را مردود بشمارد. وی در قسمتی از پیام خود

می‌نویسد:

«حکام ایران می‌گویند ایران عراق را فرسوده خواهد کرد، زیرا تولید نفت ایران نسبت به آغاز جنگ افزایش یافته، اما تولید نفت عراق به علت قطع خط لوله‌ی عراق در سوریه و قطع صادرات خلیج (فارس) این کشور، کاهش یافته است. اما در این باره، باید بگویم که تولید نفت ایران با خطرات گوناگونی مواجه است که از جمله آنها مخالفت اعضای اوپک با سیاستهای ایران و تعرض نیروی دریایی و هوایی عراق به تأسیسات نفتی ایران است. اما، نفت عراق که از ترکیه صادر می‌شود به مرور زمان رو به افزایش است و به دو برابر سطح میزان فعلی خواهد رسید. بعلاوه، ما موافقت شاه فهد با احداث خط لوله‌های نفتی عراق در خاک سعودی را نیز جلب کرده‌ایم. گذشته از اینها، ایرانیها از روی سادگی، تصور کرده‌اند که چون میزان تولید نفت آنها بیشتر است پس قوی‌ترند، حال آنکه تفاوت جمعیت دو کشور را در نظر نگرفته‌اند و فراموش کرده‌اند که نیازهای کشوری که جمعیت کمتری دارد، از نیازهای کشوری که جمعیت بیشتری دارد، کمتر است.

مسئولان ایران همچنین تصور کرده‌اند کشور آنها با جمعیتی معادل سه برابر عراق، بر عراق برتری دارد و این کشور را فرسوده می‌سازد، حال آنکه چنین نیست. تا زمانی که وضع نیروهای نظامی ایران همینطور باقی بماند، ارتش عراق فرصت خوبی خواهد داشت تا با سلاحهای آتشین خود از دور بر آنها آتش بریزد و به این ترتیب، هر روز تلفات و فرسودگی بیشتری را برای ایرانیها

[صفحه ۲۴۹]

فراهم آورد. بعلاوه، نیروهای عراقی، از هر لحاظ مجهز هستند و نیازهای آنها برطرف شده است، اما نیروهای ایرانی مجهز نیستند و هنوز هم شما برای آنها اعانه، نان خشک و گونی جمع می‌کنید.

احساس برتری جمعیت ایرانیها را به غرور واداشته و سبب شده است که آنها به مسائل امنیتی توجهی نکنند. آنها حساب پیشرفته بودن تجهیزات نظامی عراق را نکرده‌اند و مرتکب حماقت بزرگی شده‌اند. همینطور مسئولان ایران تصور کرده‌اند کشوری که مساحت بیشتری دارد، در حمله، برتر خواهد بود، حال آنکه در واقع کشوری که دارای مساحت بیشتری است از جهت دفاعی وضع بهتری دارد نه از تمام جهات، البته این هم مشروط به عوامل دیگر است و نمی‌تواند عامل اصلی باشد» [۱۰۰۶].

به این ترتیب آغاز مرحله سوم تبلیغات در جنگ، با تأکید بر پیروزی فکری عراق در طول این مرحله از جنگ، ادامه می‌یابد. پس از گذشت چند سال از آغاز مرحله‌ی سوم جنگ، تبلیغات عراق در اثبات بن‌بست جنگ ایران و عراق چنین استدلال می‌کند:

«جمعیت عراق ۱۵ میلیون نفر است، (امام) خمینی ارتش بیست میلیونی داشت؛ یعنی ارتشی بیش از جمعیت عراق، پس کو آن ارتشی که ۶ سال است ناکام و درمانده باقی مانده است؟ پس ای ایرانیهای آگاه، به خود آیید و واقعیتها را ببینید و لمس کنید. آیا جان جوانان شما و ویران شدن کشور شما هیچ ارزشی ندارد...» [۱۰۰۷].

استکبار جهانی با استدلالهای متفاوت، جنگ ایران و عراق را جنگی به بن‌بست رسیده و فراموش شده می‌خواند. رادیو امریکا در یکی از تحلیلهایش با تأکید بر دید غیرواقع بینانه‌ی ایران می‌گوید:

«واقعیت این است که جنگ ایران و عراق به بن‌بست رسیده است. بسیاری از کارشناسان نظامی بر این عقیده‌اند که نه ایران و نه عراق، هیچکدام توانایی نظامی آن را ندارند که دیگری را به زانو درآورد. عراق در این میان، بارها

[صفحه ۲۵۰]

آمادگیش را برای پذیرفتن آتش‌بس اعلام کرده است. ایران نیز خواستار پایان گرفتن جنگ است، اما به سه شرط: خروج کامل نیروهای عراقی از خاک ایران، پرداخت خسارتهای جنگ از سوی عراق و مجازات رژیم عراق به خاطر هجوم به ایران. عراق نخستین شرط را می‌پذیرد و می گوید چشمداشتی به خاک ایران ندارد. شرط دوم، یعنی پرداخت خسارتهای جنگی را هم با حکمیت یا بدون آن قابل مذاکره می‌داند، اما سومین شرط است که عراق نخواهد پذیرفت. چرا که هیچکس هم انتظار ندارد یک ملت مغرور و مستقل هر چند هم که گناهکار باشد، آشکارا گناهش را بپذیرد و بدین‌سان کوره گره جنگ همچنان ناگشوده باقی خواهد ماند» [۱۰۰۸] .

رادیو امریکا در تحلیل دیگری در ششمین سال جنگ اظهار می کند:

«به عقیده‌ی کارشناسان نظامی امریکا، جنگ خلیج فارس ممکن است به اصطلاح تا قیامت طول بکشد، چرا که هیچیک از دو طرف متخاصم، دارای تاکتیک تهاجمی مؤثری نیستند» [۱۰۰۹] .

و بی.بی.سی در تحلیل مشابهی ضمن تأکید بر حمایت غرب و شرق از عراق، می گوید:

«در جنگ ایران و عراق، کشور پیروزی وجود نخواهد داشت و جنگ آنقدر ادامه خواهد یافت تا یکی از دو طرف بر اثر آن درهم شکسته شود» [۱۰۱۰] .

رسانه‌های خبری جهان همچنین، از «لغو تهاجم از دستور کار نظامیان ایرانی» [۱۰۱۱] ، «ضعف ایران در دست زدن به تهاجم نهایی» [۱۰۱۲] ، «مذاکرات پشت پرده مسئولان جمهوری اسلامی برای خروج از جنگ» [۱۰۱۳] ، «معامله‌ی پنهانی حلبچه با نفت شاه (نفت شهر)» [۱۰۱۴] و... سخن می گویند. این تبلیغات نیز به طور طبیعی در کاهش انگیزه‌ی مردم و نظامیان ایران در جنگ

[صفحه ۲۵۱]

مؤثر واقع می‌شود.

دستگاه تبلیغاتی عراق با مطرح ساختن مضامین تبلیغاتی دیگری نظیر انگیزه‌ی خاک و شکل گرفتن مقاومت ملی در عراق، سعی در کاستن از انگیزه مردم و نظامیان ایران در جنگ می کند.

با ورود ایران به خاک عراق، ضمن آنکه صدام به خود نوید می‌داد «روانشناسی جنگ تغییر خواهد کرد» و اظهار می کرد که «وقتی دفاع از حق و خانه مطرح باشد، یک عراقی صد نفر است» [۱۰۱۵] و «غیرت عراقیها سبب خواهد شد آنها خاک اشغال شده‌ی خود را از چشمان ایرانیها درآورند» [۱۰۱۶] حامیان عراق ضمن محاسباتی عجیب اعلام می کنند که «اگر پیروزیهای عراق در چهار ماه اخیر ملاک محاسبه قرار بگیرد، امکان پیروزی عراقیها، که در خاک خودشان می‌جنگند، چهار برابر بیشتر از امکان پیروزی مهاجمان ایرانی است» [۱۰۱۷] .

همچنین رسانه‌های غربی در برخی تحلیلهای خود اظهار می کنند:

«همانگونه که در روزهای نخست جنگ، جهان شاهد ناسیونالیسم ایرانی بود، اینک در حالی که ایرانیها از مرز بین‌المللی عبور کرده و به داخل عراق وارد شده‌اند، ناسیونالسیم عراقی قدم به میدان گذاشته است» [۱۰۱۸] .

تبلیغ شکل گیری مقاومت ملی در عراق، موضوع تبلیغاتی دیگر عراق است. عراق که با الهام از بیانات حضرت امام، جنگ را برکت می‌نامید، با الهام از کمکهای مردم ایران به جبهه‌های جنگ، در یک اقدام عجولانه از مردم عراق می‌خواهد تا برای کمک به جنگ طلاهایشان را به دولت هدیه کنند (تا به این ترتیب صدام بتواند استدلال کند اگر ایرانیها «نان خشک» به جبهه‌هایشان اهدا می کنند، مردم عراق به جبهه‌هایشان «طلا» اهدا می کنند). تبلیغات عراق از «صفهای طویل مردمی که می‌خواهند طلایشان را اهدا

کنند» [۱۰۱۹] .

[صفحه ۲۵۲]

سخن می گویند و صدام که دیدارهای متعددی با اهداکنندگان طلا دارد، در یکی از این دیدارها خطاب به آنها می گوید:

«هر وقت جنگ طولانی بشود، به طور طبیعی، مسائلی هم به دنبال دارد. می گوینـد در پایان جنگ فلان، مثلا انگلیس برطرف مقابل خود چیره شـد، چون اسـلحه مـدرنتری اختراع کرد و آن را در میدان نبرد به کار گرفت و یا فلان کشور با به‌کارگیری اسـلحه اتمی در جنـگ پیروز شـد، ولی مـا به (امـام) خمینی می گـوییم که تـو را بـا النگـوی زنـان عراقی هـدف قرار می‌دهیم و جنـگ را به نفع خودمان تمام می کنیم. اسلحه جدید ما در جنگ گردن‌بند، سینه‌ریز، النگو و طلا است» [۱۰۲۰] .

بخش فارسی رادیو بغداد می گوید:

«مردم دزفول دست به تظـاهرات می‌زننـد، امـا اهـالی دیـالی هنگامی که در معرض گلوله‌های توپ قرار می گیرنـد می آینـد و طلای خود را به دولت هدیه می کنند» [۱۰۲۱] .

اما صدام «علی‌رغم تشـکری که از صـفوف روزافزون اهداکنندگان طلا می کند» [۱۰۲۲] ، «برخی از افسـران مشخص عراق را متهم می کند که در حد توانایی به دولت کمک نکرده‌اند» [۱۰۲۳] ، و به این ترتیب عراق نمایشـی از مقاومت ملی را در جوی از اجبار و زور اجرا می کند.

مسئولان عراقی با اقدامات دیگری برای ایجاد مقاومت ملی در سطح عراق، مانند «تشکیل ارتش یک میلیون نفری» [۱۰۲۴] ، «تهیه اردوگاههایی برای اسکان مردم بغداد در حوالی شهر» [۱۰۲۵] و... گامهای مثبتی در این جهت بر می‌دارند.

دسـتگاه تبلیغاتی عراق، ضـمن به‌کارگیری ترفنـدهایی که به اجمال تاکنون از آنها یاد شد، با توسل به ارعاب مردم و نظامیان ایران، گام بلندی در جهت بی‌انگیزه کردن و

[صفحه ۲۵۳]

مرعـوب سـاختن مردم و نظامیـان ایران بر می‌دارد، و به این ترتیب به اهـداف جنـگ روانی خـویش نزدیکـتر می گردد. این دسـتگاه تبلیغاتی، در قسـمتی از تلاش خود برای مرعوب کردن مردم ایران، سـعی می کند تهاجم خود به شهرهای ایران را بسیار انسانی جلوه دهـد. پس از اینکه بارهـا عراق آغـاز کردن جنـگ شـهرها را به ایران نسبت می‌دهـد، اعلاـم می کنـد «بعـد از این، عراق هیچگـونه مسئولیتی نسبت به اهالی نواحی مسکونی ایران نخواهد داشت.» [۱۰۲۶] بعلاوه عراق پس از بارها ادعای خود در مورد «صلح‌طلبی» [۱۰۲۷] ، به طرح این بهـانه می‌پردازد که «چون ایران تسـلیم منطق نمی‌شود، از این به بعـد عراق بـا منطق زور با وی برخورد خواهد کرد» [۱۰۲۸] و یا اعلام می کنـد که «از این پس، عراق برای دستیابی به صـلح، مجاز خواهـد بود از سـلاحهای عظیم و مخرب خود برای واداشتن حکام تهران به تسلیم شدن به خواست مردم عراق، استفاده کند» [۱۰۲۹] .

عراق گاه و بیگاه از مردم شهرهای مختلف ایران می‌خواهد تا خانه‌ها و شهرهایشان را ترک کنند تا از عوارض تهاجمات آتی عراق مصون بماننـد. به این ترتیب، تبلیغات عراق با وجهه‌ای بسـیار انسانی به تهدیـد مردم - همانگونه که در توجیه تهاجم به شـهرها، این وجهه را به خود می گرفت - برای ترک شهرها می‌پردازد. هدف دیگر این تبلیغات، ایجاد اختلال در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم است.

رژیم عراق در برخی از پیامهـایش بـا تأکیـد بر اینکه «در تهاجم آتی عراق، هیـچ جایی از نظر دور نخواهـد مانـد.» [۱۰۳۰] از مردم بسیاری از مراکز استانها و شهرهای ایران می‌خواهد تا برای حفظ جانشان، شهرهایشان را ترک کنند. به نمونه‌هایی از این تبلیغات اشاره می‌کنیم:

«ما ۱۵ روز به شما مردم ایران فرصت می‌دهیم، در این مهلت یا آستین مردانگی بالا زده و نقش مؤثری در تحقق صلح ایفا کنید و یا شهرها را رها

[صفحه ۲۵۴]

کنید، زیرا بعد از ۱۵ روز آنچه در شهرهای شما به صورت جوی روان حرکت می‌کند، سرب گداخته است» [۱۰۳۱].

«هفته‌ی آینـده به نام هفته‌ی مجازات گروه یاغی نامگـذاری شـده است و ما به اهالی مراکز اسـتانها و شـهرهای بزرگ ایران هشـدار می‌دهیـم در هفتـه‌ی آینـده شـهرهای خـود را تخلیـه کرده، بـه منـاطق امـن‌تری برونـد. چـون در هفتـه‌ی آینـده حملات موشـکی و بمبارانهای هوایی علیه تأسیسات اقتصادی و نظامی به مراتب گسترده‌تر خواهد شد» [۱۰۳۲].

«هشدار می‌دهیم که شهرها را ترک کنید، خانه‌های خود را رها کنید، به دهات و اماکن امن پناه ببرید تا خانه‌هایتان بر سرتان خراب نشود و زیر آوار دفن نگردید» [۱۰۳۳].

عراق در عین تهدیـد و انجام دادن جنایتهای بی‌شـمار، چهره‌ی انسانی را برای خود حفظ می‌کند. تبلیغات عراق گاهی برای مرعوب ساختن مردم به انجام تهدیـدهایی کاملا مبهم روی می‌آورد. ویژگی تهدیدهای مبهم در اضـطراب خاطر دو چندان است؛ زیرا یک تهدید مشـخص، اضـطراب خاطر مشخصی را همراه دارد، اما تهدیدهای مبهم، به دلیل نامشخص بودنشان، سبب می‌شوند که آدمی نتوانـد جبهه‌ی خاصـی در برابر تهدیـد احتمالی آینـده بگیرد و همین تردیـد و سرگشـتگی رعبی دو چندان را در عامه‌ی مردم پدید می‌آورد. به عنوان مثال، بخش فارسی رادیو بغداد در برخی از پیامهایش می‌گوید:

«در روزهای آینده، بی‌گمان ایرانیها شاهد حوادث دلخراش و مرگبارتری در میهن خود خواهند بود» [۱۰۳۴].

«ما سلاحهای مرگباری در اختیار داریم که به وسیله‌ی آنها می‌توانیم حتی ده میلیون متجاوز را در اندک ساعتی نابود کنیم. اگر میل دارید بفرمایید این گوی

[صفحه ۲۵۵]

و این میدان، ما هم در انتظار شما دقیقه شماری می‌کنیم» [۱۰۳۵].

تبلیغات عراق گاهی با سـخن گفتن از سلاحهای بسیار پیشرفته‌ای که در اختیار این رژیم قرار دارد، و گاهی با یاد کردن از سرانجام وحشـتناکی که در صورت ادامه‌ی جنگ در انتظار مردم ایران است و آسـیبهای متعـدد و جدی که زیرساخت اقتصادی ایران در این روند خواهد خورد، سعی داشت مردم را بیشتر مرعوب سازد. به نمونه‌هایی از تبلیغات در خصوص سـلاحهای پیشـرفته و خطرناکی که این رژیم در اختیار داشت و ادعا می‌کرد این سـلاحها در کنار ضایعات انسانی بی‌شـمار، صـحنه‌های دهشتناکی را ایجاد خواهند کرد و همه چیز را منهدم خواهند ساخت، اشاره می‌کنیم:

«از خانواده‌های ایرانی می‌خواهیم که بیشتر از این با آتش بازی نکرده و خودکشـی نکننـد و جان خود را فدای هوا و هوس مقامات ایرانی نکننــد. در غیر ایـن صـورت، ارتش عراق ناچـار از اسـتعمال خطرنـاکترین و مهلک‌ترین اسـلحه‌هایی اسـت کـه پیامـد آن،

ناگوارترین سرنوشت را برای شما خواهد داشت» [۱۰۳۶] .

«عراق موقتا بمباران شهرها رامتوقف کرده است، اما اگر (امام) خمینی بر سر عقل نیاید، عراق برخلاف میل باطنی خود، از نو بمباران شهرها را از سر خواهد گرفت و اگر لازم باشد، از سلاحهایی استفاده خواهد کرد که قدرت تخریب آنها وحشتناك است» [۱۰۳۷] .

«عراق سلاحی در دست دارد که صد برابر از موشکهایی که در اختیار ایران قرار گرفته است، قوی‌تر و کشنده‌تر است» [۱۰۳۸] .

رسانه‌های خبری ارتجاع عرب و استکبار جهانی نیز در راستای فوق، گاهی از «موشکهای اس.اس ۱۲ عراق» [۱۰۳۹] و «موشکهای زمین به زمین عراق با برد ۸۰۰ کیلومتر» [۱۰۴۰] .

[صفحه ۲۵۶]

یاد می‌کنند و گاهی از «توان ده برابر نیروی هوایی عراق نسبت به نیروی هوایی ایران که عراق را تشویق به حمله به تهران می‌کند» [۱۰۴۱] و یا «تهاجمات کوبنده‌ی آتی عراق» [۱۰۴۲] سخن می‌گفتند.

بی.بی.سی در یکی از تحلیلهای خود، از احتمال تهاجم شیمیایی عراق به ایران چنین یاد کرده است:

«با اینکه عراق به استفاده از سلاحهای شیمیایی اقرار نکرده است، معنی ضمنی اظهارات وزیر خارجه و سایر سخنگویان آن کشور این است که پافشاری ایران در ادامه‌ی جنگ، و به قول وزیر خارجه عراق ارتکاب اعمال پلیدی که انسان متمدن را مشمئز می‌کند، این حق را به عراق می‌دهد که به هرگونه واکنشی که خواست دست بزند» [۱۰۴۳] .

عراق برای مرعوب ساختن مردم ایران، از سرانجام وحشتناك و دردناکی که در صورت ادامه‌ی جنگ برای آنها پیش خواهد آمد، سخن می‌گوید. برای مثال، پس از آنکه «صدام از مادران سربازان ایرانی می‌خواهد تا آنها موی سر فرزندان خود را به گونه‌ای رنگ کنند که پس از کشته شدن قابل شناسایی باشند» [۱۰۴۴] ، «بخش فارسی رادیو بغداد برای هفته‌های متمادی از این مسأله یاد می‌کند و پیام صدام را به گوش مادران ایرانی می‌رساند.» [۱۰۴۵] همچنین، عراق با تهدید «سرنگون ساختن هواپیماهای مسافربری ایران» [۱۰۴۶] ، نشان می‌دهد که مردم ایران با موجودی بی‌نهایت شرور و پست مواجه‌اند که برای ادامه حیاتش از هیچ اقدامی روی گردان نیست.

گاهی عراق به طرح مسائلی مانند «کاهش هولناك مردان ایران در صورت ادامه‌ی

[صفحه ۲۵۷]

جنگ» [۱۰۴۷] ، «عدم بازگشت فرزندان اعزام شده به جبهه‌ها» [۱۰۴۸] و... می‌پردازد و رسانه‌های خبری استکبار جهانی از «مراکز نگهداری اجساد مجهول الهویه ایران که شبیه یك قصابی است و در راهروهای آن دست، پا و سر مرده‌ها، در گوشه و کنار پخش است» [۱۰۴۹] ، «پخش مواد مخدر در جبهه‌های ایران» [۱۰۵۰] ، «گسترش سریع بهشت زهرا» [۱۰۵۱] و... سخن می‌گویند و به شکلی غیرمستقیم درصدد منفعل ساختن مردم برمی‌آیند. این رسانه‌ها همچنین، «احتمال دخالت امریکا در خلیج (فارس)» [۱۰۵۲] ، «بین‌المللی شدن جنگ در اثر حمله ایران به کشتیهای خارجی» [۱۰۵۳] ، «تحریم تسلیحاتی کشور جنگ‌طلب» [۱۰۵۴] ، «احتمال ورود نیروهای شوروی به مرزهای شمالی ایران» [۱۰۵۵] و... سخن می‌گویند و سعی دارند عوامل تهدید کننده‌ی دیگری را به مردم ایران یادآوری کنند.

عراق و استکبار جهانی در قسمت مهم دیگری از تبلیغات خود با طرح کردن آسیبهای اقتصادی که در روند جنگ متوجه ایران شده است، سعی دارند هر چه بیشتر مردم را بترسانند. تبلیغ اینکه عراق تصمیم به «انهدام تمام تأسیسات اقتصادی ایران» [۱۰۵۶] ، «انهدام اهداف حیاتی در درون ایران با اسلحه‌های جدید» [۱۰۵۷] ، «انهدام جزیره خارک و مناطق نفتی ایران» [۱۰۵۸] را دارد در جهت همین تلاش بود.

عراق در تلاش تبلیغاتی خود از سویی خود را صلح‌طلب می‌خواند و از سوی دیگر می گفت: در برابر اصرار ایران بر ادامه‌ی جنگ «عراق مجاز خواهد بود با هر اسلحه

[صفحه ۲۵۸]

خطرناک و سوزاننده‌ای از خود دفاع کند» [۱۰۵۹] .

عراق همچنین در پوششی به ظاهر موجه، به ارعاب رزمندگان اسلام می‌پردازد. از این رو، دستگاه تبلیغاتی عراق گاهی با به کارگیری ترفندهای روانی خاصی، درصدد منفعل ساختن سپاهیان توحید بر می‌آید و گاهی با تبلیغ برخورداری عراق از سلاحهای پیشرفته و خطرناک، و احتمال به کارگیری سلاحهای شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و تبلیغ تلفات سنگین ایرانیها در عملیات مختلف، می کوشد تا نظامیان ایران را مرعوب سازد.

دستگاه تبلیغاتی عراق در تلاش برای منفعل ساختن نظامیان ایران در برخی از مواقع با طرح مضامین روانی بسیار حساب شده، به مرعوب ساختن رزمندگان اسلام می‌پردازد. به عنوان مثال، صدام قبل از عملیات فاو خطاب به مادران رزمندگان ایران می گوید:

«اگر سابقا فرزندان و مردان خود را از روی نشانه سر و یا دست و پای آنها شناسایی می کردید، به سبب به کارگیری سلاحهای خطرناک جدید، از این به بعد به رنگ کردن موی سر فرزندانتان بپردازید تا بعد از مرگ آنها قادر به شناسایی آنان باشید» [۱۰۶۰] .

بعد از عملیات فاو، عراق اعلام می کند:

«مرگی در انتظار سربازان ایرانی است که طی آن جسد آنها به طوری تکه تکه خواهد شد که جمع‌آوری و به کفن گذاشتن آن مشکل خواهد بود» [۱۰۶۱] .

و یا اعلام می کند.

«بزودی ما شما را خواهیم خورد» [۱۰۶۲] .

عراق در عملیات کربلای ۵ نیز نظامیان ایرانی را تهدید می کند:

«عراق درسی به ایرانیهای مهاجم خواهد داد که تا ابد آن را فراموش نکنند و

[صفحه ۲۵۹]

اگر کسی هم بتواند از برابر گلوله عراقیها فرار کند، طعمه‌ی کوسه‌ها و مارهای شطالعرب خواهد شد» [۱۰۶۳] .

در موارد متعدد دیگری، تبلیغات عراق از بسیجیان به عنوان «خوراک دم توپ» [۱۰۶۴] ، یاد می کند و از «قصابی شدن نفرات ایرانی در مقابله با انبوه تانکهای عراقی» [۱۰۶۵] ، «باریدن خون و مرگ از آسمان و زمین بر سر ایرانیها» [۱۰۶۶] ، «گیرکردن ایرانیها میان پتک و سندان» [۱۰۶۷] ، «مرگ حتمی و سخت نیروهای ایرانی» [۱۰۶۸] ، «ایجاد صحرایی از مردار، از مجروحان رها شده‌ی ایرانی

که در آن دیگر لازم نیست لاشخورها و شغالها با یکدیگر به نزاع بپردازند.» [۱۰۶۹] ، «ایجاد قبرستانی وسیع برای نیروهای ایرانی در جبهه‌ها» [۱۰۷۰] ، «رسیدن معلولان ایران به ۲۰ میلیون نفر، طی ۵ سال آینده» [۱۰۷۱] سخن می گویند.

تهدید رزمندگان اسلام با تکنولوژی پیشرفته و منهدم کننده‌ی سلاحهای اهدایی شرق و غرب به بغداد، مضمون تبلیغاتی دیگری است که دستگاه تبلیغاتی عراق بشدت بدان توجه نشان داده، به پخش و نشر اخباری در خصوص آن می‌پردازد. عراق گاهی از سلاحهای پیشرفته، مخرب و خطرناکی که در اختیار دارد، خبر می‌دهد و بر «مرگبار بودن سلاحها» [۱۰۷۲] و «ویرانگری آنها» [۱۰۷۳] تأکید می کند، سلاحهایی که «تا شعاع یک کیلومتری جنبنده و جانداری را زنده نمی گذارد» [۱۰۷۴] و «جبهه را تبدیل به گورستانی از

[صفحه ۲۶۰]

ایرانیها می کنند» [۱۰۷۵] و می‌توانند «ایران را به خاکستری مبدل کنند که از هزاران هزار نفر تجاوزگرش، ده نفر جان سالم بدر نبرند» [۱۰۷۶] بعلاوه عراق به طور دایم از پیشرفت کمی و کیفی سلاحهای ارتش خود خبر می‌دهد. بخش فارسی رادیو بغداد در یکی از برنامه‌هایش می گوید:

«در امکانات تدافعی عراق تحولاتی حاصل گردیده و آتشبارها، توپخانه و موشکهای دوربرد برای نخستین بار و به نحو گسترده، در عملیات آتی ایران به کار گرفته خواهد شد» [۱۰۷۷] .

در همین زمینه، صوت الجماهیر اعلام می کند: «با مرور زمان عراق سلاحهای مدرن‌تری را به‌کار خواهد گرفت» [۱۰۷۸] و رسانه‌های خبری غربی از «احتمال به کارگیری موشکهای روسی اس.اس - ۱۲، موشکهای اسکاد - بی و موشکهای فراگ توسط عراق» [۱۰۷۹] خبر می‌دهند. عراق نیز می گوید: «به کارگیری موشکهای الحسین، تنها نمونه‌ای از موارد برتری تسلیحاتی عراق بر ایران به شمار می‌رود» [۱۰۸۰] از سوی دیگر، عراق با به نمایش گذاشتن «صفوف تانکهای تی - ۷۲، توپخانه سنگین و موشکهای بسیار» [۱۰۸۱] ، در برابر خبرنگاران، می کوشد تا تبلیغات خویش را هر چه واقعی‌تر نشان دهد. عراق همچنین از داشتن «انبوهی از مهمات» [۱۰۸۲] ، «برخورداری قاطع تسلط هوایی بر ایران» [۱۰۸۳] و... سخن می گوید.

رژیم عراق ضمن سخن گفتن از تکنولوژی پیشرفته نظامی این کشور، و خطرات عظیمی که سلاحهای اهدایی غرب و شرق برای نظامیان ایرانی دربر دارند، گاه در لفافه‌ای

[صفحه ۲۶۱]

انسان دوستانه، نظامیان ایران را تهدید می کند که «عراق سلاحهای پیشرفته و خطرناکی دارد که آنها را تا حال حاضر به کار نبرده است» [۱۰۸۴] به عنوان مثال رادیو بغداد می گوید:

«چنانچه شیادان قم و جماران بر تجاوزگویی و جنگ افروزیشان پافشاری کنند، ما به حکام ددمنش خواهیم گفت: بگذارید سپاهیان ادعایی شما بیایند و در جبهه‌های جنگ شاهد سوختن خود توسط سلاحهایی باشید که وصف آنها را شنیده‌اید و یا بعدا خواهید شنید» [۱۰۸۵] .

«این را درک کرده‌اید که عراق چه سلاحهایی در اختیار دارد؟ در روزهای آینده درباره‌ی عملکرد اسلحه‌ی جدیدی که از اتحاد جماهیر شوروی به عراق رسیده است، مطالبی خواهید شنید» [۱۰۸۶] .

عراق در توجیه به کار نگرفتن سلاحهای مخرب و وحشتناکی که عراق در اختیار دارد، گاهی از «مسائل اخلاقی» [۱۰۸۷] یاد می کند و گاهی به «دادن فرصتی برای تفکر به ایرانیها» [۱۰۸۸] و یا «دادن فرصتی برای ترک جبهه‌ها» [۱۰۸۹] اشاره می کند.

این نوع سخنان آن هم از موضع بسیار بالا، رعب بسیار زیادی در دل نظامیان معمولی ایجاد می کند، زیرا هر لحظه آنها خود را با خطری بزرگتر و ناشناخته‌تر از خطر سلاحهای موجود مواجه می‌بینند. برای مثال، عراق با تهدید احتمال تهاجم شیمیایی به ایران، به مرعوب ساختن رزمندگان می‌پرداخت. البته اگرچه در برخی موارد «مسئولان عراقی اعتراف کردند که علیه رزمندگان اسلام از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده‌اند» [۱۰۹۰] اما تهدید عراقیها مبنی بر به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی با قدری ابهام توأم بود تا افکار عمومی جهانیان را علیه عراق تحریک نکند. به عنوان مثال، عراق

[صفحه ۲۶۲]

تأکید می کرد «ارتش عراق در صورت ضرورت از استعمال خطرناکترین و مهلک‌ترین سلاحها ابایی نخواهد داشت» [۱۰۹۱] و یا با نکوهش کشورهایی که کاربرد سلاح شیمیایی در حلبچه را محکوم کرده بودند، بصراحت می گفت: «عراق برای نابودسازی تجاوزگران ایرانی از تمامی سلاحهای خود استفاده خواهد کرد» [۱۰۹۲].

دستگاه تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی در فراز دیگری از تبلیغات خویش با طرح «انبوه تلفات ایران» و نقد «سیاست امواج انسانی ایران» سعی در مرعوب کردن نیروهای ایرانی داشتند. عراق در عملیات مختلف تعداد تلفات ایران را «۵۰ هزار کشته (شهید)» [۱۰۹۳] ۹۰ هزار کشته (شهید)» [۱۰۹۴] و بیشتر اعلام می کند. اما منابع غربی که با دید افراطی عراق به این مسأله نمی‌نگرند تلفات ایران را «۵۰۰ هزار کشته (شهید)» [۱۰۹۵] تا ابتدای سال ۶۴ و «۶۳۰ هزار کشته (شهید)» [۱۰۹۶] تا نیمه سال ۶۴ و «یک میلیون کشته (شهید) و مجروح» [۱۰۹۷] تا اوایل عملیات کربلای ۵ و «یک میلیون کشته (شهید)» [۱۰۹۸] تا خرداد ماه سال ۶۶ اعلام می کنند. در خصوص حجم تلفات دو کشور عراق و ایران «از نسبت ۱ بر ۳۵ و ۱ بر ۴۰ تلفات عراق نسبت به ایران» [۱۰۹۹] یاد می کند. اما خبرگزاریهای بیگانه «از تلفات ۴ برابر» [۱۱۰۰] و «سه برابر ایران نسبت به عراق» [۱۱۰۱] که به علت نابرابری تسلیحاتی دو کشور، سیاست تهاجمی ایران و شیوه‌ی امواج انسانی ایران رخ داده بود، سخن می گویند و سعی دارند با تأکید بر برخی واقعیات یا گاه با بزرگنمایی آنها از انگیزه‌ی نیروهای ایرانی کاسته، آنها را منفعل و

[صفحه ۲۶۳]

مرعوب سازند. البته عراق برای منفعل ساختن نظامیان ایرانی با پخش پیامهایی از نیروهای ارتشی می‌خواهد از جنگ دست بکشند و به عراق پناهنده شوند. به نمونه‌ای از پیام‌های رادیو بغداد خطاب به نیروهای ارتشی اشاره می کنیم:

«نیروهای مسلح میهن‌پرست ایران، جنگ جنایت می آفریند، ویرانی در پی ویرانی می آفریند، شهرها و روستاها را به باد فنا می‌دهد، فاجعه‌های گوناگون در جامعه به وجود می آورد و ملتی را به خاک سیاه می‌نشاند، ولی آخوند... مزدور و بی‌وطن این همه ناملایمات را به هیچ می گیرد و همانند جغد ظلمت‌پرست، جنگ می‌خواهد، تجاوز می‌خواهد، خونریزی می‌خواهد و در نهایت نابودی انسانها را پیشه خود ساخته است. تو ای سرباز میهن‌پرست، اوضاع دلخراش کشورت را مشاهده می کنی و از ناله و شیون پدران و مادران عزیز از دست داده آگاهی داری، و نابودی روزافزون ایران را نظاره‌گر هستی، پس چرا در این زمان حساس به ملت خود پشت کرده و سلاح سیادت (امام) خمینی پرستان را بر دوش گرفته‌ای، ای سرباز سلاح خود را بر زمین بگذار و پرچمهای

سفیـد صـلح را به اهتزاز درآوریـد و به آغوش نیروهـای مسـلح عراق برگردیـد و خود را از هیولای جنگ و از ظلم و سـتمگریهای آخوندهای... رها سازید» [۱۱۰۲] .

تبلیغات عراق همچنین می‌کوشـد با تحریک مردم و نظامیان ایرانی، آنها را رو در روی نظام قرار دهد. برای دستیابی به این هدف از چنـد طریـق تلاش می‌کنـد. نخست آنکه به طرح برخی از مشـکلات و معضـلات نظام می‌پردازد و پس از تأکیـد بر مشـکلات، از تظاهرات مردم علیه جمهوری اسـلامی خبر داده، سایر مردم را به پیوستن به این تظاهرات دعوت می‌کند. در نهایت، از مردمی که به دعوت عراق پاسخ مثبتی نداده‌اند، با تهدید می‌خواهد تا علیه نظام خود وارد عمل شوند و در غیر این صورت «خود را برای نابودی آماده سازند».

تبلیغات عراق برای نشان مشکلات نظام، مسائلی نظیر «جنگ قدرت مسئولان

[صفحه ۲۶۴]

نظام» [۱۱۰۳] ، «شـعارهای اسـلامی و عملکردهـای غیراسـلامی برخی از مسـئولان» [۱۱۰۴] ، «بلاتکلیفی در مـورد مـالکیت زمین» [۱۱۰۵] ، «اوج گرفتن فساد و رشوه‌خواری در ادارات» [۱۱۰۶] ، «ناامید شدن مردم نسبت به انقلاب» [۱۱۰۷] و... را مطرح می‌سازد تا مردم را به حالت انفعال بکشاند. در مرحله‌ی بعد، این رسانه‌ها با پخش و نشـر اخباری دال بر مخالفت علنی مردم با ادامه‌ی جنگ سعی می‌کنند تا مردم را رو در روی جمهوری اسلامی نشان دهند.

بخش فارسـی رادیـو بغـداد ضـمن «پخش گزارشـهایی مبنی بر تظـاهرات مخالفـان جنـگ در تهران» [۱۱۰۸] ، «از انجـام تظـاهرات اعتراض‌آمیزی که طی آن ساعتهـا مردم فریـاد مرگ بر... و... سـرداده بودنـد» [۱۱۰۹] یـاد می‌کنـد و صـدام به عنوان تشویق هر چه بیشتر تظاهرات مردم اعلام می‌کند: «عراق شـهر بروجرد را به دلیل تظاهرات ضددولتی که در آن انجام گرفته است، مورد حمله قرار نخواهد داد» [۱۱۱۰] .

تبلیغات عراق در همین راستای به تحریک قومیتهای مختلف برای جدا شدن از جمهوری اسلامی و مقابله با آن می پردازد. به عنوان مثال، رادیو بغداد خطاب به کردها می‌گوید:

«پیشـمرگان دلیر کردسـتان ایران! خبرهای رسـیده از زادگاه همیشه سـربلند شـما حاکی است که رژیم، به زور سـرنیزه از روستاییان سردشت خوراک جنگی پاسدارانش را تهیه می‌کند و روسـتاییانی را که از دادن نان و پول به دژخیمان خودداری می‌کنند، جلادان رژیم به رگبار مسـلسل می‌بندند. در هر کجا که هستید، در هر سـنگری که نشسته‌اید به یاری روستاییان سردشت بشتابید و نگذارید آن مردم محروم و عزیز از دست داده را رژیم ضد ایرانی

[صفحه ۲۶۵]

(امام) خمینی هر چه بیشتر از بین ببرد. پیشـمرگان همیشه سـربلند کردستان، امروز روز فداکاری است. امروز روز مقاومت و حماسه است، امروز روز جنگ با دشـمن قسم خورده ایران است. بی‌قرار و بی‌پروا به یاری روسـتاییان سردشت بشتابید و لوله‌های سلاحهای دشـمن شکنتان را یکبار دیگر به سینه پاسداران رژیم تبهکاران بگیرید و خون ناپاکشان را به خاک پاک کردستان بریزید و آنان را از خاک خود دور سازید! [۱۱۱۱] .

تبلیغـات مشـابهی در «مخـالفت مردم با جنگ» [۱۱۱۲] و «تظـاهرات علنی مردم در خیابانهـای تهران در مخـالفت بـا جنگ» [۱۱۱۳]

توسط رسانه‌های خبری استکبار جهانی انجام می‌شود.

تبلیغات عراق پس از طرح معضلات نظام و تشویق مردم به قیام علیه آن، به تهدید مستقیم و غیرمستقیم مردمی که نسبت به حرفهای وی بی‌اعتنا مانده‌انـد، می‌پردازد تا آنها را نیز به عرصه‌ی مخالفت با جنگ بکشاند. به عنوان مثال، رادیو صوت الجماهیر در یکی از تحلیلهای خود می گوید:

«ما هر بار روش جدیدی برای درهم شکستن متجاوزان پیش خواهیم گرفت تا اینکه ایران صلح را بالاجبار بپذیرد. حمله به جزیره‌ی خارک و تأسیسات و نفتکشهایی که به طرف آن در حرکت بودند، تنها یکی از اهداف ما بود. ولی دیگران باید بدانند که نشستن نظیر تماشاگران، همواره سودمند و امن نخواهد بود» [۱۱۱۴] .

در برنامه دیگری، بخش فارسی رادیو بغداد خطاب به مردم ایران می گوید:

«تـا روزی که این رژیم وجود دارد شـما روی آسایش و آرامش را نخواهیـد دیـد، پس یا رژیم را بایـد نابود سازیـد یا خود را برای نابودی آماده سازید» [۱۱۱۵] .

[صفحه ۲۶۶]

و به این ترتیب تبلیغـات عراق بـا به کـارگیری روشـهایی که تـاکنون به اجمـال به طرح آن پرداختیم، مجموعا در بی‌انگیزه کردن و ارعاب مردم و نظامیان ایران در جنگ موثر واقع می‌افتد.

قلب ماهیت جنگ

در مرحله‌ی سـوم جنـگ، عراق به میزان بیش از پیش به تبلیغـات روانی رو می‌آورد و ضـمن تکرار مضـامین قبلی، مضـامین جـدید دیگری را نیز مطرح می کند. برای مثال صدام و دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق می‌کوشـند لیاقت و کفایت بعثیها در اداره امر جنگ را به بهترین شـکل اثبات کننـد و با اشاره به برکاتی که بعثیها با سودجویی از جنگ متوجه عراق کرده‌انـد، از حزب بعث بتی بپردازند که دیگران مشغول پرستش آن شوند و به گفته صدام اگر حزب بعث و کفایت رهبری آن نمی‌بود، در شرایط جنگ چیزی از عراق جز چند منطقه‌ی تجزیه شده و اقوامی آواره باقی نمی‌ماند.

صـدام در مرحله‌ی سوم جنـگ نیز درباره‌ی چگونگی شـکل گیری جنگ، همان تحلیل قبلی «توطئه بین‌المللی علیه عراق» [۱۱۱۶] را مطرح می کند و ایران را«هم‌پیمان امریکا» [۱۱۱۷] ، «هم‌پیمان و مجری نیات صهیونیست‌ها» [۱۱۱۸] و «تنها سنگر صهیونیسم در حال حاضر» [۱۱۱۹] می‌خواند.

رادیو امریکا در یکی از گزارشهای خود ادعای عراق مبنی بر وجود یک توطئه بین‌المللی علیه این کشور را چنین منعکس می کند:

«طه یاسـین رمضـان معـاون نخست‌وزیر عراق گفته است که ارسـال اسـلحه و تجهیزات نظامی به ایران و در اختیار قرار دادن عمـدی اطلاعات غلط در گذشـته، توانایی دفاع عراق و ثبات منطقه را به خطر افکنـده است. یکی از دستیاران نزدیک صدام گفته است که ما می‌دانستیم با یک توطئه‌ی سازمان یافته‌ی

[صفحه ۲۶۷]

امریکا، اسرائیل و ایران مواجه هستیم» [۱۱۲۰] .

عراق برای قلب مـاهیت جنـگ، مضامینی چون «آغاز جنگ توسط ایران» [۱۱۲۱] ، «جنگ‌طلبی ایران» [۱۱۲۲] ، «توسعه‌طلبی ایران» [۱۱۲۳] «تلاش ایران برای ایجـاد یک امپراتوری فارسـی» [۱۱۲۴] و... را مطرح می‌کنـد و به «تـدافعی بـودن جنـگ از سـوی عراق» [۱۱۲۵] تأکیـد می‌ورزد. البته رسانه‌هـای خـبری غربی هم ضـمن طرح همین مضـامین بـا افزودن موضوعـات دیگری ماننـد «دشـمنی حکومت شـیعی ایران با حاکمان سنی مذهب بغداد» [۱۱۲۶] ، «کوشـش دو رقیب در مطرح شـدن به عنوان قدرت اول خلیج فارس» [۱۱۲۷] ، «تلاش ایران در گرفتن انتقام شـکست قادسیه» [۱۱۲۸] ، «دعوای شخصـی میان دو رهبر مستبد» [۱۱۲۹] و... در جهت قلب ماهیت جنگ می‌کوشند.

دسـتگاه تبلیغاتی عراق در فراز مهمی از تبلیغات خود درصـدد بر می‌آید تا عقیدتی بودن جنگ را نفی کند. صدام در سـخنرانی ۱۷ ژوئیه خود از «باند ساختگی که به نام دین در ایران سـخن می‌گویند» [۱۱۳۰] ، یاد می‌کند و در سخنرانی در کنگره‌ی سراسری نهم حزب بعث از «پوشـش دین اسلام و مذهب جعفری که بر روی نیات ناپاک حکام تهران کشیده شده است» [۱۱۳۱] سخن می‌گوید. او در سخنرانی دیگری با عنوان «حرکتهای سیاسی - مذهبی و حرکتهای تحت پوش دین» می‌گوید: «مذهب همیشه همراه خود خیر و رفاه

[صفحه ۲۶۸]

می‌آورد، و اکنون که مـذهب ایرانیهـا چنین نیست، پس مـذهب آنهـا مـذهب نیست» [۱۱۳۲] در قسـمت دیگری از همین سـخنرانی صدام با بیان اینکه «مستندات بسیاری در قرآن و سیره‌ی حضرت رسول و خلفای راشدین وجود دارد که اسلام را اعراب بهتر از غیر اعراب می‌فهمنـد» و بـا «یادآوری سـلطه‌ی به نام دین عثمانیها بر عراق» نتیجه می‌گیرد: «ایرانیها با نام دین در پی اسـتعمار مردم عراق هسـتند». صـدام همچنین در مصاحبه با مجله‌ی المصور مصـر بیان می‌کنـد: «ایران می‌خواهد امپراتوری خود را تحت پوشـش مذهب توسعه دهد.» [۱۱۳۳] و در مصـاحبه بـا السیاسه می‌گویـد: «وقـایع مکه از دین کل مردم ایران پرده برداشت. من در برابر ملت عراق بدون هیچ تردید گفته‌ام که مردم ایران دین دارند، ولی این دین، دین اسلامی نیست» [۱۱۳۴] .

او در مقابـل «از رسـالت عراق که به اهتزاز درآوردن پرچم اسـلام در جهان است» [۱۱۳۵] سـخن می‌گوید و «مسئولان و نظام بعثی عراق را مسـئولانی مؤمن و حکومتی مؤمن» [۱۱۳۶] می‌خواند. لطیف نظیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق، ضـمن برگزاری جشنهایی که به مناسـبت هشتصدمین سالگرد پیروزی صلاح‌الدین ایوبی بر صلیبیون مسیحی، برپا شده بود، صدام را در کنار صلاح‌الدین قرار داده، می‌گوید: «صدام مانند صـلاح‌الدین ایوبی در شهر تکریت چشم به جهان گشوده است و همانند وی با دشمنانی که گرایشهای استعمارگرانه‌ی خود را زیر شعارهای مذهبی و بنیادگرایانه پنهان کرده‌اند، می‌جنگد» [۱۱۳۷] پس از طرح توسعه‌طلبی و جنگ‌افروز بودن ایران و تـدافعی بودن جنـگ عراق و تبلیغ غیردینی بودن جنـگ، دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق از کینه‌جوییهای تاریخی ایرانیان علیه عراق سـخن می‌گویـد و تلاـش می‌کنـد بـا مطرح ساختن این نوع تبلیغات، تجاوزگری توسـعه‌طلبی جمهوری اسـلامی و جبری بودن وقوع جنگ را تبیین کند. صدام در یکی از سخنرانیهایش درباره‌ی «روحیه‌ی تجاوزپیشه و کینه‌توز ایرانیها» می‌گوید:

[صفحه ۲۶۹]

«اگر عده‌ای از مسـلمانان پاکسـتانی برای زیارت عتبات مقدسه در عراق بودند و یکی از آنان مورد حمله قرار می‌گرفت و زخمی و یـا کشـته می‌شـد، هیچـوقت هموطنـان او بـا کـارد و چاقو برای گرفتن انتقـام به عراقیهـا حمله نمی‌کردنـد؛ چون روحیه‌ی این مردم

خصمانه نیست. اما حجاج ایرانی در مناسک حج با چاقو و کارد به مأموران و شهروندان سعودی حمله وحشیانه کردند و تعدادی از آنان را به قتل رساندنـد. این امر نشان می‌دهد که ایرانیان چقدر کینه‌توز و انتقامجو هستند. تاریخ گواهی می‌دهد که بیشتر حملات تجاوزگرانه و اعمال شر نسبت به ما، از سمت شرق بوده است، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، و اکنون این شر از همانجا می‌آید» [۱۱۳۸] .

صدام پس از برشمردن این کینه‌جوییها به تجاوز شاه علیه عراق اشاره می‌کند:

«رژیم شاه علیه عراق توطئه و مشکل تراشی می‌کرد. رژیم شاه کمتر از یکسال پس از وقوع انقلاب در عراق، در سال ۱۹۶۹، شروع به مشکل‌آفرینی کرد و سعی در اشغال بخشی از خاک ما را کرد. رژیم شاه ژاندارم منطقه بود و جزایر عربی در خلیج فارس را به اشغال خود درآورد» [۱۱۳۹] .

صدام پس از آوردن شواهدی تاریخی به «روحیه‌ی کینه‌توزانه‌ی ایرانیها علیه عربها» در زمان حال می‌پردازد و با طرح مسائلی نظیر حادثه‌ی قتل چند اسیر عراقی در اردوگاههای ایران و یا حادثه‌ی مکه، سعی در اثبات این روحیه در ایرانیها می‌کند. وی در این زمینه می‌گوید:

«ممکن است در جبهه‌های جنگ از سربازان عراقی خطا و اشتباهی سر بزند. برای مثال، ممکن است حوادث قتل اسیران ایرانی در جبهه‌ها توسط سربازان عراقی از روی خطا و یا از روی خشم و غضب روی بدهد، ولی قتل اسیران عراقی در اردوگاههای پشت جبهه‌ی ایران از روی خطا و خشم صورت نمی‌گیرد، بلکه از همان روحیه‌ی خاص کینه‌توزی ایرانیان سرچشمه گرفته است... خصلت کینه‌توز ایرانیان که مغایر ارزشهای انسانی و اسلامی است،

[صفحه ۲۷۰]

علت اصلی وقوع جنایت در حج گذشته بود» [۱۱۴۰] .

صدام پس از آنکه با نفی دینی بودن جنگ و وارونه نشان دادن اهداف جنگ، فضای ذهنی مردم عراق و سایر کشورهای عربی را بیشتر و بیشتر از واقعیات دور می‌سازد، از موضعی بسیار بالا ـ با مسأله‌ی جنگ برخورد می‌کند. او از طرفی با به معرض نمایش گذاشتن کفایت بعثیها در اداره‌ی جنگ، به مردم عراق دلداری می‌دهد که: هر چند عراقیها اسیر تعارضهای تاریخی اعراب با فارسها شده‌اند، اما از آنجا که از نعمت وجود بعثیها برخوردارند، آنها قادر به حل این تعارض هستند. بعلاوه، صدام با طرح مسأله‌ی برکات جنگ باز هم بر کفایت بعثیها، که توانسته‌اند از جنگ به نفع پیشرفت جامعه استفاده کنند صحه می‌گذارد. او در یکی از سخنرانیهای خود برای اثبات کفایت عراقیها در اداره «جنگ ناخواسته‌ای» که گرفتار آن آمده‌اند، می‌گوید:

«روزی نگذشت که شما به دور خود نگاه کنید و شاهد ستونی از مردان آموزش دیده - که پس از هر نبردی کمبود نیرو را جبران می‌کند - نباشید... امروز در این لحظه، قدرت رزمی شما از روز نخست جنگ افزونتر شده است. زمانی که دشمن ایرانی به فاو حمله برد، قدرت ما زیاد بود، ولی قدرت کنونی ما بیشتر است و هر روزی که سپری می‌شود، قدرت ما نیز به یاری خداوند بیشتر و بیشتر می‌شود و هر روزی که می‌گذرد، شما بهتر می‌توانید از عراق دفاع کنید و بر ارتش مهاجم، در هر جایی که باشد، بهتر متعرض شوید» [۱۱۴۱] .

رئیس رژیم عراق در سخنرانی دیگری ضمن تکرار همین مضامین می‌گوید:

«قبل از نبرد فاو، ما قدرت این را که با چند سپاه با نیروی یکسان و همسطح بجنگیم، نداشتیم؛ ولی ما الآن قدرت آن را داریم که در جبهه با دو یا سه و یا چهار سپاه، و با همان نیروی سپاه اول بجنگیم، زیرا حجم ارتش ما نه تنها بعد از جنگ فاو پیشرفت کرده

است، بلکه یکی از درسهایی که از فاو گرفتیم این بود که بایـد حجم ارتش ما افزایش یابد، چرا که هر چشـمی ممکن است غفلت بورزد و یا آنطوری که باید ببیند، نبیند، یا عقل در یک لحظه نتواند آنطوری که

[صفحه ۲۷۱]

شایسته است، تحلیل کند. بنابراین، ما نمی‌توانیم به دشمن بگوییم بیا و از بخش سپاه سوم یا هفتم حمله کن تا ما با تو مقابله کنیم و جلوی هجومت را بگیریم. دشـمن، ممکن است از همه‌ی این بخشـها حمله کند، بلکه همزمان با حمله به مواضع سپاههای مذکور بر مواضع سپاه دوم و چهارم نیز هجوم برد. بنابراین، ما باید در امکانات نیرومند باشیم و در نیروهای احتیاطی و ذخیره نیرومند باشیم و خلاصه در تمام واحدها و میادین قوی باشیم و الحمدلله این شعار تحقق یافته است. در اینجا سری را برای دشمن فاش می‌کنم. شعار ما این بود که برای مقابله با دشـمن در حد آمادگی او آمادگی پیدا کنیم، ولی اکنون ما در آمادگی و استعداد بر او پیشی گرفتیم و اگر در هر زمان و با هر حجمی حمله کند، نه تنها باید او را بکوبیم، بلکه نباید کوچکترین پوشش در اختیارش بگذاریم که تا با آن زخمش را بپوشاند، حتی اگر تپه کوچکی را تصرف کرده باشد، نباید بگذاریم که آن تپه در دسـتش باقی بماند تا به واسـطه‌ی آن زخمش را بپوشاند، چرا که دشمن پرمدعا است» [۱۱۴۲] .

پس از بازپس گیری فاو، صدام در یکی از سخنرانیهایش اظهار می‌کند:

«قـدرت عراق پس از گـذشت هشت سـال از جنـگ به مراتب از روزهـای نخست جنـگ بیشتر شـده و نظم و همـاهنگی نیروهـا در جبهه‌هـای جنگ از سالهای اول و دوم و سوم جنگ بهتر شـده است. علت این امر چیست؟ شـما اطلاع داریـد در آن موقع، نیروهای عراقی به همان روش سابق خود جنگ می‌کردند، مدتها گذشت و هیچ پیشـرفتی در جبهه‌ها حاصل نکردیم و تلفات ما در آن موقع بیش از حال حاضـر بود، ولی ارتش عراق به همین روال باقی نمانـد و در سالهای بعد توانایی خود را بیش از سالهای گذشـته دید و در آینده راه پیشـرفت و تکامل را دید، زندگی بهتر و وضـعیتی بهتر برایش فراهم گردید و توانست خودش را از نظر روحی و ایمان به آرمان خود، تقویت سازد و به نفس خویش اعتماد کامل پیـدا کند. در حالی که در نزد ایرانیها این حال عکس بوده و ایرانیها در مقایسه با سالهای نخست جنگ ضعیف‌تر شدند. بنابراین، ما مطمئن هستیم که در آینده،

[صفحه ۲۷۲]

زمان به نفع عراق خواهد بود، چون وضعیت چند ساله‌ی اخیر این را ثابت می‌کند» [۱۱۴۳] .

در مورد دیگری صـدام می‌گوید: «اگر صـهیونیست‌ها هفته‌ها با اعراب جنگیدند، ما با هم‌پیمانان آنها سالها جنگیدیم، هم پیمانهایی که غرق در سـلاحند و از تجربه و تخصـص صهیونیست‌ها بهره می‌جستند» [۱۱۴۴] او در جای دیگری اعلام می‌کنـد که قادر اسـت «در صورت لزوم، سنگهای بی‌روح را وادار به جنگ با ایرانیها کند» [۱۱۴۵] .

صدام به برکات جنگ اشاره می‌کند و در این میان از «شـکوفا شدن شـعر، علم، تکنیک و اقتصاد عراق» [۱۱۴۶] ، سخن می‌گوید و بیـان می‌کنـد که «عراق از نتایـج ثانوی جنگ بهره‌برداری کرده و آن را به یک انرژی متراکم مبـدل ساخته است و اگر جنگ نبود، چنین جهشی حاصل نمی‌شد، جهشی که اثرات مثبت آن تا صدها سال برای عراق باقی خواهد ماند» [۱۱۴۷] و «از یافتن تخصص در جنگ بلندمدت» [۱۱۴۸] یاد می‌کند و در مواردی از «شـکوفا شدن شخصیت جدید انسان عراقی» [۱۱۴۹] و «الگو شدن عراق برای آینده‌ی تمامی اعراب» سخن می‌گوید. رئیس رژیم عراق در یکی از سخنرانیهایش از این مسأله چنین یاد می‌کند:

«عراقیها بـدون اعراب زنـدگی ندارد، همچنین اعراب بدون عراق زندگی نمی‌کنند، شخصـیت جدید عراق با خصایص ملی و قومی شناخته شده‌ی آن، یک حالتی به خود گرفته است که قابلیت الگو شدن برای تمامی کشورهای عربی را دارد» [۱۱۵۰].

رژیم عراق پس از وارونه نمودن مسائلی که در خصوص طرف آغازگر جنگ

[صفحه ۲۷۳]

وجود داشت، و با قلب ماهیت و اهـداف جنگ، از بعثیها که در این برهه از زمان «به نجات ملت عراق کمر همت بسته‌اند» سـتایش می‌کنـد و به بت کردن حزب بعث می‌پردازد. صـدام در «ملاقـات بـا رفقـای حزبی» خطـاب به آنها می‌گویـد: اگر بعثیها بر سـر کار نبودند از عراق چیزی جز مناطق و گروههای تجزیه شده بر جای نمانده بود، وی می‌گوید:

«اگر حزب بعـث عربی سوسـیالیستی رهـبری ایـن مرحله را به عهـده نـداشت، شایـد عراق تجزیه می‌شـد و به گروههـای کوچـک و مجموعه‌های جدا از هم تبدیل می‌شد و وضـعیت آن بدتر از وضـعیت لبنان امروز می‌شد. ما با این گفتار نمی‌خواهیم ادعای فضیلتی برای خودمان بکنیم، زیرا این ملت ماست که تمام فضایل را داراست، چرا که ما را پـذیرفت. وقتی می‌گوییم که ملت، ما را پذیرفت و شـما می‌دانید که ملت عراق بعد از تجربه‌های تلخی که تقریبا هزار سال به درازا کشید، این تجربه را به دست آورد و آن را ترک نکرد و به این حزب چنگ زد. بنابراین، زمانی این ملت ترک به نظر می‌رسـید و زمانی ایرانی و دیری نمی‌پایید که انگلیسـی به نظر می‌رسید و بعد این نیز می‌گذشت و نمی‌دانم که بعد چه می‌خواست بشود» [۱۱۵۱].

صدام در سخنرانی دیگری از به حرکت درآمدن جامعه با روی کار آمدن بعثیها یاد می‌کند:

«عراق قبل از انقلاب ژوئیه ۱۹۶۸، ضعیف بود، ولی پس از انقلاب در تمامی زمینه‌ها حرکت فعالانه و مجدانه به خود گرفت که این حرکت همانا حرکت و آرمان بعثیها بود که برای عراق تدارک داشتند... انقلاب ژوئیه فرصت را فراهم ساخت تا ابتکارات نیروهای مسلح در تمامی سطوح بویژه علمی، فنی و فرهنگی کشف شود» [۱۱۵۲].

او در دیدار با اعضای دفتر اجرایی اتحادیه سـندیکاهای کارگری به طور غیرمستقیم بیان می‌کند که بعثیها مردم عراق را که همچون طلایی در خاک پنهان بودند،

[صفحه ۲۷۴]

یافتند و به استخراج آن پرداختند و مطابق ارزش حقیقی وی با او برخورد می‌کنند. وی می‌گوید:

«به نظر مـا همه‌ی عراقیهـا مظلوم بوده‌انـد، چرا که فرصت رشـد نداشـته‌اند؛ یعنی همین طلای نابی که الآن در نفس انسانهای عراقی مشاهده می‌کنیم، در زمانهای قبل خاکها و گلها این طلا را پوشانده بود و کسی نبود که این طلا را استخراج کند و با ارزش حقیقی وی با او برخورد کند» [۱۱۵۳].

صـدام گاهی «عراقیهایی را - که در خـدمت بعثیها قرار گرفته‌اند - پیشـتازان تقوا» [۱۱۵۴] می‌خوانـد و گاه «پویایی نشأت گرفته از حزب بعث را می‌ستاید» [۱۱۵۵]، و سـرانجام، از فدا شدن خود برای مردم عراق سـخن می‌گوید. وی در یکی از سخنان خود اظهار می‌کند:

«برای من حکومت کردن یعنی خود را فدا کردن و در برابر ملت احساس مسـئولیت داشتن. در پست فرماندهی بودن من، بدان معنی نیست که از امتیازات قدرت بهره‌مند شده‌ام. با توجه به این اصول من تمام زندگیم را فدای ملت کرده‌ام و بزرگترین خوشـبختی من

هنگـامی است که احسـاس می‌کنم این ملت به من اعتمـاد دارد و این چیزی است که نمی‌تـوان بـا هیـچ معیـار دیگری برابر دانست» [۱۱۵۶] .

صدام بعثیها را نیز در اوج حقانیت و حق‌طلبی ترسـیم می‌کند و در این راه چنان پیش می‌رود که به جای مسئولان ایرانی، برای مردم ایران دلسوزی می‌کنـد. وی در قسـمتی از تبلیغـات خـویش، تظـاهرات «انسـان دوسـتانه‌ی» خود را به نمـایش می‌گـذارد و گـاه «از خطاهای گذشـته‌ی مردم ایران چشم‌پوشی می‌کند»، به این دلیل که «اکنون مردم ایران در قضیه‌ی صلح‌خواهی با وی همراه شده‌اند» [۱۱۵۷] و گاه «از سـر خیرخواهی» بیان می‌کنـد: «عراق سـعی خواهـد کرد حمله‌ای به ایران صورت دهد که طی آن رهبران ایران را مجازات کرده

[صفحه ۲۷۵]

باشد نه مردم ایران را. زیرا ایرانیان خواسـتار ادامه‌ی جنگ نیستند» [۱۱۵۸] او زمانی برای مردم ایران دل می‌سوزانـد زیرا اعتقاد دارد که «وظیفه‌ی تمامی انسانیت، نجات خلقهای ایران از (امام)خمینی و تلاش برای تحقق صلح است تا خلقهای ایران بتوانند راه خویش را به جـای ظلمت کنونی به سوی نور بیابنـد» [۱۱۵۹] و گـاهی هم «در نامه‌هـای سـرگشاده به حکام ایران» از «عنایت خاص خود به خلقهای ایران» سخن می‌گوید:

«من در تمام آن نامه‌ها با یک دلسوزی و عنایتی خاص، که خداوند شاهد آن است، خلقهای ایران و منطقه را از گرداب مهلکی که شما درست کردید و هنوز هم مردمتان را به سوی آن سوق می‌دهید برحذر داشتم...» [۱۱۶۰] .

صـدام در سـخنرانی دیگری با اشاره به «همبسـتگی عراق با جنبشـهای آزادیبخش در آسـیا، افریقا و امریکای لاتین» می‌گوید: «ما با همـه ملتهـایی کـه برای کسب آزادی و اسـتقلال مبـارزه می‌کننـد، اعلاـم همبسـتگی می‌کنیم» [۱۱۶۱] او در همیـن سـخنرانی ادامه می‌دهـد: «مـا بـا ملت ویتنـام، بـدون آنکه اصـلا حساب کنیم آیا ویتنام یک ملت عرب است یا خیر، اعلام همبستگی می‌کنیم، زیرا ویتنـام به دنبـال حق خودش است... مـا هنگـامی که کوبا تحت فشار بود با این کشور اعلام همبستگی کردیم، همانطور که با دیگر ملـل افریقـایی اعلاـم همبسـتگی کردیم... ممکن نیست در تمامی جهان یک صاحب حق از عراق یاری طلبیـده باشـد و عراق بـدان پاسـخی نـداده باشـد». صـدام در جای دیگری می‌گوید: «عراق بدون توجه به جمعیت و مساحت کشورهای مختلف، به آنها احترام می‌گذارد و کشورهای کوچک و بزرگ از نظر وی فرقی با یکدیگر ندارد» [۱۱۶۲] .

در نهایت صـدام با القای اینکه بعثیها در اوج حقانیت و حق‌طلبی‌انـد، می‌گویـد: «عراقیها در مقابله با باطل یا شـهید خواهند شد و به مقام عالی انسانی که پایبند اصول است خواهند رسید، و یا پیروز خواهند شد و با عزت و سلامت زندگی خواهند کرد، که در هر

[صفحه ۲۷۶]

دو صورت پیروزند» [۱۱۶۳] .

صلح طلبی عراق

دسـتگاه تبلیغـاتی عراق در ادامـه‌ی تظـاهرات صـلح‌طلبی این کشـور، که منـافع سیاسـی - روانی و تبلیغـاتی عظیمی برای این کشـور داشت، در مرحله‌ی سوم جنـگ نیز بـا تبلیغـات وسـیعی که در این جهت دارد گـاهی به جمهوری اسـلامی پیشـنهاد صـلح می‌دهـد،

گـاهی آتش‌بس یکطرفه اعلام می‌کنـد و گاه از وجـدانهای بیـدار بشـری می‌خواهـد تا برای محقق ساختن صـلح بین ایران و عراق تلاش کنند. از این رو، عراق نه تنها به سازمان کنفرانس اسـلامی و جنبش غیرمتعهدها متوسل می‌شود تا آنها را واسـطه‌ی صلح قرار دهد، بلکه با توسل به ابرقدرتها، دخالت هر چه بیشتر و علنی‌تر آنان را جهت تحمیل صلح به ایران خواستار می‌شود.

صدام با تکرار این مسأله که «عراق صلح را خواه ایران در موضع ضعف باشد یا در موضع قوت، خواهد پذیرفت» [۱۱۶۴] و با تأکید بر اینکه عراق جهت رسیدن به صلح از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد» [۱۱۶۵] اعلام می‌کند «برای دستیابی به صلح، حاضر به ملاقات با امام خمینی است» [۱۱۶۶].

دسـتگاه تبلیغاتی عراق با تشـکیل کنفرانسـهای متعـدد، با حضور شخصـیتهای مـذهبی (آخونـدهای درباری) و شخصـیتهای جهانی، تلاش می‌کنـد از جانب این کنفرانسها بر ضـرورت صـلح تأکیـد ورزد، و ایران را به سـبب نپذیرفتن صـلح، جنگ‌طلب و غیرمنطقی معرفی کنـد و به این ترتیب بـا اثبـات حقـانیت عراق، به مردم و نظامیان خسـته از جنگ خود روحیه ببخشـد و در مقابل، ایران را در معرض تهاجم افکار عمومی عراق و مردم سایر کشورهای جهان قرار دهد. به عنوان مثال، در فروردین ۱۳۶۲ عراق کنفرانسی با نام

[صفحه ۲۷۷]

«کنفرانس مردمی اسـلامی بغداد» به راه می‌اندازد. صدام ضـمن سـخنرانی در این کنفرانس، پس از آنکه «از پیشنهاد کنفرانس مبنی بر دعوت (امـام) خمینی به کنفرانس اسـتقبال می‌کنـد»، اعلام می‌دارد: «عراق هر تصـمیمی را که این کنفرانس درباره‌ی وی بگیرد، خواهـد پذیرفت» [۱۱۶۷] سـخنگوی شورای فرمانـدهی انقلاب عراق نیز پس از خـاتمه کنفرانس بـا اسـتناد به سـخنان صـدام اعلام می‌کنـد: «در صـورتی که ایران قطعنـامه‌ی کنفرانس را بپـذیرد، عراق توقف فوری جنـگ و بـازگشت به مرزهـای بین‌المللی را (که پیشـنهاد کنفرانس بودند) بلافاصله به اجرا خواهد گذاشت» [۱۱۶۸] اما با رد پیشـنهادهای کنفرانس از سوی ایران، که در قطعنامه‌ی خویش برای خشـکانیدن ریشه‌های تجاوز به تعیین متجاوز نپرداخته بودند، صدام ایران را متهم می‌کند که «ایران حکمیت کنفرانس اسـلامی و جنبش عـدم تعهـد را با بهانه‌ی یک طرفه بودن رد کرده است، و اینک حکمیت کنفرانس علما و فقها را نیز رد می‌کنـد» [۱۱۶۹]، بـه ایـن ترتیـب عراق نـتیجه‌ی دلخـواهش را از کنفرانس می‌گیرد. در اردیبهشت ۱۳۶۴ هم کنفرانسـی با عنوان «کنفرانس اسـلامی دوم» در جـده برپـا می‌شود تـا دوبـاره از نظر تبلیغاتی عراق را یاری کنـد. این کنفرانس هم «پیشـنهاد آتش‌بس در طول ماه مبـارک رمضان در زمین، هوا و دریا را می‌دهـد» و صـدام مشـروط بر اینکه «ایران رسـما تقاضای مزبور را بپـذیرد و از فرصت پیش آمده در جهت بسـیج امکانات نظامی خود استفاده نکند» [۱۱۷۰]، پیشـنهاد مزبور را می‌پـذیرد. اما پس از رد تقاضای فوق از سوی ایران، عراق بـا اظهـار تأسف از اینکه «ایران با رد درخواست دانشـمندان و متفکرین اسـلامی طرفـدار صـلح به آنها صـفات بـدی را نسبت داده است» [۱۱۷۱]، به تحریک افکار عمومی مردم عرب می‌پردازد و صلح‌طلبی خویش را به رخ می‌کشد.

پس از این کنفرانسها، گاه طارق عزیز «پیشنهاد آتش‌بس فوری عراق را به کنفرانس اسلامی در فاس مراکش می‌برد» [۱۱۷۲] و گاه عراق اعلام می‌کند «به خاطر خواهش

[صفحه ۲۷۸]

آقای مسـعود رجوی، عراق تحت شرایط معینی تصمیم به توقف جنگ و نزدن شهرها گرفته است تا به این وسیله فرصتی فراهم شود و مردم کوشش خود را جهت تحقق صلح همه جانبه به کار بندند» [۱۱۷۳].

تبلیغات مبتنی بر صلح‌طلبی چنان برای عراق سودمند بود که در وضعیتی که بیشتر از دو ماه از فاجعه‌ی بمباران شیمیایی حلبچه نگذشته بود، عراق دست به برگزاری «کنگره‌ی جهانی مردمی صلح» زد و تنها تعداد شخصیتهای مصری که به منظور «برملا ساختن و افشای خط مشی توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه حکمرانان ایرانی در قبال امت عربی» [۱۱۷۴] در این کنگره شرکت کردند به ۱۲۰ تن رسید.

علاوه بر این، چون گاهی صدای اعتراض برخی از شخصیتهای ایران نسبت به ادامه‌ی جنگ بلند شده بود و مثلا آیت الله قمی «جنگ با عراق را حرام اعلام کرده بود» [۱۱۷۵] و «مهندس بازرگان در خصوص ادامه‌ی جنگ خواستار انجام یک رفراندوم شده بود» [۱۱۷۶] ، دستگاه تبلیغاتی عراق مردم را تحریک می‌کند که «همگام با صلح‌طلبی عراق به نفی جنگ‌طلبی نظام خودشان دست بزنند» [۱۱۷۷] صدام، در یکی از مصاحبه‌های خود، در پاسخ به این سؤال که «جنگ چه وقت تمام می‌شود؟» اتمام جنگ را منوط به اعتراض مردم ایران دانست و گفت: «جنگ زمانی تمام می‌شود که فریاد و شعار ضد جنگ از داخل ایران بلند شود» [۱۱۷۸] .

نکته‌ی قابل ذکری که در تقاضاهای صلح‌طلبی عراق در این مرحله از جنگ وجود دارد، احساس قدرت عراق و کاستن از امتیازاتی است که در مرحله‌ی دوم جنگ حاضر به دادن آنها بود. صدام که در این مرحله از جنگ وضعیت خود را بسیار متفاوت با مرحله‌ی

[صفحه ۲۷۹]

دوم جنگ می‌بیند، گاهی اعلام می‌کند:

«روزی خواهد رسید که ایرانیها برای تحقق صلح پای ما را ببوسند» [۱۱۷۹] و زمانی می‌گوید: «ایرانیها می‌گویند ما قطعنامه را رد می‌کنیم، بسیار خوب، بعد چه می‌کنید؟ روزی می‌آید که انشاء الله این قطعنامه را به عنوان هدف در نظر خواهید گرفت، روزی می‌آید که ایرانیها این قطعنامه را یکی از اهداف دیپلماسی خویش خواهند یافت و برای اجرای آن با حسن نیت مبارزه خواهند کرد. الآن چنین نیست، ولی این روز خواهد آمد» [۱۱۸۰] .

رئیس رژیم بعثی در نامه‌ی سرگشاده‌ای که «خطاب به حکام ایران» می‌نویسد، شرایط صلح با ایران را اینگونه مطرح می‌کند:

«۱- عقب‌نشینی کامل و همه جانبه بی‌هیچ قید و شرطی به سوی مرزهای به رسمیت شناخته شده‌ی بین‌المللی؛

۲- تبادل کامل اسرا؛

۳- امضای معاهده‌ی صلح و عدم تجاوز بین دو کشور؛

۴- عدم دخالت در شئون داخلی یکدیگر و احترام هر یک از دو کشور به اختیارات کشور دیگر؛

۵- هر یک از دو کشور عراق و ایران عنصر فعالی در استقرار امنیت در منطقه بویژه خلیج فارس باشند» [۱۱۸۱] .

البته این شرایط با شرایط مرحله‌ی دوم جنگ که عراق و حامیان وی حاضر به پرداخت غرامتهای گزاف به ایران بودند، بسیار متفاوت است.

به هر حال، تبلیغ صلح‌طلبی عراق گاهی به عنوان «پوششی تبلیغاتی برای شکستهای وی و جلوگیری از سقوط روانی مردم و ارتش عراق» [۱۱۸۲] به کار می‌رود و زمانی بهانه‌ای برای عراق است تا اعلام کند «برای وادار ساختن ایران به پذیرفتن صلح خود را مجبور

[صفحه ۲۸۰]

می‌بیند که از زور استفاده کند» [۱۱۸۳] و به این ترتیب، از تهاجم شیمیایی گرفته تا بمباران و موشک باران شهرها در دستور کار نظامیان عراقی قرار می‌گیرد و آنها نیز با طیب خاطر برای رسیدن به «صلح» و فرار از گردابی که جنگ برای زندگی آنها فراهم آورده است، در پناه این پوشش تبلیغاتی آراسته و فریبنده به زننده‌ترین اعمال دست می‌زنند. علاوه بر این، عراق، ایران را به عنوان کشوری که «صلح را رد می‌کند» [۱۱۸۴] و «کشور جنگ‌طلب» [۱۱۸۵] معرفی می‌کند و از مجامع جهانی می‌خواهند تا «از مسامحه با ایران، که این کشور را در ادامه‌ی جنگ مصر می‌سازد، دست کشیده، به اعمال فشار نسبت به ایران روی آورند» [۱۱۸۶].

مضامین فوق از سوی «دستگاههای تبلیغاتی ارتجاع عرب» [۱۱۸۷] و «دستگاههای تبلیغاتی غرب و شرق» [۱۱۸۸] تکرار شده، حتی ادامه‌ی جنایتهای جنگی عراق زیر پوشش صلح‌طلبی وی، توجیه می‌شود. به عنوان مثال رادیو دوبی به نقل از سخنگوی وزارت خارجه امریکا می‌گوید:

«الی را برگ، از رژیم عراق به سبب مواضع مثبتش برای پایان جنگ، ستایش کرد و افزود ادامه‌ی حمله عراق به هدفهای دریایی در خلیج فارس بر اثر عدم همکاری ایران با تلاشهایی است که به منظور پایان جنگ به عمل آمده است» [۱۱۸۹].

به این ترتیب، تبلیغات صلح‌طلبی رژیم عراق در طول جنگ، نه تنها مسئولیت جنگ را متوجه جمهوری اسلامی می‌کند، بلکه جو تبلیغاتی مخالف با عراق را که در مراحل اول و دوم جنگ در سطح جهان پدید آمده بود، به تبلیغات موافق این کشور بدل می‌کند و بعلاوه همین امر، مستمسک وارد آوردن فشار علنی و روزافزون استکبار جهانی بر جمهوری اسلامی در طول جنگ می‌شود. تبلیغات صلح‌طلبی عراق به تشدید تفرقه‌های موجود در بین اقشاری از مردم و مسؤلان ایران می‌انجامد و عراق که زیر

[صفحه ۲۸۱]

پوشش تبلیغ صلح‌طلبی خویش، دست به هر جنایت جنگی می‌زد، موفق می‌شود با وارد آوردن ضربات نظامی (نظیر موشک باران شهرها) و روانی (نظیر تهدید تهاجم شیمیایی به شهرهای ایران) حتی مردم مقاوم را نسبت به ادامه‌ی جنگ دچار تزلزل و تردید کند.

مهمترین تأثیر تبلیغات عراق در سطح این کشور، کاهش خستگی ناشی از جنگ در سطح مردم و نظامیان عراقی بود (بویژه سربازان عراقی که از ابتدای جنگ به هیچ کدام از آنها برگه‌ی خاتمه خدمت داده نشد و به این ترتیب خدمت برخی از سربازان در طول جنگ به بیش از ۱۳ سال انجامید). تبلیغات صلح‌طلبی عراق ضمن ممانعت از سقوط روانی مردم و نظامیان عراق به آنها امید می‌داد که سرانجام با حمایتهای جهانی که از مواضع صلح‌طلبی عراق به عمل می‌آید، روزی فراخواهد رسید که این کشور شاهد برقراری صلح باشد.

برخورد با حامیان عرب ایران

عراق برای ممانعت از حمایت کشورهای عضو جبهه پایداری از ایران، در مراحل اول و دوم جنگ سعی داشت، این کشورها را زیر سوال برد تا به این ترتیب، تعارض ایجاد شده در اذهان مردن و نظامیان عراق در خصوص ارتجاعی و واپسگرا بودن یا نبودن جمهوری اسلامی را - که با موضع‌گیریهای این کشورها ایجاد شده بود - به نفع خود حل کند. از این رو، دستگاه تبلیغاتی عراق، در مراحل اول و دوم جنگ با اتهاماتی که به سوریه و لیبی می‌زد، می‌کوشید تا این کشورها را به شکلی مطرح کند که دیگر نیازی به پاسخگویی به اتهام متجاوز بودن عراق - که از سوی آنان مطرح می‌شد - باقی نماند.

در مرحله‌ی سوم جنگ نیز عراق با انتساب صفاتی همچون «متحدین خبیث و مشکوک عرب ایرانیها» [۱۱۹۰]، «آلوده دستان خبیث

عرب حامی ایران» [۱۱۹۱] ، «حقه‌بازان عرب

[صفحه ۲۸۲]

متحد ایران» [۱۱۹۲] ، «خائنان به امت عرب» [۱۱۹۳] ، «کشور همسایه‌ای که عقده‌های سرکوفته خود را بر روی عراق فرافکنی می‌کند» [۱۱۹۴] ، «کشوری که به ایران در گلوله‌باران بصره کمک می‌کند» [۱۱۹۵] و... می‌کوشد تا چهره‌ی سوریه و لیبی را مخدوش کند. از سوی رسانه‌های خبری استکبار جهانی نیز مضامینی مشابه تکرار می‌شد. برای مثال، واشنگتن تایمز به نقل از فرماندهان عراقی می‌نویسد: «ایرانیها با کمک خائنین کرد و سوریها قله کردمند را تصرف کردند» [۱۱۹۶] و یا رادیو اسرائیل اعلام می‌کند: «در بین نیروهای جمهوری اسلامی که در عملیات بدر به اسارت عراقیها درآمده‌اند، تعدادی سرباز و افسر سوری نیز دیده می‌شوند» [۱۱۹۷] .

در کنار تبلیغات خشن عراق علیه سوریه و لیبی، گاهی عراق در مقابل برخی مخالفان از خود انعطاف نشان می‌دهد. به عنوان مثال، صدام در یکی از نطقهایش می‌گوید:

«بسیاری فریب دعوتهای (امام) خمینی را خوردند و در ابتدا، برخی از این افراد از مسئولان امت عرب بودند که مرزهای توطئه را تصور نمی‌کردند و بعدها آن را تصور خواهند کرد» [۱۱۹۸] .

او در جای دیگری سوریه و لیبی را متهم می‌کند که «این کشورها در مواجهه عراق با خطر ایران تنها دست به سفسطه می‌زنند» [۱۱۹۹] .

گاهی عراق در تلاش است تا مخالفان عرب خود را جذب کند. از این رو، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در قسمتی از موضع‌گیریهایش به شکلی دوگانه عمل می‌کند و در برابر سوریه و لیبی از ترفند تطمیع (در صورت کنار گذاشتن مواضعشان) و تهدید (در

[صفحه ۲۸۳]

صورت ادامه‌ی مواضعشان) کمک می‌گیرد. صدام در مصاحبه با روزنامه‌ی کویتی القبس، ضمن تهدید سوریه، با نشان دادن باغ سبز به این کشور، به تطمیع غیرمستقیم سوریه می‌پردازد تا بتواند این کشور را جذب و یا حداقل موضعش را تعدیل کند. صدام در این مصاحبه می‌گوید:

«آنچه که گذشت تلخ است و تلخ است و تلخ. ولی مهم تنها این نیست که ما گذشته را چگونه نقد کنیم، بلکه مهم این است که چگونه آن را به یک آینده‌ی درخشان تغییر دهیم و به آینده نظاره‌گر باشیم و گذشته سرگرممان نکند. این خط ماست و هنگامی که سوریه آماده باشد تا قدمی بردارد، بزودی ما هم قدمی برمی‌داریم و هنگامی که آنها جهت ایجاد روابط طبیعی آماده باشند، ما هم آماده‌ایم، همچنانکه روابط ما با اکثر برادران عرب اینگونه است. این موضع ماست و بر این موضع خود پابرجا هستیم. چه مشغول جنگ باشیم یا از آن فارغ شده باشیم. این یک اصل ثابت در روابط ما است و شما می‌دانید که ما این کلام را در عمل هم پیاده می‌کنیم. وقتی ما این صحبت را می‌کنیم، جهت تطبیق و اجرای عملی می‌گوییم نه برای تبلیغ و مانور دادن؛ ولی یک مطلب را واجب است که در اینجا بگوییم و آن این است که موقعیت جنگ عراقیها را آماده کرده است که بسیاری از زخمهای خود را تسکین بخشند. اما هنگامی که جنگ تمام بشود، بسیاری از این زخمها باقی خواهد ماند و تسکین نخواهد یافت. فکر من که بیان

کردم، تغییر نخواهد کرد، چه الآن چه بعد از جنگ؛ ولی من به عنوان یک مسئول مجبورم به نظریات برادرانم و دوستانم و نظر مردم احترام بگذارم. هنگامی که جنگ تمام شود و مردم همه رفتار و تصرفات سوریه را به یاد بیاورند، در آن صورت عادی کردن روابط با سوریه با قدرتی که الآن و در موقعیت جنگی امکان‌پذیر است، صورت نخواهد پذیرفت.»

صدام در همین مصاحبه در خصوص لیبی نیز انعطاف‌پذیری از خود نشان می‌دهد و ضمن محکوم کردن موضعگیریهای این کشور، با نشان دادن باغ سبزی به لیبی تلاش می‌کند این کشور را هم به سوی خود جذب و یا حداقل موضعش را تعدیل کند. صدام می‌گوید:

«اسلحه و موشکهای لیبی بغداد را مورد هدف قرار می‌دهد. ما ملاقاتهایی را با

[صفحه ۲۸۴]

آنان به عمل آوردیم و به آنها گفتیم شما در مغرب عربی هستید و ما در مشرق و گفتیم که موضع شما در مقابل جنگ، نامفهوم است و مجوزی ندارد. در موضعگیری خود تجدیدنظر کنید و به قرارداد دفاع عربی مشترک و به میثاق جامعه عربی ملتزم شوید، همان قراردادهایی که شما اکنون به موجب آنها و با استناد به بندهای مطرح شده در آنها، اعراب را دعوت می‌کنید تا مجتمع شوند و شما را در مقابل آنچه که تجاوز امریکایی نامیده می‌شود، یاری کنند. بر شماست که موضع خود را در مقابل جنگ به صورت روشن و ملموس تصحیح کنید، بر اساس آنچه که گفتیم، ما آماده هستیم از بدیهای گذشته بگذریم و روابط جدیدی را ایجاد کنیم که برای امت عربی مفید باشد».

صدام در مراسم اعطای مدال به برخی از اعضای گارد ریاست جمهوری عراق نیز با مطرح ساختن مضامینی مشابه چنین می‌گوید:

«قلوب عراقیان پاک است و به منحرف می‌گوید که از نو کار را شروع کن و نگران گذشته نباش، ولیکن این نرمش و انعطاف نسبت به منحرف در تاریخ وجود ندارد و تاریخ منحرفان را نمی‌بخشد و ثبت می‌کند که عراق جنگید و فلان دولت و فلان دولت او را یاری کردند، ولی فلان دولت و فلان نظام در کنار بیگانه قرار گرفت. ما نگران نیستیم که تاریخ این را ثبت کند، بگذار تا ثبت شود، همچنان که از ابورغال در تاریخ به بدی یاد می‌شود و تا امروز هر کس که حج می‌رود و رمی جمره می‌کند، هنگامی که شیطان را رمی می‌کند او را هم در این رمی به یاد می‌آورد، زیرا ابورغال راه مکه را به لشکر ابرهه نشان داد» [۱۲۰۰].

به هر حال، با توجه به تلاشهای عراق و ارتجاع عرب و فشار استکبار جهانی به سوریه و لیبی، رفته رفته لیبی به صف مخالفان حق‌خواهی ایران در جنگ می‌پیوندد و سوریه نیز تقریبا خود را به کنار می‌کشد. خبرگزاری فرانسه در گزارشی در مورد تلاش ارتجاع عرب برای حل اختلافات عراق با سوریه و لیبی می‌نویسد:

«رئیس جمهور عراق باز هم تایید کرد که اخیرا یک تماس آماده‌سازی میان عراق و سوریه در مرز بین دو کشور انجام گرفته است. وی یادآور شد که بغداد

[صفحه ۲۸۵]

جواب موافق به دعوت کمیسیون تنظیم روابط میان اعراب داده است. این کمیسیون که از سوی آخرین اجلاس سران عرب در کازابلانکا، مأمور حل اختلاف میان لیبی از یک سو و عراق و ساف از سوی دیگر است، در گردهمایی ۱۶-۱۴ نوامبر خود در رباط، تصمیم گرفت که هیأتی را نزد رئیس جمهور عراق و سرهنگ معمرالقذافی اعزام کند. دومین کمیسیون که آن هم در

اجلاس سران کازابلانکا تشکیل شده، به اختلافات میان سوریه از یک سو و اردن و عراق از سوی دیگر می‌پردازد» [۱۲۰۱] .
با پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ «الجزایر زبان به انتقاد می‌گشاید و ایران را به خاطر دریای خونی که در خلیج فارس ایجاد کرده است، نکوهش و محکوم می‌کند» [۱۲۰۲] در جریان عملیات کربلای ۵ نیز قذافی با بیان اینکه «جنگ خلیج فارس به مرحله‌ی جنون‌آمیزی رسیده است»، چنین استدلال می‌کند که «این جنگ تنها به نفع اسلحه‌سازان امریکایی و اروپایی است و از نتایج آن تنها اسرائیل برخوردار خواهد شد» [۱۲۰۳] .
علاوه بر تبلیغ «قطع پشتیبانی لیبی و الجزایر از ایران» [۱۲۰۴] رسانه‌های خبری استکبار جهانی ضمن آنکه «به تشویق اعراب برای به دست آوردن یکپارچکی خود می‌پردازند» [۱۲۰۵] ، به مطرح ساختن مواردی نظیر «اقدام تلافی جویانه‌ی سوریه مبنی بر کاهش ارسال اسلحه به ایران به دلیل کاهش صدور نفت این کشور به سوریه» [۱۲۰۶] ، «اختلاف ایران و سوریه در مورد آینده سیاسی عراق» [۱۲۰۷] ، «اختلافات ایران و سوریه در لبنان» [۱۲۰۸] ، «عدم پرداخت بدهی‌های سوریه به ایران» [۱۲۰۹] و... می‌پردازند که این مسائل در کنار بازگشایی

[صفحه ۲۸۶]

مجدد خط لوله نفتی عراق در سوریه، بیانگر کاهش حمایتهای سوریه از ایران است. البته شاید سوریه بارها از سوی عراق و ارتجاع عرب تشویق به دوری گزیدن از ایران شده بود، ولی این کشور می‌دانست اگرچه در صورت بریدن از ایران، در کوتاه‌مدت قادر به دریافت امتیازات چشمگیری از سوی ارتجاع عرب خواهد شد، اما این امتیازات در بلندمدت پایدار نخواهد ماند، حال آنکه صرف وجود روابطی نسبتا گرم با ایران و ادعای توان جلوگیری از گسترش جنگ در خلیج فارس، می‌توانست در کنار جذب کمکهای مستمر ایران به سوریه، حمایت دایمی‌تر ارتجاع عرب را نسبت به سوریه فراهم آورد.
با به ثمر نشستن اقدامات عراق، ارتجاع عرب و استکبار جهانی در زمینه‌ی جذب حامیان عرب جمهوری اسلامی، ارتجاع منطقه و استکبار جهانی، از توان بیشتری در فریب افکار عمومی عراق و جهان برخوردار می‌شوند.

رابطه ایران با اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)

تبلیغ ارتباط ایران و اسرائیل در مرحله‌ی سوم جنگ بشدت دنبال می‌شود و از دستگاه تبلیغاتی عراق گرفته تا ارتجاع عرب و رسانه‌های خبری استکبار جهانی و حتی رسانه‌های خبری خود اسرائیل، بنحوی هماهنگ درصدد اثبات ارتباط ایران با اسرائیل برمی‌آیند. صدام در مصاحبه‌های خود به دفعات اعلام می‌کند که: «تمایلات توسعه طلبانه‌ی ایران و تمایلات کینه جویانه‌ی اسرائیل در تهاجم به عراق با یکدیگر موافقت دارد» [۱۲۱۰] و «عراق درگیر توطئه‌ای بین‌المللی با شرکت اسرائیل، امریکا، ایران، سوریه و لیبی» [۱۲۱۱] شده است و نه تنها «در حال حاضر ایران هم‌پیمان و مجری نیات صهیونیست‌هاست» [۱۲۱۲] ، بلکه «ایران در حال حاضر تنها سنگر صهیونیسم در جهان به شمار می‌رود» [۱۲۱۳] در سخنرانی دیگری صدام روابط ایران و اسرائیل را در زمینه‌های «انجام معاملات تسلیحاتی، اطلاعاتی و

[صفحه ۲۸۷]

مشورتی» [۱۲۱۴] می‌داند.

علاوه بر اتهامات صدام به جمهوری اسلامی، دستگاه تبلیغاتی عراق با توسل به ترفندهای تبلیغاتی مختلفی، می‌کوشد تا ارتباط ایران و اسرائیل را به شکل عینی‌تری نشان دهد. به عنوان مثال، تلویزیون بغداد با نمایش فیلم مستندی که شبکه‌ی س.بی.اس امریکا آن را تهیه کرده بود «جزئیات بارگیری محموله‌های اسلحه از بندر ایلات واقع در اسرائیل را توسط یک کشتی دانمارکی به مقصد بندرعباس به معرض نمایش می‌گذارد» [۱۲۱۵] عراق با سخن گفتن از «زخمی و کشته شدن کارشناسان اسرائیلی در تهاجم ایران به عراق (با استناد به مجله البیادر اسرائیل)» [۱۲۱۶] و یا «مصدوم شدن کارشناسان اسرائیلی در حمله‌ی موشکی عراق به تهران و انتقال آنها به اسرائیل (با استناد به روزنامه اسرائیلی معاریو)» [۱۲۱۷] می‌کوشد رابطه‌ی ایران و اسرائیل را تبیین کند. دستگاه تبلیغاتی عراق از قول رادیو منافقین اعلام می‌کند «ایران طی قراردادی، هر بار در ازای دریافت مقادیر معینی اسلحه از سوی اسرائیل، تعدادی از یهودیان ایرانی را به اسرائیل می‌فرستد» [۱۲۱۸] اعلام «احتمال حمله‌ی اسرائیل علیه تأسیسات نفتی عراق» [۱۲۱۹] و استناد به «اظهارات کفیل وزارت خارجه سوئیس مبنی بر همکاری تسلیحاتی بین ایران و اسرائیل» [۱۲۲۰] و... از ترفندهای دیگر تبلیغاتی در اثبات همین رابطه است.

دستگاههای تبلیغاتی رژیم اشغالگر قدس در فرازی از تلاش خود با طرح اینکه هنوز هم عراق از اسرائیل با عناوین «موجودیت صهیونیستی و سرزمین اشغالی یاد می‌کند و در منطقه تنها کشوری است که معاهده‌ی صلح ۱۹۴۹ را امضا نکرده است» [۱۲۲۱] یا با طرح

[صفحه ۲۸۸]

اینکه «عراق قویترین دشمن اسرائیل به شمار می‌رود» [۱۲۲۲] و یا با اعلام این مطلب که «کارشناسان اسرائیلی معتقدند با خاتمه‌ی جنگ، بغداد نیروهایش را جهت مقابله با اسرائیل متمرکز خواهد کرد» [۱۲۲۳] ، تلاش می‌کنند از عراق چهره‌ای مخالف اسرائیل ارائه دهند و پس از این زمینه‌سازیها، به القای هماهنگی استراتژیکی ایران و اسرائیل می‌پردازند. دستگاه تبلیغاتی رژیم اشغالگر قدس به طرح مضامینی مانند «سرنوشت مشترک تاریخی که ایران و اسرائیل با یکدیگر داشته‌اند، و هر رنجی را که ایرانیها متحمل شده‌اند، دل اسرائیل را به درد آورده است و هر خطری که ایران را تهدید کرده است، متوجه اسرائیل هم بوده است» [۱۲۲۴] ، «دشمنی مشترک دو کشور غیر عرب ایران و اسرائیل علیه اعراب، آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد» [۱۲۲۵] و «اظهار خشنودی از تغییر تدریجی مواضع سیاسی ایران» و اظهار امیدواری در اینکه «ایران زودتر به اشتباه موضع خویش نسبت به اسرائیل پی ببرد» [۱۲۲۶] ، می‌پردازد.

تبلیغ وجود ارتباط تسلیحاتی بین ایران و اسرائیل «از سوی شیمون پرز (وزیر امور خارجه اسرائیل)» [۱۲۲۷] ، «آریل شارون (وزیر دفاع اسرائیل)» [۱۲۲۸] تلاش مؤثر دیگری برای اثبات رابطه‌ی جمهوری اسلامی با رژیم اشغالگر قدس است. موارد دیگر نظیر پخش گزارش سخنان شیخ الازهر، توسط رادیو اسرائیل که «ادعای آزادسازی قدس توسط ایران را بی‌اساس خوانده است» [۱۲۲۹] و جنگ زرگری با امریکا در اینکه «اسرائیل تنها سلاحهایی را که امریکا فروش آنها را به خریدار سوم منع نکرده است، به ایران فروخته

[صفحه ۲۸۹]

است» [۱۲۳۰] و... تلاش دیگری در اثبات همین رابطه است.

علاوه بر عراق و اسرائیل، رسانه‌های خبری ارتجاع عرب نیز مجدانه در پی اثبات این رابطه و القای آن به افکار عمومی مردم کشور خویشند (که البته تأکید بیش از حد آنان در این زمینه، فقط جهت حمایت روانی عراق نیست، بلکه مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی، به عنوان الگوی شیعیان کشورهای خود آنهاست). به عنوان مثال، روزنامه‌ی کویتی «الرأی العام» که نزدیک به محافل خبری رژیمهای عراق و مصر است «هر روز در صفحات اول خود اخباری حاکی از وجود روابط تسلیحاتی، سیاسی و فرهنگی میان ایران و اسرائیل منتشر می‌کند» [۱۲۳۱] این روزنامه در یک ترفند تبلیغاتی وسیع با استناد به رادیو اسرائیل به دفعات اعلام می‌کند حضرت امام با نمایندگان رژیم اشغالگر قدس «دیدار» [۱۲۳۲] ، «مذاکره» [۱۲۳۳] و «از آنها قدردانی» [۱۲۳۴] کرده و «حتی برای آنها به زبان عبری (زبان یهودیان) سخنرانی ایراد کرده است» [۱۲۳۵] در ترفندی مشابه رسانه‌های خبری کویت با استناد به یک هفته نامه‌ی فرانسوی، گزارش می‌دهند «مذاکراتی پیرامون انتقال ۳۰ هزار یهودی ساکن ایران به اسرائیل در جریان است و سرپرستی هیأت مذاکره کننده‌ی ایرانی را فرزند حضرت امام بر عهده دارد» [۱۲۳۶] الرأی العام همچنین در گزارشی اعلام می‌کند: «رئیس پارلمان اسرائیل در پاسخ به سفر ماه گذشته‌ی رئیس مجلس ایران به اسرائیل، از تهران دیدار کرده است» [۱۲۳۷] و چند ماه بعد، یک روزنامه‌ی دیگر کویتی اعلام می‌کند که «هاشمی رفسنجانی اعلام داشته است در صورتی که ادامه‌ی کمکهای اسرائیل به ایران تضمین شود، وی در دیدار از این کشور به خود تردیدی راه نخواهد داد» [۱۲۳۸] .

[صفحه ۲۹۰]

رسانه‌های خبری ارتجاع عرب در تبلیغات دیگری، از «اعزام کارشناسان اسرائیلی به جبهه‌های جنگ ایران و عراق» [۱۲۳۹] گزارش می‌دهند و به تبلیغ اظهارنظر افرادی نظیر «برانوکرایسکی صدراعظم اتریش» [۱۲۴۰] و «حسنی مبارک» [۱۲۴۱] می‌پردازند که طی آنها روابط شکل گرفته‌ی ایران و اسرائیل علیه عراق، محکوم شده است.

تداوم و تکرار تبلیغ ارتباط ایران با اسرائیل به حدی می‌رسد که رسانه‌های خبری ارتجاع عرب، با اطمینان به جو مساعدی که ایجاد کرده‌اند، خود را مجاز می‌بینند که هر خبری (و حتی اخبار غیرمنطقی) را براحتی درج کنند. به عنوان مثال، روزنامه‌ی الرأی العام در یکی از مقالات خود می‌نویسد:

«دولت ایران در کنار خواستهای تسلیحاتی‌اش، طی یک تقاضای فوری از رژیم اسرائیل خواست تا مقادیر زیادی پرچمهای اسرائیل و امریکا به ایران صادر کند. این پرچمها قرار است در تظاهرات آتی ایرانیها در شهرهای مختلف این کشور آتش زده شوند».

این روزنامه در ادامه‌ی مقاله‌ی مزبور خاطرنشان می‌سازد:

«در حال حاضر، چندین شرکت متخصص ساخت پرچم در اسرائیل به دوختن پرچمهای اسرائیل و امریکا، برای حمل به ایران اقدام کرده‌اند» [۱۲۴۲] .

رسانه‌های خبری استکبار جهانی هم برای اثبات این رابطه، تلاش شایانی از خود نشان می‌دهند. به عنوان مثال، هفته‌نامه‌ی آبزرور از «همکاری ایران و اسرائیل در تکمیل یک موشک که قادر به حمل مواد هسته‌ای است» [۱۲۴۳] خبر می‌دهد، روزنامه‌ی مانیچی ژاپن از «ملاقات فرزند امام خمینی با یک هیأت اسرائیلی» [۱۲۴۴] گزارش می‌دهد، روزنامه‌ی ریپابلیکای ایتالیا از «دیدار آریل شارون با رئیس جمهور ایران و تسلیم پیام رئیس جمهور اسرائیل به

[صفحه ۲۹۱]

جمهوری اسلامی، این نظام را متحد اسرائیل خواندند» [۱۲۴۵] .
در همین راستا، گاهی یکی از مقامهای اسرائیلی «ارسال سلاح به ایران را در حال حاضر تکذیب می‌کند» [۱۲۴۶] و گاهی یکی از مقامهای امریکایی اعلام می‌کند: «ایالات متحده نشانه‌ای دایر بر ارسال سلاحهای اسرائیلی در ماههای اخیر به جمهوری اسلامی در دست ندارد» [۱۲۴۷] به این ترتیب، رسانه‌های خبری استکبار جهانی هم می‌کوشند تا با اثبات وجود رابطه بین ایران و اسرائیل چهره‌ی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر مخدوش کنند.

رابطه ایران با امریکا

عراق در مرحله‌ی سوم جنگ نیز همچون مراحل قبل، از ارتباط ایران با امریکا سخن می‌گوید و در کنار داعیه‌های سابق خود مبنی بر اینکه «رژیم ایران را جریانهای صهیونیستی و امپریالیستی به قدرت رساندند» [۱۲۴۸] و یا «ایران با امریکا روابط تسلیحاتی و اطلاعاتی دارد» [۱۲۴۹] و...، این بار به شکلی عینی‌تر از ارتباط ایران و امریکا سخن می‌گوید.
با رخ دادن جریان مک فارلین گزارشات متفاوتی از این مسأله منتشر شد. روزنامه‌ی آبزرور لندن طی مقاله‌ای از این ماجرا چنین یاد کرد:
«در جریان دیدار سال گذشته‌ی یک هیأت امریکایی از تهران، مقامات این کشور موفق به صورت دادن معامله‌ای با ایران شدند که بر اساس آن ایرانیها را از واگذار کردن اسامی شبکه‌ی اطلاعاتی امریکا در خاورمیانه به شوروی باز دارند.

[صفحه ۲۹۲]

ایران اطلاعات مربوط به شبکه‌ی اطلاعاتی امریکا در خاورمیانه را از ویلیام باکلی رئیس هیأت سیا در بیروت که دو سال و چند ماه قبل در بیروت ربوده شد و برای بازجویی به تهران منتقل گردید، به دست آورده بود. از جمله اطلاعاتی که از نامبرده به دست آمد، لیست کاملی از مأموران امریکایی در منطقه بود که در زمره‌ی اعترافات طولانی باکلی بود و قرار بود در اختیار شورویها قرار داده شود. این معامله بین مشاور امنیت سابق پرزیدنت ریگان، مک فارلین، و رئیس صاحب نفوذ مجلس ایران صورت گرفت. مک فارلین توافق کرد که امریکا اطلاعات نظامی مربوط به جنگ علیه عراق را در اختیار ایران قرار دهد. همچنین به ایران محرمانه تسلیحات بفروشد و اسامی ایرانیهایی را که در مذاکرات حساس واشنگتن شرکت داشته‌اند، مخفی نگه دارد. در مقابل رفسنجانی قبول کرد که از افشای این اطلاعات و نیز اسناد به دست آمده در سفارت امریکا در سال ۱۹۷۹، جلوگیری کند» [۱۲۵۰] .
بعد از افشای ماجرای مک فارلین، دستگاه تبلیغاتی عراق از «تناقض موضع‌گیریهای مسئولان ایران و نوسان آن بین مواضع معاشقه‌آمیز و خصمانه» [۱۲۵۱] سخن گفت و افشای ماجرا توسط رئیس مجلس را از اینگونه تبیین کرد:
«(آقای) رفسنجانی برای کنترل پیامدهای ارتباط با امریکا، دست به افشای ماجرای مک فارلین زد تا خود را به صورت قهرمان این ماجرا معرفی کند» [۱۲۵۲] .
انعکاس ماجرای مک فارلین اعراب را پریشان خاطر می‌کند و «این احساس به آنها دست می‌دهد که امریکا آنان را به خاطر ایران رها ساخته است» [۱۲۵۳] علی‌رغم آنکه امریکا برای نشان دادن حسن رابطه‌ی خود با اعراب و عراق، با در اختیار قرار دادن

[صفحه ۲۹۳]

اطلاعات دقیق، موجب می‌شود عراق در تهاجم به مراکز اقتصادی ایران (نظیر تأسیسات نیروگاه برق نکا) ضربات حساسی به ایران وارد کند، اما مسأله ارتباط ایران با امریکا در سطح وسیعی در رسانه‌های خبری مطرح می‌شود؛ از سویی «شوروی امریکا را به خاطر صدور اسلحه به ایران مورد انتقاد قرار می‌دهد» [۱۲۵۴] و از سوی دیگر کشورهای عرب از «روابط پشت پرده ایران و امریکا» [۱۲۵۵] سخن می گویند و این ماجرا را به ماجرای «خیمه شب‌بازی» و «نمایش موش و گربه» [۱۲۵۶] تشبیه می کنند و تأکید می‌ورزند که «هدف امریکا خارج کردن ایران از انزوای سیاسی بوده است» [۱۲۵۷] کشورهای عرب در بخش دیگری از تبلیغات خود اظهار می کنند که «ایران در قبال پذیرش درخواستهای خود، با بازگشت کارشناسان امریکایی به ایران، برای راه‌اندازی مجدد ایستگاههای رادار و استراق سمع امریکا در مرزهای شوروی موافقت کرده است» [۱۲۵۸] .

علاوه بر ماجرای مک فارلین که به تضعیف شدید مواضع سیاسی - تبلیغاتی ایران در نزد افکار عمومی مردم جهان می‌انجامد، تبلیغات دیگری دال بر ارتباط ایران و امریکا از سوی رسانه‌های خبری جهان در این مرحله از جنگ مطرح می‌شود. به عنوان مثال، همزمان با تهدید جزیره‌ی خارک و تهدید ایران مبنی بر اینکه اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند، اقدام به بستن تنگه هرمز خواهد کرد، چنین تبلیغ می‌شود:

«تهدید ایران به مبارزه طلبیدن ریگان نبوده، بلکه نوعی بده بستان سیاسی بین (آقای) رفسنجانی و ریگان وجود دارد. (آقای) رفسنجانی در واقع از امریکا می‌خواهد که با اعمال قدرت خویش، مانع از بمباران خارك و عدم صدور نفت ایران شود و ریگان هم که برای جلب آرای مردم احتیاج به یک کار بزرگ تبلیغاتی داشت با این کمك ایران، با تظاهر به اعمال قدرت برای بازنگه داشتن تنگه هرمز، بدون آنکه حتی یک امریکایی کشته شود، کفه آرای مردم امریکا

[صفحه ۲۹۴]

را به نفع خود سنگین کرد و نظیر ماجرای گروگانگیری که سرانجام به ضرر دموکراتها تمام شد، این ماجرا هم به نفع جمهوریخواهان تمام شد» [۱۲۵۹] .

در مرحله‌ی سوم جنگ گاهی خود امریکا در تبلیغاتی پیش قدم می‌شود و به منظور کوچك نمایی پیروزیهای ایران و... از کمك تسلیحاتی مستقیم یا غیرمستقیم امریکا به ایران سخن می گوید. به عنوان مثال، در جریان عملیات رمضان، سخنگوی کاخ سفید ضمن مصاحبه‌ای اعلام می کند «اسلحه‌های پیشرفته و مدرن نه از سوی خدا، بلکه از سوی امریکا و اسرائیل به ایران می‌رسند» [۱۲۶۰] در جریان عملیات کربلای ۵ نیز رسانه‌های خبری امریکا موفقیت ایران در وارد آوردن ضربات مهلك به نیروی هوایی و زرهی ارتش عراق را به سلاحهای امریکایی ارسالی به ایران نسبت می‌دهند. همچنین، شیمون پرز وزیر خارجه و قائم مقام نخست‌وزیر اسرائیل، طی مصاحبه‌ای ضمن برشمردن دلایل «فروش سلاح توسط اسرائیل به ایران»، که به ابتکار امریکا انجام گرفته بود، می گوید:

«اسرائیل مبتکر فروش اسلحه به حکومت اسلامی ایران نبود، بلکه امریکاییها بودند که برای حل مسأله ربوده شدگان در لبنان، به اسرائیل روی آوردند و از وی تقاضای کمك کردند و اسرائیل این درخواست را پذیرفت، چرا که در بین دوستان چنین امری بسیار عادی است.

از سوی دیگر، این مسأله بسیار طبیعی است که ایالات متحده بخواهد مناسبات خود را با ایران از سر بگیرد و تلاش کند برای ایران بعد از آیت‌الله خمینی، گروههای میانه‌رو را در مقابل افراطیون تقویت کند» [۱۲۶۱] .

تلاش در جهت قومی کردن جنگ

صدام و دستگاه تبلیغاتی عراق در مرحله‌ی سوم جنگ نیز با تکیه بر

[صفحه ۲۹۵]

مضامینی که در مراحل قبل مطرح می‌کردند، می‌کوشند تا ضمن اینکه ایران را تهدیدی برای اعراب نشان می‌دهند، عراق را به عنوان عامل ثبات منطقه معرفی کنند و با دادن اطمینان خاطرهایی به حکام کشورهای مرتجع عرب، آنها را به شرکت تمام عیار در جنگ وادار کنند. البته، در این میان اگر تبلیغات معمولی رژیم عراق به اندازه‌ی دلخواه در ارتجاع عرب مؤثر واقع نشود، این رژیم با توسل به ترفندهای دیگری نظیر تحریک غیرت اعراب، تهدید آنها و... درصدد قومی کردن جنگ بر می‌آید. تبلیغات ارتجاع عرب و استکبار جهانی هم به شکلی هماهنگ با تبلیغات عراق به تبیین ضرورت قومی شدن جنگ می‌پردازند.

صدام در سخنرانیها و مصاحبه‌های متعددی تهدید بالقوه‌ی ایران نسبت به اعراب را مطرح می‌کند. وی در موارد متعددی از «چشمداشت ایران به تمام میهن عربی» [۱۲۶۲] سخن می‌گوید و هشدار می‌دهد که «(امام) خمینی برای کنترل جهان اسلام و تأسیس یک امپراتوری که مرکز آن ایران است، دست به جنگ زده است» [۱۲۶۳] و عراق از آن جهت که «کلید کل منطقه‌ای» [۱۲۶۴] و «دیوار پولادین در شرق امت عرب» [۱۲۶۵] است و با از هم پاشیده شدنش تمام منطقه در برابر ایران از هم پاشیده خواهد شد و «ویرانی و خواری و خذلان» [۱۲۶۶] اعراب را دربر خواهد گرفت و حتی «تا مغرب عربی سرزمینهای اعراب به تصرف ایران در خواهد آمد» [۱۲۶۷] ، در مقابل ایران ایستاده است. عراق حتی مدعی می‌شود «چشمداشت ایران تنها به عراق و منطقه، خلاصه نمی‌شود و تمامی جهان را دربر می‌گیرد» [۱۲۶۸] .

[صفحه ۲۹۶]

صدام برای عینیت بخشیدن هر چه بیشتر به ادعاهای فوق، در یکی از سخنرانیهایش می‌گوید:

«ایرانیها به بحرین تجاوز کردند و خواستند رژیم آن را تغییر دهند. آنها به امیر کویت سوء قصد کردند و به امارات به طور نظامی تجاوز کردند و به سعودی تجاوز کردند، و سعودی حمله‌ی آنان را با ساقط کردن دو جنگنده ادب کرد. عراق تنها کشوری نیست که ایران به آن تجاوز نظامی کرده است، ایران تاکنون به طور رسمی به چهار کشور عربی تجاوز کرده است» [۱۲۶۹] .

صدام در موارد دیگری نیز به طرح بیانات مشابهی می‌پردازد. [۱۲۷۰] .

یوحنا عزیز که از مسئولان بلندپایه رژیم عراق بود، پس از تهاجم واحدهای دریایی ایران علیه سکوی نفتی شارجه بیان می‌کند: «ایران با خوی تجاوزگرانه‌ی خود حتی به کسانی که با وی تعارف دارند، اهمیتی نمی‌دهد» [۱۲۷۱] و تلویزیون عراق با پخش گزارشی از اعترافات یک به اصطلاح «تروریست» اعلام می‌کند: «وی از سوی رهبران ایران مأمور انفجار سفارتخانه‌های شوروی، فرانسه، عربستان و کویت در بغداد بوده است» [۱۲۷۲] در بخش دیگری از تبلیغات رژیم عراق، این کشور «خود را عامل ثبات سیاسی منطقه دانسته» [۱۲۷۳] ، به همین جهت «افزایش خارج از سهمیه‌ی اوپک تولید نفت عراق را مشروع می‌داند» [۱۲۷۴] .

علاوه بر این، صدام با توجه و شناخت حقارت ذاتی ارتجاع عرب و حقارت تاریخ معاصر اعراب، می‌کوشد تا از این نقاط ضعف سود ببرد و با دادن تضمین به شیوخ مرتجع عرب مبنی بر پذیرش حکومت آنها، مشروعیت تداوم حکومت پادشاهی در خاندان آنها، نفی احتمال تجاوز عراق به سایر کشورهای عرب و نفی کسانی که قصد دارند با کودتا زمام امور را در کشورهای مرتجع

عرب به دست بگیرند، آنان را نسبت به

[صفحه ۲۹۷]

قومی شـدن جنگ، بیش از پیش تشویق کنـد. به عنوان مثال، صدام در مصاحبه با القبس از رژیمهای محافظه‌کار عرب حمایت و از خود انتقاد می‌کنـد و می‌گویـد: «رهبران عراق همیشه دچار این مشـکل هسـتند که چگونه در کویت یا سوریه و یا لبنان حکومت را در دست گیرنـد، در حـالی که بایـد قبـل از اینکه به فکر حکومت کردن در مثلا شیخ‌نشـین دوبی باشـیم، حکومت خود را در عراق تثبیت کنیم.» صـدام در همین مصـاحبه در یک عقب‌نشـینی آشـکار از مواضع و افکار سیاسـی رژیم عفلقی عراق در قبال اهـداف و آرمانهای کودتای ۱۷ ژوئیه - که سران بغداد را به قدرت رساند - بیان می‌کند که «امت عرب از کودتاچیان و انقلابیون عرب بیش از حکام محافظه‌کار و حکومتهای سـلطنتی صـدمه دیده‌اند». صدام در قسـمت دیگری از همین مصاحبه از سـران کودتاگر عرب که در دهـه ۱۹۶۰، طی یـک شـبانه روز قـدرت را به دست گرفتنـد، انتقـاد می‌کنـد و آنان را افرادی «عقـده‌ای، محروم و بی‌شخصـیت» می‌نامـد. او در نهـایت ضـمن سـتودن نظام پادشاهی معمول در رژیمهای عرب، می‌گویـد: «بهتر است حکومت نسل انـدر نسل ادامه یابـد، به طوری که ولیعهد با آمادگی قبلی حکومت را به دست بگیرد» [۱۲۷۵] به این ترتیب صدام، با دادن نوعی از تضـمین روانی به حکام مرتجع عرب، تلاش می‌کند آنان را به جبهه‌گیری علنی‌تر و ورود هر چه بیشتر در جنگ تحمیلی، ترغیب کند.

صـدام در مصـاحبه‌ای که با السـیاسه دارد، در پاسخ به سؤال خبرنگار این روزنامه که می‌پرسـد همانطور که گفته می‌شود عراق در آسـتانه پیروزی قرار دارد، امـا کسـانی هسـتند که بیـان می‌دارنـد که نشـاط و سـرمستی از پیروزی، عراق را وادار خواهـد کرد تا متوجه اعراب منطقه خلیـج (فـارس) و شـبه جزیره گردد. آیـا این طبلهـا به آهسـتگی نواخته نمی‌شود؟ «بصـراحت» انـدیشه تهـاجم عراق به کشورهای عرب را نفی می‌کند:

«بگذاریـد بگویم این زمزمه از کجا می‌آیـد، این زمزمه از طرف دشـمنان عرب سـر داده شده و در اندیشه‌ی پاره‌ای از اعراب داخل شـده و اثر کرده است، ولی من معتقدم اندیشه‌هایی که این شایعات در آنها اثر کرده، اندیشه‌هایی ناپاک و غیرمطمئن‌اند. از این هم که بگذریم عراق قبل از این، دارای تاریخ روشنی است. چند حالت تجاوزگرانه و تعدی نسبت به اعراب در تاریخ عراق آمده

[صفحه ۲۹۸]

است تا بتوانیم بپـذیریم که وقتی از این جنگ فارغ شـد، حالت تعـدی نسـبت به اعراب پیـدا کند. آن کسانی که شایعات مذکور را ترویـج و مطرح می‌کننـد، کسانی هسـتند که می‌خواهنـد ما را ضـعیف نگاه دارند تا هر گونه وحدت و اتحادی را از ذهن و عمل ما دور سازند که نتوانیم این کابوسی را که بر تمامی ما عارض شده، از بین ببریم» [۱۲۷۶] .

صدام در یکی از نطقهای خود با استناد به تاریخ معاصر اعراب، در خصوص ضرورت قومی شدن جنگ می‌گوید:

«اعراب تحت یک شـعار اساسـی، یعنی شـعار قومیت، مبارزه کرده‌اند و مبارزه‌ی آنها همان‌گونه که گفتیم قومی و ملی بوده است و برجسـته‌ترین بنیادهای قدرت نمایی در برابر آنها، بنیاد صهیونیستی و برجسته‌ترین سمبل آنها در رویارویی با این قدرت‌نمایی، مصر و رژیم عبدالناصر بوده است.

اما این تصور در برابر بیشتر کسانی که نمی‌توانسـتند به راه صـحیح هـدایت شونـد، متزلزل شـد و در افکار و وجـدان آنها این مسأله جای گرفت که رویارویی با دشـمن، تحت این شـعارها شـکست خورده است. به همین دلیل برخی از آنها درون لاک خود رفتند و

در انتظار نجات از خارج ماندند و عده‌ای در پی راههای مارکسیستی رفتند، ولی پس از جنگ ۱۹۷۳ و شکست تجربه‌های مارکسیستی، بار دیگر جریان ملی و قومی در امت عرب ظاهر گردید» [۱۲۷۷] .

صدام در بخشهای دیگری از سخنانش با تاکید بر «حقارتی که در تاریخ معاصر اعراب بر آنها تحمیل شده است» [۱۲۷۸] و با یادآوری درهم شکسته شدن مقاومت اعراب در برابر اسرائیل تنها پس از گذشت چند روز، از عراق که در برابر «هم‌پیمان صهیونیست‌ها» [۱۲۷۹] .

[صفحه ۲۹۹]

سالها جنگیده و «در جنگ بلندمدت، خبرگی به دست آورده است» [۱۲۸۰] یاد می‌کند و با بیان «شکل‌گیری شخصیت انسان عرب جدید در عراق» [۱۲۸۱] و تأکید بر اینکه «عراق ویژگی الگو شدن برای تمامی اعراب را دارد» [۱۲۸۲] ، می‌کوشد تا هویت کاذبی به سران مرتجع کشورهای عربی بدهد و بعلاوه با دادن اطمینان خاطر به آنها در اینکه حکومت آنها را مشروع می‌داند، سعی دارد آنها را فریب دهد تا با امید به رفع حقارتهای عدیده و تاریخیشان، و یافتن هویتی کاذب، رهبری معنوی عراق در میان اعراب را بپذیرند. به این ترتیب، صدام با شناخت روان‌شناسی ارتجاع عرب، قادر می‌شود به موضع رهبری معنوی قوم عرب نزدیک شود و از این طریق نیز جنگ را هر چه بیشتر قومی کند. به عنوان مثال، صدام در مصاحبه با سردبیر روزنامه‌ی کویتی السیاسه می‌گوید:

«شما در کویت یک حالت برجسته در وطن عربی ایجاد کرده‌اید. ما بسیار مسروریم که ملت کویت از چنین صلابتی برخوردار است؛ زیرا بعضی از اعراب بر اساس باورهای دیرینه‌ی خویش و با مقیاس قرار دادن آنها، بر این گمان بودند که مردم کویت با خطر ایران استوار برخورد نمی‌کنند.

ولی با صلابت ملت کویت آشنا هستیم، اگر چه ظاهر امر بعضی را به این عقیده کشانده که ملت کویت در چنین سطحی با قدرت عمل نخواهد کرد. به همین جهت، عواملی چند، از جمله همسایگی ملت کویت با دوست صمیمیش، یعنی ملت عراق، حالت روانی خاصی در کویت ایجاد کرده است که گویی این حالت جزئی از همان حالت روانی و روحی فرزندان عراق است که به مقابله با تجاوز ایران پرداخته‌اند» [۱۲۸۳] .

در قسمت دیگری از تبلیغات عراق، صدام با سودجویی از ترس کشورهای مرتجع منطقه از امواج انقلاب اسلامی (که توسط خود عراق و به شکلی هماهنگ با آن توسط استکبار جهانی مطرح می‌شود)، وعده‌ی حمایت متقابل به این کشورها را می‌دهد.

[صفحه ۳۰۰]

صدام در یکی از نطقهایش اینگونه به کویت وعده‌ی حمایت متقابل را می‌دهد:

«اعراب منطقه باید همواره هشیار باشند تا از جفتک قاطر در حال مرگ ایران، در امان باشند. اگر ایران ضعیفتر شود، دیگر قادر نخواهد بود کسانی را که همچون کویت قد علم کرده و با قدرت ایستاده است، مورد حمله قرار دهد؛ اما در صورت انجام هرگونه تعرضی به کویت، عراق آماده است در اسرع وقت چندین لشکر رزمی خود را برای دفاع از کویت اعزام کند... نیروی هوایی عراق نیز قادر است در هر لحظه و در هر جا، وظیفه‌ی خود را در دفاع از کویت انجام دهد» [۱۲۸۴] .

او همچنین در دیدار با دانشجویان عراقی مقیم کویت، می‌گوید:

«به برادران کویتی بگویید اگر یک تیر از ایران به سوی آنها شلیک شود، عراق هزار گلوله بر آنها خواهد ریخت. ما با چنین دیدی

به روابط میان خود و آنها و یا هر کشور شرافتمند عربی نگاه می‌کنیم. امنیت آنها جزئی از امنیت ما و امنیت ما جزئی از امنیت و شرف آنهاست و عزت و سعادت و ثبات ما از آن آنها نیز هست» [۱۲۸۵].

هدف دیگر دستگاه تبلیغاتی عراق، برای هر چه قوی‌تر کرد جنگ، تحریک غیرت اعراب است. صدام در یکی از مصاحبه‌های خود می‌کوشد تا با توسل به تحریک غیرت اعراب، افرادی را که علی‌رغم تبلیغات پیشین، وارد جنگ نشده‌اند، به جنگ بکشاند. وی می‌گوید:

«من به یکی از روزنامه‌نگاران گفته‌ام اگر جباران ایران می‌توانستند وارد خلیج (فارس) شوند، زنان خلیج (فارس) ما را به صورت خفت‌باری به حالت اسیر به تهران می‌بردند، شما می‌دانید که من بارها به عراقیها گفته‌ام و اکنون نیز می‌گویم اگر جباران تهران به عراق و خلیج (فارس) دست یابند، زنان عراقی و زنان خلیج (فارس) را با خواری به تهران خواهند برد. یکی از حکام عرب با شنیدن این حرف از من قهر کرد که چرا من می‌گویم ایرانیها می‌توانند زنان

[صفحه ۳۰۱]

خلیج (فارس) را به تهران ببرند. من نگفتم آنها می‌توانند این کار را بکنند، بلکه گفتم اگر می‌توانستند، زنان خلیج (فارس) را به صورت خفت‌باری به حالت اسیر به تهران می‌بردند. همچنین گفته‌ام اگر می‌توانستند با زنان عراقی نیز همین کار را می‌کردند. من از ملامت عرب خوشحال هستم و برای اینکه خوشحالی من کامل شود، می‌خواهم که آنها شمشیر خود را بکشند و به زنان خلیج (فارس) و زنان عراق نشان دهند که آنها در دژ مستحکمی هستند، زیرا که او و سایرین در دفاع از اصول و ارزشها شمشیر کشیده‌اند. ولی اگر فقط از این سخن قهر کند و شمشیر نکشد، می‌گویم که قهر به تنهایی نمی‌تواند زنان خلیج (فارس) و زنان عراق را حمایت کند» [۱۲۸۶].

سرانجام، زمانی که تمامی این ترفندهای تبلیغاتی، چنانکه عراق انتظار دارد مؤثر واقع نمی‌شود، این کشور با توسل به تهدید و زور، ارتجاع عرب را به تبعیت از تز قومی شدن جنگ وادار می‌کند. به عنوان مثال، عراق با تهاجم به جزیره‌ی خارک، ایران را بر می‌انگیزاند که تهدید کند: در صورت قطع جریان صدور نفت، ایران تنگه‌ی هرمز را می‌بندد. لیبراسیون در تحلیل همین مسأله می‌نویسد: «عراق مایل به بسته شدن تنگه هرمز است» [۱۲۸۷] و رویتر طی گزارشی اعلام می‌کند: «عراق با تهدید امنیت خلیج فارس، در حقیقت دست به یک باج‌خواهی علنی از عربستان و کویت زده است که اخیرا از کمکهای چند میلیارد دلاری خود به عراق کاسته بودند» [۱۲۸۸] پس از سقوط فاو نیز رادیو اسرائیل اعلام می‌کند «اینطور که به نظر می‌رسد، عراقیها از حضور نیروهای جمهوری اسلامی در خاک خود چندان هم ناراضی نیستند. چون با توجه به این حضور است که رژیم صدام حسین، موفق شده است تنها در دو ماه اخیر بیش از یک میلیارد دلار کمک مالی از عربستان سعودی و کویت دریافت دارد» [۱۲۸۹].

«گاهی صدام هشدار می‌دهد پس از پایان جنگ به یاد خواهیم داشت چه کسانی

[صفحه ۳۰۲]

در لحظات سخت و بحرانی در کنار ما باقی ماندند و چه کسانی به ما کمک نکردند» [۱۲۹۰]، یا اداره‌ی اطلاعات عراق «دولت و ارتش امارات متحده عربی، را متهم به قاچاق یک میلیارد دلار اسلحه به ایران می‌کند» [۱۲۹۱] اما گذشته از تبلیغات متنوع و متفاوت عراق در قومی کردن جنگ، دستگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی همسو با تبلیغات عراق حرکت می‌کنند تا به این ترتیب

کشورهای استکباری، بدون از دست دادن یک سرباز، به اهداف خویش دست یابند. از این رو، این کشورها، از طریق رسانه‌های خبری خود تهدید جدی و حمله‌ی قریب‌الوقوع ایران به کشورهای خلیج فارس را مطرح می‌کنند. به عنوان مثال، بوش در عمان «ایران را یکی از افراطی‌ترین رژیمهای تاریخ» خوانده و بیان می‌کند «ایرانیها باید سر عقل بیایند و از سرنگون کردن دولتهای همسایه دست بردارند» [۱۲۹۲] و یکی از مقامهای رسمی وزارت خارجه امریکا، به «احتمال حمله‌ی هوایی ایران به مرزهای کویت و تخریب تأسیسات نفتی» [۱۲۹۳] اشاره می‌کند. هرالدتریبون، از قول مقامهای دولت ریگان گزارش می‌دهد «ایرانیها پس از تصرف بصره، ممکن است به طرف جنوب برگشته، متوجه کویت شوند» [۱۲۹۴] .

رسانه‌های خبری غرب، در مواردی ضمن تحلیلهای خود می‌نویسد:

«هدف آیت‌الله خمینی در کوتاه‌مدت راهیابی به شیخ‌نشینهای خلیج فارس و هدف درازمدتش عربستان است» [۱۲۹۵] .

«در صورتی که ارتش ایران بر عراق پیروز شود، به احتمال زیاد به سوی جنوب روی خواهد آورد و کشورهای نفتی هوادار غرب مانند کویت، قطر و بحرین را خواهد بلعید و احتمال کمی وجود دارد که عربستان که بزرگترین آنهاست خود را آماده سازد و مقاومت کند» [۱۲۹۶] .

[صفحه ۳۰۳]

پس از فتح فاو این دستگاهها از مسأله نزدیکتر شدن ایران به کشورهای مرتجعی چون کویت و عربستان بشدت استفاده می‌کنند و جهت القای «حمله‌ی قریب‌الوقوع ایران به کویت و عربستان» [۱۲۹۷] تلاش می‌کنند.

دستگاههای تبلیغاتی غرب با توسل به توجیهاتی نظیر اینکه «کویت به خاطر موقعیت جغرافیایی‌اش اولین قربانی بعدی ایران خواهد بود» [۱۲۹۸] یا «ایران به دلیل عدم دستیابی به یک پیروزی قاطع علیه عراق، مجبور به در نظر گرفتن هدفهای ساده‌تری چون بحرین و کویت است» [۱۲۹۹] یا «ایران با همدستی لیبی و یمن جنوبی، به تأسیس سازمان آزادی‌بخش خلیج فارس و تربیت تروریست برای واژگون‌سازی کشورهای منطقه دست زده است» [۱۳۰۰] یا «(امام) خمینی با ذکر نام قدیمی کشورهای عرب - بین‌النهرین (عراق)، حجاز (عربستان)، شیخ‌نشینها (امارات متحده)، شام (سوریه) - بر رد مرزهای این کشور تأکید می‌کند» [۱۳۰۱] ، و طرفداری «اقلیتهای شیعه حامی ایران از این کشور» [۱۳۰۲] می‌کوشد تا به تهدید ایران علیه ارتجاع عرب عینیت بیشتری ببخشد. در نهایت، این رسانه‌ها با تبلیغ اینکه «خطر ایران در حال حاضر، آنی‌تر از خطر اسرائیل برای کشورهای عربی است» [۱۳۰۳] و «سقوط بصره فاجعه‌ای به بزرگی ظهور کشور اسرائیل برای اعراب خواهد بود» [۱۳۰۴] از ایران خطری جدی‌تر از رژیم اشغالگر قدس برای اعراب ترسیم می‌کنند.

فشارهای عراق و استکبار جهانی به ارتجاع عرب به جایی می‌رسد که نه تنها در عملیات رمضان سربازانی از «مصر، سودان، اردن، سومالی و مراکش» [۱۳۰۵] به دست نیروهای ایرانی اسیر می‌شوند، بلکه عراق اعلام می‌کند: «دسته دسته داوطلبان تمام کشورهای

[صفحه ۳۰۴]

عربی به جبهه می‌رسند» [۱۳۰۶] یا «داوطلبان ۹ کشور عرب خود را برای پیوستن به نیروهای مسلح عراق آماده می‌کنند» [۱۳۰۷] و... و در نهایت، طه یاسین رمضان اعلام می‌کند «در جنگ علیه ایران، داوطلبانی از ۱۴ کشور دیگر در ارتش مردمی عراق شرکت کرده‌اند، که بیشترین تعداد آنها از مصر و سودان آمده‌اند» [۱۳۰۸] سازمان آزادیبخش فلسطین نیز «ضمن ستایش عراق» [۱۳۰۹]

اعلام می‌کند «به منظور مقابله با تهدیدات خارجی، این سازمان امکانات نظامی خود را در اختیار کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس قرار خواهد داد» [۱۳۱۰] علاوه بر این، دستگاههای تبلیغاتی ارتجاع عرب «علی‌رغم تهدیدهایی که صدام نسبت به کشورهای آنها داشته است» [۱۳۱۱] از اعراب می‌خواهند: «از آنجا که ایران می‌خواهد با تمام اعراب مقابله کند، خود را با این تحول جدید منطبق کرده» [۱۳۱۲] و «نسبت به تسویه حساب دیرینه و ۱۵۰۰ ساله‌ی شیعیان ایران با سنی‌های عربستان و اعراب حاشیه خلیج (فارس) هشیار باشند» [۱۳۱۳] این رسانه‌ها ضمن آنکه از «سایر اعراب می‌خواهند تا طلاهایشان را به ملت دلیر عراق اهدا کنند» [۱۳۱۴] از «مواضع نرم برخی از کشورهای شورای همکاری در قبال ایران، اظهار تأسف می‌کنند» [۱۳۱۵].

علی‌رغم تمامی تلاشهای ارتجاع عرب، امریکا که «بصراحت به این کشورها اطلاع داده بود، شکست عراق در جنگ مغایر با منافع وی است» [۱۳۱۶]، نشان می‌دهد که از مجموعه عملکردهای ارتجاع عرب چندان راضی نیست؛ زیرا غرب انتظار داشت اعراب

[صفحه ۳۰۵]

با کنار نهادن محافظه‌کاری سنتی خود، به نحو جدی‌تری با ایران درگیر شوند، اما کویت و عربستان حتی زمانی که کشتیهای آنها توسط ایران غرق می‌شود، برخلاف تشویق غرب در اینکه «اکنون زمان عملی با ایران فرارسیده است» [۱۳۱۷] به این تقاضا، پاسخ مثبت نمی‌دهند. با وجود این غرب با ترساندن ارتجاع عرب، سعی دارد آنها را به مواضعی بکشاند که با منافع خود او منطبق است. در این راستا، اکونومیست در مقاله‌ای با عنوان «کلمات نمی‌توانند ایران را متوقف کنند»، می‌نویسد:

«اتحادیه‌ی عرب از اعضای خود نخواست روابط دیپلماتیک با ایران را قطع کنند و در قبال مجازاتی که می‌تواند جمهوری اسلامی را به پای میز صلح بکشاند، متحد نبودند. این شکست فقط این اعتقاد را در ایران قوت بخشید که از اعراب نباید هراسی داشت. برای متوقف کردن ایران به چیز قویتری از محکوم کردن صرف نیاز است؛ زیرا کلمات نمی‌توانند ایران را متوقف کنند. اگر اعراب متحد نشوند، با شکستی بسیار فاجعه‌آمیزتر از شکستی که از اسرائیل خورده‌اند، مواجه می‌شوند و اثرات آن در تمامی جهان منتشر خواهد شد» [۱۳۱۸].

حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق

در روند جنگ، پس از آنکه در مرحله دوم، ضربات کاری جمهوری اسلامی بعث عراق را تا مرز انهدام و سقوط پیش برد، و پس از آنکه در مرحله‌ی سوم جنگ اتحاد غرب و شرق در حفظ بعث عراق بوضوح آشکار شد و سیل تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی و کمکهای اقتصادی آنان به طرف عراق سرازیر شد، و حمایتهای تبلیغاتی و سیاسی آنها، از این رژیم فزونی گرفت، همواره مسأله حفظ روحیه‌ی نیروهای عراقی، برای غرب و شرق مطرح بود و شاید مهمترین نگرانی آنها در خصوص عراق «از دست رفتن روحیه سربازان

[صفحه ۳۰۶]

عراقی» [۱۳۱۹] بود. ضعف روانی نظامیان عراقی به حدی برای کارشناسان نظامی غرب مهم بود که یکی از مقامات عالیرتبه‌ی پنتاگون اعلام می‌کند «اگر عراقیها اینقدر ترسو نبودند، اکنون هیچیک از نیروهای ایرانی در خاکشان باقی نمانده بود» [۱۳۲۰] و کارشناسان نظامی تأکید می‌کردند: «عراقیها در صورتی شکست خواهند خورد که روحیه‌ی خود را ببازند و دچار وحشت شوند»

[۱۳۲۱] .

بی‌شک، مسأله‌ی حفظ روحیه‌ی مردم و نظامیان عراق برای صدام و حزب بعث نیز در درجه‌ی اول اهمیت قرار داشت، زیرا وظیفه‌ی اساسی آنها فراهم ساختن زمینه برای غرب بود تا اقدامات آنها در فرسایش تدریجی ایران به ثمر بنشیند، و این مسأله نیز به حفظ روحیه و مقاوت نظامیان عراقی در برابر تهاجمات سپاهیان اسلام بستگی داشت. بنابراین، ضرورت داشت دستگاه تبلیغاتی عراق (و دستگاههای تبلیغاتی غرب و شرق به تبع عراق) در پی آن باشند که از یک سو با تمسک به برخی از واقعیات و از سوی دیگر با پرداختن به بسیاری از مسائل واهی و غیرواقعی، فضای تبلیغاتی مناسبی در عراق ایجاد کنند که به حفظ روحیه و انگیزه‌ی مقاومت مردم و نیروهای عراقی بینجامد.

در بررسی چگونگی حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق توسط دستگاههای تبلیغاتی عراق و استکبار جهانی، نخست به بررسی برخی از زمینه‌های عینی که به حفظ روحیه‌ی نسبی نظامیان عراقی منجر می‌شدند، خواهیم پرداخت و در این زمینه به بررسی عناوین تبلیغ عراق حول برنامه ریزیهای مردمی نظام، ایجاد آرامش روانی نسبی در پشت جبهه‌ها، ایجاد فضای باز فکری (در مسائل غیرسیاسی)، زمینه‌سازیهای فرهنگی عراق، تأکید در برتری تکنولوژی جنگ عراق، تعمیق قومی شدن جنگ و ترسیم حمایتهای بین‌المللی از عراق خواهیم پرداخت. در ادامه‌ی این قسمت، به بررسی آن دسته از تبلیغات عراق و دستگاههای تبلیغی استکبار جهانی که بیشتر با توسل به ترفندهای روانی مختلف، فضای روانی خاصی می‌آفریدند که به حفظ روحیه و مقاومت نظامیان عراقی منجر می‌شد خواهیم پرداخت. در این قسمت هم به بررسی عناوین غوغاسالاری تبلیغاتی رژیم

[صفحه ۳۰۷]

عراق، تحمیق، تهدید و تطمیع مردم و ارتش عراق، ترسیم چهره‌ی منفی برای ایران و در نهایت وعده‌ی پیروزی محقق عراق، خواهیم پرداخت.

اینک به اجمال، به محورهایی که از آنها یاد کردیم، می‌پردازیم.

یکی از مهمترین اقدامات بعثیها پس از پیروزی کودتای آنها در سال ۱۹۶۸، پیش گرفتن برنامه‌های ضد سرمایه‌داری و سوسیالیستی بود و بعد از آغاز جنگ، همین مسأله یکی از مهمترین مضامین تبلیغاتی دستگاه تبلیغاتی عراق شد و حزب بعث از آن، در جهت زمینه‌سازی مقاومت جامعه‌ی عراق در برابر حق‌خواهی جمهوری اسلامی سود جست.

به طور طبیعی پیش گرفتن خط مشی اقتصادی سوسیالیستی، که اختلاف وحشتناک درآمدها در جوامع طبقاتی را تعدیل می‌کند، جاذبه‌های بسیاری را برای مردم محروم جامعه عراق ایجاد می‌کرد و علاقه‌ای را نسبت به نظام بعثی، در دل اکثر آنها بر می‌انگیخت؛ زیرا وقتی یک نظام برخلاف سیر تاریخ، در برخورد با اقشار مرفهاش، جانب اقشار ضعیف را بگیرد، و یا حداقل آن را نادیده نگیرد، عدالت خواهی را برای خود به اثبات می‌رساند و می‌تواند تحت آن پوشش، اهداف باطل احتمالی خود را حق جلوه دهد.

صدام در دیدار با اعضای حزب کارگران عراق در ترسیم مهمترین هدف حزب بعث در قبل و بعد از کودتای ژوئیه ۱۹۶۸، ظلم‌ستیزی و حمایت از اقشار ستمدیده‌ی کارگران و کشاورزان توسط حزب بعث را مطرح می‌کند. وی در قسمتی از بیاناتش متذکر می‌شود.

«حزب ما همواره در گفتار و در عمل، نسبت به قشر ستمدیده‌ی کشور عنایت خاصی داشته است. حزب بعث خود را حزب کارگران و اقشار ستمدیده و کشاورزان انقلابی جامعه می‌خواند و با چنین ادعایی برای رسیدن به حکومت و تغییر جامعه می‌جنگید» [۱۳۲۲] .

رئیس رژیم بعثی در سخنرانی دیگری می گوید:

«ما به یقین از آغاز می‌دانستیم که هر نظام و رهبری باید یکی از دو راه را

[صفحه ۳۰۸]

انتخاب کند، یا خادم ملت خود باشد؛ یا خادم بیگانه بشود، و ما از روز ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ تا به حال خادم ملت بوده‌ایم.

طبیعی است کسی که می‌خواهد به ملت خدمت کند باید این خدمت را بطور سلسله‌وار در حق کسانی که شایسته آن هستند انجام دهد و از نظر ما کارگران در صف مقدم سلسله مذکورند» [۱۳۲۳] .

صدام در سخنرانیهای دیگری بیان می کند: «راهی که عراق دنبال می کند، این نتیجه را دربر دارد که اگر کارگری با سواد خواندن و نوشتن، بتواند کارخانه‌ای را بهتر از دکتر متخصص اداره کند، وی سرپرست کارخانه خواهد شد» [۱۳۲۴] و یا وعده می‌دهد «درجات اجتماعی لغو و زمینه‌ها برای تمام افراد عراقی یکسان خواهد شد» [۱۳۲۵] و «از این به بعد با حذف عنوان کارگر، تمامی افرادی که در خدمت دولت هستند، کارمند نامیده خواهند شد» [۱۳۲۶] .

صدام با افکار سوسیالیستی خویش سعی می کند برخلاف کشورهای سوسیالیستی که در بند قواعد متحجر مارکسیستی گرفتارند و از رقابت با اقتصاد سرمایه‌داری به دور افتاده‌اند، خود را به رعایت تئوری پردازیهای گاه ذهنی و بدور از واقعیات سوسیالیستها و مارکسیستها ملزم نسازد. به عنوان مثال، صدام با ایجاد بخشهای خصوصی و مختلط در کنار بخشهای دولتی و یا با پذیرش تفاوت میزان حقوق بر مبنای میزان کارکرد مستخدمان دولت، به برخی از معیارهای اساسی اعتقاد سوسیالیستی پشت پا می‌زند و پویایی اقتصاد عراق را حفظ می کند. صدام در ملاقات با اعضای حزب کارگران از این تصمیم خود چنین یاد می کند:

«حتی بعد از پایان یافتن جنگ هم عقیده رهبریت این است که حقوق کارمندان را ده درصد یا بیست درصد افزایش ندهیم، بلکه به هر کس مطابق مقدار عملش و افزایشی که در تولیدات ایجاد می کند، اضافه حقوق بدهیم. البته فقط

[صفحه ۳۰۹]

برای کسانی که کارهای تولیدی ندارند، نظام حقوقی خاصی را در نظر می گیریم که قدرت خرید آنان را در حد متوازن و معقولی قرار دهیم. به هر صورت، روش ما این است که همگی به ماشین‌آلات روی آوریم و آنها را ترک نگوییم و پشت میز ننشینیم. بنابراین، راه ما این است که از پشت میز به پشت دستگاههای صنعتی منتقل شویم، نه بالعکس» [۱۳۲۷] .

صدام در مصاحبه با روزنامه‌نگاران یوگسلاوی، از هدفی والاتر از ایجاد عدالت اقتصادی که «از بین بردن نابرابریهای اقتصادی در جهت زدودن برآیندهای روانی نامطلوب این نابرابریهاست»، سخن گوید:

«وقتی یک نفر عراقی ازدواج می کرد، یکسری ویژگیها و خصوصیاتی برای زن پیدا می‌شد، ویژگیهای مزبور برای زن کارمند و زن کارگر متفاوت بود. در حالی که هر دو عراقی بودند. این مسأله خود با خط انقلاب در تضاد بود.

کودک عراقی هم که متولد می‌شد، گرفتار همین سرنوشت می‌شد، یعنی حقوقی که به کودک کارگر و کودک کارمند داده می‌شد، کاملاـ متفاوت بود؛ یعنی به بچه کارگر حقوق پایین‌تری داده می‌شد، حال آنکه کارگر و کارمند در یک اداره و به یک کار مشغول بودند. وقتی هم که کارگر و کارمند به خارج مسافرت می کردند، همین تفاوتها وجود داشت؛ یعنی حقوقی که در زمینه‌ی مسکن و غذا به آن دو داده می‌شد، یکسان نبود. البته اینها بستگی به پست و کاری که این دو انجام می‌دادند، نداشت؛ بلکه

تنها زاییده دو نامگذاری کارگر و کارمند بود که باعث می‌شد وضعیت روانی و اجتماعی خاصی پدید آورد که با وحدت عمل مشترک در تضاد باشد و مسائل را به حد تناقض فکری بکشاند» [۱۳۲۸] .

علاوه بر حل نسبی جنگ فقر و غنا در عراق، که زمینه‌ی مساعدی جهت مقاومت جامعه عراق در برابر حق‌خواهی جمهوری اسلامی ایجاد کرد، «ایجاد آرامش روانی نسبی در پشت جبهه‌های عراق» مسأله مهم دیگری بود که به ایجاد انگیزه‌ی مقاومت

[صفحه ۳۱۰]

جامعه عراق می‌انجامید.

صدام در دیدار با رئیس و اعضای هیأت اجرایی اتحادیه‌ی سراسری زنان، بصراحت از آنان می‌خواهد کاری کنند تا زنان عراقی با مصرف زیاده از حد خویش، چهره‌ی پشت جبهه را به جامعه‌ای طبقاتی مبدل نسازند و جغرافیای جامعه‌ی در حال جنگ عراق را به دو منطقه در حال جنگ و بدور از جنگ تبدیل نکنند. وی در قسمتی از سخنان خود می‌گوید:

«زن عراقی لباس خارجی نمی‌پوشد، اگر پانصد یا هزار زن عراقی لباس خارجی بپوشند چه اتفاق می‌افتد؟ من مقصودم این است که همواره باید توازنی در زندگی ایجاد کرد و نباید بگذاریم گروهی بر گروه دیگر ظلم کند. اگر ما سیاست درستی برای کمکهای دیگران در زندگی و یک هماهنگی درست در بین آنها ایجاد نمی‌کردیم، هرگز مقاومت و پایداری قهرمانان عراقی به این سطح و پایه نمی‌رسید. اگر ما فقط به پشتیبانی دیگران در جنگ دلخوش بودیم، چگونه سرباز عراقی به این مهارتهای فنی و این سطح از آمادگیها می‌رسید که بتواند با دشمنان بجنگد و اگر چنین می‌شد حتما در جبهه شکست می‌خوردیم».

صدام در ادامه همین سخنرانی از زنان عضو حزب می‌خواهد تا از پرداختن به ارزشهای مادی که موجبات تفرقه در جامعه عراق و تشتت ذهنی رزمندگان عراقی را فراهم می‌آورد، خودداری و با افراد بی‌توجه به این مسائل برخورد کنند. وی می‌گوید:

«به من خبر رسید که پسربچه یا دختربچه‌ای نزد پدرش می‌آید و به او می‌گوید که فلانی ماشین سوپر دارد، تو چرا ماشین گازوئیلی داری؟ و کودک از این حالت ناراحت بود. این نوع چشم همچشمی‌ها در جامعه کار اشتباهی است و باید جامعه آن را اصلاح کند... اصلا ماشین سوپر چه هست؟ کی به تو گفته که معیار ارزش انسان به آن است، اگر چنین چیزی درست باشد، ملت از هم پاشیده شده و فقط معیارهای مادی بر آنها حاکم می‌گردد. بنابراین، از شما می‌خواهم که این افکار باطل را از بین ببرید. به نظر من در میان زنان این مسائل بیشتر از مردان مطرح می‌گردد و این انتقادی است که من از شما زنان دارم. من زنان زیادی را دیده‌ام که ظاهر در نزد آنها از ارزش خاصی برخوردار بوده و

[صفحه ۳۱۱]

آنها بیشتر از مردان گرفتار چنین مقایسه‌های غلطی هستند و استنتاجی که مبتنی بر مقایسه‌ی غلط باشد، آن هم غلط است و غلطتر و بدتر از آن این است که ما در صدد اصلاح آن برنیاییم» [۱۳۲۹] .

در مورد مشابهی، صدام به این جهت که زندگی یکی از وزرای دولت عراق با حالت عسرت می‌گذشت، به او مدال می‌دهد و با ستایش از وی سعی می‌کند او را به عنوان الگو به سایر دست‌اندرکاران بعثی معرفی کند.

«در حدود یک ماه پیش آگاه شدم که یکی از رفیقان ما که مدت زیادی است عضو شورای رهبری بوده و حدود دو سال است سمت وزارت را در حکومت بر عهده دارد، بسیاری از اهل و عیالش در فقر زندگی می‌کنند؛ یعنی با اینکه وی در سطح بالایی از

قدرت قرار دارد و دستش در اموال دولت باز است و می‌تواند احتیاجات خانواده‌اش را رفع کند، دست به چنین کاری نزده است. این نمونه‌ای است در حکومت، و واجب است که آن را سرمشق خود قرار دهیم، و واجب است که بگوییم این نمونه در حقیقت نمونه‌ی حزب است، و نمونه‌ی حزب این نیست که شخصی بیاید و مسئولیتی برعهده بگیرد و نزدیکانش از خلال تسهیلاتی که او در اختیارشان می‌گذارد ثروتمند شوند؛ بلکه این رفیق ما نمونه‌ای برای حکومت و منطبق با مفاهیم حزب است. بنابراین، این رفیق با محدودیتی که برای خانواده‌اش ایجاد کرده است، نمونه‌ی درخشنده این است که من معتقدم باید از این نمونه‌ها در هر واحدی از دولت باشد» [۱۳۳۰].

به این ترتیب دستگاه تبلیغاتی بعث عراق، می‌کوشد با کنترل اختلافات طبقاتی و نفی ارزشهای مادی به ایجاد یک تعادل روانی نسبی در سطوح جامعه عراق نایل آید و به این ترتیب، مانع دلسردی و کناره‌گیری اقشار جامعه از جنگ شود.

«ایجاد فضای باز فکری»، حرکت دیگری است که دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق با تمسک بدان سعی می‌کند برای قسمتی از فشارهای وارد شده بر مردم جامعه عراق مفری فراهم سازد. به این ترتیب حزب بعث علی‌رغم آنکه برای هیچ تفکر سیاسی مخالف خود

[صفحه ۳۱۲]

حق حیات قایل نمی‌شود، می‌کوشد با اعطای آزادی تفکر در مسائلی که متضمن تهدیدی برای اهداف حزب نیستند، حقانیت خود را ثابت کند. به عنوان مثال، صدام در دیدار با گروهی از کارکنان بخش مختلط اقتصادی عراق، از اینکه صاحب‌نظران و منتقدین این بخش نظریات خویش را در سطح رسانه‌های خبری عراق مطرح نکرده‌اند، از آنها انتقاد می‌کند و از آنها می‌خواهد تا آنها با نشر عقاید گاه مخالف خویش در سطح جامعه، به جو خفقان زده‌ی جامعه‌ی عراق رنگی از آزاداندیشی و دموکرات منشی بدهند. صدام در قسمتی از سخنانش، با تأکید مجدد در پذیرش انتقادات غیرسیاسی در سطح جامعه، از تلاقی آرای موافقان و مخالفان بخشهای دولتی، مختلط و خصوصی استقبال می‌کند و می‌گوید:

«یکی از حضار از مشکلات بخش مختلط سخن گفت. در جواب باید بگویم چرا این مطلب را در روزنامه‌ها ننوشتید و مثلا از رفتار و عملکرد دولت از طریق قوانین و ضرر رسانیدن به فعالیت بخش مختلط انتقاد نکردید. من مدتی است که شهروندان را تشویق می‌کنم هر کجا دیدید دولت ممکن است خطایی در حق شهروندی که فرزند عراق و فرزند ملت است انجام دهد، انتقاد کنید. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم مردمانی که ممکن است برای اغراض شخصی به دسیسه‌گری روی آورند، بسیار کم هستند و گفتیم این امکان برای مردم هست که هر جا خطایی دیدند درباره‌ی آن بنویسند و به آن اشاره کنند و بگویند این خطا است؛ عملکرد شرکت فلان خطا است ما نگفتیم که این انتقاد تصرفی در محدوده‌ی جنگ است تا بگوییم که ما در موقعیت جنگی هستیم و بنابراین چنین خبری نباید پخش شود... شما از فشاری که از طرف سازمانهای دولتی بر شما واقع می‌شود و فعالیتتان را متوقف می‌سازد، انتقاد کنید. بگذار بخش خصوصی انتقاد کند و بخش مختلط انتقاد کند و بخش مشترک از دو بخش خصوصی و مختلط انتقاد کند. مراد این نیست که میان این بخشها اعلان جنگ کنیم، بلکه این یک آگاهی والا میان افراد جامعه در خصوص موقعیتها و مشکلات و امکانات و راههای صحیح حل آنها در هر یک از این بخشها است تا حالت تعادل ایجاد شود...

شیوه‌ی من این بود که همیشه از مشکلات گفته‌ام؛ یعنی مسائلی را مطرح

[صفحه ۳۱۳]

می کنم و از دیگران می‌خواهم که درباره‌ی آن گفتگو کنند تا ببینیم گره کار کجاست و چگونه به حل درست آن می‌توان نایل آمد. فکر می کنم باید نشستهایی برای هموطنان سهامدار تشکیل شود و معضلات احتمالی برای آنها گفته شود و از آنها نظر بخواهیم و ببینیم با پیش گرفتن چه راه‌حلهایی می‌توانیم همیشه سودبری داشته باشیم. به عبارت دیگر، ما نباید تصمیمات خود را همواره دور از مردمی که به طور نسبی در این میان سود می‌برند یا ضرر می کنند، بگیریم. ما باید به طور دایم این افراد را در بحثهای خودمان شرکت دهیم و باب گفتگو را برایشان باز کنیم، با آنها مناقشه کنیم و بینش مطلوب را به دست بیاوریم» [۱۳۳۱] .

رئیس رژیم عراق در موارد دیگر نسبت به لزوم فضای باز فکری در جامعه‌ی عراق تأکید می‌ورزد. برای مثال در دیدار با اعضای حزب کارگران گوید:

«اگر شما نظراتی درباره‌ی تصمیم گیریهای شورای فرماندهی انقلاب، هیأت وزیران و مجلس دارید در میان بگذارید تا این نظریات در تصمیم‌گیریها ملحوظ شده، به این ترتیب تصمیمی شایسته گرفته شود» [۱۳۳۲] .

صدام در سمینار بررسی قوانین و مقررات تجدیدنظر در تشکیلات وزارت دادگستری عراق می گوید:

«مقامهای مختلفی که در وزارتخانه‌های عراق وجود دارند، انتقادات و پیشنهادات اصلاحی خویش را در خصوص قوانین موجود و حتی فرامین خود من طرح کنند... بدترین برداشت من از یک فرد عراقی این است که او سعه‌ی صدر نداشته باشد و به دیگران اجازه‌ی اظهارنظر ندهد.»

در جای دیگری صدام افراد را تشویق می کند که «به انتقاد در امور ورزشی (!) و به تصحیح خطاهای احتمالی این مسائل بپردازند.» [۱۳۳۳] .

آنچه ذکر شد نشان می‌دهد که با بازگذاشتن فضایی برای اظهارنظر (حتی اگر این

[صفحه ۳۱۴]

اظهارنظر غیرسیاسی باشد) می‌توان رنگی از آزاداندیشی را به فضای خفقان زده‌ی جامعه داد و به کاهش تنش افکار عمومی، و در نتیجه بالا بردن روحیه‌ی مقاومت آنها نایل آمد.

محور تبلیغاتی مهم دیگر، ترسیم آینده‌ای درخشان برای عراق و دلگرم کردن مردم و نظامیان عراق به برخی از ویژگیها و ابعاد این جامعه بود. عراق در جهت حصول به اهداف تجاوزکارانه و توسعه طلبانه‌ی خویش، در قسمتی از تبلیغاتش به زمینه‌سازی فرهنگی لازم جهت تسریع در دستیابی به این هدف می‌پردازد. در این راستا دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق، لازم می‌بیند ماهیت فرهنگ ستیزه‌جوی آینده‌ی عراق را با پوششی فریبنده جلوه دهد و به این ترتیب پذیرش آن را بر افکار عمومی آسان سازد. از این رو، تبلیغات عراق درصدد بر می‌آیند با طرح این مسأله که حزب بعث قادر شده است جنگ را به «برکتی برای عراق تبدیل کند»، به ستایش حزب می‌پردازد و سپس با مطرح ساختن شخصیت جدید انسان عراقی که به دست حزب بعث شکل گرفته است، این مسأله را مورد تأیید قرار می‌دهد که بغداد به دوران تاریخی پرافتخار گذشته‌اش نزدیک می‌شود. پس از این تمهیدات تبلیغات عراق ارزشهای توسعه‌طلبانه و ستیزه جویانه‌ی بعثیها را به عنوان معیار همه‌ی معیارها در جامعه‌ی عراق مطرح می کنند.

صدام در یکی از سخنرانیهای خود که در جمع دانشجویانی که برای مقابله با حمله‌ی به اصطلاح «سرنوشت ساز ایران» در حال آموزش نظامی بودند، خطاب به آنها از فرهنگ مطلوب آینده‌ی جامعه عراق چنین سخن می گوید:

«... من این تجربه را در زندان آموختم. در زندان از رفقایم می‌خواستم همیشه وسایل لباسهایشان تمیز و مرتب باشد. با وجود اینکه

هر هفته ملاقات داشتیم و می‌توانستم لباسهایم را به خارج از زندان بفرستم تا آنها را بشویند، اما من لباسهایم را با دستهای خودم می‌شستم و غرضم این بود که آنها که نمی‌توانستند لباسشان را برای شستن به خارج از زندان بفرستند، عادت کنند که خودشان در زندان لباسهایشان را بشویند. همینطور من از زندانیان بعثی می‌خواستم که نمونه و الگوی دیگر زندانیان باشند، شما هم اگر می‌خواهید کسی اطاعتتان کند باید بیشتر با انضباط باشید؛ چون وقتی که به زیردستان می‌گویید که باید در حین آموزش مخالفت از خود نشان ندهند، شما هم در تمام مدت آموزش نباید مخالفتی از خود نشان دهید، هنگامی که از آنان می‌خواهید انضباط را رعایت

[صفحه ۳۱۵]

کنند، شما باید اولین کسانی باشید که انضباط را رعایت می‌کنید...

اما در پاسخ به سؤال یکی از شماها که آیا دانشجویان هم در جبهه شرکت می‌کنند یا نه، باید بگویم که جز در صورت ضرورت، انشاء الله ارتش به شما احتیاج پیدا نمی‌کند. اما هدف از دعوت شما به آموزش تنها هدف تربیتی و آمادگی است. قبلا که در روستا بودیم خانواده‌مان اجازه نمی‌دادند که کمربند، فشنگ و خشاب را زیر سرمان بگذاریم، چون هنگام حمله‌ی دشمن و یا هر خطر دیگر به آن احتیاج پیدا می‌کنیم و به جستجوی آن مشغول می‌شویم، و باید دنبال کارد، فشنگ، کلت و تفنگ بگردیم که ممکن است دیر بشود و فرصت از دست برود. به همین سبب من در سن ۱۴-۱۳ سالگی، تصمیم گرفتم که همیشه کمربند و خشاب و کلت و کارد را، بجز تفنگ که آن هم در بین دستانم قرار می‌دادم، به کمر ببندم و حدود سه چهار تابستان در اثر این مهمات، نتوانستم براحتی بخوابم... من مطمئن هستم که این آموزش نظامی، نتیجه‌ی خوبی برای جوانان کم‌تجربه خواهد داشت. شما بعد از یک ماه آموزش و یا بعد از یک مأموریت به دانشگاه و دانشکده خودتان برخواهید گشت و دوباره اگر احتیاجی به شما پیدا شد، از شما دعوت به عمل می‌آوریم که این دعوت برای شما تنها تجدید خاطره خواهد بود. به یاد دارم هنگامی که پایان سال تحصیلی نزدیک می‌شد و من از امتحانات آخر سال فارغ می‌شدم، در تعطیلات تابستان عمویم تکالیف زیادی به من محول می‌کرد و بعد از آن از صلاح‌الدین صباغ برایم تعریف می‌کرد که چگونه بعد از شکست انقلاب ۱۹۴۱، که علیه انگلیس صورت گرفت، به مرز گریخت و از آنجا به ترکیه رفت و هواداران وی سرانجام از ادامه‌ی راه وی منصرف شدند و به ما گوشزد می‌کرد که مرد حتی اگر به عالیترین مقام هم که برسد، روزی محتاج پابرهنه راه رفتن می‌شود، و از ما می‌خواست پابرهنه راه برویم. حتی بعدها من و وزیر جنگ هنگام تعطیلات، پابرهنه نزد ایشان می‌رفتیم و در طی مسیر من تحمل بیشتری از خودم نشان می‌دادم، ولی وزیر جنگ برایش سخت بود، چون من در روستا و از پدری کشاورز متولد شدم، ولی او در شهر و از پدری افسر متولد شده بود. مادر خدا بیامرز من، به ایشان می‌گفت عدنان را به حالش واگذار، چرا او را به پابرهنگی

[صفحه ۳۱۶]

وا می‌داری و او در جواب می‌گفت: لازم است که پابرهنه راه برود، ما با پای برهنه به بیل‌زنی مشغول می‌شویم و اتفاقا همانگونه که عمویم تصورش را می‌کرد، پیش آمد. در سال ۱۹۵۹، هنگامی که عبدالکریم قاسم را ترور کردیم، مجبور شدیم از طریق بیابان به سوریه فرار کنیم، البته توسط دو الاغ که صاحبش سوار یکی از آنها شد و قبول نکرد ما هم سوار آن الاغ شویم، با وجودی که من زخمی بودم نمی‌توانستیم به قاچاقچی بگوییم، زیرا در ابتدا به او گفته بودیم ما برای دیدار دوستانمان به سوریه سفر می‌کنیم.

همسفر من قریب به ۱۱-۱۰ ساعت راهپیمایی کرد و من سوار الاغ بودم، تا جایی که مجبور شدم با پای زخمی پیاده روی کنم تا دوستم ساعتی استراحت کند. به این ترتیب، ما تجربه کردیم که تربیت سخت و خشن چگونه مرد را در برابر سختیها مقاوم می‌پروراند و مرد نباید هیچگاه گریه کند و از خود احساس ضعف نشان دهد، بلکه باید با قدرت کامل با سختیها مواجه شود... به همین سبب، ما دستور دادیم تمام دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمانی که به سن ۴۵ سالگی نرسیده‌اند، به دوره‌ی آموزش نظامی فراخوانده شوند، چون این آموزش در زندگی برای آنها مفید خواهد بود. الآن بر همه واجب است که آموزش ببینند، چون مجال دیگری نیست» [۱۳۳۴] .

رئیس رژیم بعثی عراق در سخنرانی دیگری با تکرار همین مضامین به عنوان خط فرهنگی جامعه‌ی عراق، بیان می‌کند:

«چرا ما تأکید داریم که حزب بعث عربی سوسیالیستی، تمام فرزندان ملت عراق را از بچه تاجر و کارگر و کشاورز گرفته تا بچه‌ی استاد دانشگاه، آموزش نظامی دهد و در تعطیلات تابستان و... آنها را آماده کند ولو اینکه جنگی در میان نباشد؟ علت این است که ما باید مردانی را برای رویارویی و تحمل مشکلات زندگی - ولو در حال صلح - آماده و مهیا کنیم، زیرا فرهنگ و تمدن نمی‌تواند به شکلی متعادل و ریشه‌دار بنا گردد و رسالت صورت پذیرد، مگر آنکه مردانی توانا در راه تحمل مشکلات و ارزشهایی که به آن معتقدیم وجود

[صفحه ۳۱۷]

داشته باشند» [۱۳۳۵] .

پس از آنکه دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق خط مشی فرهنگی آینده‌ی عراق را ترسیم کرد، بر «برکات جنگ» [۱۳۳۶] ، که به همت بعثیها از نقمت به نعمت تبدیل شده است، و با تأکید در پی‌ریزی شخصیت انسان جدید عرب، ضرورت انطباق با ارزشهای ستیزه‌جویانه و توسعه‌طلبانه بعثیها را نتیجه می‌گیرد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در موارد متعددی از «درایت و کفایت مسئولان عراقی» [۱۳۳۷] ، «شکست محاصره‌ی اقتصادی عراق» [۱۳۳۸] ، «فزونی گرفتن کمی و کیفی ارتش عراق» [۱۳۳۹] «خبره شدن عراقیها در جنگ بلندمدت» [۱۳۴۰] ، «ادامه‌ی پیشرفت علمی، تکنولوژیک عراق» [۱۳۴۱] سخن می‌گوید و تأکید می‌ورزد «جوهر اصیل عراقیها جز در گرفتاریها ظاهر نمی‌گردد» [۱۳۴۲] و «جنگ سبب شده است که مفاهیم متعالی از خانه و مدرسه گرفته تا کارخانه و خطوط پشت جبهه ریشه بداوند و تعداد بی‌شماری از انسانهای متعالی را پرورش دهد» [۱۳۴۳] عراق پس از خاطرنشان ساختن «خواری که استعمارگران در تاریخ متأخر اعراب بر قوم عرب تحمیل ساخته‌اند»، و به آنها باورانده‌اند که «اعراب عقب مانده‌اند و توان تدبیر و اداره‌ی امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را ندارند، و مسئولیت غرب در برابر انسانیت و اعراب این است که آنها را به سطحی دیگر انتقال دهد» [۱۳۴۴] ، از «تحقیرهایی که اعراب در طول تاریخ معاصرشان متحمل شده‌اند» [۱۳۴۵] یاد می‌کند

[صفحه ۳۱۸]

و رسالت بعثیها را در «رفع تحقیر تاریخی و حقارتهای تحمیل شده به عراقیها (و اعراب)» [۱۳۴۶] متذکر می‌شود و «تولد انسان جدید عرب» [۱۳۴۷] را در این میان نوید می‌دهد.

پس از آنکه دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در تبیین خط توسعه‌طلب و ستیزه‌جوی جامعه و فرهنگ عراق که توسط بعثیها به عنوان

آرمـان جامعه تبلیغ می‌شدنـد، به طرح برکات جنگ و پی‌ریزی شخصیت انسان جدیـد عرب می‌پردازد، در فراز دیگری از تبلیغات خود نتیجه عینی این مولفه‌ها را اینگونه توصیف می‌کنـد: «بغـداد کنونی خیزش جدید بغدادی است که در سال ۱۲۸۵ سقوط کرده بود» [۱۳۴۸] صـدام در جـای دیگری بـا تکرار مضـامینی مشابه می‌گویـد: عراقیها روح بغـداد را برای عربها محافظت کرده و کاری کرده‌اند که بغداد کنونی حامل روح بغداد قدیم است، بغدادی که عربها می‌شناختند و به آن افتخار می‌کردند و می‌بالیدند» [۱۳۴۹]
.

پس از این تبلیغات، عراق بحق می‌توانـد انتظار داشـته باشد که مردم و نظامیان عراق، از ارزشـهایی که حزب بعث برای آنها ترسیم می‌کنـد، تبعیت کننـد. از ایـن رو، صـدام در ملاقـات بـا «هیأت نگـارش تاریـخ»، ضـمن «نقـد تحلیـل تاریـخ بـه روش مسـلمانان و مارکسیست‌ها»، برای فهم صحیح آن، تحلیل تاریخ با «پیش فرضهای بعثی» [۱۳۵۰] را توصیه می‌کند. در موارد دیگری رئیس رژیم بعثی عراق کـار هر کسـی را که در برابر ضوابـط توتالیتر جامعه‌ی عراق سـر فرود آورد «ارزش» [۱۳۵۱] می‌خواند و «سـربازی را که صد نفر را می‌کشد، به پرچمی در اهتزار و سربازی را که سنگر خود را رها می‌سازد، به نقطه‌ای بی‌خاصیت و بی‌جان» [۱۳۵۲] تشبیه می‌کنـد. وی «مقاومت تا آخرین فشـنگ و آخرین لحظه» [۱۳۵۳] را ارزش ایـده‌آل می‌نامد و از «قسـی عدی»، سـربازی که بیش از صد ایرانی را به شهادت

[صفحه ۳۱۹]

می‌رساند، به عنوان «مصداق انسان برتر و مطلوب فرهنگ جاری و آینده» [۱۳۵۴] یاد می‌کند.
برای قومی شـدن جنـگ - که یکی از مهمترین عوامـل روی پـا ایسـتادن رژیم عراق در طول جنـگ تحمیلی بود- دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق پس از «ترسـیم تهدیدی که از جانب ایران متوجه ارتجاع عرب منطقه و سایر کشورهای عربی است» [۱۳۵۵] از «عراق به عنوان عامل ثبات منطقه یاد کرد» [۱۳۵۶] و «با دادن اطمینان خاطر به سران مرتجع کشورهای عرب» [۱۳۵۷] کوشید تا سران مرتجع این کشورها را «تشـجیع کنـد تا جنگ را بیشتر به جنگی قومی تبدیل کنند» [۱۳۵۸] و در این میـان رئیس رژیم بعثی عراق گاهی با «دادن وعـده حمـایت متقابل از کشورهای مرتجع عرب» [۱۳۵۹] می‌کوشـد آنهـا را به دخالت هر چه بیشتر در جنگ ترغیب کنـد و گاهی با «تحریک غیرت آنها» [۱۳۶۰] و یا «با توسل به زور» [۱۳۶۱] و یا «با تأکید بر حقارتی که تاریخ معاصر این کشورها مشحون از آن است» [۱۳۶۲] ، می‌کوشد تا از اعرب صف واحدی در برابر جمهوری اسـلامی تشکیل دهد که البته صدام در این مسیر هم از حمایت خاص دستگاههای تبلیغاتی غرب و شرق برخوردار باشد.
دسـتگاه تبلیغاتی عراق پس از تأکیـد بر رونـد قومی شـدن جنگ، از دخالت ابرقـدرتها و سـیاست‌های جهانی به نفع عراق در جنگ سخن می‌گوید و به این ترتیب سعی دارد روحیه و انگیزه مقاومت مردم و نظامیان عراقی را حفظ کند.
صدام در مصاحبه‌ای که قبل از تصویب قطعنامه‌ی ۵۹۸ با روزنامه‌نگاران یوگسلاوی دارد، از دخالت مطلوب ابرقدرتها در جنگ به نفع عراق سخن می‌گوید:
«ما همیشه اعتقاد داشته و داریم که روزی جنگ به پایان خواهد رسید و صلح

[صفحه ۳۲۰]

فراگیر برقرار خواهـد شـد. از این رو، مسأله جنگ و صـلح در جهان امروز، منحصـر به طرفهای درگیر و یا دو رژیم هدایت کننده‌ی

دو ارتش متخاصم نیست. در این خصوص هر گونه بهبود در وضعیت کشورهای عربی می‌تواند به پایان بخشیدن به جنگ کمک کند، هر گونه بهبود در افکار عمومی مردم ایران علیه جنگ، می‌تواند موضع دستگاه حاکم را در ادامه‌ی جنگ به ضعف بکشاند و نیز هر گونه بهبود اوضاع جهانی بویژه اوضاع در کشورهای بزرگ، می‌تواند در پایان بخشیدن به جنگ مؤثر باشد و تمام این عوامل، یعنی وضع کشورهای عربی، افکار عمومی ایران و وضعیت بین‌المللی، از دید ما در جهت مطلوبی در جریان است» [۱۳۶۳] .
رئیس رژیم عراق پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، چون می‌دید توافق کامل شرق و غرب در جهت حمایت بی‌چون و چرا از عراق کاملا علنی گشته است، طی پیامی خطاب به مردم عراق، با خرسندی می‌گوید:
«قدرت و مهارت در سیاست و فعالیتهایی دیپلماتیک که در ارتباط با آن صورت می‌گیرد، هر چه باشد در حفظ میهن از تجاوز مسلحانه‌ی خارجی ناتوان است و از تحقق بخشیدن به شعارهای صلح، بر طبق آنچه که حقوق و منافع ما را مصون بدارد عاجز است، مگر اینکه پشتوانه آن قوی و بازوی آن قادر به پیاده کردن اراده‌ی پایداری در صحنه باشد.
شما مردان، بازوی سیاست و پشتوانه‌ی قوی آن هستید و چون شما این امر را به اثبات رساندید، سیاست نیز کار خود را کرد و قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت را برای خاموش ساختن بسیاری از آرزوهای اشرار در ایران و متحدانش در تحقق بخشیدن به دستاوردهای تجاوزگرانه و نامشروع علیه عراق عظیم، صادر کرد» [۱۳۶۴] .
صدام در مصاحبه با لوماتن می‌گوید: «ابرقدرتها به این نکته واقف شده‌اند که

[صفحه ۳۲۱]

صلاح آنها در متوقف شدن این جنگ است» [۱۳۶۵] و بلافاصله خواستار صدور قطعنامه‌ی دیگری جهت تحریم تسلیحاتی کشور ستیزه‌جو می‌شود. صدام در مصاحبه دیگری دوباره «از مواضع بین‌المللی که در تأیید عراق است» [۱۳۶۶] ، سخن می‌گوید. دستگاه تبلیغاتی عراق، با پیش گرفتن تبلیغات مبتنی بر غوغاسالاری می‌کوشد با تحریک افکار عمومی عراق و واداشتن آنها به عکس العملهای افراطی و کور، آنان را در جوی آمیخته از نفرت و کینه و به شکلی هیجان‌زده به مقابله با سپاهیان توحید بکشاند. از همین رو، حتی در اعلامیه‌های رسمی عراق از جمهوری اسلامی و رزمندگان اسلام با زننده‌ترین تعابیر ممکن و از عراق و بعثیهای عفلقی با حماسی‌ترین و پرشورترین تعابیر یاد می‌شود. برخی از تعابیر اطلاعیه‌های رسمی عراق در خصوص رزمندگان اسلام و جمهوری اسلامی عبارتند از:
«رژیم صهیونیستی ایران» [۱۳۶۷] ، «اژدهای در حال احتضار ایران» [۱۳۶۸] ، «گله‌های بی‌خرد» [۱۳۶۹] ، «گله‌های متجاوز» [۱۳۷۰] ، «سگهای ولگرد (امام) خمینی» [۱۳۷۱] ، «بسیجی‌های دیوانه» [۱۳۷۲] ، «چهره‌های کثیف کینه‌توز» [۱۳۷۳] ، «دار و دسته غوطه‌ور در کینه و جنایت (امام) خمینی» [۱۳۷۴] ، «جفتک قاطر در حال مرگ» [۱۳۷۵] ، «لگدکوبی سرهای پوک و

[صفحه ۳۲۲]

مشکوک ایران» [۱۳۷۶] ، «پوچ مغزهای ایرانی» [۱۳۷۷] ، «بی‌خردان و تجاوزگران پلید» [۱۳۷۸] ، «سیاه رویان عقب افتاده» [۱۳۷۹] ، «عقب افتادگان پست» [۱۳۸۰] ، «تلاشهای سرکوبگرانه، وحشیانه و اغواگرانه‌ی ایرانیها» [۱۳۸۱] ، «قفسهای اسارت ایرانیها» [۱۳۸۲] و... این تعابیر زننده و در عین حال تهییج کننده توسط رسانه‌های خبری استکبار جهانی و ارتجاع عرب نیز تحت عنوان «به نقل از اطلاعیه‌ی نظامی عراق» بیان می‌شود.

برخی از گزارشات رسانه‌های خبری استکبار جهانی حاوی عناوین زیر بودند:

«سگهای هار فارس» [۱۳۸۳] ، «چهارپایان (امام) خمینی» [۱۳۸۴] ، «آتش جهنمی توپخانه نیرومند عراقیها» [۱۳۸۵] ، «گیرافتادن متجاوزان در یک قتلگاه» [۱۳۸۶] ، «ایجاد دام آتشین برای ایرانیها» [۱۳۸۷] ، «عبور از روی کوههایی از اجساد دشمن که در حال عقب‌نشینی است» [۱۳۸۸] ، «ایجاد کوهی از اجساد ایرانیان» [۱۳۸۹] ، «عبور از روی یک کیلومتر اجساد ایرانیها» [۱۳۹۰] ، «پیوستن نیروهای مهاجم به صفوف دیگر کشته شدگان ایرانی» [۱۳۹۱] .

[صفحه ۳۲۳]

«تبدیل منطقه به گورستان ایرانیها» [۱۳۹۲] ، «خودکشی نهایی ایرانیها» [۱۳۹۳] ، «درو شدن ایرانیها» [۱۳۹۴] ، «شکار بقایای دشمن» [۱۳۹۵] ، «انهدام بقایای دشمن» [۱۳۹۶] و...

دستگاه تبلیغاتی عراق پس از ترسیم سپاهیان توحید با زشتترین و حقارت‌آمیزترین الفاظ ممکن، متقابلا سعی می‌کند به تشجیع نیروهای عراقی بپردازد تا آنان را به مقابله با رزمندگان اسلام تحریک کند. به عنوان مثال، برخی از عناوین به کار گرفته شده در اعلامیه‌های نظامی عراق برای نظامیان این رژیم را می‌آوریم:

«سرداران هلی‌کوپترها، مردان رشید زره‌پوشها و دلاوران پیاده نظام» [۱۳۹۷] ، «عقابهای قهرمان نیروی هوایی» [۱۳۹۸] ، «جزیره خارک، جایگاه بازی عقابهای عراقی» [۱۳۹۹] ، «هلی‌کوپترهای جسور» [۱۴۰۰] ، «دلاوران پیاده نظام» [۱۴۰۱] ، «قهرمان قادسیه» [۱۴۰۲] ، «واحدهای قهرمان» [۱۴۰۳] ، «قهرمانان ارتش بزرگ عراق» [۱۴۰۴] ، «مردان مأموریتهای دشوار» [۱۴۰۵] ، «مسابقه برای انجام مأموریتهای رزمی» [۱۴۰۶] ، «درو کردن موجهای پی

[صفحه ۳۲۴]

در پی دشمن» [۱۴۰۷] ، «حماسه‌ی بزرگ شگفت‌انگیز» [۱۴۰۸] ، «گلوله‌های حق عراق» [۱۴۰۹] ، «شکار موشهای ایرانی» [۱۴۱۰] ، «تجاوز به سرزمین معطر» [۱۴۱۱] ، «امواج هواپیماهای عراقی» [۱۴۱۲] و...

پیام زیر صدام، که به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد تشکیل ارتش عراق، به دنبال، ۲۴ ساعت تبلیغ و اعلام قبلی فرستنده‌های رژیم عراق به زبانهای فارسی، عربی، کردی و... این فرستنده‌ها پخش شد، نمونه بارزی از کاربرد مضامین تحقیرآمیز برای سپاهیان توحید و مضامین افتخارآفرین برای نیروهای عراقی است:

بسم الله الرحمن الرحیم

ای عراقیهای عالیقدر، ای مردم امت عربی در تمام نقاط، ای جنگجویان عراقی در تمام جبهه‌ها، ای مردان شجاع نیروهای مسلح در روز عظیم و تاریخی سالروز تأسیس ارتش رزمنده‌ی عراق، سلام و درود، عزت، شرف و پیروزی بر شما باد.

این سالروز عظیم و پراهمیت در تاریخ مملکت و کشور، هر ساله می‌درخشد، بویژه در این سالها، یعنی سالهای جنگ، برای دفاع از وطن و حمایت از عراق عزیز در برابر موج شر و کینه‌ورزی که از ایران ناشی می‌شود و برای حفظ امت عربی در مقابله با فتنه‌ای که قصد درهم پاشیدن امت را دارد و می‌خواهد امت را در اختیار طمع‌ورزان و کینه‌توزان صهیونیست‌ها و خمینیست‌ها قرار دهد.

ارتش عظیم عراق در طول تاریخ خود، موجب افتخار و شرف و قدردانی ملت بوده و قهرمانیهای شگفت‌انگیزی داشته، و قربانیان فراوانی در نبردهای

[صفحه ۳۲۵]

شرف علیه صهیونیست‌ها داده است...

دستاوردهای ما و ارتش قادسیه‌ی جدید، طمعکاران، توطئه گران، شکست خوردگان و ترسوها را که سالهای طولانی زندگی خود را بر جادوگری و دجالی مبتنی ساخته بودند و کسانی که قدرت امت و ارتشهای خود را ضایع ساخته و مردم خود را با شکست مواجه ساختند، آزرده می‌سازد.

این دستاوردها با اخلاص، صبر و قدرت تحقق یافت و در برابر این واقعیت آشکار، روز به روز بر شکست و لغزش باند جادوگران و کینه‌توزان در تهران افزوده می‌شود. با این لغزش آنها، بیش از پیش در خواب و خیال خود غرق می‌شوند. آنها علی‌رغم اطلاع از واقعیت، به دلیل انگیزه‌ی کینه‌توزی و توسعه‌طلبی خود، جنگ را به ما تحمیل کردند، اما تصور نمی‌کردند که زحمات و تلاشهایشان دستخوش امواج باد شده و بی‌نتیجه بماند.

امواج نیروی انسانی آنها یکی پی از دیگری از هم پاشیده می‌شود، آنها با تکرار این شکستها، صدای کریه خود را بالا برده، ادعای پوچ و خالی خود را که نشانه‌ی فقدان قدرت واقعی و بلکه نشانه‌ی شکست و ضعف و گریز و از هم پاشیدگی است، همچنان سر می‌دهند. این نتیجه‌ی ناکامیهای آنها در مقابل این کوه سربلند است که قادسیه آن را بنا کرد.

ارتش عظیم عراق و دستاوردهای عظیم ملت عراق.

ای برادران، من در سال گذشته در چنین روزی به همین مناسبت از روی وفاداری و اخلاص سخن گفتم و به باند جادوگران و دجالان اخطار کردم که از ادامه‌ی عناد و جنگ، بویژه بعد از آنکه با حوادث جنگهای ماه فوریه سال ۱۹۸۴ مواجه شدند، بپرهیزند. به آنها گفتم که تکرار تجاوز برای آنها ثمری بیش از ویرانی و نتایج گذشته به همراه نخواهد داشت، ولی این باند شرور، سرهای پوک خود را از خیالات و اوهام پر کرده بودند و نصایح مرا نشنیده گرفتند و صلح عادلانه‌ای را که ما برای جلوگیری از خونریزی و حفظ منافع دو کشور همسایه و حفظ امنیت و ثبات در منطقه پیشنهاد داده بودیم، نپذیرفتند. با این حال این کشور بار دیگر مانند سالهای گذشته دست به «ریسک تجاوز به عراق» زد و این مسأله در سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاد.در این ریسک، آنها تمام امکانات

[صفحه ۳۲۶]

تسلیحاتی خود و تمام خدعه و مکر خود را به کار بردند، ولی با کوه آتشینی که عراقیها آن را ایجاد کرده بودند مواجه شدند و این کوه بر سر تجاوزگران خراب و به فاجعه هولناک دیگری برای آنها تبدیل شد. بعد از این درس، که آنها مستحق آن بودند، بار دیگر پیشنهاد صلح دادیم، ولی این باند غرق در لجن و باتلاق تبهکاری و جنایت و شکست و خیالبافی، نتوانست از کینه‌ها و شر خود و خیالات پوچ خود دست بکشد و همچنان مصرانه بر طبل جنگ می‌کوبید، و سخنان باطل و بی‌ارزش خود را همچنان تکرار می‌کرد.

در این روزها، باند دجالها و اشرار به تمام شهرها و روستاهای ایران می‌رفتند و با زور و جادوی آشکار، افراد جدیدی را از میان مردم محروم و ضعیف برای اعزام به قبرستان مرگ در جبهه پایدار عراق جمع‌آوری می‌کردند.

آنها قبل از هر ریسک، صدای ناامید کننده و ادعاهای پوچ خود را مانند همه‌ی دجالها و جادوگران بالا می‌برند.

همانطور که در سال گذشته به آنها گفتم، امروز هم می‌گویم که ما سر و صدای شما را نشانه‌ی یک شکست عمیق و بارز شما

تلقی می‌کنیم و همانطور که ریسک سال گذشته‌ی شما، با شکست مواجه شد، بازوان آهنین عراقیها در انتظار شما است تا بار دیگر طعم شکست را به شما بچشاند و سرهای پوچ و خالی شما را لگدمال کند و آبهای هور و بقیه‌ی جبهه‌ها را به گور دسته‌جمعی سربازان متجاوز شما تبدیل کند...

همانطور که قبلا نیز به آنها گفته‌ایم، امروز بار دیگر می‌گوییم و تأکید می‌کنیم چنانچه تصور می‌کنند روشی که در پیش گرفته‌اند، دستاوردی برای آنها دربر دارد، اشتباه می‌کنند.

طولانی کردن این جنگ، برای آنان جز خسارات و ویرانیهای بیشتر ثمری ندارد. اگر کسانی هستند که برای آنها این فکر را ایجاد کرده‌اند که عنادورزی پوچ آنها بهره‌ای برایشان خواهد داشت، یا مانند اینها نادانند و یا گروههای مشکوکی هستند که از آنها برای تحقق اهداف خاص خود بهره می‌گیرند.

قدرت نظامی عراق رو به تزاید است. ایمان و اعتقاد مردم عراق به حق

[صفحه ۳۲۷]

عادلانه‌ی آنها، با ادامه‌ی جنگ و با گذشت زمان بیشتر شده است و امکان ندارد ایران با هر اقدامی که بدان دست بزند به آرمانهای عراق لطمه بزند.

نوسانات اقتصاد عراق بر اصول سالم استوار است و گامهای رشد در اقتصاد عراق رو به بهبود است، در حالی که ایران با اقتصاد جنگی، زندگی «بخور و نمیری» را می‌گذراند و بحران اقتصادی و اجتماعی آن کشور هر روز پیچیده‌تر می‌شود. تمام کشورهای جهان با عراق به عنوان یک کشور قوی و با ثبات و قدرتمند رابطه دارند و حتی آینده‌ی خوبی را برای عراق قایلند، در حالی که با ایران فقط در زمینه‌ی خرید و فروش، مراودات کوتاه‌مدت دارند.

روابط سیاسی عراق با کشورهای جهان نیز در مقایسه با روابط ایران با سایر کشورها همین تفاوت را نشان می‌دهد، در حالی که روابط دوستانه‌ی بین‌المللی عراق بر اساس اصول و پایه‌های محکم و درازمدت و بر اساس ثبات و قدرت عراق افزایش پیدا می‌کند، ایران بجز دوستیهای مشکوک و روابط مضطربانه و سست و قراردادهای فرصت‌طلبانه و موسمی چیزی ندارد.

کشورهای محترم در جهان روشهای غیرصادقانه و «بازی بر روی طناب» را که جادوگران در ایران از آن پیروی می‌کنند، نمی‌پذیرند و بدین ترتیب، عراق بعد از شش سال مقابله در تمام جبهه‌ها پیشروی داشته، ولی اوضاع ایران روز به روز وخیمتر شده است.

این احمقها روی چه مسأله‌ای با ما شرط بندی می‌کنند؟ آیا اینها می‌توانند روی زمان با ما شرط بندی کنند؟ آیا تجربه‌ی ۶ سال گذشته به آنها ثابت کرد که زمان برای آنها مفید است؟ آیا این شش سال ثمری برای آنها داشته است؟

شجاعت سربازان عراقی و قدرت و صبر زنان و مردان عراقی در تمام صحنه‌های زندگی، زمان را عامل قدرت و پیشرفت برای آنها ساخته است، ولی در ایران، گذشت زمان، گودالی ساخته که رژیم آن کشور را روز به روز بیشتر در خود فرو می‌برد.

دعوت ما به صلح عادلانه از درک درست ما از این واقعیت که ما برای خون مردم ارزش قایلیم و خواستار ادامه‌ی ثبات در منطقه هستیم و برای آینده‌ی ملل منطقه و حتی ملل ایران اهمیت قایلیم، سرچشمه می‌گیرد.

[صفحه ۳۲۸]

زنان و مردان عراق! دستاوردهای شگفت‌انگیز شما در جبهه و پایداری در مقابل تجاوز و در صحنه‌ی بنیانگذاری و تمدن، مورد شگفتی امت و قدردانی جهانیان واقع شده و اینها همه ثمره‌ی شجاعت و قدرت و صبری است که مردان دلیر عراقی در این نبرد درازمدت و شریف از خود نشان داده‌اند.

نبردی که مانند پرچم افراشته‌ای در تاریخ عظیم عراق و در تاریخ امت و در میان حوادث زمان حاضر است و نشانه‌ی صبر زنان و مردان عراقی همیشه پایدار است...» [۱۴۱۳] .

آنچه تاکنون بدان اشاره شد، تنها قسمتی از غوغاسالاری تبلیغاتی رژیم عراق هست، این رژیم از فیلم، شعر، تئاتر، موسیقی و... هم در جهت ایجاد جو تهییج و تحریک کور مردم و نظامیانش سود می‌جوید. به عنوان مثال پس از شکست سنگین و مهلک فاو، دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در راستای غوغاسالاری تبلیغاتی خویش در رادیو تلویزیون عراق به تبلیغات زیر متوسل شد:

- «استفاده از آهنگهای دسته‌جمعی با مشارکت عده کثیری از هنرمندان تئاتر، چهره‌های معروف سریالها و خوانندگان مشهور زن و مرد؛

- مصاحبه با سربازان و افسران عراقی مبنی بر چگونگی جلوگیری از نفوذ رزمندگان اسلام و عقب راندن آنها؛

- راه انداختن ایستگاههای غذا و چای در خطوط پشت جبهه با مشارکت زنان و دیدار زنان با سربازان؛

- خواندن شعر توسط بعضی از شعرا و خوانندگان زن و مرد با لباس محلی؛

- مصاحبه با برخی از شخصیتهای کشورهای عربی و سران جنبشهای موافق با عراق؛

- نشان دادن صحنه‌هایی از جنگ با شلیک توپ، تانک، هلی‌کوپتر، موشک و...؛

- نشان دادن شهدای رزمندگان اسلام از زوایای مختلف با هدف اثبات پیروزی عراق و شکست رزمندگان اسلام؛

- خواندن مقاله‌ی روزنامه‌های سایر کشورهای عربی در تلویزیون؛

[صفحه ۳۲۹]

- مصاحبه با مردم عادی کوچه و بازار بصره و سلیمانیه به منظور نمایش جریان عادی زندگی در بصره و سلیمانیه؛

- نمایش اهدای طلا از سوی مردم و شیوخ کویت برای کمک به جبهه‌های جنگ؛

- مصاحبه با سربازان و افسران در جبهه «ام الرصاص» و شنیدن توضیحات آنها مبنی بر اینکه تعدادی از رزمندگان اسلام را به شهادت رسانده‌اند؛

- نمایش سریال تلویزیونی نعمان - اسیر عربی که در زمان پادشاهی ساسانی اسیر شده بود - به منظور مطرح کردن ظلم عجم بر عرب و اثبات تضاد فارسها و عربها در طول تاریخ؛

- پخش فیلمهای جنگی که حاوی مضمون بیرون راندن اشغالگران از سرزمینهای اشغال شده است...» [۱۴۱۴] .

تحمیق، تهدید و تطمیع عناصر اساسی دیگری در تبلیغات رژیم عراق بوده‌اند که در جهت حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش بعثی عراق به کار گرفته می‌شوند.

دستگاه تبلیغاتی عراق در روند تحمیق مردم این کشور، با توسل به روشهای توجیه، تحریف، دروغگویی، فریبکاری، برخورد مبهم با رخدادها، مغالطه، تهمت، تمسخر، بزرگ نمایی، کوچک نمایی، و... می‌کوشد روحیه‌ی متزلزل مردم و نظامیان عراق را حفظ کند.

تبلیغات عراق با پیش گرفتن سیاست توجیه، نه تنها از شکستهای خود پیروزی می‌سازند، بلکه تمامی اقدامات ضدبشری خویش را

نیز در هاله‌ای از طهارت و قداست نشان می‌دهد. به عنوان مثال، پس از شکست فاو توجیهاتی نظیر اینکه «شهر فاو در گذشته از شهرهای ایران بوده است، بنابراین نیروهای ایرانی در حمله به فاو کار مهمی انجام نداده‌اند» [۱۴۱۵] یا «فاو جز نیروی کوچکی جهت نگهبانی چیز دیگری وجود نداشت.» [۱۴۱۶] یا «حمله به فاو با کمک و نقشه‌ی افسران رژیم صهیونیستی انجام پذیرفت» [۱۴۱۷] و یا «در حمله‌ی

[صفحه ۳۳۰]

فاو یک تیم ۲۶ نفره از کره‌ی شمالی دفاع ضدهوایی چینی ایران را اداره می‌کردند» [۱۴۱۸] ، از سوی دستگاه تبلیغاتی عراق تکرار می‌شود. در کنار توجیهاتی مانند «عراق برای پاتک زرهی خویش، منتظر خشک شدن زمینهای فاو است» [۱۴۱۹] یا «با ماندن ایرانیها در فاو، دست عراق برای گذشتن از مرزها جهت تعقیب ارتش متجاوز ایران باز می‌ماند» [۱۴۲۰] ، فرماندهان عراقی اظهار می‌کنند که هدف آنها از عدم باز پس گیری فاو این است که «فاو تا حد ممکن سربازان ایرانی را ببلعد» [۱۴۲۱] .

دستگاه تبلیغاتی عراق برای زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی توسط این رژیم هم توجیهات مختلف دارد: گاهی هدف از «بمباران شهرها» [۱۴۲۲] را «از بین بردن اهداف اقتصادی ایرانی» [۱۴۲۳] و «انهدام نیروهای ایرانی» [۱۴۲۴] و گاهی «تشدید جنگ و تهاجم به مناطق مسکونی» را به علت «جلب توجه جامعه بین‌المللی به جنگ ایران و عراق» [۱۴۲۵] می داند و گاهی فراتر از همه اینها اعلام می‌کند: «عراق هیچگاه مناطقی را که مطابق تعریف دقیق قانون بین‌المللی، مناطق مسکونی هدف نامیده شده‌اند، مورد هدف قرار نداده است» [۱۴۲۶] .

پس از به کارگیری سلاحهای شیمیایی توسط عراق نیز از سوی رسانه‌های خبری غرب انبوهی از توجیهات برای تطهیر این رژیم به کار گرفته می‌شود. برای مثال، بی.بی.سی به نقل از مقامات عراقی اظهار می‌کند: «ایران که اطفال را به جبهه‌های جنگ می‌فرستد، ترسی از این ندارد که به نیروهای خود مواد شیمیایی بزنند تا از آنها استفاده

[صفحه ۳۳۱]

تبلیغاتی کند» [۱۴۲۷] در موارد دیگری رسانه‌های غربی با تأکید بر اینکه «عراق از سلاح شیمیایی صرفا جهت تضعیف روحیه‌ی ایرانیها استفاده می‌کند» [۱۴۲۸] یا «عراق در دفاع از خود به ناچار از تمامی امکاناتش استفاده می‌کند» [۱۴۲۹] و یا «مقایسه‌ی میزان غیرانسانی بودن اعزام کودکان به جبهه‌ها و به کارگیری سلاحهای شیمیایی» [۱۴۳۰] می‌کوشند از عراق در توجیهاتی که به افکار عمومی جامعه خود ارائه کرده است، حمایت کنند.

تحریف رخدادها و وقایع، روش دیگری بود که دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق جهت تحمیق بیشتر مردمش بدان تمسک می‌جست. صدام در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌نگاران عربستان دارد، در تلاش برای تحریف مقصد والای حضرت امام مبنی بر آزادی حرمین شریفین از چنگال آل‌سعود، چنین می‌گوید:

«ایرانیها می‌گویند مکه باید همانند واتیکان اداره شود، این شعار ایرانیها است. انگیزه‌ی آنها از این شعار، تحقق شعار صهیونیست‌هاست. چون اگر مکه از سرزمین عربها گرفته شود و به واتیکان جدیدی مبدل شود، صهیونیست‌ها نیز خواهند توانست قدس را از فلسطین جدا کنند و مبارزه‌ی عربها را برای باز ستاندن قدس، سرکوب کنند و خدای ناکرده اگر خواسته (امام) خمینی برای بین‌المللی کردن مکه تحقق یابد، صهیونیست‌ها نیز به ما خواهند گفت: مادامی که مکه از سلطه عربها خارج شده، پس چرا

قـدس از چنـگ شـما خـارج نشود. پس می‌توان گفت که شـعار آنها برای اداره‌ی مسـتقل مکه برخلاف مصالـح و منافع امت عرب است. اگر قـدس از سـلطه عربهـا خـارج شـود، مسـأله‌ی فلسـطین ارزش معنـوی و مـذهبی و تـاریخی خـود را از دست خواهـد داد و مسلمانان برای آزادی قدس مبارزه نخواهند کرد» [۱۴۳۱] .

صدام در مصاحبه‌ی دیگری با این تهمت که ایرانیها درصدد ترساندن مردم از

[صفحه ۳۳۲]

خودشـان هسـتند، می‌گویـد: «ایرانیهـا در تلاشـند تا همه از آنها بترسـند، در حالی که ترس آدمها تنها بایـد از خـدا باشـد و ترس از سایرین انحراف است» [۱۴۳۲] دسـتگاه تبلیغاتی عراق درگیر و دار شـکست مهلک کربلای ۵، اعلام می‌کنـد: «نیروهای ایرانی، که متحمل خسارات بسیار سـنگینی شده‌انـد، درصـدد چاره‌جویی برای رهایی از تنگنای کشـنده خود هسـتند» [۱۴۳۳] عراق - کـه در جریان عملیات کربلای ۵ برای انحراف اذهان افکار عمومی مردم عراق دوباره جنگ شهرها را آغاز کرده بود - ضمن انتساب آغاز حملات موشـکی به ایران، اعلـام می‌کنـد: «حمله‌ی موشـکی به بغـداد، پاسـخ ایران به پیروزیهـای عراق در جبهه‌های جنوب است» [۱۴۳۴] .

بخش فارسی رادیو بغداد در تفسیری درباره‌ی «آموزش نظامی در مدارس ایران» می‌گوید:

«اکنون سـردمداران رژیم (امام) خمینی درصدد برآمده‌اند به جای درس علم و صـنعت، درس آدمکشـی و به کارگیری سلاح را به دانش‌آموزان بیاموزند تا بتوانند آنها را یکسره از دبستان و دبیرستان روانه، میدانهای نبرد کنند» [۱۴۳۵] .

دستگاه تبلیغاتی عراق هنگام واقع شدن این رژیم در تنگنا، از دروغ برای حفظ روحیه مردم و نظامیان عراقی بهره می‌گیرد. به عنوان مثال، پس از سـقوط فاو، لطیف نظیف جاسم وزیر اطلاعات عراق «سقوط فاو به دست نیروهای ایرانی را تکذیب می‌کند» [۱۴۳۶] ، و چنـد روز بعـد دوباره ماهر عبدالرشـید فرمانـده سپاه سوم عراق، اعلام می‌کنـد که «نیروهای عراقی ایرانیان را از شـبه جزیره‌ی فاو بیرون کرده‌انـد و حتی یـک ایرانی نتوانسـته است از مهلکه جـان سالم به در ببرد» [۱۴۳۷] ، و مردم بصـره نیز در پی قطع برنامه‌هـای عادی رادیو تلویزیون و اعلام دفع حمله‌ی ایرانیها «به خیابانها ریخته و به رقص و

[صفحه ۳۳۳]

پایکوبی و شلیک هوایی می‌پردازند» [۱۴۳۸] .

رسانه‌های خبری غرب هم در یک همراهی آشکار با دروغ پردازیهای تبلیغات عراق، با نشر اخباری کذب به یاری عراق می‌شتابند. برای مثال، یک هفته پس از سـقوط فاو اعلام می‌کننـد: «منابعی که به عکسـهای ماهواره‌ای دسترسـی دارنـد خاطرنشان کرده‌اند که هیچیک از طرفین درگیر، پیروزی قطعی به دست نیاورده‌اند» [۱۴۳۹] .

در جریـان عملیات کربلای ۵ هم انبوه اخبـار کـذب رسانه‌های خبری عراق به کمک این رژیم می‌شـتابد تا از سـقوط روانی مردم و ارتش عراق در جریـان عملیات بزرگ ایران جلوگیری شود. با شـروع این عملیات، عراق «مبادرت به پخش مارش پیروزی در رادیو تلویزیـون خویش می‌پردازد» [۱۴۴۰] و در روز نخست عملیـات اعلـام می‌کنـد «تمـامی سـربازان دشـمن که در تلاش برای نفوذ به خطوط عراق برآمده بودند، کشـته و اسیر گردیده و یا فراری شده‌اند» [۱۴۴۱] دو روز بعـد، رسانه‌های خبری عراق اعلام می‌کنند: «دشـمن در محاصـره قرار گرفته است و فقـط یکی از دو راه تسـلیم و یـا نابودی کامل را در پیش رو دارد» [۱۴۴۲] در نهایت همین

مضمون تبلیغاتی، تا انتهای عملیات بزرگ کربلای ۵ تکرار می‌شود که: «نیروهای محاصره شده‌ی ایرانی می‌روند که با یک شکست نهایی روبرو شوند» [۱۴۴۳] .

رسانه‌های خبری ارتجاع عرب و استکبار جهانی نیز همچون گذشته به یاری عراق می‌شتابند و گاه اعلام می‌کنند: «منابعی که به عکسهای ماهواره‌ای دسترسی دارند معتقدند عراق بر اوضاع جنگ مسلط شده است» [۱۴۴۴] و گاهی می‌گویند: «حمله‌ی ایران به پایان رسیده و ایرانیان در دام عراق گیر افتاده‌اند» [۱۴۴۵] و پس از بیان این مطلب که «ایران نسبت به شکست

[صفحه ۳۳۴]

خود در شرق بصره، اعتراف کرد» [۱۴۴۶] ، «پیروزی چشمگیر عراق در عملیات شرق بصره را به این کشور تبریک می‌گویند» [۱۴۴۷] .

دستگاه تبلیغاتی عراق در مسأله‌ی به کارگیری سلاحهای شیمیایی علیه نظامیان ایران هم به دروغ متوسل می‌شود و «خبرنگاران را به دیدار کارخانه‌ای که مظنون به تولید بمب شیمیایی است می‌برد تا نشان دهد کار آن کارخانه، تنها تولید کود شیمیایی است» [۱۴۴۸] ، یا از قول «ژنرال ماهر عبدالرشید» و «مقامات رده‌ی پایین‌تر عراقی»، به کارگیری سلاحهای شیمیایی را زشت و پلید می‌شمارد و «به کارگیری آن توسط عراق را تکذیب می‌کند» [۱۴۴۹] .

دستگاه تبلیغاتی عراق با سودجویی از روشهای روان شناسانه، سعی می‌کند دروغهایش را به شکل هر چه مقبولتر ارائه دهد. برای مثال برای موجه نشان دادن اخبار کذبش در خصوص تعداد شهدا و مجروحین جمهوری اسلامی، اینگونه اعلام می‌کند که: «منابع ویژه‌ای برای شمارش کشته‌های دشمن تشکیل شده‌اند و گزارش این منابع به قرار زیر است...» [۱۴۵۰] .

فریبکاری روش دیگری است که تبلیغات عراق در تحمیق مردم این کشور به منظور حفظ روحیه‌ی مقاومت آنها به کار می‌گیرد. به عنوان مثال، در حالی که فاو سقوط کرده و انتظار سقوط روانی ارتش عراق می‌رود؛ ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه سوم عراق، طی تلگرافی خطاب به صدام اظهار می‌کند: «نیروهایش آماده‌اند که به طرف خرمشهر پیشروی کنند» [۱۴۵۱] و اطلاعیه‌ی نظامی عراق اعلام می‌کند: «پس از تهاجم عراق به جزایر مجنون این کشور موفق به باز پس گیری بیش از ۹۰ درصد جزایر مجنون شده است» [۱۴۵۲] به این ترتیب، فقط با چند ترفند روانی، مردم و ارتش عراق روحیه‌ی خود را باز می‌یابند و سقوط فاو در نظرشان بی‌اهمیت جلوه‌گر می‌شود. در عملیات کربلای ۵ هم

[صفحه ۳۳۵]

انتشار اخباری مبنی بر پیروزیهای صوری عراق، و یا ارائه اخبار شکستهای عراق، که با برخی از پیروزیهای کوچک وی، که با بزرگنمایی ارائه می‌شدند، توأم شده بود؛ توجه مردم عراق را از شکستهای عمده‌ی این رژیم منحرف می‌کردند و به دنبال این مسأله مردم و ارتش عراق روحیه‌ی خود را کمتر از حد معمول از دست دادند.

با آغاز عملیات کربلای ۵، عراق، جنگ شهرها و یا به تعبیر خودش «مرحله اول انهدام شهرهای ایران را آغاز می‌کند» [۱۴۵۳] و در چند روز نخست این عملیات، «۲۵ شهر ایران را بمباران می‌کند» [۱۴۵۴] بعلاوه عراق پس از بمباران تهران اعلام می‌کند: «هواپیماهای عراق مقارن ساعت ۳۵ / ۱۲ دقیقه به وقت تهران مقر آیت‌الله روح‌الله خمینی در تهران را بمباران کردند» [۱۴۵۵] .

انتشار اخبار دیگری مانند «زدن کشتی ایران» [۱۴۵۶] یا انهدام پایگاههای موشکهای زمین به هوای ایران هم در همین راستا توجیه

می‌شوند. رادیو اسرائیل در یکی از برنامه‌های خبری خود می گوید:
«عراق اعلام داشت که بمب‌افکنهای آن کشور، بامداد امروز چهار دستگاه پرتاب موشکهای زمین به هوا از نوع هاک را ویران کردند، ولی درباره‌ی محل استقرار این دستگاهها توضیحی نداد. از هنگام آغاز عملیات معروف به کربلای ۵، این چندمین بار است که عراق اعلام می کند پایگاههای موشکی ایران را درهم کوفته است» [۱۴۵۷] .
گاهی عراق اعلام می کند: «ایرانیها برای تصرف ده کیلومتر مربع از خاک عراق دوازده لشکر کامل خود را فدا کرده‌اند» [۱۴۵۸] و یا در راستای حمایت روانی از عراق، رسانه‌های خبری استکبار جهانی اعلام می کنند: «ایرانیها موفق به عبور از شطالعرب شده‌اند، ولی یک خبرنگار عراقی که از صحنه‌های جنگ گزارش می‌دهد: اظهار داشته

[صفحه ۳۳۶]

است کوهی از اجساد ایرانیان در منطقه عملیاتی به وجود آمده است» [۱۴۵۹] .
برخورد مبهم با رخدادهای جنگ و نشر اخبار نسبتا مبهم، ترفند تبلیغاتی دیگری است که عراق برای حفظ روحیه مردم و نظامیان خویش بوفور از آن سود می‌جوید. برای مثال تا چند روز پس از سقوط فاو رسانه‌های خبری جهان با نشر اخبار مبهمی مانند «اگر شهر فاو به تصرف نیروهای ایرانی درآمده باشد، ضربه‌ی شدیدی بر روحیه‌ی نیروهای عراقی خواهد بود» [۱۴۶۰] و... سعی می کنند فرصتی برای عراقی فراهم آورند تا شاید از طرفی، عراق موفق به باز پس گیری فاو شود و در این وضعیت از تبلیغات ایران علیه خود او سود بجوید، و از طرف دیگر در صورتی که عراق موفق به باز پس گیری فاو نشود، شکست فاو به شکلی تدریجی و تحریف شده به مردم عراق اطلاع داده شود و به این ترتیب احتمال سقوط ناگهانی روحیه‌ی ارتش عراق به حداقل برسد.
پس از گذشت قریب به یک هفته از فتح فاو، یکی از فرماندهان نظامی سپاه هفتم عراق، ضمن مصاحبه‌ای می گوید: «حجم تلفات دشمن از بدو شروع نبرد تاکنون از حد متعارف گذشته است و نیروهای دلیر ما چندین لشکر ایرانی را سرکوب و تمامی نیروهای پشتیبانی دشمن را نابود کرده‌اند» [۱۴۶۱] ، و ماهر عبدالرشید، فرمانده یکی از سپاههای عراق در مصاحبه دیگری می گوید: «سربازان تحت فرماندهی وی پیشرفت زیادی به سمت شهر فاو داشته‌اند» [۱۴۶۲] چند روز بعد، پس از تحکیم مواضع سپاهیان اسلام در فاو، بخش فارسی رادیو بغداد اعلام کند: «عراق اکنون مرحله‌ی تصفیه‌ی دشمن و انهدام فراگیر نیروهایش را آغاز کرده است» [۱۴۶۳] و یونایتدپرس از بغداد به شکل مبهمی گزارش می‌دهد: «نیروهای عراقی موفق شدند در جریان درگیریهای تازه در فاو، اراضی استراتژیکی مهم تازه‌ای را آزاد سازند» [۱۴۶۴] خبرگزاری خلیج نیز به نقل از اطلاعیه‌ی نظامی عراق، با ابهام گزارش می‌دهد «نبرد در بخش عملیاتی سپاه هفتم، امروز شاهد تحولی به نفع نیروهای عراقی بود که

[صفحه ۳۳۷]

بزودی نتایج آن آشکار خواهد شد» [۱۴۶۵] انتشار اخبار مهم سبب می‌شود عدم اطلاع درست مردم و ارتش عراق از واقعیات، به دلخوشی صوری آنها بینجامد و مانع از دست رفتن و روحیه‌ی آنها شود.
گاهی ملاحظه می‌شود که دستگاه تبلیغاتی عراق «در اصل شروع عملیات ایران را در اطلاعیه نظامی خود گزارش نمی‌دهد» [۱۴۶۶] و به این ترتیب، مردم عراق به سبب دوری از واقعیات، دچار خلجان خاطر و رعب بیشتر نمی‌شوند.
در ترفند دیگری رسانه‌های تبلیغاتی عراق می کوشند با مغالطات مختلف، به تحمیق مردم و ارتش عراق بپردازند و انگیزه‌ی مقاومت

و ادامه‌ی نبرد را در آنها تقویت کنند. به عنوان مثال، رئیس رژیم بعثی عراق، در یکی از سخنرانیهای خود با توسل به مغالطه بیان می‌کند که حضرت امام خمینی باید از افرادی چون او اسلام را بیاموزد! وی در سخنرانی خود هنگام اعطای مدال، می‌گوید:

«اعراب کادرهای اسلام و تمامی ادیان آسمانی هستند و با تصریح خداوند، پیامبران عربند. کتابهای آسمانی در سرزمین اعراب نازل می‌شود و اعراب مکلف به تبلیغ ادیان به مردم می‌شوند کار (امام) خمینی همانند کار کسی است که خرما به شهر خرماخیز حمل می‌کند. بر (امام) خمینی است که دین را از اعراب یاد بگیرد ما این مسأله را بصراحت بیان می‌کنیم و در این سخن خود نمی‌خواهیم به (امام) خمینی فخر بفروشیم، بلکه ما به تمامی انسانها احترام می‌گذاریم، بجز در حالت بدرفتاری آن انسان. ما همچنین قصد بزرگ منشی بر اعراب را نداریم، ولی ما می‌دانیم که در قرآن کریم کسی جوهر دین را نخواهد شناخت مگر اینکه زبان عربی را به طور کامل یاد بگیرد و صمیمانه با روح عربی و تاریخ و انسانیت عربی بجوشد. (امام) خمینی عربی را نمی‌فهمد و زبان عربی را تکلم نمی‌کند و از دو حال خارج نیست یا اینکه عربی را می‌داند و بدان سخن نمی‌گوید که در این صورت از سخن گفتن به زبان قرآن تکبر می‌کند و یا اینکه زبان عربی را نمی‌فهمد که در این حالت صلاحیت صادر

[صفحه ۳۳۸]

کردن فتوای دینی را ندارد، چون کسی که فتوا صادر می‌کند باید احکام قرآن را بخوبی بداند.

(امام) خمینی برای اینکه عربی را نمی‌فهمد، صلاحیت روحانی بودن را نیز ندارد. این مسأله به بقیه‌ی روحانیون ایرانی نیز سرایت می‌کند. (امام) خمینی با وجود اینکه ۱۴ سال در عراق بوده است، زبان عربی را بخوبی یاد نگرفته است، بنابراین از اعراب نفرت دارد و با آنها از لحاظ انسانی و روحی و فکری و زبانی سازگاری ندارد» [۱۴۶۷] .

در مغالطه‌ی دیگری صدام می‌گوید:

«(امام) خمینی در نامه‌ی اخیرش بعد از حوادث مکه، ذات خویش را نشان داد که گفت: باید مکه را از دست سعودیها آزاد سازیم، ولی منظور او این نیست، بلکه مقصودش درآوردن مکه از دست مسلمانان است تا مناسک جدیدی را اقامه و آن را در حج داخل کند و به عنوان یک دین مستقل از دین اسلامی، در طول سالها متمایز گردد» [۱۴۶۸] .

زدن تهمتهای مختلف و به تمسخر گرفتن جمهوری اسلامی، تلاش دیگری است که توسط رسانه‌های خبری عراق صورت می‌گیرد. برای مثال، صدام در یکی از سخنرانیهایش می‌گوید:

«ایرانیها حتی برای زیارت پیامبر و اصحاب او سلاح حمل می‌کنند. اینها حتی در این مکان مسلح هستند... این چه حج و چه اسلامی است که (امام) خمینی می‌خواهد این ماههای حرام را به ماههای حمل خنجر و کارد مبدل کند؟» [۱۴۶۹] .

در جای دیگری رئیس رژیم بعثی عراق، خطاب به حضرت امام خمینی می‌گوید:

«اگر (امام) خمینی خواندن و نوشتن می‌دانست به او می‌گفتم...» [۱۴۷۰] .

او درباره‌ی بسیجیان، می‌گوید:

[صفحه ۳۳۹]

«برخی از یاران (امام) خمینی پارچه‌هایی به رنگهای سبز و قرمز بر پیشانی خود می‌بندند، البته ما این را در فیلمهای خودشان دیده‌ایم که گروههای پنج و شش نفره در گوشه‌ای از جبهه‌ها نشسته‌اند و پنج، شش توپ پارچه بر زمین گذاشته و به رهگذرانی

که از مقابل آنها گـذر می‌کننـد، تکه پارچه‌ای می‌دهنـد و می‌گوینـد: این را بر پیشانی ببنـد تا عراقیها نتواننـد ترا هدف قرار دهند و چنانچه کشته شدی، مستقیم به بهشت خواهی رفت.

آیـا انسـان بـا همیـن تکـه پـارچه به بهشت می‌رود؟ (امـام) خمینی به افرادی اختیـار داده است به پیشـانی هزاران و میلیونهـا نفر تکه پارچه‌ای از این قبیل ببندند و به آنها بشارت بهشت بدهند، ولی عراقیها آنها را به جهنم می‌فرستند.

به یقین بدانید که با این تکه پارچه سبز و سرخ هیچکس به بهشت نخواهد رفت» [۱۴۷۱] .

نظیر حمـدون، سـفیر عراق در امریکا در همین راسـتا، ضـمن مصاحبه‌ای با رادیو امریکا می‌گوید: «عراق خود قربانی تروریسم ایران شده است» [۱۴۷۲] «زدن تهمت، به تمسـخر گرفتن و تحقیر نیروهـای ایرانی به انحـای مختلف توسـط دسـتگاه تبلیغاتی عراق پخش می‌شود» [۱۴۷۳] .

بزرگنمـایی دسـتاوردها و رخـدادها در جهت منـافع نظـام بعثی عراق، و کوچـک نمایی دسـتاوردها و رخـدادهای مخالف منافع این نظـام، ترفنـدهای دیگر تبلیغـاتی عراقی است. به عنوان مثال، عراق پس از تصـرف مهران و چنـد روسـتای اطراف آن اعلام می‌کنـد: «شـهرهای مهران، رستم‌آباد، هرمزآباد، فخرآباد، بهین، بروزان، منصورآباد و فیروزآباد را به تصرف خویش درآورده است» [۱۴۷۴] و یـا عراق در ترسـیم تلفـات سه سـال اول جنگ ایران «از ۳۰۰ هزار کشـته (شـهید) و خسارتهای نظامی ۷۹۶ هواپیما، ۳۸۶۶ تانک، ۱۸۶۶ نفربر، ۵۴۷۸ خودرو، ۲۰۲۴ توپ، ۷۹۰ بولدوزر، ۱۹۶۳ انبار مهمات و...

[صفحه ۳۴۰]

یاد می‌کند» [۱۴۷۵] .

دستگاه تبلیغاتی عراق در عملیات کربلای ۴ از «۹۰ هزار کشته‌ی (شهید) ایران» [۱۴۷۶] و در جای دیگر از «۱۲۵ هزار کشته (شهید) ایران» [۱۴۷۷] سـخن می‌گوید. چند ماه بعد، صدام در یکی از سـخنرانیهایش ضمن به تمسخر گرفتن مسئولان جمهوری اسلامی در خصوص اعلام آمار شهدای این عملیات می‌گوید:

«یـک وقت در عملیات تاج‌المعارک یکی از مسئولان ایرانی اظهار داشت ما ۵۰ تـا از دست دادیم، ولی اشاره نکرد که چه چیزی؟ ولی ما طبق آماری که مسـئولان نظامی داده‌انـد گفتیم که ۵۰ هزار، ولی آنچـه در برابر جهـان قرار داشت ۵۰ تلفـات بود، یعنی رقم تلفات را از ۵۰ هزار به ۵۰ رسانـده بودنـد و مـا نمی‌توانیم با چنین دروغهایی نه در تبلیغات و نه در جای دیگری برخورد کنیم. زیرا می‌خواهیـد چه بگویید؟ آنها می‌گویند ۵۰ تـا و شـما پیش خود رقم ۵۰ هزار و یـا ۴۰ هزار را داریـد، حال چطور می‌توانیـد به آنها پاسخ دهید؟» [۱۴۷۸] .

مشابه همین بزرگنماییهای حیرت‌آور در عملیات حساس کربلای ۵ نیز از سوی دستگاه تبلیغاتی عراق به چشم می‌خورد. عراق آمار شهدای ایران را در ۵ روز نخست عملیات «۶۰ هزار نفر» [۱۴۷۹] اعلام کرد. در اواسط عملیات کربلای ۵، عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق از آمـار «۸۰ هزار کشـته (شهید) و ۲۰۰ هزار زخمی ایرانی» [۱۴۸۰] سـخن می‌گویـد و الثوره گزارش می‌دهد که طی سه ماه آخر سال ۶۵ «ایران ۲۵۰ هزار کشته (شهید) داشته و ۴۰ لشکر آن منهدم شده است» [۱۴۸۱] بعکس عراق برای حفظ روحیه‌ی مردم و نظامیـانش، پیروزیهـای ایران را بـا کوچـک نمـایی بسـیار زیـادی به افکـار عمومی جامعه‌اش ارائه می‌کنـد. به عنوان مثال، پس از سقوط فاو، عبدالجبار محسن، سرپرست اداره‌ی توجیه

[صفحه ۳۴۱]

سیاسی عراق گوید: «عراق در ضد حمله‌ی سه جانبه‌ای که داشت موفق شد ۹۰ درصد اراضی جزیره فاو را باز پس بگیرد و ایرانیها فقط کنترل ۹۰ کیلومتر مربع از شبه جزیره را در اختیار دارند» [۱۴۸۲] یا صدام اعلام می‌کند: «هدف ایران در جریان حمله‌ی به فاو، گرفتن ام‌القصر و بصره بود که ایرانیها نتوانستند به اهداف خویش دست پیدا کنند» [۱۴۸۳] به تبع آنها رسانه‌های خبری جهان از اینکه فاو «خطه‌ای لم یزرع» [۱۴۸۴] یا «بندری متروک» [۱۴۸۵] است و یا اینکه «تسخیر فاو تنها یک پیروزی محدود بوده» [۱۴۸۶] و «از نظر نظامی اهمیت چشمگیری ندارد» [۱۴۸۷] سخن می‌گویند. موارد دیگری نیز هست که عراق پیروزیهای ایران را «بسیار کوچک» [۱۴۸۸] توصیف می‌کند و به موازات این کشور، رسانه‌های خبری غرب «به تأیید چنین مواردی دست می‌زنند» [۱۴۸۹] .
دستگاه تبلیغاتی عراق هم عرض با به کارگیری روشهای مبتنی بر تحمیق مردم و ارتش عراق با پیش گرفتن روش تهدید، می‌کوشد تا مردم و نظامیان عراقی را وا دارد تا در برابر «خطر ایران» چاره را در مقابله با آن ببینند.
دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در فرازی از تبلیغات خویش با تحریک غیرت مردان عراقی تهدید می‌کند که: «ایرانیها می‌خواهند همسران، دختران و خواهران مردان عراقی را مورد تجاوز قرار دهند» [۱۴۹۰] ، «ایرانیها قبل از سرزمین مردم عراق ناموس آنها را می‌خواهند» [۱۴۹۱] ، «اگر ایران پیروز شود، زنان عراقی به عنوان غنیمت به تهران برده خواهند

[صفحه ۳۴۲]

شد» [۱۴۹۲] ، «اگر عراق شکست بخورد، هیچ زن آزاده‌ی عرب در پرده‌ی عفاف خود باقی نخواهد ماند» [۱۴۹۳] ، «اگر رزمنده‌ی عراقی شجاعت به خرج ندهد، ایرانیها پستان مادرش را خواهند برید» [۱۴۹۴] و...
صدام در ترفند مشابهی اعلام می‌کند: «اگر مردهای عراقی نتوانند در جبهه نقشی ایفا کنند، ما به جای آنها زنان را روانه جبهه‌ها خواهیم ساخت» [۱۴۹۵] عراق همچنین در خصوص «زنان و کودکان کشته شده در حملات ایرانیها» [۱۴۹۶] تبلیغات وسیعی به راه می‌اندازد.
خطر تجزیه‌ی عراق، غصب خاک عراق، تغییر دین مردم سنی به شیعه و... در فرازهای دیگری از تبلیغات عراق مطرح می‌شوند.
صدام در یکی از سخنرانیهایش از خطر تجزیه‌ی عراق در صورت شکست این کشور چنین یاد می‌کند:
«در صورت اشغال عراق این کشور و سایر کشورهای منطقه تجزیه می‌شوند و به صورت کشورهای کوچک نژادی و مذهبی در می‌آیند و در نتیجه، در سایه‌ی چنین اوضاعی موجودیت انگل صهیونیسم به یک موجودیت واقعی مبدل می‌شود» [۱۴۹۷] .
در موارد دیگری رئیس رژیم بعثی عراق از «خطر تجزیه‌ی عراق و تبدیل شدن آن به یک کشور ملوک الطوایفی» [۱۴۹۸] ، «تجزیه عراق و ایجاد دولتهای کوچک قومی و نژادی که همواره با یکدیگر در ستیز و نزاع خواهند بود» [۱۴۹۹] ، «تجزیه عراق به گروههای کوچکی

[صفحه ۳۴۳]

با شرایطی بدتر از لبنان» [۱۵۰۰] و «پسرفت تاریخی عراق در نتیجه‌ی شکست از ایران» [۱۵۰۱] سخن می‌گوید.
تبلیغات عراق از «غصب خاک عراق» [۱۵۰۲] ، «آوارگی و دربدری مردم عراق به عنوان نتایج پیروزی احتمالی ایران بر عراق یاد می‌کند» [۱۵۰۳] و می‌گوید: «ایرانیان یوغ بردگی و بندگی را بر گردن مردم عراق خواهند گذارد» [۱۵۰۴] و «دین مردم سنی

مذهب عراق توسط ایرانیها به مذهب شیعه تغییر خواهد کرد» [۱۵۰۵] و حتی گاه اعلام می‌کنند که «(امام) خمینی ملت عراق را کافر می‌داند» [۱۵۰۶].

صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق، برای جلوگیری از اسیر شدن نظامیان عراقی در عملیاتهای مختلف با تهدید آنان نسبت به خطری که از سوی ایران متوجه آنها خواهد شد می‌کوشند مانع اسارت آنان توسط سپاهیان توحید شوند. صدام در نامه‌ای خطاب به کنفرانس جوانان دانشگاهی عرب در بغداد می‌نویسد: «ایرانیها حتی در مقابل نمایندگان صلیب سرخ، اسرای عراقی را به قتل می‌رسانند» [۱۵۰۷] با توجیه سیاسی ارتش عراق نیز در این راستا در قسمتی از تبلیغاتش در سطح ارتش عراق مصامینی را می‌آورد که مرگ را بدتر از اسارت نشان می‌دهد. مضامینی مانند:

«ایرانیها خون اسرا را می‌کشند؛

ایرانیها اسرا را مثله می‌کنند؛

ایرانیها اسرا را به ماشین بسته و دو تکه می‌کنند؛

ایرانیها با اره‌های برقی سر اسرای عراقی را قطع می‌کنند؛

ایرانیها اسرا را روی برف و یخ می‌خوابانند؛

[صفحه ۳۴۴]

ایرانیها چنان با اسرا بدرفتاری می‌کنند که به معلول شدن آنها می‌انجامد؛

ایرانیها با اسرا عمل لواط را انجام می‌دهند؛

ایرانیها شلنگ آب را با شدت در دهان و مقعد اسرا باز می‌کنند؛

ایرانیها با اسرا نظیر مزدوران رفتار می‌کنند؛

(امام) خمینی دستور داده است که اسرا را بکشید...»

طبیعی است که با تکرار دایمی این مضامین، آن هم در شکلهای گوناگون مانند توجیه سیاسی، اعلامیه‌های مختلف نظامی مبنی بر آخرین تحولات اسیرکشی ایرانیها، اعترافات دروغین برخی از اسرای خود فروخته‌ی ایرانی، مصاحبه با معلولان آزاد شده‌ی عراقی برای اثبات رفتار وحشیانه با اسرا، نمایش فیلمهای مختلفی که حاوی دو تکه شدن اسرای عراقی، قطع دست و پای آنها و... است، مصاحبه با اسرای زنده مانده (!) از اعدام دسته‌جمعی اسرا، تبلیغات رسانه‌های گروهی جهان مبنی بر محکومیت جمهوری اسلامی، اظهارات مغرضانه صلیب سرخ بین‌المللی و... در اذهان ساده‌اندیش نظامیان بدنه‌ی ارتش عراق تأثیر می‌گذارد و به عنوان نخستین پیامد، مسأله اسارت را از اذهان آنها بکلی بیرون می‌کند و به جای آن مقاومت هر چه بیشتر را می‌نشاند.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در ترفند دیگری با تطمیع مردم و نظامیان عراقی آنها را به جایی می‌کشاند که برای دستیابی به «مدالهایی که امتیازات اقتصادی - اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد» [۱۵۰۸]، و یا برای دریافت پول، ماشین، زمین و... به مقاومت هر چه بیشتر در جبهه‌ها می‌پردازند و گاه برای دستیابی به مدال و سایر جوایز وعده داده شده، زشت‌ترین و زننده‌ترین اعمال را در حق سپاهیان اسلام مرتکب می‌شوند.

صدام در برخی از اوقات، غیرنظامیانی که «جهت ایجاد میدان آتش مناسب در هور، برای بریدن نیزارها به کار گمارده شده بودند» [۱۵۰۹] را ستایش می‌کند و زنان عراقی را «لشکرهای پشتیبانی و مقاومت ارتش بزرگ عراق» [۱۵۱۰] می‌نامد و نقش آنها را «معادل

[صفحه ۳۴۵]

رزمنده‌ای که تا گلوله آخر می‌جنگد» [۱۵۱۱] ، می‌داند.

او گاهی «پیاده نظام را آقا و سرور نیروها» [۱۵۱۲] خوانده، خطاب به آنها می‌گوید: «من شما را خوب می‌شناسم و برخی از اوقات شما را بهتر از خودم می‌شناسم، من در تلویزیون حمله‌ی شما را دیدم و آن روز از شادی نتوانستم غذا بخورم، و در عین حال تأثر سختی به من دست داد که اگر عرب نبودم، عرب می‌شدم و اگر عراقی نبودم، عراقی می‌شدم» [۱۵۱۳] .

در همین راستا رسانه‌های خبری استکبار جهانی اعلام می‌کنند: «نیروهای عراقی برای خنثی کردن حمله ایران با تفنگ و حتی دست خالی جنگیده‌اند» [۱۵۱۴] .

صدام گاهی از نیروی هوایی ارتش عراق ستایش می‌کند. او در یکی از این موارد می‌گوید: «از هم اکنون نیمی از کار جنگ به عهده‌ی خلبانهاست» [۱۵۱۵] او به همین ترتیب «جرأت و جسارت فوق‌العاده نیروی دریایی عراق» [۱۵۱۶] را ستایش می‌کند.

صدام گاهی در ستایش از نظامیان عراقی از «نبردهای افسانه‌ای آنان» [۱۵۱۷] یاد می‌کند و می‌گوید: «من ایمان دارم حتی اگر ۲۰۰ نفر در عراق باقی بمانند، آن ۲۰۰ نفر می‌توانند عراق را حفظ کنند و نگذارند کسی آن را به ذلت بکشاند» [۱۵۱۸] او در گرماگرم نبرد کربلای ۵، با «اعطای مدال» [۱۵۱۹] و «ستایش دلاوریهای فرماندهان عراقی» [۱۵۲۰] به تشجیع آنان می‌پردازد.

رئیس رژیم بعثی عراق، با اعطای مدال به نظامیان عراقی عرصه‌ی خوبی را برای

[صفحه ۳۴۶]

مسابقه‌ی بین آنها فراهم می‌آورد. صدام گاهی فرد دیگری (مثلا عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق) را از جانب خود می‌فرستد تا مدال «شجاعان» را به نظامیان اعطا کند و زمانی شخص خودش به «شجاعان» بعثی، مدال می‌دهد و اعلام می‌کند: «هر کس سه نشان شجاعت به بالا دریافت کند، دوست صدام خوانده می‌شود» [۱۵۲۱] ، اما گاهی، تعداد مدالها به ۶ مدال و حتی به «۱۵ مدال، شمشیر درجه یک قادسیه، نشان درجه یک رافدین و نشان درجه یک قادسیه» [۱۵۲۲] می‌رسد و مزدوری که به عظیم‌ترین جنایتها دست زده است، لقب «قعقاع قادسیه» [۱۵۲۳] را از صدام دریافت می‌کند. به هر حال، اعطای مدال در عراق چنان شکل روزمره و یکنواختی به خود گرفته است که صدام در یکی از مراسم اعطای مدال، خطاب به یکی از فرماندهان عراقی می‌گوید: «باید شانه‌هایی آهنین برای رشید سفارش داد تا تحمل این همه مدال را داشته باشد».

روی هم رفته، اثرات تطمیعی که صدام در خصوص نظامیانش به کار می‌گیرد، به حدی است که خود او در یکی از سخنرانیهایش اعتراف می‌کند: «در حالی که معیارهای اعطای نشان شجاعت دقیقتر از قبل شده است، پس از هر نبردی تعداد افرادی که نشان شجاعت دریافت می‌دارند، فزونی می‌گیرد» [۱۵۲۴] .

در کنار اعطای مدالها و القاب مختلف، پول، ماشین، زمین و سایر امکانات رفاهی نیز در اختیار نظامیان قرار می‌گیرد و در سطوح پایین‌تر با اعطای مرخصیهای چند روزه، انتقال فرد به خطوط عملیاتی عقب‌تر، دیدار زنان اتحادیه‌ی بعث عراق - که گاه در جبهه با سربازان قرار ملاقات در شهر را می‌گذارند -، انحرافات جنسی، هم جنس گرایی، تعدی به زنان ایرانی و حتی عراقی، استفاده از مشروب و ویدیوهای زننده، افزایش مشروب فروشیهای داخل شهرها، تدارک استخرهای شنای مختلط در شهرها و... از اسباب تطمیع نیروهای عراقی به شمار می‌روند.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در یکی از مهمترین فرازهای تبلیغاتی دیگرش برای

[صفحه ۳۴۷]

دامن زدن به انگیزه مقاومت ملی در برابر تهاجم قدرتمند سپاهیان توحید پس از زمینه‌سازیهای لازم پیروزی محقق عراق و شکست محتوم جمهوری اسلامی را نتیجه می گیرد.

دستگاه تبلیغاتی عراق پس از طرح متجاوز و ناحق بودن ایران، به ترسیم بی‌درایتی و جهل مسئولان جمهوری اسلامی پرداخته و سعی می کند تا با اثبات حقانیت، درایت و کفایت مسئولان نظامی بعثی، پیروزی فکری آنها بر ایران را نتیجه بگیرد. تبلیغ آسیب دیدن جدی زیرساخت اقتصادی ایران و سالم ماندن ساختار اقتصادی عراق و سیر فزاینده منزوی شدن ایران در سطح جهان و ترسیم پذیرش جهان نسبت به عراق، از موارد دیگری هست که توسط دستگاه تبلیغاتی عراق در تبیین پیروزی عراق بر ایران به کار گرفته می‌شوند.

صدام در نامه‌ی سرگشاده‌ای که «خطاب به حکام ایران» می‌فرستد، از «بی‌درایتی» و «ساده‌اندیشی» مسئولان جمهوری اسلامی چنین یاد می کند:

«امسال، سال سرنوشت برای وجود بی‌روح و پژمرده‌ی شماست. بنابراین، قبل از اینکه صدها هزار نفر از ایرانیان را به هلاکت بیندازید، خوب فکر کنید و به جای جنگ، راه صلح شرافتمندانه را بپیمایید، زیرا تیر جنگ جز به هلاکت حتمی شما منجر نمی‌شود. وقتی که ما به نام مردم بزرگ عراق و ارتش شجاع آن تأکید می کنیم که شما مانند دفعات گذشته بزودی شکست خواهید خورد به دو حقیقت اساسی استناد می کنیم که زیربنای حقایق دیگر است و آن دو عبارتند از: ۱- در مقایسه‌ی وضعیت دو کشور در جنبه‌های مختلف برتری با ماست و قدرت ما در به کارگیری مؤثر توده‌ی مردم در جهت تحقق برتری کامل بر شما و همچنین در جنگ اراده‌ها و نیروها بین دو طرف، بیشتر و فعالتر است؛ به جهت اینکه هرج و مرج و بی‌نظمی در کشور و در مراکز قدرت شما از بالا تا پایین به چشم می‌خورد، درگیری بین سازمانها و مراکز دینی و بین مسئولان و مراکز قدرت و بین سپاه و ارتش و بین شما و مخالفان ملی گرا وجود دارد و با مقایسه‌ی عناصر مردمی بین دو کشور به این نتیجه می‌رسیم که صرف توده‌ی مردم نمی‌تواند در دگرگونی اوضاع و احوال کار مؤثری انجام دهد، مگر اینکه در جهت اهداف مقدس خود به شکل صحیح و فعالی به کار گرفته شود. از این رو،

[صفحه ۳۴۸]

وجود کثرت مردم به تنهایی نمی‌تواند در میدانهای مبارزه و نبرد کارساز باشد.بر این اساس جمعیت مردم شما که بیشتر از مردم ماست، بار سنگینی را بر شما تحمیل کرده است؛ زیرا شما آنان را مغرور کردید و از آنان صحیح بهره‌برداری نمی کنید و در درگیریها و نبردهای سابق هم وضع چنین بوده است. مثال دیگری که می‌تواند این فشار جمعیت زیاد را بر شما نشان دهد این است که بعد از بیداری مردمتان بخش بزرگی از آنان راه مبارزه علیه شما و امتناع از ادامه جنگ را در پیش گرفتند و بعد از اینکه اقتصادتان ورشکسته و درآمداتان کم شد، توانایی اداره‌ی این جمعیت زیاد را از دست دادید. در پرتو این حقایق و با توجه به نتایج نبردهای شش ساله در جنگ، به این نتیجه می‌رسیم که همه چیز به نفع ماست و خواهد بود. و یک پیروزی جزئی نظامی در اینجا و آنجا حتی اگر منجر به پیشروی محدود در خاک ما یا اشغال این قریه یا آن شهرک مرزی شود، هرگز نمی‌تواند این حقیقت را

تغییر دهد و دگرگون سازد؛ زیرا اگر در مجموع برتری با ما باشد، که هست، بعضـی از این پیروزیهای دردسردار و کوچک در این میدان و آن میدان، نمی‌تواند آن حقیقت را تغییر دهد» [۱۵۲۵] .

صدام در سخنرانی دیگری اظهار می‌کند:

«هر چه زمان می‌گذرد، نیروهای مخالف در ایران فزونی می‌گیرند و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا کمترین میزان حکمت و درایت در آن نیست تـا راه‌حلهـای دقیق و ریشه‌ای برای زنـدگی ارائه دهنـد؛ همانگونه که رهبریت در عراق انجام می‌دهد، زیرا اگر عقل و تدبیر در آنها بود، اصلا جنگ در نمی‌گرفت و حتی پس از وقوعش ادامه نمی‌یافت» [۱۵۲۶] .

به این ترتیب تبلیغ زمینه‌ی «بی‌کفـایتی و جهـل رهـبران جمهوری اسـلامی و کفـایت و درایت رهـبران عراق» [۱۵۲۷] از موضوعات اصلی تبلیغاتی عراق می‌شود. صدام در یکی از سخنرانیهای خود با نهایت تمسخر از مسئولان ایران چنین یاد می‌کند:

[صفحه ۳۴۹]

«کسـانی که خود را در ایران «آیـات» می‌نامنـد، عقیـده دارنـد تـا زمانی که جمعیت زیادی دارنـد، بایـد آنها را در جنگ به نابودی بکشاننـد، اگر این احساس مسئولیت یک امر مقبول و مشروع بوده است، پس بهتر بود برای هنـد و چین که جمعیت زیادی دارنـد، یک شعار واقعی به حساب بیاید تا ایران که ۵۰ میلیون جمعیت دارد».

در مـوارد دیگری نیز دسـتگاه تبلیغـاتی رژیم عراق به تبلیغ در خصوص «عـدم تعـادل فکری مسـئولان جمهوری اسـلامی» [۱۵۲۸] ، «تفکر عقب افتاده‌ی مسئولان ایرانی» [۱۵۲۹] و «واکنشهای توهم زده‌ی آنان» [۱۵۳۰] می‌پردازد.

پس از آنکه دسـتگاه تبلیغاتی رژیم عراق سیاست گذاریها و برنامه‌ریزیهای مسئولان جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برد و کفایت آنها را برای دستیابی به پیروزی نفی می‌کنـد، با تبلیغ حقانیت عراق و درایت مسـئولان این کشور پیروزی محقق این رژیم در جنگ را نتیجه می‌گیرد.

صدام در «نامه‌ی تاریخی به مردم عراق» بیان می‌کند که عراق از نظر فکری بر جمهوری اسـلامی پیروز شده است. وی در قسمتی از نامه‌ی خود می‌نویسد:

«مـا بر (امـام) خمینی و اعـوانش به تحقیـق پیروز شـدیم، بعـد از آنکه او و سیاسـتش را از جنبه‌ی فکری و سیاسـی و اجتمـاعی افشـا کردیم. بنابراین، ما نقش بارزی را از خلال مقاومت قهرمانانه ملت و فداکاریهایش در منزوی ساختن نظام ایران در سـطح بین‌المللی بـازی کردیـم و سـعی می‌کنیم او را در نزد مردمش نیز منزوی کنیم. بنـابراین، مـا بر نظـام ایران تنهـا از جنبه نظـامی و ملی در مرزها پیروز نشدیم، بلکه در اعماق عراق و اعماق امت عربی و اعماق بشریت و انسانیت و حتی در داخل ایران نیز پیروز شدیم. به تحقیق، نظـام (امـام) خمینی به نماینـده‌ی مطرود یـک گروه قلیـل منزوی که عقلش بـا گـذشت زمان فرسایش یافته و از بین می‌رود، تبـدیل می‌شود، در حالی که شما ای عراقیها به کسی که نماینده یک

[صفحه ۳۵۰]

اکثریت در سطح قومی و بین‌المللی است، تبدیل شده‌اید» [۱۵۳۱] .

صدام پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌ی السیاسه، در پاسخ به سؤال خبرنگار این روزنامه مبنی بر اینکه «آیا جنگ پایان پذیرفته است یا خیر؟» پاسخ می‌دهد:

«تجاوز مایه گرفته از خمینی‌ایسم، درهم شکسته شده است و این آن چیزی است که ما آن را با یقین کامل می گوییم» [۱۵۳۲] .
در سخنرانی دیگری صدام از پیروزی ملت عراق بر ملت ایران چنین یاد می کند:
«اگر یک ایرانی از جماعت (امام) خمینی و یک عراقی بر جماعتی از کشورهای عالم به یک مناسبتی وارد شوند، بعضی از افراد آن جماعت، حتی اگر از ترس ایرانی بلرزند به او احترام نمی گذارند و تحقیرش می کنند و آنها در هر حال از شعارها و اهداف و وسایل سبعی او خشمگین هستند و او را سرزنش می کنند، اما با آن عراقی که بر آنها داخل شده است، مثل قهرمان آزاده‌ای که از ارزشهای حق و خیر و انسانیت دفاع می کند، برخورد می کنند» [۱۵۳۳] .
تکرار مضامین «نزدیک بودن خاتمه جنگ» [۱۵۳۴] و «پیروزی عراق» [۱۵۳۵] از مضامین تبلیغاتی دیگر عراق است. عراق به دنبال تبلیغ «بی‌درایتی»، «ساده‌اندیشی» و «جهل» مسئولان جمهوری اسلامی در فراز دیگری از تبلیغات خویش درصدد بر می‌آید تا به نفی وجود زمینه‌های داخلی مساعد جهت پیروز شدن ایران بر عراق بپردازد. رئیس رژیم عراق، ضمن سخنرانیهای مختلفی اعلام می کند که اگر ایران تا به حال با اتکا به درآمد نفت و کارخانجات خویش به جنگ ادامه می‌داد، از این به بعد به علت ضربات مهلکی که نیروی هوایی عراق به این مراکز وارد آورده است، دیگر نمی‌تواند از این عوامل سود بجوید. صدام در یکی از سخنرانیهای خود می گوید:

[صفحه ۳۵۱]

«دشمن در زمانی که از تحقق بخشیدن به هدفهای تجاوزگرانه‌ی خود ناتوان ماند و در تجاوز ناکام و پیاپی خود، خسارات سنگینی متحمل شد، نیروی هوایی عظیم ما حملات شدید و کارای خود علیه مواضع حساس و امکانات اقتصادی و نظامی دشمن را آغاز کرد و در محدود ساختن قدرت صادرات نفتی آن، که منبع اصلی پشتوانه‌ی تجاوزات او بود، توفیق یافت. همچنین عقابهای شجاع و توانمند ما نیروگاههای برق، پالایشگاهها و کارخانجات استراتژیکی، مراکز ارتباطات و سایر هدفهای سوق‌الجیشی ایران را بمباران کردند و تمامی شواهد ثابت می کند که اوضاع اقتصادی دشن بسرعت رو به وخامت می‌رود و در عین حال، اوضاع ایران در سایر زمینه‌ها نیز چنین است» [۱۵۳۶] .
صدام همچنین اعلام می کند «قدرت نیروی هوایی عراق همچنان در حال فزونی است و از این پس بر رشته‌هایی از تأسیسات اقتصادی ایران تأثیر خواهد گذارد که سابقا ممکن نبود» [۱۵۳۷] و یا می گوید: «ضربات مؤثر نیروی هوایی بر نقاط حیاتی دشمن، قدرت اقتصادی وی را ضعیف و متزلزل کرده و آن را در آستانه‌ی ورشکستگی و نابودی قرار داده است» [۱۵۳۸] و در نهایت نتیجه می گیرد که: «اوضاع اقتصادی دشمن بسرعت تیره و تار می‌شود، همچنانکه در میادین نبرد و زمینه‌های دیگر نیز تیره و تار می گردد و صحت سخن ما که می گفتیم عامل زمان به نفع آنها نیست، بلکه بر ضد آنهاست، روشن می‌شود» [۱۵۳۹] .
پس از تبلیغ آسیب خوردن زیرساخت اقتصادی ایران، عراق به سلامت زیرساخت اقتصادی خود اشاره می کند. به عنوان مثال، صدام در سخنرانی هنگام اعطای مدال به فرمانده‌ی نیروی هوایی عراق می گوید: «خلبانان ایرانی که در ماههای اول جنگ، مثل مور و ملخ می‌آمدند، کور بودند و به همین جهت ساختار اقتصادی ما سالم مانده

[صفحه ۳۵۲]

است» [۱۵۴۰] او همچنین، در مصاحبه با مجله‌ی یوگسلاوبور با تکرار مضمون تبلیغاتی فوق می گوید: «در حالی که نیروی هوایی

عراق، طرحهـای عمرانی ایران را بشـدت مـورد حمله قرار داده است، نیروی هـوایی ایران در از بین بردن مراکز مهم اقتصـادی عراق موفق نبوده است» [۱۵۴۱] از سوی دیگر، تبلیغات عراق بیان می‌کنند: «شکست هدف محاصره‌ی اقتصادی عراق، با بستن خط لوله‌ی نفتـی عراق که از سوریه عبور می‌کرد» [۱۵۴۲] و تداوم «شـکوفایی علم، تکنیک، هنر و ادبیات در عراق» [۱۵۴۳] ، موجبات پویایی اقتصادی این رژیم را فراهم می‌آورند.

دسـتگاه تبلیغـاتی عراق بـا تأکیـد بر اینکه «ایران از پنـج قومیت مختلف تشـکیل شـده است و تنهـا ۴۰ درصـد از آنها فارس هسـتند» [۱۵۴۴] و بـا تأکیـد بر «عقب‌مانـدگی تکنولوژی جنـگ ایران از عراق» [۱۵۴۵] ، «عـدم آموزش منـاسب نیروهـای ایرانی» [۱۵۴۶] ، «تشتتهای داخلی ایران» [۱۵۴۷] ، «انتحاری بودن عملیاتهای ایران» [۱۵۴۸] و... ایران را کشوری معرفی می‌کند که امنیت جهان را به خطر انـداخته است، و از همین رو موقعیت وی در نزد کشورهای جهان متزلزل شده و این کشورها در حال طرد ایران هسـتند. صدام در یکی از سخنرانیهای خود درباره‌ی مورد تهدید بودن امنیت جهان از سوی ایران، می‌گوید:

«عراق از خود دفاع می‌کند و کشتیهای آنها را می‌زند، چه کشتیهای نظامی یا کشتیهایی که شـریان اقتصادی آنها به حساب می‌آیند و نفت آنهـا را انتقـال می‌دهنـد و یا کالا برایشان حمل می‌کننـد. این جزئی از قانون بین‌المللی در جنگهاست، ولی ایران وقتی حمله می‌کند، هر هدفی را می‌زند، هر کشتی که در

[صفحه ۳۵۳]

خلیـج ظاهر شود، چه فرانسوی باشـد، چه انگلیسـی، چه روسـی، چه کویتی و چه سـعودی، ما چنین قانونی را سـراغ نداریم و این به تنهایی کافی است که کل جهان نسبت به ایران اعلان جنگ کنند» [۱۵۴۹] .

در جای دیگری صدام از انزوای جمهوری اسلامی سخن می‌گوید:

«ایران فقـط به عراق تجـاوز نمی‌کنـد، بلکه به بحرین، دولت امـارات، سـعودی و کویت تجاوز کرده و در امور داخلی تمام دولتهای اسـلامی بـدون اسـتثنا دخـالت می‌کنـد. ایران به فرانسه، اتحـاد شوروی و امریکـا تجـاوز کرده است. مگر تجـاوز چیست؟ تجـاوز به سفارتخانه‌ی من در ایران - که جزئی از سرزمین من محسوب می‌شود - تجاوز به کشور من است این یک قانون بین‌المللی است که هر گـاه کشـوری سـفارت کشـور دیگر را اشـغال کنـد در واقع جزئی از سـرزمین همـان کشور را اشـغال کرده است... ایران به یک نفتکش شوروی و به سـفارتخانه‌ی فرانسه تجـاوز کرده و در معـابر دریایی اقـدام به مین‌گـذاری کرده و کشتیهای مختلف با ملیتهای گوناگون را زده است و در مقام تلافی مانند کسـی که ضـربه می‌خورد و از سر نادانی همسایه‌اش را مورد تلافی قرار می‌دهد، عمل می‌کند» [۱۵۵۰] .

صـدام در پیامهـایی که برای «دبیر کـل سازمـان ملل متحـد» [۱۵۵۱] و «ریگـان به مناسـبت هـدف قرار گرفتن ناواسـتارک» [۱۵۵۲] می‌فرستد، دوباره بر مورد تهدید بودن امنیت جهان از سوی جمهوری اسلامی تأکید می‌ورزد.

همسو با تبلیغ تهدید شدن امنیت منطقه و جهان توسط ایران، صدام از رو به انزوا رفتن جمهوری اسلامی سخن می‌گوید:

«اقتصاد عراق بر پایه‌های صـحیح، اسـتوارتر می‌شود و در حالی که ایران در حالت اقتصاد جنگی تنها قوت بخور و نمیری برای مردم خویش تأمین می‌کند

[صفحه ۳۵۴]

و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی آن روز بروز پیچیده‌تر می گردد، در عراق گامهای رشد و پیشرفت رو به جلو است. تمامی دولتهای جهان، با عراق به عنوان یک نیروی ثابت که دارای آینده‌ای شکوفا و درخشان است، رفتار می کنند، در حالی که رفتار آنها با ایران به شکل معاملات کوتاه‌مدت است. بعلاوه، روابط سیاسی عراق با دیگر کشورهای جهان و مقایسه‌ی آن با روابط ایران با کشورها، تصویر بهتری از اوضاع داخلی عراق و ایران را به دست می‌دهد. در زمانی که روابط دوستانه و بین‌المللی عراق بر پایه‌های محکم و استوار و بلندمدت مستحکم می‌شود و جایگاه و مرتبه‌ی بین‌المللی عراق، به عنوان یک قدرت ماندنی، پایه‌ای اساسی از پایه‌های استقرار صلح در منطقه را تشکیل می‌دهد، ایران غیر از روابط دوستانه‌ی مشکوک و ارتباطهای متزلزل و پیمانهای موسمی و انتفاعی چیز دیگری را نمی‌یابد و دولتهای محترم دروغها و بازیهای تردستان تهران را که بر روی طناب انجام می گیرد، تأیید نمی کنند» [۱۵۵۳] .

به این ترتیب عراق با تبلیغ در «بن‌بست قرار گرفتن ایران» [۱۵۵۴] و تبلیغ موارد دیگری نظیر «ضعف روحیه‌ی ایرانیها» [۱۵۵۵] ، «خسته شدن مردم ایران از جنگ» [۱۵۵۶] ، به تزلزل جمهوری اسلامی اشاره می کند. اما فراتر از همه‌ی اینها، صدام با تحلیلی که از روان‌شناسی اجتماعی ایران ارائه می‌دهد، فروپاشی قریب‌الوقوع ایرانیها را نتیجه می گیرد و به این ترتیب بر کالبد خسته از جنگ جامعه‌ی عراق روحی دوباره می‌بخشد. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه‌ی السیاسه که می‌پرسد «چرا ایران در چنین موقعیتی - پس از تصویب قطعنامه‌ی ۵۹۸ - راه سرسختی و ستیز را در پیش گرفته است؟» می گوید:

«این سرسختی سه دلیل دارد. دلیل اول به ذهنیت تاریخی ایرانیان باز می گردد و این سرسختیها تنها سرسختی (امام) خمینی نیست، بلکه سرسختی و تندروی حالتی است که در ذهنیت ایرانی و بویژه در جریانهای تجاوزگرانه از زمانهای

[صفحه ۳۵۵]

دور وجود داشته و من به یکی از دیپلماتها گفتم: مواظب باش در مورد طبیعت ایرانی اشتباه نکنی، اگر می‌خواهی خام نشوی بازار ایرانی را به یاد آر؛ زیرا اگر ایرانیها کالایی را به قیمت هفده دلار عرضه کنند، نباید بیش از یک دلار بدهی. همچنین نباید بازار ایرانی را با بازار فرانسوی یا انگلیسی یا شوروی قیاس کنی. بنابراین، نباید ادعاهای آنان و خواسته‌هایشان و حتی رفتار سرسختانه‌ی ظاهری آنان را با امور عادی دیگری مقایسه کنی. از این رو، اگر شخصی فرانسوی کالایی را به قیمت هفده دلار بر تو عرضه کرد و به او سیزده دلار دادی، این امکان هست که چهار دلار را بین خود و او تقسیم کنی یا یک دلار اضافه کنی تا قیمتش در چهارده دلار تثبیت گردد. اگر در این حال، با یکدیگر اتفاق نظر پیدا کنید، تو از چنین معامله‌ای زیانکار نیستی. ولی اگر ایرانیها را نسبت به ذهنیت فرانسوی یا انگلیسی یا هر ذهنیت دیگری قیاس کنی، حتما اشتباه کرده‌ای، در ذهنیت ایرانی، اغراق و مبالغه فراوان و نیز سرسختی ریشه‌داری در طول تاریخ وجود دارد که دارای اسباب تاریخی و جغرافیایی است و در صدد گفتگو از آنها نیستیم، ولی می گوییم که این یکی از آن اسباب است... و به خاطر دارید که شاه ایران محمدرضا پهلوی، پادشاه ایران نامیده نمی‌شد، بلکه نام او شاهنشاه آریامهر بود، یعنی شاه شاهان و معنی این نامگذاری غیر از شیفتگی نسبت به مظاهر و عدم رعایت رفتار و سخن منطقی، چیست؟

در حالی که ما عربها مثلا می گوییم فلانی شاه اردن است و فلانی شاه سعودی است و دیگری شاه یمن است. اینها تعبیرات ما است، ولی نمی‌گوییم شاه شاهان، پس شاه در ایران تا آخرین لحظه شاه شاهان است.

در عراق و کویت می گوییم فلانی سید است یا به سبب اعمال و کارهای دینی یا به جهت نسبتی که با پیامبر دارد می گوییم وی سید است یا می گوییم فلانی ملا است یا امام جماعت است. به عبارت دیگر، امور را با نامهای معمول و ساده نامگذاری می کنیم.

در حالی که در ایران همواره اسم مرکب است مثل حجهٔ الاسلام، آیهٔالله و.... اینان همواره به ابهت و جلال تمایل دارند که در داخل این تمایلات و عقده‌ها وجود دارد که یکی از آنها عقده‌ی سرسختی و لجبازی است. این صفت از قدیم‌الایام در جامعه‌ی ایرانی وجود داشته است.

[صفحه ۳۵۶]

حال آنکه هر کس که اسلام آورده است، می‌بینی که تفاهم با او بسرعت امکان‌پذیر است. پس این یکی از اسباب بود. دلیل دیگر این است که اینان ملتهایشان را با شعارها و توهمات توخالی به طور کلی از متن واقع خارج کرده‌اند. شعار آنان چیست؟ شعار آنان تنها شکست عراق یا برپا کردن به اصطلاح جمهوری اسلامی در عراق نیست. این در حقیقت تنها یک جزء و یک مقدمه‌ی عملی برای اجرای شعارهای گسترده‌ی آنهاست. اینها به ملتهایشان گفته‌اند که ما از جانب خدا تکلیف داریم و این آن چیزی است که «امام» می‌گوید و خمینی امام است نه وکیل امام یا نایب او. این امام که از جانب خدا امامت را دریافت داشته می‌گوید که باید دولت اسلامی را در تمام سرزمینهای عرب و مسلمان ایجاد کنیم و ایرانیها هم باید در سمت کادر دولت و دین جدید سردمدار آنها باشند و در حقیقت، قصدشان ایجاد امپراتوری فارسی است، و وقتی ملتهایشان از آنها می‌پرسند که چگونه این دولت را به وجود آوریم، جواب می‌دهند که آن را با زور شمشیر به وجود می‌آوریم و نمی‌گویند با سخن و گفتگو و از اینجاست که از سال اول و حتی تا سال هشتم، مرزهای عراقی را درهم شکسته‌اند و این حالت برای آنان مشکلات فراوانی به بار آورده که خلاصی از آن برای بعضی از آنها بسیار مشکل است. سپس این تحریک در ملتشان اهداف بعیدی را پیش روی آنها قرار داد که تحقق آنها غیرممکن بود و زمانی به این حالت پی بردند که از اولین دروازه‌ی تجاوز عبور کرده بودند و بازگشت به آسانی از آن برایشان میسر نبود. دلیل سوم وجود نیروهایی است که خواستار ایجاد فتنه و شر در منطقه هستند. و زمانی که تجاوزگران ایرانی احساس عجز می‌کنند، دریچه‌ای در سد مقابلشان گشوده می‌شود که به آرزویی جدید می‌اندیشند و صهیونیسم در این امر نقش بارزی را ایفا می کند. این عوامل در مجموع باعث تندروی و سرسختی ایرانیها شده است، و اگر چه آنان بوضوح احساس می‌کنند که با جنگ نمی‌توان به نتیجه رسید و جنگ موجب اذیت و ناراحتی آنهاست و اکنون قانع شده‌اند که جنگ بیشتر از اینکه به آنان نفع برساند موجب آزار و اذیت آنهاست - و این احساس بزودی عمیق‌تر و بیشتر خواهد شد - ولی علی‌رغم این در می‌یابی که آنان هنوز به سرسختی و مبالغه ادامه داده، جنگ را

[صفحه ۳۵۷]

تداوم می‌بخشند. بر کسانی که بر امر سیاست اهتمام می‌ورزند لازم است بدانند مردمی که چنین تمایلات و خیالاتی دارند، هیچ‌گاه عقب‌نشینی تدریجی نمی‌کنند، یعنی بتدریج عقب‌نشینی نمی‌کنند، بلکه یکباره از اوج تندروی دورترین مراحل، عقب‌نشینی می‌کنند. از این مسأله مثالهای فراوانی در دست داریم؛ مانند رفتار ایران در قضیه‌ی دانشجویان پیرو خط امام و محاصره‌ی سفارت امریکا توسط آنان، بنابراین، قیام آنان که به محاصره‌ی سفارت و گروگانگیری کارکنان سفارت به عنوان جاسوسی برای شیطان بزرگ انجامید و همه اینها که برای نمایش ضدامریکایی بودن جمهوری اسلامی صورت گرفت، به معامله و فروش این موضوع در مقابل پول تبدیل شد و این چیزی است که در مسأله «ایران کونترا» یا «ایران گیت» هم ملاحظه می‌شود. به این ترتیب، ایرانیها از دشمنی با امریکا، که آن را شیطان بزرگ می‌نامند، و دشمنی با اسرائیل، که آن را اولین دشمن مسلمانان می‌نامند، و می‌خواهند

قدس را آزاد کنند، به جایی می‌رسند که با آنها سر یک میز می‌نشینند و راجع به اینکه چگونه اسلحه به دست بیاورند، با آنها معامله می کنند. در این موارد شما می‌توانید عقب‌نشینی ناگهانی در رفتار و شعارهای ایرانیان را ملاحظه کنید» [۱۵۵۷] .

مطرح شدن صدام به عنوان رهبر برتر

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق در مرحله‌ی سوم جنگ نیز با تأکید بیشتری به مطرح ساختن صدام به عنوان رهبر برتری که منجی قوم عرب به شمار می‌آید، می‌پردازد. صدام به عنوان کسی که درصدد رفع حقارت تاریخی اعراب است، و شخصیت جدید انسان عرب را پی‌ریزی می کند و به عنوان یک ایدئولوگ مطرح می‌شود. تبلیغات عراق با بزرگنمایی ابعاد شخصیت او می کوشند تا رهبریت تام و تمام صدام را اثبات کنند. سخن گفتن از شم قوی سیاسی و علاقه‌ی صدام به امور مذهبی نیز در این مرحله ادامه می‌یابد.

تبلیغات عراق برای طرح صدام به عنوان یک رهبر برتر، و فردی که هویت

[صفحه ۳۵۸]

جدیدی به اعراب داده است، پس از تأکید در حقارتهایی که اعراب پس از سقوط عباسیان متحمل آن شدند، و پس از یادآوری «حقارتهای ناشی از شکست اعراب در جنگهای ۱۹۷۳، ۱۹۶۷، ۱۹۵۶، ۱۹۴۸« [۱۵۵۸] ، و «پذیرش سلطه‌ی استعمار توسط حکام کشورهای عرب» [۱۵۵۹] خطاب به مردم عراق می گویند: «کودتای ۱۹۶۸ بعثیها زمینه‌ی شکل گیری شخصیت جدید انسان عرب را فراهم آورده است» [۱۵۶۰] «استعمارگران، صهیونیستها و فارسها - که آلت دست صهیونیستها و استعمارگرانند - همواره انسان عرب را در پستی و حقارت خواسته و می‌خواهند» [۱۵۶۱] و از این رو، با تحمیل جنگ به عراق، که طلایه‌دار خیزش اعراب به سوی شخصیت جدید انسان عرب است، درصدد توقف این حرکت پویا برآمده‌اند، اما عراق با برخورداری از کفایت و درایت صدام موفق شده است که نقمت جنگ را به نعمت تبدیل کند و «از جنگ جهت تسریع در حصول و دستیابی به شخصیت جدید انسان عرب سود جوید» [۱۵۶۲] ، تبلیغات عراق پس از تأکید بر «سابقه‌ی شش هزار ساله امت عرب» [۱۵۶۳] ، به عموم عراقیها نوید می‌دهند «آنها در آستانه‌ی رسیدن به هویت تاریخی برترشان هستند» [۱۵۶۴] و اعلام می کنند که پی‌ریزی شخصیت جدید انسان عرب، که به رهبری صدام در عراق در حال شکل گیری است «سرپلی است که امکان رسیدن سایر اعراب به سرمنزل مقصود و تعالی را هموار می‌سازد و آنها را به هویت برتر گذشته‌شان می‌رساند» [۱۵۶۵] به این ترتیب، صدام و تبلیغات عراق با توجه به حقارت تاریخی اعراب و تحقیرهای تاریخ معاصر آنها، و با تشویق اعراب نسبت به دستیابی به مرزهای هویت جدیدی که صدام برای آنها ترسیم می کند، می کوشند تا به شکلی غیرمستقیم، عظمت صدام را که قافله‌سالار حرکت اعراب به سوی تعالی کاذب

[صفحه ۳۵۹]

آنهاست توجیه کنند.

عراق در بخش دیگری از تبلیغاتش صدام را به عنوان یک ایدئولوگ مطرح می کند و در این میان صدام بسان منتقدی مبتکر و خلاق، از افقی بس بلند، به نقد ضعفهای تئوریهای سوسیالیستی می‌پردازد، و به نحو مطلوبی آنها را تصحیح می کند. نقد بی‌توجهی «نظامهای سوسیالیستی نسبت به انگیزه‌های مادی افراد» [۱۵۶۶] و بی‌توجهی «این نظامها به اختلافات فردی، خلاقیتها و تفاوت سهم

افراد در تولید» [۱۵۶۷] و پیشنهاد «ایجاد بخشهای خصوصی مختلط دولتی و خصوصی در کنار بخشهای دولتی» [۱۵۶۸] «آمیخته شدن کار با زندگی تمامی افراد» [۱۵۶۹] و... از جمله مواردی است که در مرحله‌ی سوم جنگ در اندیشه‌های صدام مشاهده می‌شود. صدام گاهی در برخورد با مشکلاتی که در مسیر حرکت جامعه‌ی عراق پیش می‌آید، همچون ایدئولوگی بزرگ دست به نظریه‌پردازی می‌زند و «به شکلی انقلابی موضع گیری می کند» [۱۵۷۰] .

شم سیاسی قوی صدام، موضوع دیگری است که تبلیغات عراق با پرداختن به آن سعی دارد یگانه بودن و بی‌همتایی صدام را اثبات کند. به عنوان مثال صدام، که از سویی از تحریم غیرعلنی سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نظامی ایران از سوی جهان، اختلافات داخلی مسئولان جمهوری اسلامی و... آگاه است و از سوی دیگر متکی به حمایتهای سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نظامی غرب و شرق و ارتجاع عرب است، در برخورد با تبلیغات ایران در مورد «سال سرنوشت» می گوید:

«شما شعار جنگ طولانی را که به تنهایی سر می‌دادید، مورد لعن و نفرین قرار دادید و این حالت پس از اینکه فاجعه از تمامی جوانب و در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، مردمی و نظامی شما را به محاصره خود درآورده است، عملی گشته است. اضافه می کنم که شما اکنون شعار جنگ طولانی را مورد لعن

[صفحه ۳۶۰]

قرار داده‌اید و آن را به شعار کوتاه کردن زمان جنگ و قرار دادن سال جاری به عنوان «سال سرنوشت» مبدل ساخته‌اید، این گمان شما نیز باطل است و همچنان که قبلا در توهم بودید در حال حاضر هم دچار توهم هستید» [۱۵۷۱] .

پس از سال ۶۵، صدام طی پیامی به شکل غیرمستقیم بر شم سیاسی خود تأکید ورزیده، می گوید:

«در حال حاضر با لحظه‌ای تأمل و تفکر به سخنان ما، و پس از این نبرد سرنوشت، بخوبی تشخیص خواهند داد و منصفانه قضاوت خواهند کرد که صدام در برآورد امکانات و قدرت ملتش مغرور نبود، و این برآوردش بر مبنای عاطفه و آرزومندی انجام نگرفته است. بلکه برآوردی واقع‌بینانه و انقلابی و مبتنی بر حساب پیامدها با معیارهای عینی و علمی بوده است و ملت عراق برای مردم سراسر دنیا این واقعیت را با فاعلیت ملموس در میدان کارزار به اثبات رسانده است» [۱۵۷۲] .

صدام در برخورد با قطعنامه‌ی ۵۹۸ چنین اظهارنظر می کند:

«در میان رهبری، قطعنامه‌ی ۵۹۸ و تمام بندهای آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. برخی برادران در رهبری فکر می کردند که اگر قطعنامه به همان ترتیب روشن و واضح گذشته صادر شود، ایران از همان آغاز آن را رد خواهد کرد. ما گفتیم نه، بلکه ایران این بار نه آن را رد می کند و نه قبول می کند. زیرا وضعیت آنها در طی تحلیل کلی و خاص ما را وا می‌دارد که پیش‌بینی کنیم این بار ایران برای اولین بار نه آن را رد می کند و نه قبول، ولی تلاش خواهد کرد که این موضوع را با حیله گری توجیه کند. بنابراین مسئولیت ما این است که طرحها و برنامه‌هایی ترتیب داده تا بدان وسیله ایران و جناحهای همدست و توطئه گر با آن را از این وقت گذرانیها بازداریم» [۱۵۷۳] .

«ایرانیها می گویند ما قطعنامه را رد می کنیم، بسیار خوب بعد چه می کنید؟

[صفحه ۳۶۱]

روزی می‌آید که انشاء الله این قطعنامه را به عنوان هدف در نظر خواهند گرفت، روزی می‌آید که ایرانیها این قطعنامه را یکی از

اهداف دیپلماسی خویش خواهند یافت و برای اجرای آن با حسن نیت مبارزه خواهند کرد. الآن چنین نیست، ولی این روز خواهد آمد» [۱۵۷۴] .

تبلیغات عراق برای اثبات دیانت و اسلامیت صدام گاه تبلیغ می‌کنند که او «به زیارت ضریح ائمه اطهار شتافته است» [۱۵۷۵] و «به اماکن مقدسه شیعیان کمک مالی کرده است» [۱۵۷۶] ، و گاه تبلیغ می‌کنند: «صدام مساجد عراق را به طلا- و سنگهای مرمر ایتالیایی مزین ساخته است» [۱۵۷۷] و «همچون صلاح‌الدین ایوبی که در تکریت متولد شده و در برابر کسانی که زیر پوشش شعار مذهبی به کشورگشایی می‌پرداختند، جنگید، صدام نیز در تکریت متولد شده و با دشمنان توسعه‌طلبی که با پوشش دین می‌جنگند، مبارزه می‌کند» [۱۵۷۸] و در نهایت «پس از رساندن تبار صدام به امام علی علیه‌السلام» [۱۵۷۹] ، «او را عطای بزرگ خداوند برای مردم عراق» [۱۵۸۰] می‌خوانند.

گاهی تبلیغات عراق «با چاپ داستانهایی که کودکان به شکلی عاطفی در ستایش صدام گفته‌اند» [۱۵۸۱] و «یا با تشکیل نمایشگاهی از هدایای مردم به صدام، که از هدیه‌ی ماکت موشک‌العباس منافقین گرفته تا هدیه سنگریزه‌هایی که مردم خرافه‌پرست عراق برای سلامت صدام برای وی فرستاده‌اند» [۱۵۸۲] و... به ستایش صدام می‌پردازند و «با دعوت از مجسمه‌سازان خارجی برای تهیه ماکتهایی از صدام» [۱۵۸۳] آخرین لوازم تراشیدن بت صدام را

[صفحه ۳۶۲]

فراهم می‌آورند و سرانجام صدام که «برای دستیابی به اروندرود و به دست آوردن رهبریت جهان عرب» [۱۵۸۴] به ایران حمله کرد، در ستایش از خویش می‌گوید:

«نقص ما در مبارزاتمان با اسرائیل برخورداری دشمن از تجربیاتی که در طول جنگ جهانی اول و دوم از طریق عناصر خود در داخل ارتشهای دنیا و دولتهای بزرگ کسب کرده بود، نیست. نقص ما تنها این نیست که تا حالا- یک جنگ طولانی را تجربه نکرده‌ایم و کیفیت برخورد حقیقی بین سلاح و زمین و انسان را نمی‌دانیم، نقص ما نداشتن رهبریتی بود که قادر باشد با برخورد صحیح، عناصر کوچه و بازار را در جهت برخورد با دشمن، استخدام کند» [۱۵۸۵] .

رسانه‌های خارجی نیز او را کسی که «در کشور خود دلاور عراق و شمشیر اعراب خوانده می‌شود» [۱۵۸۶] و رهبری است که «توجه جهانیان را به خود معطوف داشته» [۱۵۸۷] و «با پیروزیهایی مکرر خود امت عرب را بلند کرده» [۱۵۸۸] و «اعراب به وی به عنوان نوعی منجی در برابر طوفان انقلاب اسلامی می‌نگرند» [۱۵۸۹] و «کسی که علی‌رغم داشتن دشمنان قدرتمندی چون ایران، سوریه، لیبی و اسرائیل، همچنان پایدار مانده است» [۱۵۹۰] معرفی می‌کنند. این رسانه‌ها علی‌رغم اخباری که در خصوص «دستگاههای امنیتی متعدد و ۴۰ هزار نفری که حیات صدام را تضمین می‌کنند» [۱۵۹۱] پخش می‌کنند، از خطا بودن تصور ایران مبنی بر حمایت شیعیان عراق از ایران و قدرت یافتن هر چه بیشتر صدام در روند جنگ، سخن می‌گویند. مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن در یکی از تحلیلهایی که در زمینه‌ی جنگ دارد، می‌نویسد:

«شاید مهمترین تحول، در نگرش جامعه‌ی شیعه صورت گرفته باشد که نسبت به

[صفحه ۳۶۳]

وفاداری آن در دوره‌ای که منتهی به جنگ شد، نگرانیهایی وجود داشت. برخلاف بیم و هراس در بغداد (و انتظارات در تهران)

شیعیان نه استراتژی جنگی عراق را برهم زدند و نه در سال ۱۹۸۲ به استقبال کسانی که خود را آزاد کنندگان آنان می‌نامیدند، برخاستند (همانطور که در حقیقت جمعیت عرب زبان خوزستان در سپتامبر ۱۹۸۰ غیرفعال باقی مانده بودند). آنها خود را در درجه‌ی اول به عنوان عراقی یا حداقل عرب و در درجه‌ی دوم شیعه نشان دادند» [۱۵۹۲] .

رادیو امریکا هم در یکی از گزارشهای خود بیان می‌کند:

«آیت‌الله منتظری گفته بود که اگر (امام) خمینی به مردم عراق فرمان بدهد که رژیم خودشان را سرنگون سازند، آنها فورا این کار را انجام می‌دهند. مصطفی چمران هم می‌گفت: اگر نیروهای ایران وارد خاک عراق بشوند، مردم عراق با آغوش باز از آنها استقبال می‌کنند، در حالی که دیدیم هنگامی که نیروهای عراق از خاک ایران رانده شدند و نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند، عراقیها تنها با گلوله‌های داغ از ایرانیها استقبال کردند» [۱۵۹۳] .

در رسانه‌های خبری غرب به تبعیت نکردن عراق از رهبریت انقلاب اسلامی در موارد متعدد دیگری نیز اشاره شده است. [۱۵۹۴] .

تحکیم قدرت صدام در طول جنگ، نکته دیگری است که در این مرحله نیز رسانه‌های خارجی بر آن تأکید دارند. اکونومیست، طی تحلیلی در این باره می‌نویسد: «اگرچه حکومت صدام اختناق‌آمیز است، اما اکنون وی به عنوان رهبری که در جنگ با ایران، عراق بدان نیازمند است شناخته می‌شود» [۱۵۹۵] مجله‌ی انگلیسی زبان عربیا (عربی) هم ضمن مقاله‌ای می‌نویسد:

جنگیدن با عراق به صدام امکان داده است تا وی مردمی را که انقلاب

[صفحه ۳۶۴]

اسلامی به آنها چشم امید بسته است، تحت فشار قرار دهد. امروز اگر کسی مخالف صدام باشد، چاره‌ای جز جنگیدن با ایران ندارد و اگر به جنگ نرود، اعدام می‌شود» [۱۵۹۶] .

واشنگتن پست در همین رابطه طی تحلیلی می‌نویسد:

«جنگ برای ساختن یک بت از صدام حسین مورد استفاده قرار گرفته است. خیابانها، بناهای یادبود - مانند فرودگاه اصلی بین‌المللی عراق - و نواحی مختلف به نام صدام نامگذاری شده است و تابلوهای عظیمی از صدام حسین را در شهرها، کنار جاده‌های اصلی و در مقابل پادگانهای نظامی می‌توان مشاهده کرد» [۱۵۹۷] .

سرنوشت جنگ

اگر در اوایل مرحله‌ی اول جنگ، رسانه‌های خبری جهان از شکست ایران خبر می‌دادند، و اگر در اواخر همین مرحله رسانه‌های خبری جهان از توقف جنگ خبر می‌دهند، و اگر در مرحله‌ی دوم جنگ بتدریج از پیروزی ایران بر عراق سخن به میان می‌آید، در مرحله‌ی سوم قوس صعودی پیشرفت جنگ به نفع ایران دوباره سیر نزولی به خود می‌گیرد و اگر در اوایل این مرحله سخن از توقف جنگ است، در اواخر همین دوره، شکست ایران توسط رسانه‌های خبری جهان حتمی تلقی می‌شود.

در اوایل مرحله‌ی سوم جنگ گاه به «احتمال پیروزی عراق، به دلیل اینکه از خاکش در برابر تهاجم ایرانیها دفاع می‌کند» [۱۵۹۸] اشاره می‌شود که این مسأله بیشتر به منظور روحیه دادن نظامیان شکست خورده‌ی عراقی است. رسانه‌های خبری جهان تا اواخر این مرحله از جنگ، از بن‌بست و توقف و سکون جنگ سخن می‌گویند و تعابیری مانند

[صفحه ۳۶۵]

«جنگ به سکون انجامیده» [۱۵۹۹] ، «جنگ فرسایشی شده» [۱۶۰۰] ، «جنگ به بن‌بست رسیده» [۱۶۰۱] ، «جنگ فراموش شده» [۱۶۰۲] ، «جنگ بی‌معنا» [۱۶۰۳] ، «جنگ بیهوده» [۱۶۰۴] «جنگی که طرف پیروزی نخواهد داشت» [۱۶۰۵] ، «جنگی که ممکن است تا قیامت به طول بینجامد» [۱۶۰۶] ، «جنگ به نفس نفس افتاده» [۱۶۰۷] ، و... را مطرح می‌کنند. رسانه‌های خبری خارجی بر همین مبنا به توجیه «جنگ شهرها» [۱۶۰۸] ، «زدن ضربه ایران و عراق به مراکز و تأسیسات اقتصادی یکدیگر» [۱۶۰۹] ، «بازکردن پای ابرقدرتها به خلیج فارس» [۱۶۱۰] و... می‌پردازند و توصیه می‌کنند: «برای آنکه عراق جنگ را ادامه دهد، باید به این کشور کمک کرد» [۱۶۱۱] پس از عملیات والفجر ۸ که به فتح فاو می‌انجامد، برخی از رسانه‌های خبری جهان از احتمال «باختن» [۱۶۱۲] و «متزلزل شدن» [۱۶۱۳] عراق سخن می‌گویند و در جریان عملیات کربلای ۵ که به نفوذ نیروهای ایرانی به مواضع عظیم عراق در حاشیه بصره می‌انجامد، رسانه‌های خارجی از «احتمال سقوط

[صفحه ۳۶۶]

ناگهانی عراق» [۱۶۱۴] و «احتمال پیروزی قریب‌الوقوع ایران» [۱۶۱۵] خبر می‌دهند، اما در نگاهی کلی به مجموعه‌ی عملیاتهای مرحله‌ی سوم جنگ، تحلیلگران نظامی و سیاسی رسانه‌های خبری جهان بر به بن‌بست رسیدن جنگ تأکید دارند.

در مرحله سوم مواضع تبلیغات عراق در باب سرنوشت جنگ بیشتر به حقانیت و پیروزی فکری عراق به ایران اشاره دارد، تا اینکه پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ عراق از پیروزی نظامی خود نیز سخن بر زبان می‌آورد و با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط ایران، این رژیم به تبلیغ حقانیت خود و پیروزی فکری و نظامی خویش بر ایران می‌پردازد.

صدام در مصاحبه‌ای که با مجله‌ی الوطن العربی دارد، از پیروزی فکری عراق بر ایران سخن می‌گوید:

«حق صادر کردن انقلاب و تهدید کشورهای عربی با ارتش بیست میلیونی، که رهبران ایران درباره‌ی آن سخن گفته‌اند، ادعایی شکست خورده است که بر حق نیست و با عقل و منطق مطابقت ندارد. ما از دیر زمان گفتیم این ادعا شکست خورده و خواهد خورد و این به منزله‌ی پیروزی عراق است. بنابراین، قدرت عراق تنها در قدرت فنی، اقتصادی و نظامی و تعداد جمعیت آن نیست، بلکه قدرت اصلی عراق در حقانیت فوق نهفته است» [۱۶۱۶] .

صدام همواره «از حقانیت عراق و اینکه خداوند حق را یاری کرده و سرانجام عراق پیروز خواهد شد» [۱۶۱۷] و اینکه «هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از پیروزی حق نیست و انسانهایی که به حقانیت خود ایمان دارند، سرانجام پیروز خواهند شد» [۱۶۱۸] ، سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که «در تمامی دورانهای تاریخ، عراق به شهامت، عزت و مردانگی مشهور بوده است و در این جنگ هم عراقیهایی که جهت دفاع از شرف، عزت و آینده‌ی خود قیام کرده‌اند، متجاوزان را شکست خواهند داد».

علاوه بر مواضع فوق، صدام مکرر در برابر تز مسئولان ایران، مبنی بر اینکه «زمان

[صفحه ۳۶۷]

به نفع ایران است»، تز «زمان به زیان ایران، و به نفع عراق است» [۱۶۱۹] را مطرح می‌کند، تا اینکه با نزدیک شدن به تصویب قطعنامه‌ی ۵۹۸ صدام اظهار می‌کند:

«بزودی رهبران ایران صورت بر زمین نهاده، برای درخواست صلح خواهند آمد و عراق خواهش آنها را بررسی خواهد کرد»

[۱۶۲۰] .

و پس از تصویب قطعنامه‌ی ۵۹۸، صدام طی سخنانی که در کنفرانس امان ایراد می کند، می گوید:

«ایران هر قـدر بر جنگ و تجاوز علیه عراق اصـرار بورزد، بیشتر به خودش ضـرر می‌رسانـد، زیرا ایران با این عمل سـرش را به آهن می کوبـد و این عمـل به شکسته شـدن این سـر توخالی و شاخهای آن منجر می‌شود، بـدون اینکه عراق از جای خود تکانی بخورد» [۱۶۲۱] .

در نهایت، چند روز پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط ایران، الثوره در تبیین پیروزی فکری و نظامی عراق بر ایران می‌نویسد:

«حکام ایران که تمامی راهها بر روی آنها بسته شده و ادامه‌ی روش تجاوزکارانه و خصمانه خود را که آشکارا بر آن تأکید ورزیده بودند، غیر عملی یافتند و پس از آنکه در فاو، شـلمچه، مجنون، زبیدات، ماووت و غیر آنها شـکست خوردند، قطعنامه‌ی ۵۹۸ را که یک سال تمام از پذیرش آن سرباز زده بودند، از سر ناچاری پذیرفتند» [۱۶۲۲] .

گذشـته از مسألـه‌ی سـرنوشت جنگ که توسط رسانه‌های خبری اسـتکبار جهانی و عراق به تناسب علایق و تمایلاتشان تبیین می‌شد، در مرحله سوم جنگ، امریکا چگونه به تعقیب اهداف چهارگانه خود، که در مراحل قبل از آنها یاد کردیم، پرداخت؟

امریکـا در تعقیب سـیاست مهـار امواج انقلاب اسـلامی در سـطح منطقه و جهان و فرسایش ایران و در نهایت وابسـته کردن ایران به خود، سعی می کند جنگ را در حالتی بینابین

[صفحه ۳۶۸]

و همچنـان برافروخته نگه دارد تـا در رونـد ادامه‌ی جنـگ اولاـ بـا تقویت تکنولوژی جنگ عراق و تحریم تسـلیحاتی ایران و ثانیا با سودجـویی از زمینه‌ی مساعـدی که دیـدگاه غیر واقع بین بسـیاری از مسـئولان ایرانی فراهم آورده بود و ثالثـا بـا فرسـایش تـدریجی نیروهـای انقلابی ایران در جبهه‌ها و فرسایش امکانات اقتصادی ایران و رابعا با سودجویی از اختلافات داخلی مسـئولان و حمایت از میانه‌روهـای ایران و فرسـایش روانی مردم، بتدریـج بتوانـد ایران را در بن‌بستی قرار دهـد که چـاره‌ای جز پـذیرش نزدیکی با امریکا نداشـته باشـد. از این رو، اگر به موضـعگیریهای مقامـات امریکایی در طی مرحله‌ی سوم جنگ توجه کنیم، می‌بینیم که این مقامات همواره مطلوب‌ترین حـالت جنـگ را حـالت فرسایشـی آن دانسـته‌اند. ریچـارد مورفی، معـاون وزارت خـارجه‌ی امریکـا، خطاب به کنگره‌ی امریکـا اعلام می کنـد: «حکومت معتقـد است یک پیروزی توسط هر طرف، نه از لحاظ نظامی ممکن و نه از نظر راهبردی خوشایند است» [۱۶۲۳] .

کسـینجر در این زمینه اظهار می کند: «نفع امریکا در آن است که هر دو کشور در جنگ بازنده باشـند» [۱۶۲۴] دو مقام دولتی دیگر امریکا طی مصاحبه‌های جداگانه‌ای بیان می کنند: «ما در ابتدا می گفتیم بگذارید ایران و عراق هر چقدر می‌خواهند به جان یکدیگر بیافتند» [۱۶۲۵] ، و «ایران منـابع انـدکی در اختیـار دارد، از نظر دیپلماتیـک منزوی اسـت و از نظر سـلاح در مضـیقه اسـت و چنین نتیجه‌ای در جنگ برای منافع غرب ارضا کننده خواهد بود» [۱۶۲۶] .

فرسایشی شدن جنگ چنان مطلوب امریکا بود که هرالدتریبیون طی مقاله‌ای می‌نویسد:

«واشنگتن حتی به خود زحمت نمی‌دهد که در برابر این جنگ پرکشتار، اظهارنظر کند» [۱۶۲۷] .

برخی از مقامهـای غربی و اسـرائیلی هم در برخورد بـا مسألـه‌ی جنـگ تحمیلی، بشـدت از فرسایشـی شـدن جنگ اظهار خرسـندی می کنند و این حالت را بهترین حالت ممکن

[صفحه ۳۶۹]

برای منافع خود می‌دانند. جولیواندرئوتی، وزیر امور خارجه‌ی ایتالیا طی مصاحبه‌ای در رم اعلام می‌کند: «راه‌حل ایده‌آل برای جنگ ایران و عراق این است که هیچیک از طرفین جنگ فاتح نباشند» [۱۶۲۸] اسحاق شامیر نخست‌وزیر و آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در خصوص جنگ اظهار می‌کنند:

«این جنگ باید ادامه یابد، زیرا ادامه‌ی آن به طولانی‌تر شدن عمر اسرائیل کمک می‌کند» [۱۶۲۹] ، «امیدوارم جنگ ایران و عراق حتی‌المقدور ادامه یابد» [۱۶۳۰] .

قابل توجه است که تمامی این موضعگیریها در حالتی است که صدام، آلت دست غرب، در طول جنگ مکرر و عاجزانه تقاضای دخالت ابرقدرتها برای خاتمه جنگ را مطرح می‌کرد. صدام چند ماه پس از عملیات رمضان و ورود ایران به خاک عراق و در موقعیتی که هنوز با کابوس کناره‌گیری از قدرت دست به گریبان بود و دیپلماتهای عرب و غرب اظهار می‌داشتند اگر صدام برکنار شود، امکان دسترسی به صلح آسانتر خواهد بود، در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی، در حالی که با شدیدترین لحن انتقادی با امریکا برخورد می‌کند «امریکا را متهم می‌کند که با پایان ندادن به جنگ درصدد لطمه زدن به عراق است. صدام در این مصاحبه علی‌رغم آنکه لحن ملایمتری نسبت به شوروی داشت، هر دو کشور امریکا و شوروی را شیطانی نامید و گفت ادعای شولتز و گرومیکو در خصوص کوشش برای پایان بخشیدن به جنگ، پس از ملاقاتی که در سازمان ملل متحد داشته‌اند، نیرنگی بیش نبوده است» [۱۶۳۱] .

رسانه‌های خبری خارجی باز هم «تقاضای صدام مبنی بر ورود امریکا در مسأله‌ی جنگ و خاتمه دادن به آن را منعکس می‌کنند» [۱۶۳۲] و به این ترتیب حساسیت فرسایش ایران در روند جنگ برای امریکا مشخص می‌شود. اهداف مدنظر امریکا، به حدی برایش مهم بود که در عمل حتی تقاضاهای عاجزانه و گاه با اعمال فشار صدام برای دخالت در جنگ

[صفحه ۳۷۰]

و خاتمه دادن به آن را به هیچ می‌گیرد. یکی از نشریات آلمان غربی طی تحلیلی در این باره می‌نویسد:

«دادن اسلحه و اطلاعات غلط جاسوسی به طرفین جنگ، به این دلیل است که هیچیک از طرفین جنگ برنده نشوند» [۱۶۳۳] .

اما امریکا برای در بن‌بست نگه داشتن جنگ مشخصا به چه اقداماتی متوسل شد؟

کمک حامیان غربی امریکا و کشورهای عرب زیر سلطه‌ی امریکا، در جهت افزودن سطح تکنولوژی جنگ رژیم عراق - و متقابلا تحریم تسلیحاتی ایران - یکی از مهمترین اقدامات امریکا در طول جنگ و بویژه در مرحله‌ی سوم جنگ بود تا از امتیاز نیروی انسانی ایران، و شجاعت، رشادت و شهامت آنان بکاهد و با تهدید مردم پشت جبهه، آنان را نیز از جبهه دور سازد.

رسانه‌های خبری خارجی که از مرحله‌ی دوم جنگ به بعد همواره خبر ارسال سلاحهای پیشرفته و پیشرفته‌تر به عراق را می‌دادند، در مرحله‌ی سوم جنگ اعلام می‌کنند: «تقریبا می‌توان اطمینان داشت که عراقیها در جنگ بازنده نخواهند بود؛ زیرا تمامی سلاحهای مورد نیاز را در اختیار دارند» [۱۶۳۴] و در موارد دیگری اظهار می‌کنند: «ارتش عراق از سلاحهای مدرن لبریز شده است» [۱۶۳۵] و مسئولان حزب بعث عراق هم بصراحت اعلام می‌کنند: «تدارکات تازه و سلاحهای پیشرفته‌ی فرانسوی و روسی به عراق اطمینان داده است که می‌تواند از یک موضع دفاعی آرام، به یک حالت تهاجمی تغییر جهت دهد» [۱۶۳۶] علاوه بر ارسال انبوهی از سلاحهای بسیار پیشرفته به عراق، این رژیم «با خرید طرحهای شرکتهای غربی، که ابداعات جدیدی در نحوه‌ی تهاجم

هوایی به خطوط حیاتی ارتباطی ایران، انبارهای مهمات ایران، پالایشگاهها، ایستگاههای پمپ نفت، کاروانهایی که به جبهه‌ها اعزامی می‌شوند و... را شامل می‌شوند» [۱۶۳۷] و سودجویی از «خلبانهای اجاره‌ای» [۱۶۳۸] .

[صفحه ۳۷۱]

و مستشاران نظامی روسی، فرانسوی و... سعی دارد به کیفیت به کارگیری تجهیزات نظامی‌اش بیفزاید.

در این قسمت برای به دست دادن تصویر ملموستری از پیشرفت تکنولوژی جنگ عراق، به اجمال از پیشرفت نیروی هوایی، موشکی، شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای عراق یاد خواهیم کرد.

اگرچه در آغاز جنگ نیروی هوایی عراق بتصریح صدام، «بسیار ضعیفتر از نیروی هوایی ایران بود» [۱۶۳۹] ، اما در آغاز مرحله‌ی سوم جنگ نیروی هوایی این رژیم «۶-۴ برابر ایران» [۱۶۴۰] و در سال بعد «۷ برابر نیروی هوایی ایران» [۱۶۴۱] می‌شود و این روند رشد تا عملیات کربلای ۵ به «۸۰۰ فروند هواپیمای عراقی» [۱۶۴۲] در برابر «۶۰ فروند هواپیمای ایران» [۱۶۴۳] می‌رسد. علاوه بر این، عراق با دریافت هواپیماهای پیشرفته‌ی «میگ ۲۷» [۱۶۴۴] و «میگ ۲۹» [۱۶۴۵] و «میراژ» [۱۶۴۶] ، از نظر کیفی نیز از نیروی هوایی ایران جلوتر می‌افتد و با به خدمت گرفتن تکنولوژی پیشرفته‌ی غربیها به اصلاح هر چه بهتر هواپیماهای خویش می‌پردازد» [۱۶۴۷] .

«دریافت هواپیماهای هشدار دهنده‌ی آواکس از عربستان و استفاده از آن در جنگ» [۱۶۴۸] ، «دریافت هواپیماهای سوپر اتاندارد از فرانسه» و «دریافت هواپیماهای ویژه‌ی سوخت رسانی» [۱۶۴۹] که به عراق امکان مورد هدف قرار دادن اهدافی در قلب ایران را می‌دادند، و «دریافت بمبهای لیزری هدایت شونده، که به دقت هدف‌گیری هواپیماهای

[صفحه ۳۷۲]

عراق، فوق‌العاده افزایش می‌داد» [۱۶۵۰] ، قسمت دیگری از کمکهای غرب و شرق به نیروی هوایی عراق بود.

برخوردار شدن عراق «از بمبهای خوشه‌ای امریکایی» [۱۶۵۱] که از طریق کشور شیلی در اختیار این رژیم قرار می‌گرفت، و به نظر کارشناسان سلاحهای استراتژیک «این بمبها شبیه سلاحهای اتمی، اما با قدرت انفجاری کمتری بود» [۱۶۵۲] و «دریافت بمبهای خوشه‌ای جدیدی که شبیه توپ بسکتبال پس از اصابت به زمین ۱۰-۶ متر به سمت بالا پرتاب و در هوا منفجر می‌شدند» [۱۶۵۳] و خرید «بمبهایی که با چتر به بیرون پرتاب می‌شد و به سبب داشتن ترکیبات معدنی، شبیه بمبهای شیمیایی، گاز و بخار اووسول از خود متصاعد کرده و سپس منفجر می‌شدند» [۱۶۵۴] ، از جمله تجهیزات پیشرفته‌ی دیگری بود که عراق دریافت می‌کرد.

پس از عملیات رمضان، عراق در ازای آزادسازی اعضای حزب کمونیست عراق و عفو عمومی که به تمامی کمونیستهای عراقی داد، از شوروی خواست تا اجرای قراردادهایی را که قبل از آغاز جنگ امضا شده بود، از سر بگیرد، و شوروی هم ضمن «ارسال پیشرفته‌ترین موشکهای خود به بغداد» [۱۶۵۵] و دادن اجازه‌ی استفاده «از نوع یک سره‌ی موشک به عراق» متعهد شد: «در صورت درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق و پیشرفت ایرانیها به سوی بغداد یا بصره، موشک نوع خوشه‌ای را در اختیار عراق قرار دهد» [۱۶۵۶] در همین راستا، عراق بدون آنکه دارای موشکهای میان‌برد باشد «درصدد تهیه‌ی شبکه‌های پرتاب موشکهای سنگین با قدرت پروازی ۸۵۰ کیلومتر بر می‌آید» [۱۶۵۷] و در این میان، اخباری دال بر دستیابی عراق «به موشکهای انفجاری تابشی که از راه دور کنترل

[صفحه ۳۷۳]

می‌شود و تا ۹۰۰ کیلومتری در عمق پیش می‌رود و تنها در اختیار دو اتحادیه‌ی نظامی غرب و شرق است و اینکه عراق اولین دولت مستقلی است که موفق به خرید چنین سلاحی شده است» [۱۶۵۸] ، «خرید موشکهای کامپیوتری که شبیه اگزوست عمل می‌کنند» [۱۶۵۹] و «خرید موشکهای هدایت شونده‌ی هوا به زمین توسط رادار، با بردهای ۲۰۰-۱۵۰ مایل» [۱۶۶۰] در سطح رسانه‌های خبری جهان منتشر می‌شود.

در سال ۱۳۶۴، خبرگزاریها اطلاع می‌دهند که: «صدام خواستار تهیه‌ی موشکهای اس.اس ۱۲ شوروی شده است که با آنها می‌توان تهران را هدف قرار داد، اما شوروی مایل نیست این موشکها را در اختیار عراق قرار دهد» [۱۶۶۱] عراق برای دستیابی به موشکهای میان‌برد «هزینه اجرای پروژه موشکهای اس.اس ۲۰ برزیل را، که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای یا شیمیایی بودند، تأمین می‌کند تا با به اتمام رسیدن تولید این موشکها در سال ۱۹۸۹ یا ۱۹۹۰، این موشکها را از برزیل خریداری کند» [۱۶۶۲] .

در سال ۱۳۶۶، منابع نظامی غربی در تهران، ضمن رد ادعای عراق مبنی بر ساختن موشکهای با برد ۶۵۰ کیلومتر، اعلام می‌کنند: «عراق از شوروی موشکهای زمین به زمین اس.اس ۱۲ با برد ۸۰۰ کیلومتر که می‌تواند تهران را مورد حمله قرار دهد، دریافت داشته است» [۱۶۶۳] و در این زمینه گفته می‌شود که «عراق، موشکهای اس.اس ۱۲ را در مقابل وعده‌ی نزدیکی بیشتر به شوروی دریافت داشته است» [۱۶۶۴] .

پس از مورد تهاجم قرار گرفتن تهران در اواخر سال ۱۳۶۶، رادیو امریکا اعلام می‌کند: «موشک تازه‌ی عراق نوع اصلاح شده‌ی اسکاد - بی شوروی است که ظاهرا بوفور در اختیار عراق قرار دارد» [۱۶۶۵] و خبرگزاری عراق طی گزارشی اعلام می‌کند: «موشک

[صفحه ۳۷۴]

العباس که نوح تحول یافته‌ی موشک الحسین است با ۹۰۰ کیلومتر برد، در صنایع نظامی عراق ساخته شده است» [۱۶۶۶] صدام نیز با اظهار اینکه «امکانات نظامی عراق رو به افزایش است، ایران را تهدید می‌کند اگر قطعنامه‌ی ۵۹۸ را نپذیرد، بهای گزافی خواهد پرداخت» [۱۶۶۷] .

عراق علاوه بر سودجویی از قدرت موشکی، درصدد بهره گیری از سلاحهای شیمیایی بر می‌آید و «پس از سرمایه‌گذاریهای چند ساله‌ای که در این زمینه دارد» [۱۶۶۸] ، در «تولید سلاحهای شیمیایی در خاورمیانه رتبه‌ی اول را کسب می‌کند» [۱۶۶۹] و «استفاده‌ی مداوم» [۱۶۷۰] و «بهره گیری بی‌ملاحظه از این سلاحها را آغاز می‌کند» [۱۶۷۱] و «نه تنها نظامیان ایرانی در معرض آسیب از این سلاحها قرار می‌گیرند، بلکه حتی منابع کشاورزی و آب آشامیدنی تهدید می‌شوند» [۱۶۷۲] .

پس از تهاجم شیمیایی عراق به حلبچه و «تهاجم شیمیایی گسترده به جبهه‌های ایران» [۱۶۷۳] ، عراق از قدرت شیمیایی خود جهت تهدید مردم ایران بهره می‌گیرد و تهدید می‌کند که «تهران و سایر شهرهای ایران را مورد تهاجم شیمیایی قرار خواهد داد» [۱۶۷۴] آثار زیانبار روانی این سلاحها تا آنجا در روحیه‌ی مردم و نظامیان ایرانی مؤثر واقع می‌شود که سفیر ویژه‌ی ایران در سازمان ملل متحد اظهار می‌کند: «دلیل پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از جانب ایران، به کارگیری بی‌رحمانه‌ی سلاح شیمیایی از جانب عراق بوده است» [۱۶۷۵] .

از سوی دیگر، عراق در تلاش برای به دست آوردن بمبهای میکروبی، «بمبهای

[صفحه ۳۷۵]

میکروتوکسین و میکروبیولوژیک را از شوروی خریداری کرده» [۱۶۷۶] ، بـا کمک تکنولوژی کشورهای غربی «درصـدد ساختن بمبهای طاعونزا» [۱۶۷۷] بر می‌آیـد و تهدیـد می‌کنـد که:«در جریان جنگ از سلاحهای میکروبی خویش نیز سود خواهد جست» [۱۶۷۸] .

عراق همچنین برای دستیابی به بمب اتمی، ضـمن آنکه درصـدد «خریـد کلاهک هسته‌ای برای موشکهای خود» [۱۶۷۹] است، از «فرانسه و شوروی می‌خواهـد تـا بازسازی راکتور تخریب شـده‌ی تموز را بر عهـده بگیرنـد» [۱۶۸۰] و شوروی نیز تعهـد می‌کنـد به عنوان اولین گـام در جهت احیـای عهـدنامه‌ی دوستی میـان مسـکو و بغـداد «یـک راکتور اتمی جدیـد برای عراق بسازد» [۱۶۸۱] و نشـریه‌ی نظامی جینز دیفنس طی گزارشـی اعلام می‌کند: «عراق از تأسیسات غیراتمی خود جهت توسـعه‌ی سلاحهای اتمی استفاده می‌کند» [۱۶۸۲] .

«اطلاعـات ماهواره‌ای امریکا» [۱۶۸۳] و «اطلاعات رله شده از طریق آواکسـهای عربسـتان» [۱۶۸۴] نز موجبـات تقویت هر چه بیشتر عراق را فراهم می‌آورنـد. در کنار پیشـی گرفتن تکنولوژی جنگ عراق، این رژیم با اجرای برنامه‌های وسـیعی می‌کوشـد تا «کیفیت آموزش» [۱۶۸۵] و «سازمـان رزم ارتش عراق» [۱۶۸۶] را بشـدت بالاـ ببرد تـا جایی که در سال ۱۳۶۷ ارتش عراق از «بیش از ۵۰ لشکر رزمی برخوردار می‌گردد» [۱۶۸۷] .

[صفحه ۳۷۶]

علاـوه بر کمکهـای فوق، امریکا که به کشورهای تحت‌الحمایه‌ی خویش اطلاع داده بود:، «شـکست عراق در جنگ با ایران مغایر با منافع امریکاست» [۱۶۸۸] با تبلیغاتش مکرر از «احتمال تهاجم ایران به کشورهای کویت، عربسـتان و...» [۱۶۸۹] سخن می‌گوید، به «تجهیز کشورهای عرب تحت‌الحمایه‌ی امریکا به سـلاحهای پیشرفته» [۱۶۹۰] می‌پرداخت و «عربسـتان را تشویق به درگیری با ایران می‌کند» [۱۶۹۱] ، تا جایی که عربسـتان بصـراحت اعلام می‌کنـد: «عربسـتان قصد شـرکت در جنگ ۴ سـاله ایران و عراق را دارد» [۱۶۹۲] بعلاـوه، عراق که لحظه به لحظه مواضع کشورهـای عربی را تعقیب می‌کنـد «هنگـام تمایـل نشـان دادن کشورهـای عربی به برقراری یک آتش‌بس دوجانبه با ایران» [۱۶۹۳] به انحای مختلف مانع سازش این کشورها با ایران می‌شود و ضـمن تلاشهای بسیار زیـاد «بـا دور کردن تـدریجی حامیـان عرب ایران از این کشـور» [۱۶۹۴] و بمبـاران شـیمیایی حلبچـه «اکراد عراقی را نیز از ادامـه‌ی همکاری با ایران منصرف می‌کند» [۱۶۹۵] .

در حالی که عراق با سـیلی از اسلحه‌های پیشرفته اهدایی غرب و شرق روبروست، ایران به طور غیرعلنی «مورد تحریم تسلیحاتی قرار می‌گیرد» [۱۶۹۶] و نـه تنهـا غرب از برآوردن نیازهـای تسـلیحاتی ایران سـرباز می‌زنـد، بلکه مجـدانه می‌کوشـد تـا بـا «از بین بردن شبکه‌های قاچاق اسلحه» [۱۶۹۷] و اعمال فشارهای گوناگون به کشورهایی مانند «چین» [۱۶۹۸] ، «کره جنوبی» [۱۶۹۹] .

[صفحه ۳۷۷]

و... مانع آن شود که سلاحهای مورد نیاز ایران به این کشور برسد. از این رو، ضمن آنکه روآوردن ایران به بازار دلالان اسلحه ۳۰ تا ۴۰ کشور مختلف، از کیفیت کارآیی سلاحهای ایران می‌کاهد، تحریم غیرعلنی تسلیحاتی ایران سبب می‌شود که ایران مجبور باشد در خریدهایش «چند برابر هزینه‌ی معمول سلاحها را بپردازد» [۱۷۰۰] اما زمانی که ضعف تسلیحاتی ایران در ماجرای نزدیکی و معامله‌ی عناصر میانه‌رو با امریکا، به طور موقت کاهش می‌یابد، ایران در عملیات کربلای ۵، موفق به انهدام «۲۰ درصد از نیروی زرهی» [۱۷۰۱] و «۱۰ درصد نیروی هوایی عراق» [۱۷۰۲] می‌شود، و رسانه‌های خبری استکبار جهانی، این توانمندی را به طور مشخص با به کارگیری «موشکهای ضدهوایی هاك و موشکهای ضد تانک تاو امریکایی» [۱۷۰۳] ارتباط می‌دهند که تحلیل دور از ذهنی هم به نظر نمی‌رسد.

علاوه بر ضعف تسلیحاتی ایران، ضعف تدارکاتی، سازمان رزم، آموزش نیروها و برنامه‌ریزی ایران از موانع مهم توفیق نیافتن جمهوری اسلامی در اهداف طرح‌ریزی شده‌اش بود. در عملیات «والفجر ۲» [۱۷۰۴] و «والفجر ۴» [۱۷۰۵] و... رسانه‌های خارجی و عراق بصراحت مشکل لجستیکی و تدارکاتی ایران را مانع پیروزی ایران در مناطق کوهستانی بر می‌شمردند. همین مسأله، در پی هر عملیات دیگری نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۳ رسانه‌های استکبار جهانی اعلام می‌کنند: «حمله‌ی ایران به دلیل مشکلات لجستیکی تا پاییز آینده به تعویق افتاده است» [۱۷۰۶] و پیش از آغاز عملیات کربلای ۵، کارشناسان خارجی اظهار می‌کنند: «از تدارك لجستیکی که برای حمله‌ی بزرگ ایران

[صفحه ۳۷۸]

لازم است، خبری نیست» [۱۷۰۷] و در جریان همین عملیات، کارشناسان نظامی غربی می‌گویند: «در اینکه ایران فشار خود را بر شرق بصره حفظ کند تردید وجود دارد، زیرا خطوط تدارکاتی آنها طولانی است و مواضعشان در مقابل حملات هوایی عراق آسیب‌پذیر است» [۱۷۰۸] سرانجام، رسانه‌های خارجی از مسأله‌ی «تقویت خطوط تدارکاتی ایران در جبهه‌های عملیاتی کربلای ۵» [۱۷۰۹] به عنوان عامل تعیین کننده در موفقیت ایران در این جبهه یاد می‌کنند.

اما، مشکل تدارکاتی و لجستیکی ایران همچنان پابرجا می‌ماند تا اینکه پس از سقوط فاو رسانه‌های غربی اعلام می‌کنند: «ایران با از دست دادن فاو، ممکن است نفس راحتی هم بکشد؛ زیرا حفظ این منطقه یک کابوس لجستیکی برای ایران بود که هرگز هم نتوانسته بود از این ناحیه، به عنوان سرپلی برای به راه‌انداختن حملات بعدی استفاده کند» [۱۷۱۰] .

ضعف سازمان رزم ایران مسأله‌ی دیگری بود که به نداشتن برنامه‌ریزی بلندمدت مسؤلان ایران در امر جنگ بر می‌گردد.

کتاب از خرمشهر تا فاو در تحلیل عملیات ناموفق «رمضان» [۱۷۱۱] و «شکست عملیات بدر» [۱۷۱۲] بر «ضرورت گسترش سازمان رزم سپاه» و «آموزش لازم نیروها» [۱۷۱۳] به عنوان عواملی اساسی تأکید می‌ورزد. این مسائل باز نادیده گرفته می‌شوند و در جریان «تحرکات دفاع متحرك عراق» [۱۷۱۴] دوباره مورد توجه قرار می‌گیرند. برخی از فرماندهان سپاه هم در طی سالهای جنگ درباره‌ی ضعف سازمان رزم ایران و ضرورت توجه و پرداختن جدی به این مسأله اظهار می‌داشتند:

[صفحه ۳۷۹]

«آیا صرف بسیج نیرو در این مقطع می‌تواند مشکل ما را حل کند؟ یک لشکر می‌تواند ۵ روزه یک لشکر بشود؟ جنگ که تظاهرات نیست، انتخابات نیست، نیاز به روند دارد. عراق در طول ۵ سال جنگ سازمان رزمش گسترش پیدا کرده است» [۱۷۱۵] .

«ضعف سازمان رزم ما، در وضعیت ۷ سال اخیر جنگ، وجود داشته است. ما اگر سال ۵۹ تصمیم می گرفتیم که به این وضعیت دچار نشویم می‌شد، کمااینکه صدام تصمیم گرفت که دچار این وضعیت نشود و امروز به همین دلیل می‌تواند محکم صحبت کند. گسترش سازمان رزم عراق به حدی بوده که حتی تعداد نیروی پیاده‌اش از ما بیشتر است، به این دلیل که ۷ سال روی جنگش برنامه‌ریزی کرده است. ما عقب‌ماندگی ۷ ساله را یکباره در سال ۶۵ نمی‌توانیم حل کنیم» [۱۷۱۶] .

اما به دلیل بی‌برنامه بودن و بی‌توجهی به سرمایه گذاریهای لازم، سازمان رزم ایران به نحو مطلوب گسترش نمی‌یابد و همین مسأله سبب می‌شود عراق چنین نتیجه بگیرد که:

«نیروهای ایران بعد از هر حمله نیاز به یک سال بازسازی دارند و نمی‌توانند سریع حمله کنند» [۱۷۱۷] .

فرمانده کل سپاه پس از عملیات فاو اظهار داشت: «بعد از عملیات فاو تمام دنیا روی این ارزیابی نشست که اگر ایران توان داشت، حتما ام‌القصر را گرفته بود» [۱۷۱۸] کتاب «جنگ در سال ۶۵»، پس از عملیات کربلای ۵، اعتراف می کند: «اگر سازمان رزم سپاه محدود نبود و یگانهای اضافی در اختیار داشت، با استفاده از این موقعیت، پیروزیهای کربلای ۵ ابعاد وسیعتری می‌یافت و حداقل کل منطقه‌ی شرق کانال زوجی سقوط می کرد» [۱۷۱۹] .

در سال ۱۳۶۶ رسانه‌های خبری غرب با تأکید بر ضعف سازمان رزم ایران

[صفحه ۳۸۰]

می گویند: «ایران برخلاف سال ۶۵ که به بسیج یک میلیون داوطلب موفق شد، در این سال تنها موفق به بسیج ۴۰۰ هزار نفر شده است» [۱۷۲۰] و به همین دلیل «قادر به انجام تهاجم معمول زمستانی خود نیست» [۱۷۲۱] این روند رو به تنزل، در اعزام سه ماهه‌ی اول سال ۶۷ «به ۲۲۰ هزار نفر که کمتر از یک سوم سال قبل بود، می‌رسد» [۱۷۲۲] این مسائل در موقعیتی رخ می‌دهد که در ایران صدها هزار جوان از خدمت سربازی فرار کرده بودند.

آموزش اندک و ناکافی نیروهای ایرانی مسأله مهم دیگری بود که مکرر توسط رسانه‌های خبری عراق و استکبار جهانی مطرح می‌شد» [۱۷۲۳] برای مثال، یکی از این رسانه‌ها می گوید: «نیروهای آموزش ندیده ایرانی، زیر رگبار عراقیها همچون برگ خزان می‌ریزند» [۱۷۲۴] .

بی‌توجهی به واقعیات ژئواستراتژیکی مشکل دیگری بود که ایران با آن درگیر بود. نشریه دی ولت درباره‌ی مسائل ژئواستراتژیکی جنگ، در جریان فتح فاو می‌نویسد:

«ناظران بی‌طرف در بغداد می گویند: ایران فقط می‌تواند با حمله‌ی نظامی در جنوب پیروز شود. در کوههای شمال، کردها اجازه‌ی پیشروی نمی‌دهند، و در جبهه‌های میانی هم از مرز تا بغداد زمین مسطح است و امکانات تسلیحاتی ایران اجازه‌ی حمله‌ی در آنجا را نمی‌دهد. اگر ایرانیها به بصره برسند، جنگ به نفع آنها برخواهد گشت» [۱۷۲۵] .

پس از آنکه ایران برای تجزیه‌ی نیروهای عراق در جریان عملیات فاو، به انجام عملیات والفجر ۹ پرداخت، عراق با توجه به واقعیات ژئواستراتژیکی منطقه، دفاع از مناطق جنوبی عراق را بر دفاع از مناطق شمالی عراق ترجیح داد و بیشتر تلاشهای خود را در این مناطق مصروف داشت. کتاب از خرمشهر تا فاو در این باره می‌نویسد:

[صفحه ۳۸۱]

«دشمن با درک تلاش ایران برای تجزیه‌ی نیروهایش، مناطق تصرف شده در عملیات فجر ۹ را قربانی فاو و باز پس گیری آن کرد. از این رو، فرمانده سپاه هفتم عراق اظهار داشت:

تصرفاتی که ممکن است ایران در شمال به دست آورد، اهمیت استراتژیک ندارد. اگر ایرانیها فکر می‌کنند که پیشروی آنها در شمال از دشواری آنها در فاو خواهد کاست، اشتباه می‌کنند» [۱۷۲۶] .

تهاجم ایران به مناطق کوهستانی شمال عراق نیز ارزش استراتژیک نداشت و این تهاجم از سوی «سخنگوی وزارت خارجه امریکا» [۱۷۲۷] و... بی‌ارزش تلقی شده بود. اما، ایران در سال ۱۳۶۶ بدون توجه به واقعیات ژئواستراتژیکی، و فقط برای به دست آوردن یک پیروزی با نفرات نسبتا کم و کاهش آلام مردمی که مورد تهاجم موشکی عراق واقع شده بودند، به بهای در معرض خطر قرار گرفتن جبهه‌های جنوبی، دوباره در مناطق شمالی عراق، عملیاتی را شروع می‌کند، تا جایی که حتی کویتیها اظهار می‌کنند:

«نیروهای عراقی با آزادی فاو، به ایرانیان ثابت کردند که فریب جبهه‌های انحرافی در شمال عراق را نخواهند خورد» [۱۷۲۸] .

کنار ماندن ارتش از صحنه‌های عملیاتی در مرحله‌ی سوم جنگ - که برخلاف رهنمود صریح حضرت امام مبنی بر اینکه «نه ارتش به تنهایی می‌تواند کاری بکند و نه سپاه» -، ناموفق ماندن ایران «در تأسیس ارتش آزادیبخش مرکب از مخالفان رژیم عراق» [۱۷۲۹] ، «نپرداختن به خطوط دفاعی و استحکامات مواضع خودی» [۱۷۳۰] و... از مشکلات و موانع دیگر ایران در مصاف با عراق بود. در انتهای تمامی این بحثها شاید بتوان گفت که فروپاشی ایران در سال ۱۳۶۷، شاید ارتباط کمی با پیشرفت تکنولوژی جنگ عراق و عقب‌ماندگی تکنولوژی جنگ ایران داشت، زیرا تقریبا تمامی کارشناسان نظامی

[صفحه ۳۸۲]

و رسانه‌های خبری جهان بر سر این مسأله اتفاق رأی داشتند که «کارآیی نظامیان عراقی در سطح تجهیزات نظامی آنها نیست» [۱۷۳۱] بنابراین، باید به دنبال نکات مؤثر دیگر یا عوامل دیگر فرسایشی و فروپاشی نظامیان ایران بود. در اینجا به اختصار به این موارد اشاره می‌کنیم. دید غیر واقع‌بین ایران، مسأله‌ی بسیار مهم دیگری بود که در روند فرسایش جمهوری اسلامی - تا حدی که ایران به استکبار جهانی امریکا وابسته بشود - در برنامه‌ریزیهای استکبار جهانی امریکا مدنظر قرار می‌گرفت.

امام امت، که تبلور اسلام ناب محمدی (ص) را در خود داشت، طبق آیه شریفه: و لن ترضی عنک الیهود و لا النصاری حتی تتبع ملتهم (۱۲۰ بقره) و آیات مشابه، به روشنی می‌دانست که غرب و شرق تنها زمانی به جمهوری اسلامی روی خوش نشان خواهند داد که اسلام ایران، چیزی شبیه اسلام عربستان و پاکستان شود. از این رو، ایشان بدون پذیرش این سقوط عظیم، تنها پشتوانه و اتکای خود را خداوند تبارک و تعالی قرار داده بودند و هیچ چیز جز رضای خداوند را در نظر نمی‌گرفتند. امام امت در پیامی که پس از پذیرش قطعنامه خطاب به ملت ایران دادند، از این اصل نظام اسلامی چنین یاد کردند:

«خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه‌ی تکیه‌گاه ما تویی و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم».

امام امت با موضع‌گیریهای مشابه، که در چارچوب روابط معمول سیاستهای قدرت مدار جهانی نمی‌گنجید، حرکت می‌کردند و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ترسیم کرده‌اند. امام امت در یکی از سخنرانیهای خود ملتهای مسلمان را چنین به قیام فرا می‌خوانند:

«ملتهای شریف مصر و عراق و دیگر کشورهای تحت سلطه‌ی منافقان باید قیام کنند. به بلندگوهای فاسد که این جنایتکاران را مسلمان جلوه می‌دهند، گوش فرا ندهند و از قدرتهای پوشالی این خائنان نهراسند».

امام در جای دیگری می‌فرمایند:

«هنوز اول ماجراست و (قدرتهای شیطانی) کابوسهای دیگری دارند و باید

[صفحه ۳۸۳]

خود را برای نابودی و مرگ جیره‌خوارانی چون صدام و دست‌نشاندگانی چون اسرائیل غاصب آماده کنند... ما برخلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی خواهیم نمود».

ایشان در پیام حجاج بیت‌الله الحرام در ذیحجه ۱۴۰۶ می‌فرمایند:

«من به تمام جهان با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه‌ی دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است، می‌رسیم و همانگونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم و همانگونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی، متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده‌ی راه پرنشیب و فراز را با اتکا به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه‌ی خویش عمل خواهیم کرد».

این خط سیاسی که حضرت امام امت ترسیم می‌کرد، خط سیاسی اسلام ناب محمدی (ص) بود و صلابت اسلام را به نمایش می‌گذاشت و به طور طبیعی، انعکاس این سیستم فکری - سیاسی، رعب و هراس عظیمی را در دل استکبار جهانی ایجاد می‌کرد. از این‌رو، رسانه‌های خبری استکبار جهانی آشکارا از احتمال «مین‌گذاری خلیج فارس در صورت ضربه خوردن ایران از ناوگانهای خارجی» [۱۷۳۲] ، «بستن تنگه‌ی هرمز» [۱۷۳۳] ، «واکنش نشان دادن سپاه در برابر ناوگان امریکا» [۱۷۳۴] ، «گسترش دادن جنگ به کشورهای حامی عراق» [۱۷۳۵] و... سخن می‌گفتند و «از حرکتهای غیرقابل پیش‌بینی ایران» [۱۷۳۶] نظیر «تهاجم ایران به

[صفحه ۳۸۴]

ناوگان امریکا در خلیج فارس» [۱۷۳۷] ، اظهار شگفتی می‌کردند. واشنگتن پست در یکی از توصیفات خود از ایران می‌نویسد:

«ایران کشوری بسیار مستقل با عناصر تندرو است و ابدا مشخص نیست که با توسل به چه شیوه‌ای می‌توان این کشور را از حمله بازداشت. حتی اگر این تهدیدها با هدف قرار دادن پایانه‌های نفت ایران ادامه یابد، با همه‌ی اهمیتی که داراست، در صورتی که رهبران تهران با استفاده از «عنصر شهادت» هشدارها را نادیده بگیرند، اقدامات شدیدی انجام خواهد شد» [۱۷۳۸] .

اگر سیاست خارجی ایران بر همان مبنا و اصولی که حضرت امام امت طراحی کرده و راه نموده بودند، حرکت می‌کرد؛ پویایی انقلاب اسلامی و صلابت نظام اسلامی حفظ می‌شد، اما حرکتهای برخی از مسؤلان سبب می‌شد که استکبار جهانی دید غیرواقع بین حاکم بر جمهوری اسلامی را دریابد و امیدوار باشد که این دید اشتباه، زمینه‌ی شکست درونی جمهوری اسلامی را فراهم آورد. به عنوان مثال، تقاضای ایران مبنی بر «سرنگون شدن رژیم صدام به عنوان یکی از شروط برقراری صلح در منطقه» [۱۷۳۹] ، از کسانی که خود عامل تهاجم عراق به ایران بودند، امری غیرقابل قبول برای غرب بود. اما برخی از مسؤلان ایران تصور می‌کردند بدون حل جنگ فقر و غنا در داخل و... و با روآوردن به روشهای دیپلماسی در سیاست خارجی، توان رسیدن به خواسته فوق را دارند.

بی.بی.سی در یکی از گزارشهای خود درباره‌ی امکان پذیرش سرنگونی رژیم صدام، با استناد به قوانین ساخته و پرداخته‌ی غرب، می گوید:

«متجاوز در حقوق بین‌المللی به این معنا نیست که یک دولت بگوید تا زمانی که دولتی که یک روز به من تجاوز کرده است سقوط نکند، به جنگ ادامه می‌دهم. مجازات متجاوز، یعنی پرداخت غرامت به دولت مورد تجاوز قرار گرفته شده» [۱۷۴۰] .

[صفحه ۳۸۵]

در سطحی پایین‌تر، آندره گرومیکو، رئیس جمهور شوروی حتی طرح «برکناری صدام از قدرت» [۱۷۴۱] را تقاضای غیرمنطقی خواند و تایمز مالی در این زمینه نوشت: «اگر برکناری صدام واقعا یکی از شروط اساسی ایران باشد، تمام تلاشهای دیپلماتیک بیهوده خواهد بود؛ زیرا نه تنها عراق، بلکه پنج عضو دایمی شورای امنیت نیز این خواسته را غیرقابل قبول می‌دانند» [۱۷۴۲] در نهایت، در سطحی بسیار پایین‌تر، رسانه‌های خبری غربی حتی «محکومیت تجاوز عراق به ایران» [۱۷۴۳] را امری غیرقابل قبول می‌خواندند. رادیو اسرائیل در تحلیل موشکافانه‌ای که در همین زمینه ارائه می‌دهد، می گوید:

«عراق از ابتدا اعلام داشت که قطعنامه‌ی ۵۹۸ را بدون چون و چرا می‌پذیرد و حاضر به اجرای آن می‌باشد، ولی حکومت اسلامی ایران، نسبت به این قطعنامه، موضعی مبهم و دوپهلو پیش گرفت؛ یعنی بدون آنکه صریحا قطعنامه را رد کند، برای اجرای آن شرایطی قائل شد که به موجب آن، پیش از برقراری آتش‌بس، یک کمیسیون تحقیقاتی بین‌المللی برپا شود و متجاوز را دنبال کند. شاید اگر شرایط ایران به همین جا خاتمه می‌یافت، اجرای آن اشکال چندانی نداشت، ولی همگان می‌دانند که هدف و منظور نهایی حکومت اسلامی ایران از بیان این خواسته، آن است که وقتی حکومت حزب بعث عراق توسط یک مرجع بین‌المللی متجاوز تعیین گردید، مجازات سران آن را خواستار شود و اتمام جنگ را در گرو سرنگون ساختن رژیم بغداد بداند. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی ایران تلاش می کند همان هدفی را که تاکنون از طریق ادامه‌ی جنگ و زورآزمایی نظامی به آن دست نیافته، از طریق سیاسی با کمک مراجع بین‌المللی تأمین کند و این برای دست‌اندرکاران دنیای سیاست مسأله‌ای بسیار آشکار است» [۱۷۴۴] .

به این ترتیب، واضح است که نگاه داشتن ایران در بازیهای دیپلماسی تنها برای به

[صفحه ۳۸۶]

دست آوردن زمان برای فرسایش منابع و امکانات ایران بوده است، و امید بستن برخی از مسئولان ایران به مسائل دیپلماسی و مجامع بین‌المللی و حقوقی غرب، تنها در نتیجه‌ی حاکمیت دید ساده‌نگر آنان بوده است.

نمونه‌ی دیگری از دید غیر واقع‌بین مسئولان ایرانی، انتظار آنها برای جلب حمایتهای بین‌المللی در قبال تهاجم شیمیایی عراق به نظامیان و شهروندان ایرانی، زیرپا گذاردن قوانین جنگ توسط عراق و... بود. به عنوان مثال، پس از تهاجم گسترده‌ی شیمیایی عراق به جبهه‌ی فاو که در مسیر فاو - ام‌القصر تنها ۸ هزار شهید و مجروح از ایرانیها برجای گذاشت، وزارت خارجه امریکا ضمن زیر سؤال بردن ایران، اعلام می کند:

«هیچگونه تأییدی برای استفاده از چنین سلاحهایی توسط ایران و عراق در دست نیست» [۱۷۴۵] .

و پس از تهاجم گسترده‌ی شیمیایی عراق به حلبچه، نه تنها رسانه‌های خبری غربی «ایران و عراق را به طور یکسان در فاجعه حلبچه مسئول معرفی کردند» [۱۷۴۶] ، بلکه کارشناسان سازمان ملل متحد نیز در گزارش خود اعلام می کنند که: «هر دو کشور ایران و

عراق به استفاده از سلاحهای شیمیایی دست زده‌اند» [۱۷۴۷] .

در موارد دیگری نیز غربیها اعلام می‌کنند به شرط ورود ایران در روابط سوداگرانه‌ی آنها، حاضرند با ایرانیها معامله کنند. دیلی تلگراف طی مقاله‌ای می‌نویسد:

«ایران علاقمند است که غرب، عراق را به دلیل آغاز جنگ و همچنین استفاده از سلاحهای شیمیایی محکوم کند تا به دنبال این اقدام، بتواند به طور شرافتمندانه آتش‌بس را بپذیرد، ولی تا هنگامی که آزادی گروگانهای انگلیسی تأمین نشده باشد، انگلیس نباید چنین حمایتی را از ایران به عمل آورد» [۱۷۴۸] .

همچنین پس از آنکه همزمان با بمباران شیمیایی مردم سردشت، انگلستان اعتبار تازه‌ای به عراق می‌دهد که «طبق قرارداد این اعتبار، تمامی اعتبار درنظر گرفته شده باید صرف

[صفحه ۳۸۷]

خرید وسایل شیمیایی حشره‌کش و وسایل دارویی دیگر شود» [۱۷۴۹] باید مسؤلان ایرانی به این نتیجه قطعی می‌رسیدند که آنها یا باید با کنار نهادن ارزشهای خود، از ارزشهای غرب تبعیت کنند و به این ترتیب حمایت آنها را جلب کنند، و یا آنکه با پایبند ماندن به ارزشهای اسلامی، تبعیت از غرب را کنار می‌گذاشتند و به این ترتیب انتظار گرفتن امتیازی را هم نداشته باشند؛ اما، برخی از مسئولان جمهوری اسلامی به این نتیجه نرسیدند و رادیوهای امریکا و اسرائیل و... در توجیه این مسأله، برای آنها اظهارنظر می‌کردند:

«امریکا بخاطر گروگانگیری ایران و فریاد مرگ بر امریکا سردادن ایرانیها، آنها را دوست ندارند و اینها موجب شده است که اعمال دشمن آن، یعنی صدام حسین دیکتاتور، که یکی از بزرگترین جنایتکاران جنگی عصر حاضر است، را نادیده بگیرند» [۱۷۵۰] .

معاریو روزنامه‌ی عصر اسرائیل سرمقاله‌ی اول خود را به حوادث خلیج فارس اختصاص داده و به بررسی آن پرداخته است. این روزنامه، تحت عنوان مقصران و بی‌گناهان می‌نویسد: «جنگ خلیج فارس را عراق آغاز کرد نه ایران. حمله‌ی هوایی به نفتکشها را نیز بغداد شروع کرد نه ایران و ایران آنچه کرده است واکنشی بود در برابر حملات عراق در این آبراه. معاریو سپس می‌افزاید:

«علی‌رغم این واقعیات بلوک غرب و در رأس آنها ایالات متحده امریکا، ایران را مقصر اصلی قلمداد می‌کند و همه‌ی مسئولیت را به عهده این کشور می‌گذارد و تنها در مواردی بسیار نادر، نام عراق در رابطه با بحران خلیج فارس برده می‌شود و این تبعیض هر چند با سیاست امریکا که عراق را نسبت به ایران در این جنگ چهار ساله ترجیح می‌دهد تطبیق می‌کند، اما هرگز نشانگر حقایق و واقعیتها نیست. هر چند واقعیتها در این جنگ طولانی قلب ماهیت کردند تا آنجا که تقریبا هیچ کس به یاد نمی‌آورد جنگ خلیج فارس چگونه آغاز شد و یا چگونه تجاوز دولت بغداد موجب افروختن آتشی در این آبراه جهانی گردید که اکنون اینگونه هم کشورهای خلیج فارس و هم مملکتهای غرب را دچار

[صفحه ۳۸۸]

نگرانی کرده است، ولی به ازای تحمیل همه‌ی مسئولیتها بر گردن ایران، پرزیدنت صدام حسین از پشتیبانی روزافزون شرق و غرب یکجا برخوردار می‌گردد و رسانه‌های گروهی جهان، از او چهره‌ای معصوم می‌سازند و او را قربانی آیت‌الله خمینی قلمداد می‌کنند. همان جانبداریهای یک جانبه‌ی شرق و غرب، به بغداد امکان داده است که شهرهای ایران را به موشک ببندد و مردم غیرنظامی و

بی‌دفاع را به خاک و خون بکشد و علیه سربازان در جبهه‌ها گازهای کشنده‌ی شیمیایی به کار برد و این در حالی است که آیت‌الله خمینی را به صورت... روی زمین معرفی می‌کنند و سیاستمداران واشنگتن از این راه برای خود وجهه کسب می‌کنند و محبوبیت به دست می‌آورند.

امریکا تصمیم خود را گرفته است، هر چه اتفاق می‌افتد، تقصیر ایران است» [۱۷۵۱] .

وجود اختلاف بین مسئولان جمهوری اسلامی، محور مهم دیگری بود که استکبار جهانی بدان دلبسته بود و به تبلیغ و تعمیق آن می‌پرداخت.

از آغاز مرحله‌ی سوم جنگ، رسانه‌های خبری استکبار جهانی به تبلیغ «اختلاف نظر بین مسئولان جمهوری اسلامی در مورد تهاجم به عراق» [۱۷۵۲] ، «اختلاف امرای ارتش با روحانیون عضو شورای عالی دفاع» [۱۷۵۳] ، «احتمال اخراج وزرای مخالف جنگ در کابینه» [۱۷۵۴] پرداختند و همچنان به تبلیغات خود مبنی بر «جنگ قدرت در میان دستیاران آیت‌الله خمینی» [۱۷۵۵] و «تلاش وزرا و مسئولان واقع‌بین‌تر حکومت در جهت کنار نهادن خط ایدئولوژیک انقلاب و خاتمه دادن به جنگ» [۱۷۵۶] ادامه می‌دادند.

«مخالفت چند تن از آیت‌الله‌های بزرگ ایران با جنگ» [۱۷۵۷] ، فتوای آیت‌الله قمی در

[صفحه ۳۸۹]

مخالفت با جنگ و اظهار اینکه «جنگ نیروهای ایران با بعثیها برای اسلام پیروزی نبوده و بلکه خنجری بر روی اسلام و هر مؤمنی است و کشتن یا کشته‌شدن در این جنگ گناه کبیره محسوب می‌شود» [۱۷۵۸] و «اعتراض آیات عظام گلپایگانی و مرعشی و علمای حوزه‌ی علمیه قم با ادامه‌ی جنگ» [۱۷۵۹] به عنوان بهترین دستاویزهای تبلیغاتی استکبار جهانی در اثبات تشتتهای داخلی ایران به کار گرفته می‌شدند. علاوه بر این اعتراضات افراد دیگری نظیر بازرگان که «خواستار انجام یک همه‌پرسی درباره‌ی ادامه‌ی جنگ شده بود» [۱۷۶۰] ، توجه تبلیغات غرب را جلب می‌کرد.

رسانه‌های خبری خارجی تبلیغ می‌کردند که اختلافات و درگیریهای مسئولان به سطح برخوردهای نسبتا شدید، رسیده است. لیبراسیون ضمن تحلیل عدم پذیرش طرح نخست‌وزیر ژاپن در خصوص خاتمه‌ی جنگ به ایران، می‌نویسد:

«کاخ الیزه و وزارت خارجه‌ی فرانسه، بر این مسأله اتفاق‌نظر دارند که مبارزه بر سر قدرت در ایران آنقدر شدید است که یک جناح خاص نمی‌تواند سیاست نزدیکی با فرانسه یا مجموعا غرب را درپیش گیرد» [۱۷۶۱] .

بی.بی.سی و رادیو امریکا هم طی تحلیلهای جداگانه‌ای از اوج‌گیری کشمکشهای داخلی مسئلان بر سر قدرت سخن می‌گویند:

«هفته‌نامه‌ی آبزرور گزارش می‌دهد که حمله به نفتکشی که با پرچم انگلستان در خلیج فارس حرکت می‌کرد، درست قبل از سخنرانی رئیس جمهور خامنه‌ای در سازمان ملل، به دستور مستقیم وزارت سپاه پاسداران ایران صورت گرفت تا او را وادار کند، در سخنرانی خود لحن شدیدتری به کار بگیرد. به عقیده‌ی آبزرور، این مسأله که چه کسی باید در سازمان ملل، ایران را نمایندگی کند، و ایران آتش‌بس پیشنهادی را با چه شرایطی باید قبول کند، به موضوع بحث

[صفحه ۳۹۰]

شدیدی میان دو جناح واقع‌گرا و تندرو تهران تبدیل شده است» [۱۷۶۲] .

«روند تصمیم‌گیری در ایران دستخوش سردرگمی و تفرقه است. دولت، از اتفاق رأی برخوردار نیست و از این رو، نمی‌توان

واکنش آن را پیش‌بینی کرد...

کارشناسان، حملات جاری را همراه با نبردهای سیاسی پشت پرده در تهران مورد بررسی قرار می‌دهند. این کارشناسان می گویند: عوامل رادیکال در داخل حکومت، با هر گونه تلاش جناحهای میانه‌روتر برای رسیدن به آتش‌بس در جنگ خلیج فارس و بیرون آوردن ایران از انزوای کنونی، مخالفت می کنند. گفته می‌شود که این عناصر افراطی احتمالاـ در ربودن هواپیمای خطوط هوایی کویت و کاشتن مین در خلیج فارس پس از یک دوره سکوت ۶ ماهه دست داشته‌اند.

لاری اسپیکس دستیار شورای امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری پرزیدنت کارتر در بحران گروگانگیری، می گوید: گروههای در رده‌های بالای کادر رهبری ایران هستند که خواهان خروج از انزوا و همکاری با کشورهای دیگر هستند، زیرا انقلاب را در خطر می‌بینند. دکتر اسپیکس در سخنرانیش در «ولدافرکانسول» شورای امور جهانی در هفته جاری گفت که احتمالا عناصر رادیکال ایران برای متوقف ساختن تلاشهای محرمانه‌ی ایالات متحده جهت ایجاد رابطه با گروههای میانه‌رو، به افشای ماجرای «ایران کنترا» پرداخته‌اند. تلاشهای سازمان ملل برای رسیدن به آتش‌بس در جنگ ایران و عراق نیز موجب کاشتن مینهای بیشتر در آبهای خلیج فارس شده است» [۱۷۶۳] .

تلاش برای جذب عناصر میانه‌روی ایران، فرسایش امکانات اقتصادی ایران و فرسایش روانی مردم، اهداف دیگر امریکا در مرحله‌ی سوم جنگ بود.

در سال ۱۳۶۳، خبرگزاریهای خارجی از «تشکیل یک گروه اقلیت، در اطراف (امام) خمینی، خبر می‌دهند که طرفدار انجام مذاکرات برای رسیدن به صلح هستند» [۱۷۶۴] و در سال

[صفحه ۳۹۱]

۱۳۶۵ خبرگزاریها اعلام کردند:

«در جریان دیدار یک هیأت امریکایی از تهران، مقامات این کشور موفق به صورت دادن معامله‌ای با ایران شدند تا بر اساس آن ایرانیها را از واگذار کردن اسامی شبکه‌ی اطلاعاتی امریکا در خاورمیانه، که در جریان بازجویی از ویلیام باکلی رئیس هیأت سیا در بیروت به دست آمده بود، به شوروی بازدارند...» [۱۷۶۵] .

نشریه‌ی ادلفی پیپر از ملاقات فوق، به عنوان حرکتی موفق برای میانه‌روهای ایران یاد می کند. این نشریه می‌نویسد:

«در اواخر سال ۱۹۸۶، نشانه‌هایی از یک بحران سیاسی در تهران وجود داشت که در برخی جنبه‌ها، مشابه چیزی بود که در واشنگتن بر سر افشاگریها از معاملات تسلیحاتی آمریکا - ایران بروز کرد. در واقع، این حقیقت که این داستان صورت علنی به خود گرفت، به طور کلی، شاهدی بر وجود رقابتهای جناحی در ایران و مسأله‌ی مسیر سیاست خارجی ایران بود و به طور مشخص‌تر اینکه آیا ایران باید با ایالات متحده روابط داشته باشد و یا نه. کسانی که برای این تماسها مسئولیتی داشته‌اند، توانستند معامله‌ی تسلیحاتی را به عنوان یک پیروزی آزمایشی موقت و گواهی بر اینکه واشنگتن به اهمیت جمهوری اسلامی پی برده بود، ارائه کنند» [۱۷۶۶] .

روزنامه‌ی کریستچین ساینس مانیتور در تحلیل تأثیر پیروزی احتمالی ایران در جریان عملیات کربلای ۵، در سیاست خارجی ایران با اتکا به اظهارنظر منابع میانه‌روی ایران، می‌نویسد:

«اگر ایران پیروز شود، گروه هوادار امریکا برکنار خواهند شد و دست تندروها برای صدور انقلاب باز خواهد شد. اما اگر جنگ به درازا بکشد، کسانی که جویای تجدید تماس و رابطه با امریکا هستند، احتمالا حرفشان را پیش خواهند برد، زیرا دیر پاییدن جنگ

بر اعتقاد پاره‌ای از مقامات ایران صحه خواهد گذاشت که بردن جنگ بدون کمک از خارج، از جمله جنگ‌افزارهای

[صفحه ۳۹۲]

امریکایی و غربی برای ایران ممکن نخواهد شد» [۱۷۶۷] .

روزنامه‌ی انگلیسی ایندیپندنت طی تحلیلی با صحه گذاشتن بر فرسایشی شدن هر چه بیشتر جنگ، به غرب هشدار می‌دهد تا مانع پیش آمدن وضعیتی شود که به محدود شدن میانه‌روها بینجامد. این روزنامه می‌نویسد:

«ضرر نگاه داشتن کشتیهای جنگی امریکا در خلیج فارس کماکان بیشتر از منافع آن است... ایران تحت تهاجم خارجی تعصب شدیدتری بروز خواهد داد و آن دسته از ایرانیهایی که می‌خواهند به این جنگ فرسایشی پایان دهند، از یک طرف نمی‌توانند صدای خود را بلند کنند و از طرف دیگر، خارجیان هم بدون بدنام کردن این دسته از ایرانیان قادر به کمک به آنها نخواهند شد» [۱۷۶۸] .

در نهایت، در دی ماه ۱۳۶۶، نیوزویک از معامله‌ی دیگری جهت خاتمه‌ی جنگ خلیج فارس یاد می‌کند و می‌نویسد:

«میانه‌روهای ایران، که در ماجرای دریافت اسلحه‌ی امریکایی در قبال آزادی گروگانها مشارکت داشته‌اند، در حال حاضر، به طور پنهانی سرگرم پیش بردن معامله‌ای برای خاتمه‌ی جنگ خلیج فارس هستند. منابع موثق در خاورمیانه اظهار می‌دارند، میانه‌روهای ایران برای برقراری یک آتش‌بس در جنگ هفت ساله از کانالهای پنهان، یعنی سیاستمداران اروپا و تجار بین‌المللی استفاده می‌کنند. این معامله، شامل حذف درخواست ایران دایر بر برکناری صدام حسین است و در مقابل، عراق مسئولیت آغاز جنگ را خواهد پذیرفت و با پرداخت غرامت هنگفت جنگی موافقت خواهد کرد» [۱۷۶۹] .

فرسایش اقتصادی ایران، به نحوی که این کشور مجبور به روآوردن به امریکا شود، برنامه‌ی دیگر امریکا در روند جذب تدریجی ایران بود. از مرحله‌ی اول جنگ، عراق درصدد انهدام جزیره‌ی خارک و سایر تأسیسات نفتی ایران بود، اما امریکا که انهدام تأسیسات نفتی ایران را معادل با ضربه‌ی متقابل احتمالی ایران به تأسیسات نفتی کشورهای

[صفحه ۳۹۳]

تحت‌الحمایه‌ی خود در خلیج فارس می‌دانست، مانع از تهاجمات گسترده به خارک می‌شد.

در اواخر سال ۱۳۶۲ و سال ۱۳۶۳، در حالی که جهان در التهاب بستن تنگه هرمز توسط ایران قرار داشت و امریکا نسبت به مداخله در خلیج فارس برای باز نگه داشتن تنگه هرمز به ایران تهدید کرده بود، با وجود این از رویارویی مستقیم با ایران پرهیز می‌کند و سعی دارد تا با افتتاح خطوط لوله‌ی جدید کشورهای عربی، از اهمیت صدور نفت از طریق خلیج فارس بکاهد، تا در صورت درگیری احتمالی با ایران، غرب از بسته شدن موقت تنگه‌ی هرمز آسیب کمتری بخورد. پس از بازگشایی لوله‌ی نفتی عراق، که از عربستان می‌گذشت، توطئه‌ی هماهنگ غرب با کاهش قیمت نفت به منظور ضربه‌زدن به توان اقتصادی و خریدهای نظامی ایران آغاز می‌شود و ایران که «درآمدهای ارزیش بیشتر از هر زمان دیگری به صادرات نفت متکی شده بود» [۱۷۷۰] ، دچار بحران اقتصادی شدیدی می‌شود.

علاوه بر کاهش قیمت نفت، استکبار جهانی به عراق جهت تهاجم به جزیره‌ی خارک چراغ سبز نشان می‌دهد و عراق نه تنها بارها به جزیره‌ی خارک حمله می‌برد، بلکه در مرداد ۱۳۶۵ «با هدف قرار دادن ترمینال نفتی ایران در جزیره‌ی دوردست سیری، قابلیت

صدور نفت ایران را کاهش می‌دهد» [۱۷۷۱] در اردیبهشت ۱۳۶۷ «در حالی که ظرفیت پالایش نفت به یک سوم رسیده بود»،طه یاسین رمضان، معاون اول نخست‌وزیر عراق، پس از دریافت چراغ سبزهای لازم از غرب اعلام می کند: «عراق قصد دارد تأسیسات نفتی ایران را به کلی ویران سازد تا دولت تهران بودجه‌ای برای ادامه‌ی جنگ نداشته باشد» [۱۷۷۲] واشنگتن پست از زبان یکی از سخنگویان وزارت خارجه امریکا، درباره‌ی یکی دیگر از تدابیر امریکا جهت فرسایش اقتصادی ایران چنین می‌نویسد:

«بخشی از کوششهای امریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، سعی در بازداشتن شرکتها از خرید نفت و تجارت با ایران بوده است تا درآمد ایران

[صفحه ۳۹۴]

کاهش یابد» [۱۷۷۳] .

روزنامه‌ی نیویورک تایمز از ثمره‌ی این تلاش آمریکا در سال ۱۳۶۶ چنین یاد می کند:

«به علت احتراز از خریدن نفت ایران توسط امریکا، فرانسه و تا حدودی نیز ژاپن، صادرات نفت و حیات مالی ایران در هفته‌های اخیر دچار تنگنا شده است. نفت صادراتی ایران، به حالی درآمده است که کمتر کشوری به خرید آن، ولو به قیمت کمتر از بازار اظهار علاقه می کند. وزیر انرژی امریکا، در یک مکالمه‌ی تلفنی با یوسف ابراهیم، خبرنگار اقتصادی نیویورک تایمز، گفته است که کشتیهای نفتکش ایران در آمستردام لنگر انداخته و در جستجوی مشتری هستند، ولی به مجردی که معلوم می‌شود نفت متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، کسی به معامله تن در نمی‌دهد. نتیجه‌ی منع خرید نفت ایران این است که روزانه معادل چهارصد هزار بشکه نفت که تقریبا یک چهارم کل تولید ایران است، فروخته نمی‌شود و روی دست ایران می‌ماند. بنابه نوشته‌ی آقای یوسف ابراهیم، در حال حاضر چون ایران نفت خود را با تخفیف یک دلار و پنجاه سنت تا ۲ دلار در بازارهای بین‌المللی به فروش می‌رساند، روزانه بین شش تا ده میلیون دلار ضرر نصیب آن ملت می‌شود» [۱۷۷۴] .

در حالی که « ۶۰ درصد پول فروش نفت ایران صرف جنگ می‌شد» [۱۷۷۵] ، «با حملات عراق به تصفیه‌خانه‌ها و اسکله‌های بارگیری نفت ایران، ذخایر ارزی ایران بشدت کاهش یافته و این مسأله مستقیما در کاهش خرید جنگ‌افزارهای نظامی ایران مؤثر واقع می‌شود» [۱۷۷۶] .

تلاش عراق در «انهدام تأسیسات اقتصادی ایران با اتکا به نیروی هوایی قوی عراق» [۱۷۷۷] از سویی، و «کاهش قیمت نفت» [۱۷۷۸] و «مخارج ماهانه‌ی یک میلیارد دلاری جنگ» [۱۷۷۹] .

[صفحه ۳۹۵]

از سوی دیگر موجب شدند که «بحران اقتصادی وسیعی در ایران پدید بیاید» [۱۷۸۰] بخشی از تبعات این بحران عبارت بود از: «کاهش شدید ظرفیت تولیدی کارخانه‌های ایران» [۱۷۸۱] ، «افزایش تورم» [۱۷۸۲] ، «ایجاد نظام دو نرخی» [۱۷۸۳] ، «رونق گرفتن بازار سیاه» [۱۷۸۴] ، «به دشواری انجامیدن وضع کارگران» [۱۷۸۵] ، فقیر شدن فقرا و غنی شدن اغنیا» [۱۷۸۶] و....

خسته کردن و فرسایش روانی مردم هم برای امریکا با به کارگیری عناصر خارجی و داخلی امکان‌پذیر شد. «در خدمت دیپلماسی قرار گرفتن جنگ» [۱۷۸۷] ، تناقضات تبلیغاتی ایران در مواردی مانند «شرایط صلح با عراق» [۱۷۸۸] ، «حمله‌ی نهایی ایران» [۱۷۸۹] ، «سال سرنوشت» [۱۷۹۰] ، «تلفات زیاد ایران در جنگ» [۱۷۹۱] ، «مخالفت مراجع و علمای حوزه با جنگ» [۱۷۹۲] ، «تهدید

تهاجم شیمیایی عراق بـه شـهرهای ایران» [۱۷۹۳] ، «موشـک بـاران شـهرها» [۱۷۹۴] ، «حـل نشـدن جنـگ فقر و غنـا» [۱۷۹۵] و... زمینه‌ساز فرسایش روانی مردم ایران در جنگ شد.

[صفحه ۳۹۶]

سرانجام زمان دخالت آشـکارتر در رونـد جنگ برای امریکا فرا می‌رسد و از سال ۱۳۶۶ به بعـد، امریکا جرأت می‌یابد برای تکمیل رونـد فرسـایش ایران، چنگالهـای خون‌آلود خود را آشـکارتر از قبـل، به ایران نشـان دهـد. امریکا که از جنگ ویتنام درس بزرگی گرفته بود، با توجه به فرسایش چنـد ساله‌ی اقتصادی، نظامی و روانی جمهوری اسـلامی، و با توجه به اینکه «ایران در سالهای آینده به عنوان قـدرتی مسلم در منطقه خاورمیانه باقی خواهد ماند» [۱۷۹۶] و سـرانجام با توجه به وجود برخی از عناصـر سازش ناپذیر و ضـدامریکایی در نظـام و وحشت از رویـارویی مسـتقیم بـا انقلاـب اسـلامی، برای تکمیل فرسایش ایران در جنگ، سـیاست تهـدید مستقیم این کشور را پیشه خود می‌کند و با برخوردی «نیمه تهاجمی» به مقابله با ایران می‌پردازد.

امریکـا همچنین زمینه را برای «جنگ شـهرها»، «جنگ نفتکشـها»، «جنگ قیمتها»، «جنگ سـفارتخانه‌ها»، «جنگ شـیمیایی» و... علیه ایران فراهـم می‌آورد و در برابر مقـاومت ایران در برابر قطعنـامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمـان ملل متحـد، از این شورا می‌خواهـد تا «قطعنامه‌ی دیگری مبنی بر تحریم تسلیحاتی ایران به تصویب برساند» [۱۷۹۷] .

آنچه گفتیم تنهـا یـک رویه‌ی برخورد امریکـا با ایران بود. امریکا چون می‌دانست برخوردهای سـخت با جمهوری اسـلامی، ممکن است به موضع‌گیری شدید ایران بینجامد، در رویه‌ی دیگر برخوردهایش با این کشور، در عین تظاهر به برخوردهای نیمه تهاجمی و به راه‌انـداختن یک جنگ روانی وسـیع علیه ایران، می‌کوشـید تا با بازکردن عرصه برای جذب هر چه بیشتر ایران، این کشور را پس از تهدید و تطمیعهای لازم، به سوی خود جذب کند.

از این رو، اگرچه عراق پس از عملیات رمضان «با اصـرار خواسـتار مـداخله ابرقـدرتها در جنگ بود» [۱۷۹۸] و برای متوقـف کردن اقتصـاد ایران اعلاـم کرده بود:«تجهیزات نفتی جزیره‌ی خارک از این پس مورد حملات مـداوم عراق قرار خواهـد گرفت» [۱۷۹۹] ، اما

[صفحه ۳۹۷]

امریکا نه تنها دخالتی در توقف رونـد جنگ نمی‌کنـد، بلکه عراق را از حمله به جزیره‌ی خارک باز می‌دارد تا با قطع صادرات نفت ایران، این کشور به اقـدام تلافی جویانه‌ای علیه کشورهای تحت‌الحمایه‌ی امریکا در خلیـج فارس متوسل نشود. از این رو، صدام در مصـاحبه‌ای که بـا سـردبیران روزنامه‌هـا و مجلات کویت دارد، در پاسـخ به این سؤال که چه موقعی جزیره‌ی خارک را مورد حمله قرار خواهید داد، اظهار می‌کند:

«هر موقع مصلحت ملی و قومی ما اجازه دهد، با در نظر گرفتن شرایط و تحولات آینده اقدام به این کار خواهیم کرد» [۱۸۰۰] .

همین پاسخ دوباره «توسط مقامات عراقی» [۱۸۰۱] و در سال بعد «توسط خود صدام» [۱۸۰۲] تکرار می‌شود.

علاوه بر این، امریکا مانع برخی از درنـده خوییهای تحریک‌آمیز عراق در جریان جنگ هم می‌شود. به عنوان مثال، ماهر عبدالرشـید در مصـاحبه بـا روزنامه‌ی نیویورک تایمز، با تأکیـد بر اینکه هواپیماهای نیروی هوایی عراق، ۷ برابر هواپیماهـای نیروی هوایی ایران است، می‌گوید: «نیروی هوایی عراق در صورت لزوم تهران و مشـهد را هم بمباران خواهد کرد و اگر به وی اجازه دهند، برای تمام

کردن کار دشمن، از سلاحهای شیمیایی هم استفاده خواهد کرد» [۱۸۰۳] در سال ۱۳۶۵، علی‌رغم آنکه امریکا «به کشورهای عرب قول داده بود از ارسال هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی به ایران خودداری کرده و از دیگر کشورها هم می‌خواهد تا شیوه‌ی ایالات متحده را در این مورد پیش بگیرند» [۱۸۰۴] ، برای نشان دادن حسن‌نیت خود به میانه‌روهای ایران و دادن برگ برنده‌ای به دست آنها، مقدار محدودی از سلاحهای مورد نیاز ایران را، در ازای گرفتن امتیازاتی بسیار بزرگ، تأمین می‌کند و افشای همین مسأله چنان موج بدبینی نسبت به امریکا را در میان اعراب و متحدین غربیش ایجاد می‌کند که امریکا مجبور می‌شود برای کاهش این بدبینی‌ها،

[صفحه ۳۹۸]

امتیازاتی را به عراق بدهد. به هر حال، روند جذب ایران همچنان ادامه می‌یابد، و همانگونه که رسانه‌های خبری غربی اظهار می‌کنند: «ضمن حفظ تهدید ایران»، «کشورهای غربی باید با ایران روابط اقتصادی و تجاری برقرار سازند» [۱۸۰۵] ایران در سال ۱۳۶۶ «شاهد بهبود روابط بسیاری از کشورهای اروپایی است» [۱۸۰۶] و حتی «برخی از کشورهای غربی، عراق را رسما آغازگر جنگ معرفی می‌کنند» [۱۸۰۷] .

برخلاف آنچه در قطعنامه‌ی ۵۹۸ در خصوص اعمال تحریم تسلیحاتی علیه کشوری که تن به پذیرش قطعنامه ندهد، آمده بود، با تسلیم نشدن مطلق ایران در برابر این قطعنامه، این تحریم بلافاصله اعمال نمی‌شود. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی از مقاله‌ی روزنامه‌ی فایننشال تایمز، درباره پیگیری سیاست تهدید و تطمیع استکبار جهانی در خصوص ایران چنین می‌نویسد:

«هماهنگ با تغییری که ظاهرا در آرای سازمان ملل پدید آمده، این سازمان پافشاری سابق خود بر این موضوع که تحریم تسلیحاتی ایران تنها راه ممکن برای حل جنگ تحمیلی است را کنار گذاشته است.

این روزنامه نوشته است: این عمل بیشتر زیان به بار می‌آورد تا نفع؛ زیرا نه تنها توسط کشورها مورد استهزا قرار می‌گیرد؛ بلکه از آشتی‌جویی ایران می‌کاهد و حتی آن را برای ادامه‌ی جنگ تندتر می‌کند. از نظر این روزنامه، اگر ایران از سوی سازمان ملل به طور علنی محکوم شود - چه این محکومیت با مجازات همراه باشد، چه نباشد - و جهان غرب با آن قطع رابطه کند، آیا ایران مجبور به تغییر سیاست خود می‌شود؟ هیچ سیاستی نمی‌تواند جانشین سیاست غیرضربتی و تدریجی شود. این سیاست ضمن حفظ فشار تدریجی بر ایران، به آن کشور فرصت می‌دهد اهداف خود را توجیه کند و راه خود را به سوی یک رأی آشتی جویانه‌تر بیابد. قرار دادن راه مقاومت یا تسلیم در مقابل ایران، فقط

[صفحه ۳۹۹]

یک راه برای ایران باقی می‌گذارد که همان مقاومت است» [۱۸۰۸] .

در نهایت، پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸، امریکا که عرصه‌ی جدیدی برای ادامه‌ی مانورهای خود یافته بود، با صراحت اعلام می‌کند که ایران تنها با کنار نهادن ارزشهای خود، و تبعیت از ارزشهای غرب، از حمایت این کشور برخوردار خواهد شد. بی.بی.سی به نقل از یکی از دیپلماتهای امریکایی در این زمینه می‌گوید:

«همه می‌گویند چرا اعضای شورا بویژه آمریکا، بر عراق فشار نمی‌آورند؟ چیزی که فراموش می‌کنند، این است که ما در موضعی نیستیم که بتوانیم بر عراق فشار وارد کنیم. ما نه به عراق اسلحه می‌فروشیم نه به عراق پول می‌دهیم، صدام حسین نیز، نظر ما را در

مورد حملاتش جویا نمی‌شود. البته چیزی که می‌تواند خواب را از چشمان رهبران عراق برباید این است که حس کنند روابط میان تهران و واشنگتن گرم شده است، اما اگر تهران برای ما قید و شرط بگذارد، واشنگتن هیچگاه نخواهد پذیرفت» [۱۸۰۹] .

علی‌رغم آنچه درباره‌ی سیاست تهدید و تطمیع امریکا و حامیان غربیش در خصوص ایران گفته شد، لازم به تذکر است که این کشور همواره خود را با حرکتهای عناصر انقلابی جمهوری اسلامی مواجه می‌دید و آماده بود تا در صورت به خطر افتادن منافعش در خلیج فارس، بسرعت دست به مداخله نظامی در منطقه بزند؛ یعنی برخلاف اینکه امریکا بارها «بی‌طرف بودن خود در جنگ تأکید کرده بود» [۱۸۱۰] و به اطلاع کشورهای عرب منطقه رسانده بود که: «این کشور حاضر است از کشورهای منطقه خلیج فارس که خود را در خطر سرایت جنگ ایران و عراق می‌بینند، حمایت کند» [۱۸۱۱] ، این کشور، در مواقع بحرانی و حساس، بصراحت اعلام می‌کند در صورت ظهور علایمی مبنی بر خطر سقوط صدام و به خطر افتادن منافع امریکا در خلیج فارس، ساکت نمی‌نشیند و بدون آنکه منتظر

[صفحه ۴۰۰]

درخواست این و آن باشد «رأسا در جنگ مداخله نظامی خواهد کرد» [۱۸۱۲] البته، در چنین وضعیتی امریکا مایل بود «قبل از قربانی شدن نیروهای امریکایی در جنگ، نخست نیروهای محلی قربانی شوند» [۱۸۱۳] و در این راستا به فکر «درگیر کردن عربستان با ایران بود» [۱۸۱۴] در مرحله‌ی سوم جنگ احتمال دخالت نظامی امریکا در جنگ، پس از «تهدید ایران به بستن تنگه هرمز» [۱۸۱۵] ، «عملیات کربلای ۵» [۱۸۱۶] و «درگیری نظامی ایران با امریکا در خلیج فارس» [۱۸۱۷] بارها مطرح می‌شود.

با فتح فاو و نزدیک شدن ایران به مرزهای کویت و عربستان رنتون، وزیر مشاور در امور خارجه‌ی انگلیس، و بوش، معاون رئیس جمهور امریکا، به کشورهای منطقه سفر می‌کنند و تلاش دارند تا «با وخیم نشان دادن اوضاع منطقه» [۱۸۱۸] ، «زمینه‌ی حضور نیروهای نظامی غرب در منطقه را بیش از پیش فراهم آورند» [۱۸۱۹] .

پیش از شروع عملیات کربلای ۵، خبرگزاریها از قول مقامات عالیرتبه‌ی حزب بعث اعلام می‌کنند که: «مقامات عالیرتبه‌ی حزب بعث عراق به طور خصوصی اظهار می‌کنند، جنگ با سقوط بصره و دخالت امریکا به پایان خواهد رسید» [۱۸۲۰] و با شروع عملیات عظیم کربلای ۵، خبرگزاریهای استکبار جهانی گزارش می‌دهند: «نیروهای نظامی ابرقدرتها در حالت آماده‌باش هستند» [۱۸۲۱] و «در چارچوب دخالت اضطراری امریکا، در صورت سقوط بصره به دست ایرانیها، ناو هواپیمابر جان اف - کندی که دارای صدها فروند هواپیما و

[صفحه ۴۰۱]

۶۰۰ خلبان است، و به سوی خلیج فارس حرکت کرده است، وارد عمل خواهد شد» [۱۸۲۲] روزنامه‌های «دی ولت»، «اشپیگل» و «زوددویچه سایتونگ» هم در این زمینه می‌نویسند: «امریکا با ۶ گردان و ۶۰۰ هواپیمای جنگی خود، آماده است تا در صورت سقوط بصره، با ایران وارد جنگ شود» [۱۸۲۳] .

در جریان جنگ نفتکشها، بی.بی.سی گزارش می‌دهد:

«خبرنگار دیلی تلگراف در واشنگتن می‌نویسد که امریکا، طرح یک حمله‌ی هوایی به ایران را در سر می‌پرورانند و این یکی از دلایلی بود که دولت انگلیس حاضر نشد مین‌یابهای خود را برای کمک به امریکا به آبهای خلیج فارس اعزام دارد. خبرنگار دیلی

تلگراف، به نقل از یک منبع موثق نظامی در امریکا می‌نویسد: اگر امریکا دست به حمله‌ی هوایی علیه ایران بزند، از پایگاه نیرویی دریایی ایران در بندرعباس شروع خواهد کرد. به گفته‌ی منابع نظامی امریکا، پنتاگون طرحی را تهیه دیده است که در آن بسیاری از هدفهای مهم ایران در صورت حمله‌ی امریکا در نظر گرفته شده است. موشکهای ضد کشتی کرم ابریشم، کارخانه‌های مهمات‌سازی و پایگاههای هوایی ایران از جمله هدفهای ذکر شده در فهرست مورد نظر امریکا هستند. خبرنگار دیلی تلگراف، سپس می‌نویسد: طراحان نظامی امریکا این مسأله را می‌پذیرند که دول منطقه‌ی خلیج فارس احتمالا از نظر پایگاه تسهیلاتی در اختیار امریکا قرار نخواهند داد و از این رو ناو هواپیمابر کانسلیشن برای انجام طرحهای امریکا اهمیت حیاتی دارد» [۱۸۲۴] .

خبرگزاریهای خارجی نیز پس از درگیری نظامی ایران با امریکا در خلیج فارس چنین گزارش می‌دهند:

«هیأتی از کارشناسان نظامی و سیاسی پیشنهاد کرده‌اند که امریکا باید از طریق بستن بنادر، مین‌گذاری و حتی محو نیروی دریایی ایران، یک نقش تهاجمی‌تر

[صفحه ۴۰۲]

را در منطقه‌ی خلیج (فارس) بر عهده بگیرد.

سرپرست مرکز مطالعات امور خارجی در وزارت خارجه‌ی امریکا نیز با پیش کشیدن همین مسأله، گفت:

یک اقدام مین‌گذاری می‌تواند ظرف چند هفته ترمینالهای نفتی ایران را به تعطیل کشانده و به جنگ ایران و عراق خاتمه دهد» [۱۸۲۵] .

«مطبوعات غرب خاطرنشان می‌سازند که پنتاگون نقشه‌های محو کامل نیروی دریایی ایران را تهیه کرده و همچنین، مسأله‌ی وارد ساختن ضرباتی به عمق خاک ایران را تحت بررسی دارد» [۱۸۲۶] .

البته، پیش از سناریوی تهاجم نظامی امریکا به ایران، سناریوی «برکناری صدام» [۱۸۲۷] و «کودتا علیه صدام در صورت دستیابی ایران به بصره» [۱۸۲۸] ، طرح‌ریزی شده بود که این مسأله هم در راستای تلاش امریکا در جهت تیره نشدن روابط آتی این کشور با ایران بود.

به این ترتیب، امریکا با کمک هم‌پیمانان غربیش، در تلاشی بلندمدت و گسترده در مرحله‌ی سوم جنگ موفق می‌شوند از سویی با حمایت اقتصادی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی عراق و از سوی دیگر، با تحریم غیرعلنی اقتصادی و نظامی ایران و تهاجم سیاسی و تبلیغاتی به این کشور و فرسایش امکانات اقتصادی جمهوری اسلامی و فرسایش روانی مردم و سودجویی از دید غیر واقع‌بین ایران، بی برنامگیهای مسئولان، اختلافات آنها و زمینه‌سازی برای رشد هر چه بیشتر میانه‌روهای ایران، روند فرسایش جمهوری اسلامی را کاملتر کنند و این کشور را به پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ وادار سازند تا با ورود ایران به صحنه‌ی روابط بین‌المللی، در عرصه‌ی جدید مذاکرات صلح، به تحمیل نظریات خود به ایران بپردازند.

روند فرسایشی که تاکنون از آن یاد شد، ضمن مهار جمهوری اسلامی، امکان صدور نفت از خلیج فارس را هم تأمین کرد و امریکا به هدف برخورداری غرب از منابع

[صفحه ۴۰۳]

نفتی خلیج فارس نیز دست یافت.

اهـداف دیگر امریکـا در این مرحله‌ی جنـگ، جلوگیری از دستیابی شوروی به خلیـج فارس، تحقق سـناریوی کمان بحران و جـذب عراق به بلوک غرب بود.

همانگونه که در خصوص مواضع شوروی در مراحل اول و دوم جنگ گفته شد، این کشور در مرحله‌ی سوم جنگ نیز چنان متوجه منافع کوتاه‌مـدت خویش است که بارها توسط امریکا فریب می‌خورد و با از دست دادن امکان دستیابی به خلیـج فارس و یا حـداقل تضعیف نقش امریکا در خلیج فارس، به تحقق سناریوی کمان بحران برژینسکی کمک شایانی می‌کند.

شوروی علی‌رغم آنکه در مرحله‌ی سوم جنگ مکرر اعلام کرده بود «غرب به بهانه‌ی جنگ درصـدد افزایش حضور نظامی خویش در منطقه است» [۱۸۲۹] و همینطور با تأکیـد بر مواضع مبتنی بر تهدیـد و تطمیع امریکا در خصوص ایران، اعلام کرده بود «با وجود اینکه امریکـا بـا ایران در ستیز است، امـا در اختیـار این کشور سـلاح قرار می‌دهـد تـا از ثمرات این درگیری خونین بهره‌منـد گردد» [۱۸۳۰] و علی‌رغم اینکه رسانه‌های خبری غرب تأکیـد می‌کردنـد: «هدف شوروی این است که ایران را به عنوان قدرت برتر منطقه، جایگزین عراق و عربسـتان کند و با این عمل قسـمتی از منطقه و یا در صورت سـقوط عربسـتان تمام منطقه را به روی امریکا ببندد، بدون اینکه حتی جان یک سرباز روسی را به خطر بیندازد» [۱۸۳۱] ، اما شوروی همچون مراحل اول و دوم جنگ با گرفتن موضعی انفعالی «در انتظار بهره‌برداری از اشـتباه امریکا در جریان جنگ» [۱۸۳۲] نشسـته بود و بیشتر از اینکه توسط ایران درصدد ضربه زدن به منافع امریکا در خلیج فارس باشد، متوجه کسب امتیاز از امریکا و تأمین منافع کوتاه‌مدت خویش بود.

بی.بی.سـی در یکی از گزارشهایش درباره‌ی مواضع شوروی، در وضعیتی که احتمال بسته شدن تنگه‌ی هرمز توسط ایران می‌رفت، آورده است:

[صفحه ۴۰۴]

«روسـها اعتقـاد دارنـد محاصـره خارک و جلوگیری از ورود و خروج کشتیها از این ترمینال، ایرانیها را ناچار خواهـد کرد که برخی قراردادهای اقتصادی را که در زمان شاه با شوروی منعقـد شـده بود، دوباره احیا کننـد، بخصوص قراردادهای صـدور گاز طبیعی به شوروی را» [۱۸۳۳] .

همچنین، پس از آنکه امریکـا برای آماده‌سازی افکـار عمومی مردم خود برای زدن پرچمش خود به کشتیهای کویتی، از طریق این کشور، شوروی را به خلیـج فـارس می‌کشانـد، و ایران نیز کشـتی روسـها را مورد اصـابت قرار می‌دهـد، شوروی متوجه فریبی که از امریکـا خورده بود، می‌شود و در بیـانیه‌ای که وزارت امور خـارجه شوروی در سـطح جهان منتشـر می‌سازد، تأکیـد می‌کنـد که: «به منظور رسـیدن به یک راه‌حل اساسـی برای پایان بخشـیدن به بحران خلیـج فارس، ضـروری است تا هر چه سـریعتر تمام ناوهایی که متعلق به کشورهـای غیرساحلی در این منطقه هسـتند، بسـرعت خلیـج فارس را ترک کننـد و ایران و عراق نیز از ادامه‌ی زدن کشتیها خودداری ورزند.»

شوروی در نهـایت بـا امتیازاتی که «در خصوص افغانسـتان» [۱۸۳۴] و «برخی از روابـط متقابـل امریکـا و شوروی» [۱۸۳۵] دریافت می‌کنـد، در مرحله‌ی سوم جنگ به تبعیت از امریکا تن می‌دهـد و دیگر نه تنها «موشک باران تهران و سایر شـهرهای ایران» [۱۸۳۶] را محکوم نمی‌کنـد، بلکه حتی از محکوم کردن «فاجعه حلبچه» [۱۸۳۷] و «حمله‌ی امریکـا به هواپیمای مسافربری ایران» [۱۸۳۸] نیز سربـاز می‌زنـد، و سـرانجام، امریکا به همان نحو که شوروی را در ورود به خلیـج فارس سپر خود قرار داده بود، با مورد هـدف قرار دادن تهران و سایر شـهرهای بزرگ ایران با موشـکهای اصـلاح شـده‌ی روسـی، صـحنه را به نوعی می‌آراید که در آخرین گامهای تکمیـل فرسـایش ایران، شوروی سپر بلای وی شود. و به این ترتیب در مجموع، در مرحله‌ی سوم جنگ نیز شوروی فریب امریکا را

می‌خورد و به جای تأثیر گذاری در روند کلی

[صفحه ۴۰۵]

جنگ، تنها به بهره‌برداری از موقعیتهای مختلف و تأمین منافع موقت خویش می‌پردازد. در این مرحله از جنگ نیز جذب عراق از سوی غرب با «اعطای وامها و اعتبارات مختلف» [۱۸۳۹] و ارائه‌ی تسلیحات نظامی غرب به این کشور ادامه می‌یابد. بعلاوه در نتیجه‌ی کاهش قیمت نفت، در عمل، بر میزان وابستگی این کشور به منابع مالی کشورهای عرب تحت نفوذ امریکا، و سایر کشورهای غربی افزوده می‌شود و به این ترتیب، امریکا موفق می‌شود پس از ۸ سال برنامه‌ریزی، سرمایه گذاری و نیرنگ و فریب، به تحقق بسیاری از اهدافی که از مرحله‌ی اول جنگ در نظر داشت، دست یابد.

[صفحه ۴۰۶]

خلاصه‌ی فصل

مباحث اصلی این فصل عبارتند از: ترسیم چهره‌ای منفی برای ایران، ترسیم چهره‌ای مثبت از عراق، تلاش برای بی‌انگیزه کردن و ارعاب ارتش و مردم، قلب ماهیت جنگ، صلح‌طلبی عراق، زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، رابطه‌ی ایران با اسرائیل، رابطه‌ی ایران با امریکا، تلاش در جهت قومی کردن جنگ، حفظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق، مطرح شدن صدام به عنوان رهبر برتر و سرنوشت جنگ.

در بحث ترسیم چهره‌ی منفی برای ایران، بیان شد که عراق با زیر سؤال بردن شخصیت نورانی حضرت امام امت، بدعت گذار معرفی کردن ایرانیان در دین اسلام، تبلیغ سوء استفاده‌ی جمهوری اسلامی از دین به عنوان یک پوشش، محکوم کردن ایران از سوی آخوندهای درباری و نفی عقیدتی بودن دین، درصدد بود تا اسلامی بودن جمهوری اسلامی را نفی کند.

از سوی دیگر عراق با تبلیغ مواردی همچون خصومت تاریخی ایران و اعراب، تلاش ایران در اشاعه‌ی مذهب تشیع، تلاش ایران در به دست آوردن رهبری منطقه، تلاش ایران در پوشش نهادن بر مشکلات داخلی نظام و سرکوب مخالفان رژیم، درصدد ارائه‌ی تبیینی از شکل گیری و آغاز جنگ به مردم خویش بر می‌آید.

علاوه بر اینها، عراق با تبلیغ اعزام کودکان توسط ایران به جنگ، حملات امواج انسانی ایرانیها، پیشقدم بودن جمهوری اسلامی در جنگ شهرها، کشتار اسرای عراقی، رفتارهای وحشیانه‌ی ایرانیها، به کارگیری سلاحهای شیمیایی توسط ایران، قتل عام زنان و کودکان عراقی در موشک باران بغداد، و... به غیر انسانی نمایاندن عملکردهای جمهوری اسلامی می‌پردازد.

موضوعات دیگری مانند جنگ‌افروزی ایران، توسعه‌طلبی سیاسی و توسعه‌طلبی عقیدتی جمهوری اسلامی، ارتباط ایران با امریکا و رژیم اشغالگر قدس از دیگر مواردی بودند که در تبلیغات عراق برای این مقصود به کار گرفته می‌شدند.

در محور ترسیم چهره‌ای مثبت از عراق گفته شد پس از ترسیم چهره‌ای منفی از

[صفحه ۴۰۷]

ایران، صدام و دستگاه تبلیغاتی عراق برای ایجاد فاصله‌ی هر چه بیشتر بین رژیم عراق و نظام جمهوری اسلامی، می کوشند ضمن نفی دینی بودن جنگ و اسلامی بودن جمهوری اسلامی، به اثبات اسلامی بودن اندیشه‌های بعثیها بپردازند. این دستگاه تبلیغاتی پس از برشمردن ویژگیها و صفاتی همچون شریر بودن و وحشی بودن برای مردم ایران و غیر اصولی و واپس گرا بودن نظام ایران، از ویژگیها و صفات مثبت عراق سخن می گوید و به تبلیغ اهداف و برخوردهای انسانی رژیم عراق، موضع مترقی و انقلابی عراق و فراتر از همه اینها، پیشتاز بودن رژیم عراق می‌پردازد.

همسو با محورهای تبلیغاتی فوق، دستگاه تبلیغاتی عراق می کوشد برخلاف آنچه که در خصوص خط مشی سیاسی ایران تبلیغ کرده و این کشور را مجری نیات صهیونیستها و امپریالیستها در منطقه دانسته، عراق را در خط مقدم مواجه با صهیونیستها و امپریالیستها معرفی کند و در این مسیر تا جایی پیش می‌رود که تنها جرم عراق را ضدیت با صهیونیسم و امپریالیسم جهانی می داند.

در فرازهای دیگری از تبلیغات عراق پس از تأکید در «سیاست تجاوزپیشه ایران» و «جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی ایران»، عراق «سد پولادین امت عرب در شرق مرز سرزمین عربی» خوانده شده و ضمن انتساب «آغاز» و «ادامه‌ی جنگ» به ایران، به تبلیغ «صلح‌طلبی عراق» می‌پردازد.

در بحث بی‌انگیزه کردن و ارعاب مردم و نظامیان ایران، به بررسی تبلیغات عراق در زمینه‌های تبلیغ جنگ قدرت میان مسئولان ایران، اختلاف سپاه و ارتش، برتری نظامی - تسلیحاتی و سازمان رزم عراق، کیفیت بالای آموزش نیروهای نظامی عراق، ضعف نظامی - تسلیحاتی و سازمان رزم ایران، آموزش اندک و ناچیز نیروهای ایران، تلفات میلیونی ایران در جریان جنگ، خسارات مراکز اقتصادی ایران، تناقضات تبلیغاتی ایران، غیر قابل اعتماد بودن اخبار ایران، زیر سؤال بردن حضرت امام، تحقیر مسئولان نظام، زیر سؤال بردن اسلامی بودن ایران، غیردینی نشان دادن جنگ، رابطه‌ی جمهوری اسلامی با صهیونیستها و امپریالیستها، تحریف پیروزیهای ایران، شکست سیاست امواج انسانی جمهوری اسلامی، تهدید تهاجم شیمیایی به شهرها و جبهه‌های ایران. دلسرد شدن مردم نسبت به جنگ، ضعف روحیه‌ی ایرانیها، بن‌بست جنگ، شایعات مختلف، برانگیختن انگیزه‌ی نظامیان عراقی در جنگ برای خاک، شکل گیری مقاومت

[صفحه ۴۰۸]

ملی در عراق، تهدید و ارعاب مردم، تهدید و ارعاب نظامیان ایران و تحریک مردم علیه جمهوری اسلامی پرداختیم.

در بحث قلب ماهیت جنگ، بیان شد که عراق در مرحله‌ی سوم جنگ، ضمن طرح مضامین مراحل اول و دوم مانند جنبه توطئه‌ی بین‌المللی دادن به جنگ، تدافعی بودن جنگ عراق، توسعه‌طلبی و جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی، به مضامین دیگری نظیر نفی دینی بودن جنگ، سوء استفاده‌ی ایران از پوشش دین برای مقاصد توسعه‌طلبانه و خصومت تاریخی و اجتناب ناپذیر فارسها و اعراب با یکدیگر توجه بسیار داشت و از آنها در جهت قلب ماهیت جنگ سود جست.

علاوه بر محورهای تبلیغاتی فوق، صدام و دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق می کوشند به طرح کفایت بعثیها در اداره‌ی امر جنگ بپردازند و با طرح برکاتی که بعثیها با سودجویی از جنگ متوجه عراق کرده‌اند، از حزب بعث بتی برای پرستش بسازند، زیرا به تعبیر صدام، اگر حزب بعث و کفایت رهبران آن نمی‌بود، از عراق چیزی جز برخی از مناطق تجزیه شده و اقوامی آواره باقی نمی‌ماند.

در بحث صلح‌طلبی عراق گفته شد که عراق در این مرحله از جنگ هم با دست دراز کردن به سوی کنفرانس اسلامی، جنبش غیر

متعهدها، شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر مجامع جهانی و ابرقدرتها، تقاضای صلح‌طلبی خویش را مکرر مطرح می کند و با اعلام آتش بس‌های یکطرفه، و برپایی کنفرانسهای مختلف و تقاضا از مردم ایران برای وارد آوردن فشار به مسئولان جمهوری اسلامی برای پذیرش صلح، می کوشد تا اگرچه به مطامع خویش در امر متوقف کردن جنگ دست نمی‌یابد، از داعیه‌های صلح‌طلبی خود حداکثر استفاده‌ی تبلیغاتی را ببرد، و زیر پوشش صلح‌طلبی به هر نوع اقدام جنایتکارانه‌ای علیه مردم و نظامیان ایران دست بزند. بعلاوه، عراق با داعیه‌های صلح‌طلبی خویش، ضمن سلب مسئولیت ادامه‌ی جنگ از خود، و تحریک افکار عمومی مردم عراق، منطقه و جهان علیه ایران، به حفظ روحیه‌ی ارتش خویش می‌پردازد و جو تبلیغاتی مخالف عراق را به تبلیغات موافق این رژیم تغییر می‌دهد و موجبات تفرقه میان برخی از مسئولان و مردم را فراهم می‌آورد.

در بحث زیر سؤال بردن حامیان عرب ایران، گفتیم که عراق برای ممانعت از حمایت کشورهای عضو جبهه پایداری از ایران، در این مرحله از جنگ نیز همچون

[صفحه ۴۰۹]

مراحل پیشین آنها را زیر سؤال می‌برد تا به این ترتیب تعارض ایجاد شده در اذهان مردم و نظامیان عراقی در ارتجاعی و واپسگرا بودن یا نبودن جمهوری اسلامی را - که با موضع گیریهای این کشورها ایجاد شده بود - به نفع خود حل کند. دستگاه تبلیغاتی عراق در مرحله‌ی سوم جنگ ضمن آنکه با سوریه و لیبی برخوردی بسیار خشن دارد و آنها را «آلوده‌دستان خبیث عرب»، «خائنان به امت عرب» و... می‌خواند، گاهی از خود انعطاف نشان می‌دهد و در عمل آنها را به نوعی از معامله‌ی سیاسی - تبلیغاتی فرا می‌خواند. این تبلیغات، در کنار فشار ارتجاع عرب و استکبار جهانی که به سوریه و لیبی در جهت کناره گیری از جمهوری اسلامی وارد می‌آمد، بتدریج سبب شد که پس از عملیات کربلای ۵، لیبی اعلام کند جنگ خلیج فارس به مرحله‌ی جنون‌آمیزی رسیده است، و پس از عملیات والفجر ۸ الجزایر زبان به انتقاد از دریای خونی که ایران در خلیج فارس به راه انداخته است، بگشاید و سوریه هم به دلیل اختلافاتی که با ایران در خصوص آینده‌ی سیاسی عراق، لبنان، عدم پرداخت بدهی‌هایش به ایران و کاهش صدور اسلحه به ایران و.. داشت، خط لوله‌ی عراق را که چندی بسته بود دوباره بازگشایی کند. به این ترتیب، در عمل اقدامات عراق، ارتجاع عرب و استکبار جهانی در زمینه‌ی مهار حامیان عرب جمهوری اسلامی به ثمر بنشیند، و آنها از توان بیشتری در فریب افکار عمومی عراق و جهان برخوردار شوند.

در بحث رابطه‌ی ایران با رژیم اشغالگر قدس و امپریالیسم امریکا، گفته شد که عراق ایران را «مجری نیات صهیونیستها» و «تنها سنگر صهیونیسم در جهان حاضر» معرفی می کند و راه رسیدن به قدس را از تهران می‌داند. علاوه بر این، عراق با تمسک به آخوندهای درباری و سایر ترفندهای تبلیغاتی، و با معاضدتی که رسانه‌های خبری ارتجاع عرب و استکبار جهانی در جهت تبیین ارتباطات تسلیحاتی، اطلاعاتی و مشورتی ایران و اسرائیل با وی داشتند، ارتباط ایران و رژیم اشغالگر قدس را به افکار عمومی مردم عراق، منطقه و جهان القا می کند.

اما تبلیغات عراق درباره‌ی ارتباط ایران با امریکا از زمینه‌های عینی بسیاری برخوردار بود، از این رو، آسانتر از سوی مردم پذیرفته می‌شد. ماجرای مک فارلین و ارتباط مسئولان میانه‌روی ایران با مشاور امنیت ملی ریگان، موجی از تبلیغات ضد ایران را ایجاد کرده بود و در رسانه‌های خبری عراق و ارتجاع عرب تحلیلهای بسیاری

[صفحه ۴۱۰]

درباره‌ی «مواضع متناقض ایران با امریکا»، «ماجرای موش و گربه‌بازی» و «خیمه شب بازی» ایران و امریکا و «روابط پشت پرده ایران بـا امریکا» می‌آوردنـد. در جریان این تبلیغات، امریکا نیز به سـهم خود در اثبات وجود این رابطه پیشـقدم می‌شود، و با تبلیغ رابطه‌ی تسلیحاتی این کشور با ایران، تبلیغات عراق، ارتجاع عرب و رسانه‌های خبری غربی را تأیید می کند.

در بحث قومی کردن جنگ، گفته شـد که دسـتگاه تبلیغاتی عراق می کوشـید تا ضـمن ترسـیم تهدید بالقوه‌ی ایران که «متوجه تمام میهن عربی» بود، از عراق به عنوان دیوار پولادین شرق امت عرب یاد کند، دیواری که در صورت شکسـته شدن آن، تمام منطقه از هم پاشیده می‌شـد و ویرانی و خـواری و خـذلان اعراب را دربر می گرفت و سـرزمینهای اعراب تـا مغرب عربی به تصرف ایران در می آمد.

رژیـم عراق، در اثبـات متجـاوز بـودن ایران، از تلاـش عناصـر ایرانی برای کودتـا در بحریـن، تجـاوز هـوایی ایران بـه حریم فضـایی عربسـتان، تهـاجم به سـکوی نفتی شـارجه و... یاد می کرد و با توجه و شـناخت حقارت ذاتی ارتجاع عرب و حقارت تاریـخ معاصـر اعراب، می کوشـید تـا بـا اسـتفاده از این نقـاط ضـعف و بـا دادن تضـمین به شـیوخ مرتجـع عرب مبنی بر پـذیرش حکومت آنهـا، و مشـروعیت تـداوم حکومت پادشـاهی در خانـدان آنهـا و نفی احتمال تجاوز بعـدی عراق به سایر کشورهای عرب و نفی کسانی که قصـد دارنـد بـا کودتـا زمام امور را در کشورهای مرتجع عرب به دست بگیرنـد، آنان را نسـبت به تعمیق قومی شـدن جنگ تشویق می کرد. به این ترتیب صدام با امید دادن به رفع حقارتهای عدیده و تاریخی اعراب و تبلیغ شخصـیت جدید انسان عرب، که به تعبیر تبلیغـات عراق صـدام در حـال پی‌ریزی آن بود، تلاـش می کنـد تـا رهبری معنوی خود را در میـان اعراب جا انـداخته و از این طریق جنگ را هر چه بیشتر قومی کند.

صـدام و تبلیغـات عراق همچنیـن برای قـومی کردن هر چـه بیشـتر جنـگ کوشـیدند تـا بـا دادن وعـده‌ی حمـایت متقابـل نظـامی به کشورهای مرتجع عرب در برابر کمکهایی که به عراق می کردند، و با تحریک غیرت اعراب، به مقاصد خود نزدیک شوند و صدام در نهایت وقتی با این روشـها موفق نمی‌شود، به ارعاب اعراب متوسل می‌شود. البته تبلیغات اسـتکبار جهانی هم در این زمینه به نحو مؤثری به یاری عراق می‌شتابد و به انحای مختلف می کوشد تا ارتجاع عرب را با عراق و مقاصد خویش همگام کند.

[صفحه ۴۱۱]

در بحث حفـظ روحیه‌ی مردم و ارتش عراق، از تلاشـهای عینی و تبلیغاتی عراق برای ممانعت از سـقوط روحیه مردم و ارتش عراق یـاد شـد و گفته شـد عراق در تلاشـی عینی کوشـید تـا با پیش گرفتن برنامه‌ریزیهای مردمی، ایجاد آرامش روانی در پشت جبهه‌ها، ایجاد فضای باز فکری (در مسائل غیرسیاسـی)، زمینه‌سازیهای فرهنگی لازم، برتری بخشیدن به ارتش عراق با تکنولوژی برتر نظامی و تعمیـق کمیت و کیفیت نظامیـان عراقی، قومی کردن جنـگ، و... بر اسـتحکام سیاسـی - روانی عراق و روحیه بخشیـدن به مردم و ارتش این کشور بیافزاید.

رژیم عراق همچنین با به کارگیری تبلیغاتی غوغاسالار و روشـهای مبتنی بر تحمیق مردم و نظامیان عراقی و روشـهای مبتنی بر تطمیع و تهدیـد ارتش عراق، کوشـید زمینه‌ی مقـاومت هر چه بیشتر آنان را فراهم آورد. دسـتگاه تبلیغاتی عراق در رونـد تحمیق مردم این کشور، با توسل به روشـهای توجیه، تحریف، دروغگویی، فریبکاری، انعکاس مبهم رخدادها، مغالطه، تهمت، تمسخر، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و... توانست روحیه‌ی متزلزل مردم و نظامیان عراقی را حفظ کنـد. از سوی دیگر، عراق با طرح مضامین خطر تجزیه‌ی عراق و تبـدیل آن به لبنـانی دیگر، عقب‌مانـدگی تاریخی عراق در صورت پیروزی ایران، غصب خاک عراق، تغییر دین مردم سـنی

مذهب توسط ایرانیها، تجاوز ایرانیها به نوامیس مردم عراق و به اسارت بردن زنان عراقی به تهران و... می‌کوشید تا با تهدید مردم و نظامیان عراقی، موجبات مقاومت آنها را فراهم آورد و سرانجام، این رژیم با تطمیع نظامیان عراقی و اعطای القاب و مدالهای مختلف، پول، ماشین، زمین و... بر انگیزه‌ی آنها می‌افزود.

دستگاه تبلیغاتی عراق، در یکی از مهمترین زمینه‌های تبلیغاتی‌اش برای تقویت انگیزه‌ی مقاومت ملی در برابر تهاجم قدرتمند سپاهیان توحید، پس از زمینه‌سازیهای لازم، پیروزی محقق عراق و شکست محتوم جمهوری اسلامی را نتیجه می‌گیرد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم عراق، پس از متجاوز و ناحق خواندن ایران، به بی‌درایتی و جهل مسئولان جمهوری اسلامی اشاره و سعی می‌کند تا با اثبات حقانیت، درایت و کفایت مسئولان نظام بعثی، پیروزی فکری آنها بر ایران را نتیجه بگیرد. تبلیغ آسیب دیدن جدی زیر ساخت اقتصادی ایران و سالم ماندن ساختار اقتصادی عراق و سیر فزاینده‌ی منزوی شدن ایران در سطح جهان و پذیرش عراق از سوی جهان، از موارد دیگری است

[صفحه ۴۱۲]

که توسط دستگاه تبلیغاتی عراق در اثبات پیروزی حتمی عراق بر ایران به کار گرفته می‌شوند.

در بحث مطرح شدن صدام به عنوان یک رهبر برتر، گفته شد که دستگاه تبلیغاتی عراق صدام را به عنوان رهبری برتر و افسانه‌ای و فردی که منجی قوم عرب است و درصدد رفع حقارتهای تاریخی اعراب، و پی‌ریزی شخصیت جدید انسان عرب است، مطرح می‌کند. همچنین، صدام به عنوان یک ایدئولوگ بی‌نظیر و دارای شم سیاسی قوی معرفی می‌شود. تبلیغات عراق با توجه به علقه‌های مذهبی مردم عراق، می‌کوشد تا با تبلیغ اسلامیت و دینداری صدام، جایی برای وی در قلب مردم عراق باز کند.

در بحث سرنوشت جنگ در سومین مرحله‌ی جنگ، دوباره از اهداف چهارگانه‌ی امریکا و چگونگی تعقیب آنها در فرسایش ایران و مهار امواج انقلاب اسلامی در منطقه، حفظ جریان صدور نفت از خلیج فارس، ممانعت از سودجویی شوروی از اوضاع پیش‌آمده در جنگ، و جذب عراق به بلوک غرب سخن به میان آوردیم.

امریکا در تعقیب مهار امواج انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان، فرسایش ایران و در نهایت وابسته کردن ایران به خود، سعی می‌کند جنگ را در حالتی بینابین و همچنان برافروخته نگاه دارد تا در طی آن، اولاـ با تقویت تکنولوژی جنگ عراق و تحریم تسلیحاتی ایران، ثانیا با سودجویی از زمینه‌ی مساعدی که از دید غیرواقع برخی از مسئولان ایرانی فراهم شده بود؛ ثالثا با فرسایش تدریجی نیروهای انقلابی ایران در جبهه‌ها و فرسایش امکانات اقتصادی ایران، رابعا با سودجویی از اختلافات داخلی مسئولان و حمایت از میانه‌روهای ایران و فرسایش روانی مردم، بتدریج بتواند ایران را در بن‌بستی قرار دهد که چاره‌ای جز نزدیکی با امریکا نداشته باشد.

امریکا در این مرحله از جنگ برخلاف مراحل قبلی - که برای عدم تحریک ایران در بستن تنگه هرمز، مانع از تهاجم عراق به جزیره خارک می‌شد - پس از همکاری با کشورهای عرب در ساختن خطوط لوله‌ای که نفت خلیج فارس را از طریق عربستان و عراق به ترکیه انتقال می‌دادند، احتمال آسیب دیدن غرب در جریان بسته شدن احتمالی تنگه‌ی هرمز و عدم صدور نفت از این آبراه را کاهش داد و سپس برای فرسایش نهایی ایران ضمن حضور یافتن در خلیج فارس و گرفتن چهره‌ای نیمه تهاجمی به خود، در توطئه‌ای هماهنگ با ارتجاع عرب و غرب، برای فرسایش نهایی ایران به «کاهش قیمت نفت»

[صفحه ۴۱۳]

کمک کرد و به عراق اجازه داد تا به «جنگ نفتکشها» دامن بزنـد. مواردی همچون «جنگ شـهرها»، «جنگ سـفارتخانه‌ها»، «جنگ شیمیـایی» و... برای شکسـتن مقـاومت ایران، توسـط عراق و امریکـا و متحـدین غربی‌اش به کار گرفته می‌شود. البته در کنار تنگنای فوق، امریکا ضـمن حفظ آمادگی نظامی خویش برای مداخله در خلیج فارس، گاه با تطمیع ایران، سعی می‌کند، او را از دست زدن به اعمال غیر قابل کنترل برای غرب بازدارد و به فرسایش ایران و جذب او به سوی غرب دست یابد.

امریکا در تعقیب اهـداف دیگرش در ممانعت از دست‌یابی شوروی به خلیـج فارس و جـذب عراق به بلوک غرب، با فریب شوروی توسط کویت، نخست کشتیهای این کشور را برای اسـکورت نفتکشـهای کویتی به خلیـج فارس کشانـد و پس از آماده شـدن افکار عمومی مردم امریکا، جهت اعزام ناوگان امریکا به خلیج فارس، به این کار مبادرت ورزید. شوروی که به خطای خود پی برده بود، از تمامی کشورهای غیر ساحلی خلیـج فارس خواست تا این منطقه را ترک کننـد، اما در نهایت با امتیازاتی که شوروی در خصوص افغانسـتان از امریکا گرفت در صف حامیان سیاسـتهای امریکا در خلیـج فارس درآمـد و از تأثیرگـذاری کلی در روند جنگ برکنار ماند. با موشک باران تهران توسط موشکهای اصلاح شده‌ی روسی، معلوم شد که شوروی بشدت بازی خورده است.

امریکـا بـا توفیق در فرسـایش ایران و حفـظ جریـان صـدور نفت از خلیـج فارس و دور نگاه داشـتن شوروی از خلیـج فارس، در این مرحله از جنـگ درصـدد بر می‌آیـد بـا «اعطـای وامها و اعتبارات مختلف» و ارائه‌ی تسـلیحات نظامی غرب به عراق، این کشور را به سوی خود جـذب کنـد. بعلاـوه، در نتیجه‌ی کـاهش قیمت نفت، بر میزان وابسـتگی این کشور به منـابع مالی کشورهای عرب تحت نفـوذ امریکـا، و سـایر کشورهـای غربی افزوده شـد و به این ترتیب، امریکـا موفق شـد پس از ۸ سال سـرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و فریبکاری و نیرنگ، به میزان بسیار زیادی اهدافی را که از مرحله اول جنگ در نظر داشت، متحقق سازد.

[صفحه ۴۱۷]

تحلیلی از تحولات سیاسی – نظامی جنگ

شناخت روند حاکم بر جنگ و مراحل آن

در تحلیل تحولات سیاسی – نظامی جنگ به سه مرحله با عناوین زیر پرداخته‌ایم:

۱. مرحلـه‌ی اول، تهــاجم گسـترده‌ی عراق و دفـاع و تهـاجم ابتــدایی ایران (از ۳۱ شـهریور ۱۳۵۹ تـا ۵ مهر ۱۳۶۰، شـروع عملیات ثامن‌الائمه).

۲. مرحلـه‌ی دوم، مرحله‌ی پیروزیهـای بزرگ ایران (از ۵ مهر ۱۳۶۰ عملیات ثامن‌الائمه تا ۲۳ تیر ۱۳۶۱ عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر).

۳. مرحله‌ی سوم، مرحله فراز و نشیب در جنگ (از ۲۳ تیر ۱۳۶۱ عملیات رمضان تا ۲۷ تیر ۱۳۶۷ پذیرش قطعنامه).

مرحله‌ی اول جنگ: تهاجم گسترده‌ی عراق و دفاع و تهاجم اولیه ایران

اشاره

عراق در تاریـخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹ و اول مهرمـاه همـان سـال، تهاجم همه‌جانبه و هماهنگی را توسط رسـته‌های زمینی و هوایی به سـه

منطقه‌ی مرزی ایران شروع می کند. این مناطق عبارتند از:

الف) منطقه‌ی شمالی (از ازگله به بالا). در اینجا عراق با نیروی جزئی وارد عمل شد و در این منطقه در کل کار را به حزب دمکرات واگذار کرد.

ب) منطقه‌ی میانی (از سرپل ذهاب تا دهلران و موسیان). تهاجم عراق در این منطقه بیشتر برای به دست آوردن خط دفاعی مطمئن جهت حفاظت بغداد از حملات ایران بوده است، به طوری که بعد از اشغال خوزستان، امکان عمل متقابلی برای ایران باقی نماند.

[صفحه ۴۱۸]

ج) منطقه جنوبی (از موسیان تا خرمشهر و آبادان). تلاش اصلی ارتش عراق در این منطقه، جهت تصرف خوزستان بوده است.

نتایج نظامی تهاجم عراق تقریبا در همان روزهای نخست روشن شد:

۱. عراق تا تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۵۹ سیطره بر دریا را به ایران سپرد. «اوزا»های نیروی دریایی این کشور، در مواجهه با عملیات هماهنگ رسته‌های هوایی - دریایی یا غرق شدند و یا صحنه‌ی دریا را به نفع ایران ترک گفتند. شناورهای عراقی از آن به بعد، کاری از پیش نمی‌بردند؛ زیرا هر گاه از پناهگاههای «البکر» و «ام‌القصر» خارج می‌شدند با آتش سنگین دریایی ایران مواجه بودند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا عراق با وجود علم به اینکه در صورت بروز جنگی همه‌جانبه، با توجه به برتریهای مطلق و بی‌چون و چرای ایران بر آبها و معابر خلیج فارس و توانایی این کشور بر محاصره‌ی کامل دریایی عراق، در واقع قصد داشت خود را به دام اندازد یا به دنبال مفر دیگری می گشت؟ بررسی این پرسش را به ادامه‌ی همین بحث واگذار می کنیم.

۲. یورش اولیه‌ی هوایی عراق، گرچه ابعاد نسبتا گسترده‌ای داشت، اما خیلی سریع تحت کنترل درآمد و در این زمینه نیز از همان روزهای نخست، برتری را به نیروی هوایی ایران سپرد.

مقابله به مثل هوایی ایران دو روز پس از شروع تهاجم عراق با به کار گرفتن ۱۴۰ فروند هواپیمای شکاری بمب‌افکن، بزرگترین عملیات ایران در طول جنگ است.

آیا کادر رهبری عراق، به برتری قدرت هوایی ایران آگاهی نداشت؟ این امر موضوعی محرمانه و یا دور از دسترس نبود. همه شنیده بودند که قدرت ضربتی و رهگیری هوایی و کنترل و ردیابی نیروی هوایی ایران، همراه با تخصص بالای پرسنل آن در منطقه بی‌نظیر است. بنابراین، هیچ شکی نیست که برنامه‌ریزان نظامی عراق می‌دانستند که باید بزودی همانند دریا، کنترل هوایی را نیز به ایران محول کنند. با وجود این، عراق چگونه خود را در این دام گرفتار ساخت؟ بررسی این پرسش را نیز به ادامه‌ی همین بحث واگذار می کنیم.

۳. برخلاف تصور عام، عراق در تهاجم زمینی خویش نیز همانند تهاجم هوایی و دریایی به پیروزی اولیه نایل نشد و در واقع، می توان گفت تا اوایل دی ماه ۵۹ در این زمینه نیز «شکست» را پذیرفته بود.

[صفحه ۴۱۹]

عراق در واقع تهاجم نظامی را به عنوان یک اهرم قوی جهت بهره گیریهای سیاسی به کار برد. بغداد با اطلاعات مکتسبه نظامی از ژنرالهای عالیرتبه‌ی فراری شاه و پنتاگون و نیز اطلاعات سیاسی سیا، بیش از دو پیش‌بینی راجع به عملکرد تهاجم نظامی خود نداشت:

الف) حکومت اسلامی به سبب از هم‌پاشیدگی سیستم نظامی ایران، و به دلیل امواج اغتشاش، جدایی‌طلبی، شورشهای ناحیه‌ای که حتی پایتخت را نیز در بحران خرد کننده‌ای قرار داده بود و سلب امنیت و آرامش شهروندان را در پی داشت، برای سقوط تنها به یک ضربه قوی نیاز داشت.

تلاش برنامه‌ریزی شده‌ی عراق جهت دامن زدن به موج اغتشاش و سلب امنیت عمومی توسط بمب‌گذاری در شهرهای جنوبی، در واقع، دامن زدن به چنین جوی بود تا زمینه برای تهاجم ساقط کننده فراهم شود.

ب) اگر جمهوری اسلامی در همان ضربه‌ی نخست متلاشی نشود، تسخیر خوزستان می‌توانست در کوتاه‌مدت فرصت خوبی را برای چنین سقوطی فراهم آورد. اشراف عراق بر گلوگاههای خوزستان و تصرف میادین نفتی، اولا ایران را به طور کلی از سوخت در همه‌ی زمینه‌ها از جمله ترابری، کارخانجات، نیروگاهها، مصرف خانگی و...محروم می‌ساخت؛ ثانیا ایران را از فروش نفت و در نتیجه از ارز حاصل از آن محروم می‌کرد؛ ثالثا حدود ۸۵ درصد ظرفیت بنادر ایران را در اختیار می‌گرفت و... در این صورت نیز سقوط حکومت اسلامی، حتمی تصور می‌شد.

اما، شکست تهاجم زمینی عراق همه‌ی توطئه‌ها را عقیم گذاشت. در موارد زیر این شکست مشهود بود:

۱. قوای زمینی ارتش عراق در بهره‌گیری از پیشرویهای خود عاجز ماند. این نیروها در پی تصرف «فکه»، «عین خوش» و «دشت عباس»، گرچه بیش از ۶۸ کیلومتر در عمق پیشروی کرده بودند، در حوالی پل کرخه و منطقه‌ی عمومی شوش، متوقف شدند و با وجود تلاش بسیار و حملات متعدد و مستمر زرهی نتوانستند دزفول را اشغال کنند. تصرف این منطقه به مثابه‌ی قطع کامل ارتباط خوزستان با مرکز بود.

۲. گرچه عمده‌ترین تلاش قوای زمینی عراق جهت فتح دزفول متمرکز شده بود، اما تصرف شبه جزیره‌ی آبادان نیز می‌توانست بخشی از اهداف سیاسی این کشور را

[صفحه ۴۲۰]

برآورده سازد؛ زیرا علاوه بر تسلط بر پالایشگاه، گمرکات و بندر عظیم خرمشهر، خوزستان جنوبی و جنوب غربی، یعنی عمده‌ترین منطقه‌ی بازرگانی و نفتی ایران تحت کنترل عراق در می‌آمد. در اینجا نیز حملات متعدد جهت تصرف آبادان از محورهای بهمنشیر، ذوالفقاری و خرمشهر ناموفق بود.

۳. پیشروی از محور چزابه، بستان و محور طلایه به قصد محاصره و تصرف اهواز نیز موفق نبود. اهواز کانون جغرافیایی خوزستان و قطب ارتباطی جلگه‌ی خوزستان بود. تصرف این «مادر شهر» همراه با دزفول در شمال، آبادان و خوزستان جنوبی و جنوب غربی، این جلگه مسطح را کاملا در اختیار عراق می‌گذاشت.

عوامل پیشروی اولیه‌ی نظامی عراق

عراق، بزرگترین موفقیت را با تصرف ارتفاعات «زینل کش» و «قراویز» و «بازی دراز» به دست آورد. تصرف این ارتفاعات، در تأمین بغداد و میادین نفتی حساس خانقین بسیار مهم بود. اگرچه در مراحل بعدی، عراق بازی دراز و قراویز را از دست داد، اما برای ایران فرصت دستیابی به ارتفاعات مشرف بر خانقین فراهم نشد.

در همین جبهه، تصرف میمک، نفت‌شهر و مهران و... با سرعت صورت گرفت. در جبهه‌ی جنوبی نیز عراق بزرگترین پیشرویها را کرد. اما چه عواملی پیشروی اولیه قوای زمینی عراق را فراهم آورد؟

قبل از بررسی این پرسش ارائه‌ی یک چارچوب کلی برای شناخت مرحله‌ی اولیه‌ی جنگ ضروری است.

از ۳۱ / ۶ / ۵۹ تا ۵ / ۷ / ۶۰ یک فضای عمومی بر روند نظامی جنگ حاکم بود. پیشروی سریع عراق، دفاع ابتدایی و سپس حملات ناموفق بعدی ایران، جوی راکد و بیمار در جبهه‌ها حاکم کرده بود. طی یک سال و شش روز، ایران از نظر نظامی هرگز نتوانست عراق را به عقب براند. این امر با توجه به ظرفیت عظیم نظامی ارتش کاملا غیرمنتظره بود. حملات پارتیزانی و محدود و یک پاتک گسترده از سوی ایران از مشخصه‌های این دوره است.

این مرحله خود به سه مرحله‌ی فرعی‌تر قابل تقسیم است:

الف) پیشروی عراق بدون مانع صورت می گیرد؛

[صفحه ۴۲۱]

ب) عراق از حرکت باز می‌ماند؛

ج) حملات ایران عقیم می‌ماند.

الف) پیشروی زمینی اولیه‌ی عراق.

این پیشروی خود چند علت داشت:

۱. سازمان اداری - نظامی ارتش ایران هرگز نتوانسته بود هماهنگ با مدرن شدن ابزار و تجهیزات نظامی پیش رود. در اصل، ساخت اداری ارتش ایران ایستا بود و بوروکراسی بشدت بر آن حاکم بود. بویژه نیروی زمینی هرگز نتوانسته تحولات روزمره نظامی را بپذیرد. برای مثال شناسایی، کنترل، ردیابی دقیق و همه جانبه‌ی حرکات دشمنان احتمالی و اصولا شناخت دشمنان و بررسی روزمره حرکات آنها جزء خصایص یک ارتش «متحرک» است. این ارتشها به گروههای بررسی و تجزیه و تحلیل متکی‌اند و مهمترین وظیفه‌ی آنها در واقع پیشگیری از خطر و مقدم بر آن، شناسایی خطر است.

شاه ابزار آلات پیشرفته‌ای را وارد نظام بسته‌ی ارتش ساخت، اما اولا، قادر به وارد ساختن تکنولوژی نشد؛ ثانیا، تلاش جهت ارائه‌ی نظم و انضباط مانع از آن شد که تحولی عمیق در نظام اداری قوای مسلح ایجاد شود. برای مثال مرزهای کشور ما علی‌رغم خطرات متعدد تاریخی و حملات مکرر اجنبی هیچگاه مورد مطالعه‌ی علمی قرار نگرفت. عوامل دفاع مرزی ناشناخته ماند. چگونه قابل تصور است که قدرت نظامی بزرگی مثل ایران فاقد استراتژی تدوین شده‌ی ملی باشد؟

در واقع، آن وابستگی که از آن گفتگو می‌شود، بیش و پیش از هر چیز به بی‌کفایتی ارتش در زمینه‌ی مسائل استراتژیکی باز می‌گردد. رژیم شاه پذیرفته بود که جنگهای امروز دیگر جنگ بین دو کشور نیست، بلکه فقط در چارچوب دخالت قدرتها امکان‌پذیر است. اعتقاد به اینکه «دیگر هیچ کشوری به تنهایی نه می‌تواند زندگی کند و نه می‌تواند جنگ کند»، باعث گردید که امور عمومی و استراتژیکی دفاع کشور ما، به عهده‌ی قدرتهای بزرگ گذاشته شود؛ یعنی زمان صلح، جنگ، جنگ سرد و... فقط ابزار به ما تحویل دهند. همین امر نیز مانع از آن می‌شود که ارتش بتواند حرکات دشمنان را تجزیه و تحلیل کند و یا حتی دشمن را شناسایی کند. در یک کلام، ارتش فقط جنگیدن - و نه فکر کردن - را در سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود. به همین جهت در دانشکده‌های نظامی ما تدریس و بررسی دروس ژئوپلیتیک و استراتژیک به صورت دقیق و اصولی، جایی نداشت.

[صفحه ۴۲۲]

۲. با فرار کادرهای بالای ارتش و به هم‌ریختگی عمومی قوای مسلح، ارتباط بین ارکان و عناصر قوای مسلح از جمله ارکان مسئول شناسایی حرکات همسایگان مختل شد و نظام و سازمان عمومی ارتش دچار تزلزل شده بود. در این میان نیروی زمینی بیشترین ضربات را متحمل گردید.

۳. تشتت سیاسی حاکم بر فضای جامعه که اتفاقا از شهریور سال ۱۳۵۹ به مرحله‌ی خطرناکی نزدیک می‌شد به ارتش نیز سرایت کرد و فرمانبری و انضباط و کار دقیق در ارتش صورت نمی‌گرفت.

۴. ارگانها و سازمانهای نظامی دیگر مانند سپاه هنوز در مرحله تکوین اولیه بودند.

۵. همه‌ی توجهات معطوف مسائل و مشکلات و درگیریهای داخلی بود و تصور حمله‌ی همه جانبه‌ای حداقل از سوی عراق نمی‌رفت.

همین عوامل باعث شد که عراق تقریبا بدون برخورد با مانع عمده‌ای، در تمام محورها شروع به پیشروی کند و حداقل در جبهه‌ی میانی و جبهه‌ی عین خوش - دشت عباس به موفقیتهای بزرگی دست یابد.

ب) چرا عراق از حرکت باز می‌ماند؟

بزرگترین پیروزی ایران در طول قریب به هشت سال جنگ، جلوگیری از پیشروی عراق و ایجاد سد دفاعی در مقابل تصمیم قاطع نظامی عراق، جهت تسخیر خوزستان بوده است؛ زیرا علی‌رغم تشتت سیاسی حاکم، عدم آمادگی ارتش جهت عملیات دفاعی، منسجم نبودن سپاه، وجود کانونهای آشوب و هرج و مرج در سراسر کشور بویژه در غرب، تزلزل بنیادین در روابط اقتصادی، فعالیت گسترده و همه‌جانبه گروهکها و... دفاع اولیه، جهت از کارانداختن تحرک دشمن موفق شد و در عمل نیروی زمینی ارتش عراق به اهداف عملیاتی خود نایل نشد. دلایل این امر را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. هنگام تهاجم عراق تمامی توجهات مردم و دولت و مقامات و احزاب و دسته‌ها و گروهها و... به سوی مسائل داخلی معطوف بود. آغاز تهاجم وسیع و همه‌جانبه عراق به صورت کوتاه‌مدت یکباره همه را به سوی خطراتی عینی که از خارج انقلاب اسلامی را بشدت تهدید می‌کرد متوجه ساخت. در واقع، یکی از عوامل اختلافات درونی و گروه گراییها و جناح بندیها، عدم احساس خطر عمیقی بود که انقلاب را از خارج تهدید می‌کرد

[صفحه ۴۲۳]

و به محض اینکه مردم این خطر را لمس کردند. شتابان و با عجله به فکر نجات انقلاب اسلامی افتادند.

مردم با شتاب و همت، در مقابل این دشمن، صحنه‌هایی در نهایت زیبایی و شکوه و عظمت آفریدند. عجله جهت فراگیری آموزشهای نظامی کوچه و پس کوچه‌ها و مساجد و خانه‌ها و... را به پادگانهای کوچکی تبدیل کرد؛ دوره‌ی کوتاه‌مدت آموزش اسلحه و گسیل به هر وسیله‌ی ممکن به خوزستان و دیگر جبهه‌های نبرد، شرکت در جبهه‌ها جهت جلوگیری از پیشروی سیستم قوی و مدرن ارتش عراق، جزء همین صحنه‌ها به شمار می‌رود. در این زمینه مردم استانهایی که در خط مقدم حملات بودند، از جمله خوزستان و باختران بزرگترین مسئولیت را تقبل کردند. تصمیم مردم به دفاع، در واقع مهمترین عامل جهت از کارانداختن تحرک نظامی عراق بود. در این زمان همه‌ی اقشار مختلف دفع تجاوز عراق را بزرگترین مشکل و مسأله‌ی خود می‌دانستند.

۲. عراق با اینکه در جبهه‌های جنوب، بخوبی در عمق پیش رفته و مناطق زیادی را اشغال کرده بود، هرگز درصدد برنیامد تا این پیشرویها را به نتیجه برساند. عراق که تهاجم خود را در زمان مناسب آغاز کرده بود به پیشرویهای چند روز نخست بسنده کرد. عمده‌ترین علل نظامی که عراق را در پشت دروازه‌های دزفول، اهواز و آبادان میخکوب کرد، به کار نگرفتن تمامی توان نظامی‌اش

در تداوم حملات بود.

یکی از دلایل عقیم ماندن حملات عراق، هراس فرماندهی جنگ از قیچی شدن نیروهایش در عمق بیشتر بود. عراق بخوبی آگاه بود که ایران به دلیل عمق استراتژیک در صورت پابرجایی و استواری نظام قادر به پاتک است، اما تردید عراق در عدم به کارگیری تمام توان نظامی – اقتصادی خود برای به نتیجه رساندن عملیاتش در خوزستان بیهوده بود، زیرا از هم گسیختگی قوای مسلح، ضعف هماهنگی و فرماندهی و ضعف لجستیکی ایران، همه‌ی زمینه‌ها را برای بهره‌برداری نظامی آماده ساخته بود.

۳. گرچه تهاجم عراق با دستور و حمایت علنی و تسلیحاتی ابرقدرتها و حمایت عربستان و کویت شروع شد، اما فضای سیاسی بین‌المللی هیچگاه موافق عراق نبود. بین کشورهای عرب حداقل چهار کشور لیبی، سوریه، الجزایر و یمن دمکراتیک این حمله را محکوم کردند و دو کشور اول، به طرفداری صریح از ایران پرداختند. حتی روسها که بزرگترین تأمین کننده‌ی سلاح عراق بودند، ارسال اسلحه را محدود یا متوقف ساخته، به

[صفحه ۴۲۴]

فروش اسلحه به ایران تمایل نشان دادند.

به نظر می‌رسید که عراق برای ادامه‌ی تهاجم خود، نه تنها موافقت سیاسی جامعه‌ی بین‌المللی را پشت سر ندارد، بلکه اکثر کشورهای اسلامی، جهان سوم و دیگر کشورهای وابسته به شرق و غرب یا مخالف چنین کاری بودند یا حداقل در ظاهر به آن روی موافق نشان نمی‌دادند. در واقع، تحرک نظامی عراق تا حدود زیادی تحت تأثیر حرکتهای سیاسی قرار گرفت و همین امر خود در ضعف قدرت تهاجمی آن تأثیر گذاشت.

۴. در حالی که انقلاب مراحل اولیه‌ی خود را می‌گذراند، اوضاع مجلس، دولت، شورای نگهبان و به طور کلی سیستم اجرایی و سیاسی کشور هنوز به مرحله‌ای که موجب کناره‌گیری از مردم گردد، نرسیده بود. اصولاـ قوانین خود تحت تأثیر مردم و جریانات سیاسی بود. قوانین شورای انقلاب اسلامی آنقدر برندگی داشت که بتوان به دفاع از آن پرداخت. مجلس اول نیز تحت تأثیر همین فضا، سراسر شور و حرارت بود. هنوز طبقه جدید، مقامات و واسطه‌ها شکل نگرفته بودند و حرارت انقلاب بسیاری از موانع و سدهای استکباری درونی را درهم می‌شکست. همین فضا باعث شده بود که تقریبا همه‌ی مردم مسائل انقلاب را مسائل خود بدانند. در این حالت، تردیدی نبود که تمام مردم به دفاع و حمایت از جنگ و دفاع مقدس بپردازند.

۵. برخلاف تهاجم ۱۹۶۴ اسرائیل به مصر، عراق نتوانست آسیبی به زرادخانه‌ی عظیمی که شاه مخلوع تهیه دیده بود، وارد آورد. پایگاههای هوایی خیلی سریعتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد توان بالای خود را در حمله به عراق نشان دادند. نیروی دریایی نیز بدون هیچ خللی پابرجا بود و به دلیل عمق زیاد استراتژیک ایران، عراق تنها توانست لطماتی مقطعی به ارکان و تجهیزات لشکر ۹۲ زرهی وارد آورد، که آن هم با وجود ضعف لجستیکی ایران بسرعت جبران شد. همین زرادخانه‌ی عظیم پشتوانه‌ی محکمی در جهت حمایتهای دفاعی به شمار می‌رفت. ارتش که هرگز در چنین مقیاسی نجنگیده بود، حال می‌خواست با پشتوانه‌ی به کارگیری زیاد همین ملزومات از پیشروی ارتش دشمن جلوگیری به عمل آورد. در هر حال، عدم توفیق عراق در این زمینه، فرماندهی قوای مسلح آنها را نیز به دوراندیشی در پیشروی محتاطانه مجبور می‌ساخت.

[صفحه ۴۲۵]

ج)چرا تهاجمات ایران عقیم می‌ماند؟

پس از کـاهش قـدرت تهاجمی عراق که تقریبا تا اواخر آبان ادامه داشت، ایران جهت باز پس گیری مناطق مختلف نسبت به انجام عملیات متعـدد هجومی اقـدام کرد. اما از مجموعه‌ی عملیات انجام شـده حدود ۷۲ درصـد به اهـداف ارضـی نایل نیامد و یا به طور کامل، شـکست خورد. از ۲۸ درصـد بقیه نیز توفیق تعیین کننـده‌ای به دست نیامـد. البته تسـخیر تپه‌های الله‌اکبر در عملیات امام علی علیه‌السـلام راه را جهت عملیـات «طریق القـدس» باز کرد، اما در عین حال منطقه‌ی عملیات محـدود بود و فی نفسه توفیق بزرگی به شمار نمی‌رفت.

به طور کلی، عملیـات انجـام شـده طی این مرحله که تا چهارم مهر ماه هزار و سیصد و شصت ادامه یافت، از نظر تاکتیکی و نوع و ابعاد به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) یـک پاتـک گسترده با اسـتفاده از رسـته‌های مکانیزه و هوایی در «هویزه» به تاریـخ ۵ / ۱۰ / ۵۹ انجام شد. این پاتک توسـط ارتش برنامه‌ریزی شـد و جانشـین فرمانـدهی کل قوا که در آن زمان با ریاست جمهوری وقت بود، آن را تأیید کرد و بر آن نظارت داشت. شـیوه‌ی عملیـات کلاسـیک و نتیجه‌ی آن کاملاـ ناامیـد کننـده بود؛ زیرا اگرچه عملیات در آغاز به عقب‌نشـینی ارتش عراق منجر شد و ۱۸۰۰ نفر اسیر شدند، اما پاتک سریع عراق علاوه بر وارد آوردن خسارات عمده و سنگین به قوای ایران، باعث شد تمام مناطق فتح شده باز پس گرفته شود.

ب) در بقیه‌ی عملیات، شـیوه‌های جنگ پارتیزانی یا عملیات نیمه کلاسـیک به کار رفت، مانند عملیات کوههای گچ، نصـر، شـهید چمران و...

عواملی که باعث «عقیم ماندن» پاتکهای ایران شد عبارتند از:

۱. نیروی زمینی ارتش به عنوان قویترین سازمان نظامی کشور در آن وضـعیت به دلایل ذیل، قدرت عقب نشاندن عراق را از اراضی متصرفه نداشت.

الف) ضـعف هماهنگی، فرماندهی و عدم انضباط لازم تقریبا در سراسر ارکان ارتش بویژه نیروی زمینی آشکار بود. موقعیت خاص اوایل انقلاب که موجب از هم پاشیدگی، فرار یا اعـدام فرماندهان عالیرتبه و عدم فرمانبری آنها می‌شد، از جمله عوامل این ضـعف کلی محسوب می‌شدند.

ب) ارتش بویژه نیروی زمینی فاقد اطلاعات لازم درباره‌ی قوای مسلح همسایگان

[صفحه ۴۲۶]

بخصوص شیوه‌ها و تاکتیکهای رزمی آنها بود. به همین دلیل پس از عملیات «هویزه»، تصور پاتک سنگین عراق نمی‌رفت.

۲. سپاه پاسداران انقلاب اسـلامی هنوز مراحل اولیه‌ی تکوین خود را می‌گذراند و از این رو آمادگی رزمی جهت عملیات گسترده نظامی را نداشت.

۳. گرچه تحمیـل جنـگ توانست زمینه‌ی مفیـدی برای وحـدت فراهم آورد، امـا خیلی سـریعتر از آنچه پیش‌بینی می‌شـد، اختلافـات درونی دوباره سـر درآورد و رشد سـریع خود را آغاز کرد، همین اختلافات به قوای مسلح، یعنی ارتش و سپاه نیز سرایت کرده بود. رئیس جمهور وقت که جانشـینی فرماندهی کل قوا را نیز به عهده داشت، در واقع خود بزرگترین موجد اختلافات به شمار می‌رفت. همین جـدایی مانع اصـلی برای عملیات مشترک ارتش و سـپاه بود و از طرف دیگر وحدت هدف و عمل مشترکی نیز بین مقامات و مسئولان مملکت در خصوص جنگ به چشم نمی‌خورد.

۴. تشتت سیاسی که توسط گروهها، دستجات، احزاب و جناح‌بندیهای درونی و رئیس جمهور وقت دامن زده می‌شد، مهمترین عامل دور شدن اذهان از این مسأله‌ی مهم ملی بود. این تشتت نه تنها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأثیر خود را برجای گذاشت. بلکه به ارکان نظامی نیز سرایت کرد و موجبات از هم‌گسیختگی آنان را فراهم کرد.
۵. سیستم اجرایی و قانون‌گذاری کشور از یک طرف مجبور بود حداکثر تلاش خود را جهت حفظ ثبات، سطح زندگی و رفاه اقتصادی فراهم آورد، و از طرف دیگر، جنگ نیز در ظاهر مانعی برای مقصد نخست بود. اما آنچه بر فشارهای اقتصادی می‌افزود، اعتصاب، رکود تولید، تهی شدن ذخایر ارزی، بیکاری رو به رشد و.. بود.

مرحله‌ی دوم جنگ: مرحله‌ی پیروزیهای بزرگ ایران

این مرحله از ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ شروع و تا ۲۳ / ۴ / ۶۱ ادامه می‌یابد، به عبارت دیگر از عملیات ثامن‌الائمه تا عملیات بیت‌المقدس و آغاز عملیات رمضان، کمتر از ده ماه طول کشید. چهار پیروزی بزرگ و تعیین کننده در این مرحله حاصل شد.

[صفحه ۴۲۷]

الف) تشریح عملیات چهارگانه در مرحله‌ی دوم.
چهار پیروزی بزرگ و مستمر حاصل این مرحله بود: اول پیروزی عملیات «ثامن‌الائمه» که به شکستن محاصره‌ی آبادان و پاکسازی شرق کارون منجر شد؛ دوم عملیات «طریق‌القدس» حدود سه ماه پس از «ثامن‌الائمه» شروع شد و علاوه بر آزادسازی منطقه‌ی عمومی بستان تا هورالعظیم، در عمل بین قوای ارتش عراق در بخشی جنوبی و شمالی بستان شکاف انداخت و به قطع خطوط ارتباطی بین سپاهیان عراق انجامید، سوم، عملیات «فتح‌المبین» که حدود چهار ماه پس از آزادسازی بستان شروع شد و به آزادی غرب شوش - دزفول و آزادسازی بلندیهای فکه و سایتها به مساحت ۲۴۰۰ کیلومتر مربع منجر شد؛ چهارم عملیات «بیت‌المقدس» که یک ماه و ۲۳ روز پس از عملیات «فتح‌المبین» با آزادسازی بیش از ۵۴۸۰ کیلومتر مربع، سبب دستیابی ایران به شهر «هویزه»، «پل نو» «جاده‌ی اهواز - خرمشهر»، «کرخه نور»، «ضلع غربی خرمشهر در پاسگاههای حمید و جفیر» و... شد، و ما را به مرزهای بین‌المللی نزدیک ساخت.
ب) نتایج نظامی عملیات مرحله‌ی پیروزیهای بزرگ.
۱. اولین نتیجه‌ی این مرحله، آزادسازی بیش از ۸۳۰۰ کیلومتر مربع از اراضی کشور بود. علاوه بر این، رژیم عراق پس از آزادی خرمشهر در یک اقدام سیاسی - نظامی از بقیه‌ی اراضی متصرفه عقب‌نشینی کرد و تنها بخش کوچکی از جبهه‌ی میانی را که از نظر نظامی جهت حفظ بغداد ضروری و دارای ارزش فوق‌العاده‌ای بود، نگه داشت. در پایان این مرحله، مردم تصور می‌کردند کشور به طور کامل از یوغ اجنبی فارغ شده است. تبلیغات ایران نیز چنین مفهومی را می‌رساند.
۲. خسارات وارد شده به دشمن طی این مدت کوتاه قابل توجه بود، حدود ۵۰ هزار کشته و زخمی بیش از ۴۱ هزار اسیر، انهدام بیش از ۱۶۰۰ تانک و نفربر زرهی، ساقط شدن حدود ۴۳ فروند هواپیما، به اضافه‌ی غنایم متعدد شامل صدها تانک، نفربر، خودرو، سکوی پرتاب موشک، هلی‌کوپتر، مین، بمب و دهها هزار سلاح سبک از نتایج این مرحله به شمار می‌رود.
۳. عراق در انتهای این مرحله «دفاع مطلق» را پذیرفت. این بدان معنا بود که از آن

[صفحه ۴۲۸]

به بعد دیگر انتظار حمله‌ی مجددی به خاک ایران نمی‌رفت. علاوه بر این، شکستهای پی در پی در این ده ماه، موضع صدام حسین و حزب بعث را در عراق بسیار ضعیف و متزلزل ساخت.

۴. پیروزیهای پی در پی، تقویت مواضع سیاسی بین‌المللی ایران را فراهم آورد. مواضع سیاسی ایران در جبهه‌ی پایداری، مسائل خاورمیانه، اوپک و جنگ تقویت شد و در کل، برای دولتها و مردم جهان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به عنوان یک واقعیت غیر قابل تغییر و با ثبات مورد پذیرش قرار گرفت. در واقع، تغییر محل اجلاس غیر متعهدها از بغداد به دهلی‌نو، که در مرحله‌ی سوم به وقوع پیوست، از جمله نتایج این پیروزیها به شمار می‌رود.

۵. در انتهای این مرحله، ایران توانست به اوضاع اقتصادی بویژه صادرات نفت سر و سامان بدهد و با اطمینانی که از پیشرفت در جبهه‌ها حاصل شده بود، برنامه‌های عمرانی نیز شروع شد و گسترش یافت، دخایر ارزی به حد اطمینان بخشی رسید و تورم، نسبتا معقول و کنترل شده بود. قاطبه‌ی مردم نیز نسبت به سیاستها و تبلیغات دولت کاملا مطمئن شده بودند و نسبت به روند اوضاع اقتصادی کاملا خوشبین بودند.

ج) علل موفقیتهای ایران در این مرحله.

۱. در بهار ۱۳۶۰، پس از یک آرامش مقطعی و موقت سیاسی که در پی جریان ۲۹ اسفند ماه دانشگاه تهران به وجود آمده بود، اختلافات داخلی شروع شد و در اواخر بهار همان سال به اوج رسید. اتحاد بنی‌صدر و سازمان منافقین در برابر مردم به درگیریها و حتی جنگهای خیابانی کشیده شد.

بالاخره، در ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۰، حضرت امام بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا معزول کردند. این حرکت می‌توانست مبدأ جدید تحرک نظامی و عامل رفع تفرقه و جدایی ارتش و سپاه باشد. در همین روز (۲۱ خرداد ماه) عملیاتی با ابعاد کوچک ولی موفقیت‌آمیز تحت عنوان «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» در جبهه‌ی دارخوین انجام گرفت که به سه کیلومتر پیشروی ایران و عقب‌نشینی دشمن از طرف دیگر پل خرمشهر منجر شد، اما هنوز تا فروکش کردن تشتتهای سیاسی و وحدت نظری و عملی قوای مسلح و سپاه مدتی باقی مانده بود. جریان سی خرداد که توسط منافقین رهبری شد، رأی به عدم

[صفحه ۴۲۹]

کفایت سیاسی بنی‌صدر توسط مجلس در ۳۱ همان ماه، و عزل وی از ریاست جمهوری به فرمان حضرت امام در اول تیر ماه، گرچه موقعیت کاملا ـ مساعدی جهت افشای عوامل تفرقه فراهم آورده بود، اما نتوانست اطمینان لازم را برای مدیریت جدید کشور به ارمغان آورد. در این میان، وقایع تکان دهنده‌ی پی‌درپی دیگری، ایران اسلامی را به لرزه درآورد؛ وقایعی مانند سوء قصد به جان آیت‌الله خامنه‌ای در ششم تیرماه، شهادت دکتر بهشتی و بیست و شش نماینده‌ی مجلس و چند وزیر کابینه در هفتم تیر ماه، فرار بنی‌صدر و رجوی به فرانسه، ترورهای پی‌درپی از جمله ترور استاندار گیلان، آیت‌الله قدوسی، سرتیپ وحید دستجردی و...، و فاجعه‌ی انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهید رجایی و شهید باهنر (یک ماه پس از تنفیذ ریاست جمهوری و تشکیل کابینه‌ی جدید در هشتم شهریور ماه)، شهادت آیت‌الله مدنی اولین شهید محراب و...، دلایل کاملا روشنی بود که مظلومیت خط امام و باطل بودن دیگر خطوط را آشکار سازد و مردم را برای نجات انقلاب اسلامی، بویژه در مسأله‌ی جنگ، یکپارچه کند.

۲. برکناری بنی‌صدر و در نهایت افشای خط منافقانه و تفرقه افکنانه‌ی وی، سبب نزدیکی و وحدت ارتش و سپاه و بسیج را فراهم آورد، وحدتی که قبل از آن تصور نمی‌شد. لشکر ۷۷ خراسان به همراه سپاه و بسیج اولین پیروزی را در شکستن حصر آبادان به

ارمغان آوردنـد. در طریق‌القدس نیز ارتش از طریق ارتفاعات الله‌اکبر و میشداغ وارد عمل شد و در «چزابه» و پشت بسـتان توپخانه‌ی ارتش عراق را از کار انداخت و بستان را آزاد کردند و نیروهای مشترک بسیج و سپاه و ارتش نیز از محور «دهلاویه» و «مگاصیص» دشمن را مورد تهاجم مستقیم قرار دادند.

در دو عملیات بزرگ دیگر، یعنی «فتح‌المبین» و «بیت‌المقدس» نیز عملیات به صورت مشترک صورت گرفت. در این حملات، این تنها نیروی هوایی و آتش نیروی زمینی نبود که حمایت عملیات را به عهده داشت، بلکه قوای تک کننـده، یعنی نیروهای پیاده و زرهی ارتش نیز دخالت داشتند، در حالی که در مرحله اول چنین هماهنگی و وحدت عملی وجود نداشت.

۳. قوای عراق در طول این چهار عملیات، هرگز درصدد برنیامدنـد تا تغییرات عمـده و اصولی را در خط دفاعی خود اعمال کننـد. سلاح، آموزش، تاکتیک، مهندسی جنگ، شکل خطوط دفاعی، قدرت هوایی، آتش، اطلاعات و جاسوسی و... ارتش عراق

[صفحه ۴۳۰]

در طول این مـدت یکسـان بـود و تغییرات جزئی پیـدا کرد. علاوه بر این، از نظر کمیت قوای مـدافع، عراق نتوانست به پیشـرفتهای فوق‌العاده‌ای دست یابـد. این در حالی بود که ایران، طی این مـدت، همواره با یک تاکتیک عمل می‌کرد. علاوه بر این، سـلاحهای عراق نسبت به تسلیحات به کار گرفته شده توسط ایران از پیشرفت فوق‌العاده‌ای برخوردار نبود.

۴. حمایت سیاسـی، تسلیحاتی و به طور کلی نظامی ابرقدرتهای بزرک از عراق، طی این مدت صورت و ابعاد گسترده‌ای پیدا نکرد. هنوز عراق به سـبب تصـرف منـاطق مهمی از ایران، نمی‌توانست تحرک سیاسـی لازم را در صـحنه‌ی بین‌المللی و منطقه‌ای به دست آورد. علاوه بر این، عربستان و کویت تا آزادی خرمشهر، خود را از خطر مستقیم نظامی ایران دور می‌دیدند. بنابراین، دخالت وسیع همه‌جانبه و علنی‌تر در جنگ چندان حیاتی جلوه نمی‌کرد.

۵. پیروزی، پیروزی را به ارمغان می‌آورد. در طول پیش از نه ماه، تمام عملیات ایران به تمام اهداف خود رسید و هیچ شکستی حتی مقطعی و کوچک پیش نیامد. همین عامل در جهت تقویت روحیه‌ی فرماندهان و رزمندگان و ملت مؤثر افتاد.

۶. یـک عامـل عمـده در کسب پیروزیهـای بزرگ، تطـابق و همـاهنگی مواضـع سیاسـی و اسـتراتژی نظـامی بود. دیپلماسـی در واقع نمی‌توانست خود را در معرکه‌ای غیر از خواست و اراده‌ی ملت که پیروزی بر خصم بود، وارد سازد. از پاییز سال ۱۳۶۰ تا آخر بهار سال ۱۳۶۱ هیچگـاه گفتگویی از سـازش، صـلح، مـذاکره و... به میان نمی‌آمـد و یا حـداقل فضای حاکم اجازه‌ی رسوخ و گسترش چنین تفکری را نمی‌داد.

۷. استراتژی نظامی دقیق و روشن بود و عملیات چهارگانه، هر کدام مکمل دیگری بود. شکست حصر آبادان، خیال فرماندهان را از شرق کارون که همواره مزاحم بزرگی بود، راحت ساخت. آزادی بسـتان باعث جـدایی و تفرقه‌ی ارتباطی قوای زمینی عراق شـد، و فتح‌المبین و بیت‌المقدس، در واقع دو ضربه به دو بازوی عراق بودند که هیچ کدام نمی‌توانست به کمک دیگری بیاید.

جمع‌بندی عوامل نظامی، سیاسی مؤثر در پیروزیهای مرحله‌ی دوم جنگ

الف) از آغـاز تـا پایان تشـتت و درگیریهای سیاسـی و تکوین وحـدت و انسـجام نظام و دولتمردان و در نهایت جامعه به دنبال عزل بنی‌صدر.

[صفحه ۴۳۱]

عزل بنی‌صدر و حذف گروهکهای وابسته از صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی کشور و پایان اختلافات و درگیریهای دولتمردان و فضای ناشی از شهادتهای مظلومانه‌ی یاران صدیق انقلاب و حضرت امام، موجبات توجه عامه‌ی مردم و دستگاههای اجرایی و قانونگذاری کشور به خطر دشمن خارجی و اهمیت جبهه‌های نبرد را فراهم ساخت و ضمن استحکام بخشیدن به مبانی وحدت و تقویت اراده‌ی ملت برای آزادی‌سازی مناطق اشغالی، پیروزیهای بزرگ در این مرحله را موجب شد.

ب) وحدت نظامی سپاه و ارتش.

در این مرحله با افشای نقش تفرقه افکنانه‌ی رئیس جمهور وقت و گروهکهای وابسته که سعی در ایجاد اختلاف و شکاف بین ارتش و سپاه را داشتند، زمینه‌ی وحدت عملی این دو بازوی توانمند نظامی کشور فراهم شد. در سایه‌ی همین اتحاد و با تبیین نقش و جایگاه ارتش و سپاه، به کارگیری تجربیات و امکانات و توان رزمی نیروها، هماهنگیهای لازم در انجام عملیات مختلف در چارچوب استراتژی مشخص این مرحله، و به کارگیری تاکتیکهای کارآ، پیروزیهای بزرگ مرحله‌ی دوم تا فتح خرمشهر تحقق یافت.

ج) حضور نیروهای مردمی به شکل گسترده در صحنه‌ی نبرد.

بی‌تردید هجوم نیروهای پرشور و با انگیزه‌ی مردمی، در مقیاسی وسیع به سوی جبهه‌های نبرد و حمایت گسترده‌ی مردمی از جبهه‌ها، یکی از عوامل بسیار مهم و تعیین کننده در پیروزیهای بزرگ قوای اسلام در مرحله‌ی دوم جنگ بود. این حضور ضمن تقویت توان رزمی و لجستیکی قوای اسلام، نظام دفاعی دشمن را به هم ریخت و به انفعال کشاند. این حضور، تجسم عینی و تبلور وحدت و اراده‌ی مردم در کسب پیروزیها و در مقابل، شکست و عقب‌نشینی دشمن بود.

د) سیاست خارجی در خدمت جنگ قرار می گیرد.

با پذیرش اینکه میدان اصلی شکست قطعی دشمن صحنه‌های نبرد است و پذیرش نقش محوری و اصلی جبهه‌ها از طرف دست‌اندرکاران مسائل نظامی و سیاسی کشور، و در نتیجه یکپارچگی نظام در به کارگرفتن توان دستگاههای اجرایی و قانون‌گذاری به منظور آزادسازی مناطق اشغالی «اهرم مؤثر سیاست خارجی» نیز به خدمت گرفته شد و در فراهم ساختن زمینه‌های خارجی و بین‌المللی برای یک «تهاجم همه جانبه‌ی نظامی - سیاسی» و ایجاد تزلزل و تردید در حامیان رژیم عراق، و جلب حمایتها و همکاریهای لازم

[صفحه ۴۳۲]

کشورهای بی‌طرف در اتخاذ مواضع روشن به نفع جمهوری اسلامی، نقش مؤثری داشت. به عنوان مثال، گسترش ارتباطات با «جبهه‌ی پایداری» و توفیق ایران در انتقال محل اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد از عراق به هند و... از ثمرات تحول اصلی و موقت سیاست خارجی در مرحله‌ی دوم جنگ بود.

مرحله‌ی سوم جنگ: دوران فراز و نشیب

تشریح عملیات در مرحله‌ی سوم

مرحله سوم از ۲۳ / ۴ / ۶۱، یعنی با آغاز عملیات «رمضان» شروع می‌شود و تا پذیرش قطعنامه ادامه دارد. از نظر طول زمانی، مرحله‌ی دوم، یعنی مرحله‌ی پاک شدن قسمت اعظم اراضی کشور از لوث وجود دشمن یا مرحله‌ی پیروزیهای بزرگ فقط یک

نهم مرحله‌ی کنونی به طول انجامیده است. مرحله‌ی اول و دوم نیز تقریبا یک چهارم این مرحله طول کشیده است. در واقع، حدود ۷۰ درصد از کل زمان جنگ در این مرحله قرار می گیرد.

در مرحله‌ی سوم حدود ۷۰ عملیات انجام شد و در مرحله‌ی دوم ۴ عملیات و در مرحله‌ی اول ۱۸ عملیات صورت گرفت که این تعداد، عملیات محدود و گسترده را شامل می‌شود. تعداد عملیات انجام شده در هر سال، در مرحله‌ی سوم به ترتیب ذیل است:

سال: ۶۱، عملیات انجام شده: ۴

سال: ۶۲، عملیات انجام شده:۷

سال: ۶۳، عملیات انجام شده:۲

سال: ۶۴، عملیات انجام شده:۱۵

سال: ۶۵، عملیات انجام شده:۱۱

سال: ۶۶، عملیات انجام شده:۲۶

در مورد ویژگیهای این مرحله، مسائل زیر را می‌توان برشمرد:

۱. دستاوردهای نظامی در این مرحله بی‌ثبات بوده است؛ بدین معنی که با گذشت زمانی پس از پیروزی در عملیات، عراق توانسته است مناطق آزاد شده را بازپس گیرد. به

[صفحه ۴۳۳]

عنوان نمونه، در عملیات «قادر» تمام اراضی تصرف شده، بازپس گرفته شد، و در والفجر ۹، والفجر ۸ بدر، خیبر و... تمام یا بخش عظیم مناطق آزاد شده دوباره بازپس گرفته شد؛

۲. گسترش ابعاد جنگ به خلیج فارس و مداخله‌ی صریح و روشن امریکا و قدرتهای غربی در این منطقه؛

۳. گسترش و کشیده شدن دامنه‌ی تهاجمات عراق به شهرهای کشور و بمباران و موشک باران مناطق مسکونی (جنگ شهرها)؛

۴. تهاجم وسیع عراق به منابع و تأسیسات اقتصادی و نیز تهاجم به نفتکشها و کشتیها؛

۵. مطرح شدن راه‌حلهای سیاسی جهت پیروزی در جنگ و طرح سازمان ملل و شورای امنیت در سطح کشور و تحرکات امریکا برای ایجاد روابط و به سازش کشاندن ایران؛

۶. جنگ روانی و تبلیغات وسیع.

این مرحله از جنگ دارای ویژگیهای متعددی است، اما آنچه دوره‌ی سوم را از دو دوره‌ی قبل جدا می‌سازد، در واقع فراز و نشیب پیروزیها و یا به عبارت دیگر توالی پیروزیها و شکستهاست.

این مرحله را می‌توان دوره‌ی عقب‌ماندن ایران از عراق در تحولات نظامی نیز نامید. اما فراز و نشیب، خاص این مرحله از جنگ است. نه تنها در تحولات نظامی، بلکه در روند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی با فراز و نشیب و پیشروی و عقب‌نشینی روبرو هستیم. به عنوان مثال، اگرچه به دنبال نتایج مرحله‌ی دوم، عراق را چنان تحت فشار سیاسی قرار می‌دهیم که کنفرانس غیر متعهدها با وجود تمام مقدمات از بغداد به نقطه‌ی دیگری انتقال می‌یابد، اما زمانی ما را به وسیله‌ی یک قطعنامه در انزوای سیاسی - اقتصادی قرار می‌دهند. گاه در صحنه‌ی سیاسی، کشورهای در ظاهر دوست چنان به طرفداری از ما بر می‌خیزند که گمان شرکت مستقیم آنها در جنگ علیه عراق می‌رود، و زمانی دیگر یا کاملا در برابر جنایات عراق سکوت می کنند و یا اصولا جنگ را محکوم کرده، خواستار عقب‌نشینی ایران شده، آن را تهدید می کنند. زمانی قیمت نفت به ۲۸ دلار می‌رسد و گاه به ۱۰ ،۱۴ و یا ۶ دلار. زمانی سعود

الفیصل به نمایندگی از رژیم حاکم بر عربستان در جو ناباورانه‌ی

[صفحه ۴۳۴]

سیاسی به ایران می‌آید و گاه رژیم سعودی با قاطعیت در برابر ایران موضع گرفته، علاوه بر به شهادت رساندن جمع کثیری از حجاج، به قطع ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک خود با ایران مبادرت می‌ورزد. گاه دست فرماندهان از حیث نیروی انسانی چنان باز است که قادرند عملیات بزرگی چون والفجر ۸، خیبر، بدر و کربلای ۵ را سازماندهی کنند و زمانی دیگر از این حیث در تنگنا قرار می‌گیرند. با توجه به این نمونه‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که به طور کلی، فراز و نشیب، پیشروی و عقب‌نشینی و احساس قدرت و ضعف، از مهمترین ویژگیهای این دوره بوده است.

می‌توان گفت که چهار عامل اساسی در تغییر و تحولات این مرحله از جنگ نقش محوری داشتند:

۱. فضای داخلی ایران؛ ۲. فضای داخلی و تحرکات عراق؛ ۳. تصمیمات و تحرکات ابرقدرتها و قدرتهای بزرگ جهانی؛ ۴. تحرکات کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس (ارتجاع منطقه).

البته، عوامل دیگری چون فضای عمومی سیاسی بین‌المللی نیز در روند جنگ تأثیر گذاشته است، اما تحولات جنگ ناشی از اثرات مستقیم و عینی همین چهار عامل بوده است. در اینجا ارزیابی دقیق مواضع و چگونگی برخوردها و به طور کلی، بررسی توان هر یک از این چهار عامل صورت نگرفته و منظور از این بحث، بیشتر پرداختن به مسائل داخلی است؛ زیرا از طرفی امکان تأثیر مستقیم در سه عامل دیگر کمتر وجود دارد و از طرف دیگر، تحرکات ابرقدرتها، ارتجاع منطقه و عراق نیز تابع وضعیت و تحولات درونی ماست و نقش فرعی دارد. بنابراین، موقعیت ما در داخل است که به ما اجازه‌ی تحرک می‌دهد و در ضمن نقش اساسی در تحولات دیگر را ایفا می‌کند.

به هر حال، باید در نظر داشت که از ابتدای جنگ تاکنون، با تغییرات زیادی که در مواضع ابرقدرتها و ارتجاع منطقه پیش آمده، بی‌شک لبه‌ی تیز حملات و موضع‌گیریها و کمکها و حمایتها به نفع عراق و علیه ایران بوده است. بنابراین، در بررسی عوامل فراز و نشیب جنگ در این مرحله، بیشتر تحولات داخلی را مدنظر قرار داده‌ایم و تنها در جایی که اثرات سه قطب دیگر بویژه کشورهای منطقه و ابرقدرتها دخالت مستقیم داشته‌اند. به اشارات و توضیحات مختصر اکتفا کرده‌ایم.

[صفحه ۴۳۵]

علل فراز و نشیبهای مرحله‌ی سوم جنگ

در بررسی مهمترین عوامل فراز و نشیب مرحله‌ی سوم جنگ از علل زیر می‌توان یاد کرد:

۱. امکان ارزیابی، سنجش و در نهایت اعمال نظارت یکی از موثرترین ابزارهای سلامت حرکت انقلاب اسلامی و همچنین نظام جمهوری اسلامی و یا هر نظام دیگری است. نیروهای اجتماعی وقتی در معرکه‌ی مبارزه با «لیبرالیسم و نفاق» بر بنی‌صدر و جریانهایی که علم ضدیت با انقلاب اسلامی را برداشته بودند، فایق آمدند و آنها را از صحنه خارج کردند، به خوش‌بینی دچار شدند و گمان بردند که وظایف حضور در صحنه و اعمال نظارت (امر به معروف و نهی از منکر) نسبتا پایان یافته است، در نتیجه جریان ناظری که پیوسته بر حسن اجرای خط امام نظارت و تأکید کند، حضور فعال و مستمر خویش را از دست داد.

در آن اوضاع با توجه به نقش مخرب گروهها، این تفکر بر فضای سیاسی سایه افکنده بود که گروه‌گرایی و تحزب در عمل موجبات تفرقه و تجزیه‌ی اجتماعی را فراهم می‌آورند. اشاعه‌ی این تفکر، در بین نیروهای خط امام نیز موجب فقدان کارآیی لازم در اعمال نظارت شد، و به عنوان مثال، دانشگاه که به نحوی می‌توانست در کنار مسئولان نظام در تمامی زمینه‌ها و از جمله سیر تحولات جنگ، سیاست خارجی، روند اقتصادی و اجتماعی ناظر باشد، نظارتش به حداقل ممکن رسید.

فقدان نظارت دقیق و همه‌جانبه بر عملکرد مسئولان لشکری و کشوری، گرچه دست آنها را برای هر گونه تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی و اجرا باز گذاشت، اما در واقع، عاملی را جهت تخدیر فراهم ساخت. در این فضا، هیچ برنامه‌ای غلط نبوده و نیست، اکثر مقامات در هاله‌ای از تقدس با ارائه سلسله‌ی مدارج اداری خود را منتسب به ولایت فقیه می‌دانستند و انتقاد از آنها به معنی مخالفت با نظام و حضرت امام تلقی می‌شد. این خطرناکترین و مسمومترین فضای ممکنه برای هر نظامی است؛ زیرا هیچگاه دستگاه قانونگذاری، اجرایی، قضایی و نظامی در درون خویش قادر به ارزیابی و محک زدن عملکرد خویش نخواهد بود.

از سال ۱۳۶۱، این حالت غلبه بیشتر یافت و در برخی موارد رو به گسترش بود. به

[صفحه ۴۳۶]

هر حال، فقدان نظارت عمومی قطعی و مستمر بر روند نظامی - سیاسی جنگ نیز مؤثر افتاد و در عمل نقد و بررسی حیاتی‌ترین مسأله‌ی کشور از سوی جامعه اعمال نشد. بدون شک، رهبران و برنامه‌ریزان نظامی نیز این امر را دلیل بر صحت عملکرد خود دانسته، عدم توفیقات نظامی را به علل و عوامل خارجی نسبت دادند.

۲. خلأ یک استراتژی روشن. در اینجا منظور از استراتژی، روح و جهت‌گیری حاکم بر برنامه‌ها، فعالیتها و حرکت جامعه است. گاه این روح عمومی و جهت‌گیری کلی، به دنبال دستیابی به رفاه اجتماعی - اقتصادی است، زمانی در پی حمایت از اصول انقلاب و جلوگیری از انحراف آن است و گاه راهی برای رسیدن به وحدت ملی است.

در مرحله‌ی دوم و اوائل مرحله سوم تمام ملت از پیر تا جوان، از زن و مرد و همه‌ی اقشار جامعه وظیفه‌ی اصلی و حیاتی خود را درگیر شدن در جنگ می‌دانستند. از اواسط مرحله‌ی سوم، تبلیغات بیمار، بی‌هدف و غیرباور و ناهماهنگ ایران (بویژه بعد از فتح خرمشهر) کار عراق و رژیم بعث را یکسره دانسته است. تعیین سال پیروزی، سال تعیین کنندگی و اصولا محدود ساختن زمان جنگ، جلوه‌های چنین تصوری بود. همین تصور، یعنی محدود ساختن جنگ در زندان زمان، که به سبب فقدان استراتژی و عدم تدوین مرامنامه و اساسنامه‌ی جنگ به جامعه القا شد، نه تنها اکثر مردم را از محور اصلی، یعنی دفاع مقدس دور نگه داشت، بلکه باعث شد قوه‌ی قضائیه، مقننه و مجریه تنها به صورت صوری و حاشیه‌ای به جنگ بپردازند.

بدون شک تنها بخشی از ناهماهنگیهای قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح در خصوص جنگ، ناشی از فقدان یک مرکز برنامه‌ریزی و اعمال مدیریت واحد جنگ بود و بخش اصلی به درک نکردن روند جنگ و عدم پیش‌بینی و آینده‌نگری لازم و در نهایت فقدان یک استراتژی کلی و روشن ملی مربوط می‌شد. تدوین نکردن استراتژی کلی، سبب شد که هیچگاه تلاشهای سیاسی و دیپلماتیک و برنامه‌ریزیهای نظامی، اقتصادی و اجتماعی و قضایی برای جنگ و ضرورتهای آن سازماندهی نگردد. از این رو یکی از دلایل عمده نشیبهای جنگ در مرحله‌ی سوم، تدوین نشدن استراتژی نظامی - سیاسی - اقتصادی و در مجموع استراتژی کلی کشور بود، آن استراتژی کلی که باید برنامه‌ریزیهای نظامی و سیاسی و اقتصادی را در یک راستا قرار دهد و هماهنگ کند و فقدان آن موجبات بروز مشکلات عمده‌ای را در مرحله‌ی سوم فراهم ساخت.

[صفحه ۴۳۷]

۳. به کـار نگرفتن جـدی ارتش بـویژه نیروی زمینی در مرحله‌ی سـوم. نیروی زمینی ارتش به طور کلی در مرحله‌ی دوم نقش بسـیار اساسی را در عملیاتها به عهده داشت. لشکر ۷۷ خراسان فرماندهی اولین عملیات چهارگانه، یعنی شکست حصر آبادان را در دست داشت، در «طریق‌القـدس» نیز علاـوه بر توپخـانه و زرهی ارتش که نقش اساسـی را در دفع پاتک «سابله» و... بر عهـده داشت، قوای زمینی آن نیز از محور «الله‌اکبر» و «میشداغ» بسـتان را تسـخیر و توپخانه‌ی ارتش عراق را خاموش کرد، در حالی که نیروهای متشکل از بسیج و سپاه در محور «دهلاویه» و «مگاصیص» متوقف گردیده بود. ارتش در دو عملیات بزرگ «فتح‌المبین» و «بیت‌المقدس» نیز گرچه نقش محوری را از دست داده بود، اما با توان بالایی وارد صحنه شد و راه پیروزی را در کنار سپاه هموار ساخت.

از عملیات «رمضان» و «الفجر مقـدماتی» به بعد بجز هوانیروز و حمایت آتش نیروی زمینی ارتش، آن پتانسـیل بالا و حضور فعالی را که در مرحله‌ی دوم نشـان داده بود، هیچگـاه به نمـایش نگـذاشت. چه علـل و موجباتی نیروی زمین را از موضع آفنـدی موثر خارج سـاخته و بتدریـج او را بـه وضـعیت پدافنـدی سـوق داد؟ چرا نیروی زمینی خـود را بـه منطقـه‌ی پرت و غیرفعـال میـانی کشانـد و از صحنه‌های اصـلی برخورد اجتناب ورزیـد و یا خود را از نظر آفنـدی در موضع متفاوت با گذشـته قرار داد؟ چرا برخی از لشـکرهای پرانرژی ارتش با آن همه قهرمانیها در مرحله‌ی سوم دیگر حضور پرقدرتی نداشتند؟

پاسخ به این سؤالات مستلزم دقت نظر اصولی در همه‌ی ابعاد نظامی جنگ است. در اینجا به برخی از علتها اشاره می‌کنیم:

الف) در واقع از عملیات فتح‌المبین، سپاه خود را بازیافت و مرحله‌ی رشد گسترده‌ی خود را آغاز کرد. شیوه‌ی خاص عملیاتهای این دوره، یعنی اسـتفاده از اسـتتار در شب، اسـتفاده نکردن از قوای زرهی در حملاـت، اتکا به نیروی انسانی در همه‌ی ابعاد آن (کمیت بالا و ایثارگری بسـیجی)، راه را جهت نفوذ و تسـلط نیروهای عمل کننـده با آموزش ابتدایی و ساده هموار می‌ساخت. اتکا به همین شیوه‌هـای عملیاتی، در مرحله‌ی سوم در عمل جایی را برای کارآیی بالاتر نظامی باقی نگـذاشت. حتی عملیات آبی - خاکی خیبر و بـدر نیز بـا اتکـا به آموزش سـاده و به کـارگیری توانهـای عادی صورت گرفت. همین حالت نه تنها به کارگیری تجربیات نظامی را محدود می‌ساخت، بلکه نیروی زمینی را نیز در خود مسـتحیل ساخت و نیازهای جدید او را از توجه به بالا بردن کیفیتهای آموزشـی بازداشت.

[صفحه ۴۳۸]

از طرفی صـحنه‌های عملیـات یـا آنقـدر کوچـک بودنـد که به کـارگیری قوای مکانیزه را غیر موجه می‌ساخت یا باتلاقی، مردابی و شنزار بود که مـانع اسـتفاده از عملیـات کلاسـیک می‌شـد. مهمـتر از همه پرهیز ایران از اینگونه عملیاتهـا (به دلایـل مختلف از جمله صرفه‌جویی)، نیروی زمینی را از اینکه بتوانـد از تجربیـات خود در جنـگ اسـتفاده کنـد، محروم می‌سـاخت، و همانگونه که متـذکر شدیم اصولا شـیوه‌ی جنگها چنین اجازه‌ای را به نیروی زمینی نمی‌داد. از این رو بتدریج نقش پدافندی به عنوان وظیفه اصلی نیروی زمینی تثبیت شد.

در واقع، تقریبا در تمامی این مرحله، عملیات مشترک معنی و مفهومی نداشت و هدایت تمام عملیاتهای بزرگ را سپاه، به تنهایی به عهده داشته است.

ب) همانگونه که سـپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی در آغاز مراحل اولیه‌ی تکوین خود که تقریبا همزمان با شـروع جنگ بود، تلاش وسـیعی را جهت حفـظ موجودیت و اسـتقلال و گسـترش خود آغـاز کرد، ارتش در سراسـر مرحله‌ی سوم توان خود را جهت حفظ

موجودیت خود صرف کرد. دلیل این امر روشن است؛ فضای سیاسی – نظامی امکان مانور و تحرک بیشتر را برای نیروی زمینی و ارتش غیرممکن ساخت و به او نقش ویژه‌ی دفاعی بیمارگونه داد. بنابراین، درک این مطلب که چرا ارتش در کنار و گوشه میدان جنگ به سر می‌برد، مشکل نیست.

ج) بدنه‌ی ارتش ایران بویژه نیروی زمینی را «سرباز» تشکیل می‌دهد. در واقع، ارتش ایران به همین دلیل برخلاف ارتشهای آمریکای لاتین یا حتی عراق، نتوانسته است یک «طبقه‌ی» اجتماعی را تشکیل دهد. واقعیت این است که در مرحله‌ی سوم، هنگامی که تربیت بخشی از سربازان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شد، این گزینش و انتخاب از جهت معیارهای انقلابی، به ضرر ارتش صورت گرفت، همین امر در «بدنه‌ی» اصلی نیروی زمینی نیز اثر خود را به جا گذاشت.

۴. خلاء یک استراتژی مشخص نظامی در مرحله‌ی سوم. در بررسی عملیاتهای موفق چهارگانه مرحله‌ی دوم جنگ که از شکست حصر آبادان شروع شد و تا فتح خرمشهر و آزادسازی مناطق اصلی اشغالی ادامه یافت، عواملی مانند تمرکز فرماندهی و هماهنگی نیروها و واحدهای عمل کننده، وحدت عمل، وجود استراتژی روشن، طراحی عملیاتها در یک راستا و به صورت مکمل، به کارگیری تاکتیکهای جدید و مؤثر،

[صفحه ۴۳۹]

برتری فاحش روانی و سرعت عمل مناسب، نقاط قوت شیرازه‌ی دفاعی عراق را درهم ریخت و نظام دفاعی آن را به انفعال، عقب‌نشینی و شکست وادار ساخت. خلاء یک استراتژی مشخص نظامی در مرحله‌ی سوم، کند شدن روند تکاملی جنگ را به همراه داشت که برخی از پیامدهای این مساله به شرح زیر بود:

الف) فقدان تمرکز و فرماندهی واحد.

فقدان تمرکز موجب تشتت در رهبری جنگ و عدم هماهنگی نیروها و قوای مسلح بود. به کار نگرفتن جدی ارتش بویژه نیروی زمینی و عدم هماهنگی در عملیاتهای زمینی، هوایی، دریایی و ضعفهای سازمان و مدیریت لازم از مشکلات ناشی از عدم تمرکز و اعمال فرماندهی واحد بود. همچنین تمام وقت نبودن اعضای شورای عالی دفاع نیز به این ضعف کمک کرد و فقدان نظارت جدی بر عملکرد فرماندهان و روند جنگ، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود چند تشکیلات اداری موازی از نتایج این مسأله بود.

ب) عدم حل اساسی و اصولی مشکل تأمین نیروهای رزمی و تخصصی در مرحله‌ی سوم. یکی از مشکلات اساسی جنگ و فرماندهان در مرحله‌ی سوم، کمبود نیروهای رزمی و تخصصی در مقیاس کافی و مناسب بود. ضعف سیستم و تشکیلات و قوانین و ضوابط روشن جهت تأمین نیروهای داوطلب به صورت منظم، جلوه‌ی دیگری از فراز و نشیبهای جنگ در بعد تأمین نیرو در مرحله‌ی سوم بوده است.

ضعف در طراحی برنامه‌ای روشن و متناسب با نیازهای سازمان رزم در بعد تأمین نیروهای رزمی و مقطعی بودن حضور نیروها و بویژه ناکافی بودن آنها در مقایسه با دشمن، از دلایل اصلی تداوم نیافتن عملیاتها در این مرحله است. دشمن بعد از تحمل شکستهای سنگین مرحله‌ی دوم و گزینش استراتژی دفاع مطلق و جلوگیری از توفیق قطعی تهاجمات ایران، با تمام توان به حل مشکلات اساسی خویش و بویژه تأمین نیروهای انسانی پرداخت. از ابتدای جنگ همواره در محافل نظامی، پایین بودن تعداد نیروی انسانی عراق با توجه به جمعیت کم آن در مقایسه با ایران مورد بحث بود. سازمان رزم عراق با اجرای بی‌وقفه و جدی برنامه‌های مختلف در تأمین و سازماندهی نیروهای انسانی به حل این مشکل فایق آمد، به طوری که به عنوان مثال، به‌کارگیری اکثر کارمندان در

[صفحه ۴۴۰]

جبهه‌ها، زنان در اداره‌ی امور پشت جبهه، طولانی کردن دوره‌های سربازی و اجباری کردن حضور همه‌ی اقشار در جبهه‌ها و بخشهای دیگر مربوط به جنگ، بخشی از برنامه‌های اجرا شده در عراق بود. در ایران با وجود موضع برتر روانی و شور انقلابی و کمیت بالای نیروهای انسانی - با توجه به جمعیت بالا و نگرش آرمانی به جنگ - به علت فراز و نشیب حاکم بر مرحله‌ی سوم و همچنین سیاست تبلیغی انفعالی، مشکل تأمین نیروی انسانی در این مرحله، همچنان حل نشده باقی ماند.

از طرف دیگر، تجمع غیر اصولی و غیرضروری نیروهای نظامی در بخشهای پشتیبانی، اداری و خدماتی و عدم حضور این مجموعه در صحنه‌های نبرد، یکی دیگر از مشکلات سازمان رزم ایران به شمار می‌رفت.

ج) مشکل آموزش مناسب نیروها در مرحله‌ی سوم.

با توجه به طولانی شدن جنگ و تکامل پیچیدگیهای آن، باید به مسأله‌ی آموزش به صورت جدی و عمیق پرداخته می‌شد. عراق در این مرحله با کشاندن خود در لاک دفاعی محض، از روشهای متنوع دفاعی از قبیل موانع متعدد، میادین وسیع مین، آرایش دفاعی پیچیده و نیز استفاده از انواع سلاحهای مدرن بویژه سلاحهای شیمیایی و گسترش ابعاد جنگ به دریاها، خود بخود ضرورت ارتقای آموزش در مرحله سوم را کاملا احساس کرده بود.

عدم سرمایه‌گذاری عمیق و جدی در امر آموزش، مدت کوتاه و تخصصی نبودن آموزشها و فقدان تشکیلاتی منسجم و با برنامه که از حمایتهای عمومی کشور و دولت جهت گسترش آموزش برخوردار باشد، از دلایل عمده‌ی پایین بودن کیفیت آموزشی (و نیز کمیت) و در نتیجه بروز مشکلات عدیده بود. (افزایش میزان ضایعات و تلف شدن تجهیزات و امکانات).

در مقابل، در سایه‌ی حمایتهای تسلیحاتی ابرقدرتها و کشورهای مرتجع منطقه از رژیم عراق و استفاده‌ی دشمن از سلاحهای مدرن و به کارگیری شیوه‌های متنوع دفاعی، موجبات تلاش بی‌وقفه در جهت ارتقای کیفیت آموزشی نیروهای دشمن فراهم آمد.

د)سازماندهی.

[صفحه ۴۴۱]

سازماندهی، فن به کارگیری صحیح نیروها و امکانات و استفاده‌ی بجا و اصولی از حداقل امکانات موجود است که خود یکی از عوامل مهم و اساسی موفقیت در عملیاتها و تداوم پیروزیهای نظامی است. استعداد پایین سازمان رزم در جذب، آموزش و به کارگیری بیشتر نیروها بویژه در بعد تخصصی، از مشکلات دیگر جنگ بود. بی‌تردید، سازماندهی صحیح و اصولی امکانات و نیروها، ضمن افزایش توان مجموعه‌ی تشکیلات رزم و حذف تشکیلات موازی و تکراری، باعث حضور مستمر و فعال نیروها، بویژه نیروهای تخصصی می‌شد و از بروز پاره‌ای مشکلات ناشی از اقامتهای طولانی و غیر ضروری نیروها در اردوگاهها و پادگانهای پشت جبهه جلوگیری می‌کرد.

ه) سلاح.

میزان کارآیی نیروها، قدرت مانور و تحرک مناسب و مقابله با تاکتیکهای تهاجمی و دفاعی دشمن و حفظ ابتکار عمل در مراحل مختلف جنگ، در گرو تحرک مناسب تسلیحاتی و نیز به کارگیری سلاحهای مدرن و پیشرفته است.

قابلیت سلاحهای تهاجمی و بازدارنده، یکی از عوامل اساسی در تدوین استراتژی نظامی و نیز انتخاب تاکتیکهای مناسب جهت

تحمیل شکست بر دشمن است. از این رو، تولید، تأمین و خرید سلاحهای مناسب در مقابله با تحرکات گسترده‌ی تسلیحاتی دشمن، یکی از مهمترین مسائل موجود در جنگ تحمیلی محسوب می‌شد. در این راستا، پیش‌بینی تحرکات تسلیحاتی دشمن و هماهنگ ساختن تلاشها و برنامه‌های مربوط به تولید سلاح در کشور، با استفاده کامل از توان علمی و فنی مراکز تحقیقاتی و صنعتی کاملا ضروری بود که در این جهت هم به شکل مطلوبی عمل نشد.

ز) جنگ محدود و کم شتاب.

تعداد زیاد نیروی انسانی با توجه به جمعیت بیشتر ایران، گستردگی طول مرزها، کم بودن عمق استراتژیک دشمن، نزدیکی مراکز اصلی اقتصادی و صنعتی دشمن به مرزهای مشترک و نگرش و تلقی آرمانی ملت ایران از ادامه‌ی نبرد مقدس، همه و همه امکان برنامه‌ریزی جهت تهاجمات بی‌وقفه و گسترده در تمامی طول جبهه‌ها و در تمام فصول سال را فراهم می‌آورد. محدودیت مکانی و فصل عملیاتها در مرحله‌ی سوم جنگ، باعث

[صفحه ۴۴۲]

کاهش توان و برد عملیاتها با توجه به تمرکز نیروها و آماده‌باشهای بموقع و پیش‌بینی‌های لازم دشمن گردید و امکان تغییر و تکامل شیوه‌های دفاعی دشمن را فراهم ساخت.

محدود بودن مقاطع مکانی و زمانی جنگ و عملیاتها، علاوه بر از دست دادن عامل بسیار مهم زمان، موجبات کاهش تحرک نظامی ما و استفاده نکردن از نقاط ضعف دشمن بویژه در جبهه‌های میانی و شمالی را فراهم ساخت.

توجه به آمار مقایسه‌ای در خصوص زمان و مکان انجام عملیاتهای بزرگ، مبین محدودیت فصلی و مکانی جنگ بویژه در مرحله‌ی سوم است:

آمار مقایسه‌ای عملیاتهای بزرگ ار سال ۶۰ تا ۶۶

سال: ۶۰، فصل: پاییز، منطقه: جنوبی

سال: ۶۰، فصل: پاییز، منطقه: جنوبی

سال: ۶۱، فصل: اوایل بهار، منطقه: جنوبی

سال: ۶۱، فصل: اوایل بهار، منطقه: جنوبی

سال: ۶۱، فصل: تابستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۱، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۲، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۳، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۴، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۵، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۵، فصل: زمستان، منطقه: جنوبی

سال: ۶۶، فصل: بهار، منطقه: جنوبی

سال: ۶۶، فصل: زمستان، منطقه: شمالی

[صفحه ۴۴۳]

جمع بندی

سال ۶۱ از مجموع عملیاتها: ۷۵٪ جنوبی، ۵۲٪ مرکزی

سال ۶۲ از مجموع عملیاتها: ۲۸٪ جنوبی، ۴۲٪ مرکزی، ۳۰٪ شمالی

سال ۶۳ از مجموع عملیاتها: ۵۰٪ جنوبی، ۵۰٪ مرکزی

سال ۶۴ از مجموع عملیاتها: ۴۴٪ جنوبی، ۱۹٪ مرکزی، ۳۷٪ شمالی

سال ۶۵ از مجموع عملیاتها: ۲۷٪ جنوبی، ۱۸٪ مرکزی، ۳۷٪ شمالی

سال ۶۶ از مجموع عملیاتها: ۶ / ۸٪ جنوبی، ۶ / ۸ ٪ مرکزی، ۷۸٪ شمالی

(توضیح: از برخی عملیاتهای محدود در سالهای ۶۵ و ۶۶ صرف‌نظر شده است).

در منطقه‌ی جنوبی به ازای هر عملیات، ۱۵۹ کیلومتر مربع آزاد و در منطقه مرکزی به ازای هر عملیات، ۵۲ کیلومتر مربع و در منطقه شمالی به ازای هر عملیات ۱۰۳ کیلومتر مربع آزاد شده است. قابل توجه است که اکثر عملیاتهای بزرگ و تعیین کننده، نظیر عملیاتهای رمضان، محرم، والفجر مقدماتی، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵، همگی در منطقه جنوبی و از اواسط پاییز و تا اوایل بهار صورت گرفت و اصلی‌ترین عملیات در جبهه‌های شمالی (والفجر ۱۰) نیز در اواخر زمستان صورت پذیرفت.

با نگاهی گذرا به آمار ارائه شده روشن می‌شود که در مرحله‌ی سوم، سرمایه‌گذاری اصلی از حیث گستردگی ابعاد عملیاتها، اهمیت اهداف انتخاب شده و میزان نفرات و تجهیزات به کار گرفته شده، بیشتر در منطقه‌ی جنوبی جنگ بود. فراموش کردن نسبی جبهه‌ی میانی و تحرک کم در جبهه شمالی که بیانگر خلاء استراتژی روشن نظامی در مرحله‌ی سوم است، موجب از دست دادن عامل زمان و از دست دادن برخی مناطق متصرفه با توجه به تجمع گسترده‌ی نیروهای دشمن در محور جنوبی و تغییر بدون پیش‌بینی بعدی و توأم با شتاب محورهای عملیاتی در مرحله سوم شد.

۵. خلاء یک استراتژی روشن سیاسی. تحقق اهداف و شعارهای بسیار مهم و استراتژیک سیاسی - نظامی طرح شده از ابتدای مرحله سوم جنگ، و قرار دادن کشور در موقعیت جدید، به حفظ و تقویت مبانی وحدت و اراده‌ی ملی، حفظ آمادگیهای لازم

[صفحه ۴۴۴]

جهت پذیرش مخاطرات احتمالی آتی، برنامه‌ریزی دقیق، استفاده‌ی کامل از تمامی امکانات موجود کشور، بسیج نیروها و اعلام وضعیت فوق‌العاده تا تحقق اهداف اعلام شده نیاز داشت. از این رو، به علت تدوین نشدن دقیق استراتژی ملی در مرحله سوم، مشکلاتی مانند «دو قطبی شدن جامعه»، «جغرافیای دوگانه‌ی جبهه»، «فقدان آمادگی ذهنی و عینی کشور جهت ورود به جنگی همه‌جانبه، فراگیر و درازمدت» بروز کرد.

استراتژی سیاسی می‌باید به سیاستهای کلی، سیاست خارجی، سیاست داخلی و سیاستهای تبلیغاتی و فرهنگی جهت می‌داد و این مجموعه را در راستای اهداف اساسی استراتژی ملی، یعنی ادامه‌ی همه جانبه‌ی نبرد تا حصول پیروزی نهایی سازماندهی می‌کرد، اما فقدان این برنامه‌ی کلی سیاسی، در مرحله‌ی سوم جنگ نابسامانیهای داخلی، و تشتت و دوگانگی در سیاست تبلیغی و فرهنگی کشور و در نهایت ضعف جبهه‌ی سیاسی و پشت جبهه‌ی جنگ را موجب گردید.

الف) فقـدان تحول منـاسب با ضـرورتهای جنگ، در سیسـتم اجرایی و اداری کشور. از بـدو پیروزی انقلاب اسـلامی، عـدم تناسـب اداری و اجرایی کشور بـا آرمانهای متعالی انقلاب کاملا محسوس بوده و بحثها و بررسـیهای زیادی را به خود اختصاص داده است. فقـدان کارآیی لازم و تناسب سیسـتم اجرایی فعلی با آرمانهای سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی انقلاب، یکی از عوامل به تعویق افتادن تحولات لازم و اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور بود؛ بویژه با شروع تجاوز نظامی عراق و آغاز جنگ تحمیلی، ضرورت این تحول دو چنـدان گردید، زیرا لازمه‌ی اداره و پیروزی در جنگی گسترده و فراگیر با مجموعه‌ی منسـجم و هماهنگی از دشـمنان خـارجی و داخلی، تحـول در سیسـتم اجرایی کشـور و طراحی نظـامی متحرک، پویـا، انقلابی و متکی به حضـور و تلاش همه‌جانبه و بی‌وقفه‌ی مردمی است. این نظام باید قادر باشد ضـعفهای بنیادی و تاریخی سیاسـی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی کشور را در سـایه‌ی حضور و تلاش گسترده و بی‌وقفه‌ی همه‌ی اقشـار در فضـای مناسب عمومی جبران کنـد. اما در مرحله‌ی سوم جنگ، اصـرار در حفـظ ساختار و مناسـبات و روابط حاکم بر نظام اداری و اجرایی موجود، توان دفاعی و تهاجمی مسـتقل و خودکفا بویژه در زمینه‌های نظامی را کاهش داد.

هر چنـد ضـعفهای تـاریخی در سیسـتم اجرایی کشـور، یعنی نارسـایی و عقیم بـودن آن در پاسـخگویی به نیازهـای اجرایی و اداری انقلاب، ریشه در حاکمیت وابسته‌ی

[صفحه ۴۴۵]

رژیمهای قبلی داشـته است، اما بی‌برنامگی و اصرار در حفظ و تقویت سیستم اداری و اجرایی، باعث بروز مشکلات جدی در جهت محدود شدن توان دفاع مسـتقل بویژه در مرحله‌ی سوم جنگ گردید. سیسـتم غیرانقلابی اداری وزارتخانه، تداوم وابستگی صنعتی و کشـاورزی و عـدم تحول منـاسب در نظـام آموزشـی کشور و بوروکراسـی رو به رشـد، اقتصـاد بیمار و نامتعادل و اختلافات فاحش طبقاتی و عدم توان نظام اجرایی در هماهنگی و پاسخگویی به نیازها و ضرورتهای جنگ از عوامل مؤثر در کند شدن روند تکاملی جنگ بویژه در مرحله سوم آن بود.

ب) ضعف در تلاشهای سیاسی و دیپلماتیک.

یکی از ویژگیهـای بـارز مرحله‌ی دوم جنگ، آزادسازی مناطق اشـغالی از لوث وجود دشـمن بود که با تکیه بر توان بالای معنوی و حضور گسترده‌ی مردمی در جبهه‌هـا و تعیین قطعی سـرنوشت جنگ در میـدانهای رزم در آن مرحله صورت گرفت؛ اما این ویژگی در مرحله‌ی سوم با پیچیـده شدن موقعیتهای سیاسـی و نظامی و حضور ابرقدرتها در منطقه برای حمایت از رژیم عراق، تحت‌الشـعاع تلاشها و فعالیتهای سیاسی و دیپلماتیک قرار گرفت.

در این مرحله، به زعم عـده‌ای، راه‌حلهای سیاسـی جنگ، به مثابه‌ی راه‌حلی عملی و سـهل الوصول‌تر از راه‌حل نظامی محور تلاشـها قرار گرفت.

اما آنچه روشن بود، جولان آزادانه‌ی طرفداران صـلح و نیز طرفداران راه‌حلهای سیاسـی و دیپلماتیک جهت خاتمه دادن به جنگ و تنبیه متجاوز به کمک سازمان ملل و شورای امنیت، باعث بروز مشـکلات اساسی در مرحله‌ی سوم جنگ گردید. و به طور کلی این مشـکلات عبـارت بود از: معطوف شـدن اذهـان عموم به تلاشـهای خـارجی، غفلت نسبی از جبهه‌ها، ایجاد تردیـد در میزان موفقیت راه‌حلهـای نظـامی در جنـگ، عـدم تـوجه به امکـان بسیج گسـترده‌ی همه‌ی امکانـات و تمرکز آن برای جنـگ و خـدشه‌دار شـدن آرمانهای اعتقادی، بویژه با توجه به حجم مبادلات سیاسی و تجاری با کشورهای غربی.

بـه هر حـال، وجـود دیــدگاهها و تفکرات مختلـف و متفـاوت، بـویژه در خصـوص چگـونگی تنظیـم روابـط خـارجی و تلاشـهای

دیپلماتیک، موجبات ناهماهنگی سیاستهای کلی، داخلی و خارجی کشور را فراهم آورد و این ناهماهنگی، باعث محروم شدن جبهه‌های نبرد از استفاده‌ی صحیح و اصولی از این اهرم (سیاست خارجی) در مرحله‌ی سوم جنگ شد.

[صفحه ۴۴۶]

ج) بروز تشتت و اختلافات سیاسی داخلی و غفلت از خطر دشمن خارجی.

پس از ورود جنگ به مرحله‌ی سوم، بتدریج وحدت سیاسی، اجتماعی ناشی از پیروزیهای بزرگ مرحله‌ی دوم و شهادتهای مظلومانه جمعی از مسئولان کشور و یاران دیرینه حضرت امام تحت‌الشعاع اختلافات فکری و سیاسی قرار گرفت و با گسترش ابعاد این اختلاف از محافل رسمی به جامعه، مبانی وحدت ملی که باید در یک مبارزه‌ی ناب ضدآمریکایی و ضدبعثی تجلی کند، تضعیف شد و اذهان مردم از حیاتی‌ترین مسأله کشور منحرف گردید.

در این مرحله، با زیر سؤال قرار دادن بدیهی‌ترین آرمانهای انقلاب و ایجاد اختلال در اداره‌ی صحیح امور کشور بویژه در روند قانون‌گذاری، بتدریج بخش عمده‌ای از توان نیروهای مردمی و نیروهای معتقد به خط امام، برای مقابله با این روند - که در برهه‌های مختلف تشدید نیز می‌شد - صرف شد و در همین فضا، بتدریج درگیری در دو جبهه‌ی نظامی و سیاسی به نیروهای خط امام و رزمندگان تحمیل گردید. در نتیجه، نگرانی حمایت و دفاع از ارزشهای انقلاب و منویات رهبری در پشت جبهه و مقابله با تهاجمات امریکا و تحرکات عراق در جبهه، اذهان نیروهای مردمی رزمندگان را به خود مشغول کرد و به تبع آن در روند پیروزیها تاثیرات منفی برجای گذاشت.

فضای نامناسب و نامساعد ناشی از گسترش اختلافات به بخشهای اجرایی، قانونگذاری، خلاء تدوین و تقنین قوانین محوری و برنامه‌ریزیهای اساسی را موجب گردید و علاوه بر اتلاف وقت و توان نیروها و غفلت نسبی از جنگ، فرصتهای مناسبی را هدر داد و فراز و نشیبهایی را در مرحله‌ی سوم جنگ باعث شد.

در چنین فضایی امکان و زمینه‌ی برنامه‌ریزیهای اساسی جهت حل مشکلات جبهه‌های جنگ، بویژه دفاع قاطع از تمامیت خلیج فارس در مقابله با تهاجمات آمریکا و وارد کردن جریانات مردمی در اداره‌ی امور کشور، در قالب اجرای اصول قانون شوراها (به منظور باز شدن دست دولت و نظام در پرداختن به مسائل استراتژیک، نظیر گزینش شیوه‌های واحد در مقابله با تجاوزات امریکا، تبیین روشن اصول سیاست خارجی و سیاست تبلیغاتی) فراهم نیامد.

د) فقدان تحول لازم در زمینه‌های اقتصادی و عدم تدوین استراتژی روشن اقتصادی. نابسامانی اقتصادی و اجتماعی مانند تداوم وابستگی به صنعت مونتاژ، واردات

[صفحه ۴۴۷]

کشاورزی، بیکاری و اشتغال ناقص و کاذب و تورم فزاینده و فشار بر صاحبان درآمدهای ثابت، احتکار و نفوذ جریانات فاسد اقتصادی و سیاسی در بخشهای خصوصی و سازمانهای دولتی و از همه مهمتر فقدان قوانین مناسب و پایه‌ای در مسائل اقتصادی همه ناشی از خلاء استراتژی روشن اقتصادی (مبتنی بر عدالت اجتماعی) بویژه فقدان الگویی مشخص در توسعه‌ی اقتصادی کشور بود. سیستم اقتصادی بیمار، نامتعادل و متکی به نفت بر جبهه‌های جنگ (بویژه در مرحله‌ی سوم) تأثیرات منفی گذاشت، زیرا اطمینان به آرمانهای انقلاب بویژه در ابعاد اقتصادی، موجب آرامش خاطر و امنیت روانی مردم در جبهه و پشت جبهه می‌شد، به نحوی که

مردم بـا اطمینـان به اجرای عـدالت اجتمـاعی (حتی اگر تقسیم عادلانه کمبودهـا باشـد و نه تقسیم رفـاه) و رفع تبعیض و فسادهای اقتصادی، بیشتر در مسائل و مشکلات اصلی مملکت دخالت می‌کردند و جنگ را نیز در راسـتای آرمانهای والای انقلاب اسـلامی می‌نگریستند. در اینجاست که به نقش تعیین کننـده‌ی تـدوین اسـتراتژی اقتصـادی پی می‌بریم. فقـدان این استراتژی موجب آشـفته بـازاری شـد که در آن، همه در پی خواسـتهایی ملموس بودنـد، خواسـتهایی که رسـیدن به بسـیاری از آنها در یک جو غیرعادلانه، موجب دوری از آرمانهـای اصـیل انقلاب شـد. در چنین حالتی بود که انفعالات و سـرخوردگیهای روزمره و روزانه، در بسـیاری از مردم، به صورت یک ذهنیت و خصلت حاکم درآمد و تجلی خود را در فقدان یکپارچگی جبهه و پشت جبهه نمایاند. نداشتن یک استراتژی اقتصادی (مبتنی بر عـدالت اجتماعی) و در نتیجه، غارت سـرمایه‌داری فاسد تجاری (که در هیچ برهه‌ای از تاریخ این چنین به غـارتگری نـپرداخته بودنـد) نقش بسـیار مؤثر خود را در ایجـاد زمینه‌ی اقتصـادی نامتعـادل و در نتیجه از بین رفتن انسـجام روانی جامعه ایفا کرد.

پیدا شدن طبقه‌ی جدیدی در جامعه که سابقه‌ی انقلابی داشـتند و شعارهای انقلابی هم سر می‌دادند، در عین حال از امکانات نسبی رفاهی استفاده می‌کردند و درد فقر و فقرستیزی و کمبود را از یاد برده بودند، به ایجاد تردید و شبهه نسبت به تحقق شعارهای اصیل انقلاب کمک کرد. به دنبال این مسأله بود که حضور مردم در عرصه‌های اجتماعی، به عنوان اهرم فشاری عظیم برای تـدوین یک استراتژی اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و الگوی توسعه‌ی مبتنی بر جنگ همه‌جانبه، هر روز کمتر شد.

پاورقی

[۱] اصطلاح جنگ روانی به اقدامات طرح‌ریزی شده‌ای اطلاق می‌شود که به منظور تأثیر در عواطف و عقاید دشمن و برای تخریب و تضـعیف روحیه‌ی آنـان، در جهت پشتیبـانی هـدفهایی که از طریق عملیـات رزمی تعقیب می‌شود، صورت می‌گیرد. نکته‌ی حـایز اهمیت در جنگ روانی، وجود حالت جنگ بین دو طرف درگیر است.

[۲] اصـطلاح عملیات روانی، به اقداماتی که در جنگ روانی معمول است، اطلاق می‌شود، با این تفاوت که این اصـطلاح در زمانی که حالت جنگ وجود ندارد، به کار می‌رود.

[۳] برای استفاده از اصل فیشها می‌توان به تاریخ فیش مورد نظر، به بولتنهای ویژه و یا روزنامه‌ی الثوره مراجعه کرد.

[۴] متن تحلیل در انتهای کتاب آورده شده است.

[۵] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۳۳.

[۶] همان، ص ۱۳۵.

[۷] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۱.

[۸] همان، ص ۲۱.

[۹] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۲.

[۱۰] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۱۳۶۵.

[۱۱] همان.

[۱۲] همان.

[۱۳] پیشین و مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی، جلد ۲، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۶۲.

[۱۴] رادیو صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۵۹ و دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۲۹.

[۱۵] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۲۹.

[۱۶] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۲.

[۱۷] صوت الجماهیر ۱۵ / ۲ / ۶۰.

[۱۸] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۴۸.

[۱۹] همان، ص ۱۴۹.

[۲۰] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۱۱۰.

[۲۱] همان، جلد ۱، ص ۱۴۸.

[۲۲] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۲۰.

[۲۳] همان، ص ۲۱.

[۲۴] نیویورک تایمز ۴ / ۹ / ۵۸.

[۲۵] فایننشال تایمز ۱۱ / ۷ / ۵۸.

[۲۶] صوت الجماهیر، ۱۳ / ۶ / ۵۹.

[۲۷] همان، ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۲۸] همان، ۲۳ / ۶ / ۵۹.

[۲۹] همان، ۲۶ / ۶ / ۵۹.

[۳۰] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۱۳۶۵.

[۳۱] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۱۳۶۵.

[۳۲] دفتر ادبیات و هنر مقاومت، کتاب مقاومت، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۲.

[۳۳] رادیو صدای آزاد ایران ۱۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۴] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۵۷.

[۳۵] همان، ص ۶۵.

[۳۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۴ / ۶ / ۵۹.

[۳۷] همان، ۲۴ / ۶ / ۵۹.

[۳۸] همان، ۲۸ / ۶ / ۵۹.

[۳۹] همان، ۳۰ / ۶ / ۵۹.

[۴۰] همان، ۱۴ / ۸ / ۵۹.

[۴۱] همان، ۲ / ۷ / ۵۹.

[۴۲] همان، ۳ / ۷ / ۵۹.

[۴۳] همان، ۲۶ / ۱۱ / ۵۹.

[۴۴] همان، ۱۴ / ۸ / ۵۹.

[۴۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱ / ۷ / ۵۹.

[۴۶] همان، ۶ / ۴ / ۶۰.

[۴۷] همان، ۲۰ / ۴ / ۶۰ و ۲۸ / ۴ / ۶۰.

[۴۸] همان، ۷ / ۳ / ۵۹.

[۴۹] همان، ۱۰ / ۱۰ / ۵۹.

[۵۰] همان، ۶ / ۱۰ / ۵۹ و ۲۰ / ۴ / ۶۰.

[۵۱] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۵۹.

[۵۲] همان، ۲۵ / ۱۲ / ۵۹.

[۵۳] همان، ۶ / ۹ / ۵۹.

[۵۴] آسوشیتدپرس از لندن، ۱۲ / ۷ / ۵۹.

[۵۵] رادیو اسرائیل ۱۹ / ۷ / ۵۹.

[۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۳ / ۶ / ۶۰.

[۵۷] رادیو امریکا ۲۹ / ۶ / ۶۰.

[۵۸] بی.بی.سی ۱۷ / ۷ / ۵۹.

[۵۹] رادیو صدای آزاد ایران ۱۸ / ۷ / ۵۹.

[۶۰] همان، ۱۸ / ۷ / ۵۹.

[۶۱] همان، ۲۳ / ۷ / ۵۹.

[۶۲] همان، ۱۲ / ۸ / ۵۹.

[۶۳] همان، ۳۰ / ۷ / ۵۹.

[۶۴] همان ۲۲ / ۶ / ۶۰.

[۶۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱ / ۷ / ۵۹.

[۶۶] همان، ۲ / ۷ / ۵۹.

[۶۷] همان، ۳ / ۷ / ۵۹.

[۶۸] همان، ۹ / ۷ / ۵۹.

[۶۹] همان، ۲ / ۷ / ۵۹ و ۳ / ۷ / ۵۹.

[۷۰] همان، ۳ / ۷ / ۵۹.

[۷۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۴ / ۷ / ۵۹.

[۷۲] همان، ۸ / ۷ / ۵۹ و ۱۶ / ۱۰ / ۵۹.

[۷۳] همان، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۷۴] همان، ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۷۵] همان، ۷ / ۷ / ۵۹.

[۷۶] همان ۸ / ۷ / ۵۹.

[۷۷] بخش فارسی رادیو بغداد، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۷۸] همان، ۹ / ۷ / ۵۹.

[۷۹] همان، ۴ / ۸ / ۵۹.

[۸۰] همان ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۸۱] همان، ۱۴/ ۸ / ۵۹ و ۳۰ / ۸ / ۵۹.

[۸۲] همان، ۱۱ / ۷ / ۵۹.

[۸۳] همان، ۹ / ۷ / ۵۹.

[۸۴] همان، ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۸۵] بخش فارسی رادیو بغداد، ۲۹ / ۱۱ / ۵۹ و ۲۶ / ۱۲ / ۵۹.

[۸۶] همان، ۲۵ / ۱۲ / ۵۹ و ۲۴ / ۲ / ۶۰.

[۸۷] همان، ۴ / ۸ / ۵۹.

[۸۸] لطیف نظیف جاسم، جایگاه تبلیغات جنگ در نظام بعثی، ترجمه ستاد تبلیغات جنگ، ص ۱۱.

[۸۹] رادیو صدای آزاد ایران ۱۰ / ۷ / ۵۹ و رادیو اسرائیل ۱۹ / ۷ / ۵۹.

[۹۰] رادیو صدای آمریکا ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۹۱] همان، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۹۲] همان، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۹۳] بی.بی.سی. ۱۶ / ۷ / ۵۹.

[۹۴] رادیو صدای آزاد ایران ۱۰ / ۷ / ۵۹.

[۹۵] رادیو صدای آزاد ایران ۳۰ / ۲ / ۶۰.

[۹۶] بی.بی.سی. ۲۹ / ۷ / ۵۹ و رادیو صدای آزاد ایران ۳۰ / ۷ / ۵۹.

[۹۷] رادیو امریکا، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۹۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس، ۲۶ / ۹ / ۵۹.

[۹۹] رادیو امریکا ۱۶ / ۱۰ / ۵۹.

[۱۰۰] رادیو صدای آزاد ایران ۲۲ / ۴ / ۶۰.

[۱۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، خلاصه اهم جراید انگلیس ۹ / ۱۱ / ۵۹.

[۱۰۲] رادیو اسرائیل ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۱۰۳] لطیف نظیف جاسم، جایگاه تبلیغات جنگ در نظام بعثی، ترجمه‌ی ستاد تبلیغات جنگ، ص ۱۵.

[۱۰۴] میدل ایست اکونومیست دایجست ۱ / ۴ / ۵۸.

[۱۰۵] همان، ۱ / ۴ / ۵۸.

[۱۰۶] بی.بی.سی. ۱۴ / ۱ / ۵۹.

[۱۰۷] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۳۳.

[۱۰۸] همان، جلد ۲، ص ۱۷.

[۱۰۹] همان، جلد ۲، ص ۱۷.

[۱۱۰] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۴۹.

[۱۱۱] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۱۶.

[۱۱۲] صوت الجماهیر ۲۶ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۳] همان، ۲۹ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۴] بخش عربی رادیو اسرائیل ۲۴ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۵] صوت الجماهیر ۲۸ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۶] صوت الجماهیر، پیام صدام به مردم عراق ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۱۷] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۳۱ / ۶ / ۵۹ و صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۸] صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۱۱۹] همان، ۱۴ / ۸ / ۵۹ و ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۱۲۰] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۴۶.

[۱۲۱] صوت الجماهیر ۸ / ۹ / ۵۹.

[۱۲۲] صوت الجماهیر ۲۷ / ۹ / ۵۹.

[۱۲۳] همان، ۲۵ / ۱۰ / ۵۹.

[۱۲۴] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۷۶ و صوت الجماهیر ۶ / ۱۱ / ۵۹.

[۱۲۵] صوت الجماهیر ۱۴ / ۱۱ / ۵۹ و ۲۷ / ۱۱ / ۵۹.

[۱۲۶] همان، ۱۲ / ۱۱ / ۵۹.

[۱۲۷] صوت الجماهیر، ۲۱ / ۴ / ۶۰.

[۱۲۸] همان، ۴ / ۷ / ۵۹.

[۱۲۹] رضا خدری، خرمشهر از اسارت تا آزادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۷۱ و بخش فارسی رادیو بغداد ۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۳۰] صوت الجماهیر ۴ / ۷ / ۵۹ و ۲۰ / ۱۰ / ۵۹.

[۱۳۱] همان، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۱۳۲] همان، ۳ / ۱۱ / ۵۹.

[۱۳۳] لطیف نظیف جاسم، جایگاه تبلیغات جنگ در نظام بعثی عراق، ترجمه‌ی ستاد تبلیغات جنگ، ص ۸.

[۱۳۴] صوت الجماهیر ۱۷ / ۸ / ۵۹.

[۱۳۵] صوت الجماهیر، ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۳۶] همان، ۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۳۷] همان، ۸ / ۸ / ۵۹.

[۱۳۸] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۴۷.

[۱۳۹] رضا خدری، خرمشهر از اسارت تا آزادی، ص ۳۹.

[۱۴۰] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۹۷.

[۱۴۱] همان.

[۱۴۲] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۶۵.

[۱۴۳] همان.

[۱۴۴] همان.

[۱۴۵] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۹۷.

[۱۴۶] همان، ص ۹۸.

[۱۴۷] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۲۹.

[۱۴۸] همان، ص ۵۱.

[۱۴۹] همان، ص ۱۲.

[۱۵۰] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۶۹.

[۱۵۱] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۶۵.

[۱۵۲] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تحقیق «شناخت روحیات نظامیان ارتش عراق»، مرداد ۶۵.

[۱۵۳] صوت الجماهیر ۲۵ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۴] همان، ۱۱ / ۱۰ / ۵۹ و ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۵] صوت الجماهیر ۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۶] همان، ۱۱ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۷] همان، ۲۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۸] همان، ۱۴/ ۷ / ۵۹ و ۲۵ / ۷ / ۵۹.

[۱۵۹] همان، ۵ / ۸ / ۵۹.

[۱۶۰] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۱۱۴.

[۱۶۱] البته این مساله به علت کمبود تسلیحاتی ایران، عدم تلفیق عمیق ارتش و سپاه و... در طول جنگ ایجاد شد و از نقاط مهم ضعف ایران در جنگ بشمار می‌رفت.

[۱۶۲] صوت الجماهیر ۴ / ۷ / ۵۹ و ۱۰ / ۱۰ / ۵۹.

[۱۶۳] همان، ۱۷ / ۸ / ۵۹.

[۱۶۴] همان، ۱۳ / ۷ / ۵۹ و ۹ / ۹ / ۵۹.

[۱۶۵] صوت الجماهیر ۲۲/ ۸ / ۵۹.

[۱۶۶] همان، ۲۲ / ۱۰ / ۵۹.

[۱۶۷] همان، ۲۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۶۸] همان، ۱۴ / ۸ / ۵۹.

[۱۶۹] صوت الجماهیر ۲۶ / ۶ / ۵۹.

[۱۷۰] همان، ۶ / ۹ / ۵۹.

[۱۷۱] همان، ۸ / ۹ / ۵۹.

[۱۷۲] همان، ۱۷ / ۲ / ۶۰.

[۱۷۳] همان، ۱۱ / ۱۲ / ۵۹.

[۱۷۴] همان، ۱۹ / ۷ / ۵۹.

[۱۷۵] بی.بی.سی. ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۱۷۶] رادیو امریکا ۴ / ۲ / ۶۰.

[۱۷۷] بی.بی.سی. ۱۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۷۸] همان، ۶ / ۵ / ۶۰.

[۱۷۹] نیویورک تایمز ۶ / ۹ / ۵۸.

[۱۸۰] صوت الجماهیر ۱۹ / ۱۰ / ۵۹، صوت الجماهیر ۱۱ / ۱۲ / ۵۹، لوماتن ۱۲ / ۷ / ۵۹ و نشریه اپنیون فرانسه ۱۵ / ۷ / ۵۹.

[۱۸۱] صوت الجماهیر ۲۶ / ۷ / ۵۹ و فیگارو ۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۸۲] لوپوئن ۱۰ / ۷ / ۵۹ و خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از یونایتدپرس ۱۱ / ۱۲ / ۵۹.

[۱۸۳] خبرگزاری عراق ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۱۸۴] صوت الجماهیر ۲۸ / ۶ / ۵۹.

[۱۸۵] همان، ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۱۸۶] صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۱۸۷] همان، ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۸۸] بی.بی.سی ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۱۸۹] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۶ / ۸ / ۵۹.

[۱۹۰] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر (نشریه‌ی مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن)، بهار ۱۹۸۷، جنگ ایران و عراق، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی، ص ۳.

[۱۹۱] صوت الجماهیر ۸ / ۷ / ۵۹.

[۱۹۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری فرانسه از بیروت ۷ / ۷ / ۵۹.

[۱۹۳] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۱۶۹.

[۱۹۴] رضا خدری، خرمشهر از اسارت تا آزادی، ص ۳۱.

[۱۹۵] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۴۷.

[۱۹۶] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۷۶ – ۷۸.

[۱۹۷] رالف کینگ، نشریه‌ی ادلفی پیپر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی.

[۱۹۸] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، صفحه ۳۰.

[۱۹۹] صوت الجماهیر ۲۲ / ۸ / ۵۹.

[۲۰۰] صوت الجماهیر ۴ / ۹ / ۵۹.

[۲۰۱] همان، ۳ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۰۲] صوت الجماهیر ۲۵ / ۱۲ / ۵۹.

[۲۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز، نطق صدام در طائف، ۱۰ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۰۴] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۴۶.

[۲۰۵] رادیو امریکا ۸ / ۸ / ۵۹.

[۲۰۶] بی.بی.سی. ۱۱ / ۷ / ۵۹.

[۲۰۷] همان، ۱۱ / ۷ / ۵۹.

[۲۰۸] همان، ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۲۰۹] رادیو امریکا ۱۰ / ۷ / ۵۹.

[۲۱۰] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۳.

[۲۱۱] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۷۱–۲.

[۲۱۲] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۸۳.

[۲۱۳] نیویورک تایمز ۱ / ۸ / ۵۹.

[۲۱۴] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۷.

[۲۱۵] همان، ص ۱۵۴.

[۲۱۶] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۸۲.

[۲۱۷] در آغاز جنگ چون مصر (کشوری که همواره مرکز ثقل کشورهای عرب شمرده می‌شد) در انزوای سیاسی قرار داشت، در جنگ اعلام بی‌طرفی می‌کند. اما بتدریج با افول عراق و شکسته شدن انزوای مصر و تجدید اعتبار این کشور در میان اعراب، مصر به شکل یکی از حامیان عمده‌ی تسلیحاتی عراق در جنگ در می‌آید و در مقابل صدام خواستار پذیرش این کشور در اتحادیه‌ی عرب می‌شود.

[۲۱۸] روزنامه‌ی الثوره ۲۵ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۱۹] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱ / ۶۰.

[۲۲۰] همان، ۲۲ / ۸ / ۵۹.

[۲۲۱] همان، ۲۲ / ۷ / ۵۹.

[۲۲۲] همان، ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۲۲۳] همان، ۲۹ / ۷ / ۵۹.

[۲۲۴] صوت الجماهیر ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۲۲۵] خبرگزاری فرانسه به نقل از مطبوعات عراق ۱۷ / ۱ / ۶۰.

[۲۲۶] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱ / ۶۰.

[۲۲۷] خبرگزاری فرانسه به نقل از مطبوعات عراق ۱۷ / ۱ / ۶۰.

[۲۲۸] صوت الجماهیر ۲۵ / ۷ / ۵۹.

[۲۲۹] بخش عربی رادیو اسرائیل ۲۳ / ۷ / ۵۹.

[۲۳۰] صوت الجماهیر ۷ / ۹ / ۵۹ و ۲۳ / ۲ / ۶۰.

[۲۳۱] همان، ۷ / ۹ / ۶۰ و ۳ / ۴ / ۶۰.

[۲۳۲] همان، ۲۱ / ۳ / ۶۰.

[۲۳۳] بخش فارسی رادیو بغداد ۹ / ۷ / ۵۹.

[۲۳۴] رادیو اسرائیل ۷ / ۷ / ۵۹.

[۲۳۵] همان، ۱۵ / ۷ / ۵۹.

[۲۳۶] صوت الجماهیر ۲۳ / ۲ / ۶۰.

[۲۳۷] رادیو صدای آزاد ایران ۲ / ۷ / ۵۹.

[۲۳۸] صوت الجماهیر ۳ / ۴ / ۶۰.

[۲۳۹] همان، ۱۸ / ۳ / ۶۰.

[۲۴۰] لوموتن ۱۲ / ۷ / ۵۹.

[۲۴۱] رادیو امریکا ۲۴ / ۴ / ۶۰.

[۲۴۲] کریسچین ساینس مانیتور ۱۵ / ۵ / ۶۰.

[۲۴۳] رادیو امریکا ۱۵ / ۵ / ۶۰.

[۲۴۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن به نقل از تلویزیون سی.بی.اس امریکا ۳ / ۶ / ۶۰.

[۲۴۵] القبس ۲۷ / ۴ / ۶۰ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۵ / ۵ / ۶۰.

[۲۴۶] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۸.

[۲۴۷] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۰۳.

[۲۴۸] همان،ص ۲۰۸، به نقل از مجله ادیت دیز ۱۹ / ۷ / ۵۹.

[۲۴۹] صوت الجماهیر ۳۱ / ۲ / ۶۰.

[۲۵۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از امان، مصاحبه صدام با خبرنگاران اردنی ۷ / ۹ / ۶۰.

[۲۵۱] صوت الجماهیر ۸ / ۷ / ۵۹.

[۲۵۲] همان، ۲۴ / ۹ / ۵۹.

[۲۵۳] همان، ۸ / ۷ / ۵۹.

[۲۵۴] همان، ۲۴ / ۹ / ۵۹.

[۲۵۵] همان، ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۲۵۶] همان، ۲۹ / ۷ / ۵۹.

[۲۵۷] صوت الجماهیر ۵ / ۱۲ / ۵۹.

[۲۵۸] همان، ۱۹ / ۷ / ۵۹.

[۲۵۹] همان، ۱ / ۷ / ۵۹.

[۲۶۰] بی.بی.سی ۲ / ۷ / ۵۹.

[۲۶۱] رادیو صدای آزاد ایران ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۲۶۲] صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۵۹.

[۲۶۳] صوت الجماهیر ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۲۶۴] خبرگزاری یونایتدپرس از بغداد ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۲۶۵] لوموند ۱۲ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۶۶] بی.بی.سی ۲۰ / ۸ / ۵۹.

[۲۶۷] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۵۱، صوت الجماهیر ۱۴ / ۸ / ۵۹ و ۱۸ / ۸ / ۵۹.

[۲۶۸] صوت الجماهیر ۲۵ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۶۹] رادیو امریکا ۲۶ / ۱۲ / ۵۹.

[۲۷۰] صوت الجماهیر ۲۲ / ۸ / ۵۹.

[۲۷۱] همان، ۲۱ / ۲ / ۶۰.

[۲۷۲] اطلاعات هفتگی به نقل از اشپیگل ۳۱ / ۴ / ۶۰.

[۲۷۳] صوت الجماهیر ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۲۷۴] صوت الجماهیر، نطق صدام در مجلس ملی عراق ۱۴ / ۸ / ۵۹ و همان، کنفرانس مطبوعاتی صدام ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۲۷۵] صوت الجماهیر، ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۲۷۶] همان، ۱۳ / ۱۲ / ۵۹.

[۲۷۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۰ / ۹ / ۵۹.

[۲۷۸] بخش عربی رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱ / ۶۰.

[۲۷۹] اطلاعات هفتگی به نقل از مجله اشپیگل ۳۱ / ۴ / ۶۰.

[۲۸۰] صوت الجماهیر ۱۷ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۸۱] اطلاعات هفتگی به نقل از اشپیگل ۳۱ / ۴ / ۶۰.

[۲۸۲] صوت الجماهیر ۲۱ / ۲ / ۶۰ و ۲۶ /۴ / ۶۰.

[۲۸۳] رویتر از بغداد ۲۵ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۸۴] صوت الجماهیر ۱۲ / ۱۱ / ۵۹.

[۲۸۵] بی.بی.سی ۲۰ / ۸ / ۵۹.

[۲۸۶] کیهان ۲۵ / ۱۱ / ۵۷.

[۲۸۷] موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ص ۱۰.

[۲۸۸] اطلاعات ۲۴ / ۱۱ / ۵۷.

[۲۸۹] کیهان ۲۵ / ۱۱ / ۵۷.

[۲۹۰] س – آقایف، تئوریسین روس در سال ۱۹۸۴ اعتراف می‌کند که انقلاب اسلامی سومین راه رشدی را ارائه می‌دهد که راهی متفاوت از مارکسیسم و کاپیتالیسم است.

[۲۹۱] کریسچین ساینس مانیتور، به نقل از کتاب کودتای نوژه، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۶۷، ص ۲۳.

[۲۹۲] نشریه‌ی فارین پالیسی، به نقل از کتاب کودتای نوژه، ص ۲۴.

[۲۹۳] کیهان ۸ / ۱۱ / ۶۰.

[۲۹۴] نشریه فارین پالیسی، به نقل از کودتای نوژه ص ۲۴.

[۲۹۵] گاردین / ۶ / ۶۰.

[۲۹۶] موسسه‌ی مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ۱۳۶۷، ص ۳۶.

[۲۹۷] همان، ص ۱۶۱.

[۲۹۸] کیهان هوایی ۲۵ /۴ / ۶۵.

[۲۹۹] مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، صفحه ۶۵.

[۳۰۰] بخش عربی بی.بی.سی ۳۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۱] بی.بی.سی ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۲] رادیو امریکا ۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۳] لوموند ۱۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۴] صوت الجماهیر به نقل از لوموند ۲۵ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، خلاصه‌ی اهم مطالب جراید انگلیس ۱۹ / ۱۱ / ۵۹.

[۳۰۶] بی.بی.سی ۱۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۷] رادیو امریکا ۱۷ / ۳ / ۶۰.

[۳۰۸] هرالدتریبیون ۱۵ / ۱۱ / ۵۹ و بی.بی.سی ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۳۰۹] بی.بی.سی ۲۸ / ۶ / ۵۹.

[۳۱۰] همان، ۷ / ۷ / ۵۹.

[۳۱۱] همان، ۳۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۱۲] همان، ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۳۱۳] رضا خدری، خرمشهر از اسارت تا پیروزی، ص ۴۹.

[۳۱۴] بی.بی.سی ۲۳ / ۷ / ۵۹.

[۳۱۵] صوت الجماهیر ۱۷ / ۳ / ۶۰.

[۳۱۶] این عملیاتها عبارتند از: عملیات امام مهدی در غرب سوسنگرد در ۲۶ / ۱۲ / ۵۹؛ عملیات محور کرخه دزفول در ۱۵ / ۱ / ۶۰، عملیات محور شوش در ۲۵ / ۱ / ۶۰؛ عملیات شهد فضل الله نوری در ۲۵/ ۲ / ۶۰؛ عملیات حضرت مهدی در ۳۱ / ۲ / ۶۰؛ عملیات امام علی علیه‌السلام در ۳۱ / ۲ / ۶۰؛ عملیات محور شوش در ۳۱ / ۲ / ۶۰؛ عملیات فرمانده‌ی کل قوا، خمینی روح خدا درد ۲۱ / ۳ / ۶۰؛ عملیات رمضان در ۵ / ۵ / ۶۰؛ عملیات محور شحیطیه در ۱۱ / ۶ / ۶۰ و عملیات شهید مدنی در ۲۷ / ۶ / ۶۰.

[۳۱۷] رادیو امریکا ۸ / ۸ / ۵۹.

[۳۱۸] بی.بی.سی ۸ / ۳ / ۶۰.

[۳۱۹] رادیو امریکا ۲۹ / ۶ / ۶۰.

[۳۲۰] گاردین ۲۹ / ۴ / ۶۰.

[۳۲۱] بی.بی.سی ۱۳ / ۶ / ۶۰.

[۳۲۲] رادیو امریکا به نقل از نیویورک تایمز ۸ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۳] رویتر از شیکاگو ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۴] بی.بی.سی ۱۷ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۵] بخش فارسی رادیو باکو ۱۱/ ۷ / ۵۹.

[۳۲۶] خبرگزاری فرانسه از بغداد به نقل از الثوره ۱۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۷] بی.بی.سی ۲ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۸] بی.بی.سی، ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۲۹] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۶۶.

[۳۳۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از یونایتدپرس ۶ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۱] رویتر از واشنگتن ۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۲] رادیو امریکا ۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۳] رادیو امریکا، ۸ / ۸ / ۵۹.

[۳۳۴] بی.بی.سی ۹ / ۸ / ۵۹.

[۳۳۵] رادیو امریکا ۸ / ۸ / ۵۹.

[۳۳۶] همان، ۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۷] بی.بی.سی ۱۴ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۸] نیویورک تایمز ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۳۳۹] بخش عربی رادیو اسرائیل ۹ / ۱۱ / ۵۹.

[۳۴۰] رادیو امریکا ۱۳ / ۷ / ۵۹.

[۳۴۱] رویتر از واشنگتن ۲۷ / ۸ / ۵۹.

[۳۴۲] همان، ۲۷ / ۸ / ۵۹.

[۳۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس ۲۶ / ۹ / ۵۹.

[۳۴۴] نیویورک تایمز ۶ و ۸ خرداد ۶۱.

[۳۴۵] کریسچین ساینس مانیتور ۱۸ / ۶ / ۶۲.

[۳۴۶] رویتر از واشنگتن ۱ / ۷ / ۵۹.

[۳۴۷] رادیو امریکا ۲۰ / ۱ / ۶۰.

[۳۴۸] رادیو اسرائیل ۱۶ / ۷ / ۵۹.

[۳۴۹] رالف کینگ، نشریه‌ی ادلفی پیپر ص ۶۲.

[۳۵۰] همان.

[۳۵۱] اینترنشنال سکیوریتی، دوره ششم ۴، بهار ۱۹۸۲، ص ۱۴۰.

[۳۵۲] بی.بی.سی ۲ / ۷ / ۵۹.

[۳۵۳] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۲۴.

[۳۵۴] بی.بی.سی ۹ / ۸ / ۵۹.

[۳۵۵] رادیو امریکا به نقل از روزنامه نیروهای مسلح شوروی ۷ / ۸ / ۵۹.

[۳۵۶] بی.بی.سی ۸ / ۹ / ۵۹.

[۳۵۷] اندونزیا تایمز ۲۷ / ۲ / ۶۰.

[۳۵۸] رادیو کویت ۱۴ / ۸ / ۵۹.

[۳۵۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۶ / ۵ / ۶۰.

[۳۶۰] رادیو امریکا ۱۰ / ۸ / ۵۹ و نیویورک تایمز ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۳۶۱] نیویورک تایمز ۲۰ / ۹ / ۵۹.

[۳۶۲] یونایتدپرس از نیویورک ۶ / ۷ / ۵۹.

[۳۶۳] یونایتدپرس از بغداد ۲۱ / ۸ / ۵۹.

[۳۶۴] صوت الجماهیر ۲۲ / ۴ / ۶۱.

[۳۶۵] صوت الجماهیر، ۶ / ۴ / ۶۱.

[۳۶۶] همان، ۹ / ۱۲ / ۶۰.

[۳۶۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۳۶۸] رویتر از بغداد ۲۲ / ۹ / ۶۰.

[۳۶۹] صوت الجماهیر ۲۸ / ۱۰ / ۶۱.

[۳۷۰] صوت الجماهیر، ۱۰ / ۱۰ / ۶۰.

[۳۷۱] همان، ۲۷ / ۱۰ / ۶۰.

[۳۷۲] کوئیک آلمان ۱۶ / ۲ / ۶۱.

[۳۷۳] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۰، العالم الاسلامی ۱۱ / ۳ / ۶۱ و تایمز ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۳۷۴] ساندی تایمز ۸ / ۱ / ۶۱.

[۳۷۵] تایمز ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۳۷۶] آسوشیتد پرس از لندن ۲۱ / ۱ / ۶۱.

[۳۷۷] تایمز ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۳۷۸] آفریک آزی ۹ / ۲ / ۶۱.

[۳۷۹] بخش فارسی رادیو بغداد ۳ / ۱ / ۶۱.

[۳۸۰] تایمز ۳۱ / ۲ / ۶۱.

[۳۸۱] ایل جورنو ایتالیا ۲۵ / ۱۱ / ۶۰. و بی.بی.سی ۱۸ / ۲ / ۶۱.

[۳۸۲] لیبراسیون ۴ / ۱۰ / ۶۰ و کریسچین ساینس مانیتور ۱ / ۱۱ / ۶۰.

[۳۸۳] بررسی مطبوعات جهان، ۹ / ۲ / ۶۱، ۱۷۷.

[۳۸۴] لوپوئن ۲۸ / ۳ / ۶۱.

[۳۸۵] رادیو امریکا ۱۳ / ۱ / ۶۱.

[۳۸۶] همان، ۱۶ / ۱ / ۶۱.

[۳۸۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۵ / ۷ / ۶۰.

[۳۸۸] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۳۸۹] بی.بی.سی ۲۳ / ۲ / ۶۱.

[۳۹۰] رادیو امریکا ۳۰ / ۳ / ۶۱.

[۳۹۱] بخش عربی بی.بی.سی ۱۳ / ۱ / ۶۱.

[۳۹۲] بی.بی.سی ۲۲ / ۲ / ۶۱.

[۳۹۳] لوس آنجلس تایمز ۱۵ / ۲ / ۶۱.

[۳۹۴] بی.بی.سی ۲۳ / ۲ / ۶۱، اینترناشنال هرالدتریبیون ۸ / ۳ / ۶۱ و رادیو امریکا ۱۸ / ۳ / ۶۱.

[۳۹۵] بی.بی.سی، ۲۳ / ۲ / ۶۱.

[۳۹۶] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۱.

[۳۹۷] بخش عربی بی.بی.سی ۳۱ / ۳ / ۶۱.

[۳۹۸] اینترناشنال هرالدتریبیون ۸ / ۳ / ۶۱.

[۳۹۹] رویتر از واشنگتن ۹ / ۷ / ۶۰.

[۴۰۰] اکونومیست ۲۵ / ۲ / ۶۱.

[۴۰۱] واشنگتن تایمز ۲۸ / ۳ / ۶۱.

[۴۰۲] بی.بی.سی ۶ / ۷ / ۶۰.

[۴۰۳] روابط عمومی سپاه پاسداران، کارنامه‌ی عملیات سپاهیان اسلام، ص ۱۶.

[۴۰۴] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۳۲.

[۴۰۵] همان، ص ۱۱۳.

[۴۰۶] آسوشیتدپرس ۲۱ / ۴ / ۶۱.

[۴۰۷] لوپوئن ۱۶ / ۹ / ۶۰ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۴۰۸] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲ ص ۸۱.

[۴۰۹] روابط عمومی سپاه پاسداران، کارنامه عملیاتی سپاهیان اسلام، ص ۱۸.

[۴۱۰] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۳۲.

[۴۱۱] خبرگزاری فرانسه از بیروت ۱۰ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۱۲] رویتر از بیروت ۱۰ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۱۳] همان، ۲۰ / ۹ / ۶۰.

[۴۱۴] بی.بی.سی ۳ / ۱ / ۶۱.

[۴۱۵] بخش عربی بی.بی.سی ۱۰ / ۱ / ۶۱.

[۴۱۶] یونایندپرس از بیروت ۱۳ / ۱ / ۶۱.

[۴۱۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۱ / ۶۱.

[۴۱۸] رادیو کویت ۷ / ۱ / ۶۱.

[۴۱۹] بی.بی.سی ۷ / ۱ / ۶۱.

[۴۲۰] رویتر از بیروت ۱۰ / ۱ / ۶۱.

[۴۲۱] بی.بی.سی ۲۴ / ۱ / ۶۱.

[۴۲۲] نیویورک پست ۱۸ / ۱ / ۶۱.

[۴۲۳] بخش عربی رادیو ریاض ۲۴ / ۲ / ۶۱.

[۴۲۴] صوت الجماهیر ۷ / ۳ / ۶۱.

[۴۲۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۸ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۲۶] همان، ۱۲ / ۸ / ۶۰.

[۴۲۷] لیبراسیون ۴ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۲۸] تایمز ۱۹ / ۱/ ۶۱.

[۴۲۹] دیلی اکسپرس ۴ / ۴ / ۶۱.

[۴۳۰] رادیو امریکا ۱۴/ ۳ / ۶۱.

[۴۳۱] دیلی اکسپرس ۴ / ۴ / ۶۱.

[۴۳۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۴ / ۱۱ / ۶۰.

[۴۳۳] تایمز ۲۰ / ۴ / ۶۱.

[۴۳۴] لوکوتیدین دوپاری ۸ / ۳ / ۶۱.

[۴۳۵] فایننشال تایمز ۲۱ / ۴ / ۶۱.

[۴۳۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۸ / ۱۲ / ۶۰، همان، ۳ / ۱ / ۶۱ و لوپوئن ۲۸ / ۳ / ۶۱.

[۴۳۷] العالم الاسلامی ۱۱ / ۳ / ۶۱.

[۴۳۸] یونایتدپرس از واشنگتن ۲۳ / ۹ / ۶۰.

[۴۳۹] صوت الجماهیر ۲۲ / ۸ / ۵۹.

[۴۴۰] همان، ۲۰ / ۸ / ۵۹.

[۴۴۱] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۲۹ / ۸ / ۵۹.

[۴۴۲] رادیو اسرائیل ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۴۴۳] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۳۰.

[۴۴۴] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، شناخت روحیات نظامیان ارتش بعثی، مرداد ۱۳۶۵.

[۴۴۵] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بررسی تشتتهای موجود در ارتش بعثی عراق، ۱۳۶۶.

[۴۴۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳ / ۷ / ۶۱.

[۴۴۷] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۴۸] صوت الجماهیر، ۹ / ۱۲ / ۶۰.

[۴۴۹] صوت الجماهیر ۴ / ۸ / ۶۰.

[۴۵۰] همان، ۳۰ / ۳ / ۶۱ و ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۴۵۱] همان، ۶ / ۴ / ۶۱.

[۴۵۲] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۵۳] همان، ۸ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۵۴] رادیو قطر ۲۵/ ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۴۵۵] خبرگزاری خلیج از بغداد ۲۱/ ۱۰/ ۶۰.

[۴۵۶] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۴ /۶/ ۶۱.

[۴۵۷] خبرگزاری فرانسه از لندن ۲۷ / ۱۲/ ۶۰.

[۴۵۸] اکونومیست ۱۱/ ۲ / ۶۱.

[۴۵۹] فرانس پرس از پاریس (به نقل از بیانیه شورای فرماندهی انقلاب عراق(۲۰ / ۳ / ۶۱.

[۴۶۰] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۶ / ۴ / ۶۱.

[۴۶۱] جی.ام. عبدالغنی، سالهای بحران، لندن و سیدنی، ۱۹۸۴، به نقل از نشریه‌ی ادلفی پیپر، ص ۴.

[۴۶۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز ۲۰ / ۱۲ / ۶۰ و رویتر از بغداد ۲۱ / ۹ / ۶۰.

[۴۶۳] تایم ۱۸ / ۳ / ۶۱.

[۴۶۴] لیبراسیون ۲۲ / ۳ / ۶۱ و رادیو لندن ۱۲ / ۱۱/ ۶۰.

[۴۶۵] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۶۶] الف – داویشه، عراق و جهان عرب، نشریه ورلد تودی (جهان امروز)، مارس ۸۱، به نقل از ادلفی پیپر، ص ۵۳.

[۴۶۷] همان.

[۴۶۸] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۸۴.

[۴۶۹] بررسی اقتصادی خاورمیانه ۲۶ / ۱ / ۶۱.

[۴۷۰] صوت الجماهیر ۴ / ۸ / ۶۰.

[۴۷۱] الثوره ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۴۷۲] هفته نامه‌ی اکسپرس ۸ / ۱ / ۶۱.

[۴۷۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از آسوشیتدپرس ۹ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۷۴] بخش عربی رادیو امریکا ۱۲ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۷۵] الثوره ۱۵ / ۱ / ۶۱.

[۴۷۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری عراق ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۴۷۷] صوت الجماهیر ۹ / ۷ / ۶۰.

[۴۷۸] همان، ۹ / ۳ / ۶۱.

[۴۷۹] همان، ۲۴ / ۹ / ۶۰.

[۴۸۰] همان، ۱۷ / ۵ / ۶۰.

[۴۸۱] صوت الجماهیر، ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۸۲] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۱.

[۴۸۳] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۴۳.

[۴۸۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس ۱۲ / ۳ / ۶۱.

[۴۸۵] به نقل از: دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۴۱.

[۴۸۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۶ / ۱ / ۶۱.

[۴۸۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از رادیو ریاض ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۴۸۸] لوکوتیدین ۱۱ / ۳ / ۶۱ و هرالدتریبیون ۸ / ۳ / ۶۱.

[۴۸۹] کوریره دلاسرا ۱۲ / ۲ / ۶۱ و تایمز لندن ۲۳ / ۳ / ۶۱.

[۴۹۰] بی.بی.سی ۶ / ۳ / ۶۱.

[۴۹۱] آبزرور ۱۱ / ۱۱ / ۶۰.

[۴۹۲] صوت الجماهیر ۸ / ۱۰ / ۶۰.

[۴۹۳] همان، ۱ / ۱۱ / ۶۰.

[۴۹۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۴ / ۲ / ۶۱.

[۴۹۵] تایمز ۳۱ / ۲ / ۶۱.

[۴۹۶] یونایتدپرس از واشنگتن ۲۳ / ۹ / ۶۰ و رادیو ایران ۲۳ / ۹ / ۶۰.

[۴۹۷] صوت الجماهیر ۸ / ۱۱ / ۶۰.

[۴۹۸] صوت الجماهیر، ۲۰ / ۱۲ / ۶۰.

[۴۹۹] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۰ و ۲۰ / ۲ / ۶۰.

[۵۰۰] الرای العام ۲۸ / ۹ / ۶۰، دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ به نقل از السیاسه ص ۱۹۰ و رادیو امریکا ۱۲ / ۱ / ۶۱.

[۵۰۱] العرب چاپ لندن ۱۸ / ۱۰ / ۶۰ و۱۲ / ۱۱ / ۶۰.

[۵۰۲] بی.بی.سی ۱۰ / ۱ / ۶۱ و رویتر ۱۵ / ۱ / ۶۱.

[۵۰۳] بی.بی.سی، ۶ / ۸ / ۶۰.

[۵۰۴] یونایتدپرس از واشنگتن، ۹ / ۷ / ۶۰.

[۵۰۵] کریسچین ساینس مانیتور ۵ / ۳ / ۶۱.

[۵۰۶] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ،ص ۱۸۷.

[۵۰۷] همان، ص ۲۷۵.

[۵۰۸] نیویورک تایمز ۱۵ / ۱۱ / ۵۹.

[۵۰۹] همان، ۱۵ / ۱۱ / ۵۹.

[۵۱۰] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تأثیر عقبه دشمن بر دشمن، ۱۳۶۶.

[۵۱۱] همان.

[۵۱۲] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲ ص ۸۴ و همان، ص ۱۰۷.

[۵۱۳] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۱۰۵.

[۵۱۴] همان.

[۵۱۵] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرا، جلد ۱، انتشارات سروش، ص ۱۲۹.

[۵۱۶] لوپوئن ۱۶ / ۹ / ۶۰، آسوشیتدپرس ۲۱ / ۴ / ۶۱ و دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۱۳.

[۵۱۷] صوت الجماهیر ۱۰ / ۱ / ۶۱ و رادیو امریکا ۱۱ / ۱ / ۶۱.

[۵۱۸] همان، ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۵۱۹] همان، ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۵۲۰] همان، ۶ / ۳ / ۶۱.

[۵۲۱] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۳۲.

[۵۲۲] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷.

[۵۲۳] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۸۱.

[۵۲۴] همان، ص ۱۲۴.

[۵۲۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۱ / ۶۱.

[۵۲۶] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۱۶۱.

[۵۲۷] رادیو مونت کارلو ۱۰ /۲ / ۶۱.

[۵۲۸] بی.بی.سی به نقل از گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۵۸.

[۵۲۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۰ / ۱ / ۶۱.

[۵۳۰] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، شناخت روحیات ارتش بعثی عراق، مرداد ۶۵.

[۵۳۱] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد۲، ص ۶۴.

[۵۳۲] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۹۶.

[۵۳۳] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد۲، ص ۵۱.

[۵۳۴] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بررسی تاثیر عقبه دشمن بر دشمن، ۱۳۶۶.

[۵۳۵] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرا، جلد ۲، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۴۹.

[۵۳۶] دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بررسی تاثیر عقبه دشمن بر دشمن، ۱۳۶۶.

[۵۳۷] همان.

[۵۳۸] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۱۱۵.

[۵۳۹] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۸۷.

[۵۴۰] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۴۱] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۸۶.

[۵۴۲] رویتر از واشنگتن ۹ / ۷ / ۶۰، صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰ و واشنگتن تایمز ۸ / ۳ / ۶۱.

[۵۴۳] بی.بی.سی ۲۲ / ۲ / ۶۱، همان، ۲۳ / ۲ / ۶۱ و رادیو امریکا ۸ / ۳ / ۶۱.

[۵۴۴] رویتر از بغداد ۲۱ / ۹ / ۶۰، صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰ و تا ۱۸ / ۳ / ۶۱.

[۵۴۵] صوت الجماهیر ۸ / ۱۰ / ۶۰ و ۱ / ۱۱ / ۶۰.

[۵۴۶] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۰، ۹ / ۷ / ۶۰ و ۹ / ۳ / ۶۱.

[۵۴۷] الثوره ۵ / ۱ / ۶۱.

[۵۴۸] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۱۱.

[۵۴۹] صوت الجماهیر ۸ / ۱۰ / ۶۰، ۴ / ۸ / ۶۰ و ۶ / ۴ / ۶۱.

[۵۵۰] همان، ۲۲ / ۴ / ۶۱.

[۵۵۱] همان، ۹ / ۱۲ / ۶۰.

[۵۵۲] الثوره ۲۱ / ۹ / ۶۰، رویتر از بغداد ۲۲ / ۹ / ۶۰ و صوت الجماهیر ۱۰ / ۱۰ / ۶۰ و ۲۷ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۵۳] بی.بی.سی ۶ / ۷ / ۶۰.

[۵۵۴] لیبراسیون ۴ / ۱۰ / ۶۰ و لوپوئن ۲۸ / ۳ / ۶۱.

[۵۵۵] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۰ و آسوشیتدپرس از لندن ۲۱ / ۱ / ۶۱،العالم الاسلامی ۱۱ / ۳ / ۶۱ و تایمز ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۵۵۶] ساندی تایمز ۸ / ۱ / ۶۱ و تایمز ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۵۵۷] یونایتدپرس از واشنگتن ۲۳ / ۹ / ۶۰.

[۵۵۸] بخش عربی رادیو امریکا ۵ / ۱ / ۶۱.

[۵۵۹] خبرگزاری فرانسه از بغداد / ۴ / ۶۱.

[۵۶۰] صوت الجماهیر ۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۶۱] همان، ۹ / ۱۲ / ۶۰.

[۵۶۲] همان، ۹ / ۱۲ / ۶۰.

[۵۶۳] الطلیعه ۹ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۶۴] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۲۵.

[۵۶۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲۴ / ۱ / ۶۱.

[۵۶۶] رویتر از نیویورک ۵ / ۲ / ۶۰.

[۵۶۷] رادیو امریکا ۷ / ۲ / ۶۱.

[۵۶۸] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۶۹] همان، ۲۰ / ۳ / ۶۱.

[۵۷۰] همان، ۱۰ / ۱۲/ ۶۰.

[۵۷۱] همان، ۱۰ / ۱۲ / ۶۰.

[۵۷۲] بی.بی.سی ۶ / ۷ / ۶۰.

[۵۷۳] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۸۱.

[۵۷۴] خبرگزاری کویت از بغداد ۲۰ / ۱۱ / ۶۰.

[۵۷۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۱ / ۶۰.

[۵۷۶] یونایتدپرس از بیروت ۱۳ / ۱ / ۶۱.

[۵۷۷] رادیو کویت ۷ / ۱ / ۶۱.

[۵۷۸] صوت الجماهیر ۷ / ۳ / ۶۱.

[۵۷۹] رادیو ریاض ۲۴ / ۲ / ۶۱.

[۵۸۰] صوت الجماهیر ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۵۸۱] دکتر احمد عبدالرحمان، عبور از آخرین خاکریز، ص ۱۴۷.

[۵۸۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲ / ۱ / ۶۱ و آسوشیتدپرس از بیروت ۹ / ۱ / ۶۱.

[۵۸۳] ساندی تایمز ۸ / ۱ / ۶۱ و لوموند ۱۰ / ۱ / ۶۱.

[۵۸۴] بخش انگلیسی بی.بی.سی ۲۰ / ۷ / ۵۹.

[۵۸۵] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۹۸ و ص ۱۲۷.

[۵۸۶] آبزرور ۲۴ / ۲ / ۶۱.

[۵۸۷] لوس آنجلس تایمز ۱۱ / ۳ / ۶۱.

[۵۸۸] نشریه‌ی ارگان ارتش رژیم اشغالگر قدس ۱۶ / ۱۱ / ۵۹.

[۵۸۹] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲ ص ۸۳-۸۲.

[۵۹۰] همان، ص ۱۰۳.

[۵۹۱] همان، ص ۸۳.

[۵۹۲] همان، ص ۱۰۷.

[۵۹۳] همان، ص ۱۰۷ - ۱۰۵.

[۵۹۴] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲، ص ۱۰۶.

[۵۹۵] همان، ص ۴۸.

[۵۹۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۸ / ۱۰ / ۶۰.

[۵۹۷] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۱، ص ۲۷.

[۵۹۸] همان، ص ۶۴.

[۵۹۹] خالد حسین النقیب، حزب بعث و جنگ، جلد ۲ ص ۵۷.

[۶۰۰] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱ / ۶۰.

[۶۰۱] همان، ۱۸ / ۱۰ / ۶۱.

[۶۰۲] رادیو ترکیه ۲۴ / ۳ / ۶۱.

[۶۰۳] نیویورک تایمز ۲ / ۴/ ۶۱.

[۶۰۴] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۰ / ۳ / ۶۱.

[۶۰۵] یونایتدپرس از بیروت ۲۰ / ۳ / ۶۱.

[۶۰۶] رادیو امریکا ۲۰ / ۳ / ۶۱.

[۶۰۷] کیهان ۸ / ۴ / ۶۱ و بی.بی.سی ۱۰ / ۴ / ۶۱.

[۶۰۸] رادیو امریکا ۸ / ۶ / ۶۱.

[۶۰۹] رادیو امریکا ۸ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۰] آسوشیتدپرس ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۱] گاردین ۵ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۲] لوکوتیدین ۲ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۳] صوت الجماهیر ۳۰ / ۳ / ۶۱.

[۶۱۴] الثوره ۲ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۳ / ۴ / ۶۱.

[۶۱۶] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۹۴.

[۶۱۷] همان ص ۱۹۳.

[۶۱۸] همان، ص ۱۹۳.

[۶۱۹] همان، ص ۱۸۱.

[۶۲۰] نیویورک تایمز ۲ / ۴/ ۶۱.

[۶۲۱] بی.بی.سی ۲۴ / ۴ / ۶۱.

[۶۲۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۱ / ۱ / ۶۱.

[۶۲۳] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۱۶۲.

[۶۲۴] بی.بی.سی ۶ / ۷ / ۶۰.

[۶۲۵] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۰.

[۶۲۶] بی.بی.سی ۳ / ۱ / ۶۱.

[۶۲۷] همان، ۹ / ۱ / ۶۱.

[۶۲۸] بخش عربی بی.بی.سی ۱۱ / ۱ / ۶۱.

[۶۲۹] بی.بی.سی ۹ / ۱ / ۶۱.

[۶۳۰] آبزرور ۱۴ / ۲ / ۶۱.

[۶۳۱] رادیو امریکا ۲۸ / ۳ / ۶۱.

[۶۳۲] رویتر از لندن ۱۸ / ۴ / ۶۱.

[۶۳۳] بی.بی.سی ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۶۳۴] بخش عربی بی.بی.سی ۱۰ / ۱ / ۶۱.

[۶۳۵] رویتر از لندن ۹ / ۲ / ۶۱.

[۶۳۶] رادیو امریکا ۲۰ / ۴ / ۶۱.

[۶۳۷] رادیو امریکا ۷ / ۳ / ۶۱.

[۶۳۸] لوس آنجلس تایمز ۱۲ / ۲ / ۶۱.

[۶۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۱ /۵ / ۶۱.

[۶۴۰] مجله نیشن به نقل از گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۰۲.

[۶۴۱] کیهان ۲۸ / ۲ / ۶۱.

[۶۴۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۵ / ۴ / ۶۱.

[۶۴۳] آسوشیتدپرس ۲۷ / ۴ / ۶۱.

[۶۴۴] بی.بی.سی ۲۷ / ۶ / ۵۹.

[۶۴۵] صوت الجماهیر ۲۲ / ۸ / ۵۹.

[۶۴۶] بی.بی.سی ۲۷ / ۵ / ۵۹.

[۶۴۷] ژون افریک ۱۸ / ۱۲ / ۵۹.

[۶۴۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت به نقل از مجله الطلعیه ۱۹ / ۱۰ / ۶۱.

[۶۴۹] رادیو امریکا ۷ / ۲ / ۶۱.

[۶۵۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲۴ / ۱ / ۶۱.

[۶۵۱] رویتر از نیویورک ۵ / ۲ / ۶۰.

[۶۵۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۸ / ۴ / ۶۰.

[۶۵۳] اطلاعات هفتگی به نقل از مجله اشپیگل ۳۱ / ۴ / ۶۰.

[۶۵۴] یونایتدپرس از بغداد ۳۰ / ۴ / ۶۰.

[۶۵۵] گذری به دو سال جنگ، ص ۱۸۰ به نقل از واشنگتن پست.

[۶۵۶] رادیو امریکا ۱۴ / ۳ / ۶۱.

[۶۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از المجله ۳۱ / ۳ / ۶۱.

[۶۵۸] رادیو امریکا ۳ / ۱۰ / ۶۰.

[۶۵۹] یونایتدپرس از بیروت ۱۳ / ۱ / ۶۱.

[۶۶۰] آسوشیتدپرس ۲۱ / ۴ / ۶۱.

[۶۶۱] گاردین ۱۸ / ۱/ ۶۱.

[۶۶۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت ۱۹ / ۱۰ / ۶۰.

[۶۶۳] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۲۵.

[۶۶۴] رادیو مسکو ۱۷ / ۲ / ۶۱ و دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ ص ۲۲۷.

[۶۶۵] بخش فارسی رادیو مسکو ۲۷ / ۱ / ۶۱ و روزنامه ستاره سرخ شوروی ۱۹ / ۲ / ۶۱.

[۶۶۶] رادیو مسکو ۱۰ / ۳ / ۶۲.

[۶۶۷] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۳۲.

[۶۶۸] رادیو مسکو ۳۱ / ۳ / ۶۱.

[۶۶۹] همان، ۱۰ / ۳ / ۶۱.

[۶۷۰] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر دو سال جنگ، ص ۲۵۷.

[۶۷۱] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر، ص ۷۴.

[۶۷۲] المستقبل چاپ پاریس ۲۴ / ۱ / ۶۱.

[۶۷۳] افریقای جوان ۲۳ / ۱ / ۶۱.

[۶۷۴] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر، ص ۴۵.

[۶۷۵] اینترناشنال هرالدتریبیون ۵ / ۳ / ۶۱.

[۶۷۶] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۵.

[۶۷۷] همان، ۲۲ / ۵ / ۶۶.

[۶۷۸] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۶۷۹] همان، ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۶۸۰] همان، ۲۲ / ۲ / ۶۶.

[۶۸۱] صوت الجماهیر، ۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۶۸۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۵ / ۷ / ۶۶ و بخش فارسی رادیو بغداد ۱۵ / ۲ / ۶۷.

[۶۸۳] صوت الجماهیر ۱ / ۱۰ / ۶۱ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از داکا ۲ / ۹ / ۶۵.

[۶۸۴] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۶ / ۴ / ۶۴.

[۶۸۵] صوت الجماهیر ۸ / ۳ / ۶۷.

[۶۸۶] آسوشیتدپرس از منامه ۱ / ۳ / ۶۳ و گاردین ۱۷ / ۲ / ۶۳ و رادیو امریکا ۱۶ / ۵ / ۶۶.

[۶۸۷] صوت الجماهیر ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۶۸۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۰ / ۱ / ۶۴.

[۶۸۹] صوت الجماهیر ۲۶ / ۴ / ۶۵، ۲۰ / ۴ / ۶۵ و ۱۸ / ۲ / ۶۶.

[۶۹۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۶۹۱] رادیو امریکا ۳۱ / ۲ / ۶۳ و رویتر ۲۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۶۹۲] همان، ۱ / ۱۰ / ۶۲ و رویتر ۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۶۹۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس به نقل از تلویزیون فرانسه ۲۳ / ۴ / ۶۱ و رادیو امریکا ۱۹ / ۱۲ / ۶۶.

[۶۹۴] همان، گزیده مطبوعات پاریس ۳۰ / ۱۱ / ۶۲.

[۶۹۵] کریسچین ساینس مانیتور ۱۰ / ۳ / ۶۶.

[۶۹۶] بی.بی.سی ۱۹ / ۱۲ / ۶۱، جاشا ۳۰ / ۸ / ۱۴۵۲، رادیو صدای آزاد ایران ۲۵ / ۱ / ۶۲ و رویتر ۳ / ۴ / ۶۷.

[۶۹۷] رادیو امریکا ۱۵ / ۹ / ۶۱ و رادیو امریکا ۲۳ / ۸ / ۶۳.

[۶۹۸] رادیو صدای آزاد ایران ۶ / ۵ / ۶۱، نشریه مجاهد ۲۸ / ۴ / ۶۳، بی.بی.سی ۳۰ / ۶ / ۶۳ و رادیو امریکا ۳۰ / ۶ / ۶۴.

[۶۹۹] رادیو امریکا ۶ / ۷ / ۶۱، رادیو صدای آزاد ایران ۱ / ۶ / ۶۲ و ایران تایمز ۱۸ / ۹ / ۶۲.

[۷۰۰] رادیو صدای آزاد ایران ۱۷ / ۱۱ / ۶۱، همان، ۱ / ۶ / ۶۲ و بی.بی.سی ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۷۰۱] بغداد آبزرور ۷ / ۶ / ۶۱ و رادیو امریکا ۲۹ / ۸ / ۶۱.

[۷۰۲] لوموند ۸ / ۲ / ۶۴.

[۷۰۳] بی.بی.سی ۳ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۰۴] لوکوتیدین دوپاری ۱۲ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۰۵] آسوشیتدپرس ۲۱ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۰۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱ / ۱۱ / ۶۵ و واشنگتن تایمز ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۷۰۷] آسوشیتدپرس ۲۱ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۰۸] اکونومیست ۲۶ / ۶ / ۶۲.

[۷۰۹] رادیو صدای آزاد ایران ۳۰ / ۱ / ۶۲.

[۷۱۰] نیوزیویک ۲۵ / ۱۲ / ۶۱، آسوشیتدپرس ۲۳ / ۱۲ / ۶۲ و واشنگتن تایمز ۲۴ / ۱۲ / ۶۴.

[۷۱۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۳ / ۵ / ۶۱، نیوزویک ۵ / ۱۲ / ۶۱، الرای العام ۱۷ / ۱۲ / ۶۴ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس به نقل از مجله کل العرب.

[۷۱۲] نشریه مجاهد ۱۵ / ۱ / ۶۴.

[۷۱۳] لوموند ۱۷ / ۱۲ / ۶۲، فیگارو ۲۷ / ۱۲ / ۶۲ و رادیو امریکا ۱۹ / ۵ / ۶۳.

[۷۱۴] رادیو امریکا ۱۰ / ۲ / ۶۶.

[۷۱۵] رادیو صدای آزاد ایران ۲۱ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۱۶] خبرگزاری خلیج از لندن ۲۰ / ۱ / ۶۲.

[۷۱۷] بی.بی.سی ۲۸ / ۱۱/ ۶۴.

[۷۱۸] خبرگزاری خلیج از لندن ۲۰ / ۱ / ۶۲.

[۷۱۹] رادیو امریکا ۱۶ / ۶ / ۶۲.

[۷۲۰] آسوشیتدپرس ۲۱ / ۱۲ / ۶۲.

[۷۲۱] لوموند ۷ / ۵ / ۶۲.

[۷۲۲] دیلی تلگراف ۳۱ / ۶ / ۶۵.

[۷۲۳] رادیو اسرائیل ۷ / ۷ / ۶۵.

[۷۲۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۳ / ۹ / ۶۱.

[۷۲۵] رادیو امریکا به نقل از روزنامه‌ی بوستن گلاب ۱۲ / ۷ / ۶۵.

[۷۲۶] مجله هی می ۲۳ / ۶ / ۶۶.

[۷۲۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۱ / ۵ / ۶۵، الجمهوریه ۱۶ / ۱۱ / ۶۵، الثوره ۲۶ / ۱۲ / ۶۶، رادیو امان ۲۸ / ۱۱ / ۶۲، رویتر از لندن ۱۹ / ۱۱ / ۶۲، بی.بی.سی ۱۱ / ۴ / ۶۵، تایمز لندن ۲۰ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۲۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۷۲۸] رادیو اسرائیل ۳ / ۸ / ۶۵.

[۷۲۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت به نقل از مطبوعات کویت، نشریه ویژه ۱۸۱.

[۷۳۰] صوت الجماهیر ۱۰ / ۹ / ۶۳ و خبرگزاری رویتر از سازمان ملل متحد ۳۱ / ۲ / ۶۶.

[۷۳۱] خبرگزاری کویت از بغداد ۱۹ / ۱۱ / ۶۳.

[۷۳۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۲ / ۷ / ۶۱.

[۷۳۳] نوول آبزرواتور ۶ / ۳ / ۶۲.

[۷۳۴] بی.بی.سی ۹ / ۱۱ / ۶۳، رادیو امریکا ۶ / ۱ / ۶۴ و رادیو اسرائیل ۳ / ۱۱ / ۶۳.

[۷۳۵] صوت الجماهیر ۱۰ / ۹ / ۶۵.

[۷۳۶] همان، ۲۴ / ۶ / ۶۵.

[۷۳۷] همان، ۱۱ / ۹ / ۶۵ و ۲۶ / ۷ / ۶۶.

[۷۳۸] رادیو اسرائیل ۱۱ / ۳ / ۶۶.

[۷۳۹] رادیو امریکا ۱۰ / ۲ / ۶۶.

[۷۴۰] رادیو امریکا، ۱۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۷۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۱ / ۷ / ۶۵.

[۷۴۲] واشنگتن پست ۲۹ / ۱ / ۶۶.

[۷۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۳۰ / ۱۰ / ۶۵، رادیو اسرائیل ۶ / ۱ / ۶۶ و رادیو امریکا ۲۴ / ۲ / ۶۷.

[۷۴۴] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۴ / ۱۱ / ۶۴ و صوت الجماهیر ۲۱ / ۱۲ / ۶۶.

[۷۴۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۱۰ / ۶۴ و ۲۱ / ۱۱/ ۶۴.

[۷۴۶] همان، ۳۰ / ۱۱ / ۶۵.

[۷۴۷] الثوره ۲۷ / ۲ / ۶۳.

[۷۴۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۱۰ / ۶۴ و ۲۱ / ۱۱ / ۶۴.

[۷۴۹] همان، ۳۰ / ۱۱ / ۶۵.

[۷۵۰] الثوره ۲۷ / ۲ / ۶۳.

[۷۵۱] صوت الجماهیر ۳ / ۲ / ۶۲.

[۷۵۲] مجله الدستور چاپ لندن ۶ / ۱۱ / ۶۲.

[۷۵۳] مذهب و استراتژی در جنگ ایران و عراق ۴ / ۹ / ۶۴ و الرای العام ۱۰ / ۲ / ۶۷.

[۷۵۴] لندن خبرگزاری عراق ۱۴ / ۶ / ۶۲ و میدل ایست ۱۰ / ۸ / ۶۲.

[۷۵۵] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۴ / ۵ / ۶۲.

[۷۵۶] صوت الجماهیر ۸ / ۸ / ۶۳، فیگارو ۲۵ / ۱۱ / ۶۵ و بی.بی.سی ۸ / ۷ / ۶۶.

[۷۵۷] رادیو امریکا ۱۶ / ۱۱ / ۶۵.

[۷۵۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۱۲ / ۵ / ۶۲.

[۷۵۹] نشریه‌ی ویژه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی ۴ / ۸ / ۶۲.

[۷۶۰] واشنگتن تایمز ۳۰ / ۶ / ۶۱.

[۷۶۱] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۰ / ۱۱ / ۶۳ و نشریه‌ی اداره‌ی کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد ۳۱ / ۱ / ۶۵.

[۷۶۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۱۲ / ۵ / ۶۲.

[۷۶۳] رادیو مسکو ۳ / ۲ / ۶۷.

[۷۶۴] صوت الجماهیر ۲۵ / ۶ / ۶۵.

[۷۶۵] همان، ۲۸ / ۱ / ۶۶ و ۲۶ / ۶ / ۶۶.

[۷۶۶] همان، ۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۷۶۷] رادیو امریکا ۲ / ۲ / ۶۴.

[۷۶۸] صوت الجماهیر ۶ / ۳ / ۶۶.

[۷۶۹] همان، ۲۷ / ۲ / ۶۶ و ۵ / ۳ / ۶۶.

[۷۷۰] همان، ۳ / ۱۰ / ۶۴ و ۱ / ۱ / ۶۶.

[۷۷۱] خبرگزاری تانیوگ از بغداد ۳ / ۴ / ۶۶.

[۷۷۲] صوت الجماهیر ۲۶ / ۱۱ / ۶۲.

[۷۷۳] همان، ۳ / ۱۲ / ۶۵.

[۷۷۴] صوت الجماهیر ۲۴ / ۶ / ۶۵.

[۷۷۵] صوت الجماهیر، ۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۷۷۶] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۵ و ۸ / ۶ / ۶۶.

[۷۷۷] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۶ و ۲ / ۲ / ۶۶.

[۷۷۸] همان، ۱۱ / ۶ / ۶۶.

[۷۷۹] رادیو مسقط ۶ / ۹ / ۶۵.

[۷۸۰] صوت الجماهیر ۱۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۷۸۱] الجمهوریه ۲۷ / ۲ / ۶۳.

[۷۸۲] صوت الجماهیر ۲۷ / ۱۰ / ۶۶.

[۷۸۳] خبرگزاری عراق ۲۵ / ۱۱ / ۶۳.

[۷۸۴] صوت الجماهیر ۱۱ / ۶ / ۶۶ و ۲ / ۸ / ۶۶.

[۷۸۵] آسوشیتدپرس از حراره ۳۱ / ۲ / ۶۵.

[۷۸۶] صوت الجماهیر ۶ / ۶ / ۶۱.

[۷۸۷] واشنگتن تایمز ۴ / ۳ / ۶۳.

[۷۸۸] صوت الجماهیر ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۷۸۹] همان، ۲۶ / ۲ / ۶۶.

[۷۹۰] صوت الجماهیر، ۱۶ / ۲ / ۶۵.

[۷۹۱] همان، ۱۶ / ۲ / ۶۶.

[۷۹۲] همان، ۲ / ۱ / ۶۶، الدستور چاپ لندن ۱۰ / ۱ / ۶۶ و صوت الجماهیر ۳ / ۲ / ۶۶.

[۷۹۳] صوت الجماهیر ۱ / ۱۱ / ۶۵ و ۲ / ۲ / ۶۶.

[۷۹۴] همان، ۲ / ۱ / ۶۶.

[۷۹۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲۰ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری تانیوگ ۳ / ۴ / ۶۶ و بخش فارسی رادیو بغداد ۱۷ / ۲ / ۶۷.

[۷۹۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۱۲ / ۶۴.

[۷۹۷] صوت الجماهیر ۱۴ / ۱۲ / ۶۱، بخش فارسی رادیو بغداد ۲۵/ ۳ / ۶۴. صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۷۹۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۴ / ۱۲ / ۶۱ و ۲۵ / ۳ / ۶۴.

[۷۹۹] الحوادث ۲ / ۸ / ۶۱.

[۸۰۰] صوت الجماهیر ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۸۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۹ / ۱ / ۶۵.

[۸۰۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز ۱۳ / ۲ / ۶۷.

[۸۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بلگراد ۲۳ / ۱۱ / ۶۴ و ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۸۰۴] همان، ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۸۰۵] صوت الجماهیر ۳ / ۱۲ / ۶۲، بخش فارسی رادیو بغداد ۱۷ / ۱۲ / ۶۳ و رویتر به نقل از الثوره ۱۶ / ۱ / ۶۴.

[۸۰۶] صوت الجماهیر ۲۲ / ۵ / ۶۶.

[۸۰۷] همان، ۴ / ۴ / ۶۴.

[۸۰۸] خبرگزاری کویت از واشنگتن ۳۰ / ۴ / ۶۳ و خبرگزاری فرانسه از کویت ۱۲ / ۴ / ۶۳.

[۸۰۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۸ / ۷ / ۶۶.

[۸۱۰] القبس ۴ / ۴ / ۶۷.

[۸۱۱] رادیو امریکا ۱۱ / ۶ / ۶۶.

[۸۱۲] ساندی تایمز ۳ / ۵ / ۶۱.

[۸۱۳] همان.

[۸۱۴] خبرگزاری آلمان غربی از پاریس ۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۸۱۵] رادیو اسرائیل ۱۷ / ۶ / ۶۳.

[۸۱۶] لوموند ۲۸ / ۲ / ۶۷.

[۸۱۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۲ / ۱۲ / ۶۲.

[۸۱۸] الابناء ۲ / ۵ / ۶۲.

[۸۱۹] رادیو امریکا ۸ / ۵ / ۶۳.

[۸۲۰] بخش فارسی رادیو بغداد ۶ / ۵ / ۶۴.

[۸۲۱] صوت الجماهیر ۲۶ / ۲ / ۶۶.

[۸۲۲] همان، ۱۳ / ۳ / ۶۶.

[۸۲۳] رادیو امریکا ۲ / ۸ / ۶۱، بی.بی.سی ۲۶ / ۸ / ۶۱، رادیو امریکا۱۲ / ۲ / ۶۴، رادیو امریکا ۲۵ / ۱۰ / ۶۴، فارین ریپورت ۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۸۲۴] یونایتدپرس از بیروت ۳ / ۱ / ۶۴.

[۸۲۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲ / ۵ / ۶۳ و یونایتدپرس از بیروت ۱ / ۱ / ۶۴.

[۸۲۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲ / ۱ / ۶۲.

[۸۲۷] واشنگتن پست ۳۱ / ۱ / ۶۷.

[۸۲۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲ / ۲ / ۶۷.

[۸۲۹] دیلی تلگراف ۳ / ۵ / ۶۲.

[۸۳۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲ / ۲ / ۶۷.

[۸۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از اطلاعیه نظامی عراق ۲۸ / ۷ / ۶۲.

[۸۳۲] یونایتدپرس به نقل از فرمانده سپاه دوم ارتش عراق ۶۳/۷/۲۶.

[۸۳۳] خبرگزاری کویت از لوس‌آنجلس ۲۳ / ۲ / ۶۳.

[۸۳۴] صوت الجماهیر ۲۷ / ۷ / ۵۹.

[۸۳۵] رویتر از بصره ۵ / ۵ / ۶۱.

[۸۳۶] رادیو امریکا ۲ / ۹ / ۶۱.

[۸۳۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲ / ۴ / ۶۳.

[۸۳۸] لوموند ۶۰۰-۴۵۰.

[۸۳۹] رادیو امریکا ۳۱ / ۶ / ۶۵.

[۸۴۰] همان، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۴۱] رادیو اسرائیل ۵ / ۵ / ۶۱، رویتر از بصره ۵ / ۵ / ۶۱، رادیو امریکا ۲ / ۹ / ۶۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲ / ۴ / ۶۳، تایمز ۵ / ۵ / ۶۱، هوالدتریبیون ۲ / ۹ / ۶۳، لوموند ۱۶ / ۱۲ / ۶۳، رادیو امریکا ۳۱ / ۶ / ۶۵ و رادیو امریکا ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۴۲] الدستور ۲۸ / ۱۱ / ۶۱.

[۸۴۳] هواپیمای میگ ۲۵ برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ رکورد سرعت جهانی را شکست و رکورد ارتفاع صعود بی‌سابقه‌ای از خود بر جای گذاشت. این هواپیما می‌تواند ۲۰۰۰ کیلوگرم بار حمل کند و از هر هواپیمای غربی که بدون بار پرواز کند، سریعتر به پرواز درآید. در میان هواپیمای غربی تنها هواپیماهای اف - ۱۵ آن هم فقط در مورد قابلیت حمل مهمات بیشتر، بر میگ ۲۵ برتری دارد.

[۸۴۴] رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت به نقل از مصاحبه صدام با سردبیران روزنامه‌های کویت ۱۳ / ۲ / ۶۳.

[۸۴۶] نمایندگی کیهان در دمشق ۲ / ۲ / ۶۴.

[۸۴۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲ / ۴ / ۶۳.

[۸۴۸] تایمز امریکا ۳۰ / ۴ / ۶۳.

[۸۴۹] الدستور ۲۸ / ۱۱/ ۶۱ و رادیو امریکا ۷ / ۶ / ۶۳.

[۸۵۰] گاردین ۷ / ۳ / ۶۳، جینزدیفنس ۲ / ۱۱ / ۶۶، و کیودوژاپن ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۸۵۱] برد این موشکها ۸۰۰ کیلومتر است. در ضمن در کلاهک این موشک می‌توان بجای مواد منفجره مواد شیمیایی به کار برد.

[۸۵۲] روزنامه گونش ترکیه ۵ / ۱۲ / ۶۲ و هرالدتریبیون ۳۱ / ۱ / ۶۳.

[۸۵۳] روزنامه حریت ۸ / ۱ / ۶۳ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲ / ۲ / ۶۳.

[۸۵۴] جینزدیفنس ۱۵ / ۹ / ۶۳.

[۸۵۵] رادیو اسرائیل به نقل از الجمهوریه ۹ / ۴ / ۶۵.

[۸۵۶] رادیو اسرائیل ۱۹ / ۱۲ / ۶۶.

[۸۵۷] سفارت جمهوری اسلامی از بروکسل ۷ / ۷ / ۶۶.

[۸۵۸] رادیو صدای ایران ۱ / ۷ / ۶۱.

[۸۵۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۶ / ۱ / ۶۷.

[۸۶۰] رادیو امان ۲ / ۵ / ۶۲، رادیو امریکا ۱۲ / ۲ / ۶۴ و ۲۵ / ۵ / ۶۵.

[۸۶۱] رادیو تونس ۱۸ / ۵ / ۶۲.

[۸۶۲] رادیو مسکو ۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۶۳] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۱ / ۶۵ و رادیو کلن ۱۹ / ۱۱ / ۶۵.

[۸۶۴] روزنامه الشعب الجزایر ۲۸ / ۱۱ / ۶۴.

[۸۶۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۸۶۶] لوموند ۱۶ / ۱۲ / ۶۳.

[۸۶۷] اخبارهای استراتژیک ارتش فرانسه ۱۹ / ۱ / ۶۲.

[۸۶۸] جینزدیفنس ۲۷ / ۶ / ۶۵.

[۸۶۹] ساندی تلگراف.

[۸۷۰] رادیو امریکا ۶ / ۱۱ / ۶۵.

[۸۷۱] صوت الجماهیر.

[۸۷۲] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۷۳] همان، ۸ / ۶ / ۶۵.

[۸۷۴] فیگارو ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۸۷۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از باختران ۱۹ / ۱ / ۶۵.

[۸۷۶] روزنامه اطلاعات ۲۹ / ۱۱ / ۶۷.

[۸۷۷] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۷۸] صوت الجماهیر ۱۳ / ۷ / ۶۵.

[۸۷۹] همان، ۷ / ۱۰ / ۶۶ و ۱۴ / ۱۰ / ۶۶.

[۸۸۰] همان، ۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۸۸۱] همان، ۱۴ / ۱۰ / ۶۶.

[۸۸۲] صوت الجماهیر ۹ / ۲ / ۶۷.

[۸۸۳] همان، ۱۳ / ۴ / ۶۶.

[۸۸۴] صوت الجماهیر ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۸۸۵] همان، ۲ / ۴ / ۶۵ و ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۸۸۶] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۸۸۷] بی.بی.سی ۲۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۸۸۸] صوت الجماهیر ۲۱ / ۳ / ۶۶.

[۸۸۹] همان، ۵ / ۱ / ۶۵.

[۸۹۰] بی.بی.سی به نقل از یک مقام بلندپایه عراقی ۲ / ۱ / ۶۴.

[۸۹۱] لوماتن ۱۲ / ۱۰ / ۶۳.

[۸۹۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۸ / ۱۲ / ۶۲.

[۸۹۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۸ / ۶ / ۶۲.

[۸۹۴] رادیو امریکا ۸ / ۱ / ۶۶.

[۸۹۵] ایران تایمز ۲۵ / ۹ / ۶۲.

[۸۹۶] بی.بی.سی ۲۴ / ۱ / ۶۲.

[۸۹۷] رادیو امریکا ۲ / ۸ / ۶۱.

[۸۹۸] همان، ۱۵ / ۷ / ۶۱.

[۸۹۹] همان، ۱۱ / ۱۲ / ۶۲.

[۹۰۰] همان، ۲ / ۸ / ۶۱.

[۹۰۱] لیبراسیون ۲۰ / ۱۲ / ۶۳.

[۹۰۲] رادیو صدای آزاد ایران ۴ / ۵ / ۶۱.

[۹۰۳] رادیو امریکا ۲۵ / ۵ / ۶۵.

[۹۰۴] بی.بی.سی ۸ / ۱۲ / ۶۳ و رادیو امریکا ۱۱ / ۲ / ۶۷.

[۹۰۵] خبرگزاری فرانسه از واشنگتن ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۰۶] رادیو قاهره ۳ / ۵ / ۶۲.

[۹۰۷] آسوشیتدپرس به نقل از مقامات پنتاگون ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۹۰۸] رادیو اسرائیل ۹ / ۴ / ۶۴.

[۹۰۹] وال استریت ژورنال ۲۹ / ۳ / ۶۳ و بی.بی.سی ۳۰ / ۹ / ۶۳.

[۹۱۰] رادیو امریکا ۱۵ / ۷ / ۶۵.

[۹۱۱] صوت الجماهیر ۲۱ / ۶ / ۶۲.

[۹۱۲] لوماتن ۷ / ۳ / ۶۵ و لوموند ۶ / ۱۲ / ۶۵.

[۹۱۳] الرای العام ۲۸ / ۳ / ۶۵.

[۹۱۴] رادیو اسرائیل ۲۶ / ۷ / ۶۵.

[۹۱۵] فیگارو ۱۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۱۶] تایمز ۲۲ / ۱۲ / ۶۶.

[۹۱۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۴ / ۱۱ / ۶۶ و رادیو امریکا ۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۹۱۸] رادیو امریکا ۹ / ۲ / ۶۷، ۱ / ۲ / ۶۷، ۲۱ / ۱ / ۶۷.

[۹۱۹] جمهوریت ۲ / ۲ / ۶۷ و دیلی تلگراف ۱۰ / ۲ / ۶۷.

[۹۲۰] رویتر از تهران ۲۳ / ۴ / ۶۷.

[۹۲۱] صوت الجماهیر ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۲۲] افریقای جوان ۲۳ / ۱۰ / ۶۲ و هرالدتریبیون ۶ / ۱ / ۶۳.

[۹۲۳] رادیو امان ۲۹ / ۴ / ۶۲.

[۹۲۴] رادیو صدای آزاد ایران ۲۵ / ۹ / ۶۱.

[۹۲۵] همان، ۲۹ / ۶ / ۶۱، رادیو کلن ۲۱ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از تهران ۲۳ /۴ / ۶۷.

[۹۲۶] رادیو اسرائیل ۱۴ / ۶ / ۶۶.

[۹۲۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۷ / ۲ / ۶۶.

[۹۲۸] رادیو امریکا ۲۳ / ۱ / ۶۶.

[۹۲۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۸ / ۵ / ۶۲.

[۹۳۰] یونایتدپرس از تهران ۱۴/ ۶ / ۶۶.

[۹۳۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۷ / ۲ / ۶۶.

[۹۳۲] رادیو اسرائیل ۲۵/ ۱۱ / ۶۵.

[۹۳۳] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۷ / ۲ / ۶۶.

[۹۳۴] یونایتدپرس از تهران ۱۴/ ۶ / ۶۶.

[۹۳۵] اکونومیست ۸ / ۲ / ۶۲.

[۹۳۶] خبرگزاری آلمان غربی از منامه ۱۸ / ۱۱ / ۶۲.

[۹۳۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۴ / ۵ / ۶۳ و الثوره ۲ / ۲ / ۶۷، خبرگزاری عراق از بغداد ۷ / ۲ / ۶۷ و بی.بی.سی ۲۲ / ۴ / ۶۷.

[۹۳۸] رادیو اسرائیل ۲۶ / ۷ / ۶۵.

[۹۳۹] نشریه امریکایی سیاست جهانی ۱۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۹۴۰] رادیو امریکا ۲۳ / ۱ / ۶۶.

[۹۴۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۴ / ۱۲ / ۶۱، بخش فارسی رادیو بغداد ۲۵ / ۳ / ۶۴ و صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۹۴۲] لوس آنجلس تایمز ۲ / ۹ / ۶۱ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱ / ۱۰ / ۶۱.

[۹۴۳] رادیو صدای ایران ۱۲ / ۷ / ۶۱ و رادیو امریکا ۱۹ / ۲ / ۶۴.

[۹۴۴] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۶ / ۹ / ۶۲ و الوطن العربی ۳۱ / ۱ / ۶۵.

[۹۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۳ / ۹ / ۶۱.

[۹۴۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۴ / ۲ / ۶۶.

[۹۴۷] همان، ۲۳ / ۳ / ۶۴.

[۹۴۸] رادیو امریکا ۲۵ / ۹ / ۶۳.

[۹۴۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بلگراد ۲۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۹۵۰] لوس‌آنجلس تایمز ۲ / ۹ / ۶۱.

[۹۵۱] تایمز ۱۲ / ۵ / ۶۱.

[۹۵۲] بخش عربی رادیو امان ۱۰ / ۵ / ۶۲.

[۹۵۳] صوت الجماهیر ۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۹۵۴] رویتر از بحرین ۱ / ۴ / ۶۳.

[۹۵۵] الجمهوریه ۶ / ۴ / ۶۲.

[۹۵۶] صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۹۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۰ / ۱ / ۶۵.

[۹۵۸] صوت الجماهیر ۱ / ۱ / ۶۶.

[۹۵۹] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۸ / ۲ / ۶۶ و الثوره ۲۵ / ۲ / ۶۶.

[۹۶۰] صوت الجماهیر ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۹۶۱] السیاسه ۲۴ / ۴ / ۶۱ و صوت الجماهیر ۱۰ / ۱۲ / ۶۱.

[۹۶۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۳۱ / ۱ / ۶۵.

[۹۶۳] همان، ۲۱ / ۲ / ۶۶.

[۹۶۴] همان، ۲۱ / ۲ / ۶۶.

[۹۶۵] خبرگزاری یوگسلاوی از بغداد ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۶۶] صوت الجماهیر ۳۰ / ۸ / ۶۶.

[۹۶۷] خبرگزاری عراق از بغداد ۲۷ / ۱۰ / ۶۶.

[۹۶۸] آسوشیتدپرس از تل‌آویو ۲ / ۱۱ / ۶۵ و رادیو امریکا ۱۸ / ۱ / ۶۶.

[۹۶۹] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۳ / ۱۱ / ۶۱.

[۹۷۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۷۱] رادیو امریکا ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۹۷۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۷۳] رادیو امریکا ۱۵ / ۳ / ۶۶.

[۹۷۴] لوماتن ۷ / ۱۰ / ۶۱.

[۹۷۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۹ / ۲ / ۶۶.

[۹۷۶] بخش فارسی رادیو بغداد، ۲۶ / ۳ / ۶۶.

[۹۷۷] تایمز ۲ / ۹ / ۶۱.

[۹۷۸] یونایتدپرس از بغداد ۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۹۷۹] رادیو اسرائیل ۱۲ / ۵ / ۶۲.

[۹۸۰] آبزرور ۶ / ۱۲ / ۶۴ و صوت الجماهیر ۳۰ / ۱۲ / ۶۴ و الرای العام ۷ / ۲ / ۶۵.

[۹۸۱] صوت الجماهیر ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۹۸۲] یونایتدپرس از واشنگتن ۱۱ / ۱۲ / ۶۴.

[۹۸۳] رادیو مونت کارلو ۱۵ / ۱۲ / ۶۴.

[۹۸۴] دیلی تلگراف ۱ / ۷ / ۶۵.

[۹۸۵] رادیو اسرائیل ۳۰ / ۱ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۴ / ۱۰ / ۶۵.

[۹۸۶] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲ / ۱۲ / ۶۴.

[۹۸۷] خبرگزاری آلمان غربی از بغداد ۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۸۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۸۹] صوت الجماهیر ۵ / ۱ / ۶۵.

[۹۹۰] همان، ۴ / ۳ / ۶۶.

[۹۹۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۰ / ۱۰ / ۶۵ و رادیو امریکا ۱۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۹۹۲] الابناء ۲۱ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۹۹۳] الرای العام ۲۸ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۹۹۴] رادیو صدای آزاد ایران ۴ / ۱۲ / ۶۱.

[۹۹۵] رادیو امان ۲ / ۲ / ۶۲.

[۹۹۶] آسوشیتدپرس از پاریس ۲۰ / ۳ / ۶۳.

[۹۹۷] لوماتن ۵ / ۳ / ۶۲ و صوت الجماهیر ۱۷ / ۱۰ / ۶۵ رادیو مجاهد ۳ / ۱۱ / ۶۵، الرأی العام ۲۰ / ۲ / ۶۶، ایندیپندنت ۲۵ / ۶ / ۶۶.

[۹۹۸] لیبراسیون ۲۰ / ۱۲ / ۶۳.

[۹۹۹] لیبراسیون ۲۰ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۰۰۰] لوموند ۳۰ / ۱ / ۶۷.

[۱۰۰۱] همان، ۲۸ / ۲ / ۶۷.

[۱۰۰۲] الوطن ۲۵ / ۳ / ۶۷.

[۱۰۰۳] بی.بی.سی ۶ / ۴ / ۶۷.

[۱۰۰۴] الانباء ۲۰ / ۴ / ۶۷.

[۱۰۰۵] تایم ۶ / ۵ / ۶۱.

[۱۰۰۶] صوت الجماهیر ۱۴ / ۱۲ / ۶۱.

[۱۰۰۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۴ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۰۰۸] رادیو امریکا ۲۲ / ۵ / ۶۲.

[۱۰۰۹] همان، ۲۵ / ۵ / ۶۵.

[۱۰۱۰] بی.بی.سی ۹ / ۶ / ۶۵.

[۱۰۱۱] هرالدتریبیون ۷ / ۵ / ۶۳.

[۱۰۱۲] رادیو اسرائیل ۳ / ۱۱ / ۶۳.

[۱۰۱۳] بی.بی.سی ۱۷ / ۶ / ۶۳.

[۱۰۱۴] همان، ۲۲ / ۴ / ۶۷.

[۱۰۱۵] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۱۶] همان، ۸ / ۵ / ۶۵.

[۱۰۱۷] رادیو امریکا ۲ / ۸ / ۶۱ و رادیو صدای آزاد ایران ۳ / ۸ / ۶۱.

[۱۰۱۸] همان، ۲۲ / ۶ / ۶۴.

[۱۰۱۹] خبرگزاری عراق از بغداد ۴ / ۴ / ۶۲.

[۱۰۲۰] صوت الجماهیر ۹ / ۴ / ۶۲.

[۱۰۲۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۵ / ۷ / ۶۲.

[۱۰۲۲] صوت الجماهیر ۹ / ۴ / ۶۲.

[۱۰۲۳] بی.بی.سی ۳۱ / ۴ / ۶۲.

[۱۰۲۴] رادیو امریکا ۲۹ / ۴ / ۶۲.

[۱۰۲۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۰۲۶] رادیو اسرائیل به نقل از الجمهوریه ۹ / ۴ / ۶۵.

[۱۰۲۷] صوت الجماهیر ۱۷ / ۲ / ۶۵ و ۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۰۲۸] همان، ۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۰۲۹] الثوره ۱۶ / ۱ / ۶۴ و الجمهوریه ۲۶ / ۳ / ۶۴.

[۱۰۳۰] صوت الجماهیر ۲۱ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۰۳۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۹ / ۳ / ۶۴.

[۱۰۳۲] همان، ۲۳ / ۳ / ۶۴.

[۱۰۳۳] همان، ۲۴ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۳۴] همان، ۸ / ۳ / ۶۴.

[۱۰۳۵] بخش فارسی رادیو بغداد، ۲۰ / ۹ / ۶۴.

[۱۰۳۶] همان، ۲۷ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۰۳۷] همان، ۱۷ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۰۳۸] رادیو اسرائیل به نقل از الجمهوریه ۹ / ۴ / ۶۵.

[۱۰۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۰۴۰] خبرگزاری فرانسه از منامه ۱۴ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۰۴۱] خبرگزاری فرانسه از منامه، ۱۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۰۴۲] رویتر از بغداد ۱۷ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۰۴۳] بی.بی.سی ۱۰ / ۱ / ۶۷.

[۱۰۴۴] صوت الجماهیر ۲۲ / ۹ / ۶۴.

[۱۰۴۵] ابرار ۲۳ / ۱ / ۶۵.

[۱۰۴۶] یونایتدپرس از بیروت ۱ / ۱ / ۶۴.

[۱۰۴۷] صوت الجماهیر ۶ / ۸ / ۶۲.

[۱۰۴۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۳۱ / ۱/ ۶۵.

[۱۰۴۹] تایمز ۱ / ۳ / ۶۷.

[۱۰۵۰] رادیو صلح و ترقی شوروی ۲۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۵۱] رادیو امریکا ۲۷ / ۴ / ۶۶.

[۱۰۵۲] آسوشیتدپرس از کویت ۱۰ / ۳ / ۶۳ و رادیو آمریکا ۳۰ / ۶ / ۶۴.

[۱۰۵۳] بی.بی.سی ۱۱ / ۷ / ۶۶.

[۱۰۵۴] اشترن ۲ / ۷ / ۶۶.

[۱۰۵۵] بی.بی.سی ۲۶/ ۱۱ / ۶۴.

[۱۰۵۶] رادیو مونت کارلو ۱۹ / ۷ / ۶۳ و بی.بی.سی ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۵۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۳۰ / ۱۰ / ۶۲ و ساندی تایمز ۲۰ / ۳ / ۶۳ و بخش فارسی رادیو بغداد ۲۴ / ۱ / ۶۴.

[۱۰۵۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۲ / ۳ / ۶۳ و صوت الجماهیر ۲ / ۳ / ۶۳ و رویتر از بغداد ۱۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۰۵۹] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۴ / ۱ / ۶۴.

[۱۰۶۰] صوت الجماهیر ۱۲ / ۹ / ۶۴.

[۱۰۶۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۰۶۲] بلندگوهای جنگ روانی عراق در فاو.

[۱۰۶۳] رادیو اسرائیل ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۶۴] گاردین به نقل از الجمهوریه ۱۴ / ۸ / ۶۱.

[۱۰۶۵] دیلی تلگراف ۶ / ۷ / ۶۱.

[۱۰۶۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۵ / ۱۱ / ۶۲.

[۱۰۶۷] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۱۹ / ۴ / ۶۵.

[۱۰۶۸] صوت الجماهیر ۴ / ۱۲ / ۶۴ و بخش فارسی رادیو بغداد ۴ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۶۹] بی.بی.سی ۲۷ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۰۷۰] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۱۹ / ۴ / ۶۵.

[۱۰۷۱] رادیو امریکا ۱۳ / ۳ / ۶۶.

[۱۰۷۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۰ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۷۳] همان، ۶ / ۶ / ۶۵.

[۱۰۷۴] همان، ۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۷۵] الدستور ۵ / ۲ / ۶۲، الثوره ۲ / ۱۲ / ۶۲ و ۴ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۰۷۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۶ / ۶ / ۶۵.

[۱۰۷۷] همان، ۲۸ / ۳ / ۶۲.

[۱۰۷۸] صوت الجماهیر ۲ / ۱ / ۶۴.

[۱۰۷۹] رویتر از بغداد ۲ /۱۲ / ۶۲.

[۱۰۸۰] الجمهوریه ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۰۸۱] رادیو کلن ۱۶ / ۵ / ۶۲.

[۱۰۸۲] الدستور ۵ / ۲ / ۶۲ و خبرگزاری عراق از بغداد ۲۹ / ۳ / ۶۳.

[۱۰۸۳] القبس ۲۸ / ۷ / ۶۶.

[۱۰۸۴] الثوره ۲ / ۱۲ / ۶۲، ۹ / ۱۰ / ۶۲، صوت الجماهیر ۲ / ۱ / ۶۴، بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۲ / ۶۶، ۲۳ / ۱۱ / ۶۵، ۶ / ۶ /

۶۵، ۱۰ / ۱۲ / ۶۴ و الجمهوریه ۱۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۰۸۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۰۸۶] بی.بی.سی به نقل از اطلاعیه‌ی نظامی عراق ۲۴ / ۱ / ۶۵.

[۱۰۸۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۱ / ۱۱ / ۶۱.

[۱۰۸۸] صوت الجماهیر ۳۱ / ۶ / ۶۴.

[۱۰۸۹] بخش فارسی رادیو بغداد ۵ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۹۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۹ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۰۹۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۳ / ۱۲ / ۶۲ و ۲۷ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۰۹۲] الثوره ۸ / ۱ / ۶۷.

[۱۰۹۳] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۰۹۴] واشنگتن پست ۲۱ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۹۵] هرالدتریبیون ۸ / ۶ / ۶۳ و لوپوئن ۲۵ / ۱ / ۶۴.

[۱۰۹۶] یونایتدپرس به نقل از تایمز ۳۱ / ۶ / ۶۴.

[۱۰۹۷] رویتر از تهران ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۰۹۸] رادیو امریکا ۱۵ / ۳ / ۶۶.

[۱۰۹۹] صوت الجماهیر ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۰۰] رادیو اسرائیل ۲۰ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۱۰۱] بی.بی.سی ۷ / ۱ / ۶۳ و رویتر از تهران ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۰۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۱۰۳] رادیو امریکا ۱۱ / ۶ / ۶۶ و القبس ۷ / ۴ / ۶۷.

[۱۱۰۴] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۰۵] لوس‌آنجلس تایمز ۱۴ / ۷ / ۶۴ و بی.بی.سی ۲۲ / ۴ / ۶۷.

[۱۱۰۶] لوس‌آنجلس تایمز ۱۴ / ۷ / ۶۴ و بخش فارسی رادیو بغداد ۲۱ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۰۷] صوت الجماهیر ۴ / ۵ / ۶۴ و رادیو اسرائیل ۲۹/ ۱۱ / ۶۶.

[۱۱۰۸] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۰ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۱۰۹] همان، ۱۰ / ۹ / ۶۳.

[۱۱۱۰] رادیو امریکا ۲۳ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۱۱۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۳ / ۵ / ۶۴.

[۱۱۱۲] مجله رویدادها و چشم‌اندازهای فرانسه ۱۵ / ۳ / ۶۴ و خبرگزاری خلیج از ابوظبی ۷ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۱۱۳] هفته‌نامه اشپیگل ۱۸ / ۶ / ۶۴ و رادیو امریکا ۲۸ / ۳ / ۶۶.

[۱۱۱۴] صوت الجماهیر ۱ / ۹ / ۶۱.

[۱۱۱۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۲ / ۴ / ۶۴.

[۱۱۱۶] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۵ و ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۱۷] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۱۸] همان، ۲ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۱۹] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۲۰] رادیو امریکا ۲۷ / ۱ / ۶۶.

[۱۱۲۱] صوت الجماهیر ۲۴ / ۶ / ۶۵ و ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۱۲۲] همان، ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۲۳] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۵ و ۱۲ / ۱۱ / ۶۵ و ۲۲ / ۵ / ۶۶.

[۱۱۲۴] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۶،۱ / ۴ / ۶۶.

[۱۱۲۵] القبس ۱۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۱۲۶] بی.بی.سی ۲۸ / ۱۱ / ۶۲.

[۱۱۲۷] نشریه سیاست خارجی امریکا ۱۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۱۲۸] رادیو امریکا ۴ / ۸ / ۶۱.

[۱۱۲۹] رادیو امریکا ۳ / ۷ / ۶۴ و نشریه سیاست خارجی امریکا ۱۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۱۳۰] صوت الجماهیر ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۳۱] همان،۱۲ / ۵ / ۶۶.

[۱۱۳۲] صوت الجماهیر ۱۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۳۳] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۱۳۴] همان، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۱۳۵] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۳۶] همان، ۳ / ۱۲ / ۶۵ و ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۱۳۷] همان، ۱۱ / ۴ / ۶۶.

[۱۱۳۸] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۶.

[۱۱۳۹] همان، ۱۲ / ۶ / ۶۶.

[۱۱۴۰] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۶.

[۱۱۴۱] همان، ۲ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۴۲] صوت الجماهیر۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۴۳] صوت الجماهیر ۹ / ۲ / ۶۷.

[۱۱۴۴] همان، ۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۴۵] همان، ۸ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۴۶] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵ و ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۴۷] همان، ۲۳ / ۱ / ۶۶.

[۱۱۴۸] همان، ۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۴۹] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵ و ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۵۰] همان، ۱۴ / ۲ / ۶۵.

[۱۱۵۱] صوت الجماهیر، ۱۹ / ۲ / ۶۵.

[۱۱۵۲] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۶.

[۱۱۵۳] صوت الجماهیر.

[۱۱۵۴] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۱۱۵۵] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۵۶] همان، ۲ / ۶ / ۶۵.

[۱۱۵۷] همان، ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۱۵۸] صوت الجماهیر، ۲۵ / ۶ / ۶۵.

[۱۱۵۹] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۱۶۰] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۱۶۱] همان، ۱۱ / ۶ / ۶۶.

[۱۱۶۲] همان، ۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۱۶۳] صوت الجماهیر، ۳ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۱۶۴] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۱۶۵] همان، ۱۱ / ۶ / ۶۶.

[۱۱۶۶] همان، ۹ / ۱۱ / ۶۶ و بی.بی.سی ۱۱ / ۱۱ / ۶۱.

[۱۱۶۷] صوت الجماهیر ۲۷ / ۱ / ۶۲.

[۱۱۶۸] همان، ۲۹ / ۱ / ۶۲.

[۱۱۶۹] همان، ۱۷ / ۳ / ۶۲.

[۱۱۷۰] همان، ۲۷ / ۲ / ۶۴.

[۱۱۷۱] همان، ۲۹ / ۲ / ۶۴.

[۱۱۷۲] همان، ۱۸ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۱۷۳] صوت الجماهیر، ۳ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۱۷۴] همان، ۲۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۱۷۵] همان، ۷ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۱۷۶] رالف کینگ. نشریه ادلفی پیپر، بهار ۱۹۸۷، جنگ ایران و عراق، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی.

[۱۱۷۷] صوت الجماهیر ۹ / ۱۲ / ۶۴، صوت الجماهیر، نامه تاریخی صـدام به مردم ایران ۲۴ /۶ / ۶۵، صوت الجماهیر، نامه تاریخی صدام به مردم ایران ۴ / ۶ / ۶۵ و صوت الجماهیر، نامه سرگشاده به حکام ایران ۱۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۱۷۸] همان،۸ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۱۷۹] صوت الجماهیر، ۹ /۵ / ۶۳.

[۱۱۸۰] همان، ۲۲ / ۵ / ۶۶.

[۱۱۸۱] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۱۸۲] رویتر ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۸۳] خبرگزاری کویت از بغداد ۳ / ۱ / ۶۴.

[۱۱۸۴] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۲ / ۶۶.

[۱۱۸۵] همان، ۲۶ / ۳ / ۶۳ و ۱۹ / ۷ / ۶۵.

[۱۱۸۶] همان، ۱۹ / ۷ / ۶۵.

[۱۱۸۷] القبس ۷ / ۱۱ / ۶۵ و ۲۴ / ۲ / ۶۷.

[۱۱۸۸] رادیو آمریکا ۲۷ / ۵ / ۶۵ و رادیو اسرائیل ۳۰ / ۱ / ۶۵ و رادیو مسکو ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۱۸۹] رادیو دوبی ۴ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۱۹۰] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۹۱] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵ و ۱۰ / ۱ / ۶۶.

[۱۱۹۲] صوت الجماهیر، ۱ / ۴ / ۶۵ و ۱ / ۱ / ۶۶.

[۱۱۹۳] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۹۴] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵.

[۱۱۹۵] همان، ۱۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۱۹۶] واشنگتن تایمز ۱۴ / ۵ / ۶۲.

[۱۱۹۷] رادیو اسرائیل به نقل از هفته‌نامه مصری المصور ۱۵ / ۱ / ۶۴.

[۱۱۹۸] صوت الجماهیر، ۲۰ /۴ / ۶۵.

[۱۱۹۹] همان، ۱۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۲۰۰] صوت الجماهیر، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۰۱] صوت الجماهیر، ۲۷ / ۸ / ۶۴ و خبرگزاری فرانسه از پاریس ۲۸ / ۸ / ۶۴.

[۱۲۰۲] رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۲۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از طرابلس ۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۰۴] رادیو امریکا ۳۰ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۰۵] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه (به نقل از رادیو باکو)، ص ۸۷.

[۱۲۰۶] رادیو اسرائیل ۱۴ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۲۰۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۷ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۲۰۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۰۹] رادیو اسرائیل ۲۴ / ۳ / ۶۵ و ۱۲ / ۴ / ۶۵.

[۱۲۱۰] صوت الجماهیر، ۸ / ۴ / ۶۵.

[۱۲۱۱] همان، ۲ / ۲ / ۶۵.

[۱۲۱۲] همان، ۲ / ۴ / ۶۵.

[۱۲۱۳] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۱۴] صوت الجماهیر، ۷ / ۶ / ۶۶.

[۱۲۱۵] خبرگزاری عراق، بغداد ۸ / ۷ / ۶۵.

[۱۲۱۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲ / ۳ / ۶۴.

[۱۲۱۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۳ / ۱ / ۶۷.

[۱۲۱۸] رادیو منافقین، بغداد ۱۳ / ۱۲ / ۶۶ و القبس ۳ / ۹ / ۶۶.

[۱۲۱۹] رادیو امریکا ۲۴ / ۱ / ۶۳.

[۱۲۲۰] صوت الجماهیر، ۲۴ / ۷ / ۶۵.

[۱۲۲۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۷ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۲۲] رادیو صدای آزاد ۱۹ / ۷ / ۶۲.

[۱۲۲۳] همان، ۲۷ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۲۲۴] رادیو اسرائیل، مصاحبه با سفیر پیشین اسرائیل در ایران ۱۳ / ۵ / ۶۷.

[۱۲۲۵] رادیو امریکا، مصاحبه با یکی از اساتید دانشگاه تل‌آویو ۱۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۲۲۶] رادیو اسرائیل ۱۳ / ۵ / ۶۷.

[۱۲۲۷] همان، ۱۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۲۸] الف هلر، مفاهیم برای طرف‌های ثالث، دانشگاه تل‌آویو، ژانویه ۱۹۸۴. روزنامه عربستانی گازوت ۸ / ۲ / ۶۲.

[۱۲۲۹] رادیو اسرائیل به نقل از روزنامه اخبار الیوم قاهره ۳۱ / ۱ / ۶۵.

[۱۲۳۰] رادیو اسرائیل ۸ / ۱ / ۶۴.

[۱۲۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲۲ / ۸ / ۶۵.

[۱۲۳۲] الرأی العام ۲۱ / ۶ / ۶۶.

[۱۲۳۳] همان، ۳۱ / ۱ / ۶۵.

[۱۲۳۴] همان، ۸ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۳۵] همان، ۸ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۳۶] خبرگزاری کویت ۲۴ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۲۳۷] الرأی العام ۱۲ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۳۸] صوت الجماهیر، ۹ / ۴ / ۶۷.

[۱۲۳۹] الرأی العام ۱۲ / ۸ / ۶۶ و الابناء ۲۴ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۴۰] رادیو امان ۲۸ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۴۱] رادیو اسرائیل ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۴۲] الرأی العام ۶ / ۹ / ۶۵.

[۱۲۴۳] آبزرور ۱۳ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۲۴۴] روزنامه مانیچی ۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۴۵] لوموند ۷ / ۲ / ۶۲.

[۱۲۴۶] واشنگتن پست ۲۴ / ۲ / ۶۳.

[۱۲۴۷] رادیو امریکا ۲۶ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۴۸] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۲۴۹] خبرگزاری تانیوگ از بغداد ۱۶ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۵۰] یونایتدپرس از لندن ۱۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۵۱] بخش فارسی تلویزیون عراق ۲۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۵۲] همان، ۵ / ۳ / ۶۶.

[۱۲۵۳] ژون افریک ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۵۴] بی.بی.سی ۱۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۲۵۵] الابناء ۳۰ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۵۶] الرأی العام ۵ / ۱ / ۶۶.

[۱۲۵۷] الانباء ۱۳ / ۴ / ۶۷.

[۱۲۵۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲۵/ ۳ / ۶۶.

[۱۲۵۹] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶ / ۴ / ۶۳.

[۱۲۶۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۴ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۶۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس ۱۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۲۶۲] صوت الجماهیر ۲ / ۴ / ۶۵ و ۱۷ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۲۶۳] همان، ۱۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۲۶۴] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۲۶۵] همان، ۳ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۲۶۶] همان، ۲۰ / ۴ / ۶۵.

[۱۲۶۷] همان، ۲۱ / ۳ / ۶۶.

[۱۲۶۸] همان، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۶۹] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۲۷۰] همان، ۲۱ / ۵ / ۶۶ و ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۷۱] القبس ۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۲۷۲] رویتر از بغداد ۲۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۲۷۳] صوت الجماهیر ۹ / ۵ / ۶۶.

[۱۲۷۴] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۲۷۵] الثوره ۱۶/ ۱۱ / ۶۴.

[۱۲۷۶] صوت الجماهیر ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۷۷] همان، ۲۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۷۸] همان، ۲۹ / ۱ / ۶۶ و ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۲۷۹] همان، ۲ / ۴ / ۶۶.

[۱۲۸۰] صوت الجماهیر ۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۲۸۱] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۱۲۸۲] همان، ۱۴ / ۲ / ۶۵.

[۱۲۸۳] همان، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۸۴] صوت الجماهیر، ۲۰ / ۷ / ۶۶.

[۱۲۸۵] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۲۸۶] صوت الجماهیر ۵ / ۶ / ۶۲.

[۱۲۸۷] لیبراسیون ۲۵ / ۲ / ۶۳.

[۱۲۸۸] رویتر ۲۹ / ۲ / ۶۳.

[۱۲۸۹] رادیو اسرائیل ۳۰ / ۱ / ۶۵.

[۱۲۹۰] کوریره دلاسرا ۴ / ۵ / ۶۲.

[۱۲۹۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۲ / ۵ / ۶۲.

[۱۲۹۲] همان، ۳۰ / ۲ / ۶۳.

[۱۲۹۳] یونایتدپرس ۲۶ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۹۴] هرالدتریبیون ۱۴ / ۴ / ۶۳.

[۱۲۹۵] رادیو آلمان ۲۶ / ۴ / ۶۱.

[۱۲۹۶] واشنگتن پست ۴ / ۱ / ۶۳.

[۱۲۹۷] رادیو امریکا ۸ / ۲ / ۶۵، ۲۴ / ۱۲ / ۶۴ و شبکه ای‌بی.سی امریکا ۲۴ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۲۹۸] رادیو امریکا ۵ / ۳ / ۶۶.

[۱۲۹۹] ساندی تایمز ۳ / ۵ / ۶۱.

[۱۳۰۰] مجله تایم ۲۹ / ۴ / ۶۱.

[۱۳۰۱] ساندی تایمز ۳ / ۵ / ۶۱.

[۱۳۰۲] رادیو امریکا ۳ / ۹ / ۶۱ و واشنگتن پست ۴ / ۱ / ۶۳.

[۱۳۰۳] رادیو امریکا ۲۵ / ۴ / ۶۱.

[۱۳۰۴] گاردین ۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۳۰۵] ساندی تایمز ۳ /۵ / ۶۱.

[۱۳۰۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۳۰۷] الثوره ۳۰ / ۱ / ۶۴.

[۱۳۰۸] خبرگزاری تانیوگ از بغداد ۱۹ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۳۰۹] صوت الجماهیر ۳۰ / ۱۰ / ۶۵،۹ / ۱۲ / ۶۴ و ۹ / ۲ / ۶۷.

[۱۳۱۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه‌های کویت ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۳۱۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۵/ ۲ / ۶۳.

[۱۳۱۲] الرأی العام ۲۹ / ۲ / ۶۳.

[۱۳۱۳] القبس ۱۶ / ۲ / ۶۷.

[۱۳۱۴] مرات الامه، نشریه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳.

[۱۳۱۵] الرأی العام ۲۴ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۳۱۶] واشنگتن پست ۱۲ / ۱۰ / ۶۲.

[۱۳۱۷] بی.بی.سی ۵ / ۳ / ۶۳.

[۱۳۱۸] ابرار به نقل از اکونومیست ۲۴ / ۸ / ۶۶.

[۱۳۱۹] گاردین ۸ / ۱۰ / ۶۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی از توکیو ۲ / ۱۲ / ۶۲ و نیوزویک ۲۴ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۳۲۱] رادیو امریکا ۲۵/ ۵ / ۶۵.

[۱۳۲۲] صوت الجماهیر ۲۱ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۲۳] صوت الجماهیر، ۱۱ / ۶ / ۶۶.

[۱۳۲۴] همان، ۲۱ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۲۵] همان، ۱۰ / ۲ / ۶۵.

[۱۳۲۶] همان، ۲۱ / ۱۲ / ۶۵ و ۱۱ / ۱ / ۶۶.

[۱۳۲۷] صوت الجماهیر، ۲۱ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۲۸] همان، ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۳۲۹] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۳۰] همان، ۱۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۳۳۱] صوت الجماهیر ۱ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۳۳۲] همان، ۲۱ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۳۳] همان، ۱ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۳۳۴] صوت الجماهیر ۴ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۳۵] صوت الجماهیر، ۱۰ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۳۶] همان، ۲۰ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۳۷] همان، ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۳۸] همان،۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۳۳۹] همان، ۳ / ۴ / ۶۵ و ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۴۰] همان، ۲ / ۲ / ۶۶ و ۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۳۴۱] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴ و ۲۱ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۴۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۲۰ / ۱ / ۶۳.

[۱۳۴۳] همان، ۲۱ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۴۴] همان، ۱۵ / ۴ / ۶۶.

[۱۳۴۵] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۳۴۶] صوت الجماهیر ۲۱ / ۱۱ / ۶۴ و ۱۲ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۴۷] همان، ۲۷ / ۸ / ۶۴ و القادسیه ۱۴ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۳۴۸] صوت الجماهیر ۲۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۳۴۹] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۱۳۵۰] همان، ۵ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۳۵۱] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۶.

[۱۳۵۲] همان، ۱۷ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۵۳] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۳۵۴] صوت الجماهیر ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۵۵] همان، ۱۶ / ۱۱ / ۶۴ و ۳ / ۱۲ / ۶۵، ۲ / ۴ / ۶۵ و ۲ / ۳ / ۶۶.

[۱۳۵۶] همان، ۹ / ۵ / ۶۶، ۳ / ۱۲ / ۶۵ و ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۳۵۷] همان، ۱۶ / ۱۱ / ۶۴ و ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۳۵۸] همان، ۲۲ / ۲ / ۶۶ و ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۳۵۹] همان، ۸ / ۶ / ۶۶ و ۲۰ / ۷ / ۶۶.

[۱۳۶۰] همان، ۵ / ۶ / ۶۲.

[۱۳۶۱] لیبراسیون ۲۵/ ۲ / ۶۳.

[۱۳۶۲] صوت الجماهیر ۲۲ / ۱۱ / ۶۴ و ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۳۶۳] صوت الجماهیر ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۳۶۴] همان، ۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۳۶۵] لوماتن ۹ / ۵ / ۶۶.

[۱۳۶۶] صوت الجماهیر ۸ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۳۶۷] همان، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵، ۷ / ۹ / ۶۵ و ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۳۶۸] همان، ۱ / ۱ / ۶۶.

[۱۳۶۹] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۷۰] همان، ۲۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۷۱] همان، ۲ / ۱ / ۶۶.

[۱۳۷۲] همان، ۱۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۳۷۳] همان، ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۷۴] همان، ۲ / ۵ / ۶۲.

[۱۳۷۵] همان، ۲۰ / ۷ / ۶۶.

[۱۳۷۶] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۳۷۷] همان، ۱ / ۵ / ۶۲.

[۱۳۷۸] همان، ۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۳۷۹] همان، ۲۸ / ۷ / ۶۲.

[۱۳۸۰] همان، ۱۷ / ۱۰ / ۶۴ و ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۳۸۱] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۳۸۲] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۳۸۳] خبرگزاری آلمان غربی از بغداد ۱۴ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۳۸۴] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۸۵] رادیو امریکا ۱۷ / ۵ / ۶۱.

[۱۳۸۶] رویتر از بغداد ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۸۷] القبس ۲۱ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۸۸] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۸۹] رادیو امریکا ۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۹۰] رویتر از بغداد ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۹۱] یونایتدپرس از ابوظبی ۲۶ / ۷ / ۶۳.

[۱۳۹۲] خبرگزاری خلیج از سلیمانیه ۲۸ / ۷ / ۶۲.

[۱۳۹۳] رادیو امریکا ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۹۴] رادیو امریکا ۱۷ / ۵ / ۶۱ رویتر از بحرین ۱ / ۴ / ۶۳ و رادیو اسرائیل ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۳۹۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۳۹۶] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۲۸ / ۷ / ۶۲ و خبرگزاری خلیج از سلیمانیه ۲۸ / ۷ / ۶۲.

[۱۳۹۷] صوت الجماهیر ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۳۹۸] همان، ۶ / ۵ / ۶۲ و ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۳۹۹] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۴۰۰] همان، ۶ / ۵ / ۶۲.

[۱۴۰۱] همان، ۱ / ۳ / ۶۷.

[۱۴۰۲] همان، ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۰۳] همان، ۱۲ / ۵ / ۶۲.

[۱۴۰۴] همان، ۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۰۵] همان، ۱ / ۳ / ۶۷.

[۱۴۰۶] همان، ۶ / ۵ / ۶۲.

[۱۴۰۷] صوت الجماهیر ۲۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۰۸] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۴۰۹] همان، ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۱۰] همان، ۳ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۱۱] همان، ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۴۱۲] رادیو امریکا ۲۵ / ۶ / ۶۵.

[۱۴۱۳] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۴۱۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از فرمانداری دشت آزادگان ۷ / ۱ / ۶۵.

[۱۴۱۵] صوت الجماهیر ۳ / ۶ / ۶۵.

[۱۴۱۶] همان، ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۱۴۱۷] همان، ۳۰ / ۱۲ / ۶۴ و الرأی العام ۷ / ۲ / ۶۵.

[۱۴۱۸] آبزرور ۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۱۹] یونایتدپرس از بغداد ۹ / ۱۲ / ۶۴ و رادیو امریکا ۲۱ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۲۰] صوت الجماهیر ۱۰ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۲۱] صوت الجماهیر، مصاحبه با حمید شعبان ۳۰ / ۱۱ / ۶۴ و صوت الجماهیر، مصاحبه با ماهر عبدالرشید ۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۲۲] القادسیه ۱ / ۱ / ۶۶ و صوت الجماهیر ۲۶ / ۴ / ۶۶.

[۱۴۲۳] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۴۲۴] همان، ۳ / ۴ / ۶۵ و خبرگزاری فرانسه از بغداد ۲۳ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۲۵] بی.بی.سی ۲۸ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۴۲۶] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۵ / ۶۵.

[۱۴۲۷] بی.بی.سی ۹ / ۱ / ۶۳.

[۱۴۲۸] همان، ۱۱ /۵ / ۶۳.

[۱۴۲۹] الشرق الاوسط چاپ لندن ۳ / ۲ / ۶۴.

[۱۴۳۰] بی.بی.سی ۲۷ / ۱۲ / ۶۲ و رادیو اسرائیل ۱۹ / ۲ / ۶۳.

[۱۴۳۱] الثوره ۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۴۳۲] صوت الجماهیر ۲۵ / ۶ / ۶۵.

[۱۴۳۳] خبرگزاری عراق ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۳۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بلگراد ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۳۵] صوت الجماهیر ۲۷ / ۲ / ۶۶.

[۱۴۳۶] رویتر از بغداد ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۳۷] صوت الجماهیر ۵ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۳۸] آسوشیتدپرس از بصره ۳۰ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۳۹] واشنگتن پست ۲۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۴۰] روزنامه ایل مساحر، نیکوزیا ۲۱ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۴۱] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۱۹ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۴۲] صوت الجماهیر ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۴۳] رویتر از بغداد ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۴۴] بی.بی.سی ۲۳ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۴۵] الرأی العام ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۴۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۴۷] السیاسه ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۴۸] یونایتدپرس از بغداد ۱ / ۱ / ۶۳.

[۱۴۴۹] تلویزیون فرانسه ۹ / ۱ / ۶۳ و رادیو امریکا ۲۴ / ۱ / ۶۳.

[۱۴۵۰] صوت الجماهیر ۱۳ / ۵ / ۶۲.

[۱۴۵۱] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۵۲] رویتر از بغداد ۱ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۵۳] الانباء ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۵۴] خبرگزاری فرانسه از تهران ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۵۵] یونایتدپرس ۲۷ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۳۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۵۶] رویتر از بغداد ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۵۷] رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۵۸] رادیو امریکا ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۵۹] رادیو امریکا، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۶۰] بی.بی.سی ۲۳ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۶۱] صوت الجماهیر ۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۶۲] دی ولت ۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۶۳] بخش فارسی رادیو بغداد ۸ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۶۴] یونایتدپرس از بغداد ۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۶۵] خبرگزاری خلیج از بغداد ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۶۶] صوت الجماهیر ۲۹ / ۲ / ۶۷.

[۱۴۶۷] صوت الجماهیر ۲۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۴۶۸] همان، ۲۲/ ۵ / ۶۶.

[۱۴۶۹] همان، ۲۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۴۷۰] همان، ۲۰ / ۵ / ۶۱.

[۱۴۷۱] صوت الجماهیر ۱۸ / ۴ / ۶۲.

[۱۴۷۲] صوت الجماهیر ۳۰ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۴۷۳] همان، ۲۲ / ۵ / ۶۶، ۳ / ۱۱ / ۶۴ و ۱۲ / ۶ / ۶۶.

[۱۴۷۴] رویتر از بغداد ۱۵ / ۵ / ۶۲.

[۱۴۷۵] خبرگزاری خلیج از بغداد ۸ / ۶ / ۶۲.

[۱۴۷۶] واشنگتن پست ۲۱ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۷۷] خبرگزاری آلمان غربی از بغداد ۲۲ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۷۸] صوت الجماهیر ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۴۷۹] رویتر از بغداد ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۸۰] همان، ۱۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۸۱] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۱ / ۱ / ۶۶.

[۱۴۸۲] آسوشیتدپرس از بغداد ۱۵ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۸۳] صوت الجماهیر ۳۱ / ۲ / ۶۵.

[۱۴۸۴] نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۲ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۸۵] رادیو اسرائیل ۳ / ۱ / ۶۵ و رویتر از بغداد ۴ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۴۸۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۴۸۷] یونایتدپرس از واشنگتن ۱۱ / ۱۲ / ۶۴، واشنگتن پست ۱۲ / ۱۲ / ۶۴ و رادیو مونت کارلو ۱۵ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۴۸۸] صوت الجماهیر ۲۱ / ۳ / ۶۶ و ۶ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۴۸۹] فرانکفورترروندشاو ۱ / ۱۱ / ۶۵ و رادیو امریکا ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۴۹۰] یونایتدپرس از بغداد ۳ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۴۹۱] صوت الجماهیر ۱۵ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۴۹۲] صوت الجماهیر ۲ / ۲ / ۶۲.

[۱۴۹۳] همان، ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۴۹۴] همان، ۱۱/ ۵ / ۶۵.

[۱۴۹۵] رویتر از بغداد ۷ / ۳ / ۶۳.

[۱۴۹۶] صوت الجماهیر ۵ /۱۱ / ۶۵ و ۱۳ / ۷ / ۶۶.

[۱۴۹۷] همان، ۱۰ / ۱۲ / ۶۱.

[۱۴۹۸] همان، ۲۰/ ۱۱ / ۶۴.

[۱۴۹۹] همان، ۲۱ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۵۰۰] صوت الجماهیر ۱۹ / ۲ / ۶۵.

[۱۵۰۱] همان، ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۰۲] همان، ۹ / ۶ / ۶۲ و المستقبل ۲۸ / ۱ / ۶۳.

[۱۵۰۳] همان، ۲ / ۱ / ۶۶.

[۱۵۰۴] یونایتدپرس از بغداد ۳ / ۱۲ / ۶۲ و رویتر از بغداد ۳ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۵۰۵] صوت الجماهیر ۹ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۵۰۶] همان، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۰۷] خبرگزاری کویت از بغداد ۱۹ / ۱۱ / ۶۳.

[۱۵۰۸] صوت الجماهیر ۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۵۰۹] همان، ۲۵ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۵۱۰] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۱۱] صوت الجماهیر ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۱۲] همان، ۲ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۱۳] صوت الجماهیر ۳ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۵۱۴] رادیو امریکا ۳۰ / ۱ / ۶۲.

[۱۵۱۵] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۵۱۶] همان.

[۱۵۱۷] همان، ۱۷ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۵۱۸] همان، ۳ / ۶ / ۶۵.

[۱۵۱۹] رادیو دوبی ۱۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۵۲۰] خبرگزاری آلمان غربی از بغداد ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۵۲۱] صوت الجماهیر ۸ / ۵ / ۶۳.

[۱۵۲۲] همان، ۴ / ۲ / ۶۷.

[۱۵۲۳] همان، ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۵۲۴] همان، ۸ / ۵ / ۶۳.

[۱۵۲۵] صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۵۲۶] همان، ۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۵۲۷] همان، ۶ / ۴ / ۶۵ و ۲۵ / ۶ / ۶۵.

[۱۵۲۸] صوت الجماهیر، ۳۱ / ۶ / ۶۵ و ۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۵۲۹] همان، ۱ / ۲ / ۶۷.

[۱۵۳۰] همان، ۲۰ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۳۱] صوت الجماهیر ۲۵/ ۶ / ۶۵.

[۱۵۳۲] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۵۳۳] صوت الجماهیر ۲۵ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۳۴] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۵ و ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۳۵] همان، ۳ / ۱۲ / ۶۵ و ۲۶ / ۴ / ۶۶ و ۱۴ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۵۳۶] صوت الجماهیر، ۱۶ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۵۳۷] همان، ۳ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۳۸] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۳۹] همان، ۱۷ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۵۴۰] صوت الجماهیر ۱ / ۷ / ۶۵.

[۱۵۴۱] همان، ۲۶ / ۳ / ۶۶.

[۱۵۴۲] همان، ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۵۴۳] همان، ۱۷ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۵۴۴] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۵ / ۱۱ / ۶۵ و صوت الجماهیر ۲۷ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۴۶] صوت الجماهیر ۱ / ۱۱ / ۶۵ و ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۴۷] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۱ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۵۴۸] صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۵۴۹] صوت الجماهیر ۲۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۵۵۰] همان، ۲۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۵۵۱] همان، ۲ / ۸ / ۶۶.

[۱۵۵۲] همان، ۲ / ۳ / ۶۶.

[۱۵۵۳] صوت الجماهیر ۱۷ / ۱۰ / ۶۴.

[۱۵۵۴] همان، ۲۶ / ۴ / ۶۵، ۱۵ / ۱۰ / ۶۴ و ۷ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۵۵] همان، ۷ / ۱۰ / ۶۵ و ۱۵ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۵۶] همان، ۷ / ۱۱ / ۶۴ و ۱۵ / ۲ / ۶۵.

[۱۵۵۷] صوت الجماهیر ۱۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۵۵۸] صوت الجماهیر ۲ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۵۹] همان، ۱۵ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۶۰] همان، ۲۰ / ۴ / ۶۵.

[۱۵۶۱] همان، ۲۹ / ۱ / ۶۶، ۲۲ / ۱۱ / ۶۴ و ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۶۲] همان، ۱۰ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۵۶۳] همان، ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۶۴] همان، ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۶۵] همان، ۱۴ / ۲ / ۶۵.

[۱۵۶۶] صوت الجماهیر ۹ / ۶ / ۶۵.

[۱۵۶۷] همان، ۲۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۵۶۸] همان، ۲۰ / ۳ / ۶۶.

[۱۵۶۹] همان، ۲۸ / ۱ / ۶۶.

[۱۵۷۰] همان، ۱۳ / ۲ / ۶۵ و ۱ / ۶ / ۶۵.

[۱۵۷۱] صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۵۷۲] همان، ۱ / ۱ / ۶۶.

[۱۵۷۳] همان، ۸ / ۶ / ۶۶.

[۱۵۷۴] صوت الجماهیر ۲۲ / ۵ / ۶۶.

[۱۵۷۵] خبرگزاری عراق ۲۴ / ۶ / ۶۴.

[۱۵۷۶] گاردین ۱۳ / ۷ / ۶۱.

[۱۵۷۷] تایم ۶ / ۵ / ۶۱.

[۱۵۷۸] رویتر از بغداد ۱۰ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۷۹] گاردین ۱۳ / ۷ / ۶۱.

[۱۵۸۰] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۸۱] صوت الجماهیر ۷ / ۲ / ۶۶.

[۱۵۸۲] همان، ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۸۳] صوت الجماهیر ۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۵۸۴] واشنگتن تایمز ۳ / ۶ / ۶۱.

[۱۵۸۵] الثوره ۲۲ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۵۸۶] نشریه امریکایی سیاست جهان ۱۹ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۵۸۷] السیاسه ۸ / ۸ / ۶۳.

[۱۵۸۸] همان، ۸ / ۸ / ۶۳.

[۱۵۸۹] واشنگتن پست ۱۴ / ۵ / ۶۳.

[۱۵۹۰] ژون افریک ۲ / ۷ / ۶۵.

[۱۵۹۱] واشنگتن پست ۱۴ / ۵ / ۶۳ و رادیو امریکا ۴ / ۷ / ۶۶.

[۱۵۹۲] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر، بهار ۱۹۸۷ جنگ ایران و عراق، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴.

[۱۵۹۳] رادیو امریکا ۲۴ / ۱ / ۶۶.

[۱۵۹۴] همان، ۱۷ / ۵ / ۶۱ و تایمز لندن ۲۴ / ۸ / ۶۱.

[۱۵۹۵] اکونومیست ۳۰ / ۷ / ۶۳.

[۱۵۹۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۵۹۷] واشنگتن پست ۱۴ / ۵ / ۶۳.

[۱۵۹۸] رادیو امریکا ۲ / ۸ / ۶۱.

[۱۵۹۹] رادیو آلمان ۱۷ / ۷ / ۶۱ و تایم ۱۱ / ۵ / ۶۲.

[۱۶۰۰] لیبراسیون ۳۰ / ۱ / ۶۲ و دیلی تلگراف ۳ / ۵ / ۶۲.

[۱۶۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۹ / ۵ / ۶۱ و نیوزویک ۱ / ۷ / ۶۴.

[۱۶۰۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۰ / ۶ / ۶۱.

[۱۶۰۳] خبرگزاری تاس از مسکو ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۰۴] گاردین ۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۶۰۵] بخش عربی بی.بی.سی ۲۲ / ۱۲ / ۶۳، تایمز ۱ / ۷ / ۶۳، رادیو امریکا ۳۰ / ۹ / ۶۳، همان، ۱۲ / ۲ / ۶۴، خبرگزاری فرانسه از پاریس ۲۴ / ۶ / ۶۵ و رادیو مسکو ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۰۶] رادیو امریکا ۲۵ / ۵ / ۶۵.

[۱۶۰۷] خبرگزاری فرانسه از تهران ۳۰ / ۹ / ۶۳.

[۱۶۰۸] رادیو اسرائیل ۷ / ۱۲ / ۶۶.

[۱۶۰۹] یونایتدپرس از واشنگتن ۲۶ / ۲ / ۶۳ و نیوزویک ۱ / ۷ / ۶۴.

[۱۶۱۰] خبرگزاری آلمان غربی از منامه ۲۴ / ۱۲ / ۶۲ و خبرگزاری هند از ابوظبی ۳ / ۷ / ۶۳.

[۱۶۱۱] اکونومیست ۵ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۱۲] مجله تایم چاپ هلند ۷ / ۴ / ۶۵.

[۱۶۱۳] واشنگتن تایمز ۲۴ / ۱ / ۶۵.

[۱۶۱۴] اکونومیست ۴ / ۱۱ / ۶۵ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۴ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۱۵] صوت الجماهیر ۲۷ / ۸ / ۶۴.

[۱۶۱۶] صوت الجماهیر، ۲۱ / ۶ / ۶۲ و ۱۲ / ۹ / ۶۴.

[۱۶۱۷] همان، ۱۴ / ۱۰ / ۶۱ و خبرگزاری آلمان از بغداد ۸ / ۴ / ۶۵.

[۱۶۱۸] خبرگزاری عراق از بغداد ۱۹ / ۹ / ۶۳.

[۱۶۱۹] خبرگزاری فرانسه از بغداد ۳ / ۴ / ۶۵ و خبرگزاری عراق از بغداد ۸ / ۹ / ۶۶.

[۱۶۲۰] همان، ۲۱ / ۳ / ۶۶.

[۱۶۲۱] خبرگزاری عراق از بغداد ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۶۲۲] همان، ۳۰ / ۴ / ۶۷.

[۱۶۲۳] رادیو امریکا ۲۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۲۴] نیویورک تایمز ۳ / ۷ / ۶۴ و هرالدتریبیون ۲۷ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۶۲۵] کریسچین ساینس مانیتور ۲۵/ ۱ / ۶۷.

[۱۶۲۶] بخش انگلیسی رادیو امریکا ۲۰ / ۳ / ۶۶.

[۱۶۲۷] هرالدتریبیون ۱ / ۶ / ۶۲.

[۱۶۲۸] خبرگزاری فرانسه از رم ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۲۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از طرابلس ۷ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۳۰] خبرگزاری فرانسه از بیروت ۲۶ / ۴ / ۶۱.

[۱۶۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۷ / ۸ / ۶۱.

[۱۶۳۲] واشنگتن پست ۳۱ / ۲ / ۶۳.

[۱۶۳۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۳۴] رادیو امریکا ۸ / ۵ / ۶۳.

[۱۶۳۵] اکونومیست ۴ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۶۳۶] رادیو امریکا ۲۱ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۶۳۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۴ / ۸ / ۶۵.

[۱۶۳۸] الوطن ۱۰ / ۱۲ / ۶۱.

[۱۶۳۹] صوت الجماهیر ۲۷ / ۷ / ۵۹ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۱۴ / ۸ / ۶۱.

[۱۶۴۰] رادیو امریکا ۲ / ۹ / ۶۱.

[۱۶۴۱] همان، ۲۸ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۶۴۲] همان، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۶۴۳] همان، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۶۴۴] الدستور ۲۸ / ۱۱ / ۶۱.

[۱۶۴۵] رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۶۴۶] الوطن ۱۰ / ۱۲ / ۶۱.

[۱۶۴۷] کیهان ۱۸ / ۳ / ۶۴.

[۱۶۴۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۳ / ۲ / ۶۳ و دفتر نمایندگی کیهان در دمشق ۱۲ / ۲ / ۶۴.

[۱۶۴۹] آسوشیتدپرس از نیکوزیا ۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۶۵۰] رادیو امریکا ۹ / ۷ / ۶۵.

[۱۶۵۱] الکفاح العربی لبنان ۲۳ / ۲ / ۶۳.

[۱۶۵۲] یونایتدپرس به نقل از سی.بی.ان امریکا ۲۱ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۵۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بوشهر ۱۵ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۶۵۴] دی ولت ۸ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۶۵۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳ / ۹ / ۶۱.

[۱۶۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۱۴ / ۸ / ۶۱.

[۱۶۵۷] کیهان ۷ / ۴ / ۶۳.

[۱۶۵۸] رادیو صدای آزاد ایران ۲۸ / ۹ / ۶۳.

[۱۶۵۹] آسوشیتدپرس از بغداد ۱۸ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۶۰] رادیو امریکا ۲۲ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۶۱] بی.بی.سی ۳ / ۵ / ۶۴.

[۱۶۶۲] رویتر از استکهلم ۲۴ / ۹ / ۶۶.

[۱۶۶۳] خبرگزاری کیودو ۱۸ / ۸ / ۶۶.

[۱۶۶۴] ژون افریک ۲۶ / ۸ / ۶۶.

[۱۶۶۵] رادیو امریکا ۱۲ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۶۶] خبرگزاری عراق از بغداد ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۶۷] بی.بی.سی ۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۶۸] نیویورک تایمز ۷ / ۱ / ۶۷.

[۱۶۶۹] رادیو اسرائیل ۱۹ / ۱۲ / ۶۶.

[۱۶۷۰] فرانکفورتر آلگینه ۶ / ۵ / ۶۷.

[۱۶۷۱] کریسچین ساینس مانیتور ۱۶ / ۱ / ۶۴.

[۱۶۷۲] کیهان ۷ / ۴ / ۶۳.

[۱۶۷۳] دیلی اکسپرس ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۷۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۸ / ۱ / ۶۷.

[۱۶۷۵] فرانکفورتر آلگینه ۶ / ۵ / ۶۷.

[۱۶۷۶] روزنامه گونش ترکیه ۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۶۷۷] جینز دیفنس ۷ / ۷ / ۶۶.

[۱۶۷۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۶ / ۱ / ۶۷.

[۱۶۷۹] روزنامه گونش ۵ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۶۸۰] حریت ۸ / ۱ / ۶۳، خبرگزاری فرانسه از پاریس ۲۷ / ۸ / ۶۴ و صوت الجماهیر ۱۳ / ۴ / ۶۶.

[۱۶۸۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۲ / ۲ / ۶۳.

[۱۶۸۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۵ / ۹ / ۶۳.

[۱۶۸۳] فایننشال تایمز ۲۲ / ۲ / ۶۳، رادیو امریکا ۳۰ / ۱۰ / ۶۵، واشنگتن پست ۳۱ / ۱ / ۶۷ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۸۴] رادیو امریکا ۲۶ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۶۸۵] صوت الجماهیر ۱۶ / ۱۰ / ۶۵، ۲۷ / ۴ / ۶۵ و ۱۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۶۸۶] فیگارو ۵ / ۱۱ / ۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی از باختران ۱۹ / ۱ / ۶۵، صوت الجماهیر ۷ / ۱۰ / ۶۶ و ۱۴ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۶۸۷] روزنامه اطلاعات ۲۹ / ۱۱ / ۶۷.

[۱۶۸۸] واشنگتن پست ۱۲ / ۱۰ / ۶۲.

[۱۶۸۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۴ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۶۹۰] آسوشیتدپرس از بیت‌المقدس ۸ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۹۱] ساندی تلگراف ۳۰ / ۲ / ۶۳، رادیو امان ۳۱ / ۲ / ۶۳، هرالدتریبیون ۱۰ / ۳ / ۶۳ و رادیو امریکا ۵ / ۳ / ۶۵.

[۱۶۹۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کاراکاس ۳ / ۳ / ۶۳.

[۱۶۹۳] اکونومیست ۱۴ / ۱۲ / ۶۶.

[۱۶۹۴] تایمز مالی ۲۲ / ۴ / ۶۶.

[۱۶۹۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۴ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۹۶] وال استریت ژورنال به نقل از گزارش سنای امریکا ۶ / ۶ / ۶۳.

[۱۶۹۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۸ / ۶ / ۶۲.

[۱۶۹۸] لوماتن ۱۲ / ۱۰ / ۶۳ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از ابوظبی ۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۶۹۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۸ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۷۰۰] ایران تایمز ۲۵ / ۹ / ۶۲.

[۱۷۰۱] رادیو امریکا ۱۵ / ۳ / ۶۶.

[۱۷۰۲] بررسی مطبوعات جهان ۱ / ۱۲ / ۶۵.

[۱۷۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۹ / ۱۱ / ۶۵، بی.بی.سی ۱۰ / ۱۱ / ۶۵. و خبرگزاری جمهوری اسلامی از آنکارا ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۷۰۴] هرالدتریبیون ۳ / ۵ / ۶۲.

[۱۷۰۵] بخش فارسی رادیو بغداد ۱ / ۹ / ۶۲.

[۱۷۰۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۹ / ۳ / ۶۳.

[۱۷۰۷] رادیو امریکا ۲۵ / ۵ / ۶۵.

[۱۷۰۸] آبزرور ۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۷۰۹] رویتر از بحرین ۱۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۷۱۰] بی.بی.سی ۳ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۱۱] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از خرمشهر تا فاو، نشر رجا، ۱۳۶۷، ص ۳۴.

[۱۷۱۲] همان، ص ۱۰۶.

[۱۷۱۳] همان، ص ۱۰۶.

[۱۷۱۴] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، جنگ در سال ۶۵، نشر رجا، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱.

[۱۷۱۵] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، جنگ در سال ۶۵، نشر رجا، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱ و ص ۶۳.

[۱۷۱۶] همان، ص ۲۲۲.

[۱۷۱۷] همان، ص ۷۰.

[۱۷۱۸] همان، ص ۶۲.

[۱۷۱۹] همان، ص ۲۳۶.

[۱۷۲۰] تایمز ۲۳ / ۱۲ / ۶۶.

[۱۷۲۱] بخش فارسی رادیو بغداد ۱۴ / ۱۱ / ۶۶ و رادیو امریکا ۳ / ۱۰ / ۶۶.

[۱۷۲۲] رویتر از تهران ۲۳ / ۴ / ۶۷.

[۱۷۲۳] رادیو صدای آزاد ایران ۲۹ / ۶ / ۶۱، رادیو امان ۲۹ / ۴ / ۶۲، رادیو کلن ۲۱ / ۱۰ / ۶۵ و رویتر از تهران ۲۳ / ۴ / ۶۷.

[۱۷۲۴] افریقای جوان ۲۳ / ۱۰ / ۶۲ و هرالدتریبیون ۶ / ۱ / ۶۳.

[۱۷۲۵] دی ولت ۲۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۷۲۶] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خرمشهر تا فاو، ص ۶۷.

[۱۷۲۷] خبرگزاری فرانسه از واشنگتن ۸ / ۲ / ۶۶.

[۱۷۲۸] السیاسه ۳۱ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۲۹] المجله ۶ / ۱۲ / ۶۲ و رادیو امریکا ۱۰ / ۶ / ۶۶.

[۱۷۳۰] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، جنگ در سال ۶۵، ص ۶۰.

[۱۷۳۱] رادیو امریکا ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۷۳۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶ / ۶ / ۶۳.

[۱۷۳۳] یونایتدپرس از لندن ۱۰ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۷۳۴] رادیو امریکا ۱۰ / ۶ / ۶۶ و رادیو اسرائیل ۱۱ / ۷ / ۶۶.

[۱۷۳۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۰ / ۵ / ۶۱، لوماتن ۷ / ۱ / ۶۴ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۲ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۷۳۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن ۲۷ / ۳ / ۶۶ و ال‌پائیس ۳۱ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۳۷] تایمز مالی ۱۷ / ۷ / ۶۶ و نیویورک تایمز ۳۱ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۳۸] واشنگتن پست به نقل از خط توطئه، ص ۸.

[۱۷۳۹] رادیو کلن به نقل از وزیر امور خارجه ایران ۲۵/ ۴ / ۶۱.

[۱۷۴۰] بی.بی.سی ۱۱ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۷۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۷ / ۹ / ۶۴.

[۱۷۴۲] تایمز مالی ۶ / ۷ / ۶۶.

[۱۷۴۳] ساوت ۴ / ۲ / ۶۴.

[۱۷۴۴] رادیو اسرائیل ۲۳ / ۹ / ۶۶.

[۱۷۴۵] خبرگزاری فرانسه از پاریس ۲۶ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۷۴۶] نیویورک تایمز ۲۳ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۴۷] بی.بی.سی ۶ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۴۸] همان، ۲۱ / ۳ / ۶۷.

[۱۷۴۹] روزنامه جمهوری اسلامی ۲۹ / ۴ / ۶۶.

[۱۷۵۰] رادیو امریکا ۱۱ / ۵ / ۶۷.

[۱۷۵۱] رادیو اسرائیل ۷ / ۳ / ۶۳.

[۱۷۵۲] رادیو صدای آزاد ایران ۱ / ۷ / ۶۱ و رادیو امریکا ۱۵ / ۷ / ۶۱.

[۱۷۵۳] ساندی تایمز ۳ / ۵ / ۶۱.

[۱۷۵۴] همان.

[۱۷۵۵] رادیو صدای آزاد ایران ۱ / ۷ / ۶۱.

[۱۷۵۶] رادیو اسرائیل ۷ / ۶ / ۶۳ و لوموند ۱۷ / ۳ / ۶۳.

[۱۷۵۷] رادیو اسرائیل ۱۹ / ۱ / ۶۴.

[۱۷۵۸] واشنگتن تایمز ۲۱ / ۸ / ۶۶.

[۱۷۵۹] لوموند ۲۸ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۶۰] اکونومیست ۲ / ۳ / ۶۴ و فایننشال تایمز ۲۵ / ۳ / ۶۴.

[۱۷۶۱] لیبراسیون ۵ / ۹ / ۶۳.

[۱۷۶۲] بی.بی.سی ۵ / ۷ / ۶۶.

[۱۷۶۳] رادیو امریکا ۳۱ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۶۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۵ / ۱۲ / ۶۳.

[۱۷۶۵] آبزرور ۱۴ / ۲ / ۶۶.

[۱۷۶۶] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر، ص ۲۹.

[۱۷۶۷] رادیو امریکا ۲۴ / ۱ / ۶۵.

[۱۷۶۸] ایندیپندنت ۱۲ / ۵ / ۶۶.

[۱۷۶۹] نیوزویک ۱۲ / ۱۱ / ۶۶.

[۱۷۷۰] بی.بی.سی ۹ / ۱۰ / ۶۲.

[۱۷۷۱] همان، ۱۰ / ۶ / ۶۵.

[۱۷۷۲] رادیو اسرائیل ۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۷۳] واشنگتن پست ۵ / ۸ / ۶۵.

[۱۷۷۴] رادیو امریکا ۷ / ۹ / ۶۶.

[۱۷۷۵] یونایتدپرس از تهران ۱۴ / ۶ / ۶۶.

[۱۷۷۶] رادیو امریکا ۲۷ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۷۷] روزنامه اطلاعات به نقل از آساهی ۲۱ / ۱۲ / ۶۴، صوت الجماهیر ۳ / ۴ / ۶۵ و ۲۶ / ۴ / ۶۵.

[۱۷۷۸] بی.بی.سی ۱۷ / ۱۲ / ۶۴.

[۱۷۷۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۸ / ۵ / ۶۲.

[۱۷۸۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۹ / ۳ / ۶۳ و ۱۴ / ۵ / ۶۳، الثوره ۲ / ۲ / ۶۷، خبرگزاری عراق از بغداد ۷ / ۲ / ۶۷ و بی.بی.سی ۲۲ / ۴ / ۶۷.

[۱۷۸۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۴ / ۱۲ / ۶۴ و یونایتدپرس از تهران ۱۴ / ۶ / ۶۶.

[۱۷۸۲] بخش فارسی رادیو عراق ۲۷ / ۲ / ۶۶.

[۱۷۸۳] رادیو اسرائیل ۲۵ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۷۸۴] رادیو امریکا ۲۸ / ۴ / ۶۶.

[۱۷۸۵] همان.

[۱۷۸۶] رادیو اسرائیل ۲۶ / ۷ / ۶۵.

[۱۷۸۷] خبرگزاری فرانسه ۲۹ / ۱۱ / ۶۴.

[۱۷۸۸] تایمز لندن ۱۲ / ۵ / ۶۱ و بخش عربی رادیو امان ۱۰ / ۵ / ۶۲.

[۱۷۸۹] الجمهوریه ۶ / ۴ / ۶۲ و رویتر از بحرین ۱ / ۴ / ۶۳.

[۱۷۹۰] رادیو اسرائیل ۹ / ۴ / ۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۲۰ / ۱۰ / ۶۵ و صوت الجماهیر ۱۱ / ۵ / ۶۵.

[۱۷۹۱] الجمهوریه ۴ / ۸ / ۶۱، دیلی تلگراف ۶ / ۷ / ۶۱، هرالدتریبیون ۸ / ۶ / ۶۳ و رویتر از تهران ۲۵ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۷۹۲] رادیو اسرائیل ۱۹ / ۱ / ۶۴، واشنگتن تایمز ۲۱ / ۸ / ۶۶ و لوموند ۲۸ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۹۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۹ / ۱ / ۶۷ و اینترناشنال هرالدتریبیون ۱۱ / ۱ / ۶۷.

[۱۷۹۴] الجمهوریه ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۹۵] رادیو اسرائیل ۲۶ / ۷ / ۶۵.

[۱۷۹۶] بی.بی.سی به نقل از مقامات دولت امریکا ۴ / ۲ / ۶۷.

[۱۷۹۷] دیلی تلگراف ۹ / ۶ / ۶۶، رادیو امریکا ۲ / ۷ / ۶۶ و نیویورک تایمز ۴ / ۷ / ۶۶.

[۱۷۹۸] رادیو امریکا ۱ / ۹ / ۶۱.

[۱۷۹۹] همان، ۲۴ / ۴ / ۶۱.

[۱۸۰۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت ۱۳ / ۲ / ۶۳.

[۱۸۰۱] رویتر از بغداد ۲ / ۷ / ۶۳.

[۱۸۰۲] صوت الجماهیر ۲۷ / ۵ / ۶۴.

[۱۸۰۳] رادیو امریکا ۲۸ / ۱۲ / ۶۲.

[۱۸۰۴] رسالت به نقل از المستقبل ۱۳ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۸۰۵] فایننشال تایمز ۳ / ۵ / ۶۵.

[۱۸۰۶] دفتر سیاسی سپاه، گذر از بحران ۶۷، نشر تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹.

[۱۸۰۷] همان، ص ۷۲.

[۱۸۰۸] فایننشال تایمز ۷ / ۶ / ۶۶.

[۱۸۰۹] بی.بی.سی ۷ / ۵ / ۶۷.

[۱۸۱۰] رادیو امریکا ۲۵ / ۴ / ۶۱.

[۱۸۱۱] بی.بی.سی ۲۴ / ۴ / ۶۱.

[۱۸۱۲] تایمز ۲۰ / ۱ / ۶۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۸ / ۳ / ۶۳ و رادیو اسرائیل ۳۰ / ۱ / ۶۵.

[۱۸۱۳] نیویورک تایمز ۶ / ۳ / ۶۳.

[۱۸۱۴] رالف کینگ، نشریه ادلفی پیپر، ص ۷۰.

[۱۸۱۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱ / ۳ / ۶۳.

[۱۸۱۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی از استکهلم ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۸۱۷] یونایتدپرس ۳ / ۲ / ۶۷ و خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۸۱۸] یونایتدپرس از واشنگتن ۲۳ / ۱۱ / ۶۴ و رادیو امریکا ۸ / ۱ / ۶۵.

[۱۸۱۹] آسوشیتدپرس از ابوظبی ۲۵ / ۱۲ / ۶۴ و رویتر از بحرین ۱۹ / ۱ / ۶۵.

[۱۸۲۰] تایمز ۷ / ۶ / ۶۵.

[۱۸۲۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۱ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۸۲۲] رادیو اسرائیل ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۸۲۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۲۹ / ۲ / ۶۵ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از استکهلم ۲ / ۱۱ / ۶۵.

[۱۸۲۴] بی.بی.سی ۱۱ / ۵ / ۶۶.

[۱۸۲۵] یونایتدپرس ۳ / ۲ / ۶۷.

[۱۸۲۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵ / ۲ / ۶۷.

[۱۸۲۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۷ / ۶ / ۶۵.

[۱۸۲۸] دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه، ۱۳۶۶، ص ۱۲۵ و همان، ص ۱۰۱.

[۱۸۲۹] رادیو باکو ۲۰ / ۱۲ / ۶۳، بی.بی.سی ۲۵/ ۱۲ / ۶۳ و یونایتدپرس از مسکو ۲۶ / ۹ / ۶۴.

[۱۸۳۰] پراودا ۲۴ / ۸ / ۶۲ و خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاکستان ۲۰ / ۱۰ / ۶۵.

[۱۸۳۱] واشنگتن پست ۱ / ۱۰ / ۶۱.

[۱۸۳۲] لوس‌آنجلس تایمز ۷ / ۴ / ۶۶ و لوماتن ۳ / ۶ / ۶۶.

[۱۸۳۳] بی.بی.سی ۲۵/ ۱۲ / ۶۳.

[۱۸۳۴] دفتر سیاسی سپاه، گذر از بحران ۶۷، ص ۷۰.

[۱۸۳۵] کیهان هوایی ۲۹ / ۴ / ۶۷.

[۱۸۳۶] دفتر سیاسی سپاه، گذر از بحران ۶۷، ص ۷۰.

[۱۸۳۷] همان.

[۱۸۳۸] همان، ص ۱۲۰.

[۱۸۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن ۱۴ / ۵ / ۶۳ و رالف کینگ، نشریه‌ی ادلفی پیپر، ص ۷۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان



WWW